اِنَّمَا یَخْشَی اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (قرآن کریم)

(از خدای تعالی عالمان خوف میکنند)

دارالقضاء در افغانستان

از اوائل عهد اسلام تا عهد جمهوریت

نویسنده و مؤلف

عزیزالدین وکیلی پوپلزائی درانی

خطاط هفت قلمی (کارمند شایستهٔ فرهنگ)

۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحیم



از اوائل عهد اسلام تا عهد جمهوریت

نویسنده و مؤلف

عزالدین وکیلی فوفلزائی

(خطاط هفت قلمی) کارمند شایسته فرهنگ

کابل ۱۳۶۹

عنوان کتاب : دارالقضاء درافغانستان
ناشر : مرکز تحقیقات علوم اسلامی
تألیف و تحریر : عزیزالدین وکیلی فوفلزائی
محل طبع : مطبعهٔ دولتی کابل
تیراژ طبع اوّل : ۲۰۰۰
سال طبع اوّل : ۱۳۶۹ (هجری شمسی)

اهداء

تاریخ دار القضاء در افغانستان این تألیف جدید و سراپا مستند
و موثق را که یادی از تاریخ پر شکوه دوره های تمدن اسلامی افغانی و مراکز
علوم اسلامی و ادارات عالی قضائی مطابق باحکام دین مقدس اسلام
و تابعیت مقررات مذهب منیف امام الاعظم ابی حنیفه کوفی رحمة الله تعالی علیه
از همان دوره اول تا دوره استعمار استقلال و این دوره جمهوریت اسلامی افغانستان میدهند
به پیشگاه عموم دیانت پرستان و مخصوصاً علماء علوم شرع و قانون قویم اسلام
و جوینده گان تاریخ قضاء و تشکیلات ادارات قضاء در افغانستان
اهداء مینمایم.

(عزیزالدین وکیلی پوپلزائی درانی)

بسم الله الرحمن الرحیم

إن الله یأمرکم أن تؤدوا الأمانات إلى أهلها وإذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل

بدرستیکه خدا امر میکند بشما که ادا کنید امانتها را به اهل آن و هنگامیکه حکم میکنید میان مردم که حکم کنید به عدالت

راقمه عزیز الدین بن المرحوم حاج نظام الدین وکیلی فوفلزائی

۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله

(قرآن کریم)

سپاس مر خدا راست که ره نمود ما را بسوی این و هرگز نبودیم مستعد راه یافتن اگر راه ننمودی ما را خدا

لیکوونکی عزیزالله وکیلی پوپلزی

اِعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی

عدل کنید عدل نزدیکتر است به تقوی

(قران کریم)

خطاط الافغانی
عزیز الدین وکیلی فوفلزائی درانی

انما یخشی الله من عباده العلمـــــاء
(از خدا تعالی عالمان خوف میکننـــــد (قران کریم)

دار القضـــاء
در افغانستـــان

نویسنده و مؤلف

عزیزالدین وکیلی فوفلزائی درانی

١٣٦٨

اهـــــــــــداء

تاریخ دارالقضاء افغانستان ـ این تالیف جدید وسراپا مستند
و رموش راکه یادی ازتاریخ باشکوه دوره های تمدن اسلامی ومراکز علوم
وادارات عالی قضائی مطابق به احکام دین مقدس اسلام وتابعیت
مقررات مذهب حنفیه امام الاعظم ابی حنیفه کوفی رحمته الله تعالی
علیه ـ اززمان دوره اول تا دوره استرداد استقلال واین دوره جمهور
یت افغانستان میدهد ـ به پیشگاه عموم دیانتپرستان ومخصوصاً
علما علوم شرع وقانون قویم اسلام وجویندگان تاریخ قضاء وتشکیلات ادارا
ت قضاء درافغانستان بمناسبت هزار وچهارصد ودهمین سنه
هجری قمری ـ اهدا مینمایم .

(عزیزالدین وکیلی پوپلزائی درانی)

دارالقضاء درافغانستان

خوشامرکز بنای کابل وراهان بسیارش

که روشن میکند دل را جهان ازشرع انوارش

اساس متین دارد چوشرع ازعسا سلام

ازان دارالقضا دارد بلاد ما بهادارش

بتذکار قضاء کردم بنای این کتاب ازسو

عدالت بسکه جا دارد به قلب خلق کهسارش

جهان عدل وهم قانون بود این خطه مرکز

به قلب آسیا کوه بلند ازوصف تذکارش

به اقضی القضات وهم صدر اعضاء العلوم شهرت

بدارالمملکت ما راکه نابل هست اخبارش

امین شرع وهم مفتی بود خانعلوم اینجا

ثبوت دولت افغان بهریک مرزامصارش

عدالت فیها دارد زتاریخ کهن بشنو

شعارا بزرگ همگون لوای شرع اطهارش

زمین بخت قاضی است که دارد باغ در کابل

زهرخانه علوم یکایک برش اشجارش

چه تأثیرا ست در این شهری که گنج و خانقه هر دو
بجور ارد دل عالم بهار معرفت بار ی

صدا یا مرکز افغان که کابل است در عالم
مدار شرع و ارو شن از رحمت ند هد ار ی

سپهر مرتبت در چشم معنی علم دین باشد
ضیاء پیرای هفت کشور و شوق شرع بر ار ی

شیوخ و مرکز دار القضاء آئینه علم است
ز عدل خاصگان دارد چمن پر فیض گلزار ی

چوان دار القضاء مجمع بهر قرنی بود روشن
محیط شرع تائم گشت عهد عدل انصار ی

قضا تملک ما باشد درین دنیا چه خوش فخر ی
شکوه فضل هر عادل جلای در شهوار ی

اول نخبه کتاب نو بود زین عهد اسلامی
به اهل مملکت تحفه زصدق دل به یکبار ی

عطای ملهم غیب است گویا این چنین تحفه
که زینسان اعتبار شرع داده خامه گفتار ی

ظهور حرفها و روشن و تائید باد رخشان مصدر
دگر فرمان پرسان است اصول فقه در کار ی

زبان ((افضلم)) نازد به یمن شرع در دستم
((وکیلی)) در وطن دارم ز علم و عدل پر بار ی

ه ه ه

به پیشواز ازنزول قران عظیم الشـــــــان

بسم الله الرحمن الرحیـــــم

(مقدمه مرکز تحقیقات علوم اسلامـــــــــــی)

مرکز تحقیقات علوم اسلامی افغانستان ، خود را خیلی ها مسعود خوش ـ بخت وموافق میدانـد که به مناسبت پیشوازنزول قران عظیم الشـا ن که شهر صیام المبارک سنه ۱۴۱۰ هجری قمری مصادف است به برج حمل وثور ۱۳۶۹ هجری شمسی د رعهد ریاست جمهوری محترم نجیب الله به طبع تاریخ دارالقضاء د رافغانستان که قسمت اول تالیف دانشمنـد محترم استاد هفت قلم ومورخ عزیزالدین وکیلی پوپلزائی وقسمت دوم ان قضاء د رسالهای انقلاب (۱۳۷۵ ـ ۱۳۶۸) محترم محمد عثـمان ژوبل اثر نشریات ستره محکمه ج ۱۰ اقدام واهتمام مینمایـد :

افغانستان این سرزمین اسلامی افغانی ـ ازبدو پرتو نزول ـوا قران عظیم الشان ـ یعنی از اغاز دوره تشریع اسلامی به تاسیس وتشکیل دارالقضاء اولتر از سرزمین سیستان افغانستان اغازکرده ود رتمان سا ـ حا ت قلمرو باستانی این مملکت و جمیع د وره های تمدن اسلامی افغانی فیض وبرکت علم وعدالت اسلامی بخشید مردم اسالی بلاد این خطه مقدسه اسلامی ـ بحکم ارشاد اتد ین مبین د رهمه اوقات واد وار این اصـــول واساس انقطاع ناپذیر علوم وعدالت اسلامی بد رجه اول رعایت گرد یده موقوه قضائیه همیشه د ر پایتخت وتمام مراکز حکومات ولایات شامل قلمرو این

معهد تمدن جاری وامراحتساب جداً مورد تطبیق بوده است.

درکتب و اسناد وثائق تاریخی افغانستان ازعناوین محاکم شرایع واسماء علما وقضات و محققین ـ یادداشت های بوفرت وکثرت بجاه مانده و فهمیده میشود کدر حفظوا حترام این رسوم شریف شرعی درهیچ زمانی تسامح و اغفال بعمل نیامده واماکتاب جامع ومستقلی که مخصوصاً بعنوان تاریخ دارالقضاء درافغانستان به پیمانه خیلی وسیع و مسلسل ازدورههای اولین تمدن اسلامی افغانی تادوره جدید واین عهد جمهوریتبقلم یکی از مورخین و محققین معاصر افغانی وبصورت مستند وموشبا حفظ تمام نام ها والقاب قاضی القضات ـ قضات و اعضاء دارالقضاء درحلیه تألیف وتکمیل درامده بنظر اهل ـ تحقیق و توثیق رسیده باشد . تا اکنون به طور خطی و یا چاپی وجود ندارد . و ازاینجاست که مرکز تحقیقات علوم اسلامی افغانستا ـ ن در سلسله طبع و نشر آثار خیلی ارزنده و مفید مطلوب عموم علماء و فقهان کشور یکی هم اولتر بدین تقریب حلول شهر صیام المبارک سنه ١٤١٠ هجری نبوی صلعم) بهطبع این تألیف جدید وخیلی باارزش علمی ـ قضائی ـ تاریخی ـ ادبی که حاوی معلومات گوناگون مربوط به دورههای باشکوه اسلامی و افغانی میباشد . اقدام ورزید .

ارزش خاص این گنجینه این است که ازدوره جدید یعنی ازبدو تأسیس دولت خیلی مقتدر اسلامیهٔ افاغنه واغازدوره استقلال کامل این مهد علم پرور وتمدن پروروعدالت گستر نه تنها باستناد کتب اکتفاء بعمل امده بلکه جداً نقوش مهرها صدور واعضاء دارالقضاء مورد نظر

تحقیق قرار گرفته از روی سنوات مهرهای درج وثایق مراتب شخصیت
های بزرگ علمی وقضائی درجه بندی شده واستناد تاریخ مقرری هر
یک قاضی ، سنه ٔ صدور آن تعیین گردیده که این طرز تحقیق دفعه ٔ
اول است که با ارائه عکس های قباله ها وسایر وثایق در تاریخ قضاء در
در این مملکت با این جامعیت عرض وجود وپرتو ظهور مینماید . ومولف
قسمت اول فهرست اسماء علماء وقاضی القضات وقضات را از روی عبارات
وثائق وسنوات شریف مهر که در جبهات قباله ها و فیصله خط ها و
نکاح خط ها وسایر شرعی افغانی درج میباشد تا حد مقدور دریافته
سپرده این تالیف و تاریخ جدید نموده است .
در قسمت دوم این کتاب که به استناد موثق در ستره محکمه ، سیر قضاء
در سالهای اخیر ترتیب وبه قلم توانائی محترم ژوبل صاحب رئیس
صاحب ستره محکمه ، تحریر گردیده وقضاء را در سالهای انقلاب
۱۲۶۷ ـ ، ۱۲۶ در مجموع نشان میدهد فرد و جزء که بخش اول آن
استاد وکیلی پوپلزائی وثایق شناسی و استنتاج عبارات از روی اسناد
قدیمه دقیقاً متوجه شده ونتایج تحقیقات علمی وفنی چندین ساله
را به اختیار مرکز تحقیقات علوم اسلامی گذاشته ، سیر قضاء وسرگذشت
آن در ادوار گذشته وقضاء معاصره از یک طرف گنجینه خوبی در تاریخ قضا
کشور عزیز ما می باشد واز طرف دیگر معلومات خواننده را غنی
میسازد . مرکز تحقیقات علوم اسلامی افتخار دارد که این اثر مشترک
محترم استاد پوپلزائی ومحترم ژوبل صاحب را برای مطالعه هموطنان

مسلمان کشور طبع و تقدیم میـــــدارد .

با عرض حرمت

سرمحقق محمد صدیق سیلانیـــی

رئیس پوهنتون تحصیلات و تحقیقات

علوم اسلامـــی

بسم الله الرحمن الرحيـــــم

مقدمه بخش اول کتـــاب

خوانندهٔ عزیز !

از جمله تالیفات علمی ـ ادبی ـ تاریخی این کمترین عبادالله یکـی این تألیف برگزیده ((نگاهی به تاریخ دارالقضاد رافغانستان)) دررا س ان همه قرار دارد . که نوبت تکمیل ان در این سال ۱۳۶۸ ــ هجری شمسی رسیــــــد .

ودر صدر صفحات باید گفت: علمای محترم امروزی فکر نکنند که در این کشور اسلامی افغانستان در هر دوره مدنیت علماء وقضـات بزرگ گذاشته اند وچرا مانند دورمهای جدید و معاصر شرح مکمل از ــ مراتب علمی و قضائی انها در این تألیف جدید فراهم ننموده وشکـل اختصار را به خود راه داده است.

سعی این است که در کتاب میخواهم علی الاکثر از ان قضات محتر ــم مفصلتر نام ببرم که نقوش مهرها وعبارات القاب انها در وثائق شرعـی واسناد ورسائل ونظامنامه های دولتی حفظ مانده موبقرار این اعتبـــار انچه اسناد روشن ومبرهن از هر دوره مدنیت بیاد میدهد بپردازم .

چراکه اکثر اسناد خطی هنوز پوشیده و مکنون از انظار مانده وعامه الناس بدرک نقوش مهرها موفق شده نمیتواند و چنانکه موفق شـده

نتوانسته اند .

ودرمرور سالیان این گنجینه های اصیل از بین خواهد رفت و فروگذا-
-شت ازان خسران جبران ناپذیر را بار خواهد اورد .

ودیگر اینکه در جمیع کتب و مولفات عصر اسلامی نام های بسیار از -
علمائی که مناصب عالیهٔ شرعیه داشته اند در قید تحریر امده حفظ
مانده وضرورت به تحقیق بیشتر ندارد مگر [illegible] اختصار ویا اغفال بعمل
اید انقدر [illegible] نسبت نمیشد . وترجیح وامتیازی که این اثر مولفه
بعقیده دارد عصری است که تاریخ تقرر عزل قاضی واسم ولقب
وخطاب رسمی [illegible] عالم شرعی عهد جدید انتظام را از نقوش مهر ها
فراهم اورده سپرده صفحات این کتاب نموده است که در وقت طبع کتاب
هذا اکثریت نزدیک به تمام این مهر ها که بهترین وثائق ایمانی
ونشانهای وثائق شرعیه اند که از مرور گذشته یعنی دو ونیم قرن اخیر
روی وثائق امده بجا مانده است بانظار عالم تحقیق رسانیده خواهد
شد . واین یک اقدام اولین ویک تحریک علمی و فنی در عهد مطبوعا-
-ت عصری ونشرات امروزی تحقیقات اسلامی است که به توفیق او -
تعالی جلهٔ عظمته درآینده قریب وبه یمن مساعدت مقامات علمی
وتحقیقی کشور جلوه پرداز عالم معنی قضائی خواهد گردید زیرا
که :

حدیث اهل دل مشهور عالم میشود بیدل

زدریا چون برون اید گهر پنهان نمی ماند

اعتبار مند رجا تقسمت اول این تألیف آن است که تمام اسماء علماء
قدیمهٔ افغانستان و بالخصوص رجالی که مناصب قضاء و لقب شیخ الاسلا
ـم وخان علوم داشته اند ازروی ماخذ ومدارك قدیمه و دور عهد جدید
ومعاصر اغلب از روی نقوش مهر ها وعبارات وثائق شرعیه چیده شده
درقید تحریر و ترتیب در اورده شده و اینگونه مولفهٔ شرعیه در نگاه
هر مسلمان واقع بین وجوینده تاریخ اسلام غیر قابل انکار و فراموشی
است .

درتذکار احوال علماء شرعیهٔ افغانستان ـ محققین ومولفین
دورهٔ قدیم و جدید تاحد امکان خدمت کرده اند ،ولی چون در رشته
پیرایهٔ یك تذکرهٔ مرتب و مکمل تدوین نیافته نمیتوان دسترسها کثیر
معلومات پیدا کرد . وراجع بدورهٔ جدید عذر دیگر موجود است که اکثر
وثائق در دسترس هریك نویسنده و مولف قرار نداشته وهم هر فرد
نویسنده قدرت استدراك حروف و کلمات وعبارات ملجیع های مهر ها
راازروی صفحات قدیم و کهن نداشته و اینکه ذوق و علاقه هرکس
تاکنون متوجه این خدمت علمی و فنی نشد باعث واین خصائص
احوال رجال ازقلم تاریخ مانده است.

واگرکه من میخواستم از تمام قضات دوره های قدیم افغانستان
هم این نوع استدراك کرده اهتمام ورزم ،ولی چون وثائق ازدوره
های قدیم دردسترس ما نمانده است ، معذرت خود را در این
صحائف بجاگذاشتم .

واز این جهت است که من به این خدمت جدید فقط از همین

نگاه ارزش میدهم که مراسم را به اعتبار شریك وثیقه دریافته و مولد انهمه سرمایهٔ افتخارات و ناشی درخشان محاکم شرعیهٔ افغانستان راکه از شریف دورهٔ تمدن اسلامی به میراث مانده است، میدانم و بحیث یك نفر مسلمان سنی حنفی مذهب و افغان بانهمه اتکامی ورزم .

افغانستان این سرزمین مقدس و مهد علوم اسلامی را در قلب
اسیا همه جهان و جهانیان با همه امتیازات خدادادان می شناسند
وازامتیازات علمی و فنی وادبی ان برگزیده تران است که ازبدو تاریخ
پرشکوه اسلام ــ هنرخط و خوشنویسی وصنعت ظریف حکاکی ومهرکنی
واسلوب وثائق نگاری در محاکم شرعیهٔ این پرورشگاه علوم متنوعـــه
اسلامی بصورت علمی و فنی اسلامی در تاریخ چهارده قرن اسلامـی
بمیراث مانده تاانکه بدورهٔ جدید یعنی اغاز دورهٔ ترقیات مجدد ــ
افغانستان رسیده و خدمتگاران علم وعرفان وورع وتقوای شرف هـای
میراثی پدران ونیاکان اسلام افغان خود را براساس مذهب ملنیــف
حنفی حکم تائیـد و تجدید بخشیده اند .

واما چون وثائق قدیمه قبل از تاسیس دولت جدید افغانستـا ن
نسبت به گذشت زمان در دسترس ابناء این عصر موجود نماند ملذا
بجزنامها از مهرها ووثیقه ها نمی توان شرح داد . ولی انچه از ــ
حوادث زمان توسط خاندان های با فضیلت و معرفت افغان نجات
یافته نمیتوان وهم نباید از اداء این خدمت سراپا منفعت خودداری
کرد زیراکه بزرگترین وروشن ترین ثبوت عدالت اسلامی وحقوق اجتما
ــ عی ـ هریك دوره تمدن قباله ها و فیصله خطهای محاکم شرعیـهٔ
افغانیهٔ است .که خوشبختانه دوره های تمدن افغانی این اصـل
بزرگ را در همه مراکز ودرهمه مواقع حفظ کرده است . که حفاظ ان همه
مقررات شرع شریف دین ملنیفه یعنی نقوش مهرهای قضات مزیــن
بالا یا ت با برکات ائینه حقیقت نمای تمام فضائل اسلامی وعدالت

حقیقی افغانی در هر باب از دو قرن پرمجد و افتخار افغانستان پا برجای ماند و علماء و صلحا و مدرسین علوم دینیه از روی هر یک مهر و وثیقه شناخته میشوند ·
زیرا که این گروه به پیروی احکام دین و عادات و سنن پیشوایان دین نظر به عدالت ضبط تقوای ر دانش در میان مردم حیثیت و اعتبار علمی داشته در هر وقت به حیث مرجع قضا و افتا از طرف حکومت ها مورد توجه عام و احترام تام قرار یافته اند ·
ودر این وقت که مقامات علمی افغانی با این عهد دولت جمهوری مجدداً بفعالیت های علمی و تحقیقی اقدام و اهتمام ورزیدن آغاز کرده است ·
اینجانب دیناً و اخلاقاً وظیفه خود دانستم تا اولتر از همه آثار مولفه مرتبه این گنجینهٔ ذخایر اسماء و عنوان های علما اسلامی افغانی را اولتر دست نشر بسپارم · و مختصری از تاریخ قضا را در افغانستان اجمالاً تذکار دهم ·
بدین معنی که صدر و اعضا دارالقضاء از نخبه ها ونابغه های علمی و در مسائل و موارد مهم علوم اسلامی و روایات حد یتوفقه خدمات شایانی را در عالم اسلامیت و افغانیت انجام داده اند که بوجود آمدن وزارت شئون اسلامی و ارج گذاشتن بمقام ستره محکمه در عهد حاضر موید آن است ·
• در افغانستان علمائی که از نگاه عدالت و تقوی در میان اجماع علما مشهور و به تحصیلات مدارج عالی علمی متصف می بودند — برای

مناصب قضا وافتا انتخاب وبه فرمان اولی الامر معظم دولت مقرر مـــی

شدند . وان علماقسمی که در این کتاب دیده و شناخته میشوند علاوه بر

مناصب قضا و افتا ـ مشاورین ومصاحبین علمی دربار نیز منتخب میشدند

میگشتند . در شورای علما وانجمن حضور و دارالتفسیر و دارالترجمه

ودارالمنفیین به صفت مولف مترجم ـ مصحح ـ مفسر ـ محــــدث

محقق موقعیت های خاص و مفتخر را احراز میکردند . در شورای دولت

و رگه های نسبی در رتبه اول متمکن وبدون رای وفتوی ومشورت علمـــا

ومهر وامضا انعاد ر وثائق و بعضوبات امری وحکمی اجراء و انفاذ نمــــی

یافت که اسناد آن در این کتاب مندرج است .

در کابل پایتخت افغانستان و شهرهای اطراف افغانستا

ـــن دارالقضاد رهر وقت متشکل وبزرگترین علما نخبه ومرشناس فقه وادب

هرولا یتکه در شیوه ورع وعدل و انصاف متصف می بودند حائز مرتبه

قضا و افتا شناخته میشدند . با زندگان مناصب بزرگ علمی و قضائـــی

افغانستان بالقاب :

شیخ الاسلام ـ اقضی القضات ـ خان علوم ـ نائب خان علوم ـ خان

علما ـ خان ملا ـ صدر دارالقضاء ـ صدر الصدور ـ نائب دارالقضـا

امین الشرع ـ داروغه عدل ـ امین محکمه ـ امین قوانین اسلام ـــ

قاضی عسکر ـ قاضی مفتی ـ خطاب میشدند و هیاءت علماء حضور نیز

مقرر میبودند . صلاحیت تدریس و موعظت و خطابت مخصوص انهـــا

ودر سفر های رجال دولت و حکومت همراه ودر مرکز ومحل اقامت

انجمن های علمی و قضائی و تحقیقی توسط این سرشناس ترین علماء و فقها منعقد و خطب و مقالات و عبارات مولفات و مصنفات ملاحظه می گردید . ومرکز تبلیغات وارشادات دینی بنام تسبیح خانه و خانگاه وشاملین این مقامات و مراکز علمی کسانی میبودند که در علو فطرت وکمال فهم ودانش رتبهٔ تفوق بردانشوران زمان خود میداشتند . وبرای کسی که مشکل علمی پیدا میشد ه بصورت رسمی و غیررسمی بحضور اقضی القضات شیخ الاسلام ـ خانعلوم نائب خان علوم ـ قاضی امین محکمه مراجعه کرده حل سوال می نمود . چون این دسته رجال بزرگ علوم دینی با هرگونه اعتبارات و امتیازات علمی و فقهی ومطالعات دقیق ادبی موصوف و مشهور می بودند عموم مصنفات و فیصله خطها از نظر ملاحظات انها گزارش می یافت .

علماء علوم دینیه نظام نامه های دولت را از احکام کتب دینی ترجمه و ترتیب نموده به نظامات دولت به مهرا علما جید کشور ضمیمه می نمودند . که تشریح این همه گزارش ها را از مندرجات این کتاب تاریخ قضاء در افغانستان وصورت تشکیلات دارالقضاء را با اعتبار وجود اشخاص صاحبان مراتب و ثبوت نقوش هریک مهر و شرح و درج معتبر ترین وثائق قباله ها ـ فیصله خطها ـ اقرارنامه ها نکاح نامه ها تقسیم نامه ها ی ـ میتوان بدرستی دریافت.

محاکمه عسکری مربوط به (قاضی عسکری) بود و انها نیز همان طرز وظائف را اجرامی کردند که قضات محاکم ملکی اجراء می نمودند

بدین معنی که همه تابع احکام شریعت اسلام وپابند اصول مذهب منیف حنفی بود ند ۰ بغیر ازقاضی عسکرهرای اجرای احکام مذهبی وو ارسی ازان محتسب نیزوجود داشته و چنانکه در این کتاب ازقاضی عسکرها ستناد ارقام یاد کرده ایم ۰

کسانیکه اسناد شرعی و دولتی افغانستان رادرمرور گذشته درستمطالعه نکرده شرحی درباره بعضی موارد گفته ویا نوشته اند چون سند ندارند نباید مورداعتبارقرارداد ۰ چراکه همه عموم زمینداران - ران رادرسابق طوری معرفی کرده اند که گویااکثریت نزد یک به تمام املاك اوشان را طوربخشش شخصی روابط قومی بدست می آوردند روی این تجربه اینك فصول متعدد یکه بادرج بعضی وثائق همدرین کتاب افزوده ایم - نمونه ها ومثال های زیادی راازان همه اجراات محاکم شرعیه افغانیه راارائه میدارد وافغانستان را در مرورتاریخ یك کشور دینی وقانونی معرفی مینماید ۰ درجایی که شریعت اسلام حکمفرما باشد سوخت وساخت بعمل نمی اید ۰ ونظایرهاین مثال ها واشارات همه امور استملاك جایداد و قطعات زمین را میتوان زرخرید وبحامل وثائق شرعی باید دانسته وانچه سند ندارد ساستملا - ك املاك لامالك و یاغصبی است ۰ وانچه مکافاتی است اسناد دولت قانونی حقوق مالك املاك رامطابق مدرجات خدمت اوکه برای دین ووطن واستقلال انجام داده استصریح کرده واگر استرداد هم شده - مطابق مرضا و موافقت مالك ان بوده است که از جهت منافع عامه واپس بدولت واگذارشده است ۰ ودیده میشود که هر سند یمطابق

به تصدیق محاکم شرعیه واهالی دارالقضا و شهادت شاهدان مسلمان عاقل بالغ ستوثیق یافته واحکام رسمی هر عصر حکومت افغانستان تابع احکام شرع مقدس اسلام واصول مذهب امام الاعظم رحمته الله تعالی علیه نشان داده شده انفاذ یافته است.
وکتاب تاریخ قضاد رافغانستان وظیفه دارد که توجهات واجراآت دولت شرعی و قانونی افغانستان رابا ارائه همه اسناد ووثائق وشواهد تاریخ در پیش نظر ارباب تحقیق بکشاند.

ودر خاتمه :

ما خوشبختیم که این کتاب حاوی همه خصوصیات شرعی اسلامی در افغانی راد رعهد جمهوریت و معادف به هزار و چهار صد و دهمین سنه هجری قمری بهمت ریاست مرکز تحقیقات علوم اسلامی در دسترس هم میهنان مسلمان افغانستان میسپاریم و توفیق اتمام واهتمام بیشتر اینگونه گنجینه های علمی وقضائی را برخود و همه خدمتگاران علم وادب میخواهیم.

(وماتوفیقی الابالله علیه توکلت والیه انیب)

عزیزالدین وکیلی پوپلزائی تهیه کننده قسمت اول کتاب

محرم الحرام سنه (١٤١٠) هجری قمری
اسد سال ١٣٦٨ هجری شمسی

بحث اول

مقدمات تاریخ دارالقضاء در افغانستان

از

قرن اول تا قرن یازدهم هجری قمری

اقضی القضات

بضم قاف دوم و فتح و تخفیف ضاد معجمه دوم ـ قاضی تراز قاضیان ـ یعنی ان قاضی که در مرتبه ٔ قضا بالاتر از قاضیان باشد ٠

قاضی القضات

حکم کننده ٔ حکم کنندگان :

قاضی ـ حکم کننده ، واداکننده ، و توانا و حاکم وزورمند ٠

قضات ـ بضم اول و تخفیف ضاد معجمه و تای فوقانی ـ جمع قاضی وباین معنی به تشدید ضاد معجمه خطاست ٠

قضا ـ حکم کردن ٠

قضیه ـ حکم گذاردن و خبر و حکم ٠

قضایا ـ حکم ها و خبرها جمع قضیه ٠

ه ه ه

دارالقضا ـ جای حکم کردن

محکمه

بالفتح ـ جای حکم کردن قاضی ـ درسابق درافغانستان چون بعضاً ادارات حکومت را نیز محکمه میگفتند : از جهته احترام مقام شرع جای حکم کردن قاضی را (محکمه شرعیه) می‌نوشتند . و بعداً ازروی احترام این اسم مخصوص محکمه شرعیه گذاشته شد . و ادارات حکومت ریاست و مدیریت عنوان داده شد .

فتوی

بالفتح ودر آخر الف مقصوره بصورت یا ـ حکم شرع فتوای وفتیا ـ بضم آنچه بدان حکم کند فقیه در مسئله مفتی ـ فتوی دهنده حکم شرع

ه ه ه

قاضی و مفتی هردو کلمه عربی است ودر افغانستان این کلمات از بدو تاریخ اسلام احتراماً و تقدساً در وثائق واسناد افغانی حفظ و حمایت گردیده وازمرور چهارده صد سال معمول ومروج مانده است . وچنانکه کلمات صدر ـ وکیل ـ وزیر ـ مستوفی ـ منشی ـ معین ـ رئیس ـ مدیر ـ نیز همه عربی و بطور عموم درکشور اسلامی افغانی مان معمول ومروج و این اسماء بنابراعتبارات علمی و تاریخی به طور دایم حمایت میگردد .

لغات و اصطلاحات علم قضاء

فقه ــ بالکسر و های ملفوظ دریافتن و دانستن وعلم ــ لیکن مخصوص شده بعلم ومعرفت احکام شریعت •

فقیه ــ بروزن فصیح بمعنی دانشمند ودانای علم شرع •

فقها ــ بضم اول و فتح ثانی ــ دانشمندان علم شریعت و جمع فقیه

فقاهت ــ بفتح دانشمندی ودریافتن و دانستن •

قاضی بیضا ــ صاحب تفسیر بیضاوی و بیضا شهریست درخراسان •

قاضی چرخ ــ ستاره ٔ مشتری که سعد اکبراست •

قاضی حکم کننده واداکننده •

قضا ــ به فتح حکم کردن و گذاردن واجب واداکردن و افریدن و تمام کردن و بیان نمودن •

قضات ــ بضم اول و تخفیف ضاد معجمه و تای فوقانی ــ جمع قاضی وباین معنی به تشدید ضاد معجمه خطاست •

قضیه ــ به فتح اول و کسر ثانی ویای تحتانی مشدده بمعنی مطلوب وبمعنی حکم گذارادی ورجبنر حکم •

اقضیه ــ بالفتح وضاد معجمه ٔ مکسور ــ جمع قضا که به معنی حکم باشد •

اقضی ــ بالفتح وضاد معجمه مفتوح ــ حکم کننده تر •

اقضی القضات ـ بضم قاف دوم و فتح و تخفیف ضاد معجمه دوم ـ قاضی تر از قاضیان ـ یعنی ان قاضی که در مرتبهٔ قضا بالاتر از قاضیان باشد .

فتوی ـ بالفتح ودر اخر الف مقصوره بصورت یا حکم شرع .

اعدل ـ بفتح اول و فتح دال ـ شایسته تر بگواهی دادن و داد دهنده تر .

ه ه ه

در فرهنگ لغات در کلمه قضا ـ همزه دیده نشد ولهذا قضاء وقضائی به همراه همزه نوشتن قابل تأمل است .

منصب مفتی ـ ازقرن اول اسلام مروج بوده چنانکه عطاء مفتی مکهٔ معظمه در سنه یکصد و چهارده (١١٤) هجری قمری وفات یافته وان حباب معاصر از حضرت امام اعظم (ع) بوده است .

ودر افغانستان از همان قرن اول کلمهٔ مفتی که عربی است در تاریخ قضا رواج دارد .



شــــــريعـــــــــت

شریعت ــ راه پیدا کردهٔ خدا برای بندگان در دین محمدی (ص) بعبادات و معاملات ــ وجوی بزرگ و کنارهٔ ابی که خلائق از انجا اب خورنــــــــــد .

ه ه ه

شرع ــ راه راست وراه بزرگ وصاحب شرع عالم عامل که تعلیم دین به مردم کنــــد

ه ه ه

قانون ــ این لفظ سریانی است یا یونانی ــ بمعنی اصل هرچیز ومجازاً بمعنی قاعده و دستــــــور .

قویم ــ بمعنی راست و استوار ــ قانون قویم یعنی قاعده و دستور راست واستوار ود را افغانستان قانون قویم همان قاعده و دستوری را ــ میدانند که کاملاً تابع حکم شریعت اسلامی و مطابق مذهب منیــــف حنفی باشــــــد .

ه ه ه

اصــــول ــ جمع اصل که به معنی بیخ است و نام علمی در ان از هر چهار اصول فقه که اوله شرعیه عبارت از ان است بحث کند وان این اســــت :

کتاب و سنت واجماع الامت وقیاس در اینجا معنی کتاب وسنت قرآن وحدیث است.

پس اجماع امت عبارت است از اتفاق صحابه یا مجتهدین برچیزی وقیاس عبارت است از تشبیه چیزی به چیزی بسبب اشتراک آن هردو درامری که ثابت شود درچیزی اول حکمیکه ثابت است درچیز دوم.

ه ه ه

قانون شریعت

پایه پیغمبری رابرد براوج بلند

تابه حشر اوازه از لانبی بعدی فگند

کاروبار معرفت چون یافت حسن انصرام
(۱)
محبت ایزد تعالی گشت هرمردم تمام

چون به حکمت گشت قانون شریعت با نظام

کردان جان جهان رحلت سوی دارالسلام

رشته دین هدی دردست قومی واگذاشت

کوبزرگی درجهان با خویشتن همتا نداشت
(۲)
تاجداران سعادت صوفیان با صفا

خازنان گنج حکمت خالی از حرص وهوا

سیرچشمان قناعت فارغ ازکبروریا

جان نثاران شریعت خاصگان کبریا

ازدرون جان هواخواهان دین احمدی
وزته دل طالبان فیض سرمدی
داشت برسرتاج دانش هریک ازبرنا و پیر
گشته از سرمایهٔ علم و عمل هریک امیر

(۱) قال صلی الله علیه وسلم الا انه لا نبی بعدی — به تحقیق بعد از من نبی نخواهد بود .
(۲) مراد از قوم صحابه کرام و خلفای عظام است — رضوان الله علیهم اجمعین .

تصریح لغات و اصطلاحات علمی قضاء

کلمات و جملاتی از قسم: قاضی ــ مفتی ــ اقضی القضات ــ قاضی القضات ــ شیخ الاسلام صدر الصدور ــ صدر العلماء ــ ملا ــ مولوی عموماً عربی. واز اغاز پرتو دیانت مقدس اسلام و اصول قران کریم در این سرزمین اسلامی مان افغانستان بهمراه زبان عربی که زبان قران است وارد شده ومورد تقدیس ویقین خاص وعام قرار یافته مروج مانده است.

کلمات و جملاتی از قسم: ملاباشی ــ خانعلوم ــ خانعلماء ــ خان ملا باترکیب کلمات دری وترکی رواج یافته ودیرزمانی برا فغانستا ــ ن برای روسای محاکم عالیه شرعیه خطاب میرفت واین خطابها ی علمی برای عذر مقامات شرعی مخصوص فرمان دولت بود. وچنانکه ــ جملهٔ ستره محکمه ــ کلمات پشتو وعربی باهم ترکیب یافته است.

ملاباشی ــ یعنی رئیس ملاها.

ملاء ــ بضم میم وتشدید لام وبعد الف همزه صیغهٔ مبالغه بمعنی بسیار پر یعنی بسیار پر از علم ملخوذ از ملوء که به معنی پری است ــ چنانکه کبار بضم وتشدید به معنی بسیار بزرگ. باش ــ بشین معجمه در ترکی به معنی سر که به عربی راس گویند.

باشی بشین معجمه در ترکی به معنی سردار ــ ملاباشی یعنی رئیس ملاها ویا سردار ملاها.

ملاباشی ــ این منصب عالیهٔ علمیه در اسناد ووثائق افغانستان

درعهد امپراتوری درانی دیده شده است .

خان ملا — یعنی رئیس و امیر جمعیت ملاها وجمعیت العلماء .

خان — در فرهنگ لغات به معنی رئیس و امیر و داخل اسماء امراء وسلاطین میشود .

در افغانستان در سابق برای صدر دار القضاء ویا دار العلوم این خطاب داده میشد .

مولی — در اصل مولوی بود . مولوی به فتح میم ولام منسوب به مولا که به معنی خداوند است .

وانتهای حد عزت وحرمت همین بوده واست که اهالی مسلمان افغانستان او هر طبقه مردم برای علماء علوم شرعیه قائل شده اند واین کلمات در سجع های مهرهای سابق از وثائق دریافته میشود .

علماء بلخ که در بخارا منصب قضا داشته اند

از علماء بلخ کسانی که در بخارا منصب قضا داشته اند در صفحات تاریخ بخارا یاد شده است که بجهته معلومات خوانندهٔ تاریخ دار القضاء در افغانستان وبنابر ارتباط علمی که به ولایت شمال افغانستان دارد — عیناً نقل میشود :

سپویه بن عبد العزیز البخاری بود ومحمد بن اعین گفت از عبد الله مبارك شنیدم که گفت: سپویه قضای بخارا کرد وبه دو درم جور نکرد وباز گفت دو درم بسیار باشد به ذره یی جور نکرد . وباز مخلد بن عمر قاضی شد به سال های دراز چندانکه اخر کار شهید شد . ودیگر

ابو یم حازم سدوسی که وی‌را از خلیفه فرمان قضا رسید . ودیگـــر
عیسی بن موسی لتیمی المعروف به غنجار بود که رحمته‌الله ورا قـضـا
دادند قبول نکرد سلطان فرمود اگر قضا نکنی کسی را اختیار کن کـــه
به وی دهم اینهم قبول نکرد سلطان فرمود که اهل قضا را پیش از یاد
کنید همچنان کردند ونام هرکس که پیش او یاد کردند خاموش گشت.
گفتند خاموشی از وی علامت رضا باشـــد حسن بن عثمان را قضـا
دادنـد . درعهد او در شهرهای خراسان به علم وزهد او هیچکس را ـ
نشان ندادنـــد .

باز عامر بن عمر بن عمران بود . وباز اسحق بن ابراهـــیم
بن الیعطی بود وبعد از عزل به طوس وفات یافت در سنهٔ ثمان ومأتیـــن
(۲۰۸) قمری ودیگر سعید بن خلف البلخی بود که وی را قضا دادند
در سلخ جمادی الاول سنهٔ ثلاث عشر ومائتین (۲۱۳ ق) به وجهی
قضا راند که بروی مثل زدند از عدل و انصاف و شفقت برخلق خدای ـ
تعالی و سنت های نیکو نهاد و از آن این درغات و قسمت الشرب بخارا ـ
وی نهاد بعدل و انصاف تا قوی به ضعیف ستم نکنـد . ودیگر عبدا
لمجید بن ابراهیم النوشحی را که رحمته‌الله اورا از جمله عباد الصالحین
گفتنـــدی . دیگر احمد بن ابراهیم البرکدی رحمته‌الله به روزگار ـ
سلطان احمد بن اسماعیل الساماني قاضی بود وهم فقیه بود وهم زاهد .

دیگر ابونصر محمد بن یوسف البخاری از جملهٔ اصحاب امام شافعـــی
بود (رحمته) وباعلم وزهد بود و اورا بر علماء بخارا تقدیم کردندی و اورا
بسیار بیازمودند به رشوت پنهان و به هر معنی به هیچ چیز خویشتن

راآلوده نکـــــرد ٠

بلکه هرروزعدل و انصافازاوظاهرترمیشد ٠ وچون پیرشداز قضـــا عفو خواست٠ وبه حج رفت ٠ وحج گذارد ومدتی به عراق ماشهــد ود رطلب علم حدیث پیغمبرصلی الله علیه وسلمبود ٠ وشاگـــردی نکرد بازو به بخاراامد وعزلتاختیارکرد : تاآخرحیات (رحمته اللـــه علیه)

دیگر ابوالفضل بن احمد المروزی السلمی الفقیه رحمتالله صاحب مختصر کافی لسالهای بسیار د ربخاراقضا کرد که به د رقضروی عیـــب نگرفتند وعدل و انصافعام میکرد ٠که به روزگاراو د رد نیابه علم و زهـد مثل اونبود ٠ بعدازان وزیروسلطان شد وبه مروشهید شد ٠

((رحمتالله علیهم اجمعین))
(۱)

(۱) او صفحات ۶ـ ۷ تاریخ بخارا راتالیف ابوبکر محمد بن ـ جعفر النرشخی ٠
(۲۸۶ـ ۳۴۸) طبع مطبعه د ولتی کابل سال ۱۳۶۶ شمســـی

مفتی بلخ

(متوفی سنه (۲۲۰) هجری قمری)

مولف تاریخ بخارا نوشته است : سعید بن خلف بلخی بنامش درماخذای که در دست است به نظر نرسید . محتمل است وی ابوسعید خلف بن ایوب عامری فقیه حنفی مفتی بلخ وخراسان صاحب کتاب اختیارات در فقه باشد که در سال (۲۲۰) وفات یافته است (۱)

از نگارش تاریخ موصوف معلوم گردید که از همان قرن دوم یعنی زمان نزدیک بعصر حضرت امام الاعظم کوفی رحمته الله تعالی علیه در محاکم شرعیه افغانستان ـ اصول مذهب حنفی و فقه حنفی رائج بوده و قاضی و مفتی شامل این مذهبی بودند . و از جمله مفتی بلخ وخراسان استنباط میشود که در تمام محاکم اکر اینطرف و انطرف رود جیحون اقتدار علمی وقضائی داشته است .

(۱) ص ۱٤٥ تاریخ بخارا ـ طبع کابل

دیوان قضا ـ دیوان محتسب ـ دیوان اوقاف

آل سامان که اصلاً از بلخ و از قریهٔ سامانهٔ بلخ ظهور و عروج کرده اند مؤلف تاریخ بخارا در عهد قدرت آن دودمان نوشته است:

در روزگار آل سامان امیر سعید نصر احمد بن اسماعیل السامانی به ریگستان سرائی فرمود ـ وسرای ساختند. و برد رسرای خویش سرای عمال فرمود بنا کردند چنانکه هرعاملی راعلیحده دیوانی بودی برد رسرای سلطان. چون دیوان وزیر و دیوان مستوفی و دیوان عمید الملك ودیوان صاحب شرط و دیوان صاحب مؤید ودیوان شرف و ـ دیوان مملکه خاص ودیوان محتسب ودیوان اوقاف ودیوان قضا بدین ترتیب دیوان ها فرمود بنا نهادند (۱)

دیوان بمعنی دفتر واداره ومقصد از ورد این مثال آنکه در اسناد و ماخذ عهد سلطنت اهالیان افغانستان عین این اصول واصطلاحات اداری وقضائی باانداك تبدیل کلمات مصطلح ومروج بود وجمیع این دولتهای تحت ادارهٔ دیوان اعلی یعنی صدر تمام ادارات دولت اداره میشد ونامهای همان ادارات در فرما نهاده میشود ودراین کتاب تاریخ دارالقضاء در مواقع خود ش تشریح میگردد.

(۱) ص ۳٦ تاریخ بخارا ـ طبع کابل.

القاب قضاة در افغانستان

قضات در افغانستان در هر عهد ودر هر یک مرکز مملکت القاب علمی بسیار داشتند ونافذ الامر شناخته میشدند وچنانکه در این عهد شناخته میشوند. چون در این تاریخ قضا میخواهم هر مطلبی را به رویت اسناد وثا - ئق ثابت بگردانم از متن وقف نامهٔ یی که بتاریخ (۱۹) شهر صفر المظفر سنه ۱۲۰۹ هجری قمری نوشته شده، ودر مجله اریانا کابل در برج میزان سال ۱۳۵۱ شمسی به طبع رسیده است. سطور وجملاتی را بدین طریق نقل می پردازم:

عالیجناب شریعت پناه مرحومی قاضی قطب الدین ابن عالیجناب شر - یعت پناه قاضی نورالدین عبدالرحمن الامامی که قاضی نافذ الامر بود ند بدار الخلافه هرات و توابع ان وعالم بوده. در محل خلافت در ضمن مرافعهٔ شرعیه بصحت ولزوم این وقف حکم کرد ....

(........ بحکم حضرت قاضی الاسلام ......)

قاضی صدرالدین محمد بن قاضی قطب الدین عبدالله متو فی ۸۳۸ ق - درگازرگاه به حظیرهٔ قطیرهٔ قضات امامی مدفون است.

(........ این موقوفات را به حضور قاضی الاسلام دارالسلطنهٔ

هرات مرافعه نموده به دعوی و انکار واستشهاد کما هوقانون شرع شریف ثابت سازدم.

درهمین وقف نامهٔ مورخ (۱۹) صفر ۹۱۲ قمری درقسمت وظیفه نوشته است :

(یکنفر امام صالح عالم حنفی المذهب که در این جنبد ((گنبد)) موقوف علیه مذکور به امامت صلوات خمس قیام نماید و بی عذر تعطیل نکند دریک سال نقده مبلغ سیصد دینار کپکی حنطه مقدار مپنج خروار.

ه ه ه

این بود سطوری چند از وقف نامهٔ خیلی مشروح ومفصل که در عهد تیمور یان درمحکمهٔ شرعیه هرات نوشته شده است.

میرخواند نوشته است : (بسال ۹۱۲ نظام الدین عبدالرحیم از طرف عبیدالله ازبک بمرتبهٔ صدارت رسید قاضی امامی را قاضی نافذالامر هرات مقرر نمود) .

ه ه ه

چون افغانستان این کشور باستانی اسلامی مردانی درفقه قضا اد بـ خطابت و موعظت درهر عهد مدنیت اسلامی داشته ودارد واز بین این قضات بعضاً صاحبان تصانیف بزرگ نیز گذشته اند . از انجمله است که تاریخ پیشوایان فقه و ادب شریعت را به صفات فقیه حنفی

وصاحبان تدریس قضا بما می شناساند. واین چند مثال ها بود که اختصا
ـ را ٔد رتاریخ بلخ ـ غزنی وهرات پرداخته شـــد.
واین القابی که مذکورشد درمحاکم وسایرمقامات علمی وادبی افغـــا
ـنستان تادیر زمانی مروج بود ودرعهد جدید و معاصر از جهته ـ
تلخیص و تسهیل امور وثائق به مخففات اکتفا ورزیدند کهدراین کتاب
مثال های روشنی از اثار نثرونظم مندرج اســـت.
دراسناد ووثائق عهد امپراتوری درانی ـ القاب علماء و قضـــــات
افغانستان با نواع عبارات حفظو احترام شده که چند نمونه ازان رادر
این کتاب نقل ودرج مینمایم :

(عالیجاه شریعت دستگاه گنجورخزائن فضل و کمال ـ خازن حال و
قال ـ دانای اسرار معقول و منقول ـ خوانای رموز فروع و اصول ـ عقده
کشای مسائل تدقیق ـ رهنمای طریق تحقیق ـ کامروای طالبان علم ـ کا
کاشف رموز معانـــی ـ)

ه ه ه

(رتب افزای مدرسه ٔ افادت و افاضت ـ زینت پیرای محکمه فصاحـــت
و بلاغت ـ محسن الاخلاق ـ علامی فهامی ـ نخبه ٔ قضات بلند ایات).
(زبده ٔ علماء ونخبه ٔ فقها) ـ مشید ارکان شریعت ـ رهنمای طوائف
انام ـ مطلع انوار افاضت).

واین طرز القاب مخصوص قاضی القضات و حاتعلوم خانطلا
و اقضی القضات و قاضی عسکر بوده است که به ظریق مثال پرداخته
شد وازمطالعه متن وثائق مندرج این کتابنیز مثال های به نظر
تحقیق میرسد .

قاضی اسمعیل

د رقرن ششم هجری قمری د ر ولایت سند میزیست و تاریخ فتح الاسلام
یعنی تذکار رورود لشکر اسلام راد راقلیم سیستان وزابلستان از ابا و اجد
اد خود که علماء و قضات بودند د راختیار داشت .

د رجلد سوم تحفته الکرام تاریخ ولایت سند مسطوراست
که :

(اهل سند سابق زبان د ری را نمی دانستند وکتاب تاریخی د راحوال
ملك خود باین زبان نداشتند . ود رسنه (٦١٣) هجری قمری علی
بن حامد بن ابی بکر الکوفی ساکن اوجه د رملك سند د رشهر بهکر والور
وارد شد وبزرگان خاندان های بقایای عرب راد ید وپ رسید شخصی
استکه از فتح اسلام تصنیفی بزبان د ری به جهت اگاهی مرد م مرتب
نماید .

قاضی اسمعیل بن علی بن محمد بن موسی بن طابی سراد ریافت

ونزد اوسولدا ی ازتذ کره بزبان عربی که اجداد شرد رتفصیل وقایع سند و
فتح ان پرداخته بود نه ه دید مترجمه ان به دری کرد .

فتح نامهٔ سند معروف به چچ نامه ــ تألیف علی بن حامد ابی
بکوالکوفی در سنه (٦١٣) قمری نوشته شده و میرعلی شیرقانع در تحفته
الکرام اثرخود اشارات نموده ومتن دری ان که در حید راباد دکن بــه
طبع رسیده از نظرمن گذشته است (عزیزالدین)

قضات دیوان اعلی

در افغانستان در دیوان اعلی (بزرگترین مرکز ادارات دولت) قضات عالم و عادل عضویت میداشتند و این رسوم در افغانستان در هر عهد جاری بود .

ابوالمجد مجدود حکیم سنائی در کتاب حدیقة الحدیقه ضمن قطعه نظم از بهرامشاه سلطان عصر توصیف نموده که قول موصوف را در تاریخ قضا بدین طریق سند می آرم :

اهل غزنین چه کرده بود از داد
که چنین شان کریم شاهی داد
چو ز دیوان گذشته از پی روین
رونق خواجه تابشه علیین
اهل دیوان همه عدول قضات
گاه توقیع و خط و عرض و برات

ه ه ه

در تشکیلات عهد دولت شاهنشاهی درانی در افغانستان مستقل مثلاً بالمثل این گزارش عهد غزنوی را میبینیم که در دیوان اعلی یعنی بلند ترین مرکز فرمانروایی مملکت دارالقضا و هیأت قضات نیز عضویت میداشتند و در اجرا احکام شرع مقدس وظیفهٔ همکاری و وارسی داشتند .

اعلی به این معنی که فوق ان هیچ یك اداره دیگر حکمفرما نبود واین اداره بزرگ مرکزی مرجمیع ادارات ملکی ـ نظامی ـ قضائی افغانستان فرمانروا وواریس تمام امور بلاد وولایات شامل قلمرو مربوطه منحصر بان بود وتمام قضات مراکز بفرمان دیوان اعلی یعنی بزرگترین مرکز اداره مملکت مقرر میگردیـــــــد .

وکارمندان دیوان اعلی را با احترام بزرگواری قلم وبزرگواری وظایف ایشان بالقاب عالیحضرت ومیرزا وبه خطاب اقایان دیوانی می ستودند .

کاپیتان ملکم نوشته است : ((فیصله وحکم برچیزها رامرشرعی ـ مخصوص دیوان بیگی بود ـ حکم قتل و هرگونه جزاء مزرق که سابق از ـ صلاحیت پادشاه بود بوکالت خویش شخصی راکه بدانعهده ومقام بر گزید دیوان بیگــی لقب داد)) . این نوشته اوکه درخصوص دوره ـ صفوی تذکار داده است درمورد افغانستان نیز کاملاً صدق میکند وعیــن این اصول رائج بود .

محمود الحسینی وقایع نگار نوشته است : ((احمد شاه دران متواتر بعد از نماز فجر و ظهر به دیوان اعلی تشریف اورده عرض چیان را به حضور طلبیده به غور عرض و التماس هریکی وارسیده داد رعیت پروری وداد ـ گستری می داد)) (۱)

محمد اسمعیل خان فوفلزائی ازسنه ۱۱۲٤ هجری قمری

تا سنه ۱۱٤٤ هجری قمری دیوان بیگی دولت ابدالی هرات ((پیش از امپراتوری احمد شاهی)) مقرربود . در عهد امپراتوری احمد شاهی عبدالله خان ابن شاه علم خان درانی فوفلزائی باین منصب برقرار وعمده الامرا لقب و کیل الدوله خطاب داشت .

یعنی بوکالت سرقهرمان وقت اعلیحضرت احمد شاه ذوی صلاحیت وارسی از امور اداری و قضائی و نظامی داشت . در عهد تیمورشاهی ــ عبدالشکور خان درانی فوفلزائی دیوان بیگی هرات مقرربود .

(۱) ص ۵۳۸ تاریخ احمد شاهی چاپ مسکو .

سوابق لقب شیخ الاسلام
در افغانستان

خواجه عبدالله انصاری (رح) که در سنه ۳۷۶ هجری قمری در هرات قدم به عالم هستی گذاشته ودر سنه ۴۸۱ هجری قمری در همان ولایت فوت ومزار مبارکش زیارتگاه بزرگ است . موصوف به لقب حضرت شیخ الاسلام ابواسمعیل معروف وبنام پیرهرات مشهور اند .

خواجه عبدالسلام وخواجه عبدالصمد که هردو برادر بنام عاشقان وعارفان علیه الرحمت در شهر کابل قبورایشان زیارتگاه است بقول تزک بابری و ائین اکبری – پسران خواجه عبدالله انصاری وازهرات به غزنی وازانجا به کابل توطن گزیده فوت شده اند .

در عهد دولت محمود شاه ابن امپراتور تیمورشاه درانی ابراهیم خان جمشید یهروی عمارت زیارتگاه عاشقان وعارفان (رح) را که ازقدیم بنانهاده شده بود در سنه ۱۲۲۶ هجری قمری ترمیم نمود درخصوص این دو بزرگوار اندک اختلاف هم موجود است که بعضا عقیده بران دارند که صحابه کرام بوده اند واولین فتوحات اسلامی وارد کابل شده جان سپرده اند . والبته تفصیل این حقائق ازروی ریافت ماخذ واسناد معتبر معلوم خواهد شد . یعنی لقب شیخ الاسلام در افغانستان به بنقرار واستناد بیش از یک هزار سال سوابق دارد .

واین لقب تا خاتمه دولت امپراتوری درانی در اسناد ووثائق دیده میشود .

احمد بن علی الکنانی العسقلانی المصری الشافعی معروف به ابن

احجرمتولد سنه ۷۷۳ هجری قمری متوفی سنه ۸۵۲ هجری قمری مولف کتاب ((الاصابه فی تمیزالصحابه)) وکتاب ((تهذیب التهذیب به لقب ((شیخ الاسلام قاضی القضات)) یاد شده است.

مقصد اینکه لقب شیخ الاسلام مخصوص علمائی بوده است که منصب عالیه اقضی القضات ویا قاضی القضات میداشتند ودر تاریخ افغانستان این نام ها ولقب ها حفظ مانده است.

القاب علمی

شیخ عبدالقادر بداونی نوشته است که: شیخ عبدالله بن شیخ شمس الدین سلطانپوری صدر اسلام وبعد او سنه ۹۶۳ هجری قمری مخدوم الملک لقب یافت، ونوشته است که مخدوم الملک وپسرانش غلو را نحراف از مذهب حنفی داشتند، وعوامل آنرا نیز تصریح کرده است.

درعهد شاهان افغان از زمانه های قدیم در افغانستان برای علماء منحرف این مجال داده نشده است که برخلاف طریقه؛ تسنن چیزی بگویند ویا بنویسند ویا بمرتبه قضا برگزیده شوند. القاب علمی وقضائی در افغانستان همیشه مطابق به مشوره وپیشنهاد مقامات علمی وبه فرمان دولت افغانستان برای علماء متقی ومتورع داده شده ومناصب قضا هم مخصوص این گونه مردم بوده است.

ومطابق به حکم کتب فقهی با اوشان رفتار شده ودر دوره معاصر نظامنامه ها واصولنامه ها که ترجمه کتب فقهی اسلامی است در این موارد مواد صریح دارد وکوچکترین انحراف را نمی پذیرد یعنی علما حنانو را در هر

عصر ترجیح وامتیاز داده بقدر علمیت وتقوی وحسن اداء وظایف علمی وقضائی از او شان ستوده است .

صدر الصدور

یکی از مناصب بزرگ شرعیه صدر الصدور است که در دوره های مدنیت های قدیم افغانستان بعضی از نخبه علماء علوم دینیه حائز این مرتبه شناخته میشد وصاحب این منصب ویا معادل آن نائب القضا نیز لقب میداشت نائب القضا شخصی که به نیابت فرمانروای وقت مملکت از امور شرعیه وارسوورا احکام روایی میکرد .

صدر به معنی بالا نشینی وامیر ـ صدور یا بالا نشینان صدر الصدور بلند تر از بالا نشینان وصدر گزینان ـ یعنی مرتبه بلند تر از مراتب .
صدارت ـ بمعنی بالا نشینی .

در پنجصد سال قبل از امروز در کابل خواجه میرزا خان حائز این منصب عالیه شرعیه بود در لوح مرقد ش واقع ده غوثک ده افغانان کابل کابل این عبارت مرقوم است که به طریق مثال وهم به قدر دانی از مقام علمی یك شخصیت تاریخ قضاء افغانستان عیناً نقل می گیریم :
(صدر الصدور فی الافاق بین الامثال والاستحقاق نظام الملته والدینا و الدین خواجه میرمیران بن سید احمد عالیجناب المرحوم الغفور المبرور زبده ال طه ویس افتخار اولاد سید المرسلین غیاث الملته والدینا والدین خواجه میرزا) .

قاضی ابودردا

ابودردا از صحابه رسول اکرم (ص) نامش عویمر بن عامر در زمان خلافت حضرت امیرالمومنین عثمان (رض) در شهر دمشق منصب قضا داشت.

قضـــاد رافغانستـــان

مطابق‌باصول مذهب امام ابوحنیفـــــه (رح)

محاکم شرعیه د رافغانستان مطابق به حکم قران کریم از همان اغاز یعنی پ رتوی اصول قران کریم د رافغانستان ایجاد شده وبعد ظهورحضرت امام حنیفه کوفی (رح) وعلم فقه اسلامی مطابق باصول آن مذهب حنیف قضـات محاکم این بلاد اسلامی افغانی عمل کرده انـد ٠

که برای ثبوت تد امت این فضیلت بزرگ مختصر شرح اتـی را می بابـــد از نظر گزرا نیـــــد :

شهرهای افغانستان (قند هار ــ هرات ــ کابل ــ اسفزار بلخ ــ فاریاب ــ غزنی ــ تخارستان ــ) د راواخرسنه سی ویک (۳۱ هجری قمری د رعهد خلافت حضرت سید نا عثمان بن عفان (رض) الـــی سنه سی ود و (۳۲) واوائل سنه سی وسه (۳۳) وشهرغورد رعهـــد خلافت حضرت سید نا علی کرم الله وجهه به سنه سی وهفت (۳۷) هجری قمری به نیروی اسلام فتح گردید ٠ ورایات محمد ی (ص) د رایـــن مراکز بزرگ برافراشته شـــد ٠

امام ابوحنیفه (رح ؟) که د رسنه هشتاد هجری قمری بـــه د نیا امده و داد علم فقه داده است ٠ موصوف ابن ثابت کنیت وی ابـــو حنیفه اسمش نعمان ولقبش امام اعظم است ٠ این پیشروبزرگ اهل تسنن بعد از کسب کمال به صحبت چند تن از صحابه وبسیاری ازتابعین رسیده

وبه امام جعفرصادق (رض) صحبت داشته وفواید حاصل نموده تا به تدریج منتهی گردید وفات شد وماه رجب سنه یک صد و پنجاه هجری قمری به عمر هفتاد سالگی بوقوع امده وبه سمت غرب مسجد جامع شهر خود شریبه خاک سپرده شد ·

حماد فقیه استاد ابوحنیفه در علم فقه بود · اوراد ومرتبه بقضا تکلیف نمودند از روی نهایت احتیاط قبول نکرد · اشهر مذاهب مذهب ابوحنیفه امام اعظم است وبسیاری از جلیل ترین علماء عالم اسلام به مذهب او پیروی دارند ·

وملت مسلمان افغانستان ازعشره اول قرن دوم هجری قمری به مذهب حنفی مشرف شده است·

ومنصب قضا وافتا از ان زمان در افغانستان به اهل مذهب ابوحنیفه (رح) سپرده شده است ·

قاضی ابویوسف (رح) بغدادی شاگرد ابوحنیفه (رح) وازایمه مشهوراست ووفات او به سنه یک صد وهشتاد ودو (۱۸۲) هجری قمری واقع شده است ·

امام ابوحنیفه (امام اعظم) توجه به قبله حقیقی داشت· حماد بن ابوحنیفه نعمان بن ثابت از اتباع تابعین وازثقات سلسله فقها ومحدثین است·

درعلم وکمال وارث پدر بود ه در حفظ احادیث رسول اکرم (ص) ومتعلقات اخبار پیشوای محدثین بود · علم فقه راازپدر خود اخذ نمود وبامرفتوای یگانه عصرخود محسوب میشد ·

اسمعیل فرزند ارشد وعلم فقه از پدر خود حماد بن ابوحنیفه اخذ نمود وچندی بامر قضای کوفه موظف شده بود از انجا قاسم ابن معین کوفی شاگرد ابوحنیفه قاضی بوده ۰

امام اسمعیل موصوف (ابن حماد ابن امام ابوحنیفه نعمان ابن ـ ثابت) از علماء متبحرین وحفاظ محدثین است ۰ اخذ فقه نموده از پدر خود ودر بغداد و بصره بامر قضا نیز موظف بوده ۰

قاضی عبدالسلام ابن اسمعیل ابن عبدالرحمن نیابت نموده ۰ قاضی ابوالمعلی بن علی بخاری راتا وفاتش بعد از ان نیابت قاضی القضات علی بن سلیمان را در ایام ولایتش.

ولادتش در سنه ۵۲۰ ـ وفاتش در سنه ۶۰۵ هجری قمری.

ه ه ه

قضاء در افغانستان از زمان عهد حضرت امام اعظم (رح) وپسر وشاگردان ونواده گان و پیروان مذهبان جنا بمطابق باصول مذهب نیف حنفی رائج گردید ۰

وتمام دعاوی در محاکم ابتدائیه ومرافعه وتمیز در افغانستان در هر یک قرن به اساس همان یک اصول صحیح فقهی مذهب حنفی اجراء وانفاذ داشته ودارد ۰ ونیز تدریس علم قضاء در افغانستان در تمام مدارس واعصار

افغانی به قرار تعلیم وتدریس علماء فقهی پیروان امام اعظم کوفی (رح)
بعمل امده وتاریخ قضاد رافغانستان این اساس علمی مذهب سنی را در
صدر صفحات خویش تسریح می کنــــد . یعنی قضاتی راکه ما دراین
کتاب معرفی میداریم ازاغاز تاامروزشرف افتخار پیروی حضرت امام اعظم
راداشته ودارنــــد .

قاضی خانه ــ واین یک اصطلاح عامی که طبقه عوام افغانستان
محکمه شرعیه یا دارالقضارا بان نام میشناسنــد ـ این جایگاه مبارکی
استکه درافغانستان فقط علماء اهل تسنن میتوانند که در مسند قضا ـ
بنشینند وقاضی خانه همین جااست که دعاوی مطابق باصول مذهــب
سنی و کتب فقه اسلامی اصول حنفی اجراء وانفاذ یابــد .
امام اعظــم ـ بمعنــی پیشوای بزرگتــــر

در ماده اول نظامنامه اساسی افغانستان که دفعه اول در سال
۱۳۰۲ شمسی ودفعه دوم بنام وعنوان اصول اساسی دولت علیــه
افغانستان در برج عقرب سال ۱۳۱۰ شمسی طبع ونشر ونافذ شده در
هرد وبار نوشته شده اســت :
دین افغانستان دین مقدس اسلام ومذهب رسمی وعمومی ان مذهــب
منیف حنفی است . پادشاه افغانستان باید دارای این مذهب باشد
در سال ۱۳۵٦ شمسی در قانون اساسی نوشته شد که دعاوی مطابق
مذهب حنفی اجراگـــردد .

اشتراک فقهای افغانستان
در مدارس و محاکم شرعی بغداد

علماء و هم طلبه علم افغانستان برای تحصیل علوم دینیه و تدریس علم در قرون اول اسلامی تکالیف سفر را از دیار شریعت پرور افغانستان در بلاد عربی برخود خیلی مناسب و گوارا دانسته اند . زیراکه علوم اسلامی مطابق با اصول مذهب منیف حنفی در بغداد مرکز مملکت عراق در مدرسهٔ حنیفیهٔ بغداد تدریس میشد . بدانجا رفته کسب افتخار می نمودند و علم قضا می اموختند .

ودران سرزمین یک خانواده از علما ولایت لغمان افغانستان در برزمانی اقامت ورزیده به همان مرکز فقه واد ب اسلامی جان سپرد محسب وصیت با طراف قریب مرقد مبارک پیشروا هل تسنن امام اعظم کوفی رحمة الله تعالی علیه جان سپرده اند .

مرحوم خلیل الله خلیلی ((سفیر کبیرا فغانی مقیم بغداد در مقالتی که بدین مناسبت در سال ۱۳۵۰ شمسی با ستناد ماخذ عربی نوشته است فشرده انرا بدینطریق از نظر می گذرانیم :

لغمانیان خانواده یی از دانشمندان و فقهای افغانی که در قرن ششم هجری وارد بغداد شده اند وبه تدریس وقضا پرداختند واین کارایشان تقریبا ٔ یک قرن ادامه یافت و بغداد مرکزیتی از علم و فضیلت ساختند . تاانکه رخت از جهان بربسته ودر مقبرهٔ خیزرانیه درجوار امام اعظم (رح) مدفون گردیدند .

ایشان ازقرن ششم و حتی تا نیمه قرن هفتم هجری در بغداد زندگی کرده اند .

کسی که ازهمه پیشتر ازاین خانواده در بغداد وفات نموده ابویعقوب اسماعیل بن عبدالسلام بوده است. در سنه ۵۲۶ هجری قمری در بغداد وفات یافته است .

(۱) لغمان در متون قبل ازاسلام در افغانستان (لمگان) ودرعهد اسلام لمغان واین رسم الخط تا عهد سراج الاخبار افغانیه جاری بود وبعد ازاسترداد استقلال کلمات پغمان ولغمان مناسب دیده شد که مطابق تلفظ عام پغمان ولغمان نوشته شود . در متون عربی بدان مناسبت کلمه لمگان راتعریب نموده لمغان نوشته اند .
(وکیلی پوپلزائی)

واخرین شخص اتحاد رسنه ٦٤٩ هجری قمری چشم ازجهان پوشیده است.

اسماء شخصیت های این خانوادهٔ لغمانی افغانی ازاین قرار است :

۱ـ اسماعیل ابویعقوب (بن عبدالرحمن بن عبدالسلام بن عبدالـ لحسین بن عبدالرحمن بن ابراهیم بن بشیر بن منکو) .
ابویوسف لغمانی (مدرس مدرسه امام ابی حنیفه رضی الله عنه) در هفتم شهرشعبان المعظم سنه ٥٦٢ هجری قمری روزشنبه وفات نموده است (۱).

۲ـ ابوتمام محمد (بن عبدالملک بن عبدالسلام بن عبدالحسین لغمانی) در شب دوشنبه یازدهم شهررمضان المبارک سنه پنجصد وپنجاه ودو (٥٥٢) هجری قمری وفات کرده ودرباب الطاق بخاک سپرده شده است .

۳ـ محمد بن عبدالرحمن بن عبدالحسن لغمانی همشهرابی حنیفه (رح) ودارای معرفت ودانش درمذهب ابی حنیفه بود ـ وی راپدر وکاکای او عبدالسلام درس فقه داده است ومدتی درکوفه زیسته و جملتا عتی راه درس داده وبعد ازان به بغداد رجوع کرده است تادرمدرسه تفشیه درجوار رب دینار به تدریس اشتغال نماید وازان دسته فارغ التحصیل گردیده ـ وی در شب (۱۹) شعبان سنه پنجصد وپنجاه وچهار (٥٥٤) هجری چشم ازجهان پوشیده ودرمقبرهٔ ابی حنیفه

دفن گردیده است . وفقیه بزرگ بوده است .

پدر وکاکا یش عبدالملك بن عبدالسلام اوراد رفقه آگاه ساخته اند

٤ ـ ابومحمد عبدالسلام (بن اسماعیل بن عبدالرحمن بن عبد السلام بن حسن لغمانی) وی تمرین قضارا د ربغداد نمود وعلم فقه راازپدرش که پیشوا د رفقه حنفی بود فراگرفت. فقه راازپدر و عم خود اموخته و حدیث راازابی عبدالله الحسین بن عبدالحسین الوینی وغیره استماع ود ر بغداد سکونت اختیارکرد .

وازقاضی القضاة ابی طالب علی البخاری وقاضی القضاة ابی الحسن علی بن عبدالله بن سلیمان نیابت نمود . ود رمد رسه ٔ سوق عمید به تد ریس مشغول شد . مرد متدین دانشمند و متواضع بود ود رسنه پنج صد وبیست (٥٢٠) هجری قمری د رمحلهٔ ابو حنیفه پابعرصه وجود نهاده ود رسپیده دم شهر رجب روز دوشنبه د رسنه ششصد و پنج (٦٠٥) هجری قمری د نیا راپدرود گفت ود رمد رسه نظامیه جنازه اش

---

(١) چون حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی (محی الدین) د رسنه پنجصد وشصت هجری (٥٦٠) د ربغداد وفات یافته اند . معلوم شد که این د و نفرافغانی باان جناب هم معصر ود ریك شهر زند گی میکرد ند خیلی ها فیض برده اند . زیراکه ان بزرگوار از علما وپیشوایان بزرگ مذهب حنفی واز بزرگان عرفاء واز سادات حسنی ورئیس سلسله قادریه بوده است

(عزیزالدین وکیلی پوپلزائی)

راداکردند ونزد یک ارامگاه مقدس ابوحنیفه (رح) در خیزرانیه اورابه خاک سپردند (۱) .

۵ــ ابویعقوب یوسف (بن اسماعیل بن عبدالسلام) ــ از حیث فقه ومحل مذهب به حنفی بود ــ ازپدر وکاکایش فقدا موختود ردارالعلم سلطان تدریس کرد . موصوف درسنه پنجصد وهجده تولد شد وشب جمعه نزده جمادی الاولی سنه ششصد وشش هجری قمری وفات کرد ودرخیزرانیه ــ محله امام ابی حنیفه دفن گردید .

۶ــ ابوالفضل عبدالرحمن (بن عبدالسلام بن اسماعیل لغمانی) . نائب قاضی القضاة ابوالمعالی عبدالرحمن بن مقبل الواسطی واحیراء عبدالرحمن بن عبدالسلام لغمانی به عوض ابوالمعانی مذکور قاضی القضاة ومدرس مدرسه مستنصریه مقرر گردید واین تاریخ سنه ششصد و سی وسه (۶۳۳) هجری قمری ودرضمن حوادث سنه ۶۴۳ ودروقایع سنه ۶۳۵ هجری بیان شده وبنام رئیس قضات نیز ازوی نام برده اند

قضات راعبدالرحمن لغمانی تدریس طائفه حنفیه درمدرسه مستنصریه عوض ابن الساری حلبی می نمود . وضمن گزارش سنه ششصد وچهل وپنج (۶۴۵) دربغداد بیان شده است که :

ابوالفضل عبدالرحمن لغمانی رئیس قضات و مدرس مدرسه حنفیه وهم دربحث دیگر قاضی القضات کمال الدین ابوالفضل عبدالرحمن لغمانی یاد شده است . وضمن حوادث سنه ۶۳۵ قمری مدرس مدرسه مستنصریه از وی یاد کرده اند . موصوف روز جمعه دهم شهر رجب سنه

٥٦٤ قمری تولد ودرسنه ٦٤٩ قمری چشم ازجهان پوشیده است.

۷ـ عبدالملك بن عبدالسلام بن عبدالحسین لغمانی ـ مدرس مشهد ابی حنیفه (رح) بوده ودرسنه ششصدوچهل وهشت (٦٤٨) ـ هجری قمری وفات یافته ودرمقبره خیزرانیه نزد ابی حنیفه (رح) دفن گردیده است.

موصوف دربغداد زندگی کرده ودرسنه ٦١٦ هجری قمری مورد عنایت شرف الدین عبداللطیف بخاری قرارداشت وهمچنان از نزد قاضی القضاة عمادالدین ابی صالح (بن عبدالرازق بن عبدالقادرجبلی) حضورداشته ودرهمان وقت به حیث مدرس مدرسهٔ مذکور (موفقیه) تعین گردیده که درمشهد ابوحنیفه تدریس میکرد. موصوف درشهر ذی الحجه الحرام سنه ششصدوچهل وهشت (٦٤٨) هجری قمری به عمر (٦٧) سالگی وفات یافت ودرمقبره خیزرانیه درجوار امام

---

(۱) نویسنده این کتاب تاریخ قضاء در افغانستان (وکیلی پوپلزائی) مرقد مبارك ابوحنیفه را روزجمعه (۱۰) برج ثورسال ۱۳۶۷ شمسی ۲۹ اپریل ۱۹۸۸ م) بعد از ادای نماز جمعه وساعت (۳) روزشنبه (۱۱) ثور دوباره زیارت کرده ـ مسجد جامع امام اعظم وارامگاه آن جناب پیوستگی دارد. درین روزجمعه یاسر العرفات رهبر عرب فلسطین نیز حاضربود ویك جا نماز جمعه اداء کردیم. این مسجد که سیزده صد سال سابقه دارد چند بارتجدید شده وعمارات جدید از لحاظ ساختمان نیز خیلی باشکوه است.

(عزیزالدین وکیلی پوپلزائی)

ابی حنیفه دفن گردیدند (۱) ۰

- شیخ یحیی سجستانی

شیخ یحیی بن عمار سجستانی ــ اصلا وباتفاق همه تذکره نگاران از سیستان است۰ این بزرگوار کسی است که پیرهرات خواجه عبدالله الانصار رکودکی به محضراو تربیت شده وخواجه انصار میگفت :

(رسوم علم را در هرات خواجه یحیی بیاورد) ۰

قاضی ابوعمر وبسطامی ــ چون به هرات امده وبه مجلس خواجه یحیی رسیده گفت : بحروبرمشرق ومغرب را گشتم از برکت انفاس این خواجه برکت وشاد ابی دین را در هرات دیدم ۰ خواجه یحیی بن عمار سجستانی در سنه چهارصد ودو (۴۰۲) هجری قمری وفات یافت ودر خیابان هرات مدفون گردیده (۱) ۰

به این استناد میتوان دانست که علوم عربی وفقه واد ب وامر قضا مطابق باصول مذهب منیف حنفی به عصر نزدیک امام اعظم (رح) وامام ابی یوسف (رح) که در سنه (۱۵۰ و ۱۸۲) قمری در بغداد

---

(۱) وفات مستنصربالله ــ خلافت مستعین بالله (احمد بن معتصم دوازده همین خلیفه عباسی سنه ۲۴۸ هجری قمری است ۰

مدرسه مستنصریه در بغداد باسم همین خلیفه است که ابوالفضل عبدالرحمن لغمانی افغانی قاضی القضات ومدرس مدرسه مذکور مقرربوده است۰

(عزیزالدین وکیلی پوپلزائی)

وفات یافته اند ـ در اقلیم قندهار یعنی بلاد سیستان وزابلستان جاری بوده وابوعمرو بسطامی شخص عالم دانشمند در همان عهد مراتبه قضا داشته وازشاگردان مدرسهٔ سیستان بوده است ۰

---

(۱) مفصل این سوانح درشمارهٔ میزان و عقرب سال ۱۳۵۰ شمسی مجلهٔ اریانا مندرج است ۰ مقالت ازخلیلی وترجمه ازجدیراست۰

قاضی ابوالفضل لوگری

قاضی ابوالفضل لوگری احمد بن محمد رشید ی لوگری خود راازاولاد هار — ون رشید خلیفة بغداد می پنداشت . چندی متولی قضای سیستان بود وچندی درغرستان به شغل وزارت می پرداخت. بد ربار خلیفه القادربالله نیزرفته بود . لقب تاج الدوله وزین الکفات داشت . موصوف بزبان عربی شاعرنیزبود . یعنی این عالم فاضل درقرن چهار قمری منصب قضاداشت وپیرومذهب منیف حنفی بود . وازقرائن معلوم میگردید که قاضی ولایت لوگرد رعهد دولت غزنوی بوده است .

---

(۱) ص ۳٤۱ سلطنت غزنویان — نشریه ٔ انجمن تاریخ کابل ـ میزان سال ۱۳۳۳ ش

قضات غزنی در عهد سنائی

تعداد قضات در مرکز غزنه در هزار سال قبل از امروز بسیار اند واز جمله کسانی را که ابوالمجد مجدود حکیم سنائی در عهد خود یعنی مصادف بدورهٔ فرمانروایی مسعود سوم بن سلطان ابراهیم پادشاه غزنه که از سنه ۴۹۲ تا ۵۰۹ هجری قمری پادشاه بوده است خود قصیده یی گفته وچند بیت از آن را استناد می آورم ۰ موصوف در وصف قاضی عبدالودود ملقب امین الملة ابن عبدالصمد که باسم قاضی امین مشهور ودر عهد بهرام‌شاه مرتبهٔ قضاء غزنه داشته است ضمن قصیده یی این طور تصریح کرده است

ای چو نعمان بن ثابت در شریعت مقتدا

وی به حجت پیشوای شهر بن مصطفا

از تو روشن راه حجت همچو گردون از نجوم

از تو شادان اهل سنت همچو بیمار از شفا

چون به شاهین قضا انصاف سنجی گاه حکم

جبرئیل از سدره گوید با ملایک در ملا

هرکسی قاضی نگردد بی ستحقاق از لباس

هرکسی موسی نگردد بی نبوت از عصا

دانش عبدالودودی باید اندر طبع و لغط

تا بود مرمرد راد رصدر دین زیب وبها

دان که از فر تو واز دولت مسعود شاه

ملک دین شد با سیاست کار دین شد با نوا

ملـك چون در خانه ٔ محمود یان زیبـد همـی

همچنان در خانه ا محمود یان زیبد قضـا

ه ه ه

توضیح :

نعمان بن ثابت مقصد ازحضرت امام اعظم ابوحنیفه (رح) است وحکیم سنائی قاضی امین عالم فقیه حنفی مذهب را در عهد خود پیشوای حنفیان دانسته است .

((خانه محمود یان)) مقصد ازمحمود یان خاندان محمود غزنوی وهم خانواده ٔ محمود یان بلخ است که قضات بزرگ از ان خانـدان برخاسته ودر بلخ وغزنه مرتبه ا قضا داشته وبصفت شاعرومولف نیـز متصف بوده انـد .

قضات بلـخ

در قرن ٥ و ٦ هجری قمری افراد خاندان محمود یان طالقانی در بلـخ منصب قاضی القضاتی و مسند علمی فقهی مطابق به مذهب حضرت امام اعظم (رح) داشتند از ان جمله قاضل القضات حسین محمود یـ مدتی در بلخ قاضی وحاکم عدل وبه علم ود یانت وزهد مشهور بود وخاندان مذکور ملوک الکلام شهرت داشـت .

قاضی حسین محمود ی دو براد ر داشت یکی حسن ود یگری

((قاضی القضات بهاء الملته والدین عمر)) که د رسنه پنجصد و سی وشش (٥٣٦) د بلخ قاضی بود . قاضی القضات حسین د رسنه پنجصد و شش (٥٠٦) هجری قمری وفات یافت و د رنزد یک د روازهٔ نو بهار بلخ د رمدفن محمودی به خاک سپرده شد .

علی حسن نام شخصی عالم ، فاضل ومحدث از ین د ود مان د ربلخ قاضی القضات بود د رشهر ربیع الاخر سنه چهارصد وهفتاد ویک (٤٧١) هجری قمری وفات یافت.

مقامات حمیدی راقاضی حمید الدین ابوبکر بن عمر بن محمود بلخی د رسنه پنجصد وپنجاه ویک (٥٥١) هجری قمری ختم کرده است.

انوری شاعر قصیده ٔ سرای معروف بلاد خراسان د رمدح قاضی امین الدین اشعاری دارد واورا از خانوادهٔ محمود یان بلخ دانسته نام اورا محمود ولقب اورا حمید الدین گفته است.

قاضی حمید الدین د رسنه پنجصد وپنجاه و نه (٥٥٩) هجری قمری جهان فانی راوداع گفته است . قاضی حسین محمودی با حکیم سنائی یعنی بد ورهٔ پاد شاهی بهرامشاه غزنوی معاصر بوده است.

ومولفین این بیت را سند آورده اند .

چون سنائی اوفتاد از خطهٔ غزین به بلخ

تازه کرد از مدحت قاضی حسن روی سخن

حکیم سنائی د رمدح قاضی نجم الدین حسن غزنوی قصیده یی دارد و گفته است :

مجلس نجم القضات وقاری و حالش بهین

تا هم ازخود فارغ ای • هم زبلبل همزمن

سوی قاضی شوکه خلق و خلق اورا چاکرند

نقش بندان درخطا ومشکسایان درختن

من چه گویم گرزفرد وس برین پرسی توا بن

کوتو خوشتر چیست ؟ گوید مجلس قاضی حسن

نسبت محمود یان داری وبهر عزد ین

همچومحمود امدی بتخانه سوزو بت شکن

شادمان باش ازمن ازخود که اندر نظم ونثر

تو خراسان چون تویی زادست تو غزنین چومن

• • •

قاضی حسن بخاندان محمود یان بلخ منسوب وملقب به (نجم القضاء)

بود • نجم القضات حسن در سنه پنجصد وشش هجری قمری وفات یافت

مرقد اقضی القضات درغزنی

در مقبره • سرکوه نزد یک روضه • سلطان طرف شمالی شهر غزنیین در

د ردامن کوه قبرستانی موجود ود ریک لوح قبرایب عبارت نوشته است :

(هذا مرقد الامیرالامام الصدرالشهید العصام الکرام ملک العلماء والحکام سلالة الصدور العصام اقضی القضات والحکام ناشرالحکام ناصر المذهب النعمانیه افصح الخطباء واشجع الشجعاء وارث الانبیاء والسلاطین جلال الملةوالدین عبدالرحمن بن ملک جمال الدوله والدین سلیمان بن احمد الصغان نورالله مضجعه وکان شهادة الامیر یوم الجمعته)

ه ه ه

صدرالقضات

د رغزنی مرقدی موجود ود رلوح ان نوشته است : (هذا القبر الشاب الذاهد محمد بن بدرالدین صدرالقضات زین لملـه والدین صغانی نورالله امضجعه) تاریخ ندارد واما ازروی عبارت معلوم میشود که روزگاری د رغزنی این منصب علمی وقضائی داشته وبلقب صدرالقضاة معروف بوده ، وچون تاریخ فوت بن احمد صغانی د رهمام محوطه سنه (٥٠٦) نوشته شده نزد یک به عصر یک د یگرمینماید ود رقرن پ نجم هجری قمری د رغزنی منصب صدرالقضات داشته است.

ص (١٦٠) ریاض الالواح د رغزنه) طبع کابل.

قاضی شعیب

درتذکرة الانوار فخری نوشته است :) سلطان فرخ شاه پادشاه کابل بود وسلاطین تمام اقالیم تابع فرمان اوبودند. هرگاه که کابل بدست سلطان غزنین افتاد . فرزندان فرخشاه درکابل بودند . تا وقتیکه جنگیزخان خروج کرده درکابل رسید ، جد کلان حضرت کنجشکرکه ازاولاد فرخشاه بودند ودران حادثه شهید شدند وجد اقرب وی که قاضی شعیب نام داشت با تمام اطفال وعیال ازسبب حوادث درشهرلاهوروارد وچند روزدرآنجا رسید وازانجا درقصبه قصورنزول کرد) .

وازاین حکایت معلوم گردید که مولوی شعیب ازاحفاد سلطان فرخشاه روزگاری درشهرکابل مرکزافغانستان منصب قاضی ویاقاضی القضات داشته وقضات محاکم شرعیه بلاد تحت اداره کابل درامورشرعیه وقضائیه تحت اداره قاضی شعیب کابلی بوده اند .

منهاج السراج

قاضی القضات

ابوعمر ومنهاج الدین بن سراج الدین محمد بن منهاج الدین عثمان
د رسنه پنجصد وهشتاد ونه (٥٨٩) هجری قمری د رولایت غور
افغانستان بدنیا امد. ود رسنه ششصد وهفت (٦٠٧) هجری قمری
هنگامی که پدرش ضیاالدین محمد بن عبدالسلام قاضی تولك ازطرف
غیاث الدین سام مقتول شد. د رفیروزکوه غور اقامت داشت.

د رسنه ششصد و بیست وسه (٦٢٣) هجری ازغور
به فراه عزیمت نمود.

بعد ازمدتی د رانجا به سیستان مراجعت کرد ود رشهر جمادی الاولی
سنه ششصد و بیست وچهار (٦٢٤) هجری قمری ازراه غزنه وکابل به
طرف سند وملتان رفت وبد ربار ناصرالدین قباچه ازممالیك غوریه پیوست
ود رشهر ذیحجة الحرام همین سنه ٦٢٤ هجری قمری د رپایتخت اوچه
بفرمان سلطان امورتد ریس وسرپرستی مد رسه فیروزی وسمت قضای لشکر
ارد وی پد رش علاءالدین بهرامشاه بوی محول گشت. یك سال پس از
ان سلطان شمس الدین ملتان راتصرف کرد و قباچه رامغلوب ساخت.
قاضی منهاج السراج شخصاً بحضور او بار یافت ومورد نوازش اوقرار گرفت
وبا موکب شاهی وارد د هلی شد.

د رسنه ششصد وبیست ونه (٦٢٩) هجری قمری چون
سلطان موصوف به گوالیار لشکر کشید، منهاج السراج باو همراه بود. قلعه

گوالیار د رسنه (۶۳۰) فتح شد ومنهاج السراج بحیث قاضی خطیب وامام گوالیا رمقرر گشت .

د رسنه شش صد و سی و پنج (۶۳۵) هجری قمری هنگامیکه ملکه رضیه د ختر شمس الدین التمش برتحت سلطنت جلا د اشت وباره به د هلی امد وریاست مد رسه « نصریه » د هلی را بد ست اورد .

د رسنه ۶۳۷ هجری قمری چون معزالدین بهرامشاه بر تحت د هلی نشست ، منهاج السراج راقاضی القضاه شهر د هلی مقرر کرد ه .

د رعهد علاء الدین مسعود د وباره قضای گوالیا ریافت . د رسنه ۶۴۴ هجری قمری ناصرالدین محمود پسرشمس الدین التمش سلطنت یافت . منهاج الدین راقاضی القضاه د هلی مقرر نمود . ود رسنه ۶۵۳ هجری قمری لقب صد رجهان بد وداد . قاضی منهاج السراج اثرمعروف خود (طبقات ناصری) رابنام ناصرالدین محمود پسرشمس الدین د رسنوات ۶۵۷ ــ ۶۵۸ هجری قمری تالیف کرد . ود رسنه ۶۶۰ هجری قمری وفات یافت وبه یک قصیده به تخلص (منهاج) معاصرت خود رابعهد سلطان شمس الدین التمش یاد گارگذاشته . این عالم علم فقه واد ب وشاعر زبان د ری کتاب طبقات ناصری رابه تاریخ (۵) ربیع الاول سنه ۶۵۸ ــ هجری قمری حاوی ۲۳ بخش به انجام رسانید ه وازاثارمفید د رتاریخ علمی عرفانی واجتماعی افغانستان وازحیث سلاست واستحکام انشاء وبلاغت ونیز ازجهت اشتمال بروقایع مهم ازشاهکارهای زبان د ری افغانی بشمار رفته واین کتاب د فعه اول د رسال ۱۸۶۴ م د رکلکته به چاپ رسید ه است. (۱)

مسایل فقه حنفـــــی

د رعهـــد بابـــر

ملا محمود فقهی پ یشنما زواستاد بابر د رعلم فقه بود ـ شیخ السلام مولانا یکی از مشایخ نقشبند یه د رعهد بابر میزیستواین خواجه نصرالدین عبید الله بن محمود بن شها بالدین احمد شاهی سمرقندی مشهـــور به (احرار) از مشائخ نقشبند یه است.

بابر د رمسایل فقه حنفی کتابی بنام (مبین) به زبان ترکــــی منظوم کرد ه واین اثر منظوم مشتمل برمسایل دینی وفقهی است.

د رعهد بابرکتابی د رمسائل شرعیه فقه حنفی بنام وعنوان (فتاو ـ ای بابری) تاًلیف شد ه است مؤلف این کتاب شیخ نورالدین خوافی از اخلاف شیخ زین الدین خوافی ازسکنهٔ هرات است مذکور ـ شاگرد شیخ السلام سیفالدین احمد است که ازاخلاف ملا سعدالدین تفتازانی می باشنـــــــد .

خانواد ه اولاد وقوم ظهیرالدین محمد بابرمذهب حنفی امام ابی حنیفه (رح) وطریقهٔ نقشبند یه داشتند . وازهمین جهت است که بیـــن طائفه پشتون وطائفه مغل تعصب مذهبی وجود نداشتومواصلت ها ـ هم روی همین اساس صورت گرفته است.

ظهیرالدین محمد بابرپاد شاه ازجمله علمائی که یاد کرد ه و ـ عقیده داشته وخود راشاگرد انها دانسته است یکی هم خواجه قاضـــی مولانا عبد الله پ سرسلطان احمد قاضی استوبابرشاه باین عبارت تلـ

ستایشرکرده است :

(اوستا وپیرمن حواجه لمولانای لقاضی باشد. نسب اورا ازطرف پدربه شیخ برهان الدین قلیج فتحی میشود وازجانب مادر به سلطان ایلک ماضی میرسد دررولایت فرغانه این طبقه مقتدا وشیخ الاسلام وقاضی شده اند مرید خواجه عبید الله بود ازایشان تربیت یافته بود درولیبی بودن خواجه قاضی مرا هیچ شکی نیستعجبکسی بود).

بقول بابر – این عالم بزرگ ومتقی – حواجه قاضی شهرتداشته است.

ه ه ه

قاضی محمد سالم

ملامحمد سالم قاضی – شخصعالم– شاعر ومورخ درسمت مشرقی افغانستان وداستان مجاهدات روید محمد خان غازی سپه سالار رادر نظم دری تصنیف کرده و ((... نامه)) نام گذاشته است.

قاضی محمد سالم قصه های دوره ٔ الیشنگ – الینگار – فرغان – لنگو – سایگل – تگاو – نجراو – بچه غان رامنظوم کرده راین عالم علم قضاد رشعرزبان دری وتاریخ جماسی نیزدستی داشته وخدمتی همدر این راه نموده است.

---

(۱) ازمجله ٔعرفان شماره(۵) سال ۱۳٤۱ شمسی باندك اختصار اقتباس شد.

د رویو محمد خان غازی (ممدوح قاضی محمد سالم) ـ سپه سالار ـ محمد حکیم میرزا (زوی سرهمایون ابن بابر علیو) ملت ولښکرواعزا مراسمی راعلیه کفارقیادت می کرد ومرقد شد رد هکده اسلام اباد دره الیشنگ ولایت لغمان زیارتگاه است. حاجی مومند خان از همراهان ازشهید شد.

ومحمد حکیم میرزاد رکابل به تاریخ (۱۲) شعبان المعظم سنه ۹۹۳ هجری قمری فوت ود رجوار مرقد کاکا یش میرزا هندال د رکابل به خاک سپرده شد.

یعنی ملا محمد سالم قاضی (شاعرمومن) د رچهارصد سال قبل ازامروز د رولایت لغمان وولایت ننگرهار وولایت کنر میزیست وقصه های غزوات عهد زندگانی خود رابه رشته نظم تاریخ اورده وظائف دینی ملی ادبی واجتماعی خود را بجا اورده ود رتاریخ قسمت سهم خود راابراز کرده است.

قاضی اختیارالدین

*ملا اختیارالدین در عهد سلطنت سلطان حسین بایقرا قاضی القضات شهرهرات بود وبنام قاضی اختیارالدین حسن مشهور است .

قاضی زاهد

ازسنه ۱۰۵۳ تا سنه ۱۰۳۷ هجری قمری قاضی زاهد قاضی شهر کابل بود وضمن واقعه ° (۱۵) رمضان سنه ۱۰۳۷ هجری قمری یعنی د رزمان حکومت ابوالحسن خان مهمند وحکومت حیات خان تیرین — و(شمشیرخان) قاضی زاهد د رمسند قضای کابل برقرار ود رهمین عهد میریحیی مستوفی کابل وبعد ازوی میر صمصام الدوله بعهده ٔ استیفاء کابل مقرر بود ٠

قاضی فقیرمحمد

کتاب جامع التواریخ — که د رتاریخ افغانها نوشته شده است موءلف ان قاضی فقیر محمد واین کتاب رابه زبان د ری نوشته وبه هندوستان به طبع رسیده است ٠

مرکز عدالت در قندهار

امام الدین حسینی در تاریخ حسین شاهی ومنشی عبد الکریم علوی در تاریخ احمد نوشته اند که :

(خواجه خضرخان مرد خدا اندیشه وریاضت کیش بود وتمام مردم افغان سر به خط فرمان او نهاده ند وخراج ملک در حضور او می گذاشتند وخضرخان را برای بزرگی در ان ملک قندهار خواجه خضرخان می گفتند وتمرد ورزیدن در برابر ان خاندان را از جمله افعال ذمیمه وخصال نکوهیده میدانند) .

یعنی مرکز عدالت قومی واجتماعی در قندهار از قدیم موجود بوده وخواجه خضرخان ابدالی واولاد واحفاد ش این مسند ومرکز عدالت را بدوره های خود شان تائید وتمدید بخشیده اند .

در سطر اخیر صفحه (١٥٤) تاریخ خورشید جهان وهم در تاریخ جهانگشای نادری نوشته است که : (در اوائل ماه رجب الهیار خان ابدالی شیخ السلام افاغنه را باجمعی روانه نمود) .

در عهد حکومت ذولفقار ابدالی در هرات (قاضی القضات) یاد شده است . در همین عهد محمد اسمعیل خان فوفلزائی ابدالی دیوان بیگی دار الحکومت ابدالی هرات بود واین مرکز ادارات حکومت مستقل که دیوان اعلی نامیده میشد - مرکز عدالت را در حکومت ابدالیان نشان میدهد .

لکهارت انگلیس در تاریخ نادر افشار خراسانی نوشته است که

(اگر اختلافات خاندانی ابدالی نمی بود برقسمت اعظم ایران حکمفرما میشدنـــد) •

این یادداشت برای ان است که ابدالیان قندهار قوه عدالت ومعنو یت رجلب قلوب مذهبان داشتند • وهم با شیعه مذهبان روش عادلانه ودوستانه رادرپیش می گرفتنـــد •

شیخ السلام قاضی القضاه

افغان وترک چون هردو طائفه سنی مذهب اند دراکثرمراسم اصـول مشترک داشته اند که مختصری دراین جاپرداخته میشـــود :

ابوالمعانی سلطان محمد خان ثانی متولد سال ۱۴۲۹ میلادی درسنـه ۸۵۵ هجری قمری مطابق ۱۴۵۰ میلادی برسریر جهانداری متمکـن شد به تاریخ بیستم جمادی الاول سنه ۸۵۷ هجری قمری (۱۴۵۳ میلادی به دشمن فاتح گردید وازنیروی او بتخانه های بزرگ مساجد اسلام گردیدنـــد • بعد این فتح سلطان محمد خان فتح نامجات بنام والی مصروشریف مکه ودیگرکشورهای اسلامی نوشتت ومسجد جامع که به مسجد ایوب مشهوراست بنا نهاد هرگاه تعمیرها تمام رسید روزجمعه سلطان رفت ونماز گذارد •

شیخ السلام قاضی القضاه شیخ شمس الدین شمشیر درکمرشاه بســت ازان روزدرال عثمان رسم شد که هرپادشاه که برتخت جلوس می کنــد (۱) دران مسجد روزجمعه میرود وشیخ السلام وقت شمشیر درکمراو می بندد (۲)

سلطان محمد فاتح شهر استانبول را دار السلطنهٔ اسلام کرد واین تاریخ سنه ۸۵۷ هجری قمری مطابق ۱۴۵۳ مسیحی است. اشهر واعظم جوامع مسجد ایاصوفیا است. قریب این مسجد جامع روبروی فسحت ات میدان جامع سلطان احمد است وروبروی آن بمحلهٔ اقامت شیخ السلام است و جامع عثمانیه وجامع سلطان بایزید وجامع شهزاده وجامع سلطان محمد فاتح وجامع سلطان ابراهیم از مساجد کبار شمارده میشوند.

کل مساجد استانبول سه صد وچهل وچهار هستند وپنجصد وهجده مدرسه ودار الشفا نیز درین شهر بکثرت مبنی است. تاریخ مفصل دارد وخلاصه آنکه روابط اسلامی افغان وترک از همین دورهٔ آل عثمان که عهد اسلامی وپر از فوائد علمی وادبی است آغاز شده وچنانکه اعلیحضرت احمد شاه غازی استرداد کنندهٔ استقلال جدید افغانستان در سنه ۱۱۷۱ هجری قمری نامه یی از قندهار به سلطان روم فرستاده ومؤید همان روابط حسنه اسلامیه است. چون همه مراسم اسلامی هر دو کشور افغانی وترکی با هم مشابهت دارد.

شیخ السلام قاضی القضاة در روز جلوس پادشاهان افغان عین همین

---

(۱) عثمان متولد سنه ۶۵۷ هجری قمری در سنه ۶۹۹ هجری عثمان غازی ملقب گردید ودر سنه مذکور برتخت سلطنت نشست وبتاریخ دهم رمضان سنه ۷۲۶ هجری قمری وفات یافت ودر قلعهٔ برصه دفن گردید. دولت ترک عثمانی ویا اصطلاح آل عثمان منسوب به همین اسم است.

(۲) مأخذ: تاریخ قیصر روم.

مراسم بالمثل دوره ترک عثمانی را اجراء می نمودند ـ واین مطالب در این کتاب تاریخ قضا در افغانستان به طور حاشیه معلوماتی پرداخته شد .

عدالت در عهد شیرشاه افغان

شیرشاه افغان سوری که یکی از قهرمانان ملی افغانستان بود در سنه ۹۴۷ هجری قمری سکه وخطبه بنام خود رائج نمود وشیر شاه لقب یافت .

موصوف در راه رفاه وآسودگی خلائق همت بسیار می گماشت . در محکمه عدالت خویش وبیگانه را به یک نظر میدید . ومی گفت : نزدیک من در عدالت فرزند ورعیت برابر است . غرس اشجار و [illegible] جاده ها از جهت راحت عابرین از عهد او آغاز شده است . موصوف چون افغان یعنی حنفی مذهب وصاحب همت وحوصله بزرگ بود در تشکیل محکمه عدالت ودارالقضا سعی و توجه فراوان داشت که صورت دریافت شدن وثائق از عهد دولت وی این مراتب به طور مرتب به تحقیق اهل تاریخ خواهد رسید . واما از روی نوشته ها معلوم میشود که مرد عادل و متشرع وجداء مخالف ظلم وبدعت بوده است .

قاضی فاضل بیــــــک

بانی قریه فاضل اباد چهاردهی کابل واین قریه بنام فاضل بیــگ مشهوراست. بانی قریه مذکور وقتی قاضی شهرکابل ومرقد شرد رجوار زیارت عاشقان وعارفان علیه الرحمه موجود ولوح مرقد ش پ اهرجا وتاریـــخ ترحیلش ازجمله (خواجــه بهمت) استخراج میگـــردد وسنـــه ۱۰٦۲ هجری قمری اســــــت .

درمهرا واین عبارت نقش بــود : (فاضل ازان شدم کهدبین محمدم واین وقتی بود که حیات خان تیرین قنـــد هاری ملك بلخ راازنزد ـ محمد خان تصرف نمـــود وشمشیرخان به خود لقب گرفتوروزگاری ـ حکمران شهر واطراف کابل بــود ولوح تاریخ مسجد شمشیرخان تاالان بحیث یکی از نشانه‌های فتوحات قند هار د رشهرکابل موجـــود اســــــــت .

قاضی شمس الدین پ غمانی

د رکتاب عمدة المقالات د رضمن تذکار احوال پ سران حضرت شیخ احمد فاروقی کابلی ثم سهر ندی ـ ازعرفاء وقتی یك نفرعالم بنام قاضـــــی شمس الدین پ غمانی یاد میشود ومعلوم گردید که د رسه صد و پ نجا زارسال قبل ازین تاریخ ۱٤۰۹ هجری قمری مرتبه قضاد رشهـــر کابل ویا ولسوالی پ غمان داشته است .

قاضی جان محمد کابلی

ودرهمین عهد زندگانی اولاد حضرت شیخ احمد کابلی (مجدد الف ثانی

ملاجان محمد قاضی دارالقضاء کابل بود وصاحب کتاب عمده المقا

ـت (حاج فضل الله) ازوی یاد می کنـــــد .

بخش دوم

مختصر تاریخ دارالقضاء درافغانستان

از

بدو دولت شاهنشاهی درانی تا خاتمهٔ

سلسلهٔ درانیه

۱۱۶۰ – ۱۲۷۲ ـ هـ ـ ق

د ارلقضـــــــــــــــأ د رعهـــــد

اعليحضـــــــــــرت احمـــــد شاه د ر د ر ا ن

۱۱۶۰ ــ ۱۱۸۶ هـ ــ ق

لویــــه جرگــه ٔ مزار شیــر ســن

وتصویـــب علماء وقضـــــات افغانستان

چون احکام دین الهی وشریعت اسلامی ازبد واشعه ٔفروزنده دین مقدس اسلام در حاک باستانی افغانستان نافذ بوده است وخواهد بود ــ در شهر رجب المرجب سنه یکهزار ویکصد وشصت هجری قمری علماء وقضات افغانستان باتفاق زعماء ومتنفذین قومی وملی دیار افغانستان در حوالی مزار شیرسرخ مطابق رسوم شرعی وملی ـ مجلس کبیر تشکیل داده در تاسیس مجدد یک دولت اسلامی افغانی ومقررات مذهب منیف حنفی دقیاء فکر نموده تصویبی بعمل اوردند تا شخص سنی مذهب کاملاً متشرع ومتورع زمام امور خدمات وعدالت کافه ٔ اسلامیــه ٔ افغانیه را در کف کفایت خود گیرد ·

درخصوص این گزارش ونتائج آن مولوی سید هاشمی فرید ابسالاتی نوشته اســــت :

(دران روزگاری که بسی شخصیت های نامی ازاثر مساعی جدی خویش مراتب بلندی رااحراز نموده ودر عالم احتلال وانحطاط کشورهای بزرگ رول مهمی را بازی کرده انــــد ــ احمد شاه دردران در صف اول ان رجال قرار دارد · موصوف در میان طائفه ٔ افغان ازمیان یک قبیله ٔ معروف ویک دودمان نامی وجاهت سر برا ورد · وفرزند مدبری بار امــد که قبل از دوران به قدرت رسیدن خدمات عسکری او بـــه

بنفع افغانها نمایان وقبائل افغانستان ثناء خوان اوشده بودند

وچیزی که صحت انتخاب اورا درعالمها ثابت ترسانید همانا وضع مصلحت اندیشی وتدابیر صحیح اوبود که ازیک طرف اتش خانه جنگی قبائل حاسد ـ سرکش وتند خورا فرونشانید . وازدیگرطرف روساء قبائل دوردست راکه درحال تذبذب بودند همه رادرمرکزواحد اداری مملکت قندهار دعوت کرده دراثرات حدودی مملکت خویش توسعه بخشید وبذرایع ارقام وقوانین صحیح ه درمیان قبائل مختلف وحدت واتفاق کامل بوجود اورد . ومراتب احترام حکومت رابالای احکام ومراتب احترام حکام رابالای اهالی ولایات طوری قبولانید که هم بهمان پیمانه درفکر دادرسی رعایا وتحفظ حقوق عامه سعی بکاربرده وبدینوسیله فکرمرد افغان رابطرف مقاصد بزرگ رجعت داده قبائل را متحد ومتفق ساخته مطالب عمده یی را بدست اورد . وتدابیر احمد شاهی به خطرات طبیعی غالب امده ودرعرصه عشر سال اول قدرت امپراتوری درشمار نیرومند ترین فرمانروایان بزرگ اسلام محسوب گردید .

کردارهای ذاتی احمد شاه ازنظردیانت وخداپرستی بدرجات اخیربلند تراست . زیرا افراد مستقل مزاج وخودغرض ودنیا پرست بعد ازمایانی که عمرشان درراه حرص وهوس بسرکرده وبجهته حصول مدعای نفس ثبات واستقامت نشان داده بدریافت مطالب شخصی مصدرانعالی شده کامیاب گشته اند .

احمد شاه ابدالی ازتمام این گونه دنیا پرستان برکنار وعاری ازصفات خود پرستی بظهورامده است . والحق که احمد شاه ابدالی نهایت شخص

مهذب و متصوف وبدرجهٔ اعلی شاعر مذهبی هم بود اززمانهٔ نشر و حائم مذهبی که قبل ازبقدرت رسیدن او در سرحدات نمایان بـــود خیلی عبرت گرفته اوراه حقیقت انحراف نورزیده وبه تمام معنی ذوق خداپرستی با نتهای اخلاص وراستی در دل داشته وگاه گاه در اشعارخویش در ضمن مناجات اظهارات می نمود . . . .

(۱) وبااین صفات استغنا روتزکیهٔ صوفیانه — وضع سپاهداری او را دخت نمائید (۲) بهمان اندازه ئی که صاحب رای و تدبیربود به همان اندازه کامیابی های بزرگ نیزنصیب اوگردید . وا زصفات او این بود که روزگارشباب وضع اعتدال درپیش گرفته وازبد و کامیابی وکامرانی به قوانین دینی ومذهبی وملی بحداعلی پابند بوده وضع دوران پیشی راازدست نداده است . ودروقت عملی نمودن هراقدام صبرو حوصله ئی راکه انتهای استقلال مزاج راابرازکند برخود داشت .

واین شرحی بود ازقول یکنفرمورخ هندی — یعنی امپراتوری احمد شاهی یک دولت کاملاً مستقل اسلامی درقلب اسیاوبه تمام معانی دارای اساسات قواعد مذهبی حنفی وجداً پابند احکام شریعت محمدی (ص) بوده است واین روش اعلی رابرا خلاف واحفاد واعقاب خود بمیراث گذاشته است . درلویه جرگه مزارشیرسرخ علماء مذهبی تماماً همیـــن بحث داشتند که فرد شایسته تری ازدائرهٔ افغان زمام امورخدمـــت جامعهٔ اسلامی افغان را درکف کفایت خود داشته باشـــد .

---

(۱) (۲) ازمناجات و تزکیه نفس وخلوص عقیدت و تسکین واستقامت او تفصیلات زیاد داده است . .

خط مشی دولت شاهنشاهی درانـــــــی

براساس شریعت اسلامـــــی

چون قانون اساسی دولت اسلامی افغانستان ازبد وتاسیس برپایه متین دین مبین ومطابق با اصول مذهب منیف حنفی محکم واستوار در معرض انتشار گذاشته ودر مرور تاریخ مورد تطبیق وتنفیذ در هر عصر بوده است برای ثبوت این شرافت وفضیلت بزرگ اعلیحضرت احمد شاه در دران در عهد امپراتوری افغانی خود نوشته است :

(اینجانب را از جهانگیری وکشورگشایی سوای تحصیل نیک نامـــی ونشر آثار شریعت اسلامی خواهش دیگر نیست، وهمه اوقات رای صواب نمای اقدس بر ان است که چراغ دین متین در ربع مسکون با ضیاء تر وز افزون روشن ومنور باشد ـ ونقش اهل بدعت ومخالفان مذهب از لوح زمانـــه محو گــــردد .

ثمره شجره حیات وزندگانی این جهانی ان است که در پنداری کمربسته خورشید انور دین از ظهور را روشن ومنور داشته اید .

ما را از قبول سلطنت غیر از افراختن اعلام شریعت سید الانـــام وتنویر چراغ ملت واجب الاحترام امر دیگر منظور وملحوظ نیست ـ وهمگی همت علیا در ترمیم کاخ این امر جلیل منحصر می باشد تا در روز جزاء بــه ـ

---

(۱) (۲) از مناجات وتزکیه نفس وخلوص عقیده وتسکین واستقامت او تفصیلات زیاد داده اســـت

دیوان عدالت خدا ماخوذ نباشیم ـ ما را خیر وفلاح حال کافهٔ انام خصوصاً اهل اسلام بهمه جهت مقصود و منظور است) ٠

ه ه ه

این بود متن نگارش اعلیحضرت احمد شاه غازی که این اصول و یا قانون اساسی اسلامی افغانی درعهد قدرت او لاد واحفاد ان مجاهد بیقین رعایت شده و اخرین سند و وثیقهٔ روشن دیگر که مؤید نیات دیندارانهٔ شاهان شریعت شعار افغان دارانی است ـ متن مرامنامهٔ شاه شجاع الملک استکه این اساس زرین اسلامی را در عهد دولت خود بدینقرار تائید و توضیح کرده است ٠

(مقصد از سلطنت و حکمرانی پاسبانی خلائق و نجات مظلوم از دست ظالم واجراء احکام شریعت نبوی (ص) وقلع وقمع اهل بدعت و تقویت و اعانت علماء دین است ٠ ما را همگی نیت خواص مصروف ان است که در حقیقت هیچ وقت اغراض نفسانی خود را منظور نداشته بلکه همواره درالتیام و انتظام امور صلاح و صواب خاص وعام کوشیده به قدر درجه و مرتبهٔ هرکه از سپاه ورعیت را بعواطف خسروانی و تلطفات سلطانی سرافراز وممتاز داشته باحدی از افراد بندگان و عموما خواهان نوعی عتاب بی وجه وحساب روا ندازیم) ٠

ه ه ه

محکمهٔ عدالت

اعلیحضرت احمد شاه در لندران در فرمان نوشته است :

(هرکس از حق بنیان وراست گویان وخیراندیشان اززمرهٔ علماء وصلحاء که در دولت اسلامی افغانی به منصب شرعیه سرافراز گردد — نظر بفرمودهٔ خدا ورسول خدا عمل نموده بدون اغماض وچشم پوشی در محکمه عدالت ما بین فقیر وامیر تجارت ننموده دعاوی طرفین را از قرار حکم کتاب الهی کوتاه کند — چون رای شاهنشاه بفرموده خدا ورسول خدا راغب به حق میباشد — قضات میل خود را به جانب حق داشته باشند) .

ه ه ه

.

احتساب عسکر

میرمحمد زاهد هروی در سه صد سال قبل از امروز — محرر وقایع کابل وبعد به احتساب عسکری کابل مقرر گردید . بعد از آن صدر العلماء کابلستان منصوب ودر سنه ۱۱۰۱ هجری قمری در کابل فوت ودر جوار زیارت عاشقان وعارفان علیه الرحمه به خاک سپرده شد .

حاشیهٔ زاهدیه برشرح مواقف وشرح رسالهٔ قطبیه وحاشیه برشرح تهذیب محقق جلال الدین دوانی — از آثار علمی اوست.

احتساب عسکر همان مرتبه وحیثیت قاضی عسکر را دارد که در دوره های مدنیت اسلامی افغانستان همیشه موجود بوده است. وظیفه او نهی کردن از ممنوعات وهم احصائیه عسکر بوده است.

احتساب: نهی کردن از چیزهائیکه در شرع ممنوع باشد وبه شمار آوردن در دوره امپراتوری جدید افغانستان نیز این رتبه علمی و شرعی موجود بوده وچنانکه در این سجع های مهر دیده میشود.

احتساب دین زفیض یرو معبود شد
حاکم شرع محمد عاقبت محمود شد

٥ ٥ ٥

زلطف شه وفضل خداد
مامور احتساب شد صاحبداد

٥ ٥ ٥

ایات قران کریم
در مهرهای قضات

در این دوره احمد شاهی در همین دائره جمیع مهرهای قضات واعضاء محاکم شرعیه اسلامیه افغانستان ایات قران کریم نقش ودر قسمتی از مهرها.

(وافوض امری الی الله) ودرقسمتی آیه مبارکه (فاحکم بین الناس بالحق ولاتتبع الهوی)

ودرقسمت دیگر ازمهرها (واذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل) نقر گردید .

ودرختم هریک قباله : عبارات مقدسه

(وکان ذلک عند محضرمن المسلمین مشهود) .

(وکان ذلک بمحضر من الثقات والمسلمین)

و (بمحضرمن العدول والتقیات) اساس قرارداد شد .

ورود شیخ الاسلام ـ قاضی وعلماء غزنین

بحضور اعلیحضرت احمد شاه درران

اعلیحضرت احمد شاه درران در برج سنبله سال ۱۱۲٦ هجری شمسی مطابق شهرشوال المکرم سنه ۱۱٦۰ هجری قمری ازراه مقر وقلات وارد ولایت غزنین گردید . جان محمد خان وکلانتران وکدخدایان واعزه و اعیان وشیخ السلام وقاضی ودیگرعلماء وفضلاء آن ولایت به حضور اعلیحضرت احمد شاه درران آمدند وادای حقوق دولت اسلامی افغانستان مستقل رامطابق به اساسات دین مقدس اسلام واصول مذهب منیف حنفی استوار نمودند .

احمد شاه امپراتور افغان چند روزرا به غزنین به صحبت شیخ السلام قاضی ودیگرعلماء وفضلاء وتجار واهل کسبه آن دیار ودهقانان وصنعت گران گذرانیدند .

به مساجد جامع ان مرکز تاریخی اداء صلواة پنجگانه نمود وبه زیارت بابرکات غزنین مشرف وبحصول فیوض وبرکات ان زیارت عز افتخار حاصل واثار خیریه جاگذاشت ـ احفاق ازبا بتولیت رامنظور ومدارس علوم دینی راتقویب بخشیدند .

درمرکزغزنی محکمه ٔ شرعیه وقاضی ومفتی درهروقت مقرر وعلماء مدرس باخذ جایگیرو مواجب نقدی وجنسی موفق می بودند .

واینجابایدگفت که : ابدالیان یعنی پدران ونیاکان وطائفه احمد شاه بزرگ اززمانه ٔ های بسیارقدیم درقندهار وزمینه اورطوبا وکوهستانهای قره باغ وغزنین الی خطه ٔ کابل ـ بهاروتابستان رادرقریه هاو صحراهای پراب وگل دیارکابل می گذشتاندند ـ اراضی واملاک زرخرید داشتند ـ یعنی قضات ومشائخ وعلماء مدرس نواحات قلات ـ غزنین وکابل پیشراز زمانه های به قدرت رسیدن امپراتوری ان مدافع احقوق اسلام وافغان وافغانستان شناسایی هاوروابط مستقیم روحانی و معنوی داشتند . زیراکه قدرتمندان معنوی ابدالی سره بنی قندهار درهمه مراکز باگروه علماء واتقیاء محشور بودند .

فتاوای احمد شاهی

بزبان پشتو

فتاوی – جمع فتوای – بکسرواونیز درست است • فتاوی احمد شاهی درعلم شرع مقدس برای محاکم – درعهد امپراتوراعلیحضرت احمد شاه دردران ازطرف دیوان اعلی بزبان پشتو ازروی کتب فقه اسلامی تاءلیف شده است• چون وقت کافی نبوده قدری خلص ومختصر وقابل غور و تحقیق ثانی به نظرمیرسد •
عمده الامراء عبدالله خان دیوان بیگی وکیل الدوله که خود موءلف این کتاب است ویاتحت نظران ازطرف هیاءتی ازعلماءقند هار تاءلیف یافته تصریحی وجود ندارد • وامافصیده یی که درین بیت درصدرکتاب فتوای ازخودانشاء وبیان فرموده ازتوجه کامل سرفرمانده وقت درامورشرع شریف و مسائل فقهی مطابق اصول مذهب منیف حنفی (رح) اثرمبارکی درتاریخ قضابجاگذاشته که اینک عیناء نقل میشود :

په زرمی مدینه مکه مقام کره
پس ارامه زره می حه خوبه دارام کره
د توفیق په جهاز سور ودلره بوزه
محترم می په کارود احترام کره

گرد و غبار می ئی د لاري د زړه قوت کـــړه

راته هره د روازه باب السلام کـــړه

د واړه سترگـــي مي پورېنانې په کعبه کـــړه

د واړه لاس مي ستا وسیت تهٔ په سلام کـــړه

په اوداسو مي د دین ارکان قوي کـــړه

مصلی راته ښکاره د هر امام کـــړه

د زمزم په اوبو سو مي خوا ســره کـــړه

مصلی مي په اخلاص خلف المقام کـــړه

ستا ارد مستلزم مي شفیعـان کـــړه

په دعا مي ملتزم په التزام کـــړه

په میزاب مي د رحمت نثاه مفصول کـــړه

ما فارغ البال د غمه ال م کـــړه

تند یلونه مي روزي د محبت کـــړه

چراغونه مي داغونه د الام کـــړه

په صفا مروي مي صاف لکه مرات کـــړه

په دوي د واړه مي دعا ته پر قیام کـــړه

خادمان چه د حرم خدمت کویـنـــه

مقصود غلامانو مي غلام کـــړه

پـــــه ژړا مې کړه روان وعبرات تـــــــه

ـد قه مې د ستلو ترا تـــــــدام کـــړه

په ... ... ت مې خواست قبول کــــــړه

هم قبول مې خواست چه مخشرالحرام کـــړه

په منا مې تمناد زړه پوره کــــــــــړه

په مذبح د اسمعیل مې خـپـل ځـان اقلام کـــړه

په حرم کښې مدفون پیغمبــــــــــــران دي

د هغوپه برکت مې کار تمام کـــــــــــړه

د رسول چه د روضې مجاوران دي

د هغوی قدمبوسي په صبح و شام کـــړه

په خدمت د مکي ومدینـــــــــــــــی وه

(احمدشاه) د سکندر تا ئم مقام کــــــړه

(عبدالله) د مولانــــه دغه خواستکــــــه

چه روان مې خپل بیتته په حترام کــــــــړه

د رسول د دغه یارله برکتــــــــــــــــه

(احمدشاه ده) زمان د رست جهـــــان کـــه

یارسول الله اقبال د دلـــــــــیاهدران غواړه

ولی چه اقبال د دباغبارد یخلـــــــــم

خانعلوم

(شارح اشعار اعلیحضرت احمد شاه غازی)

یک نفر عالم بزرگ پشتوزبان که چندی از اشعار اعلیحضرت احمد شاه درانی را شرح نموده در مقدمهٔ اثر مؤلفهٔ خود نوشته است :

(۰۰۰۰۰۰ وایی فقیر پر تقصیر چه مخاطب دی په خانعلوم سره له جنابه پادشاه اخرالزمان چه لقب دی له عالم غیبه په شاه درانی سره ۰۰۰۰۰۰۰۰۰ شاهان درمکی که په دیر شوکت کشی دی پر پادشاهانو کشی محتشم دی) ۰

٭ ٭ ٭

شارح محترم اشعار که مخاطب به خانعلوم بوده است با وفور علمیت در علوم تفسیر وحدیث وفقه وادب متأسفانه اسم خود واسم پدر وقومیت ومسکن ابائی خود را معرفی نکرده واین اظهار عجز وشکسته نفسی باعث عدم معرفت او گردیده است.

چون محض خطاب خانعلوم اکتفا ورزیده میتوان دانست که دراین خطاب بزرگ علمی در عهد خود یعنی شاهنشاهی احمد شاهی منحصر بوده در کابل نیز درمتن تباله مورخ شهر صفر سنه ۱۱۶۸ هجری قمری

د وبار عالیجاه خانعلوم یاد شده ولی اسم نبرده وتوضیحات مفصلی که د رصفحات این تالیف جدید شارح اشعار عارفانه اعلیحضـــرت احمد شاه درانی ـ قاضی القضات ملا محمد غوث خانعلوم بود واخوند مصطفی اورا د رکتاب نشاه القد وس د رسنه ۱۰۲۲ هجری قمری به القاب رئیس العلماء ـ رئیس السلطان ملقب به خانعلوم یاد کرده ٠

شیـــــخ الاســـــلام

امپراتور افغانستان ـ اعلیحضرت احمد شاه د ردران د رسنه ۱۱۶۸ قمری د رتشکیلات ادارات حکومت تزئید بعمل اورده ود رسنه ۱۱۶۹ ـ هجری قمری شخصیت بزرگی ازعلماء را بنابرسوانح خصائل نیـــک او شیخ الاسلام مقرروخانعلوم وقاضی اسلام خطاب داده ود رفرمان تقرر او نوشـــــت ٠

(برذمه جهانپیمای خود لازم ومتحتم فرموده ایم که هرکس ازحـــق بینان وراست گویان و خیراندیشان از زمره علماء وصلحاء که د رایـــن د ولت خداداد مستفیض گردیده به منصب شرعیه سرافراز گردد ه نظربفرموده خدا ورسول خدا نموده بدون اغماض و چشم پوشی د رمحکمه عدالت مابین فقیروامیر تجاوز ننموده دعاوی طرفین راقرار حکم کتاب مستطاً الهی کوتاه کند البته اجرا نراد رد ارین خواهد یافت که رضاء جویـــر معبود رامنظور نموده احقاق حق مینماید چون رای ضرلواب نمای نواب همایون مانیز بفرموده خدا ورسول خدا راغب به حق میباشـــد ه انها

نیزمیل خود را به جانب حق داشته باشند که راستی راامر نمودن باعث رضای الهی تحصیل نموده است. مصداق این مقال فرخنده احوال عالیجاه رفیع جایگاه فضیلت وکمالات دستگاه اعلم العلمائی عبد الرسول خان درارانی فوفلزائی قاضی عسکراست که درین عرض مدت براى تعيين جال محکمه شرعیه راما بین خلق الله بدون چشم پوشی و اغماض موافق حکم خدا کوتاه نموده است وبرای هیچ کدام از صغیر وکبیر عالم تا سرحق نه پوشیده حقان حق را نموده است شیوه راستی وحق بینی وحق گویی او برعالم اظهر من الشمس می باشد باید که در ادای راستی ود رستی ارباب فضل وکمال اعزاز واحترام ضرور بعمل اید که در بین الامثال محترم وقور بوده متوجه شریعت غرا وبیضا بوده زیاده برسابق در این امرساعی گردد که رضامندی خالق الخلق حاصل شود.

لهذا درین ولا .... از ابتدای شش ماهه هذه السنه که عبارت از سنه تنگوز ئیل ترکی بوده باشد اورا به خطاب مستطاب معلی القاب خانی سرافراز فرموده یم که در بین الامثال والا قران مفتخر ومباهی بوده شکرانه ایزد یمد رگاه واهب معطی برا ورده واز قرار واقعی متوجه محکمه شرع انور گردیده مابین خلق الله که اتفاق دعوا واقع شود وبه محکمه شرعیه رجوع نمایند تجویز حکم می کرده باشد که بدون حکم خدا ورسول خدا اختلافی بهم نرسد واز قرار فرموده خدا و رسول خدا حکم کند که باعث رضا جویی خالق الخلق ونبی اکرم گردد و هم از این عمل مذکور رضای نواب همایون ما تحصیل خواهد کرد.

خوانین و سرکردگان وکدخدایان واعزه واعیان وسائرجمهور عالمان نصرت ایات ورعایای ممالك محروسه ـ عالیجاه رفیع جایگاه اعلم العلمائی عبدالرسول خان قاضی عسکر مشارالیه خان بالاستقلال

. . . . . قرب اورافرا خور منزلهٔ اودانند .

مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی صورت رقم مبارك رادر دفاتر خلود ثبت ودرعهده شناسند .

توضیح . چون گوشهٔ اخیرفرمان بنابرگذشت زمان محوشده سنه تحریر معلوم نمی گردد . وچون تنگوزئیل شمسی ۱۱۳٤ مطابق ۱۱٦۸ و ـ ۱۱٦۹ هجری قمری است به طوریقین که فرمان در برج جدی سال ۱۱۳٤ شمسی مطابق ربیع الاول ۱۱٦۹ قمری وموافق دسمبر ۱۷۵۵ م نوشته شده ومقرری منصب شیخ الاسلام ازاول برج میزان سال مذکور اعتبار یافته است .

وسرافراز نمودن اورابه خطاب خانی مقصدازخانی علماء است که این منصب بزرگ علمی درافغانستان در وثائق شرعی و اسناد دولتی به ذکرارد یده شده است وخان بالاستقلال به معنی اینکه بدون حکم خداورسول خداد ردعاوی مردم حکم دیگری را رعایت نکنند .

مهر شیخ الاسلام باین سجع نقش گردیده است:

ازلطف حق والطاف شاه دردوران محتشم

قاضی اسلام شد عبدالرسول ابن الکرم

۱۱۷٦

د رسنه ۱۱۸۶ قمری مطابق دوره ٔ سلطنت موقت سلیمانشاه درانی به این سجع تبدیل گردید .

گشت از فضل خدا وشه سلیمان جم حشم

قاضی دین متین عبدالرسول ابن کرم
۱۱۸۶

د رسنه ۱۱۸۷ هجری قمری (مطابق ۱۱۵۲ شمسی) مولوی عبدالر
ـ حیم خان ابن قاضی عبدالرسول خان بفرمان امپراتور تیمورشاه ـ
قاضی دارالقضاء فاخره ٔ احمد شاهی مقرر گردید ، وعالم موصوف در
مهرخود این سجع را نقش نمود :

چون مفوض شد به تیمورشاه شاهی ازکریم

قاضی اسلام شد ازصدق دل عبدالرحیم
۱۱۸۷

عنوان دارالقضاء حضور لامع النور فاخره ٔ احمد شاهی یعنی شهرجدید
قندهار بمین ان عبارت تاعهد امارت امیرشیرعلی خان د روثائق نوشته
میشد .

ووثیقه ٔ مورخ (۱۰) شهررمضان المبارک سنه ۱۲۹۶ قمری شاهداین
حقیقت است، ود روثیقه ٔ مورخ (۱۵) شهرذیقعده الحرام سنه ۱۲۵۳
قمری نام ملا رحمت الله اخوند زاده برتبه ٔ شیخ الاسلام تصریح گردیده
واما این وقت خود شرفوت وپسرا وملاعبدالرحمن اخوند زاده د رقید حیات
وبالقاب فضیلتپناه یاد شده ونیزد روثیقه ٔ مورخ (۹) شهررجب المرجب
سنه ۱۲۷٤ قمری عبارتی نگاشته امده که عین مطالب فوق راتائید میکند

وازاینقرار است :

(حاضرامد بدارالقضاء حضور لامع النور فاخره احمد شاهی فضیلت پناه ملاغلام محمد اخند زاده بن المرحوم مغفورملاعظیم اخند زاده بن غفران پناه ملا نصرالله اخند زاده قوم الکوزائی که وکیل عام شرعی بود ازقبیل گل بخت نامه شیخ الاسلام ملا رحمت الله اخند بن المرحوم مغفور قاضی القضات قاضی عبدالرسول اخند قوم فوفلزائی) .

ودر وثیقه مورخ (٢٦) شهرربیع الثانی سنه ١٢٨٤ قمری باین عبارت نگاشته شده : (حاضرامد بدارالقضاء حضور لامع النورا شرف البلاد احمد شاهی . . . . . فضایل اگاه محمد یوسف شیخ الاسلام ابن مرحوم ملا خیرواخند زاده)ودر وثیقه مورخ (١٥) شهر شعبان سنه ١٢٨٠ قمری نوشته شده :

(فضیلت پناه حقائق ومعارف اگاه ملا یوسف اخند زاده شیخ الاسلام بن المرحوم الغفورمرحمت پناه ملا خیرالله اخند زاده بن المرحوم الغفور غفران پناه ملا رحمت الله اخند زاده شیخ الاسلام قوم فوفلزائی) .
مسجد شیخ الاسلام واقع بازارشکارپورشهر قندهار بنام همین شخص است.

ودر وثیقه مورخ (١٣) ذیقعدة الحرام سنه ١٢٢٦ قمری نوشته است:
(فضائل اگاه ملا نظرمحمد اخند زاده قاضی محکمه محال ارغستان بن شیخ الاسلام مذکور) .

٥ ٥ ٥

مقبرهٔ قاضی القضات مولوی عبد الرسول خان شیخ الاسلام وپسر و نواده، گانتریا مولوی محمد یوسف خان شیخ الاسلام . درشمال مزار حضرتجی علیه الرحمه واقع د رقند هار است .

شیخ — بمعنی پیرو خواجه — شیخ الاسلام — یعنی پیروخواجه — مسلمانان . این عنوان بزرگ د رافغانستان ازقرن اول اسلام مروج شده است .

مثلاً : شیخ ابواحمد ابدال چشتی — شیخ عارف ابدال سره بهشتی شیخ حمید بیتنی . چنانکه مولوی نورالدین عبد الرحمن جامی د رمورد اثبا توراثت خود گفته است :

مولدم جام ورشحه قلمم جرعه جام شیخ الاسلامیست

واین منسوب به حضرت شیخ احمد جام ژنده پیل است .

د ردوره حکمرانی بالاستقلال ابد الیان قند هار د رهرات میرزا محمد مهدی استرابادی نوشته است : برای حل منازعات سرحدی شیخ الاسلام وقاضی القضات هرات ازطرف الهیارخان ابدالی فرستاده شد ند صوفی اسلام کرخی (متولد سنه ۱۱۳۸ ق — متوفی سنه ۱۲۲۲ ق د رهرات ازطرف د ولت افغانستان منصب شرعیهٔ شیخ الاسلام داشت

قاضی عسکر

اعلیحضرت احمد شاه د رد زان د ربرج اسد سال ۱۱۲۶ هجری شمسی مطابق رجب المرجب سنه ۱۱۶۰ هجری قمری — عبد الرسول خلیان د رانی فوفلزائی را قاضی عسکر مقرر نمود . ود ربرج جدی سال ۱۱۳۴ شمسی مطابق ربیع الاول ۱۱۶۹ قمری د رفرمان ازخد مات صحیح او

تصدیق نموده باین عبارت نوشت :

عالیجاه رفیع جایگاه فضیلت وکمالات دستگاه اعلم العلماء عبدالرسول مان درانی فوفلزائی قاضی عسکر در این مدت بران تعین حال محکمه شرعیه رامابین خلق الله بدون چشم پوشی و اغماض موافق حکم خدا کوتاه نموده استوبرای هیچ کدام از صغیر وکبیر عالم ناس حق نفس پوشیده احقاق حق را نموده است. شیوه راستی حق بینی و حق گویی اوبرعالم اظهرمن الشمس می باشد. باید که درادای راستی و درستی ارباب فضل و کمال اعزاز واحترام ضرورعمل آیند.

یکی از علماء بزرگ قندهار که ازسنه ۱۱۶۰ هجری قمری مطابق ۱۱۲۶ هجری شمسی بفرمان دولت امپراتوری افغانستان منصب قاضی عسکر یافته وبه این افتخار بزرگ نائل شده - قاضی ملاادریس خان است.

محمود الحسینی وقایع نگار دربار قندهار نوشته است : مقدمه تاریخ احمدشاهی را نوشتم رانجمن حضورقرائت نمودم واهل مجلس که علماء بزرگ بودند شیوه نگارش من را پسندیدند :

ستودند اهل بلاغت تمام
که بودند باشاه دین همکلام
چه حاتم علوم وچه ادریس خان
چه ملاشریف وچه دیگرکسان
که هریک نشانی بود بحرعلم
خصوصاً که اخوند ادریس حلم

بفضل وبدانش ندارد نظیـــــــر .

بود طفل در مکتبش چـــــــرخ پیـــر

در ضمن حوادث سنه ۱۱۶۰ قمری نوشته است : ملاداد ریس خان شیخ الاسلام اردوی انجم احتشام را که از فضلای عظام کرام است در سلک ندمای مجلس همایون انتظام داشت .

در ضمن جریانات سنه ۱۱۶۹ هجری قمری مطابق ۱۱۳۵ هجری شمسی ملاداد ریس خان قاضی عساکروده ضمن جریانات سنه ۱۱۷۰ قمری ــ قاضی اد ریس خان پیشنماز و در سطرد کرملاداد ریس خان قاضی معسکروده ضمن جریانات سنه ۱۱۷۳ قمری نوشته است: ملا اد ریس خان قاضی معسکر نصرت نشان که در رجه ٔ تقرب ومحرمیت خاص در خدمت سلطان سلاطین جهان ودر علو فطرت وکمال فهم ودانش رتبه ٔ تفوق بردانشور زمان دارد :

ازان جمله خان معلی جنـــــــاب

شریعت شعار وفضیلت مـــــــاب

که اد ریس علم ایست وتقی شعـــــــار

بود قاضی عسکـــر شهر یـــــــار

ودر صفحه دیگر قاضی ملاداد ریس پیشنماز ودر ضمن جریانات سنه ۱۱۷۸ قمری (۱۱۴۳ شمسی) تحت عنوان (ذ کرتفویض صاحب اختیاری امور دین ودولت به خان سموالمکان ملاداد ریس خان قاضی سپاه ظفر صولـــــت) . نوشته است :

چون قامت قابلیت واستعداد جناب فضیلت ماب رکن السلطنه القاهره

وعضد الدولـه الباهره خان والا شان شریعت پ روزسرحلقه ارباب فضل و هنرمنبع الجود والاحسان مقرب الخاقان ملاداد ریس خان قاضی عسکر ظفرروزی اثربه حلیه خیراندیشی وکفایت رسانی اراسته وبه حلیه امانت ودیانت پیراسته بود .

زمام قبض وبسط مهمات ومهام رتق وفتق امورات رابه کف کفایتنا ربه ار لشکر پایه سریرخلافت برپایه قدر ومنزلت او فزودند . وعالیجاه معظم الیه نیزبا قتضای خلوص نیت وصفای طویت در تمشیت هرامری از امورسفر موفوربه رجه ظهوررسانیده واسایش وارام راد رشریعت بند گی وعقیدت برخود حرام دانسته وسیماب وارد رانجام هرکار بیقرار بوده پروانه اسا در پای این شمع انجمن جهان افروزی جان نثاری ودلسوزی مینمـــود) .

وقایع نگار موصوف تاریخ فوت اورابا ین عبارت نوشته است :

((ملاداد ریس خان قاضی معسکر ظفرترامان که صاحب اختیار دربار دولت خانه ومدار الـهام بارگاه بود بشدت مرض گرفتار گشته وبعد ازچند یوم در منزل انباله روز پنجشنبه (٢٥) ماه مبارك رمضان سنه ١١٧٨ قمری برحمت حق پیوست . چون خلوص مدان وصفا وخصوص اخلاص ووفا ی مرحوم مذ بوربا کزین یاران حضرت اعلی بود لـهذا ان حضرت را از وقوع واقعه تاسف موفورد ست داد .

دریغ ان شریعت پناهی که بـــود
دلـش کان علم وکفـش بحــــر جــود
دریغا ازان خان داد ریس علــــم
که بحرکرم بود وهم کوه حلـــم

تاریخ تقررملاداد ریس خان به صاحب اختیاری د ربد ولت خانه یعنی قائم مقامی وزیرشاه ولی خان برج سنبله سال ۱۱۴۳ شمسی مطابق شهرصفر سنه ۱۱۷۸ قمری وتاریخ فوت ان پنجشنبه (۲۸) برج حوت سال ۱۱۴۳ شمسی مطابق (۲۵) رمضان المبارک سنه ۱۱۷۸ قمری و موافق (۱۸) مارچ ۱۷٦٤ میلادی عیسوی است .

٥ ٥ ٥

ملاداد ریس خان ـ عالم علوم شرعیه ومترجم زبان عربی و کتاب ـ ((کامل الصناعتین)) ازعربی به دری تحت نظراو ترجمه شده ودر مقدمه کتاب باین عبارت تصریح گردیده است .

(حسب الحکم جهان مطاع عالم مطیع ه شاه سلیمان جاه دین پناه سلطان المجاهدین فی سبیل الله حق اگاه ه منظورنظر خاص ـ حضرت وحمان ملجا وماوای عالم وعالمیان ه معز اسلام وحامی مسلمانان همنام سرور دوجهان ه احمد شاه پادشاه درران لازال مویدا بتایید السبحان ه و موید دولته بتائید المنان اعلم العلماء افضل ـ الفضلاء ه علامی فهامی مقرب الخاقان قاضی محمداد ریس خان مدظله الی یوم القیام له امر کرد که کتاب کامل الصناعتین راکه به زبان عربی است به جهت فایده مند شدن خاص وعام بزبان فارسی باید نوشت) .

٥ ٥ ٥

د رسنه ۱۱۷۹ هجری قمری مولوی محمد رسول خان ابن کوم خان ــ قند هاری که منصب قاضی عسکرداشت ، به منصب شیخ الاسلام د رقند ــ هاربرگزیده شد وتاسنه ۱۱۸۶ هجری قمریه این افتخاربزرگ نائل بود که مفصل احوال اند راین رساله تاریخ قضاد رافغانستان نوشته شده است .

ه ه ه

ملا فیض الله خان براد رخورد ملاد ریس خان د رسنه ۱۱۸۶ هجری قمری به منصب شرعیه قاضی عسکروپیشنماز بفرمان امپراتور تیمورشاه افغان برگزیده شد وتاسنه ۱۲۰۷ قمری د وام داد .

وقائع نگار مقر امپراتوری افغانستان د وضمن خبر واقعه وفات اعلیحضرت احمد شاه د رد ران از ملا فیض الله خان بعنوان قاضی وملازم تیمورشاه وبه عبارت : براد رمرحوم مغفورملاد ریس خان قاضی ارد وی شاهنشاه غفران ماثر ــ یاد نموده ود رسطرد یگر از عالم موصوف به عبارت :

(سر حلقه ارباب حقیقت وعرفان ، منبع الجود والاحسان ، محرم اسرارظل الهی ، ملا فیض الله خان د ولت شاهی قاضی) یاد نموده .

د روثیقه وقف نامه خرقه شریفه واقع قند هار که د رشهررجب سنه ۱۱۹۶ قمری (مطابق برج حمل سال ۱۱۶۱ بارس ئیل شمسی) نوشته شده باین عبارت ستایش یافته است :) . . . . عالیجاه رفیع جایگاه فضیلت وکمالات پناه افادت وافاضتاستگاه علامی فهامی اعلم

العلماء و افضل الفضلاء مقرب الحضرت الخاقانیه ملافیض الله خان پیشنماز سرکار خاصه شریفه وقاضی عساکر نصرت ماثر) .

ه ه ه

ملافیض الله خان (برادر قاضی ادریس خان) در سنه ۱۱۷۰ هجری قمری معلم شاهزاده تیمورشاه مقرر شد ودر سنه ۱۱۷۵ قمری به همراه شاهزاده موصوف از قندهار به هرات رفت وتاسنه ۱۱۸۶ هجری به صفت معلم ومشاور امور شرعیه معیت ان شاهزاده راکه به فرمان پدر پادشاه اقلیم هرات بود داشت ودر سنه ۱۱۸۶ قمری پیش نماز پادشاه وقاضی عساکریاد شده است .

محمود الحسینی وقائع نگار نوشته است :) ملافیض الله خان در علم فقه وحدیث بی مثل وبی بدل ودر شیوه زهد وتقوی مشهور جمهور وضرب المثل به حسن خلق و لطف طبع و علو همت ووفور سخاوت و کمال شجاعت موصوف وصفت فضل و احسان معروف بود) . مذکور (افضل فضلای عالیمقدار و اعلم علمای روزگار) خطاب داشت.

مسجد قاضی فیض الله خان شهر کابل ـ گذر قاضی فیض الله خان شهر کابل باغ قاضی فیض الله خان شهر کابل یادگارهای عمرانی عهد تیمورشاهی باسم همین شخص و نیز کاریز قاضی در چهاردهی کابل متصل جاده کابل پغمان بنام او مشهور است.

مذکور در سنه ۱۲۰۸ هجری قمری در بالاحصار کابل وفات یافت . فرزندان ونواده گانش اورا باین عبارت ستایش می نمودند .

فیاض الدوران ، سند اهل الشرع والایمان ، یده کسحاب القاطر فی النیسان قاضی القضات اخوند ملا فیض الله خان ، دولت علماء نسبا ، حنفی مذهبا ، قادری مشربا ، زهیری مسلکا) .

چون امپراتور تیمورشاه افغان — سالیانی نزاو علوم عربی وادبی درس خوانده بود — (استاد سلطان تیمورشاه دردران) نیز یاد می نمودند . پسراو سعید حسین ونواده اش سعد الدین درعهد درانیس درکابل می زیستند . قلعه ملا فیض الله خان درچهاردهی کابل بنام قلعه اخوند زاده بنام همین خانواده وکاریز ملا فیض الله خان درونا ئی یاد شده ودرین کتاب از نظر می گذرد .

سوانح چهارده صد شاعر ازابتدای زبان دری تا عهد امپراتوری تیمورشاهی درتحت نظر همین شخص درکابل تالیف شده واین مجموعه گران قیمت تاریخی وادبی ازنظر مرحوم میرزا عبدالرحیم رحیمی ابن مستوفی ملا عبدالرزاق خان گذشته وبه نویسنده این کتاب حکایت نموده است .

شیخ الاسلام قاضی القضات

درولایت سند

دراوائل عهد دولت اعلیحضرت احمد شاه درانی محمد افضل خطاب شیخ الاسلام ولایت سند یافت ودرسنه ۱۱۶۷ هجری قمری وفات یافت . پس از فوت وی محمد احسن پسرش دران ولایت به لقب شیخ الاسلام (قاضی القضات) برگزیده شد . ودرعهد امپراتور تیمورشاه افغان — عبدالوهاب

ازسلسله ا اولاد شیخ محمود ولدابو سعید خطاب شیخ الاسلام در ـ
ولایت سند یافت . واین شیخ الاسلام وقاضی القضات تاعهد امپراتور
زمان شاه ابن تیمورشاه برقرار بود ودرسنه ۱۲۱۲ هجری قمری
وفات یافت . چون مردم ولایت سند بزرگان معنوی خود را به خطاب ـ
میرك یاد می نمایند ازان جهته بنام میرك محمد افضل ومیرك محمد
احسن و میرك عبدالوهاب مشهور بودند فرمانهایی که در برقراری
وخطاب های علمی وقضائی ان دسته رجال ازطرف دولت امپراتوری
افغانستان صادر یافته در ارشیف های شخصی وملی ان ولایت
محفوظ است .
ازعلماء انعهده شخصی که درشهر بهکر منصب قضاداشته فضائل
ماب ملااحمداست .

ملاباشی قندهار

حاجی ملاولی ازقبیله حوازائی قوم اسحق زائی درائی درعهد امپراتور
احمد شاه غازی و تیمورشاه غازی درقندهار مصروف تدریس و تعلیم طلاب
وسرپرستی اهل علوم ومساجد و خانگاه ها و زیارتگاه ها بوده
بعد ازفوت او خدابخش پسرش بفرمان امپراتور تیمورشاه منصب
ملاباشی قندهار یافته ودرفرمان مورخ (۱۲) ربیع الاول سنه
۱۱۸۹ هجری قمری نوشته است :
(انکه فضیلت و کمالات پناهان ملاباشی و ملامداح امین محکمه وملا ـ
الیاس و ملا پیر محمد کاکری وملا دوست محمدعزیز تبریزی وغیره ملایان

اشرف البلاد احمد شاهی بالطاف روزافزون شاهانه سرافراز گشته بدانند) .

ملاباشی خدابخش اسحق زائی در دوره زمامداری محمود شاه نیز به منصب علمی جود در قندهار سرافراز بود . در فرمان مورخ ربیع الاول سنه ۱۲۱۶ قمری که از حضور محمود شاه صادر گشته نوشته است : انکه فضیلت وکمالات پناهان ملا خدابخش ملاباشی و ملا نصرالله امین محکمه احمد شاهی و ملا الیاس و ملا پیرمحمد کاکری و ملا دوست محمد)

پس از فوت خدابخش ملاباشی ـ بفرمان شجاع الملک شاه در اثر ملاعبدالکریم پسر ملا خدابخش ، رتبه ملاباشی قندهار یافت و تا سنه ۱۲۵۸ قمری دوام داد . وبعد از وی پسرش ملا ابوبکر اخوندزاده منصب ملاباشی حاصل کرد و تا سنه ۱۲۹۷ قمری دوام داد .

در سالی که امیرعبدالرحمن خان مسجد جامع چوب فروشی کابل را مجدداً تعمیر نمود . در جوار آن مدرسه را تأسیس فرمود تا علماء جید کشور یک عده طلاب را تدریس نمایند . و این وقت ملا ابوبکر اخوندزاده را از قندهار به شهر کابل احضار و در گذر کتاب فروشی به شمول سه نفر عالم دیگر (قاضی پشدی ـ مولوی پالچ (۱) ـ مولوی غلام جیلان لوگری) .

---

(۱) پالچ نام قریه ایست در غزنی وعالم مذکور منسوب به قریه مذکور که مرکز او بود شهرت داشت . مولوی عبدالرزاق خان پسر همین شخص بود .

از تصانیف ملا ابوبکر (ابن ملا عبدالکریم ابن خدابخش ابن ملا ولی)
قندهاری کتاب تقویم الدین به طبع رسیده و مذکور در چهل شب و
روز قرآن کریم را حفظ نمود وبعد زبانش بند شد و از کابل به قندهار
مراجعت نمود ودران سرزمین الهی جان به حق سپرد .
از ملا ابوبکر ملاباشی یک پسر ملا یوسف ماند واو در حدود نود سال عمر
کرد . وازوی سه پسر اخوندزاده محمود رسول ـ محمد حسن ـ محمد
نبی مشهور به یوسفی به جا ماند . خاندان ملاباشی قندهاری در مدت
دو صد سال باین نام معروف و بپاس علمیت و تقوی وخدمت به عالم
علم و معارف مورد حرمت بودند .

دارالعلم در قندهار

قندهار مرکز زابلستان کهن در هر زمان عالمان بزرگی در علوم دینیه داشت
واین مرکز بزرگ را صاحب حبیب السیر مرجع الفضلاء الاخیار یاد کرده است
ودراین تألیف جدید تاریخ قضا و مناصب علمی میخواهم هریک اسم
و عنوان رابه استناد وثائق و اسناد معرفی کنم . چون اسناد قبل
از لویه جرگه مزار شیرسرخ موجود نمانده لهذا از سنه مذکور (۱۱۶۰ ـ
۱۱۲۶ ش) برویت اسناد شرح میدهیم :
از علماء بزرگ قندهار شخصی که لقب سرمد رسوخان ملاخان
و خطاب اعلم العلماء داشت همدرین عهد امپراتوری جدید ملازلی
ولد مولوی اسمعیل خان ولد مولوی روح الله خان از عشیره بختیار
زائی قبیله ابامی زائی طائفه پوپلزائی بود .

ملازلی درعلاقهٔ ارغسان قندهار در سنه ۱۰۹۵ هجری قمری پا بعرصه وجود گذاشت و بتاریخ ۱۲۰۰ هجری قمری در ولسوالی ترنک و جلدك چشم از جهان پوشید وزیارتگاه عالم موصوف در همان جادر دامان تپه ء بلند در سمت شمال شهرصفا ((مرکز قدیم ابدالی) ها واقع است .

موصوف خان علماء و خان ملا لقب داشت . پسراو مولوی فتح الله خان وپسروی مولوی حزب الله خان و پسران وی مولوی دین محمد و مولوی یارمحمد خان اند . پسران مولوی دین محمد خان ـ مولوی سردارمحمد و مولوی جان محمد اند . و هریك از علمان بزرگ عهد زندگانی خود شاه و مدرسان بزرگ علوم شرعیه گذشته اند . درلویه جرگه ها وجهاد اسلامی اشتراك می ورزیدند . واهالی دیارو هم حکومات افغانستان ازروی سوابق علمی این خاندان بنظر قدر واشفاق می نگریستند . فرمانها ازطرف دولت برای اعزاز و القاب علمی این خاندان عطا شده است چون درخدمات علمی و تدریس و حفظ استقلال و امنیت ودفاع سرحدات مانند سایرخاندان های بزرگ علمی وروحانی درهردوره سهم داشتنده جمعیت این خاندان از تکالیف مالیات و سیورسات به همین ملحوضات معاف بودند و چنانکه امیرشیرعلی بتاریخ ذیقعده الحرام سنه ۱۲۹۰ هجری قمری بتائید ارتقام دوره های گذشته فرمانی به این عبارت اعطاء نموده است:

(فرمان همایون والا شد آنکه حکام و عمال اشرف البلاد احمد شاهی امید وار مهربانی بوده بدانند . چون درسنوات گذشته خیل مرحمت (۱)

پ ناه ملازلی اخند زار ۰ ۰ ۰ و بیگار و غیره تکالیف معا فبوده اند
حال نیز نظربدعاگوئی انها وبه جهته استدامت دولت قوی صولــــت
امیرمیشود که بقراردستاویزهای سابق و سررشته ٔ سنوات گذشتـــه
معمول داشته به خیل مرحمت پ ناه مذکور مزاحم و متعرض نشونـد
که بدعاگویی دولت قاهره اشتغال ورزند ۰ لهذا بحصول اطلاع بـر
مضمون فرمان والاحسب المقرر بعمل اورده تخلف نورزند درعهده ــ
شناسنـــــد ۰

تحریر فی شهرذی قعده الحرام سنه ۰ ۱۲۹۰)

درپا لامهرامیربعبارت (ابوالفتح معین الدین امیرشیرعلی خان بهادر
زینت بخشیده است ۰ سنه مهرــ ۱۲۸۹ هجری قمری است ۰

(۱)خیل ــ بالفتح سواران وگروه مردم و بمعنی بسیار ولشکراسپ سوار

قضات ولایات شمال افغانستان

درعهد درانی

سیدعطاء الله خان بفرمان امپراتور احمدشاه درانی داروغه عدالت ولایات شمال افغانستان مقرر شد.

سنگی محمد درتاریخ بدخشان نوشته است: درین دوره (۱۱۶۰ – ۱۱۸۶ق) درخطه بدخشان ملاعبدالرحمن رااستاد و پیشوا – وقاضی ملامیرعابد راعالم بزرگ میدانند.

* * *

قاضی حافظ محمدصدیق

اعلیحضرت احمدشاه درانی – فرمانی که بتاریخ شهرجمادی الاخر سنه ۱۱۸۰ قمری (برج عقرب سال ۱۱۴۵ شمسی) درتقرر میرصاحب عتیق الله خان صادرفرموده نوشته است:

فضائل و کمالات پناه افادت و افاضت دستگاهان قاضی حافظ محمد صدیق و اعزه و اعیان و جمهورسکنه و متوطنین لاهور مزبور بعنایات موفورشاهانه معزز و مباهی بوده بدانند........

× × – ×

پیشنماز وخطیب

ازجمله علماء بزرگی که دو صد سال قبل از امروز پیشنماز و خطیب و لقب ملای حضور یعنی مشاورامور شرعیه درفتوی و صدور احکام قضائی

بدربار سلطنت می بود یکی ملا غلام رسول اخوند زاده سرکانی الکوزائی است . که در عهد امپراتور اعلیحضرت احمد شاه دردران پیشنماز وخطیب حضور را ولین مسجد جدید التعمیر شهر جدید قندهار که در سنه ۱۱۷۲ هجری قمری جامع موصوف اکمال یافت وظیفه ملاامامت و خطابت داشت . پس از فوت او ملا محمد اسلم اخوند زاده بفرمان امپراتور تیمورشاه درانی – پیشنماز و ملاامام و خطیب مسجد جامع در قندهار مقرر گردید .

پس از فوت او ملا نصیر اخوند زاده ملاامام و خطیب مقرر گردید و بعد از غلام صدیق اخوند زاده و بعد از ملا احمد جان اخوند زاده پیشنماز و خطیب مسجد جامع موصوف بود . واین خاندان محترم بنام خاندان خطیبان و مسجد ایشان بنام مسجد خطیبان در شهر قندهار مشهور و معروف است .

فرمانی که اعلیحضرت احمد شاه غازی کبیر به جناب ملا غلام رسول اخوند زاده سرکانی اعطا فرموده است . در ید تصرف ملا عبد الله اخوند زاده سلاله غلام رسول اخوند زاده در قندهار موجود می باشد و اینجانب عزیز الدین وکیلی پوپلزائی به ساعت (۳) بعد از ظهر پنجشنبه (۳۰) برج حمل سال ۱۳۴۱ هجری شمسی به مسجد خطیب اخوند زاده مشرف شدم و از اخوند زاده عبد الله الخطیب سره کانی الکوزائی معلومات حاصل کردم .

خطیبان موصوف خطاب ملای حضور نیز میداشتند . زیرا که پیشنماز وهم مشاور شرعیه و صدور احکام قضائی می بودند .

ملای حضـــــــور

د رقدیم عالم متقی راکه پیشنماز و خطیب رمقررات برمی گزیدند به همین القام واحترام یاد میشدند . ملای حضور (پیشنماز خطیب) ملاامام پادشاه وهم مشاور شرعی حضور ود راصل اا احکام مطابق به مقررات شرعی فتوی و مشورت میداد .

وازجمله ٔ ان اعاظم علماء یکی ملاغلام رسول اخوندزاده ٔ سرکانی الکوزائی د رعهد د ولت امپراتوراعلیحضرت احمد شاه د رد ران بود . واین پیشنماز و خطیب د راولین مسجد شهرجد ید قندهار که د رسنه ۱۱۷۲ هجری قمری عمارات ان تکمیل یافته . وظیفه ٔ ملاامامت و خطابت داشت . و موصوف د راوقات لشکرکشی ها نیز باین شغل مقدس سرافراز بود . پس ازفوت مرحومی محمد اسلم اخوندزاده به فرمان امپراتور تیمورشاه د رانی پیشنمازملاامام وخطیب مقررگردید . پس ازفوت وی محمد نصیراخوندزاده به امامت وخطابت مسجد جامع (خطیب اخوندزاده) افتخاریافت .

وبعدازان ملااحمدجان اخوندزاده باین مرتبه ٔ مقدسه ممتازگردید . و این خاندان بنام خاندان خطیبان و مسجد موصوف بنام مسجد خطیبان د رشهرجدید قندهارمشهوراست .

فرمانی که اعلیحضرت امپراتور احمد شاه غازی به غلام رسول اخوندزاده سرکانی اعطاء نموده د ردست ملاعبدالله اخوندزاده سلاله ٔ ملاغلام رسول اخوندزاده د رقندهار موجوداست .

نویسنده و مؤلف این کتاب به ساعت (۳) بعدازظهر پنجشنبه (۳۰) برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی به مسجد (خطیب اخوندزاده)

مشرف شدم و این معلومات را از جناب عبدالله الخطیب سلالهٔ غلام رسول اخوندزاده حاصل نمودم. اینگونه علماء فاضل که بنام ملای حضور قرب عزت میداشتند در عالم قضا و احکام شرعیه و مباحث علمیه خدمت می کردند.

* * *

محکمهٔ عدالت

اعلیحضرت احمد شاه غازی در فرمانی که به عنوان شیخ الاسلام ملا محمد رسول خان صادر فرموده نوشته است:

(در محکمه عدالت مابین فقرا و امیر تجاوز ننموده دعاوی طرفین را قرار حکم کتاب مستطاب الهی کوتاه کند. وچون رای صواب نمای نواب همایون ما نیز بفرموده خدا و رسول خدا راغب به حق میباشد انها نیز میل خود را به جانب حق داشته باشند).

وروی همین حسن نیت و عدالت اسلامی بود که سلطان عزیز الدین عالمگیر ثانی در متن نامهٔ خود اعلیحضرت احمد شاه در دران را به عبارت:

(مروج قوانین دین متین و ممهد مهاد عدالت و احسان) یاد نموده است. در دیباچهٔ تاریخ احمد شاهی گفته شده است:

نهند بار دولت کسی بدوش که از اتش ظلم سازد خموش

واین بیت نیز بوصف ان عامر مبانی دین اسلام گفته شده است:

بود بی سعادت همان شهریار که نیکی نماند ازو یادگار

شرعـــه الاســـــلام

شرعــه الاسلام کتابی است که درقندهار درعهد دولت اعلیحضــــرت احمد شاه دردران تاءلیف شده ودرجبهه صفحه اول کتاب موصوف مهرملا امام عبدالرحیم خان قاضی کندهار موجود است وعبارت مهـــر موصوف باین عبارت بنظر موءلف این کتاب رسیده است : (فدوی احمد شاه دردران قاضی عبدالرحیم) . سنه مهرمذکور ۱۱۷٦ هجری قمری اســــــت .

× ×

مهرخاص دولت افغانستـــــان
درخصوص احکام شرعیـــــــــه

اعلیحضرت احمد شاه دردران ــ وقتی که فیصله ٔ اخیریــن درمسا ئـل قضائی ازطرف دارالقضا ی دیوان اعلی صادر میشد ــ صورت فیصله را بحضور شخصا ٔ و دقیقا ٔ و یا توسط بزرگترین رجال دولت وارسی و غور ودقــت میفرمود . وبعد مهردارای عبارت (مقابله ٔ محکمه ٔ شاهنشاهی شد) صاد روانفاذ می بخشید . واین رسوم دردارالقضا تادوره امیرحبیب الله خان باقی مانده بود . وبه دوره امانیه مهر دیگری حک گردید که به جای این مهردراحکام نقش میشد وشرح ان دراین کتاب از نظر می گــــذرد .

وثائق عهد اعلیحضرت احمد شاه درانی

اعلیحضرت احمد شاه درانی از تاریخ لویه جرگه مزار شیر سرخ قندهار ـ شهر رجب المرجب سنه ۱۱۶۰ هجری قمری مطابق برج اسد سال ۱۱۲۶ هجری شمسی یعنی ازبدو تاسیس امپراتوری مجدد افغانستان واسترداد و استحکام استقلال نامه این سرزمین دیرین ، نخست جداً متوجه تشکیلات دولت قاهر و قائم افغانستان و علی الخصوص متوجه تشکیل و تاسیس دارالقضاء ومحاکم شرعیه در هریک شهر داخل قلمرو افغانی گردید . دارالقضاء ـ قندهار در برج اسد سال ۱۱۲۶ شمسی و دارالقضاء ـ کابل در برج قوس سال مذکور ودر سائر شهرهای شامل قلمرو افغانی مصادف به همین شهور والدارالقضا بوجود امد که تفصیلات مزید را هم درین خصوص در صفحات این کتاب با استناد وثائق شرعیه واسناد وارقام دولتیه انعهد مستدرجاء از نظر می گذرانیم .

نویسنده این کتاب یعنی تاریخ قضاء در افغانستان ـ از جمله قباله‌های که در دست تصرف دارم برعلاوه تاریخ قضاء در تاریخ مدنی و اجتماعی قندهار و کابل نیز هریک ارزش بسزا دارد زیرا که بسیار از خصوصیات محیطی این دومرکز بزرگ و بالخصوص معرفی نامهای علماء شرعیه ورجال صاحب اداره مملکت افغانستان که در نخستین دوره استرداد استقلال کامل ایسن کشور پهناور مصادر خدمات برجسته در رشته های مختلف اداری ـ سیاسی ـ نظامی و بلند تر از همه در مسائل علمی ـ ادبی ـ تاریخی پیش قدم بوده اند مارا متوجه آن ساخت که از هرچه بهتر

وبیشتر بدرج قباله ها و مخصوصاً قباله هایی که قدامت بیشتردارد بپردازیم . وروی این اساس صفحاتی ازنظرمی گذرد که متن ودرج قباله ها شاهد بسیارحقائق است که دراین مورد شرح مکملی ازمتن قباله هایی که درسنه ۱۱۶۸ هجری قمری و ۱۱۸۲ هجری قمری و ۱۱۹۸ هجری قمری ودیگر سنوات دردارالقضای قندهار وکابل نوشته شده است درتحت عنوان هریک دوره مدنیت افغانی میپردازیم

دارالقضاقندهار که درعهد امپراتور احمد شاه دردران درونائق شرعیه به عبارت دارالقضا حضور لامع النور فاخره ٔ احمد شاهی) نوشته میشد ، وکلمه احمدشاهی مقصد ازاشرف البلاد احمد شاهی یعنی شهرچدید قندهار است .

ودارالقضای کابل رادرونائق ((دارالقضا ی حضورلامع النور دارالسلطنه ٔ کابل)) می نوشتند . متصدیان مقامات شرعیه درديوان اعلی یعنی مرکزجمیع ادارات ملکی ونظامی افغانستان : قاضی عساکر مانعلوم ـ اقضی القضات ـ شیخ الاسلام ـ خان علماء ـ قاضی ـ مفتی امین محکمه ملاباشی خطاب های بزرگ علمی میداشتند واین مناصب والقاب بزرگان علم بفرمان دولت امپراتوری اسلامی افغانستان اعطاء می گردید .

سرداراحمد خان جوان شریعت پناه افغان ابدالی سدوزی که فتوی ومشورت علماء ـ فضلا ـ زعماء ووکلا ٔ ملت افغانستان به تاریخ جمعه (۵) برج اسد ۱۱۲۶ اتفسان ئیل هجری شمسی مطابق (۲۱ شهررجب المرجب سنه ۱۱۶۰ هجری قمری وموافق (۲۸) جولای

۱۷۴۷ میلادی عیسوی رسماً ریاست مورثقند هارا ورنمفرما نروا یی این مرزباستانی جلوس نمود وتاج سلطنت راازیک خوشه گندم از دست ملت وبوسیله درویش تجرد کیش محمد صابرابدالی درزیارت شیرسرخ پذیرفت از همان روزبه استحضار علماء شرعیه درانجمن حضور وبه وجود اوردن دارالقضا وادارات عالیه قضائیه دردیوان اعلی سلطنت سعی وکوشش بلیغ نمود. وچون اجراء واحکام شریعت غرای اسلام ازتمامی امور اهم واقدم را ولین بنای دولت وسلطنت اسلامیه برپایه همین اساس متین دین مبین محکم واستوار است.

دارالقضا تشکیل داد ومراتبی را درین تشکیل بوجود اورد که ازروی سجع های مهرها درین کتاب تاریخ قضا مطالعه می توانید.

اعلیحضرت احمد شاه شریعت پناه واعضاء دولت قاهره افغانیه ان به تبعیت فتوی و مشورت علماء فاضل متجرد درهرامری اقدام ورزیدن گرفتند.

محمود الحسینی وقایع نگار دربار وقت احمد شاه والاجاه درکتاب تاریخ بالقاب (پادشاه خداآگاه عادل حامی شرع والای محمدی السلطان الاعظم والخاقان الاکرم) یاد نمود ونوشته است که: من مقدمه تاریخ را نوشته درانجمن حضور قرائت نمودم اهل مجلس که علماء بزرگ بودند طرز وروش عبارت ارایی مرا پسندیدند وبقرار این نظم تائید مینمایند:

ستود ند اهل بلاغت تمـــــام

که بود ند با شاه دین هم کـــلام

چه حا نعلوم وچه ان ریس خـــان

چه ملا شریف وچه دیگـــرکسان

که هریك نهنگ اند د ربحـــرعلم

خصوصاً که اخوند اد ریس حلـــم

بفضل و بدانش ندارد نظیـــــر

بود طفل د رمکتبش چرخ پیـــــر

د رضمن گزارش شهور اول جلوس نوشته است : ملااد ریس خان شیخ الاسلام ارد وی انجمن احتشام راکه از فضلا ی عظام و علما ی کرام است د رسلك ندما ی مجلس همایون انتظام داشت. د روقت وصول اعلیحضرت احمد شاه د لیرد رشهرغزنه برج عقرب سال ۱۱۲٦ شمسی نوشته است که شیخ الاسلام و قاضی و دیگرعلما غزنه بد رگاه اعلیحضرت احمد شاه د رد ران امد نـــد .

بد رضمن جریانات سال ۱۳٦٥ شمسی مطابق سنه ۱۱٦۹ هجری قمری ملااد ریس خان قاضی عساکر ود رضمن جریانات سال ۱۱۳٦ شمسی مطابق سنه ۱۱۷۰ قمری ـ قاضی اد ریس خان پیشنماز ود ر سطرد یگرملااد ریس خان قاضی معسکر ود رضمن اجریانات سنه ۱۱۷۳ ق نوشته است : (ملااد ریس خان قاضی معسکرنصرت نشان که د رجـــه تقرب ومحرمیت حاصل رخد مت سلطان سلاطین جهان ود رعلو فطـــرت وکمال فهم ود انش رتبه تفوق بر د انشورا ن زمان ند ارد))

ود رختم ان عبارت نثر این د وبیت را نیز زیب تاریخ وتائید مطلب نموده است :

ازان جمله خان معلی جناب
شریعت شعار فضیلت ماب
که اد ریس علم است وتقوی شعار
بود قاضی عسکر شهریار

مدارالمهام

مهم ــ امرعظیم وکارد شوار ۰ امرمهم کارسخت وشدید ۰

مهام ــ جمع مهم ۰ مدار ــ جای گردش وبمعنی دائره ود وره وحلقه مدارالمهام ۰ یعنی دائره ومرکزامورمهمه ویامهمترین امور سخت و د شوار ۰ اماد رعبارات نثرو نظم ادارات افغانستان (م) ثانی راحذف کرده ومدارالمهام نوشته اند ۰ واین اداره مانند دارالقضاء ووزارت ــ عدلیه ــ ستره محکمه ومحل ومقام بزرگ مهمات بوده است ودارنده ء ان مقام صاحب صلاحیت وقدرت تام د راجراء امورعدلی وقانونی بوده ا است ۰ محمود الحسینی وقایع نگار رها رقند ها رنوشته است : اعلیحضرت احمد شاه د رد ران بعد عزل شاه ولی خان ازوزارت ملاد ریسرخان ــ قاضی عسکرراصاحب اختیا رمقرر نمود واما بلفظ وزیریاد نکرده وبالقاب پ یشنماز ومدارلمهام یاد نموده است ۰

ملاد ریسرخان موصوف د یروقتی باین مناصب عالیه سرافرازی داشته است

قاضی ملاد ریس پیشنماز ومدارلمهام بتاریخ پنجشنبه (۲۵) شهر صیام المبارک سنه ۱۱۷۸ هجری قمری در منزل انباله وفات یافت

این عنوان واصطلاح بزرگ علمی درافغانستان همیشه رائج بوده وچنانکه سلطان تاج الملکشاه دریکی از اشعارخود یاد کرده گوید :

عقل ازحد قلمرو او سرپدر نهاد
درکشوری که عشق مدارالمهام شد

واین بیت ثابت نمود که مدارلمهام بلند ترین مرکز حکمفرمایی تمام امور مهمه عدلیه درکشوربوده وبالمثل خانعلوم ، اقضی القضات ، شیخ الاسلام حیثیتعلمی واداری درمسائل مهمت داشته است .

وچنانکه مذکورشد ، برای سهولت تکلم میم ثانی راحذف کرده اند .

* * *

جایداد وقفی افغانستان درارض

حجار

درسنه ۱۱۶۷ هجری قمری بقرار خواهش اعلیحضرت احمد شاه درد ران وموافقه شریف مکه درجوار مکه المکرمه به مبلغ افغانستان بجهته حاجی خانه افغانی زمین خریده شده وتوسط حاجی محراب خان نورزائی و حاجی عبدالکریم خان بارکزائی سرای حاجی خانه افغانی موسوم به رباط سلیمانی تعمیرگردید و مورد استفاده حجاج افغانی قرارداده شد ونقل فرمان شاهنشاه افغانستان به لوح سنگ نقش وبالای دروازه سرا (رباط سلیمانی) نصب گردید .

که سراسر نقل عبارات انرا با سائر مواد تاریخ در تاریخ احمد شاهی و تاریخ تیمورشاهی درج کرده ام . در سنه ۱۳۵۱ هجری قمری مطابق ۱۳۱۱ هجری شمسی هیاًتی از علماء افغانی از کابل به ارض حجاز فرستاده شد تا حاجی خانه افغانی بصرف پول افغانستان مجدداً تعمیر گردد .

اسناد ملکیت رباط سلیمانی (عهد احمد شاهی) در دوره معاصر در مکه معظمه و موافقه مقامات ذیصلاح سعودی در مورد ملکیت رباط مذکور به اوقاف افغانستان حصول گردید .

* * *

قباله شرعیه

از قدیمترین قباله های شرعیه که در دارالقضای کابل نوشته شده است ، قباله رسمی سردار قلندر خان ابن روح الله خان درانی نوفلزائی در جمله اسناد موروث در دست تصرف اینجانب نویسنده ، ومولف کتاب تاریخ قضا در افغانستان باقی مانده ، طول قباله (۸٦) سانتی عرض (۱۳) سانتی مترو چند ین مهر بزرگ و کوچک در سرو اخیر نقش دارد که در این صفحات تمام عبارات متن و مهرها و سنوات ان نقل ودرج میشود و از مهمترین اسناد تاریخ کابل بحفظ و یادگار مانده ، و علی الخصوص در تاریخ قضاد ر افغانستان در دوره جدید ارزش بدرجه اول دارد .

و اینک سراسر نقل گرفته میشود : زیراکه برای معرفی نامهای شخصیت های سا کنین انوقت کابل و شناسایی علماء وقریه ها از هر لحاظ

ارزش دارد :

واین قباله مطابق روز سه شنبه (٥) برج قوس سال ۱۱۳۳هجری شمسی وموافق (۲۷) نوامبر ۱۷۵٤ میلادی نوشته شده است .

المتوکل علی اللــــــــه
خادم شرع نبی فتــــــح اللــــه
١١٤٥

بفضل حق زالطاف شهنشـــــاه
بکام دل رسید صبغت اللـــــــه
١١٦٣

محمد کریــــــــم ۱۱۲۷ عطامحمـــــــد ۱۱٥٠
سمنـــــــدر ۱۱٤٠ گل محمد ۱۱٥٤

مقررمذکور ـ گندم رنگ کشاده ابرو میش چشم بلند بینی نرمه گوش راست سوراخ ، سیاه ریش ، خوشقد ، سی و پنج ساله عمر .

(بتاریخ (۹) شهر صفرختم الله بالخیر والظفرسنه یك هزار و یك صد وشصت و هشت ۱۱٦۸ بود که اقرارمعتبرشرعی نمود مخبراسم خود ونسب خود محمد بلاقی بن ملا ابراهیم بن ملا موسی ساکن دارالسلطنه کابل برینوجه که فروخته است به بیع باب نبات قطعی بعالیجاه معلی جایگاه امیر الامراء العظام سردار قلندر خان دراني همگی تمامی

بیست و پنج قطعه زمین صالح زراعت مشتملبریکصدوده جریب
تخمیناً حق وملك خود را که واقع اند درموضع دیودی باغبانان وده
مبارك و محدود اند باین حدود .

قطعه اول بیست ویك جریب شرقاً متصل است به قنات خواجه خضر
غرباً متصل است بحریم نهر معرفت شمالاً متصل است براه عام جنوباً
متصل است به جوی قنات متروکه سردارخان مرحوم - قطعه دوم یازده
جریب شرقاً متصل است بزمین عالیجاه محمد فاضل خان غرباً متصل است
براه عام - شمالاً متصل است برود بارموضع بمغلان جنوباً متصل است
بشاخجوی عام .

قطعه سیوم یك جریب و ده بسوه شرقاً متصل استبزمین فاضل خان
مذکورغرباً متصل است بشاخجوی عام - شمالاً متصل است بزمین بایع
مذکورقطعه چهارم یك جریب وده بسوه شرقاً و غرباً متصل است به
بشاخجوی عام بزمین فاضل مذکور . غرباً بشاخجوی عام . شمالاً متصل
بحدود وقطعه سیوم جنوباً متصل است بزمین فاضل مذکور .

قطعه پنجم نتو جریب شرقاً متصل است بزمین فاضل مذکور غرباً متصل
است بشاخجوی عام - شمالاً متصل است بحدود وقطعه سیوم جنوباً بزمین
بزمین فاضل خان مذکور .

قطعه ششم یك جریب شرقاً متصل استبزمین بهادر غرباً وشمالاً وجنوباً
متصل استبه چهاردیوار خرابه خواجه خضرمزبور .

قطعه هفتم نه جریب شرقاً متصل استبزمین اقا هادی غرباً متصل است
بزمین فاضل مذکورو شمالاً متصل است بشاخجوی - جنوباً متصل است

بزمین بــــــهادر٠
قطعه٠ هشتم چهار جریب شرقاً متصل استبه قنات خواجه خضر مذکور غرباً وشمالاً متصل استبشاخجوی عام ـ غرباً متصل است به زمین متروکه٠ مخل بیك ـ شمالاً متصل است بزمین فاضل خان مذکور٠
قطعه نهم

قطعه دهم دوازده جریب شرقاً متصل است بشاخجوی عام٠
قطعه یازدهم هفتجریب شرقاً متصل استبحریم نهرمعروف مزبور ـ غرباً متصل استبزمین بایهذ کور ـ شمالاً و جنوباً متصل است ب بزمین وقف نموده محمود٠
قطعه دوازدهم یك جریب شرقاً و جنوباً متصل است بشاخجوی عام ـ غرباً وشمالاً متصل است بزمین وقف نموده رحمت الله٠
قطعه سیزدهم شرقاً متصل است بقطع یازدهم مذکور غرباً و شمالاً و جنوباً متصل است بشاخجوی عام٠
قطع چهاردهم دوجریب وده بسوه شرقاً متصل است بزمین اقاهادی مذکور غرباً متصل است بزمین ضیاء شمالاً متصل است بشاخجوی عام ـ
قطع پانزدهم چهارجریب شرقاً متصل است بزمین وقف مذکور غرباً و شمالاً بزمین اقاهادی مذکور جنوباً متصل است بشاخجوی عام ـ
قطعع شانزدهم چهارجریب شرقاً متصل استبزمین سعید خان غرباً متصل است بحریم نهر موضع مذکور شمالاً براه عام جنوباً متصل است بزمین بایهذ کور٠

قطعه هفد هم چهارجریب شرقاً و شمالاً متصل است بزمین بایع مذکورغرباً متصل است بحریم نهرموضع مذکور ــ جنوباً متصل است بزمین فاضل خان مذکور.

قطعه هژد هم دوجریب ده بسوه شرقاً متصل است براه عام ــ غرباً متصل است به خندق قلعه بایع مذکور ــ شمالاً متصل بشاخجوی جنوباً متصل است براه عام ــ غرباً متصل است به خندق قلعه بایع مذکورشمالاً متصل است بشاخجوی عام جنوباً متصل است براه عام.

قطعه نزد هم سه جریب شرقاً متصل استبزمین اقاهادی ــ غرباً ــ متصل است بزمین اقاهادی مذکور شمالاً متصل است بشاخجوی عام جنوباً متصل است بحریم نهر معرفت مزبور.

قطعه بیستم یک جریب و ده بسوه شرقاً متصل است بزمین اقاهادی مذکور غرباً متصل است بزمین فاضل خان مذکورشمالاً متصل استبشا ــ خجوی عام ــ جنوباً متصل است بجوی معرفت مذکور.

قطعه بیست ویکم هفت جریب شرقاً متصل است به جلگه فاضل ــ خان مذکور شمالاً متصل است بشاخجوی عام ــ جنوباً متصل است ــ بجوی معرفت مذکور شمالاً متصل است به جلگه مذکور ــ جنوباً متصل است بزمین دلدار.

قطعه بیست ودوم یک جریبوده بسوه شرقاً متصل است بحریم نهر فتح غرباً وشمالاً متصل است بزمین خواجه مزدور جنوباً متصل است بزمین دلدارمذکور.

قطعه بیست وسوم سه جریب وده بسوه شرقاً متصل است بشاخجوی

عام ـ غرباً متصل است بحریم نهر موضع مذکور ـ شمالاً متصل است ـ بشاخجوی عام ـ جنوباً متصل است بزمین ملا فقیرالله ٠
قطعه بیست وچهارم د وجریب شرقاً متصل است بزمین بایع مذکور غرباً متصل است بزمین هادی مذکور ـ شمالاً متصل است بجوی قنات ـ عالیجاه خان علوم و جنوباً متصل است بشاخجوی عام ٠
قطعه بیست وپنجم د و جریب شرقاً متصل است بحریم زمین مزبور مذکور غرباً متصل است بقطع بیست وچهارم مذکور ـ شمالاً متصل است بحریم قنات عالیجاه رفیع جایگاه خان علوم ایضاً و چهار سهم یک سهم از یک د رقلعه که واقع است د رموضع مذکور و محدود است باین حدود شرقاً وشمالاً متصل است به خندق قلعه مذکور ـ غرباً و جنوباً متصل است به صحن قلعه مذکور بجمیع حقوقها ومرافقها به مبلغ پنج هزار و نوزده روپیه سفید رایج الوقت جید تمام وزن النصف و هزار هشت صد و نه روپیه موصوفه وهشت آنه که از تسلیم مشتری مذکور تمام و کمال اخذ و قبض نموده وبایع مذکور از دعوی کذب د رین اقرار ابرا نموده وکان ذلک عند محضرمن المسلمین مشهود)

قمرالدین یحیی

ا المتوکل علی‌الله الغنی   الحاصه شریفه

خادم شرع العبد الاقل خواجه حمید

۱۱۲۳

الخهار نمود ند عالیجاه ......

و اسلام بن عبد الرحمن قوم ......

ناظر وسرکار دار عالیجاه ......

مذکور بحضور ما یان اقرار نمود بمضمون ...

ومقر مذکوره ......

لهـذا مهر نمودم .

افوض امری الی اللـه

خادم شرع رسول اللـه

قاضی شد عبد اللـه

۱۱۷۳

د رتاریخ ۲۳ شهر صفر ختم الله خیروظفر سنه هزار ویکصد و هشتاد وسه

بود که اقرار معتبر شرعی نمود مسماه عصمت پناه بی بی بنت قدم علی اکو

درانی که وکیل استاز قبل عالیجاه معلی جایگاه قلند رخان بن روح ــ

الله زوج خود برینوجه که فروخته است به بیع بات بتات قطعی بـه

عالیجاه معلی جایگاه امیرالامراء العظام اسوة الکبراء الفخام مقـرب

الحاقان عبد الله خان درانی دیوان بیگی سرکار دولت مدار همگی وکاله ازقبیل موکل مذکور خود همگی و تمامی بیست و هفت قطعه زمین مشتملبرد وصد وهشتاد ود وجریب ود ه بسوه واقع د یود ی باغبانان •

۱ـ قطعه اول شصت ونه جریب شرقاً متصل است بجوی کاریز وبعضی بصرابه خواجه خضر غرباً متصل استبجوی پادشاهی شمالاً و جنوباً متصل است برود موضع پ مغان جنوباً متصل استبجوی کاریزخواجه خضر مذکور ـ

۲ـ قطعه د وم بیست وسه جریب شرقاً متصل استبجوی خواجه مذکور وبعضی بجوی ده نو غرباً متصل است بجوی نهرمعرفت ـ شمالاً ـ متصل است بجوی نهرمعرفت مذکور وبعضی براه قلعچه ـ جنوباً متصل است بجوی کاریز •

۳ ـ قطعه سوم یازده جریب شرقاً متصل است به نهر فتح غرباً متصل استبزمین وقف نموده خداقلی ـ شمالاً متصل است براه عام وبعضی بزمین وقف مذکور •

٤ـ قطعه چهارم پنج جریب شرقاً متصل است به نهرفتح مذکور غرباً متصل است بعضی بزمین وقفه مسجد موضع د یود ی باغبانان بنا نموده خداقلی شمالاً متصل است برود موضع پ مغان وبعضی بزمین مطیع الاسلام مهتال جنوباً متصل است براه عام •

۵ـ قطعه پنجم چهارجریب شرقاً متصل استبزمین خواجه عمروبعضی بزمین پوری بیگ غرباً متصل است بزمین بابی خان وبعضی بزمین د یگر بایع مذکورکه د رذیل مندرج میشود شمالاً متصل است بجوی عام جنوباً

متصل است بزمین مذکور.

٦ــ قطعه ششم نوزده جریب شرقاً متصل است بزمین وقف مذکــور وبعضی بزمین بابی خان مذکورغرباً متصل است بجوی عام شمالاً متصل است بزمین بابی خان و بعضی براه عام جنوباً متصل است بشاحجوی قلعه مذکور.

٧ــ قطعه هفتم نوزده جریب ٠ دو جریب ان مع قنجار رشمره شرقاً ــ متصل است بقلعه ٠ مذکوروبعضی بجوی معرفت غرباً متصل است بـه زمین داده خان وبعضی بزمین دیگربابی مذکور شمالاً متصل است به جوی قلعه مذکورجنوباً متصل است بجوی معرفت.

٨ــ قطعه هشتم نوزده جریب شرقاً متصل استبزمین داده خان و بعضی بزمین محمد ود مذکورغرباً متصل است بزمین خواجه محمد وبعضی بزمین [illegible] مذکور شمالاً متصل است بشاحجوی عام وبعضی بزمین وقف مذکور جنوباً متصل است بجوی نهرفتح مذکوروبعضی بکاریزده نو.

٩ــ قطعه نهم هفت جریب شرقاً متصل استبزمین خواجه محمد وــ بعضی بشاحجوی عام غرباً متصل است بجوی عام و بعضی بزمین محمــد عاقل وبعضی بزمین وقف مذکورشمالاً متصل است بشاحجوی عام جنوبــاً متصل استبه کاریزده نو وبعضی بزمین محمد عاقل.

١٠ــ قطعه دهم دوجریب شرقاً متصل است بزمین ملك میرزابی و ــ بعضی غرباً متصل است بجوی عام جنوباً براه عام.

١١ــ قطعه یازدهم شرقاً متصل است بزمین محمد خان غرباً متصــل استبزمین ملك میرزابی مذکورشمالاً متصل است بجوی عام جنوباً متصل

براه عام .

۱۲ ـ قطعه دوازدهم شرقاً متصل است بجوی نهر معرفت مذکور غرباً متصل است بزمین مغل وبعضی بجوی بابا بو شمالاً متصل است بجوی بابای مذکور جنوباً متصل استبزمین مغل و بعضی بجوی نهر معرفت مذکور .

۱۳ ـ قطعه سیزدهم یک جریب وده بسوه شرقاً متصل است بزمین داد خان غرباً متصل است بزمین وقف مذکور شمالاً متصل است بکاریزده تو جنوباً متصل است بجوی بابا بوی مذکور .

۱٤ ـ قطعه چهاردهم چهار جریب شرقاً متصل است بجوی بابا بوی مذکور غرباً متصل است براه عام شمالاً متصل است بزمین وقف مذکور ـ جنوباً متصل است بجوی بابا بوی مذکور .

۱۵ ـ قطعه پانزدهم یک جریب وده بسوه شرقاً متصل است بجوی معرفت مذکور غرباً متصل است بزمین مغل شرقاً متصل است بزمین مغل مذکور جنوباً متصل است بزمین محمد خان مذکور .

۱٦ ـ قطعه شانزدهم نه جریب شرقاً متصل است براه عام غرباً متصل است بزمین ملک میرزایی مذکور شمالاً متصل است بجوی بابا بوی مذکور جنوباً متصل است بشاخجوی عام .

۱۷ ـ قطعه هفدهم پنج جریب شرقاً متصل است بزمین ملک میرزایی مذکور وبعضی بزمین داده خان شمالاً متصل استبشاخجوی جنوباً ـ متصل است بزمین مسماة افغانی وبعضی بجوی مذکور .

۱۸ ـ قطعه هژده هم سه جریب شرقاً متصل است بشاخجوی عام غرباً متصل

غرباً متصل است بجوی مذکور شمالاً متصل است ایضاً بجوی مذکور جنوباً متصل است بزمین میرزائی و بعضی بزمین بهمن.

۱۹ـ قطعه نزد هم بیست وشش جریب شرقاً متصل است به جلگهٔ عام و بعضی بزمین وقف مذکور غرباً متصل است بجوی معروفه مذکور وبعضی بزمین مدار و بعضی میرزائی مذکور شمالاً متصل است به جلگهٔ عام ـ جنوباً متصل است بزمین میرزائی مذکور وبعضی بزمین مدار وبعضی براه عام.

۲۰ـ قطعهٔ بیستم ۰/۶ چهار جریب شرقاً متصل است بزمین میرزائی غرباً متصل است بزمین محمد خان براه عام جنوباً متصل است به جریانی خان مذکور.

۲۱ـ قطعه بیست ویک ۰/۸ جریب شرقاً متصل است بزمین مغل غرباً متصل است بجر نوشکه شمالاً متصل است به کوشک مذکور جنوباً متصل است بجوی عام.

۲۲ـ قطعهٔ بیست دوم ۰/۴ پنج جریب شرقاً متصل است بجوی باباجوی مذکور وبعضی به جلگهٔ عام غرباً متصل است بزمین وقف مذکور شمالاً متصل است بجوی باباجوی مذکور وبعضی به جلگهٔ جنوباً متصل است براه عام و بعضی بزمین مغل.

۲۳ـ قطعهٔ بیست و سوم ۰ هفت جریب شرقاً متصل است بزمین میرزائی وبعضی بزمین محمد خان غرباً متصل است بشاخجوی عام وبعضی بزمین مغل مذکور شمالاً متصل است بزمین مغل مذکور وبعضی بجوی بابا جوی مذکور جنوباً متصل است براه عام وبعضی بزمین میرزائی مذکور.

۲٤ ــ قطعه ٔ بیست چهارم هفت جریب شرقاً متصل است بزمین وقف مذکور وبعضی بزمین خواجه محمد مذکور غرباً متصل است بزمین داده خان وبعضی بزمین مرزائی مذکور شمالاً متصل است براه عام جنوباً متصل است به چشمه ٔ جعفر بیک ٔ

۲۵ ــ قطعه ٔ بیست و پنجم ده جریب شرقاً متصل است بزمین محب وبعضی برود بیگتوت غرباً متصل است بزمین محمد بیک و بعضی بزمین محمد خان شمالاً متصل است بزمین محمد خان و بعضی بجر عام جنوباً متصل است بزمین شمشیر خان و بعضی بزمین مدار ٔ

۲٦ ــ بیست و ششم چهار جریب شرقاً غرباً و شمالاً متصل است بخاجوی جنوباً متصل است برود موضع بیگتوت ٔ

۲۷ ــ قطعه ٔ بیست و هفتم هفت جریب شرقاً متصل است بزمین کاریز ده مذکور میشود :

غرباً متصل است بجوی بابا شمالاً متصل است براه عام جنوباً متصل است بزمین بابا بوی مذکور وابضاً دو سهم معین از سه سهم از یکده هنه تلاث جاری یعنی آب مشتملبر شانزده مرچاه معمولی که اراضی متعلقه ٔ معین آن دو سهم مشتمل است بر چهار ده قطعه که یکصد و هفده جریب زمین بجموعه است واقع دیوری باغبانان ٔ

۱ ــ قطعه ٔ اول ده جریب شرقاً متصل است براه عام غرباً متصل است بجوی اسیا شمالاً متصل است ایضاً بجوی اسیا ب مذکور جنوباً متصل است به پلگه عام ٔ

۲ ــ قطعه ٔ دوم چهار جریب شرقاً متصل است بزمین فاضل غرباً

متصل است بزمین بابع مذکور شمالاً متصل است براه عام جنوباً متصل است بجوی بابابوی مذکور.

۳ــ قطعه سوم بیست و پنج جریب شرقاً متصل است بزمین وبعضی بجوی قنات مذکور جنوباً متصل است بزمین فاضل وبعضی بجوی بابابوی مذکور.

٤ــ قطعه چهارم چهار جریب شرقاً متصل است بزمین آیا محمد وبعضی بزمین فاضل غرباً متصل است بجوی اسیاب شمالاً متصل است براه عام جنوباً متصل است بجوی اسیاب مذکور.

٥ــ قطعه پنجم ده وجریب ودو بسوه شرقاً متصل است براه عام غرباً متصل استبه حرابه خراجه حصرمذکور شمالاً متصل استبراه عام جنوباً متصل است ایضاً براه عام.

٦ــ قطعه ششم یازده جریب شرقاً متصل استبزمین مغل وبعضی بزمین میرحبو غرباً متصل است بزمین فاضل وبعضی به جلگه فاضل شمالاً متصل استبزمین میرحبو بعضی بزمین فاضل جنوباً متصل است بجوی اسیاب مذکور.

٧ــ قطعه هفتم هفت جریب شرقاً متصل است بزمین محمد رد مذکور وبعضی بزمین رفت مذکور غرباً متصل است بزمین آقامحمد وبعضی بزمین فاضل شمالاً متصل استبراه عام وبعضی بزمین فاضل جنوباً متصل است بزمین محمد رد مذکور و بعضی بزمین میرحبو مذکور.

٨ــ قطعه هشتم پانزده جریب شرقاً متصل استبزمین مغل غرباً متصل استبزمین مغل مذکور وبعضی بزمین خواجه عمر شمالاً متصل

قمری میان زبده ها باین القاب ستایش یاد شده است :

(قاضی زاده نائب بیگو عزت بیگتای بن المرحوم افضل الفقهاء نا
سران ما بعاصر امانت الله عن امانت خان ازنخبه علماء طلاب جماعه
فضلا احتشام وشعراء شیرین اعتصام) یاد شده است .

زبده المحدثین

ازعلماء محدث حنفی مذهب که بفرمان دولت امپراتوری افغانستان از دخیل مراکز بزرگ افغانستان افتخار یافته ملاتن مولوی فضل احمد خان است . در فرمان دولت امپراتوری افغانستان که به تاریخ (۲) شعبان المعظم سنه یک هزار ویکصد و هفتاد (۱۱۷۰) هجری قمری درخصوص علماء وشعراء صادر شده باین عبارت یاد شده است :

(عالم العامل الامجد حائز منصب صحابت و دانش مسند شریعت زبده المحدثین وقدوه المدرسین مشکوه مصباح نوربین اعنی جناب مولنا فضل احمد خان که فی یومنا در بلده کابل است) .

ملا غلام مصطفی هروی در کتاب نشاه القدس که در سنه ۱۲۲۵ - هجری مرتب شده راجع به شرح حال شیخ سعدالدین انصاری تالیف نموده در ضمن جریانات مباحث علماء در باب الاظهار کابل در عهد اعلیحضرت احمد شاه غازی از مولوی فضل احمد خان مذکور یاد کرده است . واین علماء وظیفه داشتند که با اصول مذهب منیف حنفی (رح) در رد عقائد وهابیه غوغه تدریس و تبلیغ نمایند بعد از این اشارات در مباحث ذریح این

شمالاً متصل است به قنات عالیجاه معلی جایگاه مقرب الخاقان
دانش خان جنوباً متصل است براه عام ایضاً واقعهٔ موضع د ، مبارک سه
قطعه زمین مشتملبر بهست وسه جریب :

۱ـ قطعهٔ اولی ۰ چهارده جریب شرقاً متصل استبزمین قنات
مذکور غرباً متصل استبزمین عالیحضرت میرزا محسن شمالاً متصل است
به قنات دانش خان معزالیه جنوباً متصل است براه عام بعضی بزمین
عالیحضرت مذکور.

۲ـ قطعهٔ دوم ۰ پنج جریب شرقاً متصل است برود پغمان شرقاً
وجنوباً متصل استبه محدودات مذکور ـ شمالاً متصل است برود ـ
پغمان.

۳ـ قطعهٔ سوم ۰ چهار جریب شرقاً متصل استبرود پغمان مذکور
غرباً متصل استبه نهرتفتح شمالاً متصل استبرود پغمان مذکور
جنوباً متصل استبه براه عام وایضاً یک دروقلعچهٔ مذکور بعمارت سنـ
وخشت مشتملبر بیوت متعدد ، واقعهٔ موضع بود نمبانخان مذکور
شرقاً متصل است به محدودات مذکورات فی الصدر غرباً وشمالاً وجنوباً
متصل است ایضاً به محدودات مذکورات یک قونشر طاحونه بدایره ـ
مشتملبرالات حدیده وحجریه وخشبیه واقع قریهٔ خواجه خضر
مذکور شرقاً متصل است بزمین قنات مذکورات غرباً متصل است بزمین
فاضل شمالاً متصل است به نهر طاحونهٔ مذکور و نصف یکقطعه زمین
خرابه لائق عمارت معین ازجانب غربی مشتملبر یک جریب وده بسوه
تضمیناً واقع قریهٔ خواجه خضر مذکور شرقاً متصل است به نصف خرابه

ممذکورکته ملك .... و است عرباء متصل است به محمد ودات

مذکوراتفی السد رشمالاء متصل استبزمین مذکورات فی الصدر

جنوباء متصل است براه عام بجمیع حقوقات ومرافقات انها به مبلغ

شش هزار روپیه سفید را یجالوقت جید تمام وزن النصعان سه هزار

روپیه موصوفه که از تسلیم مشتری مذکورتمام و کمال برای موکل مذکور

خود اخذ وقبض شرعی نمود وخرید مشتری مذکوربیع وبات مذکوران راهمه

بیع مذکوراز نامه مذکوره دریدن مبلغ مذکور وبا همه مذکوره ازدعوی

کذب وفساد دراین اقرارابرا نمود . وکان ذلك بمحضرمن العدول

رالثقات

انوامری الی الله — بنده سبحان محمد خان

عبده شاه بیک ابن عاشق ۱۱۸۰

ازان ظفرشد صدیق لشکر

۱۱۳۵ — دارد امید شفاعت محمد داراب

بفضل ایزد ولطف پیمبر — افوض امرالی الله

غلان شاه دران شد قلندر — خادم شرع رسول الله

۱۱۷۶ — قاضی شد عبدالله

۱۱۷۳

شاهدان وکالت اسلام بن رحمان بن سعید وملا نولا بیک بن عالیجا

شریف خان بن ملا تلا بن قوم درانی فوفلزئی کدی زئی :

این بود مراسم پشت قباله شرعیه که بتاریخ (۲۲) شهر صفر
المظفر سنه هزار و یکصد و هشتاد ... (۱۱۸۶) هجری قمری در دار
القضای کابل نوشته شده و اعضای دار القضا در پشت قباله مهر
کرده اند و از روی سنه های مهرها معلوم شد که دو نفر عالم از سنه ۱۱۲۲
قمری و سنه ۱۱۳۵ قمری در دار القضای کابل مقرر بوده اند و چنانکه
مهر قاضی فتح الله خان صدر دار القضای کابل سنه ۱۱۴۵ هجری
قمری است .

کتابی که در تاریخ کابل نوشته اینجانب است از این قباله شاهزئی
زیادی را توضیحاً سپرد صفحات نموده ام . مجموع اراضی شامل
این قباله چهارصد و بیست و پنج جریب و قسمت آن از صف غرب
پغمان تا تخت فرنیه نهار بیگ و بین در ورود پغمان و میکوت موقعیت
داشت که شرح آن در مندرجات کتاب تاریخ قضا بعدا است . و این ساحات
املاک زرخرید سمندر قلندر خان ابن روح الله خان درانی فوفلزائی بود
که به وکالت او زوجه اش مسماه بی بی بخت قد مهین آکود رانی بفروش
رسانید . یعنی این قباله و دیگر قباله های شرعیه کاملاً به اثبات رسانید
که اساسات صحیح شرع مقدس اسلام در تمام مسائل از طرف دار القضا
رعایت و احترام می گردید . و این ساحه بعد از توثیق قباله از سنه
مذکور تا دوره بعد از استرداد استقلال افغانستان بنام خالصه وکیل
الدوله در دفاتر حکومت معامله میشد . محاصل این اراضی زرخرید
و یکصد و نود قلبه زمین جا بگیرها و خالصه های اوبران اعاشه بیست

هزار نفر عسکر در راه حفظ استقلال و امنیت ولایات افغانستان بکار برده میشد.

عدالت اسلامی

اعلیحضرت احمد شاه در دوران بتاریخ شهر ذیقعده الحرام سنه ۱۱۷۴ هجری قمری به سرولیعهد خود شاهزاده تیمورشاه را به پادشاهی یکی از ولایات معروف سلطنت برقرار و اعزام و بترویج احکام شرع مطهر و متابعت اوامر و نواهی خالق اکبر ارشاد فرمود. ومحمود الحسینی المنشی ـ شکوه ان مراسم را باین عبارات نظم ونثر خلاصه کرده است:

بفرزند گفتا شه بی همال | که ای آفتاب سپهر جلال
بحق نیت خویش مصروف دار | با سایش خلق همت گمار
به تخریب بنیاد اهل فساد | بکوب انچنان کوس انصاف وداد
که مطلق نماند ز ظالم نشان | مسخر کند صیت عدلت جهان
بعهد تو باید که ظلم وستم | رود سرنگون تا نشیب عدم

(در جمیع امور بفحوای ایه وافی هدایه ـ انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ـ عمل نمایی وابوا بعدل ورافت بروی روزگار وضیع و شریف وقوی وضعیف بگشایی وه رچهار سوی مملکت از داد والفساد وعدالت دوداد قصاص و سیاستیه اه نمود موکهنه گرگان مردم در راچون بره و گوسفند در مسلخ داد رس سپرده پرا ن

بیا ویزی تاجداران و سرکشان که به نخوت و غطرفه کلاه جباری از سر گردون
می ربایند سر اطاعت و انقیاد بر آستان سپهر بنیاد نهاده، دست تعدی
و غلبه و زور از مغارز عمر مردم کوتاه نمایند).
و نوشته است :) ممالک . . . . . را بکف اختیار و قبضه اقتدار
پادشاه خورشید کلاه تیمورشاه که در ره کار موید بتائیدات کردگار
و سرپنجه عالم عدل شده گشای امور دشوار است سپرد).

قاضی نورالدین

در لشکرکشی های غزایانه اعلیحضرت احمد شاه امپراطور افغانستان
در سنوات ۱۱۶۱ ــ ۱۱۶۴ هجری قمری ، قاضی نورالدین در جنگ
مقابل سکهان در سهرند و امرتسر همراه می بود و این قاضی کتابی در
تاریخ نظم جنگنامه نیز نوشته است . و معلوم میشود که از حضور امپراطور
افغان رتبه قاضی عسکر داشته است.

همچنان مولوی عبدالله مفتی در زمان لشکرکشی های احمد شاه
غازی از علماء مقرب و معتبر بوده است . احمد شاه درانی ــ نادر
خان برادر مولوی عبدالله مفتی را حکمران لاهور و رحمت الله خان روهیله
را با یکنیم هزار سواره پیاده نائب او مقرر کرد . قاضی لاهور محمد یحیی عهد
حافظ محمد صدیق بوده .
تاریخ فرمان اعلیحضرت احمد شاه درانی در برقراری میر سید عتیق الله
بمنصب به دادخانی ــ برتبه نیابت دارالسلطنه لاهور ـ شهر جمادی

الاخر سنه هزار ویکصد و هشتاد هجری قمری (مطابق برج عقرب سال ۱۱٤٦ هجری شمسی است ۰

. . .

قاضی حافظ محمد صدیق

اعلیحضرت احمد شاه در دوران فرمانروایی که بتقرر میرسید عنوان اللــه محاسب به داد رحان مرتبه " نیابت دارالسلطنه " لاهور بتاریخ شهر جماد ی الاخر سنه ۱۱۸۰ هجری قمری (مطابق برج عقرب سال ــ ۱۱٤٦ هجری شمسی)

شرف صدور بخشیده ازقاضی لاهور باین القاب یاد نموده است :

(فضائل وکمالات پناهان ــ افادت و افاضت دستگاهان قاضی حافظ محمد صدیق قاضی لاهور واعزه واعیان وجمهور سکنه و متوطنین دارلــ دارالسلطنه لاهورمزبور بمراحم موفورشاهانه ومرحمت غیر محصــور خسروانه معزز و مباهی بوده بدانند) ۰

راین حساب ثابت کرد که قاضی القضات وبالفضی القضــات شهرلاهور ــ درعهد امپراتوری اعلیحضرت احمد شاه دوران ــ مولوی حافظ محمد صدیق نائب القضای دارالحکومت لاهور بوده است ۰

جلیس السلطان

یعنی مشاور علمی و شرعی حضور

مشاورین علمی وشرعی که همیشه درسفروحضرمعیت سرفرمانده افغا
نستان رامیداشتند - به خطاب جلیس السلطان سرافرازمی بودند
وازنظرهمرانی دایمی بعبارت علماء رکاب نیزیاد میشدند زیراکه درصف
اول موکب قدم بقدم معیت شرد ولت مستقل رامیداشتند ومشورت شا
میدادند .

وظیفه این دسته علما این بود که درهرامری ازامورشرعیه و
قضائیه مطابق به احکام الهی (ج) واحادیث نبوی (ص) وکتب فقه
حنفی فتوی ومشورت بدهند ومتبحرازاحوال علماء ومدارس ومساجد با
شند وازدسد وراستکاری که به حکم شرع شریف مطابقت نداشته باشد
وخلاف شرع اشهر بظهوررسد ممانعت کنند . ودرروزبارعام وبارخاص
بطرف دست راست پادشاه اجلاس نموده تحقیق احوال بنمایند . رو ا
خطاب جلیس السلطان یعنی همنشین پادشاه روی همین منظور وبه
همین دلیل بود . رایس محکمه بزرگ ودارالمدالتحضوراز جمیع
فیصله های محاکم شرعیه مرکز واطراف وارسی می نمود وطیاف علما
مقرب بعنوان ملای حضور وشورای علماء وشورای علوم شناخته میشدند .

ملا نصرالله خان

ملا نصرالله خان در علاقه چهل باکوت ارغسان قندهار اراضی
زراعتی داشت و در سنه ۱۲۱۰ هجری قمری به مبلغ هشتاد تومان
روپیه فروخته به عمدة الامراء محمد عظیم خان وکیل الدوله ابن مرحوم
عبدالله خان دیوان بیگی وکیل الدوله ابن مرحوم شاه عالم خان ...
این زمین فوق الذکر [illegible] در قباله تصریح کرده که ملا
نصرالله خان شاعر بوده و در قندهار در عهد سلطان احمد شاه درانی در
ان فروخته است اراضی زراعتی خود را به رفیع القدر وکیل الدوله
سنه ۱۲۱۰ قمری مطابق ۱۷۹۵ مسیحی است و در زمان وثیقه دیگر
بنظر میرسد که ملا نصرالله امین محکمه قندهار بوده و ممکن است که هردو
یک شخص است .

قاضی امانت الله
(امانت خان)

از علماء و قضات مشهور افغانستان در قرن یازده هجری قمری یک تن
ملا امانت الله است که روزگاری از بلاد افغانستان عزیمت فرمای دیار هند
شده و در بتاله سکونت اختیار نموده و از وفور علمیت و تقوی بمنصب عالیه
قضا و لقب امانت خان افتخار حاصل نموده است .

همگان پسر او که از فرط فضیلت نورالعین صاحب یا قصبه ودر
[illegible] بخود تخلص گرفته است . این عالم فقید و فاضل حال
زبان دری و کیمیا گرد سنه (۱۱۷۰) یکهزار و یکصد و هفتاد هجری

استبزمین مغل مذکور و بعضی به محدود مذکور جنوباً متصل است بجوی بابا بوی مذکور.

۹ــ قطعه نهم، هشت جریب شرقاً متصل استبزمین مغل و بعضی میرحبو غرباً متصل استبزمین مغل مذکور شمالاً متصل است بزمین میر حبو مذکور جنوباً متصل است بجوی بابا بوی مذکور.

۱۰ــ قطعه دهم، سه جریب شرقاً متصل استبزمین مغل وبعضی بزمین میرحبو مذکور غرباً متصل استبزمین میرحبو مذکور شمالاً متصل است بزمین مغل جنوباً متصل است بزمین مغل و بعضی بزمین میرحبو مذکــــــور

۱۱ــ قطعه یازدهم، هشت جریب شرقاً متصل است بزمیـــن میرحبو غرباً متصل است بجوی عام شمالاً متصل است براه عام و بعضی بزمین میر حبو مذکور متصل است بزمین مغل وبعضی بزمین خراجه عـــــــز.

۱۲ــ قطعه دوازدهم، یازده جریب شرقاً متصل است برود پغمان وبعضی بزمین مغل غرباً متصل است بجوی عام شمالاً متصل استبرود پغمان وبعضی بزمین مغل جنوباً متصل است براه عام.

۱۳ــ قطعه سیزدهم، هژده جریب شرقاً متصل است بزمین نصر الله خان غرباً متصل است برود پغمان شمالاً متصل است بزمین فاضل وبعضی براه عام جنوباً متصل استبرود پغمان مذکور.

۱۴ــ قطعه چهاردهم، چهارده جریب شرقاً متصل است بزمیـــن نصرالله خان مذکور غرباً متصل استبزمین محدودیکه مذکور میشود:

کتاب معلوم میگردد که مدرسه علوم شرعیه وفنمائیه — درهمان عهــــد درحوالی بالاحصار (این رسم دردیگرشهرهای افغانستان موجود وعلم تفسیروحدیث وفقه اسلامی تدریس میگردیــــد .

* * *

قاضی ثناء اللــــه

ازعلماء وقضات همعصراعلیحضرت احمدشاه درانی یکی قاضــی ثناءالله قاضی شهردهلی است . ودران روزگارکه دهلی از وجود — علماء جید مثل : شاه ولی الله (محدث شاه عبدالعزیز) محدث ومفسر) شاه رفیع الدین (محدث فرزند شاه ولی الله شاه عبدالقا — دربی نیازبود یکی هم قاضی ثناالله ودیگرمفتی شرف الدین در — شهردهلی درشهرت علمی ممتازبودنــد . وازان دسته علماء وفقها ومحدثین — همان دونفربه مناصب قضاوافتاد رتذکره هاازاوشان در علوم فقه وحدیث نامبرده شده است (وثائق و خطب ومقالاتــــی که همدران عهد درد هلی نوشته شده این علماء بزرگ درمحافل و — محاکم احترام علمیت میداشتند .

شاه ولی الله محدث درعهد اعلیحضرت احمدشاه درانــی قران کریم رابزبان دری فارسی ترجمه کرده است . وهمان نسخه مبارکه است که امیرحبیب الله خان بتاریخ (۷) برج دلو سال — ۱۲۸۶ شمسی مطابق (۲۶) جنوری ۱۹۰۷ میلادی توسط شیــخ محمداصغرعلی مالک مطبع شهرلودیانه خواهش طبع انرا بنام امیــر افغانستان نمــوده است .

چون مذهب رسمی دولت امپراتوری احمد شاهی ـ مذهب منیف حنفی بود ، علماء و مشائخ و قضات برای اینکه مذهب اوشان ثابت باشد درمهر خود این عبارت را نقش میکردند . میافقیرالله جلال ابادی درمرور سالیان درمهرهای خود این عبارات را نقش کرده بود :

(احقر عباد الله خادم الفقراء فقیرالله بن عبد الرحمن الحنفی الرتا ـ سی الجلال ابادی الشکارپوری) .

(الفقیر الی الله الغنی خادم الفقراء فقیرالله) .

اعلیحضرت احمد شاه درران بهمین حرمت درفرمان نوشت (هر وقتی که دعانامه آن فضیلت پناه زبده الکاملین امده از نظر مبارک گذشته است ، درهر دفعه بجواب ان رقم مبارک صادر وفرستاده شده است . اما چون مسافت بعید است ..... امور رویشی احتیاج به مکتوب ندارند بلکه بعدل میدانند که نزله شوق هریک بچه مرتبه میباشد ـ عارفان را مانع دوری دیوار نیست ـ ان علامه همه اوقات بدعا دولت مشغول بوده ازتوجه باطن فیض مواطن محو و منسی ننمایند)

شاهزاده سلیمان درانی درسنه ۱۱۸٦ هجری قمری بصحابت سید سیف الله رقم به میا فقیرالله فرستاد ـ میابه جواب نوشت:

(درامور خود مستعجل نباشند وسررشته احسان وداد گستری از دست ندهنـــد ـ ودل باین وان نسپارند ـ واین رباعی را نقش لوح دل

خود سازنــــد :

ترا زد وگیتــــی براورده انــــــد
بچندین وسا ئطپرورده انــــد
نخستین فطرت پسین درشمــــار
تویی خویشتن راببازی مــــدار

° ° °

یعنی این عبارات عارفانه عدالت اسلامی وعلم دوستی واحترام رجال دولت افغانستان رابمقام علماء وشیخ الاسلام نشان میدهــد .

° ° °

مخــزن الاســلام

عنوان کتابی است که اخوند درویزه ننگرهاری بزبان پشتو تصنیف نموده وملا فاضل محمد بن ملا عبدالنبی کاسی درسنه ۱۱۷۸ هجری قمــری درعهد دولت امپراتوری افغانستان ــ اعلیحضرت احمد شاه دردرانــه خط خود تحریر واستنساخ نموده بیادگارگذاشته است.

° ° °

شرح کنــز

ملامحمد جنید ملتانی بتاریخ چهارشنبه (۱۵) ذیقعده الحرامسنه ۱۱۸۳ هجری قمری شرح کنــز نوشته است .

حکم شـــــــرع

ازاجراء وانفاذ مقررات شرع شریف دردوره امپراتوری اعلیحضـــرت احمد شاه غازی که مؤید اساسات دین متین دراین سرزمین عدالـت گزین است ـ درصفحات این کتاب باستناد وثائق وارقام معلومــــات از نظر گذرانیدیم . چون نتائج خدمت اهل دیل نتبعد خاتمه کار وعمرمستعارش خوبترفهمیده میشود قول میرزا محمد اسمعیل الحسینی الجامی راکه دروصف عدالت احمد شاه غازي (رح) گفته استمـــی پردازیم . وباید گفت که : احمد شاه بابا درمنزل مرغه ظهر پنجشنبه (۱۲) برج جوزای سال ۱۱۵۱ هجری شمسی مطابق (۲) ربیع الاول سنه ۱۱۸٦ هجری قمری وموافق (۲) ۱۷۷۲ میلادی عیسوی وفـات یافت واسمعیل الحسینی ابن محمود الحسینی المنشی ابن ابراهیم الجامی قصیده یی درتاریخ این ترحیل گفت که چهاربیت ازانرا برارتباط مندر ـ جات این کتاب استناد می اوریـــم :

پادشاه دردران خسروافاق گیـــ[illegible]

[illegible] ران سمی احمدا مرسل جهبل کودگـار

گوهربحرفتوت اختر برج شـــــــرف

شاه شاهان جهان احمد شه والا تبـار

بود دراسلام چون صدیق اکبر درجـهـان

درعدالت مانده چون فاروق تاعظم یادگار

هیچ کاری را نمی کرد مرتکب بی حکم شـــرع
می نمودی احتراز از هر حرام ان شهریار

* * *

مقرری امین دارالقضـــاء

نظام الدین عشاری (عالم ــ شاعر ــ مصنف) در شهر رمضان المبارک سنه (۱۱۷۰) هجری قمری ــ از سیالکوت پنجاب بهمراه اعلیحضـــرت احمد شاه دردران وارد شهر کابل گردید وتا سنه (۱۱۷۲) هجری قمر ــ ی در محافل علمی وادبی کابل به صحبت علماء وفضلای دربار سپهر دود رخاتمه سنه مذکورعودت بجانب پنجاب نمود . در سنه ۱۱۷۵ هجری قمری در این وقتی که سردار نورالدین خان بامی زائی مصلح الدو ــ له ازحضور اعلیحضرت احمد شاه دردران ــ نواب خطه جنت نظیر ــ کشمیر مقرر گردید ــ موصوف نظام الدین عشاری راکه شخـــص عالم ــ فاضل شاعر متورع وابراز اخلاص مندی تمام بدولت امپراتوری افغانستـــان نموده بـــود . بفرمان خود را به منصب (امین دارالقضای دارالحکومت ــ کشمیر) مقرر نمود .

راین عالم فاضل درمرور همین سالیان ــ جریانات سال بسال دوره امپـــر ــ اتوری افغانی را بقید مثنوی برشته نظم دری اورده در (٦١٤) صحیفه تألیف و تصنیف نمود و (شاهنامه احمدیه) نام گذاشـــت وخاتمه تصنیف شاهنامه موصوف سنه (۱۱۸٦) هجری قمری مطابـــ

لوی ئیل (۱۱۵۲) هجری شمسی است • این عالم فقیه وشاعر مورخ در اول عشرت تخلص داشت که بالکسر بمعنی خوشدلی و خوش زندگانی کردن است• وقتی بکابل وارد شد - چون میرعبدالهادی خان منشی باشی از همصحبتان او (عشرت) تخلص داشت • نظام الدین سیالکوتی مذکور - عشارزی که نام صنعت شعری است - بخود تخلص گرفت تا در تصانیف ادبی و حماسی وتاریخی عهد امپراتوری درانی اشتباه رخ ندهد •

چون منصب او بقرار فرمان دولت امپراتوری افغانستان امین دارالقضا در یکی از مراکز بزرگ وولایات معروف شامل قلمرو احمد شاهی تعیین شده است • در این کتاب تاریخ قضاد رافغانستان بهمین سطور اکتفا ورزیده یم وکلیت مطالب از تصنیف او که (شاهنامه احمدیه) نام و عنوان دارد بدست خواهد آمد •

امیردارالقضا و امین دارالقضا - وامین قوانین اسلام در عهد دولت امپراتوری درانی بقرار اشهاد وثائق ومدارك دیده میشود •

دارالقضاء

در عهد اعلیحضرت تیمورشاه درانی

١١٨٦ ــ ١٢٠٧ هـ ــ ق

میرعدل

درخصوص احتساب وعدالت اسلامی وانفاذ احکام شرع درعهد امپراتور اعلیحضرت تیمورشاه افغان ـ میرعبدالهادی خان متخلص عشرت ضمن قطعه نظمی توصیف کرده که دوبیت ازان راد راینجا نقل می گیریم :

زاحتساب شاه دریادل کشند
دست ازیغمای دلها دلبران
میرعدلش وقت پرسش بارها
کرده نی درناخن شیرژیان

" " "

ترقی وتوسعهٔ دارالقضای کابل

دارالقضا واقضی القضات وخانعلوم واعضاء دارالقضا با وصف انکه دراین مرکزازدوره های قدیم موجود بود واما بعدازسنه ۱۱۶۰ ـ هجری قمری مطابق ۱۱۲۶ هجری شمسی توجهات مزید درتوسعه و ترقی دارالقضا انتخاب وبرقراری علماء راسخ پیروان صدیق پیشرو اهل تسنن حضرت امام اعظم کوفی رحمه الله تعالی علیه بعمل امد .

در سنه ۱۱۶۷ هجری قمری در این وقتی که امپراتور بزرگ افغان احمد شاه درران فرزند اول خود شاهزاده تیمورشاه را بصدارائی و فرمانروایی افغانستان از قندهار به کابل فرستاد وخود بیک لشکرکشی در مدت دو سال مصروف گردید . چون قضات بزرگ ومنشی های فاضل در هیاءت حکومت بالاستقلال او وارد کابل گردید مقام قضا از لحاظ تجدید عمارت وبرقراری علماء در امور محاکم شرعیه بتوجه ارکان اربعه دولت متعهد تاءثیر زیاد نمود .

انتقال مقر دولت شاهنشاهی درانی افغانستان از قندهار به کابل (شهر صفرالمظفر سنه ۱۱۸۷ هجری قمری) امور دارالقضاء در این وقت در کابل از لحاظ تشکیلات و ازدیاد استحضار علماء ومدارس و مجامع و محافل علمی در مساجد جامع وخانگاه شاهی موسوم به (تسبیح خانه) توسعه علمی وقضائی بیشتر از سالیان پیشتر بعمل آمد . زیرا که مرکزیت دولت امپراتوری افغانستان در شهر تاریخی کابل ایجاب شرائط بیشتر بسط وتوسعه تشکیلات ادارات علمی و قضائی را می نمود . محکمه شرعیه (۱) کابل به سمت غرب بالاحصار کابل موقعیت داشت . تاریخ تعمیر جدید خانگاه علمی و تحقیقی واقع پخته حصار کابل سنه ۱۲۰۱ هـ قمری است.

"(۱) در محل محکمهٔ شرعیه قدیم کابل در عهد غازی امان الله شاه مسجد تعمیر گردید وبنام مسجد حضرت صاحب مشهور است .

ملا فیض الله اقضی القضات

ملا فیض الله خان برادر خورد ملا ادریس خان) در سنه یکهزار و یک صد و هفتاد هجری قمری از حضور اعلیحضرت احمد شاه درانی بعوض ملا حاجی جهان – معلم و پیشنماز و مشاور شرعی حضور شاهزاده تیمورشاه مقرر شد . از سنه یک هزار و یکصد وهفتاد و پنج (۱۱۷۵) هجری قمری تا اوائل سنه ۱۱۸۶ هجری قمری معلم و پیشنماز وقاضی عسکر هرات بمعیت شاهزاده تیمورشاه بود .

و این مرد عالم وفاضل در عهد امپراتوری سلطان تیمورشاه پیشنماز و اقضی القضات و قاضی عسکر مقرر شد .

محمود الحسینی وقایع نگار در ضمن خبر واقعه وفات اعلیحضرت احمد شاه درانی از ملا فیض الله خان مذکور بصفات (قاضی ومعلم تیمورشاه) وبعبارت (برادر مرحوم مغفور ملا ادریس خان قاضی اردوی شاهنشاه غفران ماثر یاد کرده وملا فیض الله خان را بالقاب (سرحلقه ارباب حقیقت وعرفان منبع الجود والاحسان – محرم اسرار ظل الهی ملا فیض الله خان دولت شاهی قاضی) یاد نموده است.

اعلیحضرت تیمورشاه در وثیقه وقف نامه مورخ شهر رجب المرجب سنه ۱۱۹۶ هجری قمری بالقاب (عالیجاه رفیع جایگاه فضیلت و کمالات پناه افادت وافاضت دستگاه علامی فهامی اعلم العلماء و افضل الفضلاء مقرب الحضرت الخاقانیه اقضی القضاة ملا فیض الله خان پیشنماز سرکار خاصه شریفه وقاضی عساکر نصرت ماثر) یاد نموده واین

اخرین حد عزت بمقام معلم ویکنفر عالم علم دین است .
ملا فیض الله در امر هیات تالیف و تصنیف نیز خدمت نموده سوانح
چهارده صد شاعرا از شعرزبان دری تادوره امپراتوری تیمورشاهی
در تحت نظرا و تالیف و ترتیب گردید . چون تیمورشاه سالیانی
در نزد او تحصیل علم نمود درس عربی وادبی خوانده ونیزملاامام حضور
و پیشنماز حضور وقاضی و مشاورشرعی بود .
فرزندان او را استاد تیمورشاه درانی نوشته اند .
ویاد داشتی آزپشتی یك کتاب باین عبارت بنظر رسید :
(هذا من عواید الزمان عند عبد الضعیف المحتاج سید حسین الی عفو
رب المنان ابن سعد الدین ابن فیاض الدوران سند اهل الشرع والا
یمان یده کسحاب مقاطرفی النیسان استاد سلطان ابن سلطان تیمور
شاه درانی قاضی القضات اخند ملا فیض الله خان عفی الله عنها وستر
عیوبها وسوروخد اعدا دولت شاهی نسبتا وحنفی مذهبا و قادری
مشربا و زبیری مسلکا .

ه ه ه

باغ قاضی شهرکابل ــ گذرقاضی شهرکابل ــ مسجد قاضی شهرکابل
کاریزقاضی درچهارد هی کابل بنام همین شخص وقلعه اخوند زاده چهارد
دهی نیزمنسوب به خود او وپسرا وست .

ملا نعمت الله ، ملا درویش محمد ، ملا نورمحمد ، ملا محمد حسین ملا سعد الدین پسران او در عهد امپراتور تیمورشاه و امپراتور زمان شاه مناصب قضا داشتند .
واین سجع های مهر در وثائق شرعیه دلالت بهمین حقیقت دارد .
بخت ودولت چون زتیمورشاه شد
نعمت الله خادم شرع رسول الله شد
میرخان ازفضل احمدچون زدین اگاه شد
مفتی شرع شریف ابن فیض الله شد

ه ه ه ه

درویش محمد زعنایات خدا
برمسند شرع قاضی راه هدا

ملا فیض الله خان درسنه ۱۲۰۸ هجری قمری در بالاحصار کابل وفات یافت . ملا درویش محمد بتاریخ دوشنبه (۲۵) شهرربیع الاول سنه ۱۲۱٤ هجری قمری در عهد سلطنت امپراتور زمانشاه در شهر کابل وفات یافت و تاریخ فوت او بحساب جمل از کلمه « (دریع) استخراج میگردد . ملا محمد حسین ابن فیض الله خان درسنه ۱۲۱۱ هجری قمری خطاب خان ملا یافت ومهر او (محمد حسین النقشبندی الزهیری المخاطب به خانملا) نقش و در وثائق دیده شده است .

لباس قضات در عهد تیمورشـــاه

ابویوسف قاضی یعقوب بن ابراهیم ـ قاضی القضات بغداد در زمان هارون الرشید عباسی ـ که از شاگردان امام اعظم ابی حنیفه کوفی (رح) وازایمه مشهوراست.

امام ابویوسف نخستین کسی استکه فرق میان لباس اهل علم وعوام نهاد قبرش در کاظمین بغداد در صحن موسی بن جعفر ـ تاریخ وفات او سنه ۱۸۲ هجری قمری است.

یعنی لباس علما اهل تسنن ازان زمان مروج ماند ـ اعلیحضرت تیمور شاه درانی امپراتور افغانستان در فرمانی که بتاریخ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۱۹۰ یکهزار و یکصد و نود هجری قمری در خصوص اصلاح لباس نظامی و ملکی رجال رسمی ادارات افغانستان با تفصیل زیاد از با لاحتمار کالبل الصدار فرموده ، لباس گروه علماء شرعیه رااحتراماً ازان شرائط کاملاً جدا ، سواء و استثناء قرار داده باین عبارت نوشته است:

(ملاامامان وپیشنمازان فضیلت توان وجای نماز برداران شریعت شعار ـ ان و تسبیح خوانان علویت پناهان وقرائت خوانان دیانت شعاران ومکبران بلند آوازان و جماعهٔ مبارکه قاضی ـ خطیب واعظ ـ مفتی منحسب ومحرر بالبسه مطهره آئین باعزوتمکین حضرت سید المرسلین اشرف الاخرین الاف الاف صلواة الزاکیات والتحیات المتواترات مطابق مرسومات مقدسات ان جماعات کثیرالدرجات تقدس سمات الراستریه

وازقیود مرام مراسم لوازم پادشاه محلی دستگاه مجازی مجزاء وبه اداء رضاء شریعت حقیقت غراء جنا بخاتم الانبیاء علیه الصلواه والسلام همیشه مجاز ومختارانـــــد) ٠

٥ ٥ ٥ ٥

وبقرارصد وراین فرمان درافغانستان درهیچ وقت درتغیر لباس علماء اسلامی کسی مبادرات نورزیده واما باقتضاء منا طق گرم وسرد وفصول مختلف سال تغیرات اندک بعمل امده است ٠ ودرعهد سلطنت غازی امان الله شاه اینقدر رخواهش گردید که ازجهته تسهیل مصارف درانواع لباس از قسم شال وعمامه قدری اختصار بعمل ایــد در روقت تا سیس دارالعلوم عربی ومدرسهء علوم شرعیه و پوهنحی شرعیات این کوششها ی خیرخوا دانه مطابق تهذیب و تمدن اسلامی تطبیق گردید وازاصـــول افغانی مغایرت ندارد ٠

" " "

قضات درعهد اعلیحضرت تیمورشـــــاه

دارلقضای کابل درعهد اعلیحضرت تیمورشاه افغان نظرباینکه شهرکابل از سنه ۱۱۸۶ هجری قمری مرکز و پایتخت بزرگ دولت وسلطنت امپراتوری افغانستان کبیر وکهن قرارداده شده اولترینه تشکیل هرچه بهتر وبیشتر دارلقضای کابل پیوست بالاحصار کابل توجه بعمل امد وچنانکه قبلاً ملافتح الله خان وبعدازان ملا عبدالله خان افضـــل

القضات کابل بود نسبت الله ه اد رارین عهد امپراتوری تیمورشاهی

ملا فیض الله خان دولت شاهی برادرخورد مرحوم ملا محمد اد ریس خان

قاضی عسکر برتبه • پیشنماز اقضی القضات برگزیده شد • واین شخص با

نی مسجد قاضی فیض الله خان وگذرقاضی فیض الله خان وباغ قاضی فیض

الله خان است که قلعه • آخوند زاده چهاردهی وکاریزان باسم مذکور

تاحال مشهوراست •

ملا فیض الله خان درسنه ۱۱۷۰ هجری قمری معلم سلطان تیمور

شاه و پیشنماز او مقرر گردید ودرسنه ۱۱۷۵ هجری قمری دراین وقتی

که تیمورشاه ازحضوردر والاقدر خود به پادشاهی اقلیم هشت بورات

برگزیده شد ملا فیض الله خان بازهم بصفت معلم و پیشنماز و مشاور

وقاضی عسکر ازقندهار به هرات بهمراه سلطان تیمورشاه عزیمت نمود

وتاسنه ۱۱۸۶ هجری قمری یعنی خاتمه • دوره • عمر وامپراتوری اعلیحضر

احمد شاه غازی ادامه دادودرهمان سنه بمعیت موکب تیمورشاهی از

هرات به فراه وازانجا وارد مرکزقندهار وددراوائل سنه ۱۱۸۷ هجری قمری

وارد کابل گردید • ودرفرمانهابالقاب پیشنماز وقاضی عسکر خطاب میشد

ودراین دوره تیمورشاه دردران رتبه عالیه • اقضی القضات وپیشامام

عسکری حاصل کرد وتاسنه ۱۲۰۷ هجری قمری باین منصب شرعیه ممتاز

وعلماء وقضات عصراورابالقاب (فیاض الدوران سند اهل الشرع والایما

ن یده کسحاب المقاطر فی النسیان ـ قاضی القضات اخوند ملا فیض

الله خان سد ولت شاهی نسبا حنفی مذ هبا ـ قادری مشربا زبدر

زبیری مسلکاً) می ستود ند . وچون اعلیحضرتتیمورشاه سالیانی نـزد او علوم عربی وادبیات درس خوانده بود استاد سلطان تیمورشاه درردران نیزیاد می نمودند زیراکه اقضی القضاتموصوف در اسرهیائتی تالیف و تصنیفوتدقیق کتبعلمی وادبی نیزسالیانی خدمت کرده وبفرموده سلطان تیمورشاه سوانح چهارده صد شاعر راازاغززبان پشتو ودری تاعهـد امپراتوری تیمورشاهی بقید اتمام تاءلیفو ترتیبدرآورده بود . ملا نعمت الله وملادرویش محمد وملا نورمحمد پسران اقضی القضاتموصوف نیزازعماء وقضات دارالقضای پایتخت کابل بوده ند . عبارت نقش مهراقضی القضات مذکورراتاکنون دروثائق ندیده ام واینك عبارات سائرقضات عهد دولت تیمورشاه غازی راکه دروثائق دیده ام عیناً نقل گرفته بر در کتاب تاریخ قضاد رافرخا نستان می نمایم :

طالب دید رخدا اسعد اللـه ـ ۱۱۸۷

• • •

همچووالد گرشرف خواهی دیانت پیشه کن
قاضی عبد الواحد ازرو زجزا اندیشه کن
۱۱۸۹

• • •

عزمن قنع ذل من طمع ـ خواجه فیض الحق ـ ۱۱۸۷ع

• • •

بی تیغ تیزگردد قاضی ذبیح اللـــــــه

لیکن نهاده گردن ناچار نعمتاللـــه

• • •

المتوکل الملک علی الله حمید

خادم شرع سید خواجه سعید

• • •

بفضل ایزد و الطاف احمـــــــــد

غلام شاه دران پیر محمـــــــد

• • •

چون زالطاف خدا و شفقت تیمورشــــاه

خادم شرع نبی شد هاشم از فضل اللـــه

• • •

چون مقرر شد عنایات خداوند کریـــم

مفتی شرع رسول الله شد عبد الرحیـــم

• • •

زلطف شه وفضل خـــــــداداد

ماموراحتساب شـــــد صاحبـــداد

۱۱۹۳

• • •

ازان روزیکه دنیا برقـــــرار اســـت

یوسف خان غلام چاریار اســـــت

احتساب دین زفیض پیرو معهود شد

خادم شرع محمد عاقبت محمود شد

ه ه ه

یاالهی بحق بسم الله

توبخشای گناه روح الله

۱۱۹۰

ه ه ه

بخت ودولت چون زتیمورشاه شد

نعمت الله خادم شرع رسول الله شد

ه ه ه

سلاله حمیت الاحد جام

سعد الدین ابن صفا نام

۱۱۹۱

ه ه ه

افوض امری الی الله عبده شیر محمد ۱۱۹۸

ه ه ه

مفتی شرع شریف محمد

میرصالح شده ازلطف احد

۱۲۰۰

ه ه ه

خادم شرع رسول الله
عبده عنایت الله

٭ ٭ ٭

خاک پای تویا رسول الله
سرمهٔ هرد وچشم عزت الله

٭ ٭ ٭

میرصالح شده ازلطف احد
مفتی شرع شریف احمد

٭ ٭ ٭

المتوکل علی الله الغنی العبد میر حاجی ۱۲۰۰

٭ ٭ ٭

دارد امید شفاعت زمحمد صالح ـ ۱۲۰۱

٭ ٭ ٭

بندهٔ خاص خدا مقصود ابن جمال است
میرصالح مفتی دین است ازفضل کریم
نائبان میرزا خواجه ازقلب صمیم

٭ ٭ ٭

خادم شرع محمد رسول الله
عبده میرعنایت الله

المتوکل علی الله الملك الکریم

خادم شرع قاضی عبد الرحیم
۱۲۰۴

٭ ٭ ٭

خادم بندگان نیك محضر

الفقیر الحقیر میر اکبر

٭ ٭ ٭

در دو جهانم چه غم از دشمن است

دوست محمد زکوم با من است
۱۲۰۷

٭ ٭ ٭

خان ملا قاضی حق بین است

نائب دار القضا میر خیر الدین است

٭ ٭ ٭

قباله نامچهٔ شرعی

درسال ۱۵۸ اتنگوزئیل شمسی مطابق سنه ۱۱۹۳ هجری قمری در دار القضای قندهار قبالهٔ شرعیه نوشته شده و حاوی هرگونه معلومات می باشد واینك عبارات و سنوات مهرها وسراسر عبارات انرا نقل گرفته سپرد صفحات تاریخ قضاد رافغانستان مینمایم :

((هوالله تعالی شانهٔ))

ازعطای خدای فرد وجهان

پسر ومصطفی بود عمران

۱۱۸۰

چون مفوض شد به تیمورشاه شاهی ازکریم

قاضی اسلام شد ازصدق دل عبدالرحیم

۱۱۸۷

(. . . . . بفروخت به بیع با تصحیح شرعی قطعی لازمی جازمی

. . . . . عالیقدر رفیع مقدار نظرسلطان پور مرحوم نورالدین ابن احلفرد ر

ـانی خواجه زائی در روجه عالیشان دولت نشان عزت مکان مرتضی

خان پسرعالیجاه بلند جایگاه حشمت وشوکتد دستگاه دولت ونصرت

انتباه امیرالامراء العظام ستوده الکبراء الفخام اقبال واجلال فرجام

حاجی الحرمین الشریفین مقرب الخاقان حاجی کریم اد خان درانی فوفلزائی

حبیب زائی بامی زائی زینک زائی عرض بیگی سرکارخاصه شریفه وسردار

وحاکم وصاحب اختیار مالیات صوبه ٔ کشمیر جنت نظیر ازانچه بایع مذکور

ذکرکرد و تلقین نمود که بیاوراحق وملك مورثی متصرف فیه بوده الی هذا

المبایعه الصحیحه ومعاقده الذیحه همگی و تمامی موازی یك سهم

اب واراضی منجمله دوازده سهم دهنه ٔ قنات مزبورکه به قنات . . . . .

کاریزوانع درمحال بوری من توابعات اشرف البلاد احمد شاهی وحدود ات

این حدود اربعه ٔ مفصله ٔ ذیل کذا وکذا شرقیها نهرکجکی غربیها قنات

قنات مشعمد بیک ــ شمالیها تون سرخ ــ وجنوبیها سیای تورکو ئیی
باجمیع توابع شرعیه ولواحق . . . . . . محدودمد خل ود رو د یوار
ورنگذار و مشروبات وملحقات کلما یتعلق بهما من القلیل والکثیر بزرخت
ورضاء بدون الاجبار والاکراه صدقه‌ء واحده به مبلغ چهل تومان ــ
تبریزی که عبارت از هشت صد روپیه بوده باشد ازنقد رائج المعامله
که ثمن المثل وقیمت الوقت بوده ومرافق بیعه ومبلغ مذکورمشتمل است
بصیغه‌ء مبالغه ایجابوقبول وقبض و اقباض وتسلم و تسلیم و تملك و ــ
تملیك بلسان العرب و العجم بینهما واقع وصادر گردیده و بایــــع
مذکور بعد ازاقرار اخذ ثمن معقول علیه اسقاط جمیع خیارات نموده سیما
خیار الغبن الفاحش ولوکان الا فحش که اکنون تمکی وتمامی موازی ــ
تمین یك بینهم اب والاراضی قنات محدود مذکوروعوض بدل مذه الثمن ازید
تصرف و تملك بایع مذکور خارج وزائل گشته داخل املاك مشتری مشارا
ــ لیه گردیده بموجب مرحیکه صحیحه متصرف الملك فی املاکهم و ــ
ذوی الحقوق فی احقاقهم وایضاء بایع مذکور رضا من درك شرعی گشته
الی حق البنی که هرگاه بعد الیوم احدی دعوا نماید ازعهده‌ء ان بدر
امده جواب گوید ملاکاتاء واین چند کلمه بجهته قباله نامچه‌ء شرعی
نلمی گردید که ثانی الحال حجتقوی بوده باشد تحریرفی شهررجب
المرجب من شهور سنه ۱۱۹۳) .

٥ ٥ ٥

درحاشیه • طرف راست بالای قباله • مذکور عبارات (ابوالمناقب عالی حضرت فضائل مآب وکمالات پناه ملا بابرمدرس) نوشته است•
در پهلوی مهر کوچک ـ عبارت (الکاتب ازاقرار مقر بما یحمذکور قلمی ومهر شهادت نموده شد•)
مرقوم است• و نیز عبارت (ابوالمناقب عالیحضرت• • • • لف خان ...
درانی جسن زائی) مرقوم است•

نقل یک وثیقهٔ شرعیـــــه

ا ازجمله قباله های که درد ارالقضاء کابل د ر د وصد سال قبـل ازامروز نوشته شده است. دراین رساله ((تاریخ قضاد رافغانستان)) مناسب مینماید که بطریق مثال نقل گرفته شود واین است سراسر عبارات نقوش مهرها، قضات وعبارات متن قباله :

همچووالد گرشرف خواهی دیانت پیشه کــــن
قاضی عبدالواحد ازروزجزااندیشه کـــــن
۱۱۸۹

عزمن قنع ذل من طمع
خواجه فیض الحـــق
۱۱۸۷

العبدالمذنب محمد ابراهیـــــم
۱۱۷٦

لااله الاالله الملك الحق المبیـــــن
عبده جمال الدیـــــن ۱۱۸۲

الهی بعزت تو داری نگاه
که عوض بجز تو ندارد پناه

(د رتاریخ ۲۹ شهرصفرالمظفرسنه ۱۱۹۸ هزارویک صد ونود و هشت بود که اقرارمعتبرشرعی نمود شرافت ونجابت پناه میرزا صادق محمد خان ابن مرحوم شرزه خان قلعه دار سابق قلعهٔ پخته دارالسلطنه کابل برینوجه که قبل ازاین محدودان مذکوران راکه باغ بعالیجاه رفیع

جایگاه امیرالامراء العظام استوه الکبراء الفخام مقرب الخاقان عبدالله خان وکیل الدوله سرکار خاصه شریفه بمبلغ بیست تومان تبریـــزی که عبارت از چهارصد روپیه سفید رایجه الوقت است به بیع بات تبتلات قطعی فروخته بود ومبلغ مذکور ثمن محدودان راتمام و کمالا ازتسلیـــم عالیجاه مذکور اخذ و قبض شرعی نموده بود که وامی ودرهمی باقی نمانده و قباله محدودان رابحدود مرقومه فوق بمواهیر اهالی شرع شریف سپرده بود که بالفعل حدود باغ مذکور باین تفصیل است ه شرقاء متصل است بزمین خیرالله بیک و بعضی باغ خرابه اقاعلی غرباء متصل است بباغ نعمت الله شمالاء متصل استبد یوارقلعه محدود فس السدر و بعضی بزمین خیرالله بیک مذکور جنوباء متصل است بباغ خیر الله بیک مذکور درین ولا مشتری مذکور مینماید که قباله مذکور سابق مفقود است لهذا وثیقه مجدد مرقوم نموده بداده شدکه عندالحاجت حجت وسند باشد واز دعوای ملکیت محدودان مذکوران که محدود بحدود سابق ولاحق است واز دعوای عدم اخذ ثمن محدودان مذکوران و محصو لات ان بعالیجاه مذکورا برای عام وتام صحیح شرعی نمود و نماند مقر مذکوررا برعالیجاه مشتری مذکورا زبابت محدودان مذکوران هیچ حقـــی و دعوایی بوجه من الوجوه وسبب من الاسباب و مقرمذکورازدعوای کذب درین اقرار طوعاء ابراء نمود وکان ذلک عند محضر من المسلمین) •

بباغ نواب شرزه خان قلعه دار بالا حصار کابل ـ در نزد یک بالا حصار موقعیت داشت و صادق محمد خان پسر شرزه خان مذکور به مبلغ چهار صد روپیه نقره یی سکه کابـل به وکیل الدوله عمده الامرا عبدالله خان (ابن سردار شاه علم خان پوپلزائی قند هاری بفروش رسانید که ازان تاریخ تااکنون دوصدوده سال به حساب قمری می گذرد .

. . .

مولوی عبدالواحد مدت سی وشش سال نائب القضاء کابل بود و قبل از ان مولوی عبدالله خان و پیش ازان مولوی فتح الله خان این منصب عالیه قضارا در کابل پایتخت افغانستان داشت.

قلعه شرزه خان چهارد هی کابل ملکیت همین شخص شرزه خان قلعه دار کابل بوده اســـــت .

تقسیم نامه شرعیه

د رسنه ۱۱۹۷ هجری قمری د ردارالقضای کابل پایتخت امپراتوری افغانستان باسم محمد امیرخان و د بن محمد خان ومسماتین بانو و بلبل نساء تقسیم نامه ویا تملیك خط شرعی بمهرقضات محکمه شرعیه کابل نوشته شده وشرح زیاد دارد . وخلص انکه بدون حکم محکمه شرعیه هیچ یك سند اعتبار نمی یافت وهرشخص بزرگ ویا هرقدر قدرت نظامی وسیاسی واداری که میداشت . د رمحضرمحکمه شرعیه حاضرمیشد واز قراراق رارا و قاضی القضات والمضاء دارالقضاء مهر میکردند .

ود راین صحیفه عبارات مهرها و چند سطر اخیر وثیقه شرعیه را نقل می گیرم :

افوض امری الی الله عبده عبدالله

. . .

بی تیغ تیزگرد د قاضی ذبیح الله

لیکن نهاده گردن ناچار نعمت الله
۱۱۹٤

. . .

المتوکل الملك علی الله حمید

خادم شرع سید خواجه سعید

. . .

محمد بستان طالب دیدار – ۱۱۹۵)　　خادم شرع رسول الله
الغنی میرحیدر الدین
الحسینی ۱۱۴۳

محمد محراب

پیرو دین محمد احمد

بفضل ایزد والطاف احمـــــد

غلام شاه دران پیر محمـــــد

در اخیر این وثیقه شرعیه نوشته است :

(در تاریخ هفدهم شهر ذی حجته الحرام سنه ۱۱۹۷ هزار و یکصد و نود و هفت بود که اقرار معتبر شرعی نمود عالیجاه رفیع جایگاه ملاذالامرا العظام استوه الکبراء الفخام عبد الله خان درانی فوفلزائی وکیل الدولـــه سرکار خاصه شریفه ابن مرحومی شاه علم خان برینوجـــه کـــه . . . .)

افوض امری الی اللـــه
عبده عبد اللـــه

پدر عمده الامراء عبد الله خان دیوان بیگی وکیل الدوله شاه علم خان نام داشت و پسر اول ان محمد علم خان نام داشت وبعد فوت پدر در سنه ۱۲۰۱ هجری قمری رتبه وکیل الدوله یافت .

واینطورسجع مهرداشت :

بحق سوره یاسین ورحمان علم شدد رجهان ازفضل سبحان

برادرخورد ش محمدامیرخان اینطورسجع مهرداشت :

تاگردش چرخ وماه منیراست محمدامیر پوراميراست

پسرش اینطورسجع مهرداشت :

روشنی دیده ماه منیر پورامیراست محمد کبیر

دین محمد خان ابن دیوان بیدگی وکیل الدوله اینطور سجع مهر داشت :

(مراد ل وفا هست بدین محمد)

این مهرهادرسلسله از وثائق شرعیه عهد امپراتوری درانی دیده شده است که خلاصه ان اینجا ثبت تاریخ گردید .

* * *

ملا نورمحمد خان

ملا نورمحمد خان ابن ملا فیض الله خان قاضی القضات بتاریخ لیل جمعه (۲۷) شهررمضان المبارک سنه ۱۲۱٤ هجری قمری درکابل وفات یافت ودرلوح قبرش عبارت (مرحوم مغفور ملا نورمحمد ولد عالیجاه رفیع جایگاه قاضی القضات ملا فیض الله خان معلم سلطان جنت مکان تیمورشاه منقوراست .

* * *

قاضی نعمت الله

این قاضی القضات فیض الله خان در عهد امپراتور تیمورشاه منصب عالیهٔ اقضا یافت وبعد قاضی القضات مقررشد و سجع مهرا واینطورمروج بود که از وثائق نقل گرفته میشود .

بخت ودولت چون زتیمورشاه شد
نعمت الله خادم شرع رسول الله شد

. . .

بی تیغ تیزگرد د قاضی ذبیح الله
لیکن نهاده گرد ن ناچار نعمت الله
۱۱۹٤

. . .

باغ قاضی در شهرکابل

همانطوریکه باغ شاه واقع لب دریا مقابل مسجد علیا رتبه وجاده اند را ـ بی درایام بهارو تابستان تا نیمهٔ فصل خزان محل اخذ عرائض ودار العدالت حضوربود باغ قاضی درنزد یك ساحهٔ باغ شاه و محلهٔ باغ نوروزی همچنان درایام بهار و تابستان تا نیمهٔ فصل خزان محل دارا ـ القضا ـ والعقاد محافل و محاکم شرعیه درتحت ادارهٔ اقضی القضات بود . یعنی باغ مثمرقابل استفاده و بهره برداری شخص قاضی القضات اخوند فیض الله خان نبود . از ثمر وساحه اشجاران علماء وعارضان نفع می بردند . وباغ قاضی بمفهوم دارالقضا و مقام تابستانی اقضی القضات مشهوراست .

وباورميشود كه ان ساحه بفرمان دولت امپراتورتيمورشاه افغان براى مقصد بزرگ استقرار دار القضاء باغ مذكورتعيين شده باشد .

درساحه باغ قاضى شهركابل دراين چند سال اخير مندبى ارد فروشى تخصيص يافته است .

ودراينجا بايد تذكرداد كه قاضى مذكوردرتاريخ احمد شاهى بالقاب :

(نقاوه خاندان شرافت و سعادت وسلاله دودمان بزرگى و نجابت قطب فلك شريعت و پرهيزگارى ـ محورسپهر فضيلت ودينداري ـ منظورانظار عاطفت شاهنشاهى مقرب پايه سرير خلافت ظل الهى ملا فيض الله خان دولت شاهى ياد شده است .

* * *

تسبيح خانه كابل

درساحه قريب بالاحصار كابل درسنه ۱۱۹٤ هجرى قمرى عمارتى وادارهء بى بنظم وعنوان تسبيح خانه يعنى مرجع ومركز علماء واتقياء و مفسرين و مولفين كتب دينيه تاسيس يافته علماء اعضاء دارالقضا نيزدران مجمع ومركزبزرگ علمى و تحقيقى اشتراك مى ورزيدند وابن قطعه نظم كه درتاريخ بناء ان ازطرف عبدالهادى خان منشى باشى متخلص عشرت گفته شده است درج ميگردد .

خانهٔ تسبیح شاهی شد بنا

در حریم خاص دولت جایگاه

مرجع اهل علوم اصل و فرع

محضر اصحاب تقوی دستگاه

هم مفسر هم محدث چون خطیب

گفتگو دارند در این خانقاه

فیض خیزد از زمینش تا بفرش

نور را یزد ز اسمانش هر صبحگاه

در زمان خسرو هفتاد شهر

اعدل گیتی ستان تیمورشاه

اعظم خاقان و اعلی مرتبه

پای بوسش بر فلک خورشید و ماه

شد رسمی اعتضاد ملک و دین

عبدالله خان او وکیل پادشاه

سال تاریخ بنای او به ناز

۵۸

عشرتا از خانهٔ تسبیح خواه

۱۱۹۴ هجری قمری

میا نورمحمد مناره

ازعلماء و عرفاء و شامل طریقهٔ نقشبندیه در قندهار رود رعهد اُمپرا تورتیمورشاه درانی سجع مهرخود را باین بیت آراسته :

مرا هادی است نقشبند ولی زنورمحمد جهان شد جلی
۱۱۹۱

میا نورمحمد ساکن قلعهٔ مناره نزد یک کاریز ک سمت جنوب غرب شهر قندهار رهما نجا مدفون است . موصوف نسبت سکونت قریهٔ مذکور بنام ملا نور محمد مناره شهرت یافت . پسران عالم و فاضل وصاحب طریقت صاحبزاده رحمت الله وپسرا وصاحبزاده غلام نبی و پسراو ـ صاحبزاده عبدالواحد درقندهارشهرت علمی وعرفانی داشتند .

محمد گل نوری (نویسنده وشاعرزبان پشتو)ـ پسرصاحبزاده عبدالواحد مذکوردرسال ۱۲۸۱ شمسی مطابق ۱۳۲۰ هجری قمری درقندهاربدنیاامد . چون اولاد میانورمحمد وهم بقوم نورزائی بود بهردونسبت (نوری) بخود تخلص گرفت . این عالم ادیب وصوفی درسال ۱۳۰۲ معلم مکتب شالهمار رقندهارود رسال ۱۳۱۳ ـ شمسی عضوانجمن پشتو ـ قندهارود رسال ۱۳۱۵ شمسی عضوانجمن ادبی کابل ود رسال ۱۳۱۹ شمسی نمدیرتألیف و ترجمهٔ پشتو تولنه کابل مقررگردید . ازان خانوادهٔ علمی وادبی باانکه شخصی به منصب قضا نگذشته است ولی اینکه ازچند پشت صاحب علم وعرفان ود رعلوم دینیه وادبیه وطریقهٔ نقشبندیه موصوف ومحمد گل نوری د رعهد

مطبوعات د رزبان پشتو د رعمان مراحل اول خدمت کرده است د راین تاریخ قضا لزوماء یاد نمودم و مفصل این سوانح مربوط بدیگر موءلفات است .

* * * *

خادم العلماء

ملاعلی خان حکیم در سنه ۱۲۰۶ هجری قمری در سمت غربی بالاحصار کابل مسجد تعمیرنمود ـ لوح تاریخ تعمیران تاالان موجود وحاوی این عبارت است :

(حمد وسپاس و ستایش بیقیاس مرقد وسی راکه تاءسیس اساس این قدسی اساس فرد وس اقتباس رابتوفیق استصواب ملاعلی خان خادم العلماء والفقراء مشهور به عبدالشافی خان حکیم پادشاه انس وجان ـ امیرتیمور در دوران صاحب قران بتاریخ ایتمیل اختتام پذیرگردید ـ هرمسلمانی که درین بیت العباده درآید باتی رابدعای خیر یاد آورد سنه ۱۲۰۶) .

* * *

ملاعبدالبصیر الجامی هروی متوطـــن
کابـــــل

د رکابل قریه یی بنام خواجه ملا مشهور است ، بانی ان ملاعبدالبصیر الجامی ازمردم هرات است که درزمان حیات بنام خواجه ملا معروفبود و همین شهرت او موجب شهرت قریه گردید واین عالم مدرس در سنه ۱۲۰۱ هجری قمری مطابق سال ۱۲۱۳ هجری شمسی (۱۸۲۵ میلادی) د رکابل وفات یافت . موصوف ازاولاده شیخ الاسلام احمد الجامی ژنده پیلی واین خاندان د رسنه ۱۱۸۶ هجری قمری بفرمان امپراتوراعلیحضرت تیمورشاه د رد ران ازتربت جام وهرات به قندهار وازانجا بکابل استحضار یافتند .

شخص نامور ان خاندان شیخ عبداللطیف الجامی بود که قبلاً متولی زیارت خرقهٔ شریفه د رهرا تو بعد د رسلك محررین دارالحکومت هرات شرف اتصاف خدمت وبه صاحب وکیل الرعایای هرات اعتبار حاصل کرد و تا سنه ۱۲۰۳ هجری قمری د رکابل منصب استیفای دیوان اعلی داشت

ملاعبدالبصیر (خواجه ملا) که شخص عالم بود برای تدریس علوم دینیه امتیاز حاصل کرد ود رنزد یك قریه علاءالدین مسکن یافت ومدرس مدرسه تعیین گردید . وبفرمان امپراتورتیمورشاه ساراضی نهرد رسن کابل محیط کارتهٔ چهارحالیه برای معیشتان خانواده ومصارف مدرسه . خواجه ملاعبدالبصیرالجامی مدرس برسم جاگیرمنظورگردید مرقد خواجه ملا درساحهٔ قریه خواجه ملا (کارته سه حالیه) موجود استوازاین خاندان شخص بنام سعدالدین ابن صفا درکابل مرتبهٔ

نماداشـــت ٠

" " "

اقضی القضات هرات

مولوی احمد خان د رسنه ١١٨٦ هجری قمری بفرمان امپراتورتیمور شاه افغان اقضی القضات هرات مقررشد ٠ مذکوربالقاب سرآمد فضلای وقت واعلم العلماء والفضلاء وخوشنویس چیره دست خطاب میشد ٠

ود راثار نثرونظم شعراء وانشاء پردازان وقت ازفضائل و کمالات وعلم وسخاوت ومهارت اوبه فن خطاطی وهم ازخدمات عمرانی اوتوصیف شده است. میرزاعبدالله شها بدرچند قصیده و قطعهٔ نظم ازوی یاد کرده وازعلمیت ولیاقتش تقدیرنموده است که این ابیات مثال اورده میشود :

مایه فضل وهنر اقضی القضات شرق وغـــرب

انکه ازبرجیس دارد استانش برتـــــری

دربحرفضل احمد خان که خاک درگهـــــش

هست ازروی شرافت کحل عین مشتـــری

وقت مشق ازخامه اش زاید همه سحرحـــلال

سامری گوتا بیاموزد زکلکش ساحـــری

" " "

خانعلـــوم هرات

مولوی شمس الدین بلد مرغانی ازقوم سادات هرات بفرمان دولت افغانستان منصب شرعیه خان علوم هرات یافت ٠ قطعه نطص کملا ابوبکرتسلیم د رتاریخ فوت اوگفته است حاوی این معلوته می باشد ٠

افسوس کز سپهر شرف افتاب فضل
تا گه زوال یافت زدوران بی وفا

دریای علم وکان معانی جهان جود
جان علوم وسرور سادات مقتدا

ازاسمان شرف د رخشید شمس دین
کزشرق تا بغرب همی تافتش ضیا

تاریخ سال رحلت ان مجتهد عهد
رضوان بگوش اجور چنین داد مژده را

چون رحمت خدا شده شامل بحال او
سال وفات وی طلب از (رحمت خدا)

۱۲۵۳ ق

ه ه ه

بعد ازوی مولوی فیض الدین ابن سید شمس الدین بفرمان دولت افغانستان منصب شرعیهٔ جانعلوم هرات یافت. قطعه نظمی که ملا ابوبکر تسلیم در تاریخ ترحیل او گفته است حاوی تذکار فضائل علمی او می باشد :

هشدار که پوشیده فلك جامه ماتم
در ماتم ان فخر زمان عالم یکتا

جان علماء حامی دین رونق اسلام
فیض الله ان یا نسب ومرتبت وجا

تسلیم چنین سال وفاتش بدعا خواست

والله مجیب جعل الجنته مثوا

۱۲۷۲ ش

میرعطاء محمد خان شروی معاصر دورهٔ غازی امان الله شاه که وقتی رئیس مجلس اعیان در کابل مقرر بود ازاحفاد مولوی سید نظام الدین ((خانعلوم هرات)) بود.

میرمحمد حید رخان پسر میر عطاء محمد خان مذکوراست.

مسجد قاضی القضات در
شهر هرات

امپراتور اعلیحضرت تیمورشاه افغان — در سنه ۱۱۸۶ هجری قمری
ملا احمد خان قندهاری را به خطاب اعلم العلماء — افضل القضات
خان علوم قاضی القضات هرات مقرر نمود.
عالم موصوف در شهر هرات مسجد جامع تعمیر نمود وقطعه نظم هذا
تاریخ بنای انرا میرزا عبدالله شهاب شاعر دربار هرات گفته است:

بعهد جهاندار جمشید حشمت
که نازد بدوران او تخت وافسر
شهنشاه تیمور کولطف یزدان
بکشورستانی بود چون سکندر
غلام دعاگویش احمد کنه دارد
چو اقبال دائم بخاک رهش سر
بنا کرد این مسجد جانفزا را
که پستست پیش رواق دو پیکر
بود عالم فیض را اسمانی
که باشد خط قبله اش خط محور
پی شمسه طاقش از مهر گردون
کشد خشت زرین زایوان خاور
بدان ارزو چرخ نه پایه گردد
که شاید که یابد دراو جای منبر

هرانکس دران روزسازد شبـــــــــی را

شود ایمن ازهیبت روزمحشــــــــــــــر

زتاریخش آگه شود هرکه خوانــــــــد

چارالحمد باسه الله اکبــــــــــــر

۱۱۹۹ ق

ملا احمد خان قاضی القضات هرات خوشنویس ماهر نیزبـــود ۰

* *

زبده الروایات نقـــــــه

سید علیم الله بن سید عتیق الله بن سید اخوند فاضل بن سید مصطفی بن سید عثمان بن سید الله بخش بن سید قاسم بن سید اسمعیل بن سید ابراهیم بلخی ــ

درعلوم ظاهری ازبسیار علماء عصرخویش سبقت برد ودر سرودن شعر ذوق قریحت خوبی داشت، از تصانیف سید علیم الله موصوف یکی ((زبده الروایات نقه))است ودگرانها رالاسرا روشرح بستان سعدی ــ ورساله نزهه السالکین درعلوم سلوك وشرح اخلاق ناصری و نثرالجواهر (ترجمه نظم الدورالمرجان) است که ازعربی به دری ترجمه شده است.

نظم الدروالمرجان تاءلیف میرزا خان برکی افغان است این عالم وشاعر ازسادات چشت وبتاریخ (۲۲) شهرجمادی الاخرسنه ۱۱۰۹ هجری قمری بدنیاامد وبتاریخ (۱٦) شهرصفرالمظفر سنه ۱۲۰۲ هجری ــ قمری بعمر (۹۳) سالگی رخت بست ودرجالندر بحاك سپرده شد کتابا سراالعلیم ــ توسط شیخ عبدالله بوصف حال همین عالم وسید

نوشته شد وازذکرکرامات وخوارق بسیاران بحث میرانند وگویـــــــد

درعمرخورد سالی بخدمت شاه ابوالمعالی حاضرشده مرید وی شد

شعرخوش می سرود *

این عالم بزرگ فقیه حنفی درعهدامپراتوری درانی حیات بســـــر

می بــــــــرد :

دارالقضا ـ ادرافغانستان

درعهد اعلیحضرت زمانشاه درانی

۱۲۰۷ ـ ۱۲۱۶ هـ ـ ق

داروغه عدالت اسـلام

در تشکیلات دارالقضا و ادارات علمی وقضائی افغانستان در عهد دولت درانی اداره ویا محکمه عالیه یی بنام و عنوان داروغگی عدالت یعنی ریاست دارالعدالت نیز در کابل پایتخت افغانستان مستقل و مقتـدر وجود داشـت •

ورئیسان اداره عالیه شرعیه داروغه عدالت اسلام نام وعنوان داشت داروغگی ــ بمعنی سربراهی کار ومختاری و اهتمام بسرانجام امری سرانجام بمعنی عاقبت وپایان کار وبآخر رسانیدن و سرکاری نیزگویند • کلمه سرکار ودار وغه یک معنی و مفهوم دارد • وازهمان جهته است که در اسناد ووثائق قدیم افغانستان ــ سرکاری وداروغگی گفته انـد وسرکرده دفترداروغه دیوانخانه نوشته اند • همچنان داروغه اخبار وداروغه بازار وداروغه املاک یاد کرده انـد •

برای ثبوت این اداره بزرگ علمی وقضائی افغانستان در عهد درانی عبارات سجع های مهرهای قضات را که یکی بعد دیگر این منصب عالیه شرعیه ممتاز بوده اند نقل ودرج تاریخ مینمایم :

چون غبار خاکپای سلطان سرمد اسـت

داروغه عدالت اسلام احمد اسـت

ه ه

داروغهٔ عدالت وخادم دین امین است

قاضی که عدل داشت قطب الدین است

ە ە ە

داروغهٔ عدالت شاه ازلطف شاه دین

برمسند شریعت غراست قمرالدین

ە ە ە

یافت ازحق رونق عزو قبول

داروغه عدل محمد رسول

ە ە ە

شجاع الملک شاه درفرمان مورخ شهر ربیع الاخرسنه هزار ودوصد و بیست وسه (۱۲۲۳) هجری قمری درخصوص موقوفات خرقهٔ شریفه درقندهار نوشته دراثبات این عنوان ارزش بسیار دارد :

(. . . . . ازبابت مالیهٔ دکاکین ومرسوم داروغه های بازاری وکوتوالی و بیگار وسیگار وصادریات وغیره بهراسم ورسم که حواله شود معاف ومرفوع القلم دانسته به هیچ وجه من الوجوه مزاحم و متعرض نشوند).

ازاقا وقاردارو غهٔ دفتر ومیرهوتک خان داروغهٔ اخبار درفرمان ها وکتاب ها یاد شده ونیزقلعهٔ داروغه درچهاردهی کابل از یادگار های عهددرانی بجامانده است .

جمع داروغه راداروغگان یاد کرده اند واین معادل کلمات رئیس ، سردار ، اقاسی ، درزبانهای عربی دری وترکی است.

د رعهد امپ راتور زما نشاه د رانی ــ د رسنه ۱۲۰۸ هجری قمری ملا ــ احمد خان دا روغه عدالت اسلام مقرر گردید .

قباله شرعیه

از جمله وثائق بسیار مهمی که از طرف داروغگی عدالت اسلام د رکابل د رعهد امپراتورزما نشاه د رسنه ۱۲۱۲ هجری قمری باسم حرم محترم عمده الامرا محمد علم خان وکیل الدوله نوشته شده است بهمراه عبارات نقوش مهرها عیناً نقل ودرج تاریخ مینمایم :

چون خاك پای سلطان سرمداست
داروغه عدالت اسلام احمداست

خادم شرع رسول الله
عبده میر عنایت الله

خادم شرع شریف
میرمحمد عبداللطیف

المتوکل علی الله
محمد منیر

شد زلطف محمد مصطفی
قاضی شرع نبی سید عطا

العبد المذنب
میر محمد صدیق

تود رشرع کوش ای غلام حسین

خادم رسول ومفتی شرع مصطفی
شد زلطف حق میربرکت الله

(د رتاریخ هفتم شهرذی حجته الحرام سنه ۱۲۱۲ ایك هزار ود وصد و
د وازده بود که اقرار معتبرشرعی نمود عالیحضرت سلاله النجباء العظام
میرزا سعد الدین بن المرحوم میرزا صوفی بن المغفور میرزا محمد واسع
ساکن دارالسلطنه ٔ کابل برینوجه که فروخته استبه بیع بات نهات
قطعی صحیح شرعی بمسماه عزیزه بی بی بنت مرحوم زمان خان بن
مغفور حلیم خان همگی و تمامی یك د رنند حویلی حرمسرای ود یوانخانه
که مشتمل استحرمسرای بر هفت حجره وایوان و مطبخ سفلی ود ور
حجره مستراح علیا و د وکفش کن علیا ویك حجره غیرمستقف به زیران
پوشش سیم و حق و ملك خود راکه واقع است د اخل قلعه حام د ارا
لسلطنه ٔ مذکور رگذر باغ نوروزی ومحد ود است باین حد ود شرقاً
متصل استبه باغچه متروکه ٔ مرحوم میرنورالله بن مغفور میرعصمت
الله غرباً متصل استبراه عام شمالاً متصل است به باغ نواب
جنوباً متصل است براه عام بجمیع حقوق ومرافقش وبکل قلیل وکثیرا وفی روا
نیها بمبلغ هفتاد تومان تبریزی نقد که عبارت ازیك هزار وچهارصد روپیه ٔ
سفید رائج الوقتجید تمام وزن النصف به هفت صد روپیه موصوفه که
مبلغ مذکور رابایع مذکور تمام وکمال ازتسلیم مشتری مذکوره اخذ وقبض
شرعی نمود که حبه ود ینار ی ازوجه قیمت محد ود مذکور فی الصد رباقی
نماند وبایع مذکور ازدعوی کذب وعدم اخذ ثمن وبیع وفا وغبن فاحش مع
تغذیر وبیع تلمید وبیع فاسد وبیع بکره وبیع جائز شرعی و جمیع مفسدات
وتغذیرات بیع درین اقرار خود ایراد نمود وکان ذلك بمحضر من الثقات
والمسلمین عالیحضرت میرزا احمد کریم ومیرزا محمد غنی . . . . . .

میرزا جانجی میرزا حلیم جان میرزا عبدالقیوم میرزا محمد

عالم شرافت پناهان میرامان الله میرامین الله میرمحمد

سلیمان ملا محمد صدیق ملا محمد عظیم محمد ظریف

محمد امین ملا محمد رجب ملا محمد حنیف فقیرالله

حورالله احمد جان ملا برکت الله شرافت و سعادت

پناهان خواجه سیف الدین و خواجه بهاءالدین سیادت و سعادت

پناهان میرحفیظ الله میرعبادالله میراسدالله میرمحمد شاه

میرسید بخش ملا حسن

ه ه ه

د ومهرد رکنار چپ اخیرقباله باین عبارات نقش است :

شد ابوالقاسم بفضل ان خداوند قدیر

خادم دین نبی ومفتی شرع منیر

سلاله حمیت الاحمد جامم

سعدالدین شد ابن صفا نامم

۱۱۹۰

خانملا

د رعهد اعلیحضرت تیمورشاه درانـــی

ازجمله ٔ القاب و مناصب بزرگ علمی علماء شرعیه در عهد سلطنت درانی یکی منصب خان است که برای ملای بزرگ اعطاء می گردید .

خان ــ بمعنی رئیس وامیر ولقب پادشاهان بلاد این اوطان در از منه ٔ قدیم لقب خان ــ برای ملای بزرگ که مقام ریاست علماء رامیداشـــت ازجهت مراتب علمیت وشیوه ٔ عدالت بقرار فرمان دولت افغانستـــان درخوراین انتخاب دیده میشد . واین منصب عالی علمی بجاه وجـلال مادی وثروت ومکنت دنیوی ارتباط نداشت ومخصوصاً فرد شاخص وســر شناس ازگروه علماء حقانی باین امتیاز میرسیــد .

خانملا ــ خانعلماء ــ خانعلوم معنی رئیس جمعیت العلماء ورئیس شئون اسلامی راداشت . واین خطاب بزرگ درخورشان اشخاص صاحب علم عدل وفضائل وعظ وخطابت دیده میشد .

سرپرستی کتب دینیه وملاحظه ٔ تراجم و تفاسیر و توالیف کتب ورسائل و موعظات تماماً ازعهده وصلاحیت علماء دارندگان ان مناصب عالیه ٔ علمی و عدلی درمراکز بزرگ کشوراسلامی افغانی معین ومشخص می بود . و چنانکه دراین کتاب تاریخ دارالقضاء درافغانستان نام ها وعبارات مهرهریک ان برگزیدگان علم واد بعهد امپراتوری درانـــی معرفی شده اند . دارندگان این مناصب باانکه ازجهت مصارف تعلیم و تدریس طلاب و خانگاه های علمی ــ عرفانی ــ تصوفی ــ حقوق مادی نیزازقسم اراضی جایگیر واسیاب و دکان میداشتند ازتوانایی های

فد رت مند ی ما د ی بحسا ب نمی رفت ٠

خاتملا ــ خا نعلوم ــ خا نعلماء ــ اقضی القضات ــ قاضی القضات ــ نائب القضاء ــ هما ن یک وظائف مقد س و مشخص را داشتند ٠

ود رفرما نها با لقا ب رئیس العلماء ــ صد را لعلماء ــ افضل الفقهاء ــ ا زطرف د یوا ن اعلی (بزرگترین مرکزاد ا را ت د ولت) یا د میشد نــد ٠

وا ین رسوم علمی عهد د رخشا ن احمد شا هی بد وره ٴ نبوغ وقد رت علمی قضائی اد بی عهد تیمورشا هی تا ثیرکامل د ا شت وا زا ن د وره تا زما ن قد رتخاتمه ٴ د ولت د را نی سد وزائی و محمد زائی بعین هما ن رسوم عهد امپ راتوری د رانی مروج بود ٠ وتشکیلا ت جد ید علمی و قضائی جا گزین هما ن اسا س ا نقطاع ناپ ذ یرعلمی وشرعی قد یمه ٴ افغا نستــا ن است که فقط اصطلا حات و لغات جد ید عصری فرق نشا ن مید هد ود ر معا نی همه موید هما ن یک اسا س بزرگ د ینی است که صورت تا ئیــد وتد ریج تا نحمه مراحل تشکیلا ت علمی وقضائی ومراتب اعزا ز علماء اسلا مــ می افغا نی راصفحات این کتا ب د ربخش ها ی مختلف نشا ن مید هــد ونام هریک خا نملا و خا نعلماء راتصریح میدارد :

(من الله التوفیق ومنه الوصول الی التحقیــــــق)

....

وثائق د رعهد اعلیحضرت زمانشـــاه

از جمله اسناد ووثائق دارالقضای کابل یکی وثیقه صورت حالی است که (۹) نفراعضای دارالقضامهرکرده اند و نقوش مهرها وعبارات متن تشکیل وهم دقت دارالقضاراد رامور احکام شرعیه نشان میدهد وبا اندك اختصار درج میشــــود :

خادم شرع محمد رسول اللـــه — المتوکل علی اللـــه الغنی
عبده میرعنایت اللـــــه — البمد میرحاجی ۱۲۰۰

۱۲۰٤

چون زلطف رسول الله
خادم شرع مصطفی میربرکت الله

۱۲۲۰

چونکه از تاج شه زمان شد خسروی نواساس
مامور عدالت شرعیه گشت قاضی الیــاس

۱۲۰۹

شد زالطاف محمد مصطفـــی
قاضی شرع نبی سید عطا ۱۲۱۱

حمد و ثنا به سد زبان پ یرود ین سرمدم
نائب قضا خادم شرع احمـــدم ۱۲۱۲

المتوکل علی الله — قاضی شرع شریف احمد
خادم شرع نبی عزت الله ۱۲۰۰ — میرزا خواجه شد زلطف احـــد ۱۲۱۱

محمد حسین النقشبندی الزبیری

المحاطب بخان ملا — ۱۲۱۱

(ذکرحد ود همگی وتمامی د ود هنه جوی که مشهورا ند به بالا — جوی وپائین جوی که منسبه آنها چشمه سارا ست وواقع ند د رموضع یوسف بنگی وحد ود چشمه سارمذکورمحد ود است باین حد ود شرقاً و جنوباً متصل است برود بیگتوت غرباً و شمالاً متصل است بزمین متروکه ٔ محمد امین بن . . . . بجمیع حقوقها ومرافقها د رتاریخ بیست وچهارم شهرربیع الاول سنه ۱۲۱۳ یکهزار و دوصد و سیزد ه که حاضرامد به دارالقضای حضور لامع النور شرافت پناه خواجه اعظم بن خواجه محمد قاسم بن خواجه تراب وکیل ثابت الوکاله از قبل . . . . مدعی وباجوی حاضراورد . . . .

مدعی علیهم را وبانها وکالة چنین دعوی نمود که : نصفاً بدوجوی مسطورحق وملک مورثی موکلون مذکورون من مدعی است که از ایام خاقان جنت مکان احمد شاه د رید وتصرف موکلون مذکورون من مدعی بود وامسال ضمین مدعی علیهم مذکورون غصباً بغیر حق متصرف شده اند بمن تسلیم نمی نمایند میخواهم که تسلیم من نمایند . ازمدعی علیهم مذکورون جواب پرسیده شد د رجواب گفتند که هشت شبانه روزاب هرد وجوی مذکوران . . . . ازمدعی مذکوربرطبق مقال رمبینه ٔ عادله طلب نموده شده حاضراورد د و نفرشاهدان مقبول الشهاده راوانها برطبق مقال مدعی کما هو د ریعه شرعاً متفق اللفظ والمعنی ادای شهادت نمود ند ونیزازهرات

تحقیق مقدمه ٔ مذکوره حاجی الحرمین حاجی عزت الله محتسب
وسیادت ونجابت پناه میرحاجی مفتی را ازمحکمه ٔعالیه درموضع مذکور
فرستاده شد که درانجا رفته تحقیق مقدمه ٔ مذکوره را کماینبغی
نمایند انها رفته ازمردم سکان انجا تحقیقات نمودند بعدازتحقیقات
انهاحکم نموده شد . . . . این بود صورت حال که
تحریریافت) .

خان ملاقاضی حق بین است
نائب دارالقضا میرخیرالدین است
ثبت دارلقضا شد :

داردامید شفاعت محمد عسکر ۱۲۱۳

ثبت دارالقضا شد

وازاین وثیقه معلوم شد که درعهدامپراتوری زمانشاه ملا حسین
نقشبندی زبیری خانملا وسنه مقرری ان باین منصب عالیه ۱۲۱۱ هجری
قمری ونائب دارالقضا ملامیرخیرالدین و خانملا را درمهر خود قاضی حق
بین یاد کرده است .

قریه یوسف هنگی واقع سمت غرب قریه ا باغبانان است تمام وثائق شرعیه
دردارالقضای حضور ثبت میگردید تااگرروزگاری درمواردی اختلاف پدید
پدید اید به دفترثبت رجوع گردد .
این وثیقه مربوط به خاندان وکیل الدوله است .

خان ملا

درعهد امپراتوری درانی افغانستان سرکرده هیئت مدرسین علوم دینیه و متصدی دارالعلم وامیردارالقضاء بالقاب خان ملا نیز امتیاز میداشت . و اهالی ازروی نهایت حرمت بمقام علم وادب خان ملا خان یاد می کردند . واین منصب ولقب عالیه شرعیه و قضائیه در تشکیلات ادارات علمی پایتخت کابل وجود داشت و عبارات مهرهای دارندگان این مرتبه علمی که در وثائق شرعیه نقش مانده این طور بود :

خان ملا قاضی حق بین است نائب دارالقضا میرخیرالدین است

ه ه ه

(محمد حسین النقشبندی الزبیری المخاطب به خان ملا) سنه مهر ۱۲۱۱ قمری

ه ه ه

بعد از اشخاص مذکور ملا محمد سعید خان قاضی القضات کابل مقرر گردید و خان علوم و خان ملا خطاب یافت . گذرخان علوم شهر کابل که بنام گذرخان ملا خان نیز مشهور است منسوب بهمین شخص می باشد واین خان ملا در مرور سالیان اینطور سجع های مهر داشت که در وثائق مهر می نمود :

محمد سعید از فضل حق مشهور شد قاضی القضات شاه محمود شد

ه ه ه

تا شد بدین ماه رسل قاضی القضات

اجرای حکم شرع محمد سعید یافت

۱۲۵۸

٭ ٭ ٭

زکلک خامهٔ تقدیر برنگین قضا

نوشته اینکه محمد سعید هرد و سرا

۱۲۵۸

(محمد سعید ۱۲۵۸)

بعد از ملا محمد سعید خان بارکزائی مذکور ــ پسرش ملا عبد الرحمن قاضی القضات کابل مقرر گردید وخا نعلوم وخا نملا خطا ب یا فت وعبارت مهرا و اینطور بود :

ازلطف حق خان علوم دوران نائب القضاة امیرستعبد الرحمن

۱۲۶۷

شد زامرلم یزل منظور دارین و سما

عبد الرحمن قاضی القضات شرع مجتبی

۱۲۷۶

٭ ٭ ٭

ملا عبد السلام خان ــ برادر ملا عبد الرحمن خان مذکور بفرمان امیر دوست محمد خان بعوض قاضی ملا غلام محمد خان فوفلزائی ــ قاضی القضات قندهار مقرر گردید ومهرا وباین سجع اراسته شد :

یافت تا ازامرحق حکم امیرد ین نظام

قاضی القضات اند رشرع شد عبد السلام

۱۲۷۲

وطوریکه مذکورشد ملاعبدالرحمن ابن قاضی القضات محمد سعید خان منصب ـا نعلوم یافت واین عالم به لقب ((خان ملاخان)) مشهـــور بود وبالقاب :

((علامه زمان و فهامه دوران الشهیر به خان ملاخان در اسنـاد و تالیفات نوشته میشد چون ملامحمد سعیدخان (ابن ملااسمعیل خان ازقبیله خوانحه زائی طائفه بارکزائی) به منصب قاضی القضا ـت وخانعلوم وخانملا افتخار یافت این منصب ولقب به پسران او میراثماننـــــــد .

ه ه ه

ملاغلام محمدخان نوفلزائی (بانی گذر ملاغلام شهر قندهار) درعهد شجاع الملک شاه ومهردل خان بارکزائی ـ قاضی محکمه قندهار وخان علما خطاب داشـت .

فرمان اعلیحضرت زمانشـــــاه

بعنوان علماء وقضاه کابــــــل

اعلیحضرت زمانشاه غازی در سنه یکهزارو دوصدو دوازده (۱۲۱۲) هجری قمری فرمانی صادرنموده که اینک تمام متن آن در تاریخ تفصـلـاـز درانیهانستان ذریح میگـــردد :

بسم الله خیرالاسماء

الملک للــــــه

قرارداد ازالطاف خویشتن یزدان

نگین حکم جهانرا بنام شاه زمان ۱۲۰۷

(حکم همایون شد ـ انکه علماء و قضاه وسادات وغیره اهالی شهر پر
انور دارالسلطنه ٔ کابل بالطاف موفوره ٔ خسروانه سرافراز کشته
بدانند ـ عریضه ٔ که د رینولا بخصوص چگونگی احوال و اخلاص والراد
ود ولت خواهی خود ها و مشغول بودن بدعاگویی ذات اشرف وحسن
رفتار وسلوک عالیجاه رفیع جایگاه امیرالامراء العظام ـ استبوه الامراء
الفخام غلام قدیمی مقرب الخاقان جان نثارخان پیشخدمت وقللراقا
ـ سی وکرکراق باشی سرکار اشرف مختار کار فرزند اعزارشد ارجمند
والاگهر شاهزاده ٔ سلطان منصور وحاکم دارالسلطنه کابل وورد ک ول
غلجائی ود یره غازی خان ود یگرمواد که انفاذ حضور لامع النور نموده
بود ند رسید ـ مضامین ان حالی رای جهان آرا شد ـ د رهرباب
خاطرجمع بوده مشغول وسرگرم امورات خود ودعاگویی بوده باشند
تحریرفی شهرربیع الثانی ـ ۱۲۱۲)

ه ه ه

فرمان امپراتور زمانشاه درانی ـ د رعهد ریاست مستقل مطبوعات از
طرف حافظ امیرمحمدخان بموزه ٔ کابل اهداء شده وحال د ر ارشیف
ملی کابل نگاهداری میشود ٔ عبدالله جان نثارخان والی کابل بود
وانیطور سجع مهرداشت :

بود عبدالله د رعهد شه گردون سریر
جان نثار ازرتبه ٔ مختار کار رشید امیر

معات عهد اعلیحضرت زمانشاه

چونکه ازتاج شه زمان شد خسروی نواساس

مامور عدالت شرعیه گشت قاضی الیاس

ه ه ه

شد ابوالقاسم بفضل ان خداوند قدیر

مفتی شرع نبی و خادم دین منیر

ه ه ه

شد زلطف محمد رسول الله

خادم شرع مصطفی میربرکت الله
۱۲۱۰

ه ه ه

چون مفوض شد به شاه زمان شاهی از کریم

قاضی اسلام شد از صدق دل عبدالرحیم
۱۲۱۱

ه ه ه

شد زالطاف محمد مصطفی قاضی شرع نبی سیدعطا
۱۲۱۱

ه ه ه

داروغه عدالت شاه ازلطف شاه دین

برمسند شریعت غراست قمرالدین

ه ه ه

حمد وثنا بعد زبان پیرو دین سرمـــد م

نائب قضا خادم شرع احمـــد م
۱۲۱۲

ه ه ه

المتوکل علی اللـــه خادم شرع نبی عزت الله ــ ۱۲۰۰

ه ه ه

قاضی شرع شریف احمـــد میرزا خواجه زلطف احد ــ ۱۲۱۱

ه ه ه

محمد حسین النقشبندی الزبیری المخاطب بخان ملا ــ ۱۲۱۱

ه ه ه

چونکه خاک پای سلطان سرمد اســـت

داروغهٔ عدالت اسلام احمد اســـت

ه ه ه

خادم شرع شریف میر عبداللطیـــف

ه ه ه

امام و خطیب و نور عین است زاجداد سید غلام حسین است ۱۲۰۸

ه ه ه

چون نباشم از شهی دین بهره منـــد

خادم شرع غلام نقشبنـــد ــ ۱۲۱۵

ه ه ه

شده از فضل خالق عالم مفتی شرع مصطفی کاظم ــ ۱۲۱۶

ه ه ه

زالله فخداوند مجیب خادم شرع رسول الله حبیب ۱۲۱۶
دارد امید شفاعت محمد عسکر
۱۲۱۳

حمد وثنا به صد زبان پیرو دین سرمدم
نائب عالم قضا خادم شرع احمدم
۱۲۱۳

ہ ہ ہ

میرجان از فضل احد چون زد این آگاه شد
مفتی شرع شریف ابن فیض الله شد

ہ ہ ہ

درویش محمد زعنایات خدا برمسند شرع قاضی راه هدا
قاضی درویش محمد ابن قاضی فیض الله خان بتاریخ دوشنبه (۲۵)
شهرربیع الاول سنه ۱۲۱٤ هجری قمری درعهد امپراتور زمانشاه —
درانی درشهر کابل وفات یافت وتاریخ فوت او از کلمه (دریغ)
استخراج میگردد .

ہ ہ ہ

درتکالیف ره شرع نمودن تحقیق این سبق شرع با ستقلال صدیق

ہ ہ ہ

خادم پیغمبر کان نیک سیر الفقیر الحقیر سید اکبر — ۱۲۱٤

ہ ہ

المتوکل علی الله الغنی میرعبد اللطیف مفتی الحسنی
۱۲۰۹

احتساب در عهد زمانشاه

احتساب نهی کردن از چیزهائیکه در شرع ممنوع باشد وبشمار آوردن

محتسب : نهی کننده از چیزهایی که در شرع ممنوع باشد وبشمار رنده

در افغانستان در دارالقضاء محتسب عضویت میداشت ووظیفه احتساب برذمت اومی بود . احتساب عسکر را سناد افغانی یاد شده معنی اش اینکه مانند قاضی عسکر محتسب نیز مقرری بود واحتساب عسکر نامیده میشد .

از محتسبین عهد زمانشاه یکنفررا بقرار وثائق و سجع مهر او شناختم که در اینجا معرفی میکنم . ملاعزت الله نامداشت . سجع مهرا و در عهد امپراتور تیمورشاه حاوی این بیت بود :

الهی بعزت تو داری نگاه که فقیر ندارد بجزتو پناه

. . .

در عهد امپراتور زمانشاه اینطور سجع مهرداشت :

خاک پای تویا رسول الله سرمه هرد وچشم عزت الله

. . .

دره ـ بالکسرو راء مهمله مشدد ـ دوال چرمی که محتسب بدان حد زند . حد ـ بالفتح وتشدید دال ـ زدن گنهکار راتا بارد یگر گناه نکند .

دوال ـ تسمه چرم که محتسب در دست میداشته باشد در پنجاه سال قبل ازامروز ملا محجوب این وظیفه را داشت .

خانملا در کابل

در شهر قدیم کابل ـ حوالی بالاحصار ـ گذر خانملا مشهور است خان ملا در زمان قدیم از خطاب های علمای بزرگ که منصب قضا وخانعلوم ـ می داشتند ، خطاب میشد ودر کابل پایتخت دولت افغانستان عده یی از علماء شهیر افغانستان ازروی اسناد و وثائق شرعیه شناخته شده اند واین خطاب ازروی نهایت احترام بمقام علم بوده است ، واهالی وطن عزیزما ن افغانستان از زیادت احترام بلقب ((خانملا خان)) می ستودند ، خانملا در بعضی نوشته ها خان علماء نیزیاد شده اند ومقصد ازخانعلوم است ،

امپراتورزمانشاه درانی درسنه ۱۲۱۱ هجری قمری ـ ملا محمد حسین خان نواده ، مرحوم اقضی القضات ملا فیض الله خان راخانملا خطاب داد ومهرا ورا برای ثبت اسناد ووثائق شرعیه باین عبارت منقور نمود :

(محمد حسین النقشبندی الزبیری امخاطب به خانملا درمهرا وسنه ۱۲۱۱ نقش گردیده است ، ملاخیرالدین که درهمین سنه نائب دارالقضای کابل مقررشده است سجع مهرا وباین عبارت در وثائق شرعیه بملاحظه میرسد :

خان ملاقاضی حق بین است نائب دارالقضا میرخیرالدین است

سنه مهر : ۱۲۱۱

ملامحمد حسن و ملاشیرمحمد درعهد سلطنت شجاع الملک شاه خطاب خانملا وخانعلوم داشتند ملامحمد سعید خان بارکزائی درعهد دولت محمد شاه درانی خطاب خانملا وخانعلوم یافت وتاخاتمه حیاتبهاین نام شهرت)

امین قوانین اســـــلام

امپراتور زمانشاه افغان درسنه ۱۲۱۲ هجری قمری شخصی عالمی را که به‌عنوان امین قوانین اسلام برگزیده است ، متن فرمان در صفحات ۲۷۷ ـ ۲۸۰ تاریخ زمانشاهی که درسال ۱۳۳۷ شمسی بنام هدیه چهلمین سال استرداد استقلال افغانستان درمطبعه دولتی کابل بطبع رسیده است ، مندرج وحاوی این مطلب می باشد . عالم موصوف عزیزالدین نام داشته است .

" " "

قبول خط شرعـــــی

درعهد دولت امپراتوری افغانستان قاعده یی موجود بود که هرنفر کارمند ویاملازم شخصی درختم سال ازحقوق خدمت خود وقتی که کامل مستفید میشود ـ قبول خط شرعی بدهد ـ واگر بحق خود نرسیده باشد بمقامات شرعی میتواند عارض شود ـ ودراین صحیفه بطریق مثال این یک قبول خط شرعی راکه دردارالقضاء کابل در ۱۲۱۵ هجری قمری (مطابق ۱۱۷۸ شمسی) نوشته شده ونقش مهرقاضی انرا زینت داده است نقل می گیرم :

چون مفوض شد به شاه زمان شاهی از کریـــم
قاضی اسلام شد از صدق دل عبدالرحیـــم
۱۲۱۱

قبض داد قبول نمود سید میرزا کابلی برانکه – مبلغ یک تومان بـرات نقد که عبارت بیست روپیه بابت وجه مواجب سالیانه تمام که عبارت دوازده ماه بوده باشد هذه السنه پیچی ئیل سال میمون از عالیجاه رفیعجایگاه مقرب الخاقان خان صاحب علم خان وکیل الدول – له تمام وکمال الی حبه ودینار واصل وعاید بنده مقر گردید ودرم ووامی باقی درنزد عالیجاه مشارالیه نمانده . تحریر بتاریخ غره شهـر محرم الحرام سنه ۱۲۱۵) .

درگوشه کاغذ مهر (میرعمادالدین) .

توضیح : بیست روپیه همدرا نعهده قیمت یکنیم جریب زمین زراعتـی درکابل بود " " "

خانملا در هــرات

میرزا محمد رضا برنابادی نوشته است : رحمت الله خان وزیراعظم کـه مرد با فضل وکمال بود شعر خود را بواسطه خانملا که سرآمد فضلای هرات بود – بحضور اورسانیدم (۱)

اما نام خانملا وسنه ورود وزیراعظم را در هرات تصریح نکرده است .

خانملا در هرات همان ملا احمد خان قاضی القضات (خانعلوم) و شنوبیس است وزیراعظم سردار رحمت الله خان است که در سنه ۱۲۱۳

هجری قمری بفرمان امپراتور زمانشاه خطاب معتمد الدوله — وزیر اعظم — وناد ار بهادر — یافته واوپسرنواب فتح الله خان ندیم خاص ازخاندان کامران خیل درانی سدوزائی است • میرزامحمد رضا پسر میرزامحمد کاظم برناباد ی وزیرخالسه • هرات درعهد درانی است وا ز اینجا معلوم میشود که ملااحمد خان درعهد اعلیحضرت زمانشاه نهـو قاضی القضات وحا نملوم د رهرات بوده و نظربقرب و اعتبار علمی کـه داشته است شعراء هرات قصائد مدحیه واستقبالیه راتوسطاو بحضور وزیراعظم تقدیم می کردنـــــد •

---

(۱) یک مصراع ازان شعرا این است : (رضا لاتقنطوامن ارحمتالله)
این عبارت ذومغین خیلی مرغوب افتاده وقابل یادداشت اسـت•

توثیق نسب نامه از طرف دارالقضای کابل

در عهد دولت شاهنشاهی مجد دافغانستان که موسوم به سلطنت درانی افغانی است در نظر گرفته شد که نسب نامه ها و شجره های خاندان های علمی وروحانی افغانستان که ازقدیم در دست دارند در این عهد استرداد استقلال کامل باید از طرف دولت و به توسط اعضا دارالقضا غور و تائید و توثیق گردد . ازجمله آن نسب نامه ها یکی مربوط به علماء و مشائخ قوم الکوزائی بنظر نویسنده این کتاب در سال ۱۳۳۷ شمسی ازدست محمد عمر عسکرشاهی ولد محمد امین خان ولد ملاکریم خان ولد ملا شیرداد خان ساکن پایان جلگه محمد اغه لوگر در قلعه احمد زائی رسید که وطن ابائی او منازه خورد ارغنداب قندهار است . واین شجره ابا و اجداد شیخ نظر رحمته الله تعالی علیه است که در سنه ۱۲۰۷ هجری قمری به مهرهیاتی ازاعضاء دارالقضای کابل توثیق و تائید شده است.

سجع های مهرقضات دارای این عبارات است که عیناً نقل گرفته میشود :

ملک ودولت حق تیمورشاه شد نعمت الله خادم شرع رسول الله شد ۱۱۸۹

ہ ہ ہ

خان محمد ابن سید محمد عاشق ـ ۱۱۹۱

ہ ہ ہ

افوض امری الی اللــــــــــه
میر اکبر خادم شرع رسول اللــــــه

ه ه ه

خادم بندگان نیک محضـــــــــــــر
الفقیر الحقیر میر اکبــــــــــــر
۱۲۰٤

ه ه ه

شده زفضل کردگار مبهـــــــــن
مفتی شرع نبی خیرالد یـــــــــن

ه ه ه

درد وجهانم چه غم از دشمن اسعـــــت
دوست محمد زکوم با من اســــــت

ه ه ه

خادم شرع محمد رسول اللــــــــه
عبده میرعنایـــت اللـــــه ۱۲۰٤

ه ه ه

الهی بعزت تو داری نـــــــــــگاه
که فقیر ندارد بجز تو پنـــــــــاه
مفتی شرع و خادم دین منیـــــــر
شد ابوالقاسم بفضل آن خداوند قدیـــر
۱۲۰۷

ه ه ه

عبده قربان ـ ۱۲۰۷
دراغاز این شجره مهر قاضی محمدانور خوانده میشود ودوبار مهر کرده است .

*

تحریر صورت حـــال
دردارالقضای کابـــل

بتاریخ (۲٤) ربیع الاول سنه ۱۲۱۳ هجری قمری (مطابق ۱۱۹۰ ـ ۱۷۹۸ مسیحی) دردارالقضای دارالسلطنه کابل درعهد امپراتورزمانشاه افغان وثیقه ٔ شرعیه ((صورت حال)) بمهر (۹) نفرقاضی و محتسب دارالقضای کابل درخصوص چشمه سار املاك ورثه ٔ عمده الامراء عبدالله خان دیوان بیگی وکیل الدوله ابن شاه علم خان ابدالی ((ایوبزئی فوفلزئی)) نوشته شده واین وثیقه ٔ شرعیه دارامروز تشکیل دارالقضا و شخصیت های بزرگ دارالقضا راکه همدران وقت درجوار بالاحصار مرکزیت داشت نشان میدهد ودیگراین سند توضیح میدارد که هیچ یك دعوی بدون فتوی و حکم محکمه شرعیه و اصول مذهب منیف امام اعظم (ابوحنیفه ٔ کوفی رحمته الله تعالی علیه) انفاذ وانفصال نیافته واین سرزمین اسلامی و افغانی در هرعهد دولت وحکومت افغانستان مقررات شرع شریف رااحترام نموده هریك عارض رابقرار احکام شرعی بحق رسانده است .
ومتن این وثیقه رابا عبارات و سنوات مهرهای آن بحیث یکی از ـ

د رحشان ترین وثائق دوصد سال قبل مثال اورده ازنظرا ربـــاب

دقت من گذرانیـــم :

خادم شرع محمد رسول اللـــــه

عبده میرعنایت اللــــه ۱۲۰۴

المتوکل علی الله الغنــــی

العبد میرحاجـــی ۱۲۰۰

چونکه ازتاج شه زمان شد خسروی نواساس

مامورعدالت شرعیه گشت قاضی الیـــاس ۱۲۰۹

خادم مصطفی زلطف رسول الله

شد مفتی شرع میربرکت اللــــه

۱۲۰۸

فاحکم بین الناس بالحق ولاتتبع الهوی

شد زلطف محمد مصطفی :

قاضی شرع نبی سیدعطا ۱۲۱۱

المتوکل علی الله

خادم شرع نبی عزت الله ۱۲۰۰

افوض امری الی الله
قاضی شرع شریف احمد
میرزا خواجه شد زلطف احد

۱۲۱۱

حمد وثنا به صد زبان پروردین سرمدم
خادم عالم قضا نائبا شرع احمدم ۱۲۱۳

محمد حسین النقشبندی الزبیری المخاطب بخان ملاخان ۱۲۱۱

ذکر حدود همگی وتمامی دو دهنه جوی که مشهوراند ببالاجوی وپائین جوی که منبع انها چشمه ساراستو واقع اند در موضع یوسف بنگس وحد ود چشمه سار مذکور محدود است باینحدود شرقاً وجنوباً متصل است برود بیکتوت غرباً وشمالاً متصل است بزمین متروکه محمد امین بن . . . . . بجمیع حقوق ها ومرافقها در تاریخ بیست وچهارم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۱۳ یکهزار ودوصد وسیزده بود که حاضر امد بدار القضای حضور لامع النور شرافت پناه خواجه اعظم بن خواجه محمد قاسم بن خواجه تراب وکیل ثابت الوکاله ازقبل امیر خان ودین محمد خان بنان عبدالله خان ایوب زئی ومسماتین بانو بنت حسن خان وبلبل نسا بنت عبدالرحمن مدعی وبا خود حاضر اورد مضراب بن میرزائی ومحمد علی بن سایل وظفر بن اسحق مدعی علیهم را وبانها وکالته چنین دعوی نمود که نصف اب دوجوی مسطور حق وملک موروثی موکلون من مدعی است که ازایام خانان جنت

مکان احمد شاه در ید وتصرف موکلون مذکورون من مدعی بود وامسال بهمین مدعی علیهم مذکورون غصباً بغیرحق متصرف شده اند بمن ــ تسلیم نمی نمایند میخواهم که تسلیم من نمایند ــ ازمدعی علیهم مذکورون جواب پرسیده شد ــ درجواب گفتند که : هشت شبانه روز اب هرد وجوی مذکورلون حق وملك مایان است وشش و نیم شبانه روز اب مذکورد خلی نیست ازمدعی مذکور برطبق مقالش بینه عادله طلب نموده شد ــ حاضراورد دونفرشاهدان مقبول الشهاده را و انها برطبق مقال مدعی مذکورکما هوطریقه شرعاً متفق اللفظ والمعنی ادای شهادت نمودند ونیز ازبرای تحقیق مقدمه مذکوره حاجی الحرمین حاجی عزت الله محتسب وسیادت ونجابت پناه میرحاجی مفتی راازمحکمه عالیه درموضع مذکورفرستاده شد که درانجا رفته تحقیق مقدمه مذکوره را کماینبغی نمایند ــ انها رفته درانجا ازمرد ــ م سکان انجا تحقیقات نمودند ــ مردم انجا نیزموافق مدعای مدعی مذکور اجهار نمودند بعد ازتحقیقات وادای شهادت شاهدی مذ ــ کورین و تحلیف انها مذکورین وتحلیف انها حکم نموده شد به ملکیت نصف اب نهرین مذکورین ازبرای موکلون مذکورون مدعی مذکورون بود صورت حال که تحریریافت .

٥ ٥ ٥

توضیح : یوسف بنگی ــ قریه ایستبالاترازقریه باغبانان وجلگه ابی ان درساحه (٦٣) جریب زوسرچاه ان چشمه شفاء نامیده میشود ــ اراضی باغبانان و خالصه وکیل الدوله ازهمین

چشمه سار مشهور مشروب میگردد و از مسائل مادی گذشته اسناد ووثائق مربوط باین چشمه سار د رتاریخ قضا و تاریخ ادارات افغا ــ نستان د رد وقرن اخیر بسیار کمک رسانده . ود رج این وثیقه صورت حال دقت اعضاء محکمه شرعیه یعنی دارالقضای کابل راد رمسا ــ ئل حقوقی و شرعی تاآخرین حد نشان میدهــد .

دارالقضاء

درعهد محمود شاه ابن اعلیحضرت تیمورشاه درانی

در دوره سلطنت اول و ثانی ان

۱۲۱۶ - ۱۲۴۴ هـ - ق

قضات در عهد محمود شاه درانی

محمود شاه ابن اعلیحضرت تیمورشاه در سنه ۱۲۱۶ هجری قمری دفعه اول برمسند دولت افغانستان جلوس نمود و ملا محمد سعید خان ابن ملا محمد اسمعیل خان قوم خانحه زائی بارکزائی راقاضی القضات مقرر نمود و سجع مهر او باین عبارات ارسته گشت :

محمد سعید از فضل حق مشهور شد قاضی القضات شاه محمود شد

۱۲۱۸

٥ ٥ ٥

شد ز الطاف و عنایات الله نائب شرع نبی نصرالله ۱۲۱۷

چون از دوره اول سلطنت او قباله بنظر نویسنده و مؤلف این کتاب نرسیده است ، بدون استناد نمیتوان شرح داد ، وازعهد دولت ثانی او که از سنه ۱۲۲۷ هجری قمری اغاز شده است و ثائق به نظر رسیده که اینک عبارات نقوش مهرهای قضات را یکایک نقل ودرین کتاب مینمایم :

المتوکل علی الله قاضی شرع نبی میرفتح الله ـ ۱۲۲۷

٥ ٥ ٥

ز حق دارد امید فضل واحسان غلام شاه جیلان عبدالرحمان ۱۲۲۸

٥ ٥ ٥

افوض امری الی الله میرا کبر خادم شرع رسول الله

٥ ٥ ٥

شده از لطف احدی کامل خادم شرع محمد عاقل ـ ۱۲۳۱

٥ ٥ ٥

چولطف صاحب شرع رسول الله شـــد

امین محکمه سید هدایت الله شـد

۱۲۳۴

٥ ٥ ٥

ازفضل خدا محمد نبی کامل شـــد

ازخادمان ره دین محمد عاقل شـد

٥ ٥ ٥

ازعطای تویا رسول اللـــــه

مفتی دین شده حبیب الله ـ ۱۲۳۱

٥ ٥ ٥

الهی بعزت تو داری نــــــگاه

که فقیر ندارد بجز تو پنـــــاه

٥ ٥ ٥

المتوکل علی الله الغنـــی

قاضی سید احمد الحسینی ـ ۱۲۳۲

٥ ٥ ٥

نائب خان علوم قاضی شرع نبی اســت

ازکرم فضل حق حاجی محمد علی اسـت

۱۲۳۲

٥ ٥ ٥

چون فیض سرمدی زخدای کریم شـــد

قاضی شرع دین محمد نعیم شـد ـ

۱۲۳٤

خادم رسول و مفتی شرع مصطفی
شد زلطف حق میربرکت الله

٭ ٭ ٭

زفضل ایزدی من کامیابم
که اسم احمد است مفتی خطابم
۱۲۲۸

٭ ٭ ٭

فخرم چه ازین به که شدم پیرو احمد
خادم شرعم بودم خواجه محمد
۱۲۳۲

٭ ٭ ٭

مفتی دین نبی بهره مند
میرفیض الله غلام نقشبند ۱۲۳۵

٭ ٭ ٭

میرخان ازفضل احمد چون زدین اگاه شد
زان سبب مفتی شرعش میر فیض الله شد
۱۲۴۲

٭ ٭ ٭

المتوکل علی الله الغنی
محمد قریش خادم شرع نبی

٭ ٭ ٭

حادم دین حق چو بد رمنهـــر

شیخ الاسلام شرع سید زهیـــر

۱۲٤۲

• • •

ازعنایات خداوند جـــواد

مفتی شرع نهی شاه مـــراد

• • •

یافت تاازنوراحمد پرتونورجلی

شد خطابش قاضی شرع نهی یعقوبعلی

• • •

ازطفیل غوث معروف پیریـــران

نجاتم ده زاتش های نیـــران

۱۲۳۸

• • •

خادم شرع دین چوبد رمنهـــر

قاضی میراحمد ابن محمد زهیر ۱۲۳۸

• • •

وثائق دوره محمود شاه درانی

از دوره سلطنت اول محمود شاه درانی قباله در دست نداریم واما نام قاضی القضات و چند نفر قاضی ان دوره از روی سنه های مهر معلوم است ودر این کتاب در فهرست اسماء قضات اورده شده است واما از دوره سلطنت ثانی ان یك قباله در دست است که اینك نقوش مهرهای اعضاء دارالقضا ونقل قباله سراسر نقل ودرج کتاب میگردد :

چو لطف صاحب شرع شریف همراه شد امین محکمه سید هدایت الله شد ١٢٣٤

• • •

شده از فضل خالق عالم مفتی شرع مصطفی کاظم ١٢١٦

• • •

از اعطای تو یا رسول الله مفتی دین شده حبیب الله ١٢٣١

• • •

المتوکل علی الله قاضی شرع نبی میرفتح الله ١٢٢٧

• • •

در تاریخ غره شهر ذی الحجته الحرام سنه ١٢٣٤ هزار و دو صد و سی و چهار بود که اقرار معتبر شرعی نمود عالیحضرت میرزا محمد امان بن میرزا غلام نجی بن اسحق بیگ ساکن کابل برینوجه که فروخته است به بیع بات بتات قطعی به عالیجاه کبیر خان بن المرحوم امیر خان همگی

وتمامی یک قطعه زمین صالح الزراعه مشتملبر شش جریب تخمیناً حق
و ملك خود راكه واقع است د رموضع ده مبارك و محدود است باین ـ
حدود شرقاً متصل است براه عام افشار با سمت جنوبی ان غرباً پیو
ـ سته است بنرود باریمغان ـ شمالاً پیوستهاملت باباوا قنات متروکه •
مرحومی قاضی ملا فیض الله خان بدون حقابه بجمیع حقوق ومرافق ش
و توابعات و لواحقات ان وبکل قلیل و کثیرهوفیها اومنها وکل ملیا یعد
وینسب الیها وبجمیع انچه ازان دارند و شمرند و اضافه کنند ربدل
مبلغ یکصد وچهار روپیه • خام ده شاهی سفید رائجه الوقت جید تمام
وزن که نصف ان پنجاه ود وروپیه خام باشد که تمام وکمال ازتسلیم
مشتری مذکور اخذ و قبض شرعی نمود وبایع مذکوراز دعوی اقرار بکذب
و اقرار بکره وهزل و بیع فاسد و بیع جایز وتلجیه و رهن وعدم قبض
ثمن و غبن فاحش مع التعزیر و جمیع مفسدات و مبطلات و خیارات عقد
د راین اقرار خود ابرا نمود و قبول نمود • وکان ذلك بمحضر مسلمین
المسلمین •

ز وحق دارد امید فضل و احسان
غلام شاه جیلان عبدالرحمن

۱۲۲۸
سجع مهرمحمد کبیرخان مالك اراضی مذکور اینطور بود :

روشنی دیده ماه منیر پورامیراست محمد کبیر
۱۲۱۱
پدرش اینطورسجع مهرداشت :

تا گرد شی چرخ وماه منیراست محمد امیرپورامیر است

دارالقضاء

در افغانستان

درعهد سلطان شجاع الملک شاه

((در دو عصر سلطنت اول و ثانی ان))

۱۲۱۸ - ۱۲۵۸ هـ ـ ق

قضات د رعهد سلطان شجاع الملك شـــاه

شجاع الملك شاه د فعه اول د رسنه ۱۲۱۸ هجری قمری د رکابـــل برتخت سلطنت مورث جلوس نمود • ود فعه د وم د رسنه ۱۲۵۵ قمـــری د رقند ها رود رسنه ۱۲۵۶ هجری قمری د رکابل براورنگ تخت پا د شا ـ هی تکیه زد د رهرد و عهد دولتش او تشکیلات د ا رالقضا منظم و ـ بعضی ازقضات عهد د ولت براد ربزرگش زما نشاه نیزد رد وره اول پاد شاهی او برمسند قضا نشستند که ازروی سنوات مهر انچه ازوثائـــق هرد و عهد اول ود وم فرما نروایی اوبد ست امده د راین کتـــا ب د رج میگرد د :

شد زالطاف خدا وند کریـــم مفتی شرع نبی عبد الرحیم ـ ۱۲۱۸

ه ه ه

المتوکل علی الله الصمـــد خادم د ین نبی شد محمد ـ ۱۲۱۹

ه ه ه

میرخان ازفضل احمد چون زد ین اگاه شد

مفتی شرع شریف ابن فیض الله شـــد

۱۲۲۲

ه ه ه

خادم شرع نبی مصطفی میرزا خواجه شد ازفضل اله ـ ۱۲۲۲

ه ه ه

المتوکل علی الله الغنی الکبیر مفتی شرع نبی محمد بشیـــر

۱۲۱۸

شد زلطف قادر همچون وحی ذوالمنـــن
مفتی شرع شریف مصطفی سید حســن

ه ه ه

شد زلطف کردگار بیهــــــــــمن
مفتی شرع نبی خیرالله بـــــــن

ه ه ه

بفضل وعنایات دین محمـــــــد
مفتی شرع وراشـــد اسـد ۱۲۲۶

ه ه ه

راه امرحق صراط مستقیــــــــم
مفتی دین نبی عبدالکریـــــــم

ه ه ه

میرجان ازفضل احمد چون زدین آگاه شد
زان سبب مفتی شرعش میرفیض الله شد
۱۲۴۲

ه ه ه

المتوکل علی الله الغنـــــــی
محمد قریش خادم شرع نبـــــی

ه ه ه

خادم دین حق چو بد رهنمـــــــر
شیخ الاسلام شرع سید زبیـــــر
۱۲۴۲
ه ه ه

۲۳۱

ا الراعنایات خداوند جـــــــواد

مفتی شرع نبی شد شاه مـــراد

٥ ٥ ٥

زنقش روزازل برنگین قضاســـت

سیاه پوش که محمد گل ازهلری وسراست

١٢٥٧

٥ ٥ ٥

د وره تقوی بعالم جاهداســـت

قاضی اسلام عبدالواحداست ١٢٥٧

٥ ٥ ٥

الهم وفق علی سبیل المنـــان

مفتی شرع النبی الکریم رمضـــان

((مفتی رمضان پدر ملاعبدالعلی مستفی نی است)) ١٢٥٨

د رسال اخیرسلطنت شجاع الملک شاه ود وره امارات ثانی امیـــر د وست محمد خان د ردارلقضای کابل مفتی بوده است.

٥ ٥ ٥

ملاعبدالواحدازسنه ١١٨٩ هجری قمری تاسنه ١٢٢٢ هجری قمـری مدت (٣٤) سال د رکابل قاضی بوده وبا ورمیشود که پسرملاعبدالله قاضی ابن هلافتح الله قاضی کابل بوده و همچنان اکثر قضــات موصوف د رهر د وره برمسند قضاد ردارالقضای کابل و قندهار وجلال اباد سرافرازی داشته اند.

٥

چونکه الطاف شاه شجاع در جهان ارض و سماست

قاضی پیمان خان ملا ابن اغاست

نائب داروغه کابل

ه ه ه

تا شد بدین شاه رسل قاضی القضات

اجرای حکم شرع محمد سعید یافت

۱۲۵۸

ه ه ه

زکلك خامه تقدیر نگین قضا

نوشته اینکه محمد سعید هرد و سرا

۱۲۵۸

ه ه ه

راستی و عدل

شجاع الملك شاه نوشته است : از ابتدای جلوس بر اورنگ جهان بانی برمرات ضمیر مهر نظیرا نور منطبع ومنقش است که مطلوب از سلطنت و کامرانی ان است که هیچ وقت اغراض نفسانی خورك رامنظور نداشته همواره در انتظام جهان وانتظام جهانیان کوشند و پیوسته در تقدیم مراسم شبانی و لوازم پاسبانی پردازند ، زیراکه متفق علیه علماء و حکماء است که : مقصود از سلطنت پرورش رعیت ووصول رضای حضرت داورمتعال است ، نه جمع اوری مال و منال .

مراد از ریاست حراست خلق است وصول به دولت وعنایت ربانی نه تحصیل حظو ظ فانی و لذات جسمانی .

سلطنت خیمه ایست بس موزون

کش بود راستی وعدل ستون

گر نباشد ستون خیمه بجای

چون بود خیمه بی ستون برپای

یارب این خیمه سعادت مند

زین ستون تابه حشر باد بلند

((کلام شاه شجاع))

در فرمانی که بعنوان محمد اعظم خان بارکزائی نوشته اینطور تصریح کرده است:

(بندگان اقدس ما را از آغاز جلوس برا ورنگ فرمانروائی تا زمان حال همگی نیت حق اساس مصروف ان است که در حقیقت هیچ وقت اغراض نفسانی خود را منظور نداشته بلکه همواره در التیام و انتظام امور صلاح وصواب خاص وعام کوشیده وبقدر درجه ومرتبه هرکه چه از سپاه ورعیت را بعواطف خسروانی و تلطفات سلطانی سرافراز وممتاز داشته بحاله احدی از افراد بندگان وهوا خواهان نوعی عتاب وعقاب بی وجه و حساب روا نداریم).

ه ه ه

یعنی ازستون دولت وحکومت را برپایه عدل و مطابق با حکام شریعت اسلامی استوار دانسته چه اگر این ستون که راستی وعدل وانفاذ قانون شریعت اسلام است پابرجا نماند — دولت که مانند یک خیمه است بدون این ستون عدل چگونه بردوام خواهد ماند — وبدعلها

خواسته است که خیمهٔ دولت و حکومت اسلامی افغانستان را این ستون راستی وعدل تابه حشربلند وفیروزمند باشــد ·

" " "

ملاباشی خانعلــــوم

در متن قباله شرعیه مورخ شهر صفرالمظفر سنه ۱۱۶۸ هجری قمری درباره این جاه خانعلوم یاد شده واما نام بنابر شهرت آن تصریح نگشته اســـت·

در کتابی که بنام وعنوان ((نشاة القدس)) بفرموده سلطان شجاع الملک شاه توسط اخوند ملامصطفی در کابل در سنه ۱۲۲۵ هجری قمری بسال وفات جناب شیخ سعدالدین انصاری کابلی (رح) تالیف شده است· مؤلف در ضمن جریانات دربار علمی حضوراعلیحضرت احمد شاه در دران دربار الاحصار کابل نوشته است: (رئیس العلماء انیس السلطان ملاغوث خان محمد ملاباشی ملقب به خانعلوم) ·

ومقصد انکه این خطاب بهای بزرگ علمی در عهد احمد شاه فخرافغان وجود داشته است اخوند ملامصطفی هروی متوطن کابل : عالم ـ شاعر خوشنویس ـ مؤلف در سنه ۱۲۳۲ هجری قمری وفات یافته ودر مدخل گنبه شیخ انصار واقع قریه فضل اباد کابل بخاک سپرده شده است ملامحمد غوث خانعلوم ـ قاضی القضات ـ اشعارعارفانه اعلیحضرت احمد شاه در دران را شرح کرده است · اشعار وهم شرح ان بزبان پشتواست ·

---

(۱) حافظ رحمت خان بلیح در رساله · خلاصه الخواد ثات ازاعلیحضرت احمد شاه غازی در زمان عهد حیات خود با این لقب یاد کرده است ·
(عزیزالدین وکیلی پوپلزائی)

توصیف محکمهٔ شرعیهٔ کابل

اززبان یک شاعر

میرزا محمود سالک شاعر کابلی که در نزد یک بالاحصار کابل مسکن داشت در توصیف علماء قاضی القضات واعضاء دارالقضاء کابل ضمن قصیده ئی یاد کرده است که دراین صفحه ابیاتی ازان اورده میشود :

دافع ظلم وستم رافع عدل
معدن فیض وکرم کان عطا

خان وخانزادهٔ افغانیه
فی المثل رستم ثانی به وفا

جملگی شیرکش و پیل فگن
هریکی صف شکن وصف ارا

شال پشمینهٔ کشمیر بسر
دربرازجامهٔ زرتارقبا

جانب محکمه شونوروش بین
صدر کالبد رچوانجم علما

قاضی ومفتی و شیخ وخواجه
واعظ ومحتسبا مرقضا

دیدن شاعرومساحان نیز
میدهد روی ترابا حکما

چه اطبا که دران یونان است
چون افلاطون وارسطو دانا

شاعرمذکور در عهد سلطنت درانی میزیست ـ محکمه شرعیه انوقت کابل در محل مسجد حالیه ٔ حضرت صاحب موقعیت داشت وکسانی که بصفت دافع ظلم وستم ورافع عدل یاد شده اند ـ خدمتگاران و پاسداران احکام شرع شریف بوده اند .

* *

قاضی میرحسین ابن قاضی میرفتح اللـــه

عبارتی که در ختم دیوان قلمی اشعار میرهوتك خان افغان نوشته شده استند رخصوص نام دونفر قاضی ازقوم سادات چنین معلومات میدهد :

(بحمدالله تعالی عزشانه ٔ که تمام شد وصورت اختتام پذیرفت ـ تحریر کتاب دیوان افغان ازکلام بلاغت انجام جناب مرحوم مغفور میر هوتك خان درانی فوفلزائی ایوب زائی تخلص افغان که جد مادری والد ـ این هیچمدان راقم این دیوان استبقلم بنده درگاه حضرت سبحانی وراجی الی رحمت العزیز المنان میرعثمان ابن المرحوم جنت مکان قاضی میرحسین خان ابن مرحمت پنیان قاضی میرفتح الله خان قاضی بوده در بلده ٔ طیبه کابل صانه الله واهله من الجوند التطاول واحقه واهله من التزلزل والضلالت والعصیان بحرمت حضرت سید الرسالت و نبی اخرالزمان صلی الله علیه واله واصحابه وسلم ـ

بتاریخ یوم دوشنبه بیست ویکم شهرربیع الاول قمری مطابق بیست وششم برج میزان شمسی سنه ۱۳۴۳ یك هزاروسه صدوچهل وسه ازسنه قمری وسنه ۱۳۰۳ یکهزاروسه صدوسه ازسنه شمسی هجری نبوی) .

ازعبارت فوق معلوم میشود که میرمحمد عثمان مرحوم نیزازعلوم عربی بهره ٔ

وافی داشته وفرزند خانوادهٔ سادات و قضات کابل می باشد ـ سجع های مهری که ازقضات دراین کتاب مندرج می باشد ممکن عباراتش بنام دونفر قاضی موصوف دیده شود شرح حال میرهوتک خان شاعر واد یب درجلد دوم تاریخ تیمورشاه درانی طبع سال ۱۳۴۶ مطالعه شود. (وکیلی)

" " "

تحریر حاشیه برکتاب قاضی سلم

اخوند زاده ملامحمد نورفوفلزائی درقندهار برکتاب قاضی سلم حاشیه مستقلی نوشته وبطبع نرسیده است. نسخه های قلمی آن درقندهار متداول است. مولد ش قندهار ود رسنه ۱۲۹۹ هجری قمری مطابق ۱۲۶۰ هجری شمسی داعی اجل رالبیک گفته ود رمد فن عمومی قندهار مدفون است.

موصوف صاحب تصانیف و ازجمله تلامیذ اوشان یکی اخوند زاده عبدالحق الکوزائی مدرس شهرقندهار ود رتمام علوم دارای صفات عالی بوده است.

وان استاذ و تلامیذدرعلوم شرعیه خدمت کرده اند وبرعلم قضا آگاهی داشته اند. ازقاضی سلم دراین کتاب دارالقضا یاد شده است.

" " "

قاضی کابـــــل

شجاع الملك شاه در وثیقه ای وقف نامه مورخ (۲۲) شهر ربیع الاول سنه ۱۲۲۱ هجری قمری نوشته است :

((حضرت قاضی اسلام نافذ الامر والاحکام دار السلطنه کابل در حالیکه عالم بود بمحل اختلاف مجتهدین و مواضع خلاف اعنه الدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین در ضمن مرافعه شرعیه برخصم حاضرش حکم کـــرد)) .

ازاین سطر عبارت ثابت گردید که جمیع دعاوی مراکز ولایات افغانستان در دارالقضاء کابل وبه حکم اقضی القضات حل و فصل می گردیـد . وهمدرین عهد ملا محمد خان نائب القضای دارالسلطنه کابل بـود وحافظ شیرمحمد خان مختار الدوله اشرف الوزراء در وثائق مهر مـی نمـــود .

دارالقضاء وخان علماء
درعهد شجاع الملکشاه

ازسنه ۱۲۱۱ ق تا سنه ۱۲۲۰ ق ملا سید عطا خان منصب قضـا داشت وسنه مهر او گواه این حقیقت است ودرعهد شجاع الملك شاه ازوی به منصب خان علماء نام برده شده است شاه شجاع در ضمن جریانات سنه ۱۲۴۷ قمری در کابل نوشته است : (قاضی ملاحسن خان علماء که از وفور علم وادب و ظهور انواع فضل وحسب مقرب حضور وبرتبه پیشنمازی مشرف و منظور است) .

ازاین یادداشت وامثال ان عبارات معلوم میشود که مناصب

عالیه قضا همدرین عهد مانند دوره های سابق عیناً حفظ واشخاص مذکور مورد قدر و احترام بوده اند .

قاضی سید عطاء

ملا سید عطاء محمد درعهد امپراتور زمانشاه درانی در سنه ۱۲۱۱ ق در دارالقضای کابل قاضی مقرر گردید وبنام قاضی سید عطاء مشهور است ودر مهرا و این عبارت نقش بود :

شد زلطف محمد مصطفی قاضی شرع نبی سید عطا

موصوف بتاریخ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۲۱ هجری قمری وفات یافت .

ملا شیرمحمد پیشنماز وقاضی عسکر

ملا شیرمحمد خان پیشنماز حضور شجاع الملک شاه وقاضی عسکر به تاریخ بیست وهشتم شهر رجب المرجب سنه ۱۲۳۴ هجری قمری وفات یافت ودر زیارت مهتر لمک لغمان به خاک سپرده شد . مذکور پسر ملا فیض محمد قاضی بود .

قاضی محمد حسن خان علماء

شجاع الملک شاه ضمن جریانات سنه ۱۲۴۷ هجری قمری نوشته است :

(قاضی ملا محمد حسن خان علماء از وفور علم وادب و ظهور انواع فضل وحسب مقرب حضور ومرتبه پیشنمازی مشرف ومنظور است) .

ـ رضمن جریان حوادث همین سنه نوشته است :

فضیلت پناه قاضی ملا محمد حسن ـ خانعلماء ـ برسم سفارت مامورگشته بود) ۱

ازین سطور مانند نقوش مهرهای درج وثائق باید کاملاً استناد گرفت که درعهد سلاطین درانی افغانستان مراتب بزرگ علمی ـ خانعلوم ـ خانعلماء ـ درهردوره ودرهرمرکز بزرگ افغانی رواج وادامه داشت.

وقف نامه بقلم شجاع الملک شاه

شجاع الملک شاه بتاریخ غره شهرجمادی الاخرسنه ۱۲۱۹ هجری قمری فرمانی بصورت وقف نامه ووثیقه یی منحیث صدر دارالقضاء نوشته است . ودراین کتاب عبارت نقش مهروقسمتی ازمبتدای رقم اورا که دیانت پرستی وعدالت پسندی یک پادشاه افغان رانشان میدهد نقل گرفته درج میکنم :

بسم الله الرحمن رحیم

الملک لله

یا هو

سنه ۱۲۱۸

شد زعین عنایات الهی

مسلم برشجاع الملک شاهی

(نقود زواهرمحامد سیاروعقود جواهرشکر بیشمار شایسته مصرف بارگاه

وسزاوار وقف درگاه خالق ارض و سماست که بچشم ایمان واسلام
راد رزمین های دل های مومنان رویانیده و بسیط غبرا را ازبرای
تحصیل ربع دارین امید واران گسترانیده ومشعل مهر وماه را به
جهته روشنائی این عالم وقف نهی ادم گردانیده جل جلاله وعم
نواله ؛ ود رفوائد صلوه وغرورموائد تسلیمات نثارروضه ٔ صدرید رکائنات
ومفخر موجودات وواقف کنوز حقیقت وعارف رموز معرفت حضرت محمد
مصطفی صلی الله تعالی علیه صحبه وسلم باد که :

نقد اسلام راسکه ٔ نام شریفش روح است ومتعطشان زلال کمالش
به تجرع کاس کرامش محتاج وبران و اصحاب و عترت واضرا باوکه
هریک مصابیح انوار ابتداء مفاتیح ابواب اقتداء اند علی هذا الخصوص
برچهاریارکبار که هرکدام ازوزرای دولت محمدی و امنای ملت احمدی
اند . رضوان الله تعالی علیهم .

امابعد چون واهب العطایا ورازق البرایا هرگاه بنده ٔ ازخواص
عباد خود را که بعواطف لم یزلی مخصوص گرداند ابواب خزائن رحمت
خود رابرو مفتوح سازد وهرائینه اورابدولت که حرمت زوال بدامان
اجلال ان نتواند رسید وبه نعمتی که پای نقص پیرامون کمال ان نه
تواندگشت درمیان سائرعباد خود امتیازبخشد وتمامی همت اورا
مفتح ابواب خیرواحسان ومرشح اسباب بروااحسان سازد .
وحسن صورت این معنی درمرات هدایت سمات الراجی الی رحمت
الله تعالی بندگان شجاع الملک شاه . . . .

" " "

وثایق عهد سلطنت اول شجاع الملک شاه

درسنه ۱۲۲۰ هجری قمری (مطابق ۱۱۸۳ شمسی ـ ۱۸۰۵ میلادی) در دارالقضای کابل پایتخت افغانستان ازجمله قباله هایی که نوشته شده یکی در دست استفاده ٔ نویسنده ومؤلف کتا بتاریخ قضاقرار دارد که ازلحاظ معرفی نام های قضات وسائر شخصیت های علمی ـ ادبی ـ اداری و عسکری انوقت خیلی ها با ارزش است واینک درین صحیفه ٔ کتاب عیناً نقل می گیرم :

دارد امید شفاعت محمد صالح

۱۲۰۱

همچو والد گرشرف خواهی دیانت پیشه کن
قاضی عبدالواحد ا روزجزا اندیشه کن

۱۱۸۹

درتاریخ هشتم شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۲۰ یکهزار و دوصد و بیست بود که اقرار معتبر شرعی نمود ملا زیرا بن کلا نتر خدایداد ابن عبدالرحمن ساکن دارالسلطنه کابل وکالة ازقبیل مسماه بخشنده بنت محمد عاشور بن عبدالشکور خوش دامن خود برینوجه که فروخته است به بیع بات بتات قطعی صحیح شرعی به عالیجاه رفیع جایگاه مقرب الخاقان محمد اعظم خان بن اسلام خان مرحوم همگی و تمامی یک ردکان چوپ پوش تخته بندی حق وملک موکله ٔ مذکوره ٔ خود راکه واقع است داخل قلعه ٔ حلام دارالسلطنه ٔ کابل درجهته بازارکهنه دررسته ٔ حمام خرابه ٔ شاهی ومحدود است باینحدود شرقاً متصل

است بد یگرد کان موکله ٔ بایع مذکور غرباً متصل است بد وکان قربسان
ابن کاشو وبد وکان اللهٔ داد ابن عبد الستار شمالاً متصل است برسته ٔ
بازار جنوباً متصل است بخانه ٔ موکله ٔ بایع مذکور بجمیع حقوق ومرافقش
به مبلغ دوصد وپنجاه عدد روپیه ٔ سفید رائجه الوقت تمام وزن نصف
النصف منه یکصد وبیست وپنج روپیه ٔ موصوفه که بایع مذکوررا وکالتاً
تمام وکمال ازتسلیم مشتری مذکور اخذ و قبض شرعی نمود وبایع مذکور
ازدعوی کذبوبیع تلجیه وبیع وفا و غبن فاحش مع التغریر وبیع بکره واز
دعوای عدم اخذ ثمن وفساد دربیع وازدعوای جمیع . . . . است
ومبطلات ومفسدات و مفسخات بیع ولزدعوای اقرار هزل دراین اقرار
خود . . . . وکان ذلک من المسلمین).

• • •

درقباله ٔ مذکور مهرقاضی صالح ومهرقاضی عبدالواحد نقش است
وچند نفر علماء کابل بنامهای :
حافظ غلام محمد ، سیادت پناه میرعباد الله ، ملامحمد نشان
ملاحاجی خان ، ملافاضل ، ملاخانجی ، حاجی محمد ، فتح
محمد ، حاجی خان ، شیرخان ، ملامحمد یار ، ملاعباس ،
عمرخان ، ملاعباد الله ، بحیث شهود یاد شده اند .
اعظم خان نسقیچی باشی (بانی گذر اعظم خان شهر کابل) درسنه
۱۲۲٤ هجری قمری درغزنی کشته شد ودرجوار زیارت رضی الدین علی
لالا مدفون گردید وبپاس خدماتش شجاع الملک شاه مبلغ چهارهزار
روپیه مصارف نذورات و صدقات مرده داری اورا منظور وبلازمه

با بازماندگانش اعطاء فرمبـــود .

* * *

وقف نامـــــــه

بتاریخ (۲۲) شهر ربیع الاول سنه ۱۲۲۱ هجری قمری در شهر قندهار وقف نامه نوشته شده وانچه در تاریخ قضاارتباط دارد اختصاراً درج میشـــود :

(درین ولا جناب افتاب عالمتاب صحیفه ٔ سلطنت وکامگاری . . .
. . . . مروج قواعد شریعت غرا . . . . حامی کافه ٔ اسلام . .
. . . خلافت دستگاه شجاع الملك شاه دردران . . . . .

وقف کرد وتصدیق نمود خالصا لله تعالی ار ای حاجی الحرمین الشریفین حاجی حفیظالله بن حاجی عبدالحق در ی الکوزائی واخرللعا — لمین الفقراء تمامی یك زوج اراضی متعلقه ٔ معیره ٔ ان که واقع است دراشرف البلاد احمد شاهی مشهور به نهرروضه باغ ومحدود است باین حدود . . . .

حافظ شیرمحمـــد   المتوکل علی الله الصمـــد
خادم دین نبی شد محمـــد
۱۲۱۹

درقسمت بالای وقف نامه تسمیه ٔ مبارکه وایات قران کریم تحریر ومهر شجاع الملك شاه نقش میباشـــد .

نقل قباله ٔ شرعیه که درعصر سلطنت اول شجاع الملکشاه درانوقت در دارالقضای کابل باسم ورثه ٔ بهادرخان اندری (بانی قلعه ٔ بهادر خان چهاردهی نوشته شده اســـت .

ه ه ه

ذکرحدود همگی ر ک قطعه زمین صالح الزراعت مشتملبرچهـــار جریب واقع است در موضع .... ومحدود است بدین حدود شرقاً متصل است بجوی عام غرباً متصل است براه عام شمالاً متصل است بزمین های متروکه شاه ولیخان وزیرپوده مرحوم مغفـــور جنوباً متصل است بزمین متروکه ملا مصلی وبعضی بزمین متروکه غیرت مشرح به جمیع حقوق ومرافقش ـ دعوی میکنم من مدعی ملا محمد عثمان که وکیل صحیح شرعی ازغیر مقران ازقبیل بلوچا رخالن وحیات خان وشمشیر خان والله یارخان وحسین خان وشیرزاد خان وادم خان برینمحضرون هولاء قاسم ورحیم وامرالله وامین وفتح الله بنون امیرخان وعبدالصمد وحبیب الله بنان ابراهیم ـ واسلم واکرم بنان جمیل ـ وعبدالرحیم بن ملا غازی ـ وملا اکرم بن ملا مصلی برینوجه که محدود مذکورفی الصدر حق وملك بهادرخان بن .... بود تازمان فوتش چـــون اوفوت شده برای ورثه اش ترکه فارغه گذاشته وارث ازوی هشت پســـر موکلون مذکورون من مدعی مانده اند لاغیرشرفاء درین صورت ترکه مذکوران قسمت می یابد ازهشت سهم چنانچه هرواحد ازموکلون مذکوران من مدعی رایك سهم میرسد واین محضر ولاهوء تمام محدود مذکـــور غصباً بغیرحق متصرف شده اند واجب است برین محضرون هولاء کـــه دست تصرف وتملك خود ها را ازتمام محدود مذکوران نموده تسلیم مـــن مدعی نمایند تامن مدعی ازبرای موکلون مذکورون خود وکالة اخذ وقبض شرعی نمایم می طلبم ازین محضرون هولاء این راوازحضرت شما که قاضی اسلامیه مدظلکم الله تعالی حکم رابروفق مطالبه خودم تامرکوش قرار گیـــــرد .

ماقول ایمه الدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین در انچه بحسب شریعت مطهره ٔ مصطفویه علی صاحبها افضل الصلواة الملک التحیه این محضر صحیح مستحق جواب هست بشرائط ما لی بینوا .

. . .

عبارات مهرها وسنوات مهرهای اعضای دار القضای کابل که در ختم وثیقه ٔ شرعیه ٔ مذکور مهر کرده اند ازاینقرار انـــد :

از لطف عنایات خداوند رب العالمیـــن

امین الله است خادم شرع مبیـــن

۱۲۲۳

. . .

خاتم الانبیا رسول اللـــه

مفتی شرع برکت اللـــه ــ ۱۲۲۵

. . .

ز الطاف خداوند مجیـــب

خادم شرع رسول الله حبیـــب

۱۲۱۶

. . .

در تکالیف ره شرع نمودن تحقیـــق

این سهق شریف لیت غلام صدیـــق

.

خادم شرع نبی مصطفـــی

میرزا خواجه شد ازفضل خدا ۱۲۲۲

خادم بندگان نیک سیر

الفقیر الحقیر سید اکبر ــ ۱۲۱۴

٭ ٭ ٭

بفضل و عنایات دین محمد

مفتی شرع و راشد اسد ــ ۱۲۲۵

٭ ٭ ٭

علماء مذکور بفرمان زمانشاه وشجاع الملک شاه بقضا وافتای دارالقضای کابل مقرر شده اند.

" " "

تکمیل الایمان وتقویت الایقان

نام رساله ایست که در عهد سلطان شجاع الملک شاه درد رانمولوی عبدالحق ابن سیف الدین الترک هلوی البخاری تألیف نموده است وبفرمایش ملا فیض الله در سنه ۱۲۲۵ هجری قمری در کشمیر توسط شیخ محمد منور نویسنده وخوشنویس از تحریر فراغت یافته ودر صفحهٔ اخیر اینطور نوشته است:

(شیخ محمد ساکن خطه کشمیر جنت نظیر بحسب فرمایش عالیجاه ملا فیض الله خان ادام الله اقباله سنه ۱۲۲۵ تمام شد).

در ختم رساله ((تکمیل الایمان)) دو مهر موجود است.

اول مهر بیضوی شکل متوسط دارای این عبارت: امیدوار فضل اله فیض الله ۱۲۲۵).

دوم: مهر کلکی کوچک مربع مستطیل شکل باین عبارت (سلیمان ۱۲۱۶ واین یادداشت ها بتوجهات مزید علمی اندوره دلالت مینماید

ه اعضاء دارالقضاء رايام ساليان عهد امپراتوری درانی وظائف علمی حسب توان ود رهرولایت ازولایات ممالک محروسهٔ افغانیه انجام میدادند .

" " "

کشته شدن قاضی کابل

درکان نمک

شجاع الملک شاه ضمن لشکرکشی سنه ۱۲۲۰ هجری قمری نوشته است : (حین ورود به کرک و دلاچی ـ سیادت پناه فضیلت دستگاه سید عطا قاضی دارالسلطنه کابل که برکاب نصرت ما باشرف حاضر بود برای سیروتماشای کان نمک ازحضورانور رخصت خواسته دستوری یافت اتفاقاً درانجادسته قطاع الطریقان ملاقی شده آن نیک بخت رابه شهادت رسانیدند .

بندگان اشرف بعد نمازظهر به دیوان خانه مبارکه تشریف فرماشدند واقعه شهادت قاضی موصوف رابسمع اشرف رسانیدند ، درهمان وقت به عالیجاه محمد شریف خان ضبط بیگی امر شد که یکهزار سوار همراه برده اطراف وجوانب دزدان رااحاطه نماید . مذکور اکثرقطاع الطریقان رابقتل رسانید وبعضی رااسیرودستگیرکرده به حضور حاضرآورد .

کوکبه دولت واقبال منزل به منزل کوچ نموده رونق افزای پشاورشد یم

قاضی سید عطا همان عالم است که درسنه ۱۲۱۱ هجری به عهدامپراتورزمانشاه قاضی دارالسلطنه کابل مقررشده ودراین

دورهٔ سلطنت برادر سکهٔ زمانشاه نیز بقضای دارالسلطنهٔ کابل مقرر ودر سنه ۱۲۲۰ قمری به شهادت رسید .

" " "

ملاعبدالواحد قاضی قندهار

سلطان شجاع الملکشاه درانی در سنه ۱۲۵۷ هجری قمری ملاعبد الواحد را قاضی قندهار نمود ودر مهرا واین عبارت نقش گردید :

در ره تقوی بعالم جاهد است
قاضی اسلام عبدالواحد است
۱۲۵۷

مهرمذکور ربالای یک قباله که دارای این عبارت می باشد دیده شده است :

((درین وقت بتاریخ شانزدهم شهرجمادی الثانی سنه ۱۲۵۷ ـ هجری بود که اقرارو اعتراف معتبرشرعی نمود . . . . رفعت پناه استاد ولی محمد معمار باشی ولد مرحوم اقاحسین بن استاد جعفر بر اینکه بفروختم . . . درشان سیادت پناه سید عاشق علی ولد مرحوم سید اسد علی حسینی . . . . همگی وتمامی موازی یک درب حویلی . . . . . که واقع است در اشرف البلاد احمد شاهی .

" " "

خان علماء قاضی القضات

مولوی محمد حسن ابن قاضی محمد اکبر ابن مولوی محمد غوث خان ابن اخوند ترکمان بفرمان شجاع الملک شاه منصب خانعلوم یافت وبنام قاضی محمد حسن خانعلماء مشهور است . قاضی عبدالقادر بن مولوی فضل قادر بن قاضی محمد حسن خانعلماء است راین خاندان درعهد دولت امپراتوری افغانستان منصب قاضی وخطاب خانعلوم وخانعلماء یافته اند . واین سجع مهر ازوثائق شرعیه آنعهده بملاحظه رسیده است :

تا شعاع دین احمد درد وعالم ظاهراست

قاضی سلطان شجاع الملک فضل قادر است ١٢٥٦

٥

دارالقضای قندهار
درعهد شجاع الملک شاه
سلطنت ثانی

در دوران سلطان شجاع الملک شاه در سنه ۱۲۱۸ هجری قمری مطابق سال ۱۱۸۱ هجری شمسی ملاغلام محمد خان درانی فوفلزا ـ ئی راقاضی القضات وخانعلوم قندهار قندهار مقرر نمود وعالم موصوف بهمین اعتبار رقم پادشاه مذکور تا سنه ۱۲۷۲ هجری قمری برمسند قضای کل قندهار وصفت خانعلماء (رئیس جمعیت العلماء) برقرار بود . ودر افواه عام قاضی ملاغلام مشهور وگذر قاضی ملاغلام در شهر قندهار مسمی باسم همین شخص میباشد .

ودراینجا فراموش نشود که جلوس شجاع الملک شاه برسریر سلطنت افغانستان دفعه اول شهر ربیع الاخر سنه ۱۲۱۸ هجری قمری وجلوس ثانی او در قندهار دوشنبه (۲۳) شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۵۵ هجری قمری است .

امیردوست محمد خان در سنه ۱۲۷۲ هجری قمری در این سالی که قندهار را تصرف نمود ملاعبدالسلام خان (دومین پسر ملامحمد ـ سعید خان قاضی القضات) راقاضی کل قندهار مقرر نمود واین است عبارت نقش مهر او :

خاک پای توبارسول انام سرمه ٔ هردوچشم عبدالسلام ۱۲۷۲ جلوس اول امیردوست محمد خان درکابل دفعه ٔ اول سنه ۱۲۵۴ قمری وخلع او ازامارت سنه ۱۲۵۵ قمری وجلوس ثانی او درکابل محرم

الحرام سنه ۱۲۵۹ قمری ورواج یافتن سکه اود رقند ها ر سنه ۱۲۷۲ هجری قمری است . ود رهمین سنوات د رقند ها ر د ونفرعالم موصوف مر تبه قضا ومقام خان علماء د را ن مرکز بزرگ د اشتند .

* * *

محکمه شرعیه لوگر

ازمحکمه شرعیه ولایت لوگر یک قباله که د رعهد سلطنت اول سلطان شجاع الملك شاه بد ست امده است . مهرقاضی وعبارت متن انرا د ر این کتاب نقل ود رج مینمایم :

امام وخطیب ونورعین است

زاجداد سید غلام حسین است

۱۲۰۸

بتاریخ (٦) ماه شعبان سنه ۱۲۲۰ بود که اقرار صحیح وشرعی نمود هریك حکیم وعلیم ولدان سدت ولد عمران قوم سلام خیل احمد زائی برایتکه فروختم موازی یك قطعه زمین شرقاً براه ده نو غرباً به مسجد سلام خیل شمالاً جوی شاهی ـ جنوباً به قبرستانهای قلعه مذکور بدین ذکرمحدود شده خود را ببیع بلی قطعی فروختم بالای ملامیاداد وکریم داد وگل داد وولدان شیرداد ـ ملا رحیم ولد ملا رسول ولد شمشیر قوم الکوزائی د ربدل مبلغ (٢٤) روپیه سفید کابلی که مناصفه ان (۱۲) روپیه میشود وهمین مبلغ مذکوررا از ید مشتریان مذکور قبض نمودم ـ وحبه ود ینار نزد مشتریان مذکور

نماند. هذا قباله شرعی برای مذکوران داده شد ــ

امضاء ــ سید غلام قاضی وخطیب. شاهد: عباس خان حسین علی ــ محمد خان ــ حفیظ الله خان ولد شیرگل ساکن محمدافه.

اقرارنامه شرعی

پسران مرحوم سردار شاه ولی خان اعتماد الدوله اشرف الوزراء در سنه ۱۲۱۷ هجری قمری (۱۸۰۲ م) وثیقه شرعی نوشتند. پسران ونوادگان وزیر در حاشیه مهر کرده اند. وچون در تاریخ قضاء دارافغانستان ارتباط دارد تمام عبارات اقرار خط شرعی را با عبارات نقوش مهرها نقل می گیریم وازاینقرار است:

(در تاریخ هفدهم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۱۷ یکهزار دوصد و هفده بود که اقرار شرعی نمود عالیجاه رفیع جایگاه نخبه الخوانین الکرام امیر احمد خان درانی بامیزائی خلف مرحمت و غفران پناه شاه ولی خان وزیر مرحوم بر اینکه:

چون . . . . ومیانجوی وغیره واقعه تعلقه کهدامن دار السلطنه کابل مابین عالیجاه مقر وعالیجاه رفیع جایگاه مشار الیه مشترک بود در ینولا از روی راستی ورضاء الطرفین هریك رسد خود ها را علیحده نموده قابض و متصرف شده اند وهمین مرقوم فی الصدر رسد عالیجاه ولی نعمتخان رسیده . . . . . .

زمین ابابی که تعلق بالاراضی زمین میانجوی دوفصله که قطعاء املاك

دامنه • قلعه • احمد خان قریه مزبوره یک قلعه ـ یکنیم قلبه شمالی
وجنوبی ده مذکور موازی ده قلبه عبارت ازپانزده خروارگندم بذر
می گنجد مقرراتکه اراضی مذکور ازقرار مرقوم فی الصدر که تقسیم
ورثه عالیجاه ولی نعمت خان مشارالیه رسیده حق وملک عالیجاه ولی
نعمت خان است که عالیجاه مقرمشارالیه رادران هیچ دخل و تعلق
نمانده واراضی مذکور بین انها معلوم ومحدود استکه اکنون هیچ
کسی ملک مذکور فی الصدر راازید وتصرف عالیجاه رفیع جایگاه اوزبور
احمد خان مشارالیه درج گشته وداخل املاک عالیجاه ولی نعمت
خان گردیده وعلیحده بموجب تصمیم محدود یکدیگرگردیده که هما
قبض واقابض و تسلیم وتسلم و تملیک و تملک واقع شده که دراراضی
مذکورانچه نخواهد عالیجاه ولی نعمت خان دخل وعهد نماید نیز
ازملک غیروحق وملک عالیجاه ولی نعمت خان است این چند کلمه به
عنوان حجت تقسیم نام • • • • • گردید که درثانی سند مظهر
باشد وکان ذلک بمحضر المسلمین)

امیرامیران میراحمد است ۱۲۱۱ حافظ شیرمحمد ۱۲۰۷

بها رصحت جاوید ازرواج زمان
شگفته یافت زگلزار فیض • • • •
۱۲۰۸ • • • • • • • خادم شاولی

احقرالعباد گل محمد

عبده جان محمد

• عبده احمد ۱۲۱۱

عبدالعزیـــز ۱۲۱۱

الهی بعزت تو داری نگاه
که عیسی ندارد بجز تو پناه

محمد رهنمای عبدالرحمـــن
۱۲۰۷

عبدالحمید ـ ۱۲۰۴

حافظ عطامحمد

در پشت ورق اقرار نامه مهر نواب عطا محمد خان ابن حافـــظ
شیرمحمد خان مختارالدوله (اشرف الوزرا [illegible])
شاه ولی خان نقشوه دارای این عبارت است :

صلوا علی محمد ـ حافظ عطامحمد ۱۲۲۲

" " " " " " " " " " " " " " " " " " " "

مفتـــــــــی

مفتی ـ کلمهٔ عربی وبمعنی فتوادهنده • حکم شرع •

درکشوراسلامی افغانستان ـ اززمان ایجاد منصب قاضی ـ منصب مفتی درتمام محاکم شرعیه این سرزمین اسلامی افغانی برقرار بوده وتاامروز ادامه دارد • وبرای سوابق این منصب علمی قضائی باید نوشـــت کـــــــه :

(اولین مفتیان تشریع ازجمله • صحابه •کرام درمصرعبدالله بن عمر و العاص می باشد که یزید بن حبیب مفتی ازشاگردان اوست ولیث بـــن سعد واقران اوداز بنی الحکم) ازشاگردان یزید بن حبیب بود •کــــه امام شافعی درا واخرزندگانی خود سمت شاگردی لیث بن سعد را داشته اســــــت •

این گروه نظریه عدالت ـ ضبط ـ تقوی ودانش که میان مردم داشته اند همیشه بحیث مرجع قضا وافتا بوده • ومسئوولین امورد ولـــت هاچون قضات وولات به حیث مرجع قانونی زیلا منازع خود شمرده • واز اوامرقانونی شان اطاعت نموده • مورد استفاده • قرار میدادند •

دراین درس ازرجال تشریع به تدوین علوم اسلامی وروایـــت حدیث اشتغال ورزیده • وبرخی هم چون قاضی شریح وشعبی وامـــام ابویوسف به منصب قضا نیزگماشته شدنـــد) (۱)

---

(۱) عبارات بین قوسین نقل ازصفحه • (۱۲) شماره (۱۲) سال ٦٤ پیام حق ارگان نشراتی وزارت شئون اسلامی واوقاف جمهوری افغانستــــــان •

مناصب قاضی ومفتی طوریکه تاریخ اسلام ثابت میکند درهریک کشور اسلامی ازهمان قرن اول ودوم اغازشده ودرافغانستان چون وثاشق ازدوره های قدیم موجود نمانده واگرهست فی الحال دردسترس ما نیست لهذا بطورمشرح ومسجع نمیتوان حرف زد . وانچه ازمروروصد سال اخیر یعنی ازاین عهد دولت جدید ومستقل موجود مانده بها انکه دردیگرصفحات این کتاب متدرجاً بحث شده است درایسن صحیفه مخصوصاً ومکرراً برای اثبات منصب مفتی سجع های مهرها رابه طورمثال بطریق اسناد ثقه ازنظرمیگذرانیم :

چون مقررشدعنایات خداونـــد کریـم

مفتی شرع رسول الله شدعبدالرحیم

ه ه ه

مفتی شرع شریف محمـــــــد

میرصالح شده ازلطف احـــد ۱۲۲۰

ه ه ه

شدابوقاسم بفضل ان خداوندقدیــــر

مفتی شرع نهی وخادم دین منیر ۱۲۰۸

میرصالح مفتی دین است ازفضل کـــریم

نائب ان میرزاخواجه ازقلب صمیـــم

۱۲۰۲

ه ه ه

شده ازفضل خالق عالـــم

مفتی شرع مصطفی کاظم ۱۲۱۶

شد زالطاف خداوند کریم

مفتی شرع نبی عبدالرحیم

۱۲۱۸

ه ه ه

میرخلق ازفضل احمد چون زدین آگاه شد

مفتی شرع شریف ابن فیض الله شد

۱۲۲۲

ه ه ه

ازعطای توبیا رسول الله

مفتی دین شد حبیب الله

۱۲۳۱

ه ه ه

خادم رسول ومفتی شرع مصطفی

شد زلطف حق میربرکت الله

ه ه ه

شد زلطف کردگار مبین

مفتی شرع نبی خیرالدین

ه ه ه

بفضل وعنایات دین محمد

مفتی شرع وراشد اسد ـ ۱۲۲۵

ه ه ه

المتوکل علی الله الغنی

میرعبداللطیف مفتی الحسینی

۱۲۰۹

ه ه

الله الغنی الکبیــــر

مفتی شرع نبی محمد بشیـــر ۱۲۱۸

٥ ٥ ٥

راه امرحق صراط مستقیـــــــم

مفتی دین نبی عبدالکریـــــــم

٥ ٥ ٥

مفتی دین نبی بهره منــــــد

میرفیض الله غلام نقشبنـــد ۱۲۳۵

٥ ٥ ٥

میرخان ازفضل احمد چون زدین آگاه شد

زان سبب مفتی شرعش میرفیض الله شد
۱۲٤۲

٥ ٥ ٥

ازعنایات خداوند جـــــــواد

مفتی شرع نبی شاه مـــراد

د ٥ ٥

سد زالطاف حضرت سبحـــــان

مفتی شرع دین میر عثمـــــان

٥ ٥ ٥

د زلطف قادر بیچون وحی ذوالمنـــن

مفتی شرع شریف مصطفی سید حســـن

٥ ٥ ٥

زز فضل ایزدی من کامیابم
که اسمم احمد است مفتی خطابم
۱۲۲۸

ه ه ه

چون مقرر شد زعنایات رب العالمین
مفتی شرع رسول الله شد ابوبکر معین

ه ه ه

همین تاج برسر زالله شد
بشرع نبی مفتی نعمت الله شد

ه ه ه

بعنایات حکم ازل ازلطف وکرم
مفتی شرع نبی گشت محمد اکرم
۱۲۷۲

ه ه ه

اللهم وفق علی سبیل المنان
مفتی شرع النبی الکریم رمضان
۱۲۸۵

ه ه ه

نائب

نائب و نیابت ـ بجای کسی استادن .

در محاکم شرعیه افغانستان عده یی ازعلماء وقضات را باستناد عبا ـ را ت مهرهای شان در رجبهات وثائق دارالقضای قندهار وکابل شناختیم ـ که بصفت نائب عهده ومنصب خدمت علمی و قضائی داشته وباین صراحت مهرکرده اند که در این صحیفه چند مثال اورده میشود :

حمد وثنا بصد زبان من سرمدم

نائب قضا خادم شرع احمدم ۱۲۱۲

• • •

شد زالطاف وعنایات اله

نائب شرع نبی نصرالله

• • •

نائب خانعلوم قاضی شرع نبی است

ازکرم فضل حق حاجی محمدعلی است

۱۲۳۲

• • •

ازلطف حق خانعلوم دوران

نائب قضا امیراست عبدالرحمن ۱۲۷۶

• • •

قاضی خانه

قاضی خانه – این نام وعنوان و اصطلاح طبقات مختلف اهالی ملیت های افغانستان است که دارالقضا ومرکزبزرگ محاکم شرعیه را یاد می کنند .

وتفصیل ازاینقرار است که ادارات حکومت رابزبان پشتو ودری تخلیص کرده نامی می گذاشتند واین امثال راتبانیوبتلفظ کردند ربا عبادت خانه – دیوان خانه – مریض خانه – کتابخانه – صندوق خانه – شرابخانه – دولت خانه – جباخانه – قورخانه – سلاح خانه – اعطارخانه – تحویل خانه – دفترخانه – دواخانه – شفاخانه – مهمانخانه – سلامخانه – بندیخانه – طباخ خانه – شربتخانه

عجائب خانه ــ توپ خانه ــ شهنشک خانه ــ چاپ خانه ــ ماشین خانه ــ موترخانه ــ تجارت خانه ــ باورچی خانه ــ سفرا خانه ــ میره دارخانه ــ باروت خانه .

واین قسم نامها چون در ادارات رسمی و مکالمات عمومی جاری بود محکمه شرعیه ودارالقضا را (قاضی خانه) یاد می کردند . در هر جاکه کلمه ویاجمله قاضی خانه بنظر برسد مقصد همان مقام بزرگ دارالقضا است که قاضی القضات وخانعلوم در راس آن قرار میداشت بدان مناسب توضیح این همه عنوان های فوق در این کتاب لازم شد .

" " " " " " " " " " " " " " " " "

ورود قاضی القضات ـ خان علوم

بحضور شجاع الملک شاه درانی

شجاع الملک شاه درفرمان مورخ جمادی الثانی هجری سنه ۱۲۵۶ هجری قمری که ازبالاحصار کابل به تاشقرغان ارسال فرموده نوشته است :

(معلوم عالیجاه رفیع جایگاه امارت وایالت انتباه میرمحمد امین بیگ والی بوده باشد ـ عرائض مشعر برخصوصیت وخدمتگاری خود اولا" درخصوص کوایف روانه شدن ولد خود بقصد جبهه سایی عتبه علیه وحالات وقوعه" واوثانیا" حقایقات رسیدن محمد افضل بارکزائی وغیره درتاشقرغان وفرارسیدن دوست محمد خان معه" ولد شرا زبحا را به شهرسبزوغیره مواد ارسال حضورساطع النور بندگان اشرف اقدس نموده بودید ازنظرفیض اثرهمایون گذشته مضامین ان حالی رای انور گردیده به بندگان همایون ما روشن استکه آن عالیجاه درخدمتگذا ـ ری روش ورفتار ابا واجداد خورا ازدست نداده اند.

فضیلت پناه ملامحمد سعید خان بارکزائی که شرف اندوزحضور خاقان شد حقیقت خدمتگاری ان عالیجاه رامشروحا" بشرف عرض همایون رسانید ـ درخدمتگاری واخلاص کیشی ان عالیجاه که بهرطریق ناصیه سای عتبه علیه گردید نظربه خدمتگاری ان عالیجاه شمول عنایات خاقانی است.

بهمه وجه مطمئن خاطرباشید که بند وبست همه امور بخوب وجه خواهد شد . ان عالیجاه الطاف واشفاق همایون راشامل حال دانسته به

توضیح : شجاع الملك شاه در عهد سلطنت ثانی خود شاهـزاده فتح جنگ پسر خود را نائب الحکومه قندهار مقرر نمود . وعمال احمد شاهی مقصد از کارمندان دارالحکومت قندهار است بدین لحاظ که شهر جدید قندهار در سنه ۱۱۶۹ هجری قمری ((اشرف البلاد احمد شاهی)) نام گذاشته شده است .

ملادین محمد متصدی مدرسه علوم دینیه در قندهار غالب گمان میرود که پسر ملا پیر محمد عالم وشاعر باشد . واین متن فرمان از منشات میرزا ابراهیم خان منشی باشی ولد میرزا نور محمد نقل برداشته شد .

""""""""""""""""""""""

خواهش شجاع الملك شاه

از علماء وقضات ولایت لغمان

شجاع الملك شاه از بالاحصار کابل فرمانی باین عبارت صادر فرموده که اینك عیناً درج تاریخ می گردد :

(معلوم فضیلت پناهان ملا یونس و ملا دوست محمد وملا بهلول لغمانی وملا امیر وصاحبزاده ها ومفتی وقاضی پشاوری وغیره ملایان الکاء لغمان از تاجکیه وافغانیه بوده باشند . درین وقت بمسامع جلال خاقانی رسیده که شما در هر مقدمه وامور جمعیت ولشکرکشی وبوره بندی می نمائید . که عاملان وخدمتگاران سرکار اشرف که مقرر به تاجکیه وافغانیه میباشد از دست شما متاذی ونالانند این افعال شما از طریقه خرد دوراست هرگاه بعد ازاین مرتکب این افعال ناشایسته شدید ویا گذاشتید کملایان رسمی درین فصل مبادرت نمودند مورد بازخواست

خواهید شد ــ تحریرفی (۲۵) شهرربیع الثانی سنه ۱۲۵٦)

ه ه ه

مقصد ازصدور این فرمان حفظ امنیت وهم اتحاد واتفاق اهالی است که باید به پیشروی ورهبری علماء دینیه انتظام واستحکام پذیرد.

""""""""""""""""""""""""

قاضی فضل احمد خــــان

ازعلماء وقضات سنی مذهب عهد امپراتوری درانی یکی ملا فضل احمد خان قاضی است که شجاع الملك شاه درانی درفرمان ازوی باین عبارت والقاب علمی یاد کرده است :

(اگرچه دراین سال فرحت مال بعد انتزاع مخالفین دولت ابد قرین ازین مملکت باشوکت چیزیکه گوارای طبع اسمان جاه ومکنوز ضمیر منیر دوستی انتباه باشد سرانجامی وانتظامی نداشت لاکن نظربه قواعد مراتب . . . . . غنایمی که ازحین ورود ــ موکب مسعود درجلال اباد ازمال مخالفین بدمال مصروف کارمنکنان بندگان ثریا مکان رسیده بود بعد ازوضع اجناس یعنی خیمه نمد و گلیم واسباب ــ چند ضرب توپ را با اجناس که بحسب امکان وقت ممکن بوده به وساطت فضیلت و کمالات دستگاه قاضی فضل احمد خان ارسال محفل دوستی منزل گردید پیوسته خاطرالفت ماثر را مسرور خدمات داشته ازخود راضی گردانیند فقط (٤) شهرمحرم الحرام سنه ۱۲۵٦) .

ه ه ه

این شمه ئی ا ... مات یکنفر قاضی درسمت مشرقی بود که اموال
دولت افغانستان را از تصرف متجاوزین جمع اورده در کابل انتقال
داده اداء حسن امانت نموده است .

" " " " " " " " " " " " " "

قاضی احمد غفاری

قاضی احمد غفاری (ولد محمد) درسنه ۹۷۲ هجری قمری کتابی
در تاریخ بنام وعنوان ((جهان ارا)) بزبان دری تألیف کرده
است .

دراین تألیف از دوره غزنویان و غوریان وشاهان افغانی درهند با بر
ـ خی از اوضاع سیاسی وادبی و ثقافتی مربوط تاریخ افغان درهند
تاعصر همایون پسر بابر بحث شده است .

یعنی با وصف علمیت در علم قضا شخص مؤلف ومورخ نیزبوده است

ه ه ه

قاضی محمد صدیق

عالم علوم شرعیه وقضائیه ودر شعر احتر تخلص داشت . واین عالم
فاضل و شاعر تذکره شعراء عهد شاهان درانی را نوشته است .

" " " " " " " " " " " " " "

جلوگیری ازنرخ غله

ازجلال اباد بدارالسلطنه کابل اطلاع رسید که حاکم غله رادرگدام
ذخیره نموده به اهالی نمیفروشد . وهرگاه می فروشد ازنرخی
که حکومت تعیین نموده است بلند تربفروش میرساند . شجاع
الملک شاه این حرکت راخلاف شرع شریف دانسته ـ فرمانی باین

مضمون اسد ا زفرمود :

(معلوم عالیجاه میرزا اقاجان حاکم ومستاجر الکای جلال اباد بسوده باشد ـ د رتوقف بسمع شرف رسید که تسعیرغله جلال اباد ازتسعیر ـیکه د رسرکار اشرف مقرراست بلند ترمیباشد ـ ملی باید ان عالیجاه مقدا ریک هزا رخروار غله نگهداشته و مابقی غله سرکاررا ازاقرار نـرخ وقت که ازتسعیر سرکاری زیاده بفروش نرسد بفروشند ونگاه ندارند د راین باب حسب المقرر معمول داشته تخلف وانحراف نورزنـــــد تاکید دانید ـ تحریر (۲۷) ربیع الثانی ۱۲۵۶) .

نقل ازمنشات میرزا ابراهیم خان منشی باشـی ولد میرزا نورمحمـــد خـان .

ه ه ه

خلوص نیت وصداقت تائید شده است .

""""""""""""""""""""""

امراحتساب در قندهار

شجاع الملک شاه از کابل به عنوان نائب الحکومه قندهار فرمان صادر فرموده و در خصوص امر احتساب در قندهار باین مضمون نگاشته است :

(معلوم فرزند کامگار سعادت اطوار شاهزاده فتح جنگ بوده باشد در این وقت از مصدر عزوجاه مقرر شد که فضیلت پناهان ملا عطامحمد وملا اکرم از قرار رقد یها مراحتساب احمد شاهی سرافراز ومواجب خود را از جمع وظائف علماء که سرکار اشرف مقرر فرموده بازیافت نموده به دعا گویی دوام دولت ابد مدت قیام واقدام نمایند . باید ان فرزند فضیلت پناهان مذکور را از قرار رقد یها مراحتساب مقرر ساخته مواجب ایشان را از جمع وظائف علماء که مقرراست بدهند . تاکید داند شهرربیع الثانی سنه ١٢٥٦) .

ه ه ه

این فرمان سنه ١٢٥٦ هجری قمری ثابت نمود که دو نفر عالم موصوف از دوره امپراتور زمان شاه وياعهد سلطنت اول شجاع الملک شاه تا این دوره سلطنت ثانی او بامر احتساب در شهر قندهار مقرر بوده اند . جمع وظائف علماء همان هفت صد خروار گندم است که در فرمان بنام ملا دین محمد قندهاری تصریح گردیده . واحمد شاهی مقصد از اشرف البلاد احمد شاهی یعنی شهر جدید قندهار است که در سنه ١١٦٩ هجری قمری تهداب گذاری شده است .

دارالشرع

شجاع الملک شاه درانی ـ درفرمان مورخ (۱۰) شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۵۶ هجری قمری بعنوان نائب الحکومه قندهار نوشته است :

(معلوم فرزند ارجمند سعادت پیوند شاهزاده فتح جنگ بوده باشد درین وقت فاروق شاه نام بشرف عرض همایون رسانید که ۰ ۰ ۰ ۰ ۰

۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ لهذا ازمصدر عزوجاه مقرر که آن فرزند مدعی ومدعا الیه را روانه دارالشرع نموده تا احقاق حق بعمل آید زیاده زبردستی درحق عارض واقع نشود ـ حسب المقرر معمول دارید تاکید دانید)۰

ه ه ه

ازفرمان معلوم گردید که دارالقضا بمضاء دارالشرع نیزیاد میشد ۰ وازین فرمان بازهم ثابت گردید که دعاوی حقوقی مخصوصاً ازطرف محکمه شرعیه ومطابق بفتوی اهل قضا انفصال می یافت ۰ وپادشاه محض این صلاحیت داشت که صورت دعوی رامحول به محکمه شرعیه نماید وباهل قضا رجعت دهد ۰ ونه اینکه ازمقام پادشاهی احکام فیصله دعاوی رابقرار فرمان صادر نماید واین مثال های ثابت واضح میگرداند که درکشوراسلامی ماافغانستان ـ شریعت محمدی صلعم درهردوره مدنیت نافذ بوده است ۰

" " " " " " " " " " " " " " " " " " "

اعزام دو نفر شیخ از کابل جانب بخارا

اعلیحضرت شجاع الملک شاه درسنه ۱۲۵۵ هجری قمری (مطابق ۱۸۳۹ میلادی) مناسب دید که برای حسن روابط اسلامی وهمجواری هیاءتی ازعلماء شرعیه راازکابل ازطرف دولت اسلامی افغانستان برسم سفارت جانب دولت اسلامی بخارا اعزام نماید . وسه نفرازمشائخ بزرگ راکه مورد اعتماد وشناسای علماء دولت بخارا بودند برای این مقصد منتخب نمود . ودرمتن نامهٔ دوستانه بتاریخ (۲۳) شهر جمادی الاول سنه ۱۲۵۵ هجری قمری بعنوان امیربخارا نوشت :

(شرافت ونجابت پناهان حقائق و معارف اگاهان فضیلت و کمالات دستگاهان میاصبغت الله و میا غلام حید رصاحبزاده که ازخاندان شریف ودودمان مقدس جناب امام ربانی حضرت مجدد الف ثانی قدس سره که ازقدیم الایام دعاگوی دولتین می باشند ....) .

ودر فرمان بعنوان صدرهیاءت سفارت افغانی که رونده بخارا بود نوشت :

(معلوم شرافت و نجابت پناه حقائق و معارف اگاه قدوه العارفین زبده السالکین میان غلام قادر بوده باشد چونکه ازقدیم الایام ان شرافت پناه دعاگوی این دولت خداداد قوی بنیاد می باشند ومحبت بندگان همایون مابه خاندان ایشان نهایت است لهذا مرقوم میشود که مطابق معمول شرافت ونجابت پناهان میان صبغت الله ومیان غلام حید رصاحبزاده را روانه انصوب فرمودیم ان حقائق ومعارف اگاه بـا ایشان همدست ومتفق شده انجام وانصرام مطالب نمایند .

انشاء الله تعالی نتیجه وفوائدانراملاحظه خواهید نمود سمهما
ـ تی که داشته باشید معروض دارید متعلقات ایشان شمول عنایات
پادشاهی خواهند شد . تحریر (٢٤) شهرجمادی الاول ١٢٥٦)

ه ه ه

این هیاءت سفارت افغانی از اهل شریعت وعرفان وتصوف منتخب ـ
شده بودند وذوات مذکور روشناس اهل علوم دارالفاخره بخـــارا
بود نـــــــــــــــد .

....

دارالقضاء هرات

درعهد سلطنت امرا نشاه درانی

١٢٤٥ـ ١٢٥٦ هـ ق

دارالقضاء هرات در عهد کامرانشاه درانی

در عهد سلطنت محمد کامرانشاه درانی (۱۲۴۵ ـ ۱۲۵۶ هجری قمری) از روی تاریخ معلوم میشود که مناصب بزرگ شرعیه از قبیل قاضی القضات ـ قاضی ـ مفتی و القاب خانعلوم ـ خانعلماء ـ شیخ الاسلام موجود بوده اند ودراین کتاب معرفی شده اند .

وازجملهٔ ماخذ ـ قصیده یی که میرزا محمد رضاء (ولد میرزا محمد کاظم برناباد ی) در وصف کامرانشاه گفته نیزمیتوان دانست که باموردعدالت اسلامی شرعی مطابق باصول مذهب حنفی جداً متوجه واین چند بیت ازمتن قصیده ٔ اوراختصاراً برسبیل مثال درج می کنم :

٭ ٭ ٭

چرا نمی کنی احوال زار خود راعرض
بخاک پای فلک رتبه شاه عدل شعار

طراز مسند اجلال مهراوج شرف
شکوه شان و شهامت سپهر وحلم وقرار

جهان دانش وبینش که هست دست ودلش
یکی محیط کرم ود یگرابرگهر بار

سپهر رفعت وروشن دل وبزرگ منش
رفیع مرتبه شاهنشه خجسته تبار

که روشن است جهان ازفروغ معدلتش
فضای روی زمین زوست مطلع انوار

جهان پناه فلک بارگاه والا جاه
ستاره حشمت وکیوان وقار وعدل شعار

شهی که ازره رأفت به بندگان دارنـد
زفرطبنده نوازی عطوفت بسیـار

شهی که ازره روشندلی بود مشفـق
به بیکسان وستمدیدگان عاجزو خوار

جواب داد خرد گوشه امده استارقـام
بسرفرازیت ای خاکسار بیمقـدار

مدام تاقمرازمهر کسب نورکنـد
بود بساط زمین ثابت اسمان سیـار

جهان بکام شهنشاه کامران بـادا
بود زرفعت جاه وجلال برخوردار

ه ه ه

شاعرد روغ نمی گوید اگرکامرانشاه درانی متصف بدانش وعدل وجود ووقار ودربار او ومقام عرض رعایاء وادبا وشعراء وفضلاء نمی بود — ازرفعت ومعدلت وروشندلی وعطوفت او درحق بیچاره گان این چنان توصیف وتقدیر بعمل نمی امـد .

واین سندی است که برتاریخ قضاد رافغانستان باید بکار رود . خاندان میرزامحمد رضاد رهرات رسوخ ادبی ورسمی خوبی داشتند . چنانکه د رتاریخ تیمورشاهی مفصلاً یاد کرده ام وبنابراعتمادی که داشت د رقصیده خود توقع هرگونه دستگیری نموده است . ازاوصاف کامران شاه یکی مجاهدت ها و مقاومت های او دربرابر تجاوزات اغیاراست وانسان د رخوران اوصاف که شاعریاد کرده است دین وطن واستقلال

راهرگز فراموش نمی کند · ازروی رشادت های اوبود که شجاع الملک شاه پادشاهی اقلیم هرات را برای اوواگذارشد وبقول خود شتیشه بریشهٔ خود نزد · یعنی گذاشت اقلیم هرات رابرکامرانشاه که اوسد سد یسد واهنین دربرابرتجاوزدیگران باشد ·

" "

خانعلوم هرات

درعهد سلطنت کامرانشاه درانی

مولوی سید شمس الدین بادمرغانی هروی ـ درعهد سلطنت مستقل اعلیحضرت کامرانشاه درهرات خطاب خانعلوم داشت وعالم موصوف در سنه ۱۲۵۳ هجری قمری فوت ودرجوارزیارت پیرهرات به خاکسپرده شده است ·

ملاابوبکر تسلیمشاعرمعروف انعهد درتاریخ وفاتش گفته است:

دریای علم وکان معانی جهان جود
خان علوم وسرور سادات مقتدا

ازاسمان شرع درخشید شمس دین
کوشرق تابه غرب همی تافت ضیا

تاریخ سال رحلت ان مجتهد عهد
رضوان بگوش حورچنین داد مژده را

چون رحمت خداشده شامل بحال او
سال وفات وی طلب ازرحمت خدا

ه ه ه ۱۲۵۳ ق

پس از فوت وی بقرار فرمان کامران شاه درانی ـ مولوی فیض الله بادمر غانی ابن مولوی فیض الله مذکور خانعلوم هرات مقرر گردید ودر سنه ۱۲۷۲ هجری قمری از دست مخالفین استقلال افغانستان به شهادت رسید ودر پهلوی قبر پدر در بخاک سپرده شد • ملا ابوبکر تسلیم شاعر معروف وقت در تاریخ شهادت او گفته است :

خانعلماء حامی دین رونق اسلام

فیض الله ان با نسب ومرتبت وجله

سنه ۱۲۷۲ قمری مصادف بسال سلطنت مستقل یوسف شاه درانی در هرات است که در دولت او در همین سنه از دست دشمنان شرف وعزت و عظمت افغانستان منقرض گردید • خواجه عبدالحمید بیخود در تاریخ وفات خانعلوم موصوف قطعه نی گفته که اختصار ان درج تاریخ قضا میشود :

جمال دین ودولت مولوی فیض ان ذاتی

که بودی سرور سادات وخان علم وفضل وفر

ه ه ه •

ملا محمد حسین بادمرغانی پسر مرحوم مولوی فیض الله خانعلوم یکی از علماء معروف هرات در عهد کامرانشاه واولادش سالها قاضی هرات بوده است • سال فوت او معلوم نیست ودر گازرگاه شریف در پایان مرقد پدرش بخاک سپرده شده است •

"""""""""""""""

احترام شیخ عبدالقادر جیلانی

جناب شیخ عبدالقادر جیلانی (محی الدین) متوفی سنه ٥٦٠ هجری قمری در بغداد - از علماء و پیشوایان بزرگ مذهب منیف حنفی واز بزرگان عرفاء واز سادات حسنی - چون رئیس سلسله قادریه بوده ان مرشد کامل رابدان احترام شیخ گفته اند - مرقد مبارکش در بغداد زیارتگاه بزرگ مسلمین حنفی مذهب است. (ونویسنده این کتاب - تاریخ قضا به ساعت ده روزشنبه (١١) برج ثور سال ١٣٦٧ هجری شمسی مطابق (١٤) رمضان المبارک سنه ١٤٠٨ هجری قمری بزیارت غوث شریف مشرف شده ام).

ازسلسله اولادان شیخ بزرگوار شخصی بنام میرسید سعدالله در قریه سیاوشان هرات سکونت داشت وبعنوان میرسید سعدالله قادری معروف بود. محمد کامرانشاه درانی پادشاه اقلیم هرات ازروی احترام بمقام جناب شیخ محی الدین قدس الله سره العزیز دختر خود را بعقد نکاح میرسعدالله موصوف داد ومراسم مسنون نکاح بدار السلطنه هرات بعمل امد ودرمحفل نکاح اعلیحضرت کامرانشاه به علماء وسادات گفت: این احترام بمقام سیادت ومذهب منیف حنفی است:

ازاین ازدواج درسنه ١٢٥٤ هجری قمری پسری درهرات بعرصه وجود امد ومیرسید شریفنام گذاشته شد. شاهزاده جهان گیرابن اعلیحضرت کامرانشاه که ازعلم فقه وادب وانشا بهره کافی داشت قطعه نظمی بدین مناسبت درتاریخ اسلام وارتباط افغان وعرب بیادگار گذاشت.

زنسل پیر پیران غوث اعظم ان شه اکبر

زچون فرخ سروازاده زباغ احمد وحیدر

گلی ازگلشن سبطین وبازوجه ٔ زهرا

حجسته میوه ٔ ازفران خاتون نیکوفر

چه زیبا کوکبی امد برون ازمطلع جوینی

زبرج کامرانی گشت طالع چون مه انور

پدرنسل چنان شاهی که شاهان همه عالم

زخاک پاک اوسازند کجل برچشم وتاج سر

محی الدین جیلانی شبهی کل اولیاء اللـه

که زیرمقدمش گردن نهاده اصغرواکبر

وراماد ربود دخترچنین شاهی که ازعدلش

بوداند رهری باگوسفندان گرگ ها یاور

محمد کامرانشله کزفروغ کوکب بختش

بود شام هری روشن چوصبح مطلع خاور

زهی شهزاده وسید محمد شریف اسمش

زهی اسم زهی اصل زهی نسل زهی گوهر

زاولاد نبی چون بود این سید و شهزاده

بجوتاریخ مولودش جهانگیر از (پیغمبر)

۱۲۱۷ هجری شمسی و موافق ۱۸۳۸ میلادی عیسوی است .
(ازکلمه پیغمبر به حساب جمل ۱۲۵۴ استخراج میگردد واین سنه
هجری قمری مطابق سال ۱۲۱۷ هجری شمسی و موافق ۱۸۳۸ میلاد
عیسوی است) .

قباله شرعیه درعهد سلطنت ثانی شجاع الملک
شاه درمحکمه ٔ شرعیه ٔ جلال اباد .

عبارات مهرها وسراسرمتن قباله دراین صحیفه ٔ تاریخ عیناً نقل وبه طریق مثال درج میشود :

افوض امری الی الله

هست ازفضل خداوند رسول
قاضی شرع محمد خواجه گل
۱۲۵۶

گدای معصوم
۱۲۵۱

غلام ابراهیم سرهندی

درتاریخ بیست وششم شهرصفرالمظفر سنه ۱۲۵۷ یکهزارودوصد و پنجاه هفت بود که اقرارو اعتراف صحیح وشرعی نمودند مخبراسم و نصبخودها شخانان ولد ملاجان محمد مرحوم ونورشاه وعبدالمحمد ومحمود شاه ولدان خلیل مرحوم وریگاه وچاهوش وناصر ولدان حسن مرحوم ولعل محمد ولد شافی قلندر و صمند ر ووزیر وسنوبر ودلبر ولدان مروت مرحومها والدین وگل الدین وسیف الدین ولدان عزیزمرحوم زبیر وهارون ولدان خدرخان مرحوم قوم دولت زهی بیان خیل من توابع رود چپریار براینوجه که فروخته بیم به بیع بات بتات دوقطعه زمین صالیح وزراعت ساخته شده حق وملک خودها شرکه خالی است ازملک غیر وعما یمنع جواز البیع که محدوداست بدین حدوداربعه .
قطعه ٔ اول : شرقاً متصل است بخرابه ٔ دشت . غرباً پیوسته است

باملاک ملا میرداد وملک شرف ومردم تریلی وترکی وشمالاً متصل است بقلعهٔ داک ـ جنوباً ملحق است باملاک داوزهی ۰

قطعهٔ دوم : شرقاً متصل است بدشت غندی خرابه ـ غرباً متصل است بکمر شمالاً متصل است بدشت خرابه ـ جنوباً پیوسته است ایضاً بخرابه بجمیع حقوق ومرافقش فواصلاً فی کل حد ودعلاماتش مناصفهٔ محدود مذکوربدست عالیجاه رفیع جایگاه غلام محمد خان ولد عالیجاه غلام محی الدین خان درانی فوفلزائی بمبلغ دوصد وسی روپیه پخته دوازده شاهی النصف منه یکصد و پانزده روپیه پخته دوازده شاهی بوده باشد ۰ وکان ذلک بمحضرالمسلمین

گواه شد شرافت پناه غلام فاروق ـ گواه شد شرافت پناه ملاحسن صاحبزاده ـ گواه شد فضیلت پناه میرداد ـ گواه شد فیض محمد دولت زائی ۰

* * *

درمتن بعض کلمات مخالف املاً نوشته شده است ۰ چون نقل قباله است اصلاح وتصرف را درکلمات راه ندادم وعیناً نوشتم۰

(وکیلی پوپلزائی)

قاضی جلال اباد

ملا محمد حواجه گل بفرمان سلطان شجاع الملکشاه ـ قاضی وحلقان علماء جلال اباد مرکز سمت مشرقی مقرر شد ونقش مهرا وبدلیـن عبارت در وثائق رواج داشـــت :

هست از فصل حداونـد رســـل

قاضی شرع محمد حواجـــه گل
۱۲۵٦

مفتی محکمه جلال اباد ملا گدای معصوم نام داشت و بعبارت (گدای معصوم) در وثائق مهر می نمود و سنه مهراو (۱۲۵۱) دیده میشود
" " " " " " " " " "

قاضی پشـــاور

ملا سعدالله درسنه ۱۲۵۵ هجری قمری بفرمان سلطان شجاع الملک شاه ـ قاضی شهر پشاور مقرر شد وتا سنه ۱۲٦۱ قمری نقش مهراوبدو عبارت بدینقرار ادامه داشت :

شده ازفضل وعنایات الــــه

قاضی شرع نبی سعداللــــــه
۱۲۵۵

ه ه ه

خادم شرع نبی قاضی سعدالله ـ ۱۲۵۶

مفتی محکمه پشاور عصر ان عهد ملا عبدالغفور و بعبارت (عبدالغفور مفتی) مهر می نـــــمود.

دارالقضاي پشاور

شجاع الملك شاه افغان ـ د رسنه ۱۲۵۵ هجري قمري ملاسعدالله خان راقاضی محکمهٔ شهرپشاور وملاعبدالغفوررا مفتی محکمهٔ مذکور مقررنمود .

ازمحکمهٔ شرعیهٔ مذکورقبالهٔ خرید یك د رېند حویلی د رد ست است که د راین صحیفهٔ تاریخ قضاد رج میشود :

فاحکم بین الناس بالحق ولاتتبع الهوی شده ازفضل و عُنایات الله قاضی شرعی نبی سعدالله ۱۲۵۵	عبدالغفورمفتی

د رتاریخ پنجم ماه جمادی الاول سنه ۱۲۶۱ یکهزارود وصـــد و شصت ویك بود که اقرارمعتبرشرعی نمود اسلام بن غلام بن محب الله خان بن وحید خان اصاله ازخود وکاله ازقبیل ماد رحقیقی خود مسماه شاه بیگم زن غلام مذکور وصایه ازقبیل جمعه وارسلاومسماه شاه جهان وفضل احمد بنون غلام مذکور حال جوازاقرارهمـــا شرعا برینوجه که فروخت به بیع بات تبات قطعی لازم شرعی بـــه غلام محمد خان بن غلام خان بن اعظم فوفلزائی همگی وتمامـــی یك د رخانه مشتملبر د ود رحجره ود وایوان بمحوهٔ زمین تحتان و د روازهٔ بیرونی مقدارد صد زمین ود یوارهاي متعلقهٔ وي ـ مجموع چوب پوش بعمارت پخته وخام واقع محلهٔ باجوریها گذر ـ سرد لریماد ربلدهٔ پشاور محد ود است باین حد ود اربعــــه

شرقاً پیوسته است بخانهٔ بها والدین خان ـ وغرباً پیوسته است
به خانهٔ مرتضی خان ـ وشمالاً پیوسته است براه عامه ومنه الباب
وجنوباً پیوسته است بخانه صاحبزاده زبیر مرحوم فواصل د رتمسل
حدود وعلامات الظاهر ست بجمیع حقوق ومرافقش بکل قلیل وکثیر
هوفیها اومنها بمقابله مبلغ هفتاد روپیه پخته بضرب نانك شاهی
امرتسري که نصف ان سی وپنج روپیهٔ پختهٔ موصوفه میشود ازتسلیم
مشتري مذکورگرفته قبض واخذ شرعی نمود وبخرید مشتري مذکور
مبیعهٔ مذکوره راازبایع مذکور بمثل ثمن مسطور مع الاحالص فی
الیدین من الجانبین ومقرمذکور ازدعوي اقراریکه بوفساد ان وغبن
فاحش مع التحریزوعدم وصول ثمن مبیعهٔ مذکوره درین اقرارابراي
عام وتام نمود ومبري له قبول ابراي وي نمود ـ وکان ذلك بمحضرمن
العدول والثقات تحریرتاریخ (٢١) ماه ویساکه سمبت ١٩٠٢ ـ
شهود وکالت
مرتضی خان ساپی بن ظریف خان ساپی وغزل خان بن رحمت
خان عرب باتفاق همدیگر بیع مبیعه مذکوره شده وضمانیت ....
محله دارمحله شده است . رسوم داخل شد ـ بموجب ایین
حکام حال (٨) عدد

قاضی سعدالله
خادم شرع نبی
١٢٥٥

مرتضی جان ـ وشمالاً پیوسته است براه عام ومنه الباب وجنوباً
پیوسته است بخانهٔ صاحبزاده زبیر مرحوم فواصل درکل حدود و
علامات الظاهر ست بجمیع حقوق ومرافقش بکل قلیل وکثیر هو فیها اومنها
بمقابله مبلغ هفتاد روپیهٔ پخته بضرب تانک شاهی امرت سری کبه
نصف ان سی وپنج روپیهٔ پخته موصوفه میشود ازتسلیم مشتری ـ
مذکور گرفته قبض واخذ شرعی نمود وبخرید مشتری مذکور مبیعهٔ مذکوره
راازبایع مذکور بمثل ثمن مسطور مع لاحالص فی الیدین من الجانبین
ومقر مذکور ازدعوی اقرار بکذب وفساد ان وغبن فاحش مع التعزیر وعدم
وصول ثمن مبیعهٔ مذکوره درین اقرار ابرای عام وتام نمود و مبری لـه
قبول ابرای وی نمود ـ وکان ذلک بمحضر من العدول والثقات تحریر به
تاریخ (۳۱) ماه ویساکه سمبت ۱۹۰۲ شهود وکالت مرتضی خان ـ
ساپی و غزل خان بن رحمت خان عرب باتفاق همدیگر بیع مبیعهٔ مذکور
شده وبعمانیت ۰۰٫۰ محله دار محله شده است ـ رسم
داخل شد ـ بموجب ایین حکام حال (۸) عدد

قاضی سعدالله

خادم شرع نبی ۱۲۵۵

توضیح : قبالهٔ مذکور درسنه ۱۲۶۱ هجری قمری مطابق سال ۱۲۲۱
هجری شمسی مصادف به سال دوم امارت ثانی امیر دوست محمد خان
درمحکمهٔ شهر پشاور نوشته شده وقاضی ومفتی عهد شجاع الملک شاه
تااین وقت برقرار بوده اند ۰

ماه ویساکه بیساك نیزنوشته میشود ـ این تاریخ هندی است

هندو تاریخ دارد. سال یکی راسنبت وسال دیگری را کاسا گویند.

تاریخ هندی که سال انرا سنبت گویند ماه اول ان چیت ودوم ان ـ

بیساك مطابق حوت وحمل سال شمسی است . ازسنه ۱۱۶۰ قمری

تاسنه ۱۲۶۱ قمری دراسناد ووثائق که در بلاد هند نوشته میشد

ازجهته تسهیل امورا این اصول جریان داشت .

وهم ازجهت عدالت بین اجتماعات اوطان این اصول جریان داشت

که درمحاکم یك نفرمحاسب ازاهل هنود نیزشامل باشد چنانکه

درکابل هم محاسبین هندو بعضاء درخدمات ادارات حکومت شامل

بودند وحسن نظررجال افغان را نشان میدهد .

دربالای قباله مهر مربع دروسط باین عبارت دیده میشود :

اکال سهای مهرعدالت

عمل خالصه جی ۱۹۰۰

۱۹۰۰ تاریخ هندی بکرماجیت است ونه میلادی عیسوی ـ این مهر

بعداز خاتمه سنه ۱۲۵۸ قمری درمحکمه پشاور جاری شده است

واصطلاح خالصه جی ان است که در وقت تجاوز انگلیستان بخاك هند

رنجیت سنگ این نام و اصطلاح رابخود پذیرفته بود که شرح ان از

مندرجات این کتاب بعید است .

روپیه پخته ضرب نانك شاهی ـ این نوع سکه چون درقدیم در

ولایات هند رائج بود تااین عهد سنه ۱۲۶۱ قمری در بلاد افغانستان

درداد وستد مردم ازلحاظ اینکه سکه نقره بود ـ ممانعت نداشت.

چنانکه سکه های طلا ونقره دیگرکشورها هم ازلحاظ ارزش ها دی این پذ
-یرفته میشد وماننداینکه درامروزرواج دارد.

یعنی دولت امپراتوری افغانی ازلحاظ سهولت معاملات طوائف شامل قلمرواین تعصیات رادورساخته درهمه امورعدالت بین الاقوامی را مرعی میداشت وبنیان گذاراین اصول بابای افغان بود که جهان رابا وسعت نظرمی نگریست.

واین قباله که یکی ازمهمترین اسناد حاوی هرگونه معلومات است. همان مطلب راارائه مینماید. روپیه نانک شاهی امرتسریه مخصوص دوره خالصه جی نیست ویک حساب قدیم دادوستد مردم است.

قضات مرکز قندهار

((ازسنه ۱۲۱۸ ق تا سنه ۱۲۵۹ ق))

در دارالقضای قندهار - از سنه ۱۲۱۸ هجری قمری تا سنه ۱۲۵۹ هجری قمری (۹) نفر علماء علوم شرعیه که دارای مذهب سنی حنفی بوده اند به منصب عالیه قضا مقرر شده اند - نقوش مهرهای هر یك در وثائق بجامانده که اینك عین عبارات مسجع با سنوات مهرها نقل ودرج تاریخ میشود:

شد ز الطاف خداوند کریم

مفتی شرع نبی عبدالرحیم ۱۲۱۸

٥ ٥ ٥

بود قاضی آنکس در احکام دین

که باشد بشرع محمد امین ۱۲۲۲

٥ ٥ ٥

خاك نعلین غوث الثقلین

خادم شرع محمد حسین - ۱۲۴۲

٥ ٥ ٥

شد بحکم خدای لم یزلی

محمد عظیم امین شرع نبی ۱۲۵۰

٥ ٥ ٥

المتوکل علی الله الصمد

خادم شرع نبی صالح محمد - ۱۲۵۱

المتوکل علی الله الجـــــــواد

حادم شرع نبی الهـــداد ـ ۱۲۵۲

ه ه ه

در انروز که ان یوم نشوراســــت

محمداکرم صد رصد وراســـت ۱۲۵۲

ه ه ه

دارد امید شفاعت محمد ـ شاه مراد ـ ۱۲۵۵

ه ه

عبده نورمحمد ۱۲۵۵

ه ه ه

قبلاً گفتم که در دارالقضای قندهار در مرورسالیان نام وعنوان (دارالقضا حضورلامع النوراحمد شاهی) در وثائق نوشته میشــد . ودراینجــا سطری ازوجیهه یک قباله رابطریق مثال درج میکنم :

(درین وقت بتاریخ بیست ویکم شهرجمادی الاول سنه یکهزارو دوصد و شصت وشش بود ازهجرت که حاضرامدند دردارالقضاء احمد شاهی بحضورخادم شرع انور) .

دارالقضاء احمد شاهی دراین عبارت بصورت ذ ومعنون اورده شده است یکی همان عنوان دارالقضا ودوم اینکه احمد شاهی مقصداز شهراحمد شاهی است که اصلاً دروثیقه ها وسکه ها وفرمانها (اشرف البلاد احمد شاهی)عنوان داشت. وقراریکه درنقل وثائق دراین کتاب می بینیم دیر وقتی این شرف ولفظ را بزرگ علمی بعین همان طرز عبارت قدیم احتراماً حمایت میشد .

نجیب اللـــــه
در ره تقوی بعالم جاهد اســـــت
قاضی اسلام عبدالواحد اســــت

امابعد سلب از تحریر ومطلب از تقریر ومبحث از تسطیر این کلمات شرعتـــه القواعد والارکان انست که در اینوقت بتاریخ (١٦) شانزدهم شهر جماد ی الثانی سنه ١٢٥٧ یکهزار ودوصد و پنجاه وهفت هجری بــود که اقرار کرد واعتراف معتبر شرعی نمود طالباء راغباء رفعت پناه استاد ولی محمد نام معمار باشی ولد مرحوم اقا حسین نام بن استاد جعفر نـام فارسی زبان برینکه بفروختم مبیع درشان سیادت پناه سید عاشق علی نام ولد مرحوم مغفور سید اسد علی نام حسینی ازانچه رفعت پناه بایع مقر مذکور ذکر کرد وتلقین نمود که مرا وراحق وملک زرخرید متصرف فیه بوده تا زمان این مبایعه ٔ شرعیه خالیاء عن حق الغیر همگی وتمامی موازی یک درب حوالی که مشتمل است بردو ایوان ودو ایوانچه وچهار باب خانه ویک زیرزمینی خانه مجموع خشت پوش سفلی وچاه ابوسه باب خانه علیا یکی ان چوب پوش وروی ان خشت پوش که واقع است در شهر اشرف البلاد احمد شاهی در محله ٔ توپخانه ومحدود است بحدود اربعه ٔ مفصله ٔ ذیل بدین حدود :

شرقاء متصل است بحوالی غلام علی قندهاری ــ غربها متصل است بــه حوالی حاجی محمد نجار شمالنها متصل است بحوالی اقا حسین علــی جنوبها متصل است بحوالی خان محمد ونور محمد بنا ــ باجمیع توابع شـرعیه ولواحق ملیه ممر و مدخل ودود یوار ورراه وراهگذار وتحت وفوق وملحقات ومتعلقات کلما یتعلق اما من القلیل والکثیر برغبت ورضاء بدون

الاجبار والاکراه صفقتة واحده بمبلغ پنجاه تومان پخته کله دار فرنگی که عبارت از یك هزار عدد روپیه پخته کله دار فضی بوده باشد هر روپیه بوزن دو نیم مثقالی زر نقد رائج المعامله بیع وشرای صحیح شرعی بات ونبات جائز نافذ لازم مشتمل بر ایجاب وقبول وتقابض شرعی همادرید لین مذکورین بی شرط واقع شده ورفعت پناه استاد ولی محمد نام بایع مقر مذکور بعد از اقرار کردن فروختن همین یك درب حوالمس محدود وبموصوفه معلومه مذکوره وگرفتن مبلغ نجاه تومان پخته .... مذکور واعتراف بکل اخذ ثمن وبجمیع انچه مذکور شد — اعتراف معتبر نمود واز دعوی کذب در این اقرار وفساد بیع وکرهه وتلجیه وبیع جائز وعدم قبض ثمن وغبن فاحش مع التعزیر من المشتری مشار الیه ابراء وتبرا کرد وابرای بایع مقر مذکور را سیادت پناه مشتری مقرله از برای خود قبول نمود وضمان درك بموجب شریعت غرا ثابت ومقرر است اگر واقع اید وکان ذلك من المتعاقدین فی حال نفاذ وجمیع التصرفات الشرعیه عنهما طایعین واین چند کلمه بجهته قباله نامچه شرعی قلمی — گردید که ثانی الحال حجت قوی بوده باشد — تحریر بتاریخ ۱۶ شهر مزبور سنه ۱۲۵۷

محمد حسین — عبده ولی محمد — عبده حسین محمد ۱۲٤۱

محمد کاظم — سلطان محمد — المتوکل علی الله الصمد

عبده ولی محمد

عبده ابوالحسین الموسوی ۱۲۰۹ — بن الحاج میرزا علی الموسوی

محمد حسن

بن سید عبد الجواد موسوی

این بود سراسر نقل قباله نامچه که حمد الله صحاف وکیل صحافان شاه بازار ارک قند هار انرا بدست اورده بود وبرهنمونی شیرمحمد خواک یک جوان ازقوم فوفلزائی بتاریخ سه شنبه (۱۵) برج سنبله سال ۱۳۵٦ شمسی بدست اینجانب عزیزالدین وکیلی فوفلزائی دربدل وجه قیمت رسید •

ودراینجا باید توضیح نمود که استاد فاضل هروی درعهد امپراتور تیمورشاه افغان درانی وارد کابل شد ومدفن این خاندان درحوالی زیارت شاه شهید ((سید اسحق ختلانی)) واقع است • خیرالنساء بنت استاد فاضل زوجهٔ استاد جعفر معمار باشی بود استاد نجف ابن استاد فاضل درسنه ۱۲۳٦ هجری قمری زیارت شاه طاوس را ((در نزدیک بالاحصار کابل)) تعمیر کرده است • اقاحسین بن استاد جعفر واستاد ولی محمد معمارباشی ولد اقاحسین ابن استاد جعفر بوده است •

واین خاندان درفن معماری مهارت داشتند • اما جای تعجب است که وجه خرید یک دربند حویلی رادرگذرتوپخانه شهرقندهار – کلدار تعیین کرده اند ممکن سید عاشق علی شغل تجارت داشته والا درهیچ یک سند شرعی وعرفی دیده نشده است که کلدار فرنگی سکهٔ رائج الوقت یاد شده باشد وقراریکه وثائق وهم مسکوکات فلزی نشان میدهد درهروقت سکه های دولت اسلامی افغانستان رائج بوده

ومحرر محکمه درتحریرقباله نامچه شرعی مذکور سهواً نگاشته است
که دراین کتاب تاریخ قضادرافغانستان جداً باید توضیح نـــمود
واما دراین شکی نیست که سکه های طلا ونقره دولت های خارج
بنابراعتبارواررش مادی ان درخرید وفروش اموال قرارن که امروزهم معمو
ل است معمول ومروج بوده است .

(وکیلی فوفلزائی)

عفــو ۰'۱' حایداد علماء مدرس ومحقق

علماء علوم دینیه که وظیفه ٔ تدریس ـ تاٴلیف ـ تحقیق وترجمه در علوم شرعیه ٔ دینیه مطابق باصول مذهب حنفی میداشتند ود ررد افکار عقائد وهابیه ٔ غویه میکوشیدند ـ املاک وجایداد انعلماء مدرس از پرداحت وجه مالیات از طرف دولت افغانستان معاف می بود واین یک مراعات بسیار بزرگ برای اهل تدریس وقضا وافتا بود تاباسوده حالی خدمت بعالم علم وعدلی بنمایند ۰

وازارقام دولت این یک ورق راکه درد ست است عیناٴ نقل و درج تاریخ مینمایـــــیم :

بسم الله خیرالاسمـــاء

الملـــک لله ۰

دردران سلطـــــان

شجاع الملک شـــاه

۱۲۵٦

اعوذبالله تعالــی ـ حکم همایون شــــد : انکه اعمال حال واستـبا استقبال اشرف البلاد احمد شاهی بعنایات بیغایات شاهنشاهی رتبه ٔ امتیازیافته بدانند که : چون حسب الارقام قضا نظام حاقان علییــن اشیان وسلطان فردوس مکان نورالله مرقد هما املاک زرخرید وتیـــول ووقف حقائق و معارف اگاه میا عبدالکریم درانی فوفلزائی جیب زائــی ساحبزاده ازقدیم الایام خارج جمع وازمالیه وکل تکالیف الی ایام دولت ابد مقرون همایون معاف می بود دراین ولاازحدمت اشرف اقدس استدعا

امضای رقم مبارک نمود لهذا بنا بر تحصیل دعای خیر جهت ذات مستوده صفات اقدس اعلی — از ابتدای هذاالسنه اودی ئیل سال بقر وسنوات بعد هرساله بدستور سابق املاک حقائق ومعارف آگاه میا عبدالکریم رابدینموجب :

. . . . (۱)

ازجمع احمد شاهی وضع وخارج جمع نموده مالیات و تحمیلات املاک مذکوررابهراسم ورسمی که بوده باشد بخشیده معافی فرمودیم که محصول انرابازیافت وصرف معیشت خود نموده بدعای دوام دولت روزافزون خاقانی اشتغال نماید لهذا بایدایشانان املاک مفصوله رابدستورسابق بشرح ارقام قضانظام ازمالیه وکل تکالیف معاف وخارج جمع دانسته مزاحم و متعرض نشوند .
مستوفیان ولشکرنویسان کرام صورت رقم مبارک راثبت نموده درعهده شناسند . تحریر (۱۱) شهررجب المرجب سنه ۱۲۵۷) .

٥ ٥ ٥

---

(۱) شرح خصوصیات اب واراضی وباغ واسیاب حذف گردید .

(۲) مقصد ازولایت قندهار وشهرجدید موسوم به اشرف البلاد احمد شاهی است .

ترکه خط شرعی

باسم ورثه بهادرخان (بانی قریه بهادرخان چهاردهی کابل)
در دارالقضای کابل ترکه خطشرعی نوشته شده است که مهرها و
عبارات ان در اینجا نقل می گردد :

افوض امری الی الله
میراکبر خادم شرع رسول الله

زلطف وعنایات خداوند رب العالمین
امین الله است خادم شرع مبین
۱۲۲۳

زالطاف خداوند مجیب
خادم شرع رسول الله حبیب
۱۲۱۶

خادم شرع نبی مصطفی
میرزا خواجه شد ازفضل خدا
۱۲۲۲

در تکالیف ره شرع نمودن تحقیق
این سبق شریف است غلام صدیق

بفضل وعنایات دین محمد
مفتی شرع وراشد اسد ۱۲۲۵

خاتم الانبیاء رسول الله
مفتی شرع برکت الله
۱۲۲۵

ذکرحدود همگی وتمامی یک قطعه زمین صالح الزراعت مشتملبرچهل جریب واقع است در موضع ..... ومحدود است بدین حدود ..... شمالاً متصل است بزمین های متروکه شاه ولی خان وزیرمرحوم مغفور ــ جنوباً متصل است بزمین متروکه ملامصلی وبعضی بزمین متروکه غیرت ــ مشروح بجمیع حقوق و مرافقش ــ دعوی می کنم من مدعی ملامحمدعثمان که وکیل صحیح شرعی ازغیراقرار مقران ازقبیل بلوچ خان وحیات خان وسرمست خان وشمشیرخان واللهیارخان وحسین خان وشیرزاد خان وادم خان بن محضرون هولاً قاسم ورحیم وامزالله وامین وفتح الله بنون امیرخان وعبدالصمد وحبیب الله بنان ابراهیم واسلم واکرم بنان جمیل وعبدالرحیم بن ملاغازی وبن ملا اکرم بن ملامصلی برینوجه که محدود مذکورفی الصدر حق وملك بنهادر خان بن فیروزخان بود تازمان فوتش چون اوفوت شده برای ورثه اش ترکه فارغه گذاشته وارث ازوی هشت پسر موکلون مذکورون من مدعی مانده اند لاغیرشرعاً دراینصورت ترکه مذکوران قیمت می یابد . ... الخ).

ترکه نامه شرعیه مذکورسنه ندارد اماسنه های مهرهای قضات ومفتی هاداران سنه های ۱۲۱۴ ــ ۱۲۱۶ــ ۱۲۲۳ ــ ۱۲۲۵ هجری قمری می باشد که بدینقرارمیتوان گفت : در سال اخیر سلطنت اول شجاع الملك شاه ویاسال اول سلطنت ثانی محمود شاه دردارالقضای کابل توثیق یافته است .

ازبهادر رحان قوم لکن خیل اندر ــ پانزده پسرجامانده ــ هشت پسران در محل غند ی مرسل غزنی ساکن وهفت نفر در قلعه بهادر رحان پهلوی کابل سکنی جستند . این قریه متصل خالصه شاهی قدیم ساحه نهرخنگوت وبهسود در نزدیک دارالامان حالیه واقع است

قبربهادر رحان در پهلوی تپه تاج بیک تا سال ۱۳۰۱ شمسی نمایان ود روقت تاسیس قصرامانیه اولیا امور متوجه حفاظت ان شدند در قریه بهادر رحان مردم اندر کداخیل ازقدیم یعنی ازدوقرن اخیر سکونت دارنــــــد .

" " " " " " " " " " " " " " "

مهرشرعـــــــی

در جمیع مهرهای قضات ومفتیان محاکم شرعیه افغانستان ایه مبارکه (فاحکم بین الناس بالحق ولاتتبع الهوی) وایه مبارکه (وافوض امری الی اللـــه) حک می بـــود .

در مهر وفرمان سلاطین افغان نیز تمام مقدسات شرعی رعایت مـــی گرد یـــــــد :

در قسمت بالای فرمان تسمیه مبارکه وبسم الله خیر الاسماء ود رفوق قسمت داخلی مهر (الملک لله) (یافتاح)حک می بــود ــ در سطر اول فرمان طغرا ــ حاوی این عبارت مقدسه : (اعوذ بالله تعالی) شجاع الملک شاه در عهد سلطنت ثانی که در میدان عیدگاه قندهار بتاریخ دوشنبه (۱۲) شهرصفر المظفر سنه ۱۲۵۵ هجری قمری قبول سلطنت نمود ــ مهر پادشاهی خود را باین عبارت زینت داد :

باطراف مهر : (ان الله یامرکم ان تود والاامانات الی اهلها واذا ــ

حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل)

ودرداخل مهر :

الملک لله (در دوران سلطان شجاع الملک شاه) حک نمود .
۱۲۵۵

وهمچنان در دیگردوره های پادشاهی اسلامی افغانستان این اسالیب اسلامی رعایت شده ودراین کتاب اشکال وعبارات آن ازنظر می گذرد .

" " " " " " " " " " " " " "

مصارف مدرسه ٔ علوم شرعیه

شجاع الملک شاه درعهد سلطنت ثانی خود برای مصارف مدرسه علوم شرعیه رقمی مقرر داشت درین وقتی که مولوی دین محمد خان ککری مدرس ومتصدی آن بود دریک قطعه فرمان درسال هفتاد خروار گندم نوشته است . وازین قرار معلوم میشود که دیگر مساعدت ها نیز موجود بوده واین سند درکتاب مسودات محمد ابراهیم خان منشی باشی (ولد میرزا نورمحمد خان) ثبت گردیده وسالها قبل درمجله ٔ آریانا — ازطرف انجمن تاریخ نشرشده است .

قضات افغانستان بطورعموم درمدارس علوم شرعیه ٔ افغانستان وهم بعضاً به عربستان وبخارا برای تحصیل علوم دینیه فرستاده میشدند چنانچه درعهد امیر شیرعلیخان درزمان امیرالعلما ان افغانی ازکابل به بخارا به مدرسه ٔ کوکلتاش با وجه مصارف دولت افغانستان تحصیل علم می نمودند وازعلمائیکه مذهب حنفی میداشتند تحصیل علوم می نمودند .

قاضی نصرالله خان

مولوی نصرالله خان ازقبیله خوانخه زائی طائفه بارکزائی درانی
درعلاقه چل ماکو ــ ارغسان قندهار سکونت داشت ودرعهد امپراتور
احمد شاه درانی وقتی قاضی محکمهٔ شرعیه قندهار بود (۱).

پسراو ملااسمعیل خان نام داشت و همعصرامپراتورتیمورشاه و
زمانشاه بود. پسرملااسمعیل خان مولوی محمد سعید خان بجا
مانــــد. (۲)

ودرعهد سلطنت اول محمود شاه به منصب قاضی القضات سرافراز
شد ومهراوباین عبارت نقش ومرون گردید:

محمد سعید ازفضل حق مشهود شد
قاضی القضات شاه محمود شـــد

درعهد سلطنت ثانی محمود شاه مجدداً بان منصب نائل گردیــد
ومهراوباین بیت اراسته گشت:

تازشد بحکم شاه رسول قاضی القضـــات
اجرای حکم شرع محمد سعید یافت ثبــوت

درسنه ۱۲۷۲ قمری امیردوست محمد خان مولوی غلام محمد خان را
ازقضای محکمهٔ قندهار معزول ومولوی محمد سعید خان بارکزائـــی

---

(۱) عمدة الامراء محمدعلم خان وکیل الدوله نوادهٔ شاه علم خان
نورزائی درسنه ۱۲۱۰ قمری املاک همین شخص را درعلاقه چل ماکو
به مبلغ هشتاد تومان روپیه خرید ودرقباله ازوکیل الدوله بلقب
رفیع الدرجه یادشده است. (۲) درساله خود بنام زلی نیکه مشهور
اســـت.

را قاضی مقرر نمود .

وخانعلوم خطاب او را تجدید نمود .

مولوی محمد سعید خان در کابل وفات یافت ودر نزد یکی زیارت عاشقان و عارفان علیه الرحمه بخاک سپرده شد . گذرخان ملاخان نزد یک شوربازار کابل بنام همین شخص مشهور است .

از مولوی محمد سعید خان قاضی القضات خان علوم دو پسر ملاعبد السلام وملاعبد الرحمن بجا ماندند . دومی پس از فوت پدر منصب خان علوم یافت . ودر عهد امیرشیرعلی خان وامیر محمد افضل نیز منصب او تائید وادامه یافت خان علوم قاضی القضات در دوره امارت باین عبارت نقش مهر مروج داشت :

تا قیام رکن دولت از امیر با فراست
عبد الرحمن قاضی شرع انوراست

تا اساس رکن دولت از امیر افضل است
عبد الرحمن قاضی شرع نبی مرسل است

ملاعبد السلام برادر کلان او قاضی محکمه قندهار بود .

عبد الرحمن خان علوم قاضی القضات کتابی بنام رد عقائد وهبیه غویه در کابل تألیف کرد ودر مطبعه مصطفائی کابل بطبع رسانید ودر اینکتاب ((تاریخ فضا ومناصب علمی)) تحت همین عنوان معرفی شده است .

مراسم دستاربندی درمحضر قاضی القضات
واعضاء محکمه شرعیه

شجاع الملک دفعه اخیر درسنه ۱۲۵۵ هجری قمری (۱۸۳۹ م) وارد شکارپور وازانجا بالسکوردرانی وارد شهرقندهار گردید . بتاریخ دوشنبه سیزده شهرصفرالمظفرسنه ۱۲۵۵ هجری قمری (مطابق اواخراپریل ۱۸۳۹ م برج ثور سال شمسی) درمیدان عیدگاه قندهار درمحضرقاضی القضات واعضاء محکمه شرعیه وگروه علماء دیار قندهار وخوانین تاج خوشه گندم ودستارسلطنت مورث رامجدداً بر تارک خود گذاشت وطبق معمول اول قاضی القضات (شیخ الاسلام) بیعت نمود ودرخاتم دولت ازمبتدای این سلطنت ثانی این عبارت را مروج نمود :

(یافتاح — دردران سلطان شجاع الملک ۱۲۵۵) .

وباطراف مهرآیه مبارکه (اطیعوالله واطیعوالرسول واولی الامرمنکم) نقرنمود ودرسکه های نقره یی دوعبارت اتی را رواج داد :

اول : (دردران سلطان شجاع الملک شاه)

۱۲۵۵

دوم : جامی دین نبی سلطان شجاع الملک شاه

سکه زد برسیم وزر روشن تر ازخورشید وماه

درسنه ۱۲۵۸ هجری قمری کلمه طیبه مبارکه رادرروی سکه دولت نقش ومروج نمود . قاضی القضات واعضاء محاکم شرعیه درکابل و همه شهرهای اطراف افغانستان برقرار بودند ودراین کتاب سجعهر

های شان درج میگردد .
در عهد سلطنت اول وثانی شجاع الملک شاه درانی - مولوی سید عطا خان ومولوی محمد حسن خان، و مولوی فضل قادر خان القاب خانعلوم - خان علماء اقضی القضات و قاضی اسلام داشتند واین است سجع مهر از قضات مذکور :

شد زلطف محمد مصطفی قاضی شرع نبی سید عطا ۱۲۱۱

تا شعاع دین احمد در دو عالم ظاهر است

قاضی سلطان شجاع الملک فضل قادر است ۱۲۵٦

ملا سید عطا خان بفرمان امپراتور زمانشاه درانی - منصب قضا یافته ومسا ور رعی دربار شجاع الملک ودر عهد پادشاهی او به منصب خان علوم وقاضی القضات سرافراز بود .

دارالقضای هـــرات

درعهد یوسف شاه درانـــــی

شاهزاده محمد یوسف ابن شاهزاده ملک قاسم ابن شاهزاده فیرو — وزالدین ابن امپراتور تیمورشاه درانی بتاریخ سه شنبه سوم محرم الحرام سنه ۱۲۷۲ هجری قمری در ارگ هرات برسریر جهانبانی — جلوس نمود وعلماء وفضلاء ووکلاء افغانستان که به خدمت ان درهرات حاضربودند — یوسف شاه لقب داده بیعت نمودند ۰

موصوف اعضاء دولت خود را ازیک تعداد علماء علوم شرعیه تشکیل داد واین اشخاص رابه خدمات امورشرعیه و اعضاء دولت برگزید :

۱— مولوی محمد حسن قاضی و امین محکمه شرعیه دارالسلطنـــه هـــرات ۰

۲— ملا محمد عثمان قاضی ۰

۳— ملا فیض الله مفتی ۰

٤— میرزا ابوالقاسم صوفی ابن صوفی اسلام کرخی — وکیل دولت ۰

٥ — ملا ابوالخیر قاضی — وکیل دولت ۰

٦ —شیخ مرتضی وکیل دولت ۰

۷ — ملا فیض محمد مدرس —مشاورشرعی وعضودولت ۰

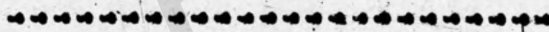
۸ — عیسی خان بردرانی — مشاور وعضودولت ۰

یوسف شاه درانی ازجلوس بااستقلال خود درمرکزهرات پایتخت دولت مستقل موروث به کشور همسایه خبرداد و مولوی فیض الله ابن مولوی — شمس الدین هباد مرغنی راازهرات به تهران برسم سفارت فرستاد ۰

قاضی موصوف حین بازگشت د رمشهد د رسنه ۱۲۷۲ هجری قمری از طرف د شمنان استقلال وازادی افغانستان بمرتبه رفیعه شهادت رسید .

مولوی شمس الدین باد مرغانی هروی وپسرش مولوی فیض الله در زمان سلطنت کامرانشاه درانی د رهرات منصب خان علوم داشتند واز نگاه سوابق علمیت و خدمت بدولت افغانستان مورد اعتماد خاندان شاهی درانی بودنـــــــد .

یوسف شاه درانی بتاریخ (۱۳) شهرشعبان المعظم سنـــــه ۱۲۷۳ هجری قمری ازدست د شمنان استقلال افغانستان بقتـــــل رسیـــــــد .



دارالقضاء قندهار

درعهد حکمرانی سردار محمد ل خان بارکزائی

نقد الثقات فی تزئیف الوفـــــات

عبارت فوق عنوان رساله ایست در علم حدیث که در سنه ۱۲۴۶ هجری قمری توسط ملا حبیب الله مشهور به حبواخند زاده ابن ملا فیض الله کاکری قندهاری به خواهش سردار مهردل خان بارکزائی حکمران قندهار تألیف وترجمه شده است.

مولف در مقدمه رساله موصوفه چنین نوشته است :

((برضمائر اصحاب صفای فطرت وبصائر ارباب ذکا و فطنت واضح — ولائح باد که :

درین جزوزمان بواسطه اندراس مدارس علوم دینیه وانعکاس اعلام معالم یقینیه علی الخصوص علم حدیث ... بعضی از بی بصیرتان روزگار برخی از احادیث راکه اعتقاد نقادان بصیرت اساس نقد حدیث نبوی وصرافان جوهرشناس کلام مصطفوی _ حکم به ضعف بلی وضع آن نموده اند ، ازاعداد احادیث صحیحه می شمرند وبجای نصوص قطعیه ، صریحاً بکارمی برند . لهذا همواره درخاطر افتاده زاویه خاکساری ودرمانده گوشه بی اعتباری فقیر حبیب الله قندهاری که اگر رساله مختصره دربیان موضوعات احادیث جهته تمییز میان طیب و خبیث ازکتب معتبره که دران باب ساخته اند ، پرداخته اید عملی صواب و مثمر حصول اجرو ثواب خواهد بود . تا انکه درین ایام رساله غریبه مختصره منتجبه ازکتب معتبره از تصانیف مجدد وم جعفر بوبکانی (رح) که عجاله الوقت طالبان ان مطلب راغنیمت وتسلی خواطر مشتاقان تشنه لب راکفایت تواند بود .

ود رنظرامد وچون عبارت عربی متعارف محاورات اهل دیار نیست ترجمه کردن به لغت فارسی ضرورت افتاد . هرچند رساله مجدی سقیم بود که ازنتیجه حصول مدعای عظیم می نمود . امابه حکم خذ ما صفا ودع ما کدر انچه به قوت مطالعه ویا مغونیت مراجعه مکتب دیگرفهمیدن وتصحیح نمودن ان صورت داشت . صرف قوت ووقف همتبران لازم دانست وچون درتسوید ترجمه شروع افتاد تشویش این ملاحظه دامنگیرخواطرشد که چون این موسم قحط قدردانی وقیمت شناسی است . مبادابعدازتصدیع کشیدن وزحمت بردن اوراق مسوده گذاشته طاق نسیان وانداخته زوایای هجران اید . واین تشویش مستدعی ان بود که فتوری درداعیه راه یابد . اماچون اشارت ملازمان سعادت توامان مخلص منسوبان درگاه حضرت یزدان سردار محمد ل خان شرفه الله تعالی بتوفیق العدل والاحسان که خواطر مهرماثرش درتمن معنی شناسی جان ودرفن نکته دانی جهان است مستدعی تمام مسوده امده سلسله داعیه داعی بیشتردرحرکت واتمام مسوده برحسب گنجایش وسع استطاعت ووسعت مجال فرصت بعون وعنایت حضرت صمدیت عزاسمه انجام وباسم نقدالثقات فی تزئیف الوفات انتسام یافت .

والحمد الله الذی بنعمته تتم الصالحات و پیس ازشروع درترجمه تقدیم مقدمه مشتمل برشمه ازمصطلحات علم حدیث که درفهم مطالب کتاب بکارآید .....) .

ه ه ه

ود راخیررساله موصوفه این رباعی مندرج است :

نام این نسخه که میماند بشمس مشرقه
هستمراة الحقیقه نزد هرعدل وثبقه
سال تاریخش بجستم ازسروشن جنب دوش
گفت فصل تفرقه جلال دین زندقه
(۱۲۶٤ ق)

ومقصد ماازمندرجان معلومات دراین کتاب تاریخ قضاد رافغانستان این است که : یکی ازموءلفات وتراجم مقدس رد رعلم حدیث د رقندهار بیادگار مانده نشان میدهد که علماء وحکمرانان افغان د رصحت موءلفات وتراجم علم حدیث همیشه کوشش رد اشته اند واین رساله یکی ازنمونه ها ومثال های برجسته توجهات ملت سلمان افغانستان است . اعضاء دارالقضای قندهار وعلماء حضورفرمانروایان قندهارکه شرح مفصل ان دراین کتاب مندرج است ، افراد وهیاءت های علمی قندهاررادرجمع اوری وتاءلیف وترجمه احادیث صحیح برای استفاده و استفاضه قضات ومدارس علوم دینیه مصرف ساخته است .

ملاعبدالرحیم پسرملا حبیب الله) که د رسنه ۱۲۹۹ هجری قمری د رقندهار چشم ازجهان پوشید . وملاعبدالروف پسرملاعبدالرحیم د رسنه ۱۳۲۳ قمری یک شماره جریده بنام سراج الاخبار افغانستان د رکابل طبع نمود واین عالم د رسنه ۱۳۳۷ هجری قمری فوت شد مولوی عبدالواسع ((موءلف تمسک القضات الامانیه)) پسرمولوی عبدالروف موصوف د رحوت جوزای سال ۱۳۰۸ شمسی د رکابل چشم ازجهان

پوشیــــــد .

خاندان حبواخند زاده از مرور دوصد سال در افغانستان در علــــوم وادبیات تاحد توان خدمت کرده اند . ملا بابرفردی ازایـــــــن خاندان در عهد امپراتور تیمورشاه بصفت مدرس از طرف دارالقضای قندهار در یک وثیقه یاد شده است .

"""""""""""""""

قباله نامچه شرعـــــــی

در سنه ۱۲۵۳ هجری قمری مطابق ۱۲۱۶ شمسی در دارالقضای — قندهار قباله نامچــه شرعی نوشته شده ونام عده یی از علماء وحفاظ را قران کریم در ان مندرج است که اینک عیناً نقل ودرج میشود :

(امابعد ازتحریرو مطلب ازتقریرومنتخب ازتسطیر این کلمات شرعلــو القواعد والارکان انست که درینوقت بتاریخ پانزدهم شهر ذیقعده الحرام ۱۲۵۳ یك هزار ودوصد وپنجاه وسه هجری بود که اقرار کردنـــد واعتراف معتبرشرعی نمودند طایعاً راغباً ملا رحیم داد وملا منصــور ولدان ملا رسول نام مرحوم درانی الکوزائی برانکه بفروختیم مبیع رشان فضیلت پناه ملا عبدالرحمن اخند زاده ولد مرحوم المغفور شیخ الاسلا — م ملا رحمت الله اخند درانی فوفلزائی اسمعیل زائی ازانچه بایــع مقرمذکورند کرکرد و تلقین نمود که اوراحق ملك متصرف فیه بوده تازمان این مبایعه شرعیه خالیاً عن حق الغیر همگی وتمامی موازی سی ونه عدد جویه های انگوری که واقع است در قریه کاریزك کلان من قرای — اشرف البلاد احمد شاهی محدود است بحدود اربعه مفصله ذیــل

بدین حدود وبدین موجب :

شرقها متصل است بباغچه شاه بدین نام جیگی .

غربها متصل است بباغ احمد شاه وممرعام .

شمالاً متصل است بجویه های ملامنصور که درگروی عظیمهی باشد .

جنوباً متصل است بجویه های الکوزی سلطان محمد خان وکریم داد

باجمیع توابع شرعیه ولواحق ملیه ممرو مدخل واشجار مثمر وغیرمثمره و

حقابه مشروبات وملحقات و متعلقات کلما یتعلق بهامن القلیل والکثیر

برغبت ورضابدون الاجبار والاکراه سفقه واحده بمبلغ بیست و پنج

دانه پتکی بوجاغلی فرنگی که هردانه ان بوزن هیژده نخودی مس

باشد بیع وشرای صحیح شرعی بات نهات جائز نافذ لازم مشتمل برایجاب

وقبول و تقابض شرعی سهم در بدلیل مذکورین بی شرط واقع شده و ملا

رحیم داد نام وملا منصورنان بایعان مذکوران بعد ازاقرارکردن فروختن

سی ونه عدد جویه های انگوری محدوده موصوفه معلومه مذکوره

و گرفتن مبلغ بیست وپنج دانه های پتکی های مذکوره و اعتراف بکل ا

اخذ وجه مذکوره و بجمیع انچه مذکورشد اعتراف معتبرنمودند و از

دعوی کذب در این اقرار وفساد وبیع کرهه وعدم قبض وجه مذکوره

من النشتری مشارالیه ابرا و تبرا کردند وبرای بایعان مقران مذکوران

رافضیلت پناه مشتری مذکورا زبرای خود قبول نموده وایضاً ملا رحیم داد

نام ملا منصورنانها یعان مقران مذکوران چنان ضامنان یک وجودی هم

دیگرا زدرك شرعی مبیع محدود مذکوره کردند که هرگاه بعد الیوم احد

ی دعوی نماید ویاحقیقت غیرظاهر و باهر وماهر گردد اینجا نهان مقر

ان مذکوران ازعهده غرامتان بدرامده مجاب سازیم ـ واین چند

کلمه به جهته قباله نامچه شرعی قلمی گردید که لدی الحال حجت قوی بوده باشد ۱۰

تحریرتاریخ (۱۵) شهرمزبور سنه ۱۲۵۳ ـ وفضیلت پناه ملا عبدالرحیم اخند زاده مشتری مذکوراقرار نمود که موازی سی ونه عدد جویه های انگوری محدوده فالمتن مذکوره ازملا رحیم داد نام وملا منصور نام بایعان اینجانب مقرمذکوربه مبلغ بیست وپنج دانه پتکس بوجاغلی فرنگی خریده ام وبعدازعقداول درمجلس ثانی چنان اقرارکرده ام که هرگاه ملا رحیم داد نام وملا منصورنام تمام مبلغ وجه بیع مذکوررا رااوپس به این جانب مقرمذکورپدهند راینجانب مقرمذکوربهمراه ایشان اقاله وفسخ بیع نمایم تحریرتاریخ پانزدهم شهرمذبورسنه ۱۲۵۳

بـــــــود :

فضیلت پناه حافظ ملاعبدالغفار حافظ کلام اللـــــه .

فضیلت پناه ملایار محمداخند علی زائی .

فضیلت پناه ملاجهان داد نورزائی .

ملامهربان توخـی .

حافظ ملاشیرمحمد ولد حافظ عبدالغفار مذکور.

حافظ ملاابوالقاسم ولد حاجی ملامحرم .

ملاسراج الدین ولد ملا کچر بائی زائی .

ملاشمس الدین ولد ملاکچر مذکور .

سیدبایی داد .

ملالعل محمداخندزاده .

ملا عبدالقادر آخند زاده . ولد ملاجمعه اخنـــد .

ملاجان محمد نویسنده .

یادگار ولی محمد قندهاری در کابــل

در زیارت چهارده معصوم در شهر قدیم کابل لوح سنگی موجود ودارای

این عبارت میباشـد .

(سنه یکهزارو دوصد و شصت وشش بود که ظهور زیارت مزار رفیــــض

اثار جناب سید علی اصغر معصوم بن امام محمد باقر و مزار فیض اثـــار

جناب سید سالح بن امام موسی کاظم ومزار فیض اثار جناب الله بــــن

میران بن محمد رضوان الله اجمعین وبه اشارهٔ معصومین ـ ولی محمد

بن گل محمد قندهاری یک سقاء خانه ویک چاه ابه نیاز امام هـا

و معصومین باتمام رسانیده بهرنیت ومراد که ساخته شده حق تعالی

قبول گرداناد) .

ولی محمد خان بن گل محمد خان قندهاری بانی عمارت زیارتگاه معصو

ـ مین موصوف ازمعاصرین عهد شجاع الملک شاه درانی بوده است.

""""""""""""""""

دارالقضاء

در عهد امیردوست محمد خان

در دوره امارت اول و ثانی ان

۱۲۵۴ هـ ق ـ ۱۲۵۹ ـ ۱۲۷۹ هـ ق

وفات مربی الفضـــــلاء (خانملاخان)

ملامحمد سعید خان که در سنه ۱۲۱۷ هجری قمری بفرمان محمود شاه درانی منصب قاضی القضاتیافت ودر دوره ٔ سلطنت ثانی او تائید گردید ودر ۱۲۵٤ قمری و ۱۲۵۹ قمری بفرمان امیر دوست محمد خان نیزتائید گردید واز حضور شجاع الملك شاه مربی الفضلاء لقب یافتــــه بود ه یکصد وبیست سال عمر نمود ودر شهر کابل فوت ودر نزد یك زیارت عاشقان وعارفان علیه الرحمه بخاك سپرده شد ٠

ودرلوح مرقد ش این بیت خوانده میشـــــود :

مربی الفضلا بود خان ملا خان معین دین محمد سعید هردوسرا

تاریخ وفات او معلوم نیست واما اینکه سنه مهر ملاعبدالرحمن پسرش ۱۲۷٦ هجری قمری است معلوم میگردد که محمد سعید خان ملاخان قاضی القضات درهمین سنه فوت شده واین پسر بجای پدر منصب قاضی القضات ولقب خانعلوم وخان ملاخان یافته است ٠

سجع های مهر او حاوی این عبارات در مرور سالیان یکی بعد دیگر مروج بـــــود :

محمد سعید از فضل حق مشهور شد قاضی القضات شاه محمود شـــد

زکلك خامه ٔ تقدیر برنگین قضـــا نوشته اینکه محمد سعید هردو سرا

ملامحمد سعید خان (خان ملاخان) پسر ملامحمد اسمعیل خان اخوند زاده قوم خانحه زائی بارکزائی بود ٠

نائب القضـــاء

طوریکه ازسجع مهرها معلوم میگردد ـ این منصب عالیه ٔ شرعیه ازدور های قبل در دار القضای قندهار وکابل موجود بوده است ۰ مطابـــق ان رسوم عالیه ٔ شرعیه امیردوست محمد خان در سنه ۱۲۶۷ هجـری قمری (۱۲۲۸ هجری شمسی) ملاعبد الرحمن ابن ملا محمد سعید خـان ابن ملا محمد اسمعیل خان بارکزائی راخان علوم لقب داده ونائب القضاء کابـل مقرر نمود ۰ وان عالم شهیر درمهرخود این سجع رابکار بـرد.

ازلطف حق خان علوم دوران

نائب القضای امیردوست عبد الرحمن

سجع های مهررجال این خاندان که مناصب عالیه ٔ قضاء داشتند و ـ دیگرقضات افغانستان دراین کتاب مندرج و شاهداحوال است ۰

" " " " " " "

ملاشهاب الدین

ملاشهاب الدین قاضی مشهور به قاضی شهاب ـ قاضی ناحیه ٔ ـ چنداول شهرکابل درعهد امیردوست محمد خان ۰

مسجد قاضی شهاب ناحیه ٔ چنداول بنام همین شخص و فامیـــل شهاب زاده مربوط ومنسوب بان است ۰

" " " " " " " " " " " " " "

قضات عهد امیر دوست محمد خان

از دوره اول امارت امیر دوست محمد خان یک قباله که بنام سردار محمد اکبر خان پسر او نوشته در دست نویسنده و مؤلف این کتاب موجود است که سراسر نقل آن بعد این سلسله مهرها درج میشود و حال میپردازیم بدرج عبارات مهرها که در عهد امارت او در سنه ۱۲۵۴ قمری و دفعه دوم از سنه ۱۲۵۹ قمری و علی الاکثر از سنه ۱۲۷۲ هجری قمری رائج شده و از اینقرار است :

از لطف حق خان علوم دوران
نائب القضای امیر است عبدالرحمن
۱۲۶۷

• • •

گشت ز معصوم بمعصمت ردیف
قاضی شرع محمد شریف ۱۲۶۴

• • •

خوشم به خدمت دین نبی نه مغمومم
امیر الشرع مسمی بمیر معصومم
۱۲۷۱

• • •

یافت از حق رونق عز و قبول
داروغه عدل محمد رسول
۱۱۷۲

• • •

یافت از نور محمد پرتو نور یقین
تا شده سلطان محمد قاضی شرع مبین

* * *

شد ز امر لم یزل منظور در ارض وسما
عبدالرحمن قاضی القضات شرع مجتهد

* * *

شد ز الطاف حضرت سبحان
مفتی شرع دین میر عثمان

* * *

شد بحکم خدای لم یزل
غلام محمد امین شرع نه
۱۲۷۲

* * *

چون مقرر شد ز عنایات رب العالمین
مفتی شرع رسول الله ابوبکر معین

* * *

حکم شد از خدای حی مجید
کاتب محکمهٔ شرع محمد سعید
۱۲۷۴

* * *

همین تاج برسرزدالله شد

بشرع نبی مفتی. نعمت الله شد

* * *

بعنایات حکم ازل ازلطف وکرم

مفتی شرع نبی گشت محمد اکرم

۱۲۷۲

* * *

یافت تاازامرحق حکم امیرد ین نظام

قاضی القضات اندرشرع رشد عبدالسلام

۱۲۷۲

* * * قاضی القضات قندهار

یامنیر ازشرع شد یاصاحب ارض و سما

هستسعدالدین سعید وقاضی‌الد ین هدا ا

۱۲۷۲

* * *

عبدالحق غلام شد اه مردان

زند برفرق د شمن تیغ بران

۱۲۶۲

* * *

شد زالطاف و عنایات امیرابن امیر

میرسعدالدین سعید وقاضی شرع منیر

۱۲۷۸

* * *

حکم شد از خدای حی مجیـــــد

کاتب محکمهٔ شرع محمد سعید ۱۲۷٤

. . .

تا فضل کردگار د واگر احمد اســـــت

سید فقیر قاضی شرع محمد اســـــت
۱۲٦٩

. . .

وثائق عهد امیر دوست محمد خـان

از مهم ترین اسناد و وثائق دورهٔ امیر دوست محمد خان که تشکیل دار القضا را در کابل نشان میدهد قباله شرعیه اسمی خالقه خانم همسر امیر دوست محمد خان است . که سراسر متن آنرا در تاریخ کابـــل درج نموده ام ومتن این قباله در تاریخ قریه های شینه وکمری کابل ومعرفی نامها نهرخیلی ها باارزش است ودر این کتاب اینک نخست عبارات وسنه های مهرها وبعد متن کابل آنرا از نظرمیگذرانم تا در جزء تاریخ قضاد ر افغانستان حفظ بماند ونامهای رجال باعلم وفضل و ساکنان مناطق فراموش نگـــردد :

شد ز الطاف حضرت عثمـــــان

مفتی شرع دین میرعثمـــان
۱۲٦٩

. . .

خوشم بخدمت دین نه نه مفمومـــــم

امین الشرع مسمی بمیر معصومـــم

میرخان ازفضل احمد چون زدین اگاه شـــــد

زان سبب مفتی شرعش میرفیض الله شـــد

۱۲٤۲

ه ه ه

خادم دین حق چوبد رمنبـــــــــــر

شیخ الاسلام شرع سید میـــــــــر

۱۲٤۲

ه ه ه

تاقیام [illegible] ملت ازامیر بافراســـــــــت

عبدالرحمن قاضی القضات شرع نوراست

ه ه ه

(ذکرحدود همگی وتمامی سی وشش قطعه زمین صالح [illegible]زرعه که مشتمل اند برسیصد ونود وپنج جریب ونوزده بسوه تخمینا ونیز یك قطعه باغ مشتمل براشجار مثمره وغیره وحدود ربند قلعه معموره مشتمل بربیوت متعدده سفلی وعلیا مجموع چوب پوش متصل همدیگر وایضا ـــــ درحجره سفلی متصل همدیگر ونیز دود ربند کاهدان متصل همدیگر مجموع چوب پوش که واقع اند درموضع کمری ونیز یك قطعه زمین صالح الزرعه مشتمل برشصت سیرتخم ریزتخمینا که واقع است درموضع زن اباد ومحدود اند بایشن حدود اراضی واقع موضع کمری مذکور قطعه اول ـ بیست وچهارجریب معه زمین پیش روی قلعه مشهور به باغچه وهر دوکاهدان متصل است همدیگر ـ شرقا متصل است براه عام و بعضی بشاخجوی عام وبعضی بزمین میرجی بن یارخان بن ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰

وبرخی بزمین میرداد بن میران بن محمد بقا و بعضی بزمین محمد
امین بن محمد هاشم بن ملاعالم — غرباً متصل است بدیوار خانه
های کمری مذکور وبعضی براه عام وپاره بزمین میرجی ومیرداد ومحمد
امین مذکورون — شمالاً متصل استبراه عام جنوباً متصل استبه
زمین میرجی ومیرداد ومحمدامین مذکورون وبعضی براه عام وبعضی
بشاخجوی عام — قطعه دوم دوجریب وپنج بسوه تخمیناً معه
شش دره حجره سفلی متصل همدیگر — شرقاً متصل است براه عام —
غرباً متصل است به باغچه یوسف بن ملامیر بن . . . . . وبرخی
بزمین خرابه لائق العمارت عالیجاه سراج الدین اخوند زاده بن
المرحوم . . . . . . شمالاً وجنوباً متصل اند براه عام و بعضی
جنوبی به خانه غلام محی الدین بن حسن خان بن هادی خان —
قطعه سوم ده بسوه وده بسواسه شرقاً وغرباً وشمالاً متصل اند
براه عام — جنوباً متصل است به دیوار خانه . . . . بن
. . . . بن . . . . قطعه چهارم دوجریب
تخمیناً شرقاً متصل است بزمین ملامعین بن ملاشاه زمان بن . .
. . . . . . غرباً شمالاً وجنوباً متصل استبشاخجوی عام
قطعه پنجم پنج جریب تخمیناً شرقاً متصل است بزمین متروکه
یارخان بن یادگارخان — غرباً متصل است بزمین ملا نظام الدین
بن ملاشاه زمان مذکور — شمالاً متصل است بشاخجوی عام و بعضی
بزمین عالیحضرت میرزا ابراهیم خان منشی باشی بن امرحوم میرزا نور
محمد جنوباً کفرها — قطعه هفتم چهارجریب تخمیناً شرقاً متصل
است بزمین موقوفه اقا نهکوخواجه سرای — غرباً متصل است براه عام

وزمین وقف شمالاً متصل است براه عام وجوی عام ـ جنوباً متصل است بزمین سید حسین بن عبدالحسین ـ قطعه ٔ هشتم چهار جریب تخمیناً شرقاً متصل است بزمین ملا معین مذکور غرباً متصل است کشرقها ـ قطعه ٔ نهم شش جریب تخمیناً شرقاً متصل است بزمین وقف مسجد جمعه ـ شمالاً متصل است بشاخجوی عام وراه عام جنوباً متصل است کشرقها ـ قطعه ٔ نهم شش جریب تخمیناً ـ رزاً شرقاً غرباً و جنوباً متصل اند بشاخجوی عام وبعضی ازغربی براه عام ـ شمالاً متصل است ایضاً براه عام قطعه ٔ دهم بیست و شش جریب تخمیناً شرقاً متصل است معه ٔ جنوبی براه عام ـ غرباً متصل است بشاخجوی عام ـ شمالاً متصل است بشاخجوی عام شمالاً متصل است ایضاً بشاخجوی عام وراه عام ـ قطعه ٔ یازدهم پنج جریب وده بسوه شرقاً متصل است بزمین یارمحمد خان بن خان محمد بن ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ غرباً متصل است بزمین غلام کمری واار بن غیرت خان بن ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ شمالاً متصل است بزمین خرابه ٔ خدایرحم بن کتب بیان ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ جنوباً کشمالها ـ قطعه ٔ دوازدهم نود ود جریب تخمیناً شرقاً متصل است بحریم شینه وبعضی بزمین خواجه محمد بن تاج محمد بن محمد سعید ـ غرباً متصل است بدریای لهو گرد وبعضی بزمین حجی بن حسین بن ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ شمالاً متصل است بزمین متروکه ٔ مصطفی خان بن یارمحمد خان وبعضی به ابریزه ٔ مردم شینه ـ جنوباً متصل است بزمین خواجه محمد مذکور وشاخجوی عام قطعه ٔ سیزدهم پانزده جریب تخمیناً شرقاً متصل است بحریم نهر کمری مذکور ـ غرباً متصل است بزمین شهباز بن ملا هاشم و بعضی

بزمین متروکه • رحمن بن دا نیا ل ــ شمالاً متصل است کشرقیها وبعضی
بزمین متروکه • رحمن مذکور ــ جنوباً متصل است بزمین علی جا ن بن
علی محمد بن ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ وبعضی بزمین شهبا زمذکور ــ قطعه • چهار
دهم یک جریب تخمیناً شرقاً متصل است بشاخجوی عام ــ غرباً متصل
است معه • شمالی بزمین میرزا ابراهیم خان منشی باشی مذکــــور
جنوباً متصل است بشاخجوی عام ــ قطعه • پانزدهم دوازده جریب
تخمیناً شرقاً وجنوباً متصل است بدریای لهوگرد مذکور ــ غربـــاً
متصل است بزمین محمدزمان بن محمد شاه بن ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ شمالاً
کغربیها وبعضی به چمن محمود بن عبدالعزیزاقطعه • شانزدهم پنج
جریب تخمیناً تحت جوی شیوکی شرقاً متصل است براه عام وگریزا ب
عام غرباً متصل است بچمن شاهی شمالاً متصل است بزمین ملا معین مذ
ــ کور قطعه • هفدهم چهار جریب تخمیناً تحت نهر کمری شرقاً متصل
بشاخجوی غرباً وشمالاً متصل اند بزمین رسول بن غیرت خان مذکور
جنوباً متصل است بجوی عام قطعه • هژدهم چهار جریب تخمیناً شرقاً
متصل است براه عام وزمین ملا معین مذکورغرباً متصل است بزمین وقف
ملا نسیم غیر مذکور ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ شمالاً متصل است به نهــــر
شیوکی مذکور جنوباً متصل است بشاخجوی عام وبعضی شرقی بزمین امیر
گل بن میاگل ــ قطعه • بیست ودوم هژده جریب تخمیناً شرقاً متصل
تخمیناً شرقاً متصل است بزمین موقوفه • خدابخش بن ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰
وبعضی بزمین محمد غوث بن محمد اکبر غرباً متصل است بشاخجوی عام
شمالاً متصل است به نهر شیوکی مذکور وبرخی بزمین محمد وبن وبیرمحمد
جنوباً متصل است به نهر شیوکی مذکور قطعه • بیست وسوم چهـــار

جریب وپنج بسوه تخمیناً شرقاً متصل است بزمین غیاث بن حاجی محمد بن پاینده محمد غرباً پیوسته است بزمین ملك نصیرخان بن یوسف بن غفور شمالاً متصل است بشاخجوی عام قطعه بیست وچهارم سه جریب دوازده بسوه تخمیناً شرقاً متصل است بزمین سید حسین مذکور غرباً متصل است بزمین میانجی بن میران وبعضی بشاخجوی عام شمالاً براه عام جنوباً متصل است به نهرکمری مذکور قطعهٔ بیست وپنجم سی جریب تخمیناً شرقاً متصل است براه پاوه غرباً متصل است براه عام شمالاً متصل است بچمن عام جنوباً متصل است بچمن محمود مذکور.

قطعهٔ بیست وششم سه جریب تخمیناً تحد ،جوی شیوه کی شرقاً متصل است بجوی شیوکی مذکور غرباً متصل است به با_ شاهی شمالاً متصل بشاخجوی عام جنوباً متصل است بزمین میراحمد -ان بن محمد خان بن محمد امین خان ــ قطعه بیست وهفتم ده جریب تخمیناً شرقاً متصل است بزمین عطاءالله بن فتح الله بن عالم خان وبعضی براه عام غرباً متصل است بشاخجوی عام شمالاً متصل است به نهرشینه جنوباً متصل است براه عام وشاخجوی عام ــ

قطعهٔ بیست وهشتم . . . . . تخمیناً شرقاً متصل است بزمین عیسی خان بن اسمعیل خان بن موسی خان وبعضی بزمین خضرخان ــ بن اعظم خان غرباً بشاخجوی عام وبعضی بزمین استاد میراحمد نجار شمالاً متصل است به نهرشیوکی جنوباً متصل است به نهرکمری.

قطعهٔ بیست ونهم نه جریب تخمیناً شرقاً متصل است بزمین وقف غرباً متصل بزمین ملاقمرالدین اخندزاده بن ملاشا همردان شمالاً براهعام

وبه نهرشیوکی جنوباً متصل است بزمین متروکهٔ مرحمت پناه خواجه جبیب الله مفتی و بعضی به شاخجوی عام ــ قطعهٔ سیوم شش جریب تخمیناً شرقاً متصل است بزمین پاینده محمد بن خشی اندری غرباً متصل است بزمین رسول مذکور شمالاً براه عام جنوباً کشمالها قطعه سی ویکم شش جریب تخمیناً شرقاً متصل است بزمین امیرگل مذکور وبرخی براه عام غرباً متصل است بجوی شیوکی مذکور شمالاً بزمین وقف مذکور جنوباً بزمین پاینده محمد مذکورو راه عام قطعهٔ سی ودوم د وجریب وده بسوه تخمیناً شرقاً متصل است بزمین ملا امیر بن عاشور بیگ غرباً بزمین صالح محمد بن فقیرمحمد بن ٠ ٠٠٠٠٠ شمالاً بجوی شیوکی مذکورجنوباً بشاخجوی عام قطعه سی وسوم بیست وشش جریب ــ تخمیناً شرقاً متصل است بزمین امیرگل مذکور غرباً بزمین پاینده محمد بن ملا ولی بن محمد سعید وبعضی براه عام شمالاً متصل است براه عام جنوباً بشاخجوی عام ــ

قطعهٔ سی وچهارم نه جریب تخمیناً شرقاً و شمالاً متصل اند بزمین غلام محمد خان بن لعرب خان وبعضی بشاخجوی زمین غلام محمد خان مذ ــ کورجنوباً بزمین کبیرافغان حد ود باغ مذکورشرقاً وغرباً و شمالاً وجنوباً متصل اند براه عام حد ود د ود ربند قلعه متصل همدیگر شرقاً وغرباً و شمالاً و جنوباً متصل اند براه عام حد ود یك قطعه زمین واقع موضع زن اباد اباد مذکور شرقاً متصل است بجوی شیوکی مذکور غرباً متصل است براه عام شمالاً متصل است بزمین غلام محمد خان مذکور جنوباً متصل است بزمین متروکهٔ محمد شاه خان بن محمد خان مذکور بجمیع حقوق هــا ومرافقها ٠

درتاریح هفدهم شهرصفرالمظفر سنه ۱۲۷۸ یکهزار ودوصد و هفتاد
وهشت بود که اقرار معتبرشرعی نمود ند عالیجاهان رفیع جایگاهان
سردارمحمد رفیق خان بن مرحمت پناه ملاعبدالله اخوند زاده و
بهرام خان بن مرحمت پناه محمد جان خان بن المرحوم . . . .
جبار خیل برینوجه که فروخته اند بطریق علی السویه وبه بیع
بات بتات قطعی صحیح شرعی جازمی لازمی خالیاء عن مواضعه
العقد وعاریاء عن مواعده الفسخ والوظ به علیاجناب عصمت وعفت
ماب مسماه خالته خانم بنت مرحمت پناه سردار احمد خان جبار
خیل والده ٔ عالیجاه معلی جایگاه سردارمحمد یوسف خان همگی
وتمامی ربع مشاع محدودات مذکورات فی لسدر(۱) حق و ملك خود رابه
جمیع حقوق ها ومرافقها وتزابعات ولواحقات انها دربدل مبلغ چهار
هزار ربع انصد روپیه ٔ پخته هرواحد سه عباسی گی سفید رایجه الوقت
جید تمام الوزن که نصف ان مبلغ دوهزار ودوصد و پنجاه روپیهٔ موصوفه
میباشد که بایعان مذکورون بقرار علی السویه مبلغ مذکوررا تمام و
کمال ازتسلیم میرگل خان بن ملا خضرت نوربن ملا خواجه نوروکیل
مراثه ٔ مذکوره البنات غلام بن شیرمحمد خان بن گل محمد خان و
حید رقلی بن محمد خان بیگ بن فضل علی بیگ اخذ و قبض شرعی نمود ند
که وامی ود رهمی الی دینار اغرباقی نمانده و بایعان مذکورون از
دعوی اقرار بکذب وکره وهزل تلجیه ورهن وبیع جائز وبیع فاسد وغبن
فاحش مع التعزیر وعدم اخذ تمام مبلغ مزبور ووعده ٔ فسخ بیع عند اعطاء
ثمن وازجمیع خیارات ومفسخات عقد وکلما یمنع جوازالبیع وصحته الا لمر
قرار خود ها طوعاء بلا اکراه ابرا نمود ند وکیل مشتری مذکوره قبول ایجاب

وقبول ابراء انها را نمود وکان ذالك بمحضر المسلمین الحاضرین والثقات) .

ه ه ه

(اقرار معتبر شرعی نمود عالیجاه خواجه محمد خان ولد مرحوم محمد خان ولد مرحوم محمد امین خان برینوجه که مبیعه مذکوره و ملك خود بایعا بایعان مذکوران است تا این زمان بیع در نزد استحقاق شرعی ضامن درك از برای مشتری مذکور که ضمانه از مال خالصه خود بدهم ومقر مذکور از دعوی اقرار بکذب وکره وهزل در این اقرار خود ابراء نمود شد و مشتری مذکور قبول نمـــود) .

عالیجاه خان عصمت الله خان — عبدالله خان ولد جانگل خان — نائب اسد خان علی محمد خان امیرا خور — ارصلاح خان — ملا محمد گل ملك عباس — ملك مقام خان — عطاء محمد خان — ملك محسن .

ه ه ه

---

(۱) سردار محمد یوسف خان وسردار عمر محمد خان دو برادر سکه پسران خالته خانم دختر خان قوم جبار خیل بود ند . سردار محمد یوسف خان ابن امیر دوست محمد خان در قلعه منهال چهاردهی اقامت داشت ودر سنه ۱۲۳۴ هجری قمری وفات یافت ودر جوار همان قلعه بخاك سپرده شد . مفصل سوانح او را اولاد واحفاد شرا در ملحقات تاریخ الثانیه نوشته ام .

قاضی القضات وچهار نفر اعضاء دار القضا که در بالای قباله مهر کرده اند
در ختم قباله نیز مهر پنج نفر مهر کرده اند . قباله مذکور که در
تاریخ (۱۷) شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۸ هجری قمری در دار القضا
ی کابل نوشته شده سنه مذکور مطابق سال ۱۲۳۹ هجری شمسی

وموافق ۱۸۶۰ میلادی عیسوی است که تا این وقت تحریر کتاب تاریخ
قضا یک صد وبیست وهشت سال بحساب شمسی ازان میگذرد .

این قباله برعلاوه ارتباطی که در تاریخ قضا در افغانستان دارد در
تاریخ کابل در دوره جدید وبالخصوص تاریخ قریه های شینه وکمری و
معرفی عده یی از رجال رسمی وشخصیت های قومی از لحاظ معرفی نام
های زمینداران و قیمت زمین که سه صد و نود و پنج جریب ونزده بسوه
به مبلغ چهار هزار و پنجصد روپیه خریده شده است معیاری ولی
وهم طرز تعد قین اعضاء محاکم شرعیه ووضع زندگانی اجتماعی وتمدن
آن دوره را نیز مانند یک کتاب تاریخ نشان میدهند وان ساحه از مدتی
استکه در تصرف حکومت میباشد و فارم ستان زراعتی تشکیل شده است

اصل ورقه قباله در سال ۱۳۴۶ شمسی در اوقاتی که مصروف ترتیب تاریخ دو قرن اخیر بودم از طرف سردار محمد کبیر خان اصغرین پسر
سردار محمد یوسف خان ابن امیر دوست محمد خان برای درج تاریخ
بدست استفاده . اینجا نسب :

عزیز الدین وکیلی پوپلزائی سپرده شد و مذکور از دوستان صمیمی پدرم
ودر اوائل برج جدی سال ۱۳۵۱ شمسی در شهر کابل وفات یافت ودر جوار
مرقد پدر خود واقع قلعه منهال بخاک سپرده شد . وگفت : د...

... بدرهمراه ن فراه بود بامسماه بی بی ملوك دختر خان فــرا ه
ازدواج نمود ومن ازان محترمه بد نیاامده ام وجده ام دخترخان ــ
جبارخیل است . و...انكه متن قباله حاوی معلومات میباشد .

""""""""""""""""""""""

قاضی القضات قندهار

ملاعبدالسلام خان (دومین پسرملامحمد سعید خان خانعلوم قاضی القضات)

درسنه ۱۲۷۲ هجری قمری قاضی قندهار مقررشد ومهرقضااو باین
عبارت بنظراینجانب وکیلی پوپلزائی دریك وثیقه شرعیه رسیده است:

خاك پای تو یا رسول انام سرمه هرد وچشم عبدالسلام

۱۲۷۲.

• • •

درسنه مذکورحین ورود امیردوست محمد خان درقندهار (قاضی القضات
قندهار مقررگردید ودراین دوره اینطورسجع مهر برخود گرفت:

یافت تا ازامرحق حکم امیردین نظام
قاضی القضات قندهار شد عبدالسلام

۱۲۷۲

دارالقضای قندهار تااین عهد دروثائق شرعیه بعبارت:
(دارالقضای حضور لامع النور فاخره اشرف البلاد احمد شاهی) نوشته
میشد تادیرزمان دیگرنیزمروج بود .

د وسجع مهرا زقضات محکمه ٔ قند ها ر این عبارات ازوثائق به نظـــر رسیده است :

یافت ازحق رونق عزوقبول   داروغه ٔعدل محمد رسول ۱۲۷۲

ه ه ه

شد بحکم خدای لم یزلـــی   غلام محمد امین شرع نبی ۱۲۷۲

ه ه ه

ازقاضی عبدالسلام خان سه پسر : قاضی نورالدین ـ قاضی شمس الدین ـ عبدالعظیم خان بجاماندند ۰

" " " " " " " " " " " "

شیخ الاسلام قندهـــار

د رعهد امیردوست محمـــــد خـــان

امیردوست محمد خان د رسنه ۱۲۷۲ هجری قمری ـ ملا یوسف خـان فوفلزائی را شیخ الاسلام قندهار مقرر نمود وعالم موصوف د رسجع مهــر خود این عبارت را بکار برد :

شد بحکم من لم یکن له ٔ کـــف   شیخ الاسلام محمد یوســـف ۱۲۷۲

این خاندان ازعهد اعلیحضرت احمد شاه د ر دران د رقندهار خطاب شیخ الاسلام داشتند ۰ ود راین کتاب تشریح شده است ۰

" " " " " " " " " " " " " " " " " "
" " " " " " " " " " " " " " " " " "
" " " " " " " " " " " " " " " " " "

دارالقضای جلال اباد

مرکزولایت ننگرهار

ازسال اول تاسیس دولت امپراتوری درانی (۱۱۶۰ قمری ــ ۱۱۲۶ شمسی) درجلال اباد مرکزولایت ننگرهار که ولایات کنرها و لغمان نیز مربوط این مرکزبود مانند دیگرمراکزولایات معروف شامل قلمرو افغانستان دارالقضا تاسیس گردید. وبفرمان دولت افغانستان قاضی و مفتی مقرر وشروع بکار نموده اند. واما دراین وقت تحریر کتاب هذا چون ازاسناد و وثائق قدیم محکمه شرعیه جلال اباد موجود نبود ازاسماء قضات دارا لقضای انجا که درمدت (۷۸) سال قبل خدمت علم وعدل نموده اند نمیتوان بیان کرد واما قضات محترمی که ازسنه ۱۲۳۸ هجری قمری مقرر شده باشند باستناد سنه های مهرها ومتن قباله شرعیه یی که در دست است میتوان توضیح کرد واینک سراپا نقل قباله شرعیه راکه درسنه ۱۲۵۴ هجری قمری مطابق بسال اول امارت اول امیردوست محمد خان نوشته شده واین وقت سردار محمد اکبر خان حکمران جلال اباد وسمت های مربوط ان بوده است. واین سند در دست نویسنده این کتاب قرار دارد می پردازم :

خادم شرع نبی احمد میر

المتوکل علی الله القدیر

خادم شرع محمد کبیر ۱۲۳۱

عبده حضرت امیر

۱۲۳۲

وافوض امری الی الله

طفیل غوث معروف پیر پیران

نجاتم ده زاتش های نیران

۱۲۳۸

وافوض امری الی اللــــــــه

خادم شرع نبی بد رمنیـــــــر

قاضی میراحمد ابن احمد میـــــر

۱۲۳۸

(د رتاریسح هفتم شهرجماد ی الثانی سنه ۱۲۵٤ بود که اقرار معتبر صحیح شرعی نمود ند هریك محمد میراصاله ازقبل خود و سید میر بنار عزت قوم تابی خیل اصاله ازقبل خود ووکاله ازقبل مسماه خان بیگم و حیربا نووالده وهمشیره ٔ خود ووصالیته ٔ وولایته ٔ ازقبل اح اعیانی خود صورت میرمنصب من له نصب لویا قوم وساکنون تابی خیل من توابعه ٔ کج امان من محال سرح رود حال جوازاقرارهما شرعا ٔ بد ینوجه که فروخته اند به بیع بات بتات بقطعی بدست سردارکثیرالاقتدار جناب عالی متعالی سردارمحمد اکبرخان ابن جناب اشرف اعلی امیرالمومنین د وست محمد خان همگی وتمامی موازی هشت قطعه زمین مشتمل بر سی ود وجریب ونه ونیم بسوه حق وملك خود ها را که واقع است د رموضع مذکور ومحد ود است بد ین حد ود اربعــــــه :

قطعه اول شرقا ٔ وجنوبا ٔ متصل است بزمین حاجی علی محمد غربـا ٔ وشمالا ٔ متصل است بجوی عام قطعه دوم شرقا ٔ متصل است بزمین حاجی مذکور غربا ٔ وجنوبا ٔ متصل است بزمین ورثه های ملك یوسف ملك د ین خیل ـ شمالا ٔ متصل است بجوی عام ـ

قطعه سوم شرقا ٔ وشمالا ٔ پیوسته است بجوی عام ـ غربا ٔ و جنوبا ٔ ـ پیوسته است بشاخجوی .

قطعه ٔ چهارم شرقا ٔ وغربا ٔ و جنوبا ٔ متصل است بزمین های ورثه های

ملك یوسف مذکور شمالاً متصل است بشاخجوی.

قطعه پنجم شرقاً متصل است بزمین حاجی مذکور وشمالاً متصل است بخرابه ا بایعان مذکوران غرباً متصل است بزمین مشتری مذکور جنوباً متصل است بجوی عام.

قطعه ششم شرقاً وشمالاً متصل است برود سرح اب غرباً متصل است بزمین فقیرمحمد بن تاج محمد ـ جنوباً پیوسته است بزمین ورثهای ملك یوسف وپاره بفاصل آبه اسیا.

قطعه هفتم شرقاً متصل استبزمین حاجی علی محمدمذکور غرباً متصل استبزمین حاجی مذکور وپاره بزمین تورعلی مردانهنان الله یار ـ شمالاً متصل است بدامنه کوه ـ جنوباً متصل است بدریاب سرح اب

قطعه هشتم شرقاً متصل است بزمین حاجی مذکور ـ غرباً وجنوباً متصل استبرود سرح اب شمالاً متصل است بزمین تورومردان بنان الله یار فواصل درکل حدود وعلامات که ظاهراست بجمیع حقوق و مرافقش بمبلغ سی ودوتومان ونه ونیم روپیه چهل و چهار اوی جید رائج الوقت که النصف منه مبلغ شانزده تومان و پاوکم پنج روپیه موصوفه میشود مع التقابض مخبرالعدلین من الجانبین بمحضر من الثقات رلـ والحدول کان ذلك من مقران مذکور د راین اقرار ازکذب اقرار وفساد عقد وبیع بکره وبیع تلجیه وعدم استیفا ثمن ابراء تام وتام نمود ند وکان ذلك من شهود مافیه گواه شد ملك بهرام خان گواه شد ملا عالمگیر اخوند زاده ـ گواه شد میرباز خان ملك بهرام خان ـ گواه شد طره بازخان ادرم زبی ـ گواه شد محمد رحیم ابن اعظم ـ

گواه شد سردار ابن موزه ؛ گواه شد گل محمد ابن نورمحمد — گواه
شاهزاده ابن خانزاده .

قلعه جلال اباد در سنه ۱۲۰۳ هجری قمری توسط شهداد خان
حاکم ومستاجر الکای جلال اباد مجدداً تعمیرگردیده و در احداث چهار
باغ انجا توجه بعمل امد وهفتاد تومان روپیه صرف تعمیرقلعه مذکور
گردیده — محکمه ٔ شرعیه ٔ جلال اباد در داخل قلعه قرارداشت .
انچه بتاریخ قضا ارتباط داشت بهمین قدر اکتفا گردیده وبقیه ٔ توضیحات
مربوط به تاریخ اداری واجتماعی ان عهد است . وناگفته نگذارد که
سید جمال الدین افغانی در سنه ۱۲۵٤ قمری یعنی درسال تحریر
همین قباله در اسداباد کنرپیدا امده است .
امیردوست محمد خان دفعه ٔ اول در سنه ۱۲۵٤ قمری به امارت رسیده
ودرسنه ۱۲۵۵ قمری خلع گردیده ودراین مدت دوسال سردار محمد
اکبرخان غازی حکمران سمت مشرقی بود . (وکیلی پوپلزائی)

. . . .

اقرارنامهٔ شرعیــــــه

خانه زاد پادشاه غـــازی

اعزالله محمد شـــاه ...

محمد افضل شاهد شــد

(درتاریخ (۱٤) شهرجمادی الاول سنه ۱۲۷۳ یکهزار و دو صد و هفتاد وسه بود که اقرار معتبر شرعی نمودند هریک رشید خـان ولد مرحوم ملا امیرخان وغلام محمد ولد مرحوم حید ربیگ وعبدالله ولـــد مرحوم حبیب الله ساکنون کلکان برا ینوجه که چون دو سهم از پنج سهم یک قطعه زمین صالح الزرع و قابل التفریس واقع املاک قلعهٔ باغبوس را که مشتمل است مجموعه بریکنیم خروار تخم تحمینا بذر افشان از نزد ها ـ لیجاه رفیع جایگاه حاجی الحرمین الشریفین المحترمین حاجی رحمت الله خان ساکن لچکان به مبلغ سه صد روپیهٔ سفید رایجه الوقت چار پاوی ده شاهی جید تمام الوزن که نصف یکصد و پنجاه روپیهٔ موصوفه هرواحدان میشود به بیع بات نباتقطعی صحیح شرعی شرع نموده ایم وعوض مبلغ مذکور در مدت پنج سال خود ها رافی نفر بیست روپیهٔ خامی در هرسالی مقرر نموده ایم که در مدت مذکور بحکمالها خدمت متعارف و معتاد الناس راچنانچه دیوار اطراف واکناف کل زمین مذکور راکه معلوم المحدود فی القباله است سه موره معهٔ پرچال واصل سنگ در ان ـ نشانده وباشاخ وشاخک وبیل داری وابداری وجمیع خدمات ازمـــن هذا الی غایت مدت مقرری مذکورکه در سنوات خمسهٔ کامله میباشـد بسعی تمام جهد نموده بقدر الواسع تکامل ننموده بفضل الهی انگاه

انشاءالله تعالی که تاکهای مذکوره بقیام رسیده مثمر میــــــگردد وبعد ازانقضاء تمام مدت مذکوره حصه ٔ خودها را هریك قابض ومتصرف خواهیم شــــد وازاقرار مقرری حسب الفرمایش سرموی تخلف و تجاوز موجب بازخواست خداوندی وسیاه رویی ابدی خواهد(بود وکان ذلك من المحققین ثقات عدله ٔ) ۰

ه ه ه

(عالیجاه فتح الله خان ــ سیادت پناه میررحمت الله خان ــ محسن ولد منصورکارنده ــ امان الله نجارکارنده ــ جان محمد ولد یارمحمد لچکان ۰ شرافت پناه خواجه عبدالغفارــ عالیشان ملــك اغا ــ ملاخدانظر کلکانی ــ ملابیگ محمد ــ) ۰

ه ه ه

سنه ۱۲۷۳ هجری قمری مطابق ۱۲۳٤ هجری شمسی است ۰ وقاضی این وقت محکمه ٔ شرعیه ٔ کوهدامان ملامحمدشاه نام داشته اســــت ۰

....

صلح نامچه شرعی

د رسنه ۱۲۷٤ هجری قمری (مطابق سال ۱۲۳۵ هجری شمسی)

د ردارالقضای قندهار صلح نامچه شرعی به مهرقاضی القضات ملا عبدالسلام خان و مفتی ملا اکرم خان وملا محمد سعید کاتب محکمهٔ شرعیه اعتبار وانفاذ یافته واین وثیقه چون حاوی معلومات گوناگون ومتذکر اسمآ عده ئی ازعلماء بزرگ قندهاری می باشد .

عبارات وسنوات مهرها ومتن وثیقهٔ صلح نامچه شرعی سراسر نقل ودرج این کتاب تاریخ قضاد رافغانستان میشود :

افوض امری الی الله .

حکم شدازخدای حی مجید

کاتب محکمهٔ شرع محمد سعید

۱۲۷٤

فاحکم بین الناس بالحق

بعنایات حکیم ازل زلطف وکرم

مفتی شرع نبی گشت محمد اکرم

۱۲۷۲

فاحکم بین الناس بالحق

یافت تا از امرحق حکم امیرد ین نظام

قاضی القضات اند ر شرع شد عبدالسلام

۱۲۷۲

بتاریخ نهم شهر رجب المرجب سنه ۱۲۷٤ یکهزار و دوصد و هفتاد و چهار بود از هجرت نبوی صلی الله علیه وسلم که حاضر امسند دار القضای حضور لامع النور فاخره احمد شاهی فضیلت پناه ملا غلام محمد اخند زاده بن المرحوم مغفور ملا عظیم اخند زاده بن غفران پناه ملا نصرالله اخوند زاده قوم الکوزئی که وکیل عام شرعی بود از قبل مسماه گل بخت نام بنت شیخ الاسلام ملا رحمت الله اخوند بن المرحوم مغفور قاضی القضات قاضی عبدالرسول اخوند قوم فوفلزائی بشهادت هریک ملا محمد سعید اخوند زاده بن المرحوم مغفور ملا جورد اخوند بن مرحمت پناه ملا نورمحمد اخوند قوم فوفلزائی وملا عطا محمد نام محتسب بن المرحوم ملا انعام اخوند بن ملا رحیم اخوند قوم نورزائی مدعی و باخود حاضر اورد ند ملا یوسف اخوند زاده شیخ الاسلام بن المرحوم مغفور ملا خیر و اخوند زاده بن مرحمت پناه ملا رحمت الله نام مذکور قوم فوفلزائی ومدعی علیه پس مدعی مذکور بر مدعی علیه مذکور چنان دعوا نمود ند که عبدالرحمن اخوند زاده بن ملا رحمت الله اخوند زاده مذکور که برادر علاتی موکله اینجانب می باشد در شهر جلال اباد وفات یافته واز وی چیزی از ترکه مانده ونصف ازترکه وی حق موکله اینجانب میشود وبعض ازترکه وی یک قطعه باغ واقع قریه کاریز علیا محدود است بدین حدود اربعه مفصله ذیل :

شرقاً متصل است به حویلی عبدالله خان بارکزائی محمد زئی

غرباً متصل است نهر به باغ عبدالله خان مذکور

شمالاً متصل است بعضی به باغ سلطان محمد خان بارکزئی الکوزئی
وبعضی بباغ . . . . . . جنوباً متصل است بزمین خالصه الکوزئی
و مبلغ سی وپنج تومان روپیه پخته نقد که ازنزد رهونام بن رسول
نام قوم الکوزئی یک قطعه باغ به بیع جایز خریده بود ومبلغ چهل
و دوروپیه ضرب کابلی که بالای عالیجاه عبدالظاهر خان بن الوخان
قرض بـــود و موازی دونیم پتکی سرخ هژده نخودی که بالای مـــلا
عبدالرحمن قوم مهمند زئی مدعی علیه مذکور متصرف ترکه وی شده الحال
حصه موکله خود را ازنزد مدعی علیه مذکور مطالبه مینمائیم نمیدهد
چونکه ازمدعی علیه مذکور پرسیده شد درجواب وی چنان گفتند کـه
متصرف ترکه اوی شده ام اما حصه موکله وی را داده ام ازباغ ونقود
وبالای اینجانب ازموکله او چیزی نمی ماند ه چونکه ثانیاً ازمدعـــی
مذکور پرسیده شد درجواب انکار مطلق نمود ـــ پس چونکه دعوای انها
بطول می انجامید و متقضی به نزاع وفساد میشد چند نفر مسلمین خیـــر
اندیش مصلحت کیشدرمیان ایشان چنان مصالحه نمود ند که مدعی علـ
علیه مذکورمبلغ پنج تومان روپیه پخته قندهاری درو جه مدعی مذکور
بدهد ومدعی مذکور ازقبل موکله خود باقی ازهردعوای شرعیه وعرفیه ابراء
عام وتام نماید ـــ چونکه جانبین همین مصالحه را اخذ و قبض شرعی
نمود که دایرود رهمی الی دینار اخرباقی نمانده .ومدعی مذکور ازقبل موکله
خود ازباقی دعوای شرعیه وعرفیه ابراء عام وتام نمود ومدعی مذکورا براء ا
را برای خود قبول نمود این چند کلمه بطریق صلح نامچه قلمی گردیـــد
که ثانی الحال سند قوی بوده باشـــــــــد) .

خوانین درانی قدیما زجاید اد موروثی وشخصی خود قسمتی را برای ـ مدرسین وطالب العلمان علوم دینیه وقف می کردند ازجمله ایـــن موقوفات این یك سندی که بدست امد متن ان درج تاریخ میگردد :

• • •

(بعد الحمد الصلواه ـ باعث برتحریر وتسطیراین کلمات شرعته القواعد والا رکان انست که حاضرشد عالیجاه رفیع جایگاه سربلند خان ابـــن عالیجاه رفیع جایگاه خیرالحاج حاجی مرزاخان درانی الکوزائی ووقـف موید وحبس مخلد نمود محضاً لله وابتغاء لمرضاته همگی وتمامـــی موازی د وجریب ابوا راضی ابتیاعی خود راکه رقع است ربورت مشهور به چهاربرجك ومحدود است بحدین حدود شرقاً باراضی عبدالله وکول مهربان ـ غرباً باراضی عالیجاه مشارالیه شمالاً بکوه عام ـ جنوباً باراضی ادم خان وملاعبدالرحیم باکافه ملحقات شرعیه ومنضمات عرفیه ازممرومدخـل وشرب وشارب وابراء وپاراه و کلمایتعلق بها من القلیل الی الکثیر خارجاً عنها ودرخلا فیها ودرتحت تصرف وقید تملك خود اخراج نمود وچونکه فضیلت وکمالات اکتساب ملا رسول ولد مرحوم ملاعثمان مـرد متدین وطالب العلم ومجاری احوالش بتقوی اراسته وپیراسته اســت بنابران مقررکردند کـه امرتولیت اراضی مزبورمتعلق به فضیلت پناه مشارالیه باشد که همه ساله اراضی مذکور رامزروع ومنسق داشتـــه منافع انراصرف مایحتاج خود نماید وفارغ البال بدرس وتدریس مشغول باشـــد ودراوقات مرحوم ازخداوندا حدعزاسمه خیراتدار یـــن

ووقف معظم اليه راه ح‌لت نماید وا راضی مذکوررا بوجه وقفیت تصـــرف نماید بحیث لا یباغ ولا ممدك ولا یوهب ولا برهن الی الابد الاباد فمـــن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الدین یبدلونه تحریر فی شهـــر رمضان المبارك سنه ۱۲۷۳)

سربلنـــد ۱۲۷۲

جهان روشن است زنور محمد

۱۲۲۲

نیك محمـــد ۱۲۷۳ یا محمد

محمد کابلی

ترتیب وثیقه از طرف دار القضاء کابل

در سنه ۱۲۴۲ قمری در این وقتی که ولایات افغانستان بین پسران سردار پاینده محمد خان بارکزائی تقسیم و اختلافات خاندانی بین برادران رخ داده بود. شجاع الملک درانی پادشاه سابق در وقتی که قصد لشکرکشی به جانب کابل نمود. امیر دوست محمد خان قضات و مفتیان دار القضای کابل را گفت که وثیقه همدرین مورد ترتیب بدهند و چنین وانمود کنند که :

شجاع الملک بهمراه فوج کفار قصد ورود جانب کابل دارد. اعضای دار القضای کابل وثیقه ترتیب داده مهر کردند. و یکی از ان ورقه ها در نزد خاندان طبیب های گذر بارانه کابل باقی مانده. و نگارنده این کتاب تاریخ قضا در افغانستان ان وثیقه را بتاریخ دوشنبه (۸) برج سرطان سال هزار و سه صد و شصت هجری شمسی که از طرف داکتر عبد الهادی (ابن میرزا عبد الفتاح طبیب ابن میرزا عبد القادر طبیب ابن میرزا لعل محمد طبیب) برای اینجانب (عزیز الدین وکیلی پوپلزائی) ارائه نمود ملاحظه کردم.

• • •

تفصیل گزارش از این قرار است که چون شجاع الملک شاه در سنه ۱۲۵۶ هجری قمری وارد کابل شد قاضی القضات ملا محمد سعید خان بارکزائی که اقدام به مشورت و یا به همکاری او بعمل امده بود. خائف گردید. شجاع الملک شاه گفت : خائف و هراسان نباشید ما را بسر صلح واشتی با گروه علماء همیشه در پیش است حقوق

وامتیازات علمی و قضائی اورا وجمیع علماء دارالقضای کابل راکه دران وثیقه مهر کرده بودند برحال گذاشت وبزرگواری علمی خود را ثابت نمود دریک فرمان شجاع الملک شاه نیزبعنوان ملامحمد سعیدخان مطالبی بنظررسیده است . سنه های دومهر ملامحمد سعید خان قاضی القضات که ۱۲۵۸ قمری حک شده در وثائق دیده میشود .

ترتیب این وثیقه بمحراعضاء دارالقضاء ثابت نمود که بدین وسیله میخواستند اهالی افغانستان را دار ابرابرشجاع ملک شاه انتقام جوی برانگیزند - چون در فوج مذکور مردم یوسف زائی بنگش - ختک - وزیری درانی - غلزائی قندهار و نیز مردم بلوچ ومغل شامل تعداد مجموع ان تاهشتاد هزاروارد کابل شد ند - اینکه افواج اوراعموماء فرنگی وهند و یاد کرده بودند موجب آزردگی واقع گردید وگفته شد چون در مهرهریک اعضاء دارالقضاء آیات قران کریم زینت بخش می باشد خلاف ورزی بزرگ بعمل امده است واقوام مذکور را نگذاشت که ازمهر کننده گان انتقام بگیرند وگفت : اینها مجبوربود ند .

"""""""""""""""""""""

دارالقضاء درافغانستان

درعهد امیرشیرعلی خان

دردوره امارت اول وثانی ان

۱۲۸۰ - ۱۲۸۲ - ۱۲۸۵ - ۱۲۹۶ هـ ق

قضات عهد امیرشیر علی خان

امیرشیرعلی خان بـ دفعه اول در شهر محرم الحرام سنه ۱۲۸۰ هجری قمری برتخت امارت مورث جلوس نمود . ملاعبدالرحمن ابن ملا محمد سعید خان ابن ملا اسمعیل خان را قاضی القضاه و خانملوم مقرر نمود وبنام خانملا خان شهرت داشت . موصوف در این دوره امارت سلطنت سجع مهرخود رابااین عبارت اراست :

تاقیام رکن دولت ازامیربافراست

عبدالرحمن قاضی القضاه شرع انوراست

عبدالرحمن خانعلوم درسنه ۱۲۷٦ هجری قمری نائب القضای امیر دوست محمد خان مقرر شده وسابقهٔ علمی وقضائی داشت.
وهمچنان ملاسید فقیرخان راکه درسنه ۱۲٦۹ قمری منصب قضاء یافته بود برحال وبرقرار گذاشت .

" " " " " " " " " " " " " " "

تألیف کتاب توسط خان ملا خان

ملاعبدالرحمن بارکزائی در سنه ۱۲۶۷ هجری قمری (۱۲۲۸ شمسی) نائب القضاء مقرر گردید: موصوف در سنه ۱۲۸۷ هجری قمری ـ مصادف بسال تأسیس اولین مطبعهٔ سنگی در بالاحصار کابل بـــه تألیف کتاب موفق گردید. عنوان کتاب:

(حجه قویه در ابطال عقاید وهابیه غویه) است که به قطع متنا ـسب در (۲۴۰) صحیفه بکاغذ زرد گون به چاپ رسیده و در ـ پشتی این عبارت نوشته است:

(الحمد لله که رسالهٔ هذا موسوم به حجه قویه در ابطال عقائد وهابیهٔ غویه از تألیفات علامه زمان و فهامه دوران مولانا ملاعبدالرحمن الشهیر به خان ملاخان حسب الامر بندگان سکندر شان امیرکبیر امیر شیرعلی خان در دوران والی ممالک افغانستان حفظهما الله المنان من حوادث الدوران بحرمت النبی آخرالزمان در دارالسلطنه کابل در مطبع مصطفا و باهتمام وسعی میرزا محمد صادق حلیه طبع پوشید سنــــه ۱۲۸۸ هجـــری).

ه ه ه

خان ملاخان در صحیفهٔ (۶) کتاب موصوف باین عبارت نوشته است.

(............. امابعد الحمدلله والصلواة و تبلیغ الـــدعوات الفقیر الحقیر الراجی الی رحمته الکریم المنان عبدالرحمن ابـــن مجمع خصائل حمیده، ومنبع فضائل غیرعدیده، سالک المسلک السد یـــد

القاضی من سعید الشهیرخان ملاخان اصلح الله شانه ونورجنانهما و جعل اخریهما خیراء من اولیهما معروض انظار صائبه وافکار ثاقبه اصحاب طبیعت وقاده وارباب فطانت نقاده میدارد که :

چون درین وقت اشارت مشتملبر بشارت ازجانب فیض جوانب السلطان الاعظم والخاقان الاکرام مالک رقاب الامم مولا ملوک الترک والهند والعجم ضرغام العصر وقمقام الدهر الموئد بالطاف الکریم الدیان ناصرالحق والملته والدین ومل الایمان الامیرالبری من الشرک الخفی والجلی ابویوسف الامیرشیرعلی خان درد ران دامت ظلال جلالته علی العالمین ووفقه الله تعالی وابا نا خیرالقادرین من العالم العلوی والسفلی صدور یافت ....

ه ه ه

ماخذ کتاب موصوف خیلی معتبر و تماماً باستناد ایات قران کریم و احادیث نبوی وکتاب های فقه اسلامی تاءلیف شده وضمن این تبلیغ نامه ٔ بزرگ استقلال علمی وعقیدت دینی وملی افغانستان را مطابق به اصول مذهب امام ابوحنیفه (رح) نشان میدهد . اینکه کتاب موصوف ازتاءلیفات خانملا خان یاد شده معلوم میگردد که ملاعبدا لرحمن (خان ملا خان) تاءلیفات علمی دیگرنیزدرعلوم شرعیه داشته است . چنانکه کتاب های :

ذخیره الملوک وفتاوی وارکان الصلواه درمطبعه کابل به چاپ رسیده است .

" "

" "

وثائق عهد امیر شیرعلی خان

از عهد امارت سلطنت اعلیحضرت امیر شیرعلی خان ــ وثائقی در دست است که از لحاظ خصوصیات واعتبار استحکام شرعیه افغانستان مدار اعتبار رود راین کتاب قضاد رافغانستان سراپا نقل این وثائق راد رج واز نظر عموم اهل شریعت می گذرانیم :

" " " " " " " " " " " "

هــــو

بسم الله خیرالاسمــــاء

غرض از تحریر این نگاشته وباعث نگارش این نوشته آنست که بتاریخ یوم جمعه بیست وپنجم شهر ذیقعده الحرام روز نوروز سال نهنگ سنه ۱۲۸٤ یکهزار و دوصد و هشتاد چهار هجری نبوی صلی الله علیه وسلم بود که اقرار معتبری صحیح شرعی نمودم منکه شیرمحمد خان بن عالیجاه ــ محمد اشرف خان مرحوم ابن عالیجاه معلی جایگاه غفران پناه اسلام خان مرحوم قوم فوفلزائی باد وزائی قلندر زائی برا ینوجه که فروختم به بیع بات قطعی آنچه مورثه اسلام خانی د رقند ها ر از اسلام خان به پدرم محمد اشرف خان واز پدرم برای من مانده چون قنواه جاری و ــ خشکه درمحال کشک نخود مسما به قنات عشق اباد وتلخه کی وقناه وزیر درمحال دامان وحویلی واقع شهرقندهار وحویلی واقع قیلج اباد همگی وتمامی د رقنواه کشک نخود از جمله بیست وچهار سهم یک سهم واز قناه وزیر و حویلی شهرقندهار وحویلی قلیج اباد از جمله شش سهم یک سهم حق میراث من میشود جمله رابه غلام محمد خان بن عالیجاه

غلام محی الدین خان مرحوم بن عالیجاه معلی جایگاه محمد اعظم خان مرحوم قوم فوفلزائی باد وزائی قلند رزائی د ربدل مبلغ چهارصد روپیه پخته دوازده شاهی جیده رائج الوقت کابلی که عبارت از چهل تومان خام قندهاری بوده باشد ونصف آن مبلغ بیست تو - مان خام قندهاری میشود . بحضور مجلس اقرار نمودم که مبلغ مذکور از نزد غلام محمد خان تمام و کمال باینجانب رسیده که حبه ودیناری باقی نمانده وازدعوای اقرار بکذب وکره وهزل وزمانه سازی و تلجیه ورهن وبیع وفا و غبن فاحش وغیره انچه مفسد بیع باشد ابراء عام و تام نمودم وبرضاء ورغبت تمام حصه مورثه خود را فروختم که مراد رمیراث اسلام خانی انچه در اشرف البلاد احمد شاهی چون قنواه کشک نخود وقناه وزیرواقع دامان و حویلی اسلام خانی واقع شهراحمد شاهی وحویلی قلیچ اباد هیچ حق نمانده ووجه قیمت آن تمام بمن رسید فقط تحریرا تاریخ یوم جمعه ۲۵ شهر ذیقعده الحرام روزنوروز سنه ۱۲۸٤ ۱

شیرجان ۱۲۶۲

گواه شد نعمت خان

گواه شد دوست محمد خان دوست محمد

۱۲۷۸

گواه شد محمد صدیق محمد صدیق

۱۲۷۳

گواه شد محمد اسلم خان

محمد اسلم

گواه شد الله داد قوم اندری

گواه شد عبدالغنی ولد الله داد

گواه شد بازمحمد خان برادرزادهٔ حاجی خان کاکری مرحوم

گواه شد شیرعلی ولد مهرعلی خان شیرعلی

١٢٧٦

گواه شد محمد زمان ولد استاد اقاجان محمد زمان

١٢٦٥

در تاریخ بیست و ششم شهر ربیع الاول سنه ١٢٨٦ یک هزار دو صد و هشتاد و شش بود از هجرت نبوی حضرت رسالتپناهی صلی الله علیه وسلم که اقرار معتبر صحیح شرعی نمود مخبر اسم و نسب خود صالح محمد خان بن زمان خان بن محمد رضا خان قوم الکوزائی بر یتوجه که فروخته است به بیع بات تبات قطعی صحیح شرعی جازم لازم خالیاً عن مواضعته العقد وعاریاً عن مواعده الفسخ والوفاء بعالیجاه سلطان محمد خان بن عالیجاه رفیع جایگاه موسی خان بن امرحوم عبدالرحمن خان قوم بارکزائی همگی وتمامی موازی دو درینه حویلی که مشتمل است بر بیوت متعدده و صحن خالی وچاه اب و درو دیوار و دروازه ها و راه روی حق وملک زرخرید متصرف فیه خود را که واقع است در محله توپخانه من محلات شهر اشرف البلاد احمد شاهی محدود است بحدود اربعه مفصله ذیله حدود حویلی اول شرقاً متصل است بحویلی یوسف علی بن ناظر محمد حسن بن عابد بن کابلی غرباً متصل است بحویلی سرکاری مشهوره حویلی حاجی نجار شمالاً متصل است بحویلی مشتری مذکور جنوباً متصل است بحویلی محمد تقی بن محمد جعفر بن محمد باقر فارسی زبان حدود حویلی دوم شرقاً متصل است به حویلی مشتری مذکور غرباً متصل است بممر حویلی سرکاری مشهور

به حویلی حاجی محمد نجار شمالاً متصل استبهمر عام جنوباً متصل

است ایضاً به حویلی ...رکاری مشهوربه حویلی حاجی محمد نجار به

جمیع حقوق ها وتوابعات واللواحقات ان د رید لمبلغ سی تومان روپ یه

پ حته قند هاری هرواحد ان سه عباسی گی سفید رایجه الوقت

جید تمام الوزن یک مثقال و چهار نیم نخود عزرچاند ی که نصف ان پلا

ـ نزده تومان روپ یه پ حته موصوفه میباشد که بایع مذکور راتمام

وکل از تسلیم مشتری مذکور اخذ و قبض شرعی نمود که وامی ود رهمی

الی د ینار ا خرباقی نماند وبایع مذکور ازدعوای اقرار یکذب وکره وهزل

وزمانه سازی وتلجیه ورهن وبیع جایز فاسد و غبن فاحش مع لتعزیر

وعدم اخذ مبلغ مذکور کلاً وبعضاً ووعده فسخ بیع عذراعطاء ثمن

وازجمیع خیارات ومفسحات عقد وکلما یمنع جوازالبیع و صحته الاقرار

خود طوعاً بلا اکراه ابراء نمود ومشتری مذکور ایجاب وابراء اوراهرای

خود قبول نمود وکان ذلك بمحضر المسلمین واتقیات)

الهم وفق علی سبیل المنان

مفتی شرع النبی الکریم رمضان

۱۲۸۰

ناصدع بما تو مراستقیم

کما امرت یا صدرالدین

عبدالحق غلام شاه مردان ۱۲۷۳

زند برفرق د شمن تیغ بران

۱۲۶۲

منتظر لطف الهی محمدی

محمد رحیم ۱۲۸۰

ل
ذکرحد ود یك د ربند حویلی که واقع است د رمحله ٔ قاضی ملاعبدالرسو
اخوند قوم فوفلزائی من محلات شهرا شرف البلاد احمد شاهی شرقـــا ٔ
متصل است بحویلی مذکورفی الذیل غربا ٔ متصل است به ممــرعـــام
شمالا ٔ متصل است بحویلی ملاقاسم بن ملامحومین لطیف قوم عند وستا
نی ــ تجنوبا ٔ متصل است به مسجد قاضی ملاعبدالرسول اخوند مذکور
که چون د رین وقت بتاریخ پانزده هم شهرشعبان المعظم سنه ۱۲۸۵
یکهزار ود وصد و هشتاد وپنج از هجرت نبوی حضرت رسالت پناهـــی
(صلی الله علیه وسلم) بحضورر عالیجاه رفیع جایگاه سردار محمـد
شاهم خان فضیلت پناه مصاریف اگاه ملامحمد یوسف آخند زاده شیخ
الاسلام بن المرحوم المغفور مرحمت پناه ملاخیرالله اخند زاده شیـخ
الاسلام قوم فوفلزائی مدعی وبا خود حاضرا ورد ند غفارنام بن فیضو بن ملا
محرم مذکور مدعی علیه راپس مدعی مذکوربرین مدعی [illegible] چنان دعوی
نمود که محد ود مذکورفوق حق وملك من است وبدست مدعی علیـــه
مذکور بغیر حق میباشد وشاهدان ذی الید ی گذرانیده شد الحـال
مطالبه مینمائیم نمی دهد چونکه ازمدعی علیه مذکوربر رسیده شـــد
د رجواب گفت که والد اینجانب فیضونام مذکورازنزد والد مدعی مذکـو ر
به بیع قطعی شرا ٔ نموده اله ثانیا ٔ ازمدعی مذکوربر رسیده شـــد
د رجواب مدعی علیه مذکورچنان گفتند که همین محد ود مذکور فـــوق
بعدازخرید ن والد مدعی علیه مذکوراینجانب ازنزد ملافیضو والد مدعی
علیه مذکوربه بیع قطعی شرا ٔ نموده ایم الحال دعوی اوبغیر حـــق
میباشـــد چونکه ثانیا ٔ ازمدعی علیه مذکوربر رسیده شد د رجواب وی
انکارمطلق نمود چونکه شاهدان مدعی مذکور اولی معتبر بود پـــس

طلب نموده شد و نفر شاهدان مقبول الشهادت شهادت دادند بر طبق مقال مدعی مذکور کما هو طریقه شرعاء بعد از تحلیف شاهدان مذکوران و عجز مدعی علیه از دعوی دفع و جرح شرعی پس حکم نموده شد بر ثبوت محدود مذکور فوق از برای مدعی مذکور وگفته شد به مدعی علیه مذکور که محدود مذکور فوق برای مدعی مذکور تخلیه نماید چونکه مدعی علیه مذکور در خصوص محدود مذکور فوق مخاصمه می نمود و محدود مذکور فوق را تخلیه نمیکرد بعد از ان به تاریخ بیستم شهر شوال المکرم عالیجاه رفیع جایگاه سردار شیرعلی خان خلف الصدق جنت ارامگاه سردار مهردل خان چنان امر و اجازه نمود که علماء شهر بالکل حاضر شوند در خصوص انفصال دعوای خصمین و حاضر اورند علماء شهر را و مدعی و مدعی علیه مذکوران بحضور خود و به حضور علماء شهر حاضر نمودند و خصمین فی ما بین خود ها گفتگو کردند اخر الا علماء شهر هر یکی تحقیق از حد زیاده کردند و گفتند که حکم کتاب الله بران است که مدعی علیه مذکور ملزم و ملامت می باشد و محدود مذکور فوق را — تسلیم مدعی مذکور نماید —

این بود صورت حال شرعی که تحریر یافت .

در تاریخ بیست و پنجم شهر رجب المرجب سنه ۱۲۸٦ یك هزار و دو صد و هشتاد و شش بود که اقرار معتبر صحیح شرعی نمودند هریك غلام رسول خان و محمد عمر خان بنان عالیجاه غلام حیدر خان بن غلام خان مرحوم قوم فوفلزائی ساکن کابل بر اینوجه که فروخته اند به بیع جایز شرعی لازمی همگی و تمامی یك دالان پنج دانه معه ارسی ود و پس خانه و زیر خانه سفلی حق و ملك خود ها را به عالیجاه عبدالعزیز ولد

عالیجاه زمان خان مرحوم داخل قلعه خام دارالسلطنه کابل در محله اعظم خان در اری ومحدود است به این حدود شرقا متصل است به حصه علی محمد خان غرباً ملحق است در حصه ورثه پیروخان مرحوم شمالاً متصل است به کل حوالی اعظم خان مرحوم جنوباً متصل است به سراچه بایعان مذکوران بجمیع حقوق ومرافقش در بدل مبلغ چهل روپیه پخته که نصفمنه مبلغ بیست روپیه پخته بوده باشد معه تقابض فی البدلین من الجانبین والاذن بالا نتفاع و بایعان مذکوران ازاقرار بکذب وکره وعدم اخذ ثمن در ین اقرار خود هاابراء نمود ند ومشتری مذکور قبول ابراء نمود ند وکان ذالك عند بحضور المسلمین.

شاهدان عالیجاه محمد سالم خان محمد سالم ۱۲۷۵

عالیجاه امیرمحمد خان امیرمحمد

عالیجاه شاد محمد خان شاد محمد ۱۲۸۱

عالیجاه میرزا محمد خان

عالیجاه محمد خان

سیادت پناه میرشمس الدین

شهادت عهده محمد خان ۱۲۲۳

" " " " " " " " " " " " " " " " "
" " " " " " " " " " " " " " " " "

ابراء نامه ٔ شرعـــــی

بتاریخ پانزدهم شهرربیع الاول یکهزارو دوصد وهشتاد وهفت هجری قمری صدرالقضای قندهار ابراء نامه ٔ شرعی نوشته شده ود رجهــه وثیقه دومهرموجود واینك عینا نقل گرفته میشود .

شیرعلی ١٢٨٥

شد از حکم خالق حی قدیــــم

قاضی شرع نبی عبدالکریــــــم

١٢٦٤

د رسطراول نوشته شده اســـت :

ذکرحدود همگی وتمامی موازی یک سهم طاحونه ویک سهم حویلی و یک سهم باغ زرد الوزار .... واقع د رقریه بابا ولی مـــــن قراء اشرف البلاد احمد شاهی محدوداست باین حدودا ربعـــــــه ٔ مفصله ٔ ذیلیــه .... بمبلـــــغ چهل وپنج تومان روپیه ٔ پخته ٔ قندهاری .

" " " " " " " " " " " " " " "

ابراء خط شرعی

در دارالقضاء کابل ازجمله اسناد ووثائق شرعیه که در مرور سالها ن نوشته شده یکی این وثیقه ٔ ابراء خط شرعی در دست است که به طریق مثال مختصری ازان را نقل می گیرم :

تا فضل کردگار دواگر احمد است

سیدفقیرقاضی شرع محمد است

۱۲۶۹

در تاریخ بیست وهفتم شهررجب المرجب سنه یکهزار و دوصد وهشتاد و هفت بود که اقرار معتبر صحیح شرعی نمود عالیجاه امیرمحمد خان بن مرحوم یحیی خان قوم بامی زائی ساکن موم والهمن توابع شهر احمد شاهی وکالتاء که وکیل ثابت الوکالت است ازقبل مسمه بی بی حیات بیگم بنت مرحوم امیرخان زوجه بوده کریم داد خان مذکور بشاهدی هر یک عالیجاه شاه محمد خان بن مرحوم پایو خان بن مرحوم سعید محمد خان و شهباز خان بن مرحوم ملا لطیف بن ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ برینوجه که وکالتاء اخذ و قبض شرعی نمود ازتسلیم عالیجاهان هریک میرا حمد خان وغلام جیلانی خان بنان مرحوم کبیرخان مبلغ یکصد و هشتاد و د و روپیه ٔ جید سفید هرواحد سه عباسی النصف منه نود و یکروپیه موصوفه میشود ازبابت قیمت نصف مشاع یک دربند حویلی و باغچه که حدود ان درقباله ٔ قطعی مندرج است که مقرلهما مذکوران ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ را به مبلغ هشت صد روپیه ٔ خام فروخته بودند

. . . .

مقرمذکورحصه ٔ موکله مذکوره ٔ خود تمام و کمال ازتسلیم مقرلهما مذکوران

بعد از تجویز بیع مذکور اخذ وقبض شرعی نمود که حبه ودینار باقی
نماند ازمبلغ مذکور نیز اقرار مقر مذکور متوفی حصه ٔ شرعی موکله ٔ
خود گردید که حبه ودینار ازمبلغ یک صد وهشتاد ویک روپیه ود و
عباسی د رنزد مقرلهما ٔ مذکوران باقی نماند وهرگاه ثانیاً
.... بهراسم ورسمی دعوی نماید ..... باطل
ونامسموع وازدرجه ٔ اعتبار ساقط باشد ....
وکان ذالک بمحضر من المسلمین.

امیر محمد

۱۲۰۸

دارالقضاء قندهار

این اداره عالیه که در شهر رجب المرجب سنه ۱۱۶۰ هجری قمری مطابق برج اسد سال ۱۱۲۶ هجری شمسی تاسیس یافته تا سالیان درازی بهمین عنوان درخشان برد وام وبرمتن وثائق شرعیه یاد شده است که بطریق مثال مختصری از یك قباله راد رج می کنم :

. . . .

حکم شد از خدای حی مجید
نائب محکمه شرع محمد سعید
۱۲۷۴

شد زالطاف وعنایات امیر ابن امیر
میرسعد الدین سعید و قاضی شرع منیر
۱۲۷۸

بتاریخ پنجم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۲ یك هزار ودوصد وهشتاد واز هجرت نبوی حضرت رسالت پناهی (ص) که اقرار معتبر صحیح شرعی نمود مخبر اسم ونسب خود عالیجاه سلاله السادات العظام سید غلام جان صاحبزاده بن مرحوم المغفور مرحمت پناه میرمسجدی خان بن المرحوم المغفور غفران پناه خواجه اسحق خان قوم سید ساکن قریه خواجه خدری من توابع دار السلطنه کابل درحینیکه وکیل مطلق ثابت الوکالت است از قبل سیادت پناه میرآقا صاحبزاده برادر اعیانی خود درحینیکه میرآقا نام مذکور وکیل مطلق بالتوکیل است از قبل عالیجاه فرامرز

خان جرنیل بن امراخان .... به شهادت هریک

که فروخته است وکالتاً به بیع بات قطعی صحیح شرعی جائزی ـ

لازمی .... بعالیجاه سلطان محمد خان بن

ولی محمد خان بن جعفرعلی خان قوم بلوچ همگی وتمامی موازی یک

دربند حویلی که مشتملبر .... حق و ملک زرخرید

متصرف فیه موکل خود راکه واقع است درمحلهٔ دولت خانه من محلات

اشرف البلاد احمد شاهی محدود است باین حدود اربعهٔ مفصلهٔ

ذیلیه .... بجمیع حقوق ومرافقش وتوابعات ولواحقات ان

دربدل مبلغ بیست ونهم تومان روپیهٔ پخته قند هاری هرواحد

ان سه عباسی گی سفید رائج الوقت جید تمام الوزن یک مثقال وچهار

نهم نخودی زرچاندی که نصف ان پانزده تومان وپنج روپیهٔ پختهٔ ـ

موصوفه میباشد .... وکان

ذالک بمحضر من المسلمین ....

ه ه ه

دراین قباله نام سه نفرشاهد موجوداست . درپشت قباله یک مهر

مربع دارای عبارت (دارد امید شفاعت محمد سعید) سنه مهر ۱۲۷۸

ودربالای مهربقلم نوشته شده (ثبت دفتردارالقضا شد) .

نام های اشخاصی که دراین قباله یاد شده مربوط بدورهٔ سلطنت

امیرشیرعلی خان میباشد .

....

قضاء یک رکن مستقل دولت است

قضا یک رکن مستقل دولت است وچنانکه سرا سرمند رجات این کتاب نشان میدهد از گزارشهای یکصد و سی سال اخیرافغانستان مختصر مطالبی را نیزمثال می آوریم که مرتبهٔ علم درافغانستان درهمه وقت بلند قضات مورد قدر واحترام درجه اول وقضا رکن مستقل دولت شناخته شده است:

درتاریخ پادشاهان متاخر طبع کابل ضمن حوادث سنه ۱۲۷۸ هجری قمری (۱۲۳۶ شمسی ۱۸۶۰ مسیحی) نوشته شده است (۱): بعد ازدعا و فاتحه که مردم کابل نمود ند خانعلوم که قاضی بزرگ کابل وبزرگان علماء واشراف شهر کابل جمله بحضور امیردوست محمد خان امده سلام کرد ند وعرضداشت نمود ند که خلق کابل منتظرانند که نمازعید رابحضورسرکارخوانده دعا وفاتحه بدهند).

ودرضمن حوادث سنه ۱۲۷۹ هجری قمری (۱۲٤۰ شمسی) جلوس امیرشیرعلی خان درهرات وورود اوبکابل سنه ۱۲۸۰ قمری نوشته است:

(جمله بزرگان رادرکابل طلب کرده ازعلماء وفضلاء و قاضی وغیره اشخاص تجار واهل کسبه با هریک جداگانه نوازش پدری ومهرپدار ری نموده فرمود ند که ازکمال صداقت شما بسی خرسندم).

---

(۱) این کتاب بقلم میرزا یعقوب علی چنداولی نوشته شده ودرسال ازطرف انجمن تاریخ ریاست مستقل مطبوعات درمطبعه عمومی کابل بطبع رسیده است.

وضمن خبر بازگشت امیرموصوف از سفر ولایات شمال افغانستان به پایتخت کابل که یکسال وسه ماه را در بر گرفت ــ نوشته است :

(مردمان کابل بدر بار وارد شده سلامی کردند چنانچه ابتدا قاضی القضات وعلماء ودوم تجار واهل تجارت وثالث اهل کسبه صنف صنف سه روز پی درپی باارمغانهای خود وارد حضور شده سلام ودعا ومبارک بادی میکردنــــــد) .

ضمن گزارش سنه ۱۲۸۳ هجری قمری (۱۲٤٤ شمسی ــ ۱۸٦٦ مسیحی) جلوس امیرمحمد افضل خان درکابل ــ نوشته است :

ابتداء ازعلماء وسادات وقاضی وقضات وتجار وغیرتجار ودیگراصناف جداگانه باهرطائفه ازطریقهٔ پدری نوازش فرموده صحبت هلای مشفقانه کردنــــد ..... روزجمعه امرشد که درمسجد جامع جمع شوند چنانچه بعدازنمازجمعه خطیب بالای منبربرامده خطبهٔ غرایی بزبان عربی بنام امیرمحمد افضل خان خواندند وسکه دولت خداداد افغانستان راباسم ان سروردارا در بار ان زدنــــد) .

درضمن جریانات سنه ۱۲۸۷ هجری قمری (۱۲٤٦ شمســـی) هنگام بازگشت امیرشیرعلی خان درکابل نوشته است :

(متوجه یک بیک ازسادات وعلماء وقاضی وفضلاء واهل کسبه ازتجار وغیران شده باهر کدام درعین نوازش و مهربانی الفت کنان ملاقطات میفرمودنـــــد) .

وضمن خبربازگشت امیرشیرعلی خان ازسمت غزنین بکابل نوشته است

(مردمان کابل اعزواشراف وسادات وعلماء وقاضی القضات و تجار

وکسبه صغیرو کبیر که ارزومندی چنین روزی بودند امروز بمراد خویش واصل گردیدند وبخواهش مردم در شهر کابل هفت شبا روز جشن و چراغان گرفته شد) .

ازین چند مثال مختصر دریافت شد که قاضی القضات و قضات که اکثریت علماء بزرگ دردارالقضاعضویت میداشتند بحیث بزرگترین طبقه اجتماع در همه اوقات وبالخصوص ایام استقبال امام وامیروقت اولتر ازانها وسپس ازسائرمردم نام برده شده است .

تسوید خطب و مقالات و مولفات علمی ازوظائف دارالقضا و هیات قضات تحت اداره قاضی القضات خانعلوم بوده است . ودرمراسم جلوس ومراسم استقبال قاضی القضات وخانعلوم بمعنی ومرتبه شیخ الاسلام اولیت میداشت .

یعنی این تائید مراسم دوره گذشته افغانستان بوده است که امیردوست محمد خان وپسرانش بدوره خود عیناً رعایت روش اسلاف افغان خود راهی نموده . ودرهرزمان درافغانستان این اصول مطابق بمقررات مذهب منیف حنفی جاری بوده وتاامروزنیز انچه باموراشریعت غرای اسلام تعلق دارد رعایت میگردد واین ماده قانون اساسی که (قضا یک رکن مستقل دولت است) همین معنی رامیدهد وهمین اصول را تائید میدارد .

" " " " " " " " " " " "

فیصلهٔ شرعی

امیرشیرعلی خان د رفرمان مورخ د وشنبه (۱۲) ذیقعده الحرام سنه ۱۲۹٤ هجری قمری نوشته است :

((...... خصوص قلعهٔ جدید سکند رخان که به حدود املاک رعایای مزبور بنا کرده لازم که قلعهٔ جدید اورا نیزالی فیصلهٔ شرعی معطل بگذارید که اباد ی نکنند ــ بعد ازفیصلهٔ شرعی انچه حکم شرع باشد جانبین معمول بدارند البته حسب الامر جلیل القدر درعهده شناسند که ثانی استغاثهٔ رعایای مذکور بسمع شرف والا ــ نوسد).

. . .

این سطورفرمان بطریق مثال سند اورده شد که یعنی فرمان روایان افغان هیچگاه دعاوی اشخاص رابدون حکم فیصلهٔ شرعی ازجانب خود حکم نفرموده ازقدرت دولت وحکومت خود استفاده ننموده وفیصله احکام شرعی رادرتمام موارد مرعی داشته محول به محکمهٔ شرعیه نموده اند .

""""""""""""""""

قواعد عسکری

قاضی عسکردرعهد امیرشیرعلی خان قاضی عبدالقادر بن ملا فضل — القادر بن قاضی ملامحمد حسن ((خانملا)) بن قاضی ملا محمد اکبر بن قاضی ملا محمد غوث ((خانعلوم)) ابن اخوند ترکمان ازسکنه امان زائی پشاوربود .

مذکوربخواهش امیرشیرعلی خان — قواعد عسکری رادرکابل بزبان پشتوترجمه کرده است . قاضی عبدالقادر بلسان های پشتو دری عربی رامیدانست و ممکن قواعد عسکری رااز کدام متن عربی ترجمه کرده درخصوص این خاندان علمی و قضائی دراین کتاب مطالبی مندرج است که دراینجا نیزبه قسم حاشیه پرداخته میشود .

ملا محمد غوث ابن اخوند ترکمان ازحضور اعلیحضرت احمد شاه غازی ((خانعلوم)) خطاب یافت وقاضی شهرپشاورمقررگردید وقبل ازجلوس احمد شاهی — ازغوربه مرغه به امان زائی شمال پشاور وارد وساکن شده بود وان عالم پشتوزبان اشعارعارفانه را اعلیحضرت احمد شاه دردران راشرح کرده است . اولاد اوبنابرهمان اعتباروسوابق علمی درپشاوربه قاضی خیلان مشهورشدند سبدین لحاظ که درعهد درانی چهارنفرازاولاد واحفاد قاضی محمد غوث خطاب خانعلوم یافته اند .

قاضی ملا محمد بن قاضی محمد حسن ((خانعلماء)) خوشنویس وشاعروادیب زبان پشتوودری وعربی وموءلف چندین جلد کتاب ازهمین خاندان ملا محمد غوث خانعلوم است .

اخوند ترکمان اصلاً پشتون واسم اوترکمان بوده است .

دارالقضـــــاء

درعهد امیر محمد افضل خـــــان

میرمسجدی خان ده افغانان کابلی ملقب به میرکلان در سنه ۱۲۰۷ هجری قمری در کابل فوت شد . میرپاینده محمد خان در سنـــــه ۱۲۲۰ هجری قمری داعی حق رالبیك اجابت گفت .

میرمحمد علی خان بتاریخ صفرالمظفر سنه ۱۲۵۵ هجری قمری چشم ازجهان پوشید وهرسه نفرعالم وسید ازیك خانواده همعصرشاهـــان درانی افغان وازاعضاء دارالقضاء و مشاورین محافل شرعیه بود ند .
ومسجد میرهای ده افغانان کابل بنام همین اشخاص وهرسه مرقــد پهلوی هم درکنارجوی وداخل صحن مسجد واقع بـــود (۱)

میرافتاب اقا فرد عالم ازین خانواده در سنه ۱۲۸۳ هجری قمری مطابق ۱۲۴۴ هجری شمسی ازامیرمحمد افضل خان این امیرد وســـت محمد خان خواهش نمود که اگر منصب عالی قاضی القضات ولقب خان علوم بوی اعطاء شود . مقصد شاینکه چون امیرمحمد افضل خان بـــنا برادرخود امیرشیرعلی خان خصومت دارد وملاعبدالرحمن درعهـــد امارت اوقاضی القضات و خانعلوم بود ممکن در این دوره امارت بنابر جانبداری اوبا امیرشیرعلی خان مجدداً برقرارنمائید .

امیرمحمد افضل خان باین دلیل که خاندان ملامحمد سعید خان بارکزائی ازسابق خطاب خانعلوم ورتبه قاضی القضات در دوره محمد زائی دارند . بخواهش وارزوی میرافتاب اقا نپرداخت ومنصب قاضـــی القضات و لقب خانعلوم برای ملاعبدالرحمن ابن ملامحمد سعید خـــان

کما فی السابق تائید گردید وتا اواخر دوره امارت امیر عبدالرحمن خان ابن امیرمحمدافضل خان برقرار ماند .

امیر محمداعظم خان درسنه ۱۲۸۵ و ۱۲۸۶ هجری قمری درکابل امارت نمود ـ مدت امارت سلطنت اویکسال وهشت ماه ودراین دوره نیز ملاعبدالرحمن خان قاضی القضات و خانعلوم بود .

(۱) این مسجد ومحوطه ان درسال ۱۳۳۳ هجری شمسی تحت نقشه جاده جدید (سالنگ وات) امد وقبورسادات موصوف بجای دیگرنقل داده شد ونویسنده این کتاب ان مقابرومناظر رابه چشم سردیده بودم . (عزیزالدین وکیلی پوپلزائی)

دارالقضاء

درعهد امیریعقوب خان

امیرمحمد یعقوب خان در سنه ۱۲۹۶ هجری قمری مطابق ۱۲۵۷ — شمسی در بالاحصار کابل برمسند امارت سلطنت پدر جلوس نمود ودرعهد امارت خود قاضی القضات واعضاء دارالقضات زمان پدر روجد خود رابرحال وبرقرار گذاشت . قاضی القضات وخانعلوم این عهد ملاعبدالرحمن خان بود ودرسنه ۱۲۹۷ قمری در شهر کابل ازمحفلی که عکس برداشته شده ودرسراج الاخبار افغانیه بطبع رسیده است این عبارت دیده میشود :

(قاضی عبدالرحمن خانعلوم ولد قاضی محمد سعید) .

....

دارالقضاء د رافغانستان

د رعهد امیر عبدالرحمن خان

((۱۲۹۷ــ ۱۳۱۹ هجری قمری))

دارالقضاء

د رعهد امیر عبدالرحمن خان

د رعهد امیرعبدالرحمن خان یعنی ازسنه ۱۲۹۷ هجری قمری تاسنه ۱۳۱۹ هجری قمری تشکیلات دارالقضا بعین اساسات سابق د ولت اسلامی افغانستان بود ۰

قاضی القضات ــ خانعلوم ــ قاضی ــ مفتی و محاکم شرعیه برقرار بودند ۰

ملاعبدالرحمن خان پسربزرگ ملامحمد سعید خان که د رسنه ۱۲۷۶ هجری قمری منصب خانعلوم وقاضی القضات یافته بود ۰ د راین دوره امارت امیر عبدالرحمن خان نیز برقرار بود وقاضی القضات وخانعلوم وخان ملاخان شهرت داشت ۰ موصوف هشتاد وپنج سال عمرنمود ود راواخر دوره امیرعبدالرحمن خان د رقریه شیوکی کابل فوت ود رنزد یك زیارت عاشقان وعارفان علیه الرحمه نقل داده ود رجوار مرقد پد رش بخاك سپرد ند واین است سجع مهراو :

تاقیام رکن ملت ازامیرپاافرراست

عبدالرحمن قاضی القضات شرع انوراست

ازتاءلیفات اود راین کتاب یاد شده است ۰

ازملاعبدالرحمن قاضی القضات خانعلوم ــ سه پسر ملاسعدالدین خان ملاعبدالعزیزخان ملاعبدالود ود خان بجاماندند ۰ ملا سعدالدین خان د رسنه ۱۲۵۲ هجری قمری پابعرصه وجود گذاشت وچون از پد رد رس اموخته ود ردارالقضاتعلیم وتربیت شده بود ۰

د رعهد امیرعبدالرحمن خان هشت سال قاضی قندهار و(۱۹)سال

تا اوائل دوره امارت امیر حبیب الله خان نائب الحکومه هرات بود.

""""""""""""""""

علماء حضور امیر عبد الرحمن خان

علماء حضور امیر عبد الرحمن خان که برای اخذ امتحان از قضات و مفتیان وبرای تحقیق تألیف ، تصحیح ، ترجمه مقرر بودند نام های شان از اینقرار اند:

ملا ابوبکر خان ، ملا غلام احمد خان ، ملا عبد الخالق خان ، قاضی میر جمال خان ، مولوی عبد الروف خان ، ملا رمضان مفتی ملا سید احمد خان ، ممتحن ملا سعد الدین خان ، ملا داد محمد خان ، ملا عبد الله خان ممتحن ، ملا سیف الله خان ملا عبد الله خان ، ملا حبیب الله خان .

""""""""""""""""

زعماء علماء افغانستان

در صفحه (۲۰۴ و ۲۰۵) کتاب تقویم الدین طبع کابل ـ امیر عبدالرحمن خان بقلم خود نوشته است :

بتاریخ یوم جمعه بیست ودوم شهر ذیقعده الحرام سنه ۱۳۰۴ هجری مطابق بیست ودوم برج اسد حضرت شهریار سکندر وقار در محل پغمان که از محلات سرسبز خوش هوای دارالسلطنه کابل است جهت تنزه و تفریح خاطر عاطر نزول اجلال داشته ودران روز جمعه سعادت اندوز زعمای علمای افغانستان را بحضور مهر ظهور خود بار داده هر کدامی را به خطاب مستطاب خود بدینگونه سرافراز فرمودند که :

مکنون ضمیر منیر ومرکوز خاطر خطیر ما آن است که تألیفاتی که در خصوص ترغیب جهاد وصیانت عقاید عامه مسلمانان از خلط و آمیزش اعتقادات طوائف گمراه مانند وهابیه وغیره نموده اید همه را بحضور عالی ما حرفاً حرفاً خوانده وتا تهذیب و ترتیب آن برحسب استصواب رای ما شده بعد از طرح زوائد وشرح فوائد تألیف جدیداز آن درست شود لهذا هریک از علماء عبارات تألیف خود را شروع بخواندن نموده اعلیحضرت حک واصلاح میفرمودند) .

(کتاب تقویم الدین باهتمام میرمحمد عظیم سارجن میجر وباهتمام عبدالرزاق ـ در مطبع دارالسلطنه کابل طبع شد) .

این نوشته ثابت نمود که بزرگترین علماء افغانستان که قاضی القضات وخان علوم واعضاء دارالقضای کابل و مدرسین علوم شرعیه بودند مطابق باصول مذهب منیف حنفی کتب ورسائل تألیف میکردند وبا آنکه

علماء جید مصروف این خدمات علمی می بودند تا وقتی که در انجمن حضور از نظر مطالعه و ملاحظه امیر افغانستان و هیأت علماء حضور نمی گذشت بطبع نمی رسید .

٥ ٥ ٥

((کلمات امیر البلاد – فی الترغیب الی الجهاد))

عنوان رساله ایست که در سنه (١٣١٠٤) هجری قمری از طبع فراغت یافته و در خصوص جهاد اسلامی و دفاع خاک قدس وطن و استقلال – و اتحاد و اتفاق ملت مسلمان افغانستان در خصوص حفظ شرف و ناموس اسلام و افغان بحث میرانند . این رساله در کابل طبع شده و یکی از قویترین اشتهارات دینی افغانستان در عهد امیر عبدالرحمن خان است .

""""""""""""""""""""""

۱۰ - امتحان قضات

در عهد امیرعبدالرحمن خان

رساله موعظه که در سنه (۱۳۱۰) هجری قمری در کابل بفرموده امیرعبدالرحمن خان تألیف وبتاریخ (۱۷) صفرالمظفر سنه (۱۳۱۱) هجری قمری در مطبع کابل ازطبع فراغت یافته است در این رساله نوشته شده است که :

(علماء مدرس و علماء ممتحن در حضور مجلس دربار مقرر شده اند برای انکه اگرمسئله یی یا حکمی بد ربار پیش شود فوراً جواب بگویند یا از قاضیان و مفتیان اگر در حکمی خطایی واقع شود ممیزی در اصلاح نمایند ونیزازروی امتحان اشخاص عالم نما را ازعلماء حقانی برای امرقضا و افتا وامامت تفریق نمایند تا هرکس بطوراستحقاق ولیاقت خود مرتبه یابد) .

٭ ٭ ٭

این عبارت در رساله ٔ موعظه ثابت نمود که هیاءت علماء حضور وظیفه ٔ مشاوریت شرعی پادشاه وهم صلاحیت اخذ امتحان علماء را برای امرتبلیغ وامامت وقضا وافتا وتحقیق فیصله های محاکم راداشتند ومعلوم میگردد که علماء حقانی یعنی ازنظرعلم وتقوی وسجل وسوانح صحیح بمناصب قاضی و مفتی مقررمیشدند وهرفرد حق نداشت که بدون امتحان نزد هیاءت علماء حضور بموعظت وخطابت در مساجد ومجامع بپردازند وبرخلاف اصول مذهب منیف حنفی سخنان بگویند . این اصول ومقررات قبلاً نیزد رافغانستان جداً نافذ ومرعی الاجراء بود . ودرعهد امیرعبدالرحمن

اخان همان اساس عدلی وقضائی ضمن کتب ورسائل طباعتی تاکیداً هدایت داده شده است . که ماخلصی از آن راد راین کتاب بیان کرده یم.

....

اساس القضات واحتساب الدین

رساله وعظنامه که بفرمایش امیرعبدالرحمن خان تالیف وبتاریخ (۱۷) صفرسنه (۱۳۱۱) هجری قمری ازمطبعه سنگی کابل باهتمام گل محمد خان طرزی ازطبع فراغت یافته در صفحه (۲۲) نوشته است :

(برای رواج دادن مسائل دین ازروی کتاب های معتبره علم فقه وعقائد باهتمام علماء کتاب های بسیارآسان وقریب الفهم و مسائل متفق علیه مثل کتاب اساس القضاء و احتساب الدین ورد روافض وشرح سیف البتاتروررد البغاة وغیره کتاب ها ورساله های تالیف شده همچنین این رساله برای تنبیه نمودن بیخبران وبی علمان بزبان عام فهم آسان مشتمل برچهارده بیان ترتیب یافته ......) .

....

اساس القضاء

نام وعنوان رساله ایست که حسب الامر اعلیحضرت امیرعبد الرحمن خان توسط مولوی احمد جان الکوزائی در سنه ۱۳۲۰ هجری قمری (مطابق ۱۲۶۳ شمسی) در کابل تالیف شده وباهتمام گل محمد خان بلارکوائی درمطبعه سنگی دارالسلطنه کابل بطبع رسیده است.

واین اثرکه بملاحظه نویسنده ومولف تاریخ قضا رسیده طبع ثانی ان میباشد وفراغت طبع ثانی دوازدهم شهرجمادی الاولی سنه ۱۳۱۱ هجری قمری است. رساله موصوف دراصول محاکمه وقضا بحث میکند. ومطابق باساس مذهب منیف حنفی تالیف شده است.

مولوی احمد جان خان مذکور درسنه ۱۳۰۲ هجری قمری رساله اساس القضات ورساله دستور العمل حکام وضباط را دربارهٔ رفع مخاصمات واجرای محاکمات تالیف کرد وهمدران عهد بقرار فرموده امیرعبد الرحمن خان درمطبعه سنگی دارالسلطنه کابل. (واقع سرای مادرسردار شیرعلی خان) متصل شوربازار کابل بطبع رسانید.

۱۳۰۲ قمری مطابق ۱۲۶۳ شمسی و ۱۸۸۴ میلادی است

مطبعه جدید خریداری امیرعبد الرحمن ازسنه ۱۳۰۳ قمری درکابل بفعالیت اغازکرد. واساس القضاه ازمحصولات اول ان است

درقباله شرعی مورخ شهرذیقعده الحرام سنه ۱۳۰۵ هجری قمری چهارمهریکی قاضی القضات وسه مهرمفتیان محکمه شرعیه. موجود و عبارات ازاینقرار است:

محکمه کابل ــ مفتی شرع نبی عبد الحمید ــ ۱۳۰۳)

(محکمه کابل ــ مفتی شرع نبس عبد الحکیم) ٠
محکمه ٔ کابل ــ مفتی شرع نبس رمضان) ٠

(فاحکم بین الناس بالحق)
تاقیام رکن دولت از امیر با فراست
عبد الرحمن قاضی القضات شرع ا نوراست)

"""""""""""""""""""

قاضی قندهار

ملا عبد الشکورخان (ابن قاضی القضات سعد الدین خان) در سنه ۱۳۰۹ هجری قمری (مطابق ۱۲۷۱ شمسی (قاضی محکمه ٔ شرعیه قندهار بود ــ و تخمین میشود که بعد سفر امیرعبد الرحمن خان از کابل به قندهار سنه ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ هجری قمری بفرمان ان امیر بمنصب قاضی یاقاضی القضات شهرقندهار مقررشده باشد ٠

در زمستان سال ۱۳۰۷ شمسی نیز این قاضی در شهرقندهار قرار ــ داشت و ضمن جریانات عهد امانیه در این کتاب ازوی یاد خواهم کرد ٠

"""""""""""""""""""

محکمهٔ قندهار

امیرعبدالرحمن خان در سنه ۱۳۱۷ هجری قمری مطابق ۱۲۷۸ هجری شمسی ملا سید احمد خان را قاضی محکمه شرعیهٔ مرافعه قندهار مقرر نمود . در مهر بیضوی شکلی که باسم او حک شده در بین نشان محراب و منبر دو رویان آن عبارت (قاضی محکمهٔ شرعیه مرافعهٔ قندهار سید احمد) حک شده است . سنه مهر ۱۳۱۷ – مهر کلکی او نیز باسم سید احمد و سنه مهر ۱۳۱۷ حک شده است مهر مربع در بین آن (محکمهٔ قندهار) و در اطراف آن (مفتی شرع شریف نظر محمد) خوانده میشود – سنه مهر ۱۳۰۳ –

مهر مربع دیگر – در بین آن (محکمهٔ قندهار) و به اطراف آن – مفتی شرع نبی غلام دستگیر) سنه مهر ۱۳۳۶ –

اشخاص موصوف و به همان نقوش مهرها تا عهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه – برقرار بودند . این مهرها در وثیقهٔ مورخ یک شنبه (۳۰) برج دلو سال ۱۳۰۰ شمسی مطابق جمادی الاخر سنه ۱۳٤۰ هجری قمری که در محکمه مرافعهٔ قندهار در وکالتنامه اسمی عبدالرحمن خان وکیل طائفه خوگانی ولد عبدالله خان ولد غلام محمد خان ساکن محال ارغسان ثبت شده است به نظر رسید در اینجا باید گفت که در سنه ۱۲۷۲ قمری ملا عبدالسلام خان بارکزائی قاضی محکمه قندهار مقرر شد . در سنه ۱۲۹۹ قمری در شهر قندهار واقعهٔ رخ داد و در سنه ۱۳۰۰ قمری تا سنه ۱۳۱۹ قمری ملا عبدالشکور خان قاضی قندهار و نیز قاضی نورالدین و قاضی شمس الدین پسران ملا عبدالسلام خان و دومین پسر ملا محمد سعید خان

قاضی القضات خانعلوم) مقرر قضای قندهار بوده اند ازروی وثائق تحقیق خواهد شد .

" " " " " " " " " " " " " " " " " .

مدرسهٔ شاهی
((مدرسهٔ علوم دینیه))

امیرعبدالرحمن خان – مسجد جامع چوب فروشی را که درعهد امپراتوری درانی جامع نورالاسلام – نام داشت مجدداً تعمیر نمود در عمارات الحاقیهٔ آن مدرسهٔ شاهی تأسیس وعلوم دینیه در آن تدریس میشد – علمای حنفی مذهب را از مرکز و اطراف افغانستان برای معلمی آن مدرسه احضار فرمود تا مطابق اصول مذهب حنفی علوم دینیه واصول – فقه ووعظ وخطابت را تعلیم وتدریس نمایند وهم به تألیف کتب ورسائل دینی اقدام نمایند .

اخوند ملا ابوبکر ابن عبدالکریم ابن خدابخش (ملاباشی)قندهاری وقاضی پشدی و مولوی عبدالحی (۱) ومولوی غلام جان لوگری از مدرسین بزرگ وبرای تدریس علوم دینیه و تألیف آثار علمی مصروف ساخته شده بودند .

مولوی عبدالروف قندهاری بتوسط اخوند ملا ابوبکر بن ملا عبدالکریم قندهاری بکابل خواسته بحضور امیرعبدالرحمن خان معرفی گردید ودرهیأت علماء مدرسه شاهی شامل گردید – مصروف تدریس علوم دینیه ومصحح و مترجم کتب درسیه عربیه وبا هیأت میزان التحقیق

اشتراك داشت وروزگاران ملای حضوربود ــ مذکوررساله که بعنوان
خرد نامهٔ امیری تألیف نموده ازقرب خود بحضورامیرعبدالرحمن یاد
کرده است .

امیرحبیب الله خان بتاریخ پنجشنبه (۱۰) برج میزان سال
۱۲۸۱ شمسی مطابق (۹ ۱) جمادی الاخرسنه ۱۳۱۹ هجری قمری
وموافق (۲) اکتوبر ۱۹۰۲ میلادی درشهرکابل برتخت امارت سلطنت
جلوس نمود وبدرخصوص مدرسه شاهی متوجه شد پنجاه نفرا زعلماء
مشهوربرای تألیف کتاب سراج الاحکام درمدرسه شاهی حاضر
بودند قاضی بابامراد خان دران وقت قاضی شهرکابل بود .
کتاب ضیاء الاحکام راکه تحت تألیف وهنوزبچاپ نرسیده بود
سراج الاحکام عنوان دادند وبمرحلهٔ اکمال واتمام اوردند .
وشاعری ازامیرعبدالرحمن خان بپاس همان خدمات علمی قدرکرده ــ
گفته بود :
ان ضیاء ملت ودین زیب سریرکابل حامی دین متین نائب سردار رسل
مولوی صالح محمد ولد ملا فیض محمد قندهاری قوم هوتک که در
سنه ۱۳۰۷ هجری قمری درقندهاربدنیاامده بود درسنه ۱۳۳۳
هجری قمری (۱۲۹٤ شمسی) یعنی درسال چهاردهم پادشاهی
امیرحبیب الله خان درمدرسه شاهی معلم مقررشد ــ موصوف شاعر
زبان پشتوودری وبروقتتاء سیس دارالامان معارف ۲٦۸ ۱ شمسی
مدیردارالمعلمین امانیه مقرر گردید .

---

(۱) پالج نام قریه درولایت غزنه است . وابن عالم حاجی عبدالخالق
نام داشت پسرش حاجی ملاعبدالرزاق ازمجاهدین استرداد استقلال
درسال ۱۲۹۸ شمسی بود مولوی پالج ابن ابوبکربن ملاعبدالرحمن است

اعدام دونفرعالـــم
درقندهار

ازسنه ۱۲۹۷ تاسنه ۱۲۹۹ هجری قمری دونفرمولوی درقندهار بجانبداری سردارمحمدایوب خان ابن امیرشیرعلی خان وبرخلاف امارت امیرعبدالرحمن خان سخن هاگفته بودند •

چون این تبلیغات موجب لشکرکشی و خونریزی شده بود امیرعبدالرحمن خان حوصله نتوانست ودونفرعالم رابنامهای عبدالرحیم وعبدالاحد درقندهاراعدام نمود •

پسران ونوادگان مولوی عبدالرحیم اخوندزاده • مذکور سالیانی درکابل ازعلماء حضور و مقربین دربار وهم بقید نظرد ولت بوده اند •

خرد نامه ٔ امیری

نام رساله ایست که مولوی عبدالروف متخلص ((خاکی)) در شرح گفتار امیرعبدالرحمن خان در کابل نوشته ودر سنه ۱۳۰۶ هجری قمری (۱۲۶۷ شمسی) بحضور امیر موصوف تقدیم نموده . ودر مقدمه اینطور نوشته است:

(معتکف زاویه ٔ عجز وخاکساری عبدالروف قندهاری چون در پیشگاه حضور با هرالنور اعلیحضرت والاقدرت خلافت مقام سلطنت قوام امیر کشور گیر وسلطان صاحب تدبیر امیرابن الامیرابن الامیر امیرعبدالرحمن خان خلدالله ایام دولته ٔ ایالته بار یافت بالمعاینه دید که پیوسته مکنون ضمیر ومرکوز خاطر خطیر آن پادشاه سکندر نظیر آن است که:

جمله رعایا وکافه برایا - خواه ملازم کرسی سلطنت باشند وخواه از افراد رعیت روز بروز در مدارج ومعارج تکمیل عقل و تفهیم دین مترقی ومتصاعد باشند . ازان جمله در بیان تفاوت مراحل عقل بشری کلمات حکمت سماتی راعجالتاً بقلم زرین رقم نوشتند . لاجرم فقیر هیچمدان آن کلمات تعالیات را متن ساخته بقدر فهم ناقص خود شرحی بر ان نوشتم وبه خرد نامه ٔ امیری موسوم ساختم).

خرد نامه امیری یک اثر دینی است برای تنویر افکار کارمندان دولت وحکومت وملت باد یانت افغانستان بصورت متن و حاشیه بظهور آمده است . مولوی عبدالروف (خاکی) پسر مولوی عبدالرحیم ولد مولوی حبیب الله ولد مولوی فیض الله قندهاری است . تاریخ ولادت اودر قندهار دوشنبه (۵) صفرالمظفر سنه ۱۲۶۷ هجری قمری ووفات آن در کابل شنبه (۱٦) شوال المکرم سنه ۱۳۳۳ هجری قمری است مولوی عبدالواسع ومولوی عبدالرب پسران همین شخص اند .

دولت افغانستان در سال ۱۲٦۵ هجری شمسی (مطابق ۱۳۰٤ هجری قمری موافق ۱۸۸٦ میلادی) اشتهاری نشر نمود که در تاریخ انشهد تا شیهیسیا رنمود واینک در کتاب تاریخ فذاه منحیث متن یک اشتهار رسمی عیناً درج میشود :

(دولت را آگهی حاصل گردیده است که هریک از حکام و ضابط وقضات وعمال واهل دیوان و حرسه بنك دروستا جران وحسی گیران ویشنا رزان وغیرها از خدا ناترسیده بهاغوای نفس و شیطان ترک عمل شریعت پیغمبرا خرالزمان علیه الصلواة والسلام کرده حلال را از حرام فرق ننموده وبه تنخواهیکه از بیت المال مسلمانان دارند ودرجه اداری ان درسالی ازده وصدالی هزار واعلا بعضی زیک الی ده ودوازده هزار روپیه کم نیست ، قناعت نمیکنند وازوجوه دولت ورعیت اقسطاع و اراضی وعقاررزیادی را مالك گردیده قلاع وعمارات خیانت برای خسارت برمی افرازند وبنیاد وجود ملت را ازصفحه مملکت به تیشه جور و ستم تراشیده ازبین می اندازند وازحالت ولایات وهنك درسرحد و ثغور هیچ آگاه نمی شوند وشب وروز خود را پیرایه خواهشهای نفسانی بسرمیبرده از وساوس شیطانی دریی تدبیرا نند که مال ازکسیه ستانند وکه را بهباد فنا داده اتش حرص خویش فرونشانند وغیره امور منهیه را مرتکب گشته ازبازپرس وحساب دنیا واخرت باك نکنند .

پس بااینکه هوای ایشان غالب وعقل مغلوب وطاعت ایشان قلیل و معصیت کثیراست .

بخاطر شان رزندگارش میشود که ازخدا وبازخواست روزجزا بترسید واگر

ازان خوف ندارید ازبنده ، اوکه نام پادشاه براونهاده وزمام امور جمهورا نام رابدستش داده هراس نمایید ، وپاس خدا وپادشاه وخلق را رعایت کنید ، والا گرفتار عقاب وعذاب علیاست خواهید شد) .

. . .

اشتهار فوق بفتوای قاضی القضات واعضای دارالقضاء دست نشر سپرده شده است .

....

نشر اشتهار از دارالقضای کابل

در سنه ۱۳۰٤ هجری قمری (مطابق ۱۸۸٦ میلادی) بمناسبت حرکت ضد امنیت یك جمعیت بزرگ از مربوطات ولایت غزنی . اشتهار عدد در شهر کابل بوسیله چاپسنگ از طرف دارالقضا بطبع رسید در ورقه مذکور مهر مولوی عبدالرحمن قاضی القضات تحا نملوم واعضاء دارالقضا قاضی ومفتی های محکمه شرعیه کابل نقش می باشد . مهتمم آن وقت مطبعه د ولتی کابل میرمحمد عظیم سارجن میجرومتصدی امورفنی مطبعه میرزاعبدالرزاق بیک بود .

مهرهای قضات بطورفنی وخیلی روشن بچاپ رسیده است . چون دست دخالت اجنبی درسرحدات جنوبی افغانستان دخیل بود — مطابق این فتوی شرعی واشتهار چاپی بدفع آن اقدام شده واین سنه مطابق سال ۱۲٦۵ هجری شمسی بوده است .

....

تنظیم سرحدات توسط قاضی القضات

در عهد و امارت سلطنت امیرعبدالرحمن خان برای تنظیم سرحدات شمال وغرب افغانستان هیاتی تعیین گردید که ریاست ان برذمت ملاسعدالدین خان قاضی القضات افغانستان گذاشته شد . در سراج التواریخ ضمن جریانات سنه ۱۳۰۲ هجری قمری نوشته است :

کرنیل رجوی با یک تن کپتان بعزم تحصیل احوال تلگراف از کهسان طریق مشهد برگرفت و از قاضی سعدالدین خان التماس سوار محافظ کرد

از این نوشته معلوم شد که ملاسعدالدین خان قاضی القضات در سنه ۱۳۰۲ قمری مطابق ۱۲۶۳ هجری شمسی در مرکز و اطراف هرات مصروفیت تنظیم سرحدات را داشت .

مهر صکوکات

د رسنه ۱۳۰۳ هجری قمری مطابق ۱۲٦٤ شمسی د روقت ورود مطبعه جدید کابل طبع وثائق اغازگردید ود رسنه ۱۳۱۰ دفتر صکوکات تأسیس ومهرمخصوص بعبارت (عمل د فترصکوکات دولت افغانستان حک گردید سنه مهر ۱۳۱۰ د رعهد امیرحبیب الله خان این مهر بصورت مربع تجدید وتادوره غازی امان الله شاه مروج مانده . ود رکاغذ های وثائق شرعیه نقش و ثبت می گردید .

د ربین مهر نشان محراب و منبر وباطراف ان شعاع افتاب وباطراف ان عبارت :

(عمل د فترصکوکات دولت علیه افغانستان) .

د رعهد غازی امان الله شاه مهر جدید دیگرد ربین ان نشان محراب ومنبر وباطراف ان شعاع افتاب - ود رپایان این عبارت :

(مهرصکوکات دولت علیه خداداد افغانستان) وهرد ومهرمذکور تا خاتمه سلطنت غازی امان الله شاه د رمحاکم شرعیه افغانستان معمول ومروج بود که عکس های انهمه نقوش مهرها د رصفحات این کتاب دیده میشود .

فیصله ٔ دعاوی در محکمه ٔ شرعیه کابل

مسماه سایره سلطان بنت حافظ غلام احمد خان وزیر مختار بن حافظ شیرمحمد خان اشرف الوزراء مختار الدوله بن اشرف الوزراء شاه ولی خان اعتماد الدوله در سنه ۱۳۱۰ هجری قمری (مطابق ۱۲۷۱ شمسی) عریضه ٔ بحضور امیرعبدالرحمن خان تقدیم کرده ومفادی که از متن این عریضه بدست می اید این است که حکمی بدون فیصله ٔ محکمه بظهور نیامده واز ان جهته لازم میگردد که سراسر عبارت عریضه وسواد حکم امیردر تاریخ قضا گـــــردد :

(تصدق حضور لامع النور مبارکت شوم ــ کمترین داعیان همشیره گل محمد دختر غلام احمد خان معروض خدمت حضور حضرت سرکار رهنما یون روحنا فدا میدارم کـــــه :

سابق عریضه ٔ کوتوالی گرفته شرعی در خصوص مبلغ هشت هزار روپیه حصه خود که از وجه کلکته بقرار وصایت نامه ٔ که بمهر پدر خود بود بدست دارم ــ عرضداشت حضور کرده بودم که یعنی همه گی وارثان بحق خود رسیدند ــ حصه ٔ این ضعیفه بیچاره را داد محمد خان (۱) و جان محمد خان نمی دهند وحق داری نمی کنند .

در جواب عریضه ٔ داعیه ه دستخط مبارک شده بود که : دعوای شما

---

(۱) این شخص در عهد امیرعبدالرحمن خان حکمران جلال اباد بود صالح محمد خان سپه سالار پسر همین شخص است و مفصل احوال او را در تاریخ سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه نوشته ام وامادهٔ چاپ اســـــت . (عزیزالدین وکیلی پوپلزائـــــی)

به نیم نخود ك میماند)) — حقیقت احوال را دانسته قاضی کرده مجلس حاصل کنید بالای هرکس که حق شما بقرار امرکتاب الله براید گرفته خواهد شد .

تصدقت شوم عریضه مذکورکه بدستخط سرکار اشرف والا مزین شده بود به خانعلوم (۱) برده دانسته کردم — روز اول فرمودند که خوب است بعد ازان چند دفعه نزد خانعلوم رفتم وعرض کردم باز خواست مرا نکردند وپس گوشی زدند قربانت شوم الحال که بالای عاجزه سخت ساعت امده چنانچه محتاج یك دست جامه صحن کوره ولب نان خشك شده ام وشب وروزمن بحیرانی وهرد م شهیدی و احتیاج می گذرد — وشب نیم گلیم کهنه را زیر پا ونصف انرا بسر خود کشیده بسرمیبرم وبدون مرحمت الهی وثانی بجزمکرمت سرکار شهنشاهی ازهیچ طرف وسیله وواسطه وغمگساری ندارم — قربانت شوم بقرار سند وخط بمهر پدرمن مبلغ هشت هزار روپیه پخته حصه کنیز شما بردمه ایشان طلب است —

(۲)
امیدوارم که ازفرط اشغاق لطف فرمایند واین بیچاره را بحق برسانند تصدقت شوم شما ازطرف کنیز خود وکیل مطلق میباشید که یك مرتبه حق من درد ست امده بعد ازان خود حضرت سرکار والامالك اند که

(۱) خانعلوم همدرین عهد ملاعبدالرحمن قاضی القضات ابن ملا محمد سعید خان قاضی القضاه بود وسوانح ان خاندان دراین کتاب امده است .

(۲) این کلمات درعرایض قدیم ازروی احترام نوشته میشد واین طرز عبارات ازروی اداب بکار میرفت .

بمن داعیه چیزی عنایت میفرمایند یا نه ؟ هرگاه حضرت شهریاری یکمرتبه کنیزخود را وانها بخدمت حضور طلب فرمایند — انشاالله در ساعتی حرف جانبین صاف خواهد شد — وراست وخلاف مدلل حضورانورخواهد گردید که اگرحق من نباشد وخلاف عرض کنم سزاوار عقوبتم — باقی ایام عمر واقبال و حشمتواجلال یومیه در ترقی و تزاید باد برب العباد والدعاء

((عریضه داعیه عاجزه صبیه غلام احمد خان مختار))
(همشیره گل محمد)

• • •

فرمان امیرعبدالرحمن خان

(هوالله تعالی شانه — عریضه شما ازنظر مبارك والا گزارش یافته مطالب معروضه حالی رای والا شد — قبل برین هم عریضه کرده — بودید در جواب شما مرقوم شد که حرف شما تعلق بشریعت دارد . سجل محکمه رابگیرید که گرفته شود اگرصد مراتبه عریضه بنویسید سخن شما تعلق بشریعت دارد وسرکار والا حکمی نمی فرمایند . الحال هم باید همراه مدعی خود شریعت نموده ثبوت حق خود را کاغذ بگیرید که محصل مقرر شود وحق شما راگرفته بشما برساند . شما همین فرمان سرکار راکه در جواب عریضه شما مرقوم شده به محکمه عالیه برده واگرخود نمی روید وکیل بگیرید که اهالی محکمه مدعی

شما رابه محکمه عالیه حاله فیصله دعوای شما را نموده بشما سجل بدهند که محصل مقررشده حق شما را بگیرند ـ وهرگاه این لـ فصه چنانکه میگویید الحاضر نکرد ند وپ س گوش نموده جواب شما را ندادند هرگاه شما ثبوت این حرف را نمودید آنوقت بشما محصل داده میشود که شما مدعی شما را به محکمه عالیه حاضرکنند ومعلوم است که سخن شما صدق است فقط ـ

(۱۲) شهر صفرالمظفر ۱۳۱۰).

• • •

این عریضه وفرمان ثابت نمود که دعاوی اهالی ابمحکمه شرعیه محول میگشت و حقوق عارض رامحکمه شرعیه حل وفصل می نمود عارض میتوانست که ازشخص خاتعلوم قاضی القضاه بدربار سلطنت شکایت نکند.

سایره سلطان بیگم زوجه امیراحمد خان بن محمد کبیرخان بن محمد امیرخان بود مراسم مسنون نکاح و عروسی او در باغ علی اباد محل پوهنتون حالیه که ملکیت ورثه وزیرشاه ولی خان بود ـ باتمام رسیده بود شوهرش در جوانی فوت شد.

""""""""""""""""""""

دارالقضاء قندهار

دارالقضای قندهار ــ در قباله های شرعیه بعنوان (دارالقضای حضورلامع النور فاخره احمد شاهی) نوشته میشد در اینجا لازم میگردد که این اداب ورسوم را باید توضیح نمود :

اعلیحضرت امپراتور احمد شاه ابدالی که بتاریخ پنجشنبه (٥) برج اسد سال ۱۱۲٦ هجری شمسی مطابق (۲۰) شهررجب المرجب سنه ۱۱٦۰ هجری قمری تاج استقلال افغان و افغانستان را در اثر اصرار علماء وزعماء طایفه افغان در لویه جرگه مزار شیر سرخ (سورزمری) قندهار برسر گذاشت . از خدمات بسیار بزرگه علمی او درینی ان ولی الامر متدین بانی مبانی دولت واستقلال مجدد افغانستان تشکیل دیوان اعلی (مرکزبزرگه جمیع ادارات مرکزو اطراف) وبه وجود اوردن اداره عالیه قضا است .

وچون اجراء احکام شریعت غرای اسلام ازهمه چیز مهمتر ومقدمتر واولین وظیفه اولی الامر مسلمین همین است . بتاسیس دارالقضا در مرکز قندهار اقدام نمود . علماء وقضاه مرکز قندهار در وثائق شرعیه ازروی نهایت اداب (دارالقضای حضورلامع النور فاخره احمد شاهی می نوشتند . چراکه ان اولی الامر معظم بحضور داد رسی احوال کافه مسلمین وتابعین ورعایت تمام احکام قانون قوم اسلامی که باید همه امور مرجوعه محوله در تحت اداره ونظر حاضرفرما نروای بزرگ افغان وافغانستان اجراء و انفاذ یابد ــ این عنوان واصطلاح خاص ومشخص برای دارالقضای قندهار گذاشته شده بود .

واین عنوان اوائل وا واسط دوره سلطنت محمد زائی شناخته میشد تا

واحتراماً درتبدیل آن نمی کوشیدند .

دردارالقضای حضورلامع النور احمد شاهی ـ یعنی مجمع علماء وقضاء بزرگ مرکزقندهار عالمان بزرگ بجهت اجراء احکام شریعت غـــرای محمدی (ص) و تطبیق احکام اصول مذهب منیف حنفی (رح) بنـام ها ومناصب : امیردارالقضا ـ اقضی القضات ـ قاضی القضاة ـ خان علوم ـ نائب خان علوم ـ امین محکمه ـ امین قوانین اسلام ـ داروغه عدالت ـ میرعدل ـ امین المحاکم ـ صدرالصدور ـ قاضی ـ مفتی ماموراحتساب شناخته میشدند . وان رجال بزرگ علمی وقضائـــی دروثائق وفرمانها بالقاب ـ ومناصبی که داشتند یاد میشدند . و القاب شیخ الاسلام صدرالصدور ـ صدرالعلماء منتخب العلماء ـ خان علماء ـ خان ملا ـ اشرف العلماء ـ شمس العلماء رئیس العلماء ـ افضل العلماء ـ مخصوص ان مقتدایان اهل علم وادب وورع وتقوی بـــود . وعنوان ها والقابی ازقبیل : داروغه عدالت داروغه مساجد ـ داروغه تسبیح خانه ـ ملاباشی ـ مدرس باشی ـ قانون گوی ـ منصف ـ ممیز محتسب نیزموجود می بودنـد که دراین کتاب باستناد قباله ها وفرمانها همه این اشخاص صاحب مناصب قضـا معرفی شده انـــــــــد .

وچون بحث درمورد (دارالقضای حضور لامع النور احمد شاهی وادامه این عنوان در رخشان تادوره های مابعداست دراینجـــا تشریح می گردد واین است نقل قباله ها :

افوض امری الی الله
چون مقررشد زعنایات خداوند کریم
مفتی شرع رسول الله شد عبدالرحیم

افوض امری الی الله
شد بحکم من لم یکن له کف
شیخ الاسلام محمد یوسف
۱۲۷۲

افوض امری الی الله
چون مقررشد عنایات زرب العالمین
مفتی شرع رسول الله شد ابوبکر معین
۱۲۹۳

د رینوقت بتاریخ دهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۹۶ یک هزار و د وصد ونود وشش بود از هجرت نبوی حضرت رسالت پناهی (صلی الله علیه و سلم) که حاضر امد بدارالقضای حضور لامع النور ناخره. احمد شاهی نزد اینجا دم شریعه سیادت پناه سید ملاداد ولد سیادت پناه سید اعظیم شاه ولد سیادت پناه سید شاهان قوم علوی د رحینی که وکیل مطلق ثابت الوکالت بود ازقبل مسماة شاه زاد ونامه بنت جمعه خان نام ولدا امان الله نام وکالتاه ثبت بالبینه بشهادت هریک ملاجان محمد اخوند زاده وملا محمد اسلم اخند زاده ولدان ملا بایزید اخند ولد ۰۰۰۰۰۰۰ اخند

مدعی وبا خود حاضرا ورد رحمت الله ولد ۰۰۰۰۰۰۰ ولد ۰۰۰۰۰
نام مدعی علیه را پس مدعی مذکور برین حاضرا ورده خود مدعی علیه
مذکور وکالتاً چنین دعوا نمود که یک عدد چادر رنا رسی که بقیمت
چهار تومان روپیه پخته قندهاری حق و ملك موكله اینجانب
میباشد که دختر موكله اینجانب مسماه قریشی نامه بنت
سیادت پناه سید پیرمحمد ولد سیادت پناه سید اخترمحمد قوم
علوی بمادر خود که موكله اینجانب میباشد تملیک نموده است
وموكله اینجانب قبض نموده است وبدست مدعی علیه هذا غصباً
وبغیرحق میباشد الحال مطالبه مینمایم نمی دهد ــ پس ازمدعی
علیه مذکور پرسیده شد درجواب مدعی مذکور انکارمطلق نمود
پس ازمدعی مذکور طلب شاهدان عادله نموده شد ومدعی مذکور
گفت که شاهدان نداریم پس حکم تحلیف نموده شد بمدعی علیه
سه بار ومدعی علیه مذکور ازتحلیف نکول کرد ــ پس این خادم
شریعه حکم چنان نمود که مدعی علیه مذکور ملزم وملامت میباشد
ونیزبه مدعی علیه مذکور چنان گفته شد که چادر مذکورا راتسلیم
مدعی مذکورنماید ۰ این چند کلمه بطریق سجل نامچه قلمی گردید
که ثانی الحال سند قوی بوده باشد ۰

وکان ذالك بمحضر من المسلمین القاشد) ۰

(ابوبکر)

۱۲۸۲

حکمنامه ٔ شرعـــــــی

ملا عبدالرحمن قاضی القضات حا نعلوم (ابن قاضی القضاه ملا محمد سعید خان مرحوم در سنه ۱۳۱۲ هجری قمری (مطابق سال ۱۲۷۲ شمسی) حکمنامه نوشته است که متن ان عیناً درج میشود :

([illegible]

((هـــو))

(عالیجاه عزت نشان میرزا محمد یوسف خان سارجن مهجر نظامی حفظه الله تعالی بعدها واضح انکه غلام سرور خان در محکمه شرع انور امده اظهار نمود کـــه :

به خصوص دعوای شرعی که بهمراه عالیجاه مذکور دارم در محکمه عالی همراه من نمی اید که دعوای شرعی من بهمراه نامبرده بـه قرار امر کتاب اللهی با نفصال برسد لهذا بجهته شما اعلام انکـه بهمراه غلام سرورخان مذکور در محکمه ٔ عالی امده دعــــوای شرعی خود ها را با نفصال برسانید که من بعد استغاثه ننمایند

فقط تحریر شهر شوال المکرم سنه ۱۳۱۲

مهر عبدالرحمـــن

۱۲٦۸

اغاز طبع وثائق درافغانستان

درکتابی که بنام تاریخ مطابع وجرائدافغانستان نوشته ام سازطبع ونشروثائق درعهد مطابع تذکار زیاد داده ام وممکن روزی درمنصئه طبع ونشربرسد . وخلص باتکلیل بعدازظهوراولین مطبعه سنگی درکابل درسنه ۱۲۸۷ هجری قمری ودفعه دوم درسنه ۱۳۰۳ هجری قمری عنلوین وثائق تاحد ممکن بوسیله ء چاپ سنگ رواج گرفت و مهرعمل دفترصکوکات و شکل سرلوحه ء قباله هاوعریضه ء قرطاس وغیره . بعد از ورود دستگاه زینکوگرافی وتیپوگرافی درتزئین شکل وثائق بوسیله ء صنایع جدید تخنیکی طباعتی کوشش بعمل امد جداول واشکال و مهر ها بوسیله ء مطبعه رونق طباعتی عصری یافت که نمونه های ازان را دروقت طبع این کتاب (تاریخ قضا) ارائه خواهیم نمود وخدمت مطبعه صکوک قابل یاداوری است .

درسال ۱۳۱۱ شمسی دراین وقتی که ماشین های جدید مطبعه عمومی کابل بکار وفعالیت عصری طباعتی اغازکرد صفحات وثائق ازهر نوع مطابق نیرووقدرت کمره های جدید فوتوگرافی و زینکوگرافی و افسیت اشکال قدیم خود رابنوع جدید وعصری تبدیل داد وزارت جلیله عدلیه برای تسهیل امورمحاکم شرعیه اصول جدید روی کارا ورد واکثر عبارات رادروثائق چاپی گنجانید و تلخیص نمود وتنها برای اعتبار و توثیق اسناد نقوش مهرهای قضات ومفتی های محاکم را کافی دانست ومطابق ازمنه ء قدیمه اعمال یابد - وبقرار این اجمال واختصار خدمات مطابع واهل فن مطابع درقسمت وثائق دراین کتاب تاریخ قضا درافغانستان غیرقابل فراموشی است .

قاضی مشکین

ملا محمد مشکین ـ ساکن قلعه ٔ اوزبیک های ولایت زابل د رسنه ۱۳۰۹ هجری قمری مطابق ۱۲۷۱ هجری شمسی بفرمان اعلیحضرت امیرعبدالرحمن خان قاضی محکمه شرعیه ٔ حکومت مقر ـ مقررگردید مذکوربنام قاضی مشکین مشهور وازعلماء بزرگ د رعهد خود ود رهمان مرکز بوده است ٠ قاضی مشکین اصلاً پشتون و چون د رقریه اوزبیک ها سکونت داشت د رشناخت او اشتباه رخ داده بود ٠

قریه ازبیک ها د رنواحی قلات ومقر د رتاریخ شاه جهان یاد شده ودارای سوابق میباشد ٠

رمضانیه

((شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن))

٭ ٭ ٭

عنوان رساله ایست که در (۱۶) صحیفه بقطع جیبی در مطبعه کابل طبع گردیده، واین اثر منظوم از میرزا محمد شریف خسته دل شاعر کابلی است در پشتی رساله نوشته است:

(حسب الفرمان واجب الاذعان حضرت سرکار همایون والا ضیاء الملته والدین امیرابن الامیر ــ امیر عبدالرحمن خان غازی خلد اللـــه ملکـــه ....)

ودر صفحه اخیر نوشته است:

(تمت القصیده الرمضانی بعون الله الملک الصمدانی ـ عهد معدلت مهد حضرت ظل الله شهریار عدالت پناه ضیاء الملته والدین امیر عبدالرحمن خان غازی خلد الله ملکه وسلطانه ــ امر وارشاد فرمودند که در چهاپخانه مبارکه دارالسلطنه کابل چهاپ شود ــ بسعی واهتمام خادم استان گل محمد خان مهتمم چهاپخانه‌ئـه موصوف بدستخط حافظ حیدر علی احرای در تاریخ شانزدهم ماه مبارک رمضان المبارک سنه ۱۳۱۶ هجری نبوی صورت انطباع پذیرفت).

٭ ٭ ٭

رمضانیه ــ یک اثر دینی وهم ادبی است. حافظ حیدر علی خوشنویس از اولاده حضرت خواجه عبیدالله احرار است.

مقرری بابامراد خان
بقضای دارالسلطنه کابل

ملابابامراد خان اند خودی (متخلص حزین) در سنه ۱۳۱٦ هجری قمری مطابق ۱۲۷۷ شمسی • بفرمان اعلیحضرت امیرعبدالرحمن خان ـ قاضی دارالقضای کابل مقررگردید ود رمهرخود این عبارت را نقش نمـــــود :

(یاالله ـــ بابامراد قاضی دارالقضاء کابل سنه ۱۳۱٦) •

ملاعبدالستارخان ــ ملا شمس الدین خان ـــ ملا سید احمد خان ـــ مفتی های محکمه کابل درعهداوبود ند • چون یکی ازقضات افغانستان درعهد ضیائیه و سراجیه وامانیه است • مفصل سوانح اورا در همین حصه • کتاب تاریخ قضا ازنظرمی گـذرانم •

قاضی بابامراد خان فرزند ملاعوض بای ولداد ینه مراد قوم کارگـر درشهرصیام المبارک سنه (۱۲۷۷) هجری قمری مطابق ۱۲۳۸ شمسی درگذرکارگرخانه اند خود دریک خانواده • با فضل وتجـارت پیشه بدنیاآمد •

تحصیلات ابتدائی راد رمدرسه • باباولی اند خود ومدرسه • ملاکه شهرتانی نزد اساتیذوقت (داملا قاسم ژنده وداملا الله قل) بـه پایان رسانید •

به معیت پدرجهت کسب تحصیلات درسنه (۱۲۹٤) هجری قمری مطابق ۱۲۵٤ شمسی دربخارا رفت ود رمدارس انجا ازمحضرداملابو الفضل بلخی اعلم بخارا ـ ایشان محمداختیار خواجه اخوند بخـارا

مولوی عبدالکریم ـ دا ملا حامد عرب وقاضی عبدالشکورخان ابن قاضی

کلان بخارا ود یگردانشمندان واساتید ان سرزمین معرفت پرور

تحصیل علوم نمود ، ازجمله درتفسیر ـ حدیث ـ منطق ـ حکمت

عقائد ـ تهذیب ـ فقه ـ اصول فقه ـ بدیع وبیان ومعانی تبحرعالی

یافته وتلامیذ زیادی بیادگار گذاشت . بعدازپایان تحصیل به

وطن مالوف خود مراجعت کرد . بعدازچندی بفرمان اعلیحضرت

امیرعبدالرحمن خان قاضی محکمهٔ شرعیه شهرمیمنه مقرر شد . و

ضمناً وظیفهٔ مقدسهٔ خطابت مسجد جامع شهرمیمنه نیزباوشان

تفویض گردید پس ازچندی درواقعهٔ سردار محمداسحق خان بجانب

کابل ومدت کمی تحت نظارت قرارداشت . وبعد مفتی دارالقضای ـ

کابل مقررگردید . ودرسنه (۱۳۱۶) هجری قمری مطابق ۱۲۷۷

شمسی بفرمان ضیاءالملته والدین امیرعبدالرحمن خان به منصب قضائ

دارالسلطنهٔ کابل سرافرازگردید وبعباراتی که مذکورشد درونائق

شرعیه معروض نمود . افزون بران عضویت شورای خاص رانیزحائز

شد . بعد ازوفات امیرعبدالرحمن خان (پنشنبه ۱۰ میزان سال

۱۲۸۰ شمسی ـ ۱۹ جمادی الاخری سنه ۱۳۱۹ هجری قمری

بفرمان اعلیحضرت امیرحبیب الله خان نیزمنصب قضای اوتائید گردید .

ودرسنه (۱۳۲۲) قمری (۱۲۸۳ شمسی) درهیات تحت ریاست

سردارعنایت الله خان معین السلطنه ازکابل به هندوستان اعزام

گردید .

وپس ازبازگشت همدرین سنه بقضای محکمهٔ ولایت بلخ (مرکز ولایات

شمال افغانستان) مقررگردید وانوقت محاکم شرعیهٔ ولایات سمنگان

جوزجان ـ فاریاب ـ نیز تحت اداره دارالقضای بلخ بود .

در سنه (۱۳۳۱ قمری) (۱۲۹۲ شمسی) بکابل احضار و قاضی عسکری مقرر شد وعلاوه برقضای نظامی عضویت شورای خاص (بیت الشورای انجمن مشاورین علمی و شرعی) ووظیفه سرپرستی خطبای شهرکابل نیز باو تفویض گردید . هنگامیکه امیرحبیب الله خان به سفرسه ماهه زمستانی ازکابل تشریف فرمای سمت مشرقی افغانستان میگردید . ملابابا مراد خان معیت علماء حضور را میداشت زیراکه امورمحاکم ولایات راعلماء حضور وارسی کرده وقضایای لاینحل راحل مینمودند . در سنه (۱۳۳۷) قمری (۱۲۹۸) ش بفرمان اعلیحضرت امان الله شاه قاضی اند خود مقررگردید . برامور قضا وتدریس علوم منقول ومعقول درمدرسه بابا ولی انجا پرداخت در سنه ۱۳۴٤ قمری ۱۳۰۵ شمسی ازقضای اند خود بنابرکهرسن مستعفی گردید . شبه وشنبه ۱۳ محرم الحرام سنه ۱۳٤۹ قمری مطابق ۲ برج سرطان سال ۱۳۰۹ شمسی بعمر ۷۲ سالگی وفات کرد ودرجوارتربت باباولی درصحن مدرسه باباولی اندخود مدفون گردید .

به لسان عربی پشتو دری ترکی اشنایی کامل داشت .

قران کریم رابعمر ۱۵ سالگی حفظ نمود . صاحبزاده عبداللطیف وهابی را همین بابامراد خان درعهد قضای خود بدارالسلطنه کابل محکوم به جرم نمود .

قاضی بابامراد خان ازعلماء مشهور افغانستان درعهد خود شبود .

اقوال شعراء نسبت به امیرعبدالرحمن خان

چون این کتاب تاریخ قضاد رافغانستان است ، ازجمله یادداشت ها واسناد یکی اقوال شعراء مقیم هرات است که ازاوصاف عدل وعدالت امیر ابیات یاداورمیشوند .

امیرعبدالرحمن خان توسط فرامرز خان سپسالار ایوان بزرگ شرقی زیارت پیر هرات شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری رح راترمیم نمود وازقطعه نظمی که گلزار خان اسحق زائی درتاریخ ان گفته است ابیات مثال اورده میشود :

فرمانده توران وخراسان شهی افغان
عبدالرحمن خان شرف مسند شاهی
شاهی که به معماری اقطاع ممالك
بردعوی عزمش دهد این روضه گواهی
اسپهبد اعظم عضدالملك فرامرز
کزحسن مساعی است برامثال مباهی

ه ه ه

درلوح تاریخ ترمیم گازرگاه هرات اینطور یاد شده :

مرکز دایره معدلت عبدالرحمن
انکه ملکش چوبهشت عرصه امن استورفاه
بنده خاص درش معتمد دولت ودین
شاهد ملت وملك افسر وسالار سپاه

خان ذوالمجد فرامرز که زدی ازد رصدق

چون دم صبح علم برفلك رفعت وجاه

٭ ٭ ٭

د رقطعه نظمی که گلزارخان اسحق زائی د رتاریخ تبدیل کرسی لوح قبرامیردوست محمد خان د رهرات گفته د وبیت اتی مثال اورده میشود :

بوالمظفر عبدالرحمن خان بهادر کزنیا

د رنفاذ شرع ونظم ملك به ائین نهاد

نائب جم رتبه سعدالدین سراج الملك

(۱)

برنساط شاهرخ ازپیشگه فرزین نهاد

٭ ٭ ٭

ازقطعه میرزاگوهری که برای لوح جدید مرقد امیر دوست محمد خان د رهرات د رسنه ۱۳۰۷ هجری قمری مطابق ۱۲۶۸ هجری شمسی گفته است این ابیات که بتاریخ قضا ارتباط دارد نقل میشود :

زبهرنام نیك کهف عالم افسر کامل

امیرابن الامیرابن الامیران شاه دریادل

شهنشاه بلنداقبال بافر عبدالرحمن خان

که امد کشتی اسلام رامحروسه اش شامل

زعدل شانچنان افغانستان امن وامان امد

که اهود رکنار شیر غزمان میکند منزل

جهان علم وحلم وفضل سعد الدین که توفیقش
(۱)
بخیرو دولت اندر کارهای خیر شد مایـــل
رقم زد گوهری تاریخ سال نصب لوحـــشرا
زنوباد شد لوح خدیوان اعدل عــادل

ه ه ه

فرامرزخان که در عهد امیرعبدالرحمن خان وامیرحبیب الله خـــان
(۲۴) سال سپه سالار هرات بود بلقب احترام پادشاه افغانستان
اینطور سجع مهر برخود گرفته نقش کرده بود :
فرامرزبودم شه دادور بسالاریم کرد اومعتبـــر
مذکوربعمر (۶۷) سالگی در هرات درسنه ۱۳۲۳ قمری (۱۲۸۴
شمسی) فوت ودرگازرگاه بخاک سپرده شـــد .

---

(۱) (۲) قاضی انقضات واین وقت نائب الحکومه هرات ومصروف
تنظیم سرحدات ان ولایت بود . شرح حال او وخاندانش در ایـــن
کتاب مطالعه شود . (وکیلی پوپلزائی)

دارالقضاء افغانستان

د رعهد اعلیحضرت امیر حبیب الله خان

((۱۳۱۹ ـ ۱۳۳۶ هـ ـ ق))

بتاریخ پنجشنبه ، ، برج میزان سال ۱۲۸۱ هجری شمسی مطابق (۱۹) جمادی الاخر سنه ۱۳۱۹ هجری قمری وموافق (۲) اکتوبر ۱۹۰۲ میلادی عیسوی امیرحبیب الله خان در شهر کابل برمسند پدر جلوس نمود . چون افغانستان مملکت اسلامی و اطاعت درجه اول بمقدسات احکام دین حضرت سید المرسلین دارد مطابق برسوم واعتبارات قدیم سلاطین متدینین اسلامی افغانی نخست متوجه تشکیل دارالقضا واعضاء محاکم شرعیه گردید وبرای پیشرفت امور علمی :

((بیت العلوم مبارکه حبیبیه)) اداره بزرگ علمی تشکیل داد .

ودربدو امارت خویش ملا سعد الدین خان پسربزرگ ملا عبد الرحمن قاضی القضات مرحوم راکه عمرش در مرحله شصت و هفت سال بود به رتبه قاضی القضات و خانعلوم بجای پدر وجدش برگزید . موصوف شانزده سال باین منصب عالیه علمی و قضائی بسر برد ودرشب شنبه (۲۳) شهرمحرم الحرام سنه ۱۳۳۷ هجری قمری در قریه شیوه کی کابل وفات یافت ودرصحن مسجد قلعه (۹) برجه خانعلوم دفن گردید . پس ازفوت ملاسعدالدین خان قاضی القضات دوومین پسرش ملاعبدالشکورخان در اوائل عهد سلطنت غازی امان الله شاه قاضی القضات مقررگردید ومصادف بهمین دوره در برج حمل سال ۱۲۹۸ شمسی در تشکیل کابینه نظارت عدلیه اثبات وجود کرد ودر آغاز سال ۱۳۰۰ شمسی وزارت جلیله عدلیه موسوم گردید

که تحت عنوان خود ش بحث خواهیم کرد . قاضی القضات خانعلوم
خان ملا ـ درد وره ' امراء محمد زائی مورثان خاندان بـــود
ود راین کتاب تاریخ باید تصریح کرد که ملامحمد سعید خان و ملا ـ
عبدالرحمن خان ملاسعدالدین خان ازعلماء وقضات مشهوردوره ' ـ
جدید وصاحب تصانیف و تالیفات نظم ونثر بودند وبقراریکه دراین
کتاب اجالاء تشریح شده است اثار علمی و تحقیقی ازایشان باقی
مانده اســـــت .

ملاسعدالدین خان قاضی القضات به وکالت دولت افغانستان
بجهت تحدیدات خطوط سرحدی بین افغانستان وایران وروسیـــه
مقررگردیده وبعداء به نائب الحکومتی هرات برقرار و (١٩) ســال
دیگرقاضی القضات و یک تعداد کتبی که درعلوم شرعیه درعهـــد
امیرحبیب الله خان تالیف یافته . همه ازنظرغورو ملاحظه او ـ
گذشته ود رختم بسیار کتب چاپ شده انعهد ، امضاء او موجـــود
است . ود رغور و خوض محتویات سراج التواریخ انچه بدوره ' محمد
زائی ارتباط دارد . معاونت فکری نموده ود ردیباچه کتـــب
مذکورازوی یاد شده است . واین است عبارت نقش مهراود رزمانی
که قاضی القضات بـــود :

خاک پای تویارســـــول امیـــن

سرمه ' هرد وچشم سعدالدیـــــن

و همدرین سالیان ملاعبدالعزیزخان ابن ملاعبدالرحمن خان قاضی
جلال اباد وملاعبدالودود خان ابن ملاعبدالرحمن خان قاضی محکمه
بلخ بودنـــــــد .

ملا احمد علی ششمین پسر ملا سعدالدین خان قاضی القضات مدت سی سال در عهد سراجیه و امانیه قاضی ابتدائیه و مرافعه شهر هرات بود .

ملا سعدالدین خان قاضی القضات در سال ۱۲۹۸ شمسی یعنی سال اول پادشاهی اعلیحضرت امان الله شاه قاضی القضات بود وبتاریخ (٤) برج میزان سال ۱۲۹۸ شمسی در شیوه کی کابل وفات یافت و اعلیحضرت امان الله شاه در مراسم تشییع جنازه و تدفین ان اشتراك نمود .

اخوند زاده الحاج عبدالکریم علومی سومین پسر قاضی القضات سعدالدین خان ابن قاضی القضات عبدالرحمن خان علوم در عهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه اول حاکم مهاجرین و ناقلین وبعد حکمران غزنین وزمانی نائب الحکومه قندهار ورئیس تنظیمیه هزاره جات وبعد از خاتمه دوره امانیه نسبت کبرسن از مشاغل رسمی برکنار گردید . وفات الحاج اخوند زاده عبدالکریم علومی موصوف در شهر کابل چهارشنبه (۲۰) رجب المرجب سنه ۱۳۶۳ هجری قمری مطابق (۲۰) برج سرطان سال ۱۳۲۳ شمسی است . این خاندان ((علومی)) برخود اسم فامیلی دارند .

ملا سعدالدین خان قاضی القضات یازده پسر داشت ونامهای شان ازینقرار است :

۱ ــ ملاعبدالشکور خان (قاضی القضات) .

۲ــ حاجی عبدالعلی خان (جنرال ملکی) .

۳ـ حاجی عبدالکریم خان .

٤ـ نوراحمد خان ٥ـ محمد حسین خان . ٦ـ احمدعلی خان

۷ـ محمد نصرالدین خان . ۸ـ غلام حسین خان . ۹ ـ محمد

فاروق خان . ۱۰ ـ محمدابوبکر خان . ۱۱ ـ محمدعثمان

پس ازفوت ملا سعدالدین خان (قاضی القضات) دومین پسرش

ملاعبدالشکور خان ـ در سال ۱۲۹۸ شمسی بفرمان اعلیحضرت

امان الله شاه قاضی القضات مقررگردید و مصادف بهمین دوره

استرداد استقلال ـ نظارت عدلیه تشکیل یافت و دراغاز سال ۱۳۰۰

شمسی وزارت جلیله عدلیه موسوم گردید .

ازسال (۱۲۹۸) شمسی محاکم ثلاثه شرعیه در تمام مراکز

ولایات افغانستان تحت اثر نظارت عدلیه (ثم وزارت عدلیه) ـ

تعیین وقضات مقررگردیدند که تفصیل انهمه جریانات امورشرعیه

درصفحات این کتاب (تاریخ دارالقضاء درافغانستان) مطالعه

میشود .

محکمه عالیه شرعیه

محمود طرزی عالم نویسنده شاعر مترجم وژورنالیست شهیر افغانی در سال ۱۲۹۳ شمسی در سراج الاخبار افغانیه نوشته است :

افغانستان در همه اطراف عالم به صلابت وعصبیت دینیه معروف ام گزدیده واین عین حقیقت است . مسند شریعت غرای محمدی (ص) در محکمه عالیه شرعیه گسترده واحکام قوانین الهی برای رفاه وسعادت اهالی ممهد وآماده است .

جوامع شریفه باجماعت های مصلین مالی واحتساب در فروعات به شدت تمام جاریست.

اهالی علی العموم به محبت رسول برحق خود حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه واله وسلم وال بیت او واصحاب همصحبت او از دل وصدق ایمان محبت وصداقت می ورزند . همه مردم افغانستان بیک دین وبیک مذهب پابند اند . ازمذاهب مختلفه اسلام تنها مذهب شیعه موجود است که سنی و شیعه افغانستان نیزبا هم مختلط ومتحد وهموطن وهم ملت خود شانرا دانسته هیچ مغایرت وضدیتی در بین شان پدیدار نیست .

افغانستان علی العموم (حنفی المذهب) هستند که ازمذاهب مختلفه که در دیگر ممالک اسلامیه انتشار دارد خیلی کمتر اندران پیدا میشود .

افغانها در پابندی مذهب ومحبت بدین بدرجه یی که فوق العاده گفته شود شدت وصلابت دارند همین صلابت و محبت دینی بود که غیر دین خود را در وطن عزیز خود حاکم دیده نتوانستند (۱)

(۱) زیرا [illegible] افغانستان بوده است

واین اشارت اخیر مقصد ازتجاوزات انگلیس بخاک افغانستان بوده است .

---

(۱) سراج الاخبار افغانیه سال هفتم ـ شماره (۱) صفحه (٤)

کاکلکسیان [illegible] ون وکیلی په وپ لزائ [illegible] ار (۱ ()

تهذیب وتمدن افغانستان

پیسه اخبار ـ هندوستان بتاریخ (٦) ماه اگست سال ١٩١٤ م مطابق (١٣) شهررمضان المبارك سنه ١٣٣٢ هجری قمری نوشت :

ودربودن افغانستان ملك متمدن هیچکس کلام ندارد ـ افغانستان ازعرصهٔ قدیم یك ملك مهذب و متمدن است یك عراده توپ که پیش عجائب خانه لاهوری نصب است درزمانهٔ ماضی درکابل ساخته شده بود .

ازصنعت توپ سازی کابل درعهد امیرشیرعلی خان نیزیاداورشده و ـ توپ پیش روی عجائب خانه لاهور همان توپ زمزمه است که درسنه ١١٧٤ هجری قمری ساخته شده ودین رمز درحقیقت ازدوره امپراتوری اسلامی افغانستان درد دورهٔ جدید یاداورشده وباوصف تذکار این حقیقت ازسائرمسائل علمی ـ عرفانی ـ ادبی افغانستان اغفال ورزیده است . بزرگترین افتخارتمدنی افغانستان همانا ساسات دین مقدس اسلام ومذهب حنیفامام الاعظم (ابی حنیفه) رضی الله تعالی عنه است که افغانستان درهروقت درترویج وتعمیم این اصل فضائل اسلامی تهذیب تمدنی خود را ثابت کرده است واین کتاب تاریخ قضا خود میرساند که علماء و مفکرین دینی ومذهبی افغانستان درهرعهد درپرتوارشادات دین حضرت سید المرسلین . ودرسایهٔ استقلال کامل درپیش رفته مقام معنوی خود را در اقطار ملل ازاد جهان ثابت کرده است .

سراج الاحکام

فی

معاملات الاسلام

نام کتابی است که درکابل دفعهٔ اول بامر واراده ٔ امیرعبدالرحمن خان آغاز به تاسیس نمود ، وپیش ازانکه تالیف کتاب اتمام پذیرد درسنه ١٣١٩ قمری امیرفوت گردید ، بعد ازان درسنه ١٣٢٠ قمری امیرحبیب الله خان توسط علماء کابل جلد اول آنرا حاضر طبع نمود ونام کتاب ((سراج الاحکام فی معاملات الاسلام)) گذاشته شد ، ودرمطبعهٔ شاهی کابل به تعداد (٦٧٤) صحیفه به چاپ سنگ فراغت طبع یافت ،

هیات علماء که درتالیف وتصحیح کتاب موصوف خدمت کرده اند ازاینقرارانـد :

١ : سیادت پناه میرعلیجان خطیب دارالسلطنه کابل ،

٢ : حاجی مولوی عبدالرزاق خان مدرس حضور امیرحبیب الله خان ،

٣ : ملاگل احمد خان مدرس (مشهور به ملای کلان) ،

٤ : ملامنهاج الدین ،

٥ : میرغلام محمد (پدر میرسید قاسم خان) ،

٦ : حاجی ملاعبدالرزاق ،

٧ : ملاعبدالرحمن ترکی ،

٨ : ملااحمد خان غزنوی ،

۹ : ملاعبدالرحمن بیکتوتـــــس .

۱۰ : ملاعزیــــزاحمـد .

سراج الاحکام باهتمام الحاج عبدالخالق خان ولد سردار غلام محمد خان طرزی درمطبعه سنگی کابل بخط سه نفر خوشنویس :
میرزا محمد جعفرقندهاری - شیخ محمد رضاء کابلی - ملاحسین خان کابلی بطبع رسیده است .

سراج الارکان

نام کتابی است که به امر و اراده امیرحبیب الله خان توسط علماء علام: حاجی عبدالرزاق خان و مولوی عبدالرب خان و ملاعبدالرحمن خان (اعضاء محفل میزان التحقیقات شرعیه) وسید شریف مفتی محکمه شهرکابل ارکان خمسه اسلام تألیف وازعربی به دری ترجمه گردیده است. سراج الارکان در سنه ۱۳۳٤ هجری قمری (۱۲۹۵ شمسی) به تعداد شش هزار جلد در مطبعه دارالسلطنه کابل بطبع رسیده است.

در ختم کتاب بعد ازامضاء هیاءت تاءلیف وترجمه که نامهای شان در بالا ذکرشد سعدالدین خان قاضی القضات بطور تصدیق امضا کرده است.

امیرحبیب الله خان در این باب فرمانی نوشته امضاء کرده است که اینک عیناً متن ان درج میگردد:

(چون یگانه مقصد حضور ما از اراده تاءلیف وطبع ونشرکتاب سراج ارکان الاسلام این است که افراد رعیت دولت علیه خداداد افغانستان ازمسائل ارکان خمسه اسلام بسهولت وبدون زحمت با خبر ومستحضرگردند وعلاوه بران معاملات رایجه در بین ایشان حتی الامکان باحکم شرع انور تطبیق پذیرد بناء علی هذا چنین امروفرمان کردیم که شش هزارجلد در مطبع حروفی سربی دارالسلطنه کابل طبع شود که چهارهزارجلد محض ازجانب خود ما وقف فی سبیل الله بشود که اخراجات ان ازمال خالص عین المال حضورما است وبرای تعمیم ثواب دو هزار جلد دیگر برای باقی افرادیکه اراده شرکت

در این امرخیرداشته باشند طبع شده واجازت داده شده است
که خرج انرا ازمال خود اداء نموده هرقدر جلد که ازجمله دوهزار
جلد مذکور بخواهند وقف کنند ـ الله تبارک وتعالی قبول درگاه
خودکنـــــــد ·

((المستشار) سراج الملته والدیـــن))

دارالقضای کابل

درعهد امیرحبیب الله خان

دربالای قباله مورخ یوم سه شنبه (۲۲) شهرربیع الثانی سنه ۱۳۲۰ هجری قمری شش طغرا مهرموجوداست که اینک عبارت و سنوات هریک نقل گرفته میشود :

(محکمهٔ کابل ــ مفتی شرع نبی عبدالستار ــ ۱۳۱۷)

(محکمهٔ کابل ــ مفتی شرع نبی شمس الدین ــ ۱۳۱۷)

(محکمهٔ کابل ــ مفتی شرع نبی سید احمد)

(یاالله ــ بابا مراد قاضی دارالقضاء کابل ــ سنه ۱۳۱۶)

(دفترصکوکات دولت افغانستان)

(عمل صکوکات ()

محاکم شرعیهٔ کابـــل

د رعهد امیرحبیـــب اللـــــــه خان

د رجبههٔ وثیقه شرعیه که بتاریخ (۱۳) شهرشعبان المعظم سنه ۱۳۲۹ هجری قمری د رمحکمهٔ شرعیه کابل نوشته شده است هفت مهربزرگ ومتوسط و کوچك موجود است. که اینك عبارات وسنه های مهر هریك عیناً نقل وجا های مغشوش نقطه گذاشته میشود :

مهرمدور : (محکمهٔ عسکر ـ قاضی شرع نبی نظام الدین ـ ۱۳۲۵)

• • •

مهرهشت رخ :) دارالسلطنه کابل ـ نائب قاضی د رامورات ملکـــی شش کروهی سید احمد ـ ۱۳۲۱).

مهرهشت رخ : (محکمهٔ .... نائب قاضی ..... شاه ملوك ـ ۱۳۲۹).

• • •

مهرهشت رخ : (دارالسلطنهٔ کابل ـ نائب قاضی د رامور ..... عبدالمجید سنه ۱۳۲۱).

• • •

مهرمربع کوچك : (غلام بها والدین کلانترگذر ـ ۱۳۲۷). د رـ پهلوی مهربقلم نوشته شده غلام بها والدین مذکور د رگذر حضـــرت صاحب کلانتر برحال می باشـــد .

تحریر (۱۳) شعبان المعظم سنه ۱۳۲۹ ـ مهرکلکی (شاه ملوك) راینجا باید تصریح کرد که سنه ۱۳۲۱ هجری قمری مطابق ۲ ۱۲۸

هجری شمسی است ۰ ۱۳۲۳ هجری قمری مطابق ۱۲۸٤ هجری ـ
شمسی وموافق ۱۹۰۵ میلاد ی عیسوی است ۰ ۱۳۲۵ هجری قمری
مطابق ۱۲۸٦ هجری شمسی و موافق ۱۹۰۷ میلاد ی عیسوی است
۱۳۲۹ هجری قمری مطابق ۰ ۱۲۹۰ هجری شمسی موافق ۱۹۱۱ ـ
میلاد ی عیسوی است ۰ جلوس امیرحبیب الله خان د رکابل پنجشنبه
(۱۰) برج میزان سال ۱۲۸۱ شمسی مطابق (۱۹) جماد ی الاخر
سنه ۱۳۱۹ هجری قمری وموافق (۲) اکتوبر ۱۹۰۲ میلاد ی عیسوی
است ۰ واشخاص که مهرهای شان نقل گرفته شد د وسال بعد و پنج
سال بعد وچهارسال بعد وده سال بعد جلوس ان پادشاه قاضی
ونائب قاضی ومفتی مقررشده اند ۰ وعموماً تحت اداره شرعیه
قاضی القضات (خانعلوم) بوده اند ۰

۰ ۰ ۰ ۰

محکمه عسکری که قاضی ان در این عهد مولوی نظام الدین خان بود
د رسال ۱۲۸٦ شمسی مطابق ۱۳۲۵ قمری باین منصب شرعیه مقرر
شده است ۰ محکمه عسکروقاضی عسکر ازسال ۱۱۲٦ هجری شمسی
مطابق ۰ ۱۱٦۰ هجری قمری د رقندهار وکابل تاسیس شده تا این ـ
عهد سراجیه ادامه داشت ۰ د رعهد امانیه مولوی سیف الرحمن خان
قاضی عسکر بود وبعداً د یوان حرب وریاست محاکمات حربیه تاسیس
شد ومحکمه عسکری د رهروقت وجود میداشت و قضاتی که مهر های
شان نقل برداشته شد د روثائق شرعیه اگر مربوط بافراد ملکی
می بود ویا نظامی مجتمعاً مهرمیکردند ۰

محفل میزان التحقیقات شرعیه

امیرحبیب الله خان (سراج الملته والدین) مرکز بزرگ علمی برای تحقیقات علوم اسلامی بنام وعنوان ((محفل میزان التحقیقات شرعیه درشهرکابل پایتخت افغانستان تاسیس وتشکیل فرمود. این اداره بزرگ علمی درتحت نظرمستقیم امیرموصوف وسردارنصرالله خان نائب السلطنه وخانعلوم قاضی القضات ملاسعدالدین خان اداره وارسی میشد. کتابخانه شاهی دراختیارعلماء بود. تاریخ تاسیس این اداره همدرین عهد سراجیه سنه ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق سال ۱۲۸۱ هجری شمسی (۱۹۰۲ میلادی) است.

اعضاء محفل میزان التحقیقات شرعیه این علماء بودند که وظائف تالیف و تصحیح وترجمه وتحقیق رابرذمت داشتند:

۱ـ سیادت پناه میرعلی جان خطیب دارالسلطنه کابل.

۲ـ حاجی مولوی عبدالرزاق خان مدرس حضور امیرحبیب الله خان.

۳ـ ملاگل احمد خان مدرس (مشهوربه ملاصاحب کلان).

٤ـ ملامنهاج الدین خان.

۵ـ سیادت پناه میرغلام محمد خان (پدرمیرسید قاسم خان).

٦ـ حاجی ملاعبدالرزاق خان.

۷ـ ملاعبدالرحمن خان ترکی.

۸ـ ملااحمد خان غزنوی.

۹ـ ملاعبدالرحمن خان بیگتوتی.

ازخدمات علمی علماء موصوف یکی کتاب سراج الاحکام فی معاملات الاسلام است که درسنه ۱۳۲۰ هجری قمری جلد اول انرا تالیف نموده اند ودرمطبعه شاهی کابل در (۶۷۴) صحیفه به چاپ سنگ بطبع رسیده است . درخصوص کتاب موصوف دراین کتاب تاریخ قضاء درافغانستان _ توضیحات داده شده است.

مولوی عبدالرب خان وملا سید شریف خان مفتی محکمه شرعیه کابل نیزدراواخرا تعهده ازجمله اعضاء وهمکاران محفل میزان _ التحقیقات بودند .

ملاسعدالدین خان قاضی القضات _ مولفات هیات علماء محفل مذکوررا ملاحظه کرده مهروامضاء می نمو .

• • •

محاکم کابل

ازسال ۱۲۸۱ شمسی نامهای ادارات کابل اغلب بنام محکمه منظور گردیده ولتاسال ۱۲۹۸ شمسی مروج بود . محاکم درکابل ازاین قراربودند :

محکمه شرعیه محکمه دارالعدالت _ محکمه مال _ محکمه داك محکمه وجوهات _ محکمه چاپ _ محکمه اطلاعات _ محکمه نظام _ محکمه طرق وباطها _ محکمه سنجش _ محکمه تشخیص محکمه اخراجات _ محکمه تحویلات _ محکمه واقعه نگاران _ محکمه کوتوالی _ محکمه اجلاس _ محکمه حکاکی .

....

تحریرقباله بخط خانعلوم

قاضی القضات (حد سوم) که در عهد سلطنت اعلیحضرت امیرحبیب الله خان ملا سعدالدین خان ابن ملاعبدالرحمن خان مرحوم این رتبه راداشت بعضی قباله ها را ازنظر وقت احتیاط زیاد در محکمه شرعیه (دارالقضای کابل) بقلم خود می نوشت.

که در اینجا ازجهت توثیق این تعامل و معرفی بعض نامها سطوراتی رامناسب درج تاریخ فضل میدانم:

قلندر وعبدالمجید ولدان ملا رمضان ولد ناصرخان در سنه ۱۳۲۳ قمری چهل وهفت جریب زمین خود رامع قلعه سارجن به شهباز و غلام صفدر ولدان عباس ولد احمد خان قوم تاتار ساکن قلعه نیازبیگ فروختند. بتاریخ دوشنبه ۱۹ جمادی الاول سنه ۱۳۲۷ قمری — فقیر محمد خان ابن محمد عمر خان قلعه سارجن را اراضی مذکور راخرید وخانعلوم قاضی القضات سعدالدین این قباله رابدست خود نوشته است.

قلعه سارجن (۱) و قسمتی ازاراضی انراد رسنه ۱۳۱۰ قمری برگد عبدالاحد خان غزنوی خرید ودریك اقرارنامه اینطورنوشته است در تاریخ پنجشنبه ۵ شهر محرم سنه ۱۳۲۳ قمری اقرارنمود عالیجاه عزت وشجاعت همراه عبدالاحد خان برگد نظامی ولد مرحوم محمد ناصر خان ولد مرحوم محمود خان قوم تاجك ساکن شهرغزنین).

---

(۱) دراین قلعه روزگاری میرزا محمد یوسف غزنوی مسکن داشت ومذکورسارجن میجرد رعهد امیرعبدالرحمن خان رتبه داشت. منشی علی احمد خان شالیمزی خواهرزاده همین شخص بود.

تصحیح ومقابلهٔ تفسیر قران کریم

سراج الاخبار افغانیه درشمارهٔ (۱۷) سال هفتم نشراتی خویش درکابل نوشته است :

(حضرت قاضی القضات دامت فیوضاته ـ تحقیقات مکمله اجراء وهمه غلطی های هردو پارهٔ الم شریف رادر (۴۸) صحیفه یکان یکان بیرون نویس فرموده وبه کاتب خوشخط درست املا ، خطا وصواب کلمات والفاظ شریف را نویسانیده به اداره ارسال فرموده اند که سبب عدم حروفات معرب از نقل ان عاجزامده یم) .

ونوشته است : (درخصوص مقصد تاسیس وبنهاد دادن مطبعهٔ شرکت تجاریه وبا نواسطه درخصوص خدمت صحت قران عظیم الشان ـ خدمت ورزیدن اهالی وطنیه تشویقات وارشادات شریعت مداری علیهٔ شانرا نیاز مندانه رجامینمائیم) .

ازاین سطورمعلوم گردید که ترجمه و تفسیر و تصحیح اعراب پاره های قران کریم درکابل توسط علماء مدقق افغانستان احتراماء روی دست وبه جهت تصحیح ملاحظه وغور ودقت نهایی به قاضی القضات سپرده میشد . وهم معلوم گردید که جمعیتی ازسرمایه داران افغانی بفکرتوریه وتاسیس مطبعهٔ تجارتی ملی برای طبع کتب دینی درکابل تصمیم گرفته بودند که اگرجنگ جهانی اول مانع این تصامیم نمی گردید ، طبع قران کریم باترجمه و تفسیر در کابل ازان عهدا غازمیگردید .

بدین مناسبات درزمان عهد شاعری بوصف نبات دیندارانه

وشریعت پرورانه امیرحبیب الله خان (سراج الملته والدین)
قصیده یی گفته است که چهار بیت ازان مثال اورده میشود :

چو در تائید دین حضرت خیرالبشر کوشد
مدد از روی پاک خاتم پیغمبران گیرد
بنا، سپهر اساس دین فخرالمرسلین کوشد
طریق مستقیم پیشوای انس و جان گیرد
کسی را کش بود قران حق مستمسک همت
مدد از روح پاک احمد و یاران ان گیرد
کجا قاصی تواند داد مدح و مدحتت را داد
مگر جای سخن در و جواهر در بیان گیرد

ه ه ه

طبع قران کریم در هندوستان
بخواهش و مصارف امیرحبیب الله خان

سفر امیرحبیب الله خان به هندوستان از تاریخ (۲) ماه جنوری ـ ۱۹۰۷ م) (۱۳۲۴ قمری) اغاز شد وبعد از (۲٦) روز بتاریخ ۷ مارچ ۱۹۰۷ م اختتام یافته وارد جلال اباد شد . ودر سال ۱۹۰۸ م مطابق ۱۳۲۵ قمری افغانستان راد ورو سیاحت نمود چون این وقت در کابل مطبعه مکمل ومجهز نبود ـ طبع قران کریم را باترجمه و تفسیر در یکی از مطابع هند بمصرف دولت افغانستان خواهش نمود وقران کریم باترجمه زبان دری با بسیار نفاست طبع گردید ودر صحیفه اول نوشته است :
نقل فرمان اعلیحضرت سراج الملته والدین والی دولت خداداد افغان

ستا ن نمونه ٬ قرا ن مجید هفت رنگ منقش که باسم مبارکه ٬ اعلیحضرت

حضورسرکار رعدادادافغانستان خلدالله ملکه ــ یکه بطور یادگار

شیخ محمد اصغرعلی صاحب مالک طبع قاسمی سکنه ٬ شهرلود هیانه ٬

پنجاب پیش نموده بود ٬ بنابران مرحمت ظهور شهریار والامناقب

ازراه عاطفت شاهانه باین کار خیرنامبرده اظهار خورسندی فر

موده اجازه ٬ چاپ نمودن باسم خوداعلیحضرت ارشاد فرمودند ٬

تحریریوم شنبه (٢٦) ماه جنوری سنه ١٩٠٧ مقام کمپ دهلی

دستخط محمداسمعیل خان صاحب سفیر دولت خداداد افغانستا

ن ـ

ترجمه فارسی حضرت شاه ولی الله صاحب محدث دهلوی رحمته

الله بحسن سعی محمدقاسم خوشنویس ٬ ــ

• • • •

کتاب موصوف فعلاً د رموزیم فرهنگستان علوم جمهوری اذربایجان

شوروی باکونگهداری میشود ٬ (٢٦) جنوری ١٩٠٧ میلادی

مطابق (٧) برج دلو سال ١٢٨٦ هجری شمسی و موافق ١٣٢٥

هجری قمری ودرایام زمستان سال مذکور امیرحبیب الله خان

به هندوستان سفرکرده بود ٬

محکمهٔ دارالعدالت حضور

امیرحبیب الله خان ((سراج الملته والدین)) بتاریخ چهارشنبه (۱۲) محرم الحرام سنه ۱۳۲۹ هجری قمری (۱۲۹۰ هجری شمسی) نوبت محمد خان ولد الیشیک اناسی امیرجلن را مامور محکمه دارالعدالت حضور مقرر نمود. در محکمه دارالعدالت حضور یک نفر قاضی — دو نفر مفتی — یک نفر محرر — چهار نفر اهل دفتر بیست نفر پیاده ده نفر سوار پولیس مقرر بوده‌اند. وامرکل مامور دارالعدالت حضور بود.

پس از مدت دو سال محمد اکبر خان ولد الیشیک اناسی عطاءالله خان را مقرر نمود. وتاریخ اغاز وافتتاح این دورهٔ ثانی پنجشنبه (۳۰) برج حوت سال ۱۲۹۱ (سیچقان ئیل شمسی) مطابق ۱۱ شهر ربیع الاخر سنه ۱۳۳۱ هجری قمری موافق (۲۰) مارچ ۱۹۱۲ میلادی عیسوی است. محمد اکبر خان با خطاب سرداری مامور محکمهٔ دارالعدالت حضور مقرر گردید وازان تاریخ امور عدلی خوبترا تنظیم یافت واهالی در حق علیا حضرت سراج الخواتین که وسیلهٔ تاسیس این محکمه وباعث معرفی وپیشنهاد محمد اکبر خان پسر کاکای خود شده بود — ابراز ممنونیت میکردند.

میرزا شیراحمد مستی خیل جلال ابادی شاعر حضور که در شعر مخلص تخلص داشت بدین مناسبت قصیده یی در بیست و هشت بیت گفت که چند بیت ازان را در این صحیفه می آوریم:

خاص تر بر مردمان خطه افغانستان

سجدهٔ شکرانه لازم تر بدرگاه خداست

کوعنایات خداوندی درین کابل زمیـــــن
این خدیونامورفرمانروای ملک ماســـت

درحضورخویش یک دارالعدالت طرح داد
کوبرای رنج مظلومان عجب دارالشفاخــت

گروه درغورمردم غفلتی ازحاکمــــان
داد ایشان رادرین دارالعدالت خوشرد راست

ازگروه چاکران شخص دیانت پیشه را
انکه مرد نیک خوی وعادل و کارازماســـت

قوم اودرانی واسمش محمد اکبراســــت
کاردان و هوشمند وعدل کیش وپارساســت

ه ه ه

سردارمحمداکبرخان مدت شش سال باین خدمت بسر برد . ودربر
ج جدی سال ۱۲۹۷ شمسی حاکم اعلی سمت مشرقی مقررگردیـد
واین تاریخ امریت محکمه دارالعدالت حضوردرکابل به سردارامان
الله خان ((عین الدوله)) وکیل مقام سلطنت تعلق گرفت .
محمداکبرخان ((دارالعدالت)) دربهارسال ۱۲۹۸ شمسی مصادف
بایام جهاداسترداداستقلال خدمات شایسته یی نمود . چـــون
دراین وقت نظارت وشورای علوم ومحفل وضع قوانین وشورای دولــت
درسال ۱۳۰۰ شمسی وزارت عدلیه باتشکیلات ان عرض وجود نمود
وهم قاضی القضات واعضاء وجود داشت وظائف دارالعدالت حضور
به ادارات وزارت عدلیه وهم بقرارنظامنامه اساسی به شخــص

صدراعظم ووزراء تعلق گرفت .

محمد اکبرخان نائب الحکومه قطغن مقرر گردید . وتا ساتمه عمر بنام محمد اکبرخان دارالعدالت مشهوربود درگذر دیوان بیگی متصل شوربازار کابل سکونت داشت واین خانه را ازمحمد علم خان ولد غلام محمد خان جرنیل ملکی ماشین خانه خریده بود - برپالکی سوار رفت وامد می نمود کاربرداران ایشانه برداشته ازجاده و بازار عبور داده به ارگ می بردند منزل شخصی اونیز مرجع اخذ عرائض بود .

ه ه ه

ملای حضور

در حضور پادشاهان افغان در هروقت ملا امام و پیشنماز و مشاور و مصاحب شرعی ازعلماء حنفی مذهب مقرر می بودند وملای حضور خطاب میداشتند .

مولوی عبدالروف خان مدیرمکاتب ابتدائیه ودارالمعلمین وملای حضورامیرحبیب الله خان در هفته اول برج حوت سال ۱۲۹۷ ش در جلال اباد مرکزولایت ننگرهار وفات یافت . مذکور در مکتب حبیبیه و مکاتب ابتدائیه خدماتی راانجام داده بود بمرض محرقه در جلال اباد گرفتار واخر سرسام شده وفات یافت . این ملای حضور پسرمولوی عبدالرحیم ولد مولوی حبیب الله قندهاری بود .

مولوی عبدالواسع مؤلف تمسك القضاه الامانیه پسرمولوی عبدالروف مذکور است.

ه ه ه

علماء شرع‌شریف

امیر نصرالله خان د رفرمان مورخ پنجشنبه اول برج حوت سال ۱۲۹۷ شمسی (۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۷ هجری قمری ـ ۱۹ ـ فبروری ۱۹۱۹ میلادی) که ازجلال اباد بکابل فرستاده نوشت:

(۰۰۰۰۰۰۰۰ واهالی علماء شرع شریف ۰۰۰۰۰۰۰ بدین متین حضرت سیدالمرسلین صلی الله علیه وسلم استوار ومحکم بوده مامون ومحفوظ باشند) ۰

علماء شرع شریف د رفرمان مقصد ازعلماء محاکم شرعیه دارالقضاء وعلماء حضوراست ۰

٭ ٭ ٭

اطاعت اولی الامر

عنوان رساله ایست که مولوی عبدالرب قندهاری (قوم کاکر) د رسنه ۱۳۳٤ هجری قمری مطابق ۱۲۹۵ شمسی د رکابل تاءلیف نموده است ۰

امیرحبیب‌الله خان رساله ٔاطاعت اولی الامر رابغرض ملاحظه برای سعدالدین خان قاضی القضات فرستاد وعبارت فرمان اینجا نقل گرفته میشود :

تحریرشب دوشنبه (۲۵) ماه ربیع‌الاول سنه ۱۳۳٤ ـ

عالیجاه فضائل همراه قاضی القضات راواضح باد ـ احادیث ـ شریف وبعضی اقوال که د راین رساله میباشد بد رستی ملاحظه کرده هرگاه مطابق شرع شریف باشد تصدیق کنید ۰

(سراج الملته والدین)

بزودی ارسال حضورخواهی کرد ۰

نوشته قاضی القضات بجواب امیر افغانستان

مولوی سعدالدین خان قاضی القضات در سنه ۱۳۳۴ قمری (۹۵ ۱۲ شمسی ۱۹۱۶ میلادی) بجواب امیر حبیب الله خان نوشت:

در باب رساله « اطاعت اولی الامر » رسالی حضور همایونی معروض می شود که در باب اطاعت اولی الامر هر اندر که زیادات و دلائل در ینبه تحریر شود هنوز کمتر است زیرا که اطاعت اولی الامر ثالث اطاعت حضرت خدا و رسول (ص) می باشد و در امر مباح اطاعت امرشان نیز واجب میگردد . وبسیار لازم است که درین باب رسائل و توالیف اجرا وطبع شود .

خود این بنده « درگاه الله تعالی نیز درین باب عزم مصمم داشتم که در باب اطاعت اولی الامر دلائل دینی را تحریر دارم مگر سبب زیادت مرض در تعویق افتاد . این رساله « (مولفه « مولوی عبدالرب صحیح وواجب العمل است زیاده اختیار بحضور والا است بلکه امر اولی الامر فعل مباح را واجب میگرداند فقط الهی همواره خیر دارین نصیب کناد به برکت محمد صلی الله علیه وسلم واله الامجاد وصحبه الاوتاد " — الراقم سعدالدین قاضی القضات رساله « اطاعت اولی الامر در سنه ۱۳۳۴ قمری در مطبعه « عنایت کابل در (۲۲) صحیفه بحروف سربی بطبع رسیده .

مؤلف در سطور اخیر مقدمه نوشته است : در این اوراق بعضی اوامر الهیه وسنن نبویه واعمال و اقوال ائمه دین مبین را که ی را تعلیم وتعلم ان برای اولاد وطن مقدس وباقی افراد رعایا ضرور

بـــــود تحریرشد ــ ((المؤ لـــــــف)). حقیرعبدالر بــ
عفی اللــــــــــه عنه))

رفتار مجتهدین دین متین حضرت سید المرسلین
در باب اطاعت اولی الامر

حضرت امام همام اعظم ومقتدای عالم امام (ابوحنیفه کوفی رحمتالله تعالی علیه) که مجتهد مطلق میباشد وزمایان افغانیان تابع مذهب مهذب ومقلد احکام فقهیه شان میباشیم ولادت باسعادت شان درسنه (۸۰) هشتاد هجری ووفات حضرت ایشان درسنه (۱۵۰) یکصد وپنجاه هجری قدسی است ·

حضرت امام اعظم (رح) معاصر خلیفه ابوجعفر منصور دوانیقی (خلیفه دوم ازخلفای عباسیه) بوده اند - چون علم و تقوی وزهد وفقاهت حضرت امام شهرت یافت (خلیفه ابوجعفر منصور) اراده نمود که منصب قضای ممالك اسلامیه رابحضرت امام مفوض دارد ازان روحضرت امام رابحضورخود طلبیده امرنمود که منصب مذکور راقبول نماید · حضرت امام چون از حظوظ نفسانی کاملاً درگذشته بودند و اشغال و مناصب رامخل ادای عبادات وطاعات میدانستند بنابران درحضور خلیفه ازمنصب قضا استعفا نمودند وازمجلس خلیفه مرخص شدند چون همواره نفرزیادی برای حل مسایل دینیه بحضور امام حاضر میشدند مخالفین وحاسدین حضرت امام بسمع خلیفه رسانیدند که امام ابوحنیفه (رحمته الله تعالی علیه) منصب قضا را قبول نکرد وازمنصب ومرحمت پادشاه ابا نمود مگردرخانه خود - مردمان رابااحکام ومسائل فتوی میدهد (خلیفه ابوجعفرمنصور) ازاین امررنجیده امرنمود که :

(ابولیلی) که عالم فقیه و معاصر حضرت امام بود بمنصب قضای

مما لک مقرر گردید ـ وحضرت امام ابوحنیفه رح بالکل ازفتوی موقـوف باشد حضرت امام اعظم رحمته الله تعالی بعد ازصدور این امـر خلیفه دررا برخود بسته ومردمان چونید رسرای برای حل مسائـل حاضرمیشد نه همگان را نزد ابولیلی که بدرجه تملیـد حضـرت امام بود ودرعلم وعمل باحضرت امام مساوات نداشت بسبب امـر خلیفه ارسال می نمود ودرهیچ مسئله جواب نمیفرمود ٠

تااینکه شبی دخترحضرت امام برای ادای نماز تهجد درنصف شب برخاسته بعداوتکمیل وضودندان مبارکش قدری خون شده چون لعاب دهن رامه حظه نمود بسبب قلت تغییررنگ لعاب دهن دور ـ نقض وضوب خود مشتبه گردیده درهمان نصف شب بحضور حضـرت پدربزرگوارخود حاضرشده کیفیت واقعه رامعروض داشت وحل ایـن مسئله راازحضرت امام درخواست نمود ٠

حضرت امام که درا یمن وقت شریف باداى نماز تهجد مصروف بودند ازدخترخود درحل سوال شان عذرخواستند وفرمودنـد کـه :

خلیفه زمان مرا ازفتوی منع فرموده حل سوال ترابیان نموده نمی توانم ـ ازقاضی ابی لیلی که قاضی مملکت و منصوب خلیفه وقـت است حل مطلب خود رابنمائید ٠٠٠٠٠٠ حضرت امام فرمودنـد کـه : چون لیاقت منصب قضا ندیدم درحضورخلیفـه ازان استعفا کردم ٠٠٠٠٠٠ برخلاف امرخلیفه فتوی داده نمی توانـم :

• • •

سبحان الله — چگونه دین متین وچه امامان و تابعان حضـــرت سید المرسلین علیه والصلواة والسلام داریم که تقلید و متابعـــت اثار مبارکه شان موجب نجات دنیا و عقبای ما است .

در این حقیقت حکمت بسیار بـزرگ موجود است که در ایات کلا م سالهی واحادیث نبوی اطاعت اولی الامر بیان شده است چون قاضی بدون امر اولی الامر به منصب قضا برقرار شده نمیتوانند حضرت امام اعظم (رح) حتی در مسئله وضوبه دختر محترمه خود از فتــوای معذرت خواست وبه قاضی وقت که از طرف اولی الامر مقرر شده است رجعت فرمود یعنی به پیروان خود این حقیقت را دادانند که مقـام قضا وتا زکسانی است که از طرف اولی الامر مقرر گردد — اولی الامر هم شخصی را که به منصب قضا مقرر میفرماید از لحاظ علم — تقوی — عدا لت — نهایت دقت مینماید . وکسی که منصب قضا راقبول می نماید در این اوصاف برگزیده انقـدر موصوف باشد که کافه مسلمین همـان شهروولایت از روی مرتبه تقوی وراست کاری وعدالت قلبا بوی مخلص ومعتقد باشـنـد ـود راجراء احکام شرع لحاظ ومراعات هیچکس را ننمایــــد .

شهادتنامه تعلیم قرائت

ازطرف انجمن معارف افغانستان درسنه ۱۳۳۲ هجری قمری مطابق ۱۲۹۳ شمسی دارالمعلمین تاسیس گردید — ودردارالمعلمین — یك شعبه تعلیم قرائت مقررشد ودرسال ۱۲۹۷ شمسی مطابق ۱۳۳٦ قمری دوره اول فارغ شدند ودراینجا متن فرمان دستخطی سردارعنایت الله خان معین السلطنة ناظرمعارف رانقل می گیرم :

(هوالله — صفحه ۲۸۱ جلد ٤)

(عالیجاه عزت همراه محمد سرورخان جرنیل کارخانه جات راواضح خاطرباد چون ازحضور (عالی ما) دردارالمعلمین یك شعبه قرائت برای خطیبان وملاامامان مساجد شهرمقررشده است برای نفری مذکور که تعلیم موصوف راباتجام برسانند بقرارقاعده شهادتنامه داده میشود — لهذاصورت شهادت نامه راکه درظهرفرمان هذاثبت می باشد نزدشما فرستاده امروارشاد میشود که در (زینگوگرافی) پلیت انراساخته وبزودی درانجمن معارفارسال دارید که ازروی ان شهادت نامه چهاپ میشود — انشاالله تعالی —

تحریر (۲۵) شهرذی القعده الحرام سنه ۱۳۳٦)

((عنایت الله معین السلطنه))

((ثبت صفحه ٦۷ کتاب فرامین حضور عالی))

قاضی کل قندهار رعهد امیرحبیب الله خان

بتاریخ (۱۳) ذیقعده الحرام سنه ۱۳۲۶ هجری قمری (مطابق سال ۱۲۸۷/۱ هجری شمسی) درمحکمه شرعیه شهرقندهار وثیقه یی نوشته شده ودرتاریخ قضاد رافغانستان ازهرلحاظ باارزش می باشد مهرها وعبارات عیناً نقل گرفته میشود :

مفتی شرع نبی عبدالرحیم

مفتی شرع نبی عبدالغفار

الخادم شرع رسول الله

امیرالله قاضی کل قندهار

جان محمد بن پیرمحمد بن عبدالمجید قوم علوی .

استاد سروربن محمدعمر بن ملا ولی محمد قوم ......

استاد اسلم بن شکرالله بن مولایی قوم هندوستانی .

زرمیاجان بن رعمدل بن عطامحمد قوم موچی .

محمدصدیق بن صوفی گل محمد بن عبدالمحمد قوم هندوستانی .

محمد نعیم بن عبدالجبار بن ملا فیض محمد قوم هندوستانی .

اقرارنمودند هفت نفراسامی های فوق برین وجه که درخصوص کوچه خاص راه روی حویلی ماها و مسجد شیخ الاسلام که دربازار شکار پور می باشد وابروا ب باران وغیره هرحویلی درکوچه مذکوره بدر میشود وبرای حویلی هرکدام مایان ضرردارند چون ابروهای خود را هرکسی که ازکوچه مذکوره منع کرده در سرای خود کنم ضرر های کلی بسیار میرسد پس محله مایان اتفاق برین نمودیم بعد از

رمضان در ایام بهار کوچه مذکور را که ابروها در آن می آید بچونه وخشت پخته - پخته کرده که ضرر جمله ما یان دفع شود وبخصوص ابرو مسجد ما یان گفتگو داشتیم که قدیمه نیست جدید در کوچه مذکور سوار شده وحال انکه ابر ومسجد مذکور را هم قدیم میدانیم انرا مانع نمی باشیم - در کوچه مذکوره میرود چون کوچه مذکوره پخته شود وضرر دفع شود به ابروی مسجد هم مایان نقصانی نمی شویم تحریر یوم سیزده ذیقعده الحرام سنه ۱۳۲۶ - مکرر انکه فضائل اگاه ملا نظر محمد اخند زاده قاضی محکمه محال رغستان بن شیخ الاسلام مذکور اقرار نمود براین وجه که حصه اندازد ریخته کاری ابرو مذکور که اسامی ها معین بکنند حصه مسجد را خود من داده میباشم ((فقط مهر کلکی خوانده نشد)) .

. . .

نوت : در بالای کاغذ مهر مفتی عبدالرحیم دوبار تکرار شده ودر ومهر چاپی دفتر صکوک می باشد .

خلد - منصب تولیـــــت

د د ر صحیفه

د د رصحیفه • (۷) شماره (۱) سال (۵) سراج الاخبار افغانیه نوشته اســـت :

(جناب سیادت و نقابت نصاب حضرت میرمحمدعثمان خان میــر صاحب متولی حضرت خواجه انصار قدس الله سره العزیز راکــه ازسلاله • سادات عظام افغانستان بودند چون وفات یافتند جناب میرصاحب میرغلام نبی صاحب پسرارشد شان رابمسجاده نشینی و ر منصوب فرموده فرمان جایداد پدری شانرا با خلعت شاهانه د ر هرات ارسال فرموده نائب الحکومه ونظامی ودفتری انجا راارشاد فرمودند که جلسه • تعظیمانه د رگازرگاه شریف منعقد ساخته که د ر این مجمع افسران ملکی و نظامی وعلماء وسادات و اشراف و اعیان هرات حاضرامده خلعت شاهانه رابرقامت لیاقت شان پوشانیده مراسم عزت راازطرف قرین الشرف پادشاهی بجاارنـــــد) •

میرغلام نبی متولی وقتی که بکابل وارد شد • امیرحبیب اللـــــه خان د ر پغمان محفل فاتحه خوانی پدراورامنعقد و بشمول علماء حاضرکابل مراسم شانداری بجااورد که صورت این مراسم نیزد رصفحات سراج الاخبار افغانیه منعکس شده اســـت •

قاضی القضات واعضاء محکمه • شرعیه کابل و حاکم میزان التحقیق وسررشته دارمحکمه • اطلاعات ومدارس احتفاظ د راین مراسم اشتراک داشتند • متولی گازرگاه مطابق معمول همه ساله د رجشن اتفاق ملت د رکابل دعوت شده بود • د رجشن اتفاق ملت که بتاریــــخ

(۱۲) سرطان برگذار می گردید علماء ـ مشائخ ـ سادات وکلاء اقوام افغانستان دعوت میشدند ومقصد این بود که عموم علماء و فضلا ووکلاء مملکت یکدیگر خود را از نزدیک ببینند و بشناسند ورشته های ـ اتحاد و اتفاق را بین اقوام وسمت های افغانستان قائم کنند وازغم ودرد یکدیگر باخبر شوند وبالای یک دسترخوان نان بخورند واین است دوست برادری ۰

" " " " " " " " " " " " " "

تجدید عمارات زیارت خواجه صفا

درعهد امپراتوری درانی به تعمیر زیارت خواجه صفا در دامنه کوه شیردروازه کابل اقدام گردید ۰ تاانکه درسال ۱۲۸۲ هجری شمسی مطابق ۱۳۲۳ هجری قمری بفرمان دولت افغانستان تجدید گردید و عبارات لوح تاریخ که درذیل پرداخته میشود ، شاهد این حقیقت اســـــت ؛

(هذا بقعه ء موسوم به خواجه صفا نظرگاهیست با نزهت وصفا ونظاره است خوش اب وهوا ـ درزمان سلف چنانچه شاید دراباد ی وتعمیر ان پرداختهٔ چند حجره ء که ازسنگ وگل ساخته بودند انهم مخالـ لف اسلوب هندسی بوده ، بواسطه ء امتداد زمان روبه خرابی وویرانـ ـ نی اورده بـود ـ ازانجاکه همت والا نهمت شهریار عدالت قرین اعلیحضرت سراج الملته والدین امیرحبیب الله خان درانی بارکزائی محمدزائی همواره مصروف ابادا تی ملك وملت افغانستان خاصه اباد بقاع خیربوده می باشـد دراباد ی این بقعه امرفرمودند ۰ بـه موجب امرجلیل القدر اعلیحضرت همایونی بتاریخ ۲ ماه ربیع الاول سنه ۱۳۲۳ هجری اغاز بنا در(۱۷) ماه شوال المکرم سنه ۱۳۲۳ ـ

موصوفه اتمام ان غده این به‌ستور بطریق یادگار درین سنـــگ زینت ارتسام یافـــت) ·

٥ ٥ ٥

تنصیب لوح جدید برمرقد شیخ عبدالهادی انصاری در هرات

شیخ الاسلام شیخ عبدالهادی انصاری هروی که در سنه چهارصد و نود و دو (۴۹۲) هجری قمری ازدست مخالفین افغانستان در سرحد بین هرات ومشهد به شهادت رسیده است • چون موصوف عالم وشیخ بزرگ وپسر شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری پیرهرات ودرگازرگاه مدفون است •

امیرحبیب الله خان ((سراج الملته والدین)) درسنه ۱۳۲۵ هجری قمری مطابق ۱۲۸۶ شمسی و موافق ۱۹۰۷ میلادی درایـن وقتی که بدوره • افغانستان ازطریق غزنه بجانب قندهار وهرات وبلخ تصمیم گرفت باربا ب فن واداره هدایت فرمود که لوح جدیداز برای مرقد شیخ الاسلام ابن شیخ الاسلام تهیه وتاوقت وصول موکب پادشاهی بدان سمت مملکت نصب وهم امورترمیمان زیارتگاه بحداکمل رسیده باشد • ولوح جدید درهمان سنه تهیه ونصب شده است

دراینجا باید گفت که : ارباب تولیت وخدام روضه • پیرهرات در همه ادوار دولت وحکومت افغان مورد قدر وروسای روضه درایام — جشن های اتفاق ملت وجرگه های کبیر ملی همیشه بدربار کابل دعوت میشدند •

اولاده شیخ احمد جام ژنده پیل نیزدرادارات انشاء واستیفاء ومحاکم شرعیه سهم خدمت میداشتند • درکلکسیون سراج الاخبار افغانیه تصویر میرگازرگاه دیده میشود — فرمانها ازجهت موقوفات

زیارات وتائید احفای تولیت ازطرف دولت وحکومت افغانستان بحرمت ان زیارت بابرکات در هروقت نوشته شده وحریک ارامگاه بزرگان هرات ترمیم یافته است که الواح تاریخ خود نمایانگر این حقیقت است ٠

وبهترین دلیل حرمت بمقام علم وتقوی ان است که عده ٔ زیاد بزرگان افغان قندهار وکابل در اوان اقامت شان در هرات دفن خود راد رجوار زیارتگاههای عظام مشائخ ان ولایت وصیت کرده بخواب بستر راحت ابدی رفته اند ٠

(رحمته الله تعالی علیهم اجمعین)

واین است برکت علم و تفسیر و حدیث وفقه واد ب و تصوف درافغانستان ٠

احترام بمقام علم وعلماء

میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالك که بعبارت ((محمد حسین سید خیلی)) امضاء می نمود درسنه ۱۳۳۴ هجری قمری (مطابق ۱۲۹۵ شمسی) بعنوان دوتفر مولوی سمت شمالی کاغذی نوشته که مخصوصاً ازنظر ادب اسلامی واحترام بمقام علم وعلماء ارزش دارد ودر اینجا بطریق یادگار درج میشود :

((۱۱))

(حضور پر نور ذات معظم الشان دائره کمالات انسانی محب شفیق قدیم حضرت مولینا مولوی صاحب چیکل و جناب مولوی صاحب کلان که اسماء شان برادران بزبان سوء ادب دانستم - السلام علیکما اشرف شریفین .

ورحمته الله وبرکاته - حضرت محترم ذریعه حامل رقیمه ازکوائف شامله تان سراپا مطلع شدم وازشفقات تان متشکر - اما اگر ازکمترین خود اگرخواهید که اطلاع یابید ناندانستن ان بهتر که طبیعت مبارك را ملامت می افزاید اینقدر راست حیات بناکام مهمل بی انجام سراسیمه سرد رهوا نه مرده نه زنده عمرعزیز بعبث ازهمه طرف برباد دربین حلم استقامت دارم نزد عزیزان شرمنده امید معافی ودعا دارم که اخرعمر است ودرحق شما علی الدوام داعیم - مشفقا - مکرما دل ودست یاری بنوشتن نامه نمیدهد ازهمه بابت السلام علیکم - مورخه ۳۰ سنبله مخلص دعاگوی شما - محمد حسین سید خیلی)

۱۳۳۴

بخش سوم

دارالقضاء عهد استرداد استقلال افغانستان

دارالقضاء افغانستـــــــان

درعهد سلطنت اعلیحضـــــرت امان الله شـــــاه

((۱۳۳۷ ـ ۱۳۴۷ هجری ـ قمـــری))

((۱۲۹۸ ـ ۱۳۰۷ هـ ـــ ش))

بیعت شیخ الاســـــلام

جریده امان افغان در شماره (۳) سال اول درخصوص مراسم جلوس اعلیحضرت امان الله شاه نوشت :

(اینکه شیخ الاسلام یعنی قاضی القضات که تمامی امور دینی از طرف پادشاه اسلام خود تولا داشتند ، بیعت نمودن اهالی انجما را با شما واراده شمارا در بیعت با خود محض خلاف اصول طریقه موجوده مسلمانان دانسته ایم که در سواد اعظم اسلامی ترکی عثمانی نیز همین قاعده شرعیه مرعیست ، که تا شیخ الاسلام بیعت نکند صحت نمی شــــود ....
واهالی محکمه شرعیه و علماء و مشائخ دست بیعت جناب همایونی رابوسیده .... مقـــرر دانسته در ربقه اطاعت اوداخل گردیدیم . وبجهته انسداد ثغور و جلوگیری خصماء داخله و خارجه سرومال وجان خود ها را بفدا نمودن حاضرداریم) .

((وبالله التوفيـــــق))

در بیعت نامه جلوس امانیه : دستخط ها ومواهیرمحکمه عالیه شرعیه کابل اول ازهمه و بعد صاحب منصبان نظامی و ملکی و سائر مامورین دولتی گرفته شده بـــــود .
ونیز بهمین اصول ازمحاکم شرعیه مراکز اطراف افغانستـــــان پ یاپی بیعت نامه ها بد ربار کابل رسیــــــد .

اجـراء عدالـــت

اعلیحضرت غازی امان الله شاه ـ در اولین اشتهار سلطنت شام روز دوم برج حوت سال ۱۲۹۷ در کابل پایتخت مملکت افغانستان مستقل نوشـــت :

اول : مقصد خدمت دین مبین حضرت سید المرسلین محمد صلی الله علیه وسلم است که برترین و احسن ترین مقاصد وما رب همـان اســت .

دوم : یگانه ارزوی من بحق رسانیدن مظلومان وداد ستاندن بی نوایان است نیت یگانه من همین است که استعداد وقابلیت خدا دادی که ذات اقدس خالق عظیم الشان ما در خصوص اجرای عدالت ورفع ظلم وبدعت در دماغ وقلب من القافرموده است انرا ازقوه بفعل بیاورم .

این رااعلان وبشارت میدهم که من تاج سلطنت ... افغانیه رابنام استقلال وحاکمیت ... داخلی وخارجی افغانستان بسرنهاده ام .

حضرت پروردگار ...

(وشاورهم فی ا...

اینك من درهمه ...

اتخاذ کرده ام .

در روز جلوس رسمی امان الله شاه ـ جمعه نهم حوت سال ۱۲۹۷

شمسی از طرف علماء و فضلاء دربار به همین مناسبت لقب ((سیف

الملة والدین)) بحضور ان منادی بزرگ امرحق وحقیقت پیشنهاد

وخطاب گردید . نامه ٔ ازادی شرق چاپ برلین بهمین مناسبت

در وصف امان الله شاه نوشت :

بیا راست افغان زمین را بداد

ازاندم که این تاج برسر نهاد

استحکام دیـــن

در ترانه ٔ استقلال افغانستان نسبت دیانت پرستی وعدالت پسندی غازی امان الله شاه نکلت محمی گنجانده شد که قسمتی ازان را در این صحیفه می اورم :

ازابهر استحکام دین کرد ی برون شمشیر کیـــن
خوانند جمع مؤمنین درفکرو رایت مرحبـــا
الهنا یا ربنا انصر لنا امیـــــر نا
امیرالافغان امان اللــــــه خان

تاانکه در دنیا بود ممکن وجود مرد مـــــ
دین نبی باداقوی این شاه راباد ابقـــا
الهنا یا ربنا احفظ لنا امیــــــــرلنا
امیرالافغان امان اللـــــه خان

• • •

امان الملتـــه والــدین

از طرف مجلس مرکزیه ٔ خلافت و جمیع مسلمانان کشور هند مضامینی در نشرونظم بکابل ارسال ورهبر دیانت پرست افغانستان رابایـــن القاب وابیات ستودنــــد :

(اعلیحضرت امان المله والدین ـ غازی امیرامان الله خان ـ زاد اللـــه ملکه وشرفـــه).

وازمتن قصیده ٔ ان که یک نفرشاعرهندی گفته است این ابیات اختصاراً میشـــود :

رافع اعلام دین وحامی شرع مبین

همچوغمخوار رعیت ماد رگیتی نزاد

بهرترویج علوم وهم ترقی فنون

گنج دولت رابروی طالبان یکسر گشاد

خارزار جورو استبداد راازبیخ کند

رسم وعدل حضرت فاروق راترویج داد

نام توتسکین بخشد ردمندان حزین

خاطرناشاد هرمسلم کند یاد توشاد

در امان حق بمانی ای امان الله خان

دولتت پاینده باد وملك تودارلامان

درعهد استرداد استقلال چون قوه عدلیه مانند محکمه حقوق جزاء - اصلاحیه وتمییز - محکمه مامورین - محکمه دیوان حرب واصول محاکمه عسکری درکابل بوجود آمد -

این تشکیلات وانتظامات عدلی وقانونی اهل مطبوعات خارج راما نند اهالی داخل مملکت افغانستان درهربا ب قانع ساخت زیراکه در تشکیل ادارات افغانستان درحواعهد امانیه اول ادارمحکومت ودوم اداره قضاوت وبعدازان دیگرادارات تعین شد

الحمدالله مملکت افغانستان ازوقتی که اعلیحضرت احمدشاه غازی ابدالی رحمته الله علیه بنیاد سلطنت انرا براساس متین قرانی وازادی گذاشته تاباین زمان سعداقتران امانیه خود را مملکت مسلمان ودولت مسلمان وتابع قران دانسته وشناخته بنابرین در

اسلامیت وافغانیت رقیمتکه ضد حریت یعنی استقلال است موجود نیست . ازین حیثمیگویم که حقاء بالشرع ـ افغانستان ازابتدای تاسیس حرومستقل بوده وخواهد بود . امروزما وشما ازقران حمایت میکنیم ـ ازسنت مصطفی صلعم دفاع مینمائیم . ماميخواهیم که قبای حریت وازادی راکه اسلام برای ابرو وحیات مسلمان اعطاء نموده درهرکینم قدسیان مارا رحمت میفرستند وارواح طیبه حضرات اولیاء عظام علیهم الرحمته والغفران مارا صلوات اعطاء مینمایند .

اعلاء کلمته الله مقصد ماست وازادی وطن ارزوی ما ـ

. . .

شیخ الاسلام موصوف بعد ازاسترداد استقلال افغانستان درقصرد ل کشا ـ دریک شب دعوت که بجهته توزیع نشانها منعقد شده بود درطی نطق بسیار مفصل گفت : (ای زنده کننده افغانیان وی ـ حرکت دهنده مشرقیان اعلیحضرت غازی امان الله خان خلدالله ملکه وسلطنه فی کل وقت واوان .

این شب ازان شب های پر افتخار وتاریخی افغانستان است که تاانقضای عالم کون ومکان مایه افتخار ومباهات ملت مسلمان افغانستان خواهد بود .

ابلاغ شیخ الاسلام

درامر جهاد استرداد استقلال افغانستان

حضرت فضل عمر ((نورالمشائخ)) در برج حمل سال ۱۲۹۸ شمسی در زیارت روحانی علیه رحمه در رجم غفیر مجاهدین افغانی نطقی نمود که مختصران در این صفحات تاریخ قضاد رافغانستان پرداخته میشود :

بفریاد بلند بمسلمانان اعلان میکنم که پادشاه افغانستان اعلیحضرت سیف الملة والدین امیرامان الله خان عزم مصمم فرموده تابعون الله تعالی ازادی تامه افغانستان رابهر فداکاری که باشد بهمکاری ملت مسلمان وغیورافغانستان بدست ارد ـ اگرچه مملکت اسلامی افغانستان نسلاً بالنسل باهمه معانی استقلال ه مستقل وازاد ـ بوده وهست وخواهد بود راما امروزپادشاه افغانستان وملت مسلمان افغان وعسکرغیورما نهمه کمرهمت رابسته اند تاباخرین ریختاندن قطرات خون خود شاهد رعنای استقلال رابدست ارند ٠

چونکه اساسات شرع محمدی علیه الصلواة والسلام تحت الحمایه بردن مسلمانان رابغیراهل دین بطور قطع مانع است ونصرا منافی حریت اسلام شمرده ومحکوم کردن دیگر شرائط مندرجه رابه ملت اسلام امرنموده لذاملت مسلمان افغانستان بعقیده ء فقیر هیچ قسم رقیت رابهرنام که باشد دیناً وایماناً قبول نکرده ونخواهد کرد ٠ امشب بعون الله تعالی ـ ورهنمایی اعلیحضرت شما وفداکاری ملت مسلمان افغان ـ افغانستان بخود می

بالــــــد ـ ملت وعسکر افغانستان امشب سرمایه بزرگ ازادی را که از لوازم دین حنیف اسلام است بدست اورده اند .
امشب ملت افغانستان فرزندان اینده این خطه پاک را از زیور حریت بهره ورگردانیده است وبه وجود ذیجود اعلیحضرت غازی که حامی بزرگ استقلال انــــد ملت مسلمان افغانستــــان افتخار مینمایـــــد .

استخ[illegible]اء متبحر اسلامی افغانستان
برای ترتیب وتدوین نظامنامه ها

مجله ٔ معرف معارف یعنی اولین مجله ٔ علمی ـ عرفانی ـ ادبی وتاریخی عهد امانیه که از تاریخ امضاء اخرین سند استرداد استقلال کامل افغانستان از طرف دارالامان معارف (واقع قصر شهرارای کابل) به نشراغاز کرده، درسال ۱۲۹۸ هجری شمسی نوشت :

(اعلیحضرت غیور جوانبخت غازی ما ((امان الله شاه)) قدم باریکه ٔ سلطنت گذاشتند بعد فراغت از اجرای بعضی امورات لازم الرعایه ٔ دولت در رفع این غوایل همت ملوکانه گماشتند یعنی که خواستند افراد تبعه صادقانه ٔ شانرا از امر گرفته تا مامور بهر نوعیکه شود طریقه ٔ اجراات را تفهیم و اختلال و اغتشاش امور دولت را به هرصورتیکه ممکن باشد مستاصل کنند .

جهت اعمال این اراده ٔ سنیه ٔ خسروانه ٔ خویش علمای متبحر اسلامی وطن را جمع کرده امر فرمودند که به مواظبت مذهب منیف حنفی مسائل مهمه راجع بمعاد ومعاش دولت وملت افغانیه جمع وتدوین ودر مجلدات نظامنامه تمام چیزها بعموم تقسیم و توزیع شود تا ملت ودولت بحقوق وفرائض متقابله ٔ خود حسب ارشادات مقدسه ٔ مقتدای خود دانسته پیروجاده ٔ دیانت وصداقت باشند) .

حقیقت ان است که غازی امان الله شاه در بدو جلوس شورای علوم یعنی مجمع مشورتی علماعلوم شرعیه تشکیل داد

ود رفرما ن تصریح وظائف نـمود وعبارات مجله • معرف معـارف مستند بان اســت •

"""""""""""""""

دا را لقضات الاما نیــه

نظارت معارف د ربرج حمل سال ۱۲۹۸ هجری شمسی د رکابلـستـل تشکیل گرد ید • وازادارات بزرگ علمی ان یکی دا رالامان معارف واقع شهرارا تاسیس گرد ید • ازطرف ان اداره د رافـاز ســال تعلیمی ۱۲۹۸ شمسی مد رسه عالیه قضات باسم ((دا رالقضـات الاما نیــه)) د رشهرا رالکابل بوجود اورده شد • وتصـریح گرد ید که د راین مد رسه عالیه ـ طلبه • علم د روس علم قضـا را بمعلمی علماء جید افغانستان مطابق باصول مذهب امام ابوحنیفه (رح) امام اعظم بخوانند و بعد د وره • تحصیل و اخذ شهادت نامه به تصد یق هیات ممتحنه • نظارت معارف به مناصب قضا د ر مرکز و اطراف افغانستان مقررگرد ند ومصادف بهمین ا وقـات دا رالعلوم امانیه ومتعاقب ان مکتب حکام و مکتب ملیه • امانیه و مکتب احسان امانیه نیزازطرف نظارت جلیله • معارف تاسیس گرد ید قرارگاه قاضی القضات راعضاء محکمه • شرعیه د رعهد سلطنـت اعلیحضرت امان الله شاه ازطرف علماء ـ دا رالقضات الامانیه یا د

---

(۱) این اشارات مقصد از تاسیس بنیان سلطنت بااستقلال وتحکیم امورد رمسائل مهم سیاست داخلی وخارجی افغانستان است که امان الله شاه د رشروع ماه اول جلـــوس سخت مصروفیـت هاداشت • ((وکیلی پوپلزائــی))

میشـــــــد .

بالای دروازه دارالقضات الامانیه ایه مبارکه (اعدلوا هواقـرب للتقوی) نوشته بـــــود .

غازی امان الله شاه به ملت افغانستان خطاب کرده گفت :

مراد من ارتقای شماست ، وشما ترقی نمی کنید تا زمانیکه بـــــه حمایت حقوق خود عادی نشوید . وگفت به حمایت حقـــوق خود وقتی عادی شده می توانید که عالم باشیـــد .

ونظامنامه ها راکه باستناد علوم شرعیه وبه تصدیق و تصویب علماء اسلامیـی بطبع رسیده است دقیقاً مطالعه نمائید . وشما حقوق خود راازنظامنامه ها یافته می توانیـــد .

ملا محمد یعقوب قندهاری بهمین مناسبت بوصف ان گفته است :

غازی امان الله مودی پلار دگرو ملـــت

بلا شك پوخ مسلم دی هم اولاد د مسلمان

دار القضاء الامانیـــــه

و

مکتب قضاه افغانـــــی

اعلیحضرت امان الله شاه غازی در سال ۱۲۹۸ شمسی در قصر وباغ شهرآرا دارالامان معارف ـ یعنی مرکز بزرگ علوم ومعارف تاسیس وتشکیل فرمود ومصادف بهمین دوره ((دارالقضاء الامانیه)) تاسیس وبه تالیف کتاب و یا نظامنامه بنام وعنوان ((تمسک القضاء الامانیه))فرمان نمود ۰

وبرای اینکه قضات افغانی مطابق مذهب منیف حنفی ورنزد علماء متبحرین اسلامی تحصیل علوم شرعیه نمایند ۰ درتحت اداره ونظارت دارالامان معارف (مکتب قضاه افغانی) تاسیس فرمود ومدرسه علوم شرعیه درهمین وقت درکابل بوجود آمد (۱) وعلم قضا تدریس میگردید ۰ وپادشاه غازی خود شخصا از ان مکتب ومکتب ملیه امانیه ومکتب طبیه ومکتب حکام نظارت می نمود ۰ برای ثبوت ان سطر گزارش های بزرگ علمی عهد امانی ازقصیده پاینده محمد جماعت چهارم مکتب قضات امانیه که در سال ۱۲۹۸ شمسی گفته ودرمجله مصرف معارف همزمان به نشررسیده است دراینجا چند بیت اتی رابطرین مثال نقل می گیریم :

---

(۱) در سال ۱۳۲۲ شمسی مدرسه علوم شرعیه دربغمان بهمین اساس در دوره امانیه مجددا تاسیس گردید ۰ معلمین افغان و معلمین مصری که مذهب حنفی داشتند تدریس می نمودند ۰ وکیلی پوپلزائی

نن پښتون سوی ه غیرت اوپه ایمـــــان
شکرخداي له داســــــلام دارالامان

کوم امان په پښتا نه ظل اللــــــه
څوانبخت پادشاه د دین امان اللــــه

یوجامع مکتب د ټولو کمالا ت
مدرسهٔ امانیه دارالقضـــــــات

چه اسباب تعلیمی ټول کامــــــل دي
لوازم د ترقی ورله شامـــــــل دي

معارف ضروري تول منظــــــور
له حضور فیض گنجور لامع النــــــور

ټول حکم ومعارفی دي نــــصاب
په تفسیر د قرانی فصل الخطـــــاب

مناصب د کامیابی چه دي منظــــور
له حضورد پادشاه غازي غیـــــور

اولاء قضافتوي د ټول د ولـــــت
اجراء جهان کړي په حکمـــــت

ه ه ه

قاضی القضـــــات

درعهد اعلیحضرت امان الله شـــاه

اعلیحضرت امان الله شاه در سال ۱۲۹۸ شمسی ـ مولوی عبدالشکور خان بارکزائی را قاضی القضات مقرر نمود و اشخاصاتی به مناصب قضا وهم اعضای محفل شورای علوم مقرر شدنـــد :

۱ـ مولوی سیف الرحمن خان قاضی عسکر (در سال ۱۲۹۸ شمسی از کابل به مسکوسفر کرده بود) .

۲ـ ملاعبدالحمید خان ـ قاضی مرافعه حقوق .

۳ـ ملاعبدالرحمن خان (ساکن سه گنبد پغمان)ـ قاضی مرافعه جـــزاء .

٤ـ ملامحمدامین خان ـ قاضی ابتدائیه حقوق .

۵ـ ملاعبدالجلیل خان قاضی ابتدائیه جزاء .

٦ـ ملاعبدالرشید خان قاضی وثیقه جات .

عبدالشکورخان قاضی القضات (ولد سعدالدین خان قاضی القضات ولد عبدالرحمن خان قاضی القضات ولد محمد سعید خان قاضی ـ القضات) در هفته اول بین حوت سال ۱۲۹۷ شمسی ازکابل همراه محمود خان ولد محمد شاه خان به جلال اباد فرستاده شد وخدمت شایسته رابه نفع دین ووطن ایفاء نمود . چون پدر وجدا ومناصب قضا وخدا ... لوم داشتند در سال ۱۲۹۸ شمسی ملاعبدالشکور خان مذکور رتبه قاضی القضات یافت . عبدالکریم خان نائب الحکومه براد راین شخص است که درسال ۱۲۹۹ شمسی حاکم محـــال

غزنین وبعد حاکم مهاجرین واخیراً نائب الحکومه قندهار مقرر گردید.

"""""""""""""""""

علماء شرعیه عهد امانیه

تعداد علماء افغانستان درعهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه غازی که درلویه جرگه شامل ودرتصاویب امضاکرده اند ازاین قرارانند:

ملاصوفی خان بن ملانورخان - ساکن چند لبائی پغمان.

ملاحاجی محمد رسول لوگری.

ملاسربلند خان غزنوی.

مولوی عبدالغنی خان ساکن قلعهٔ بلند چاریکار.

مولوی عبدالحی خان ساکن رخهٔ پنجشیر.

مولوی محمد رفیق خان ساکن جمال اغه.

ملاسید محمد جان ساکن تگاو

ملاعبدالستارخان ساکن کهمرد.

ملامحمد نعیم خان ساکن کابل.

ملااحمد نورخان ولد ملا احمد جان ساکن لوگر.

مولوی فضل الدین خان ولد محمد هاشم خان ساکن خم زرگر سمت شمالی.

قاضی اجازت شاه ساکن فیض اباد بدخشان.

میرغلام نبی متولی گازرگاه شریف هرات.

قاضی سید حسین خان سمت شمالی ۰

قاضی ملا احمد خان هراتی ـ ساکن مرکز هرات۰

ملا عبدالله واعظ ولد ملا یحیی ساکن گازرگاه هرات۰

قاضی عبدالرشید قندهاری یکی از اعضای محفل تمییز عدلیه ۰

ملا دین محمد هوتکی ۰

ملا عبدالقیوم قندهاری۰

ملا صاحب چکنور ۰

ملا فقیر محمد لعل پوری ۰

مولوی محمد ابراهیم ولد عبدالحمید ساکن سنگرسرای کامه ۰

ملا محمد صدیق ولد ملا محمد لطیف گردی سرای ۰

مولوی فیض الرحمن خان ۰

پادشاه گل جان مهمند ـ عالم و شاعر زبان پشتو۰

مولوی فضل ربی ولد سید محمود باجوری ۰

مولوی فضل محمود ولد نور محمد باجوری۰

قاضی سید مجدد خان ولد میر عابدین حصارک مزینه ۰

مولوی حبیب الرحمن ولد عبدالحمید سنگر سرای کامه ۰

مولوی عبدالواسع قندهاری ۰

مولوی محمد بشیر۰

٥ ٥ ٥

وصول قاضی عسکر کابل به مسکو

در بهار سال ۱۲۹۸ شمسی هیاءتی ازطرف دولت افغانستان مستقل ازکابل جانب مسکوفرستاده شد درهیاءت سفارت فوق العاده مذکورمولوی سیف الرحمن قاضی عسکر نیزشامل وبتاریخ (۵) برج میزان سال مذکوروارد مسکوگردید ·

اخوندعبدالودود فتاح الدین امام و خطیب مسجد شهرمسکو ضمن خطبه وموعظه گفت : (حضرت نبی الکریم صلعم فرموده اند : سیاحت امت من عیناً بمنزله ٔ جهاد فی سبیل الله است) ·

وگفت : اشخاص جهان گرد بدولت خود هم فایده های مکمل می بخشند · برای سیاحین خصوصاً مسلمانان سیاحت دارای فوائد زیادی میباشد که اهمترین ان اعلای کلمته الله ونشردین وتقویه ٔ اموردین واسلام است ·

نبی محترم ما (ص) دریک حدیث شریف شان میفرمایند : سیاحت کنندگان دایماً مانند صائمان اند — وهم درقران کریم درحق سیاحت ایات مبارک وارد گردیده است که ترجمه اش این است :

گردش کنید درروی ارض وحاصل کنید معلومات ازامم ماقبل وببینید بشید وفکر کنید به عاقبت کارهای شان) ·

وگفت : (مامسلمانان مسکو ازوکلای افغانها نهایت ممنونیم ، در این جمعه اخرین ازوکلای افغانیه التماس داریم که اگر د راینده

هم ازطرف برادران افغانی ما وکلاییا یند یا مسلمانان اینجایی خود مناسبت داشته باشنـــــد •

جماعت ما مسلمانان مسکو بذریعه • وکلای افغان رسانیدن ارادت خالصانــه ومعروضات عاجزانه •خود را بحضور شوکت موفور اعلیحضـــرت امیرامان الله خان ادام الله دولته الی مدید الزمان مود وع می کنیم واز جناب عالی جرنیل محمد ولی خان وقاضی سیف الرحمن خان در این باب وعده • موثق استدعا می کنیم•

برادران ما همه مسلمانان مسکو در اسعد دقائق در مسجد مقدس خود مان بدعای خالی ازریاء امیرالمؤمنین قهرمان الاسلام امیرامان الله خان حضرت لری مشغول خواهیم بود ـ باقی همه وقت از درگاه خالق لم یزل برا یا سعادت وترقی اسلام راد رهمه نقاط دنیا تمنامی کنیـــم)•

• • •

وطوری که اخوند مذکور یاد کرده است باعث اعزام قاضی عسکر از کابل هم همین بوده است زیرا که اهمترین فوائد اعلای کلمته الله ونشر دین وتقویه اسلام است وقاضی عسکر از طرف علماء دینی افغانستان در نزد مسلمانان مسکو سمت نمایندگی داشته است •

قاضی محمد غوث خان

انجمن معارف از طرف نظارت معارف عمومیه ـ دفعه دوم بتاریخ سه شنبه (۱۸) برج جوزای سال ۱۲۹۹ شمسی مطابق (۲۰) رمضان المبارک سنه ۱۳۳۸ هجری قمری (۸جون ۱۹۲۰ میلادی) افتتاح گردید ۰

از جمله (۱۸) نفر اعضاء علمی ـ ادبی ـ فنی آن یک تن قاضی محمد غوث خان که از دیر سال سوابق علمی و فضائل داشت تعیین شد ۰

استحضار مولوی عبد الواسع

از قندهار بکابل

اعلیحضرت امان الله شاه ـ در سال ۱۲۹۹ شمسی عبدالعزیزخان یاورحضوررا بحیث رئیس تنظیمیه قندهار تعیین وازکابل بدانطرف برای تنظیم امورفرستاد . چون تألیف تمسک القضاء الامانیه وتأسیس مکتب قضات وپشتومرکه درکابل مدنظر بود ـ ازجمله علماء یکی هم اخوند زاده عبدالواسع بن مولوی عبدالروف ابن مولوی عبدالرحیم کاکری بود (۱) .

مولوی عبدالواسع در سنه ۱۲۷۵ هجری قمری مطابق ۱۲۳۶ شمسی (۱۸۵۷ میلادی) درشهرقندهار بدنیاآمده بود وحین ورود بکابل (۳۸) سال عمرداشت .

در علوم : تفسیر ـ حدیث ـ فقه ـ منطق و شاعرزبان پشتو ودری وبتاریخ (۱۸) برج حوت سال ۱۲۹۹ شمسی وارد کابل ودرمکتب قضاء الامانیه واقع شهرآرا نگران درس مقررگردید . وبعد معلم مکتب حکام وعضومحفل قوانین وبعد ازان عضوشورای دولت وبعداً عضومحفل تمییز وزارت عدلیه وهم عضو انجمن معارف وبعد ازان امرپشتومرکه وپس ازان رئیس ثانی تمییز عدلیه وازطرف دولت امانیه لطف ونوازش زیاد درمورداو ازجهته اینکه نویسنده پشتوودری وهم شخص عالم وشاعر بود ـ مبذول میگردید .

ازبعد وورود بکابل موظف شد که کتابی بنام وعنوان تمسک

السقاه-الامانیه)) باه تدوین نوانین مطابق شریعت

القضاه الامانیه))تاءلیف نماید . واین اولین عالم دینی درعهد امانیه بود که مطابق راهنمایی ان پادشاه غازی به تدوین قوانین مطابق شریعت اسلامی ومذهب منیف امام الاعظم (ابی حنیفه رح) به تطبیق ان کامیاب شد . که درخصوص این کتاب جداگانه بحث شده است.

---

(۱) مولوی عبدالواسع وپسرش مولوی عبدالخالق واسعی ازشفقت ها ومهربانی های غازی امان الله شاه وعبدالعزیز خان رئیس هیات تنظمیه قندهار ممنونیت های زیاد داشتند که درموقعش نگاشته خواهند شد .

فرمان اعیحضرت امان الله شاه

درخصوص تألیف تمسك القضاه الامانیه

ه ه ه

بسم الله الرحمن الرحیم

دیباچه کتاب محامد الهی توقیع رفیع کلمه طیبه لااله الاالله است . وعنوان منشور صلوات رسالت پناهی طغرای غرای محمدرسول الله .

فنشهدان لااله الاالله ونشهدان محمد رسول الله .

امابعد - راعی عبادالله وحامی بلاده (الغازی امیرامان الله) پادشاه دولت مستقله اسلامیه خداداد افغانستان برحاطولر اسلامیت ماثر جمله اشخاص امت محمدی عموماً ، وبرضمایر دیانت ذخایر کافه افراد ملت نجیبه افغانستان خصوصاً واضح میدارد ، که ترقیات دین ودنیای دول وملل اسلامیه بقرار دلائل یقینیه شرع وعقل وتجارب صحیحه تاریخ ونقل مشروط اجرای احکام محکمه قرانی ومربوط امضای قواعد حقه آسمانی است .

بنابران برای ایفای حق حقیقی اولوالامری دینی وجهته ادای وظیفه فرض منصبی پادشاهی اسلامی خواستم که درممالك محروسه دولت خداداد مستقله افغانستان حکم غیر خداجل وعلی نافذ ، وامری بجزشریعت حاکم نباشد ، وچون کتب فقهیه این زمان دارا اقوال وروایات بعبارت عربی بوده استخراج حکم معلوم الصحه هر حادثه ازانها صعوبتی دارد ، که ازعموم حکام وکارداران دولت

بلکه ازخصوص سایر قضاه ومفتیان امید کرده نمیشود ـ

لا امرفرمودم تاعلمای حضور روایات صحیحه مذهب مهذب حنفی را مطابق معمول فرصت حال یکجا کرده وبزبان فارسی که محاوره اکثر ممالک محروسه افغانستان است مدون نمایند ـ حسب الحکم کتاب :

تمسک القضاه الامانیه راتدوین ساخته ـ کل مسایل وروایات ان بنظردقه شاهانه ام رسیده حکم فرمودم که قضاه محاکم حقوق وجزا واحکام ادارات عدلیه مرکزی دارالسلطنه وولایات ومحالات درفیصله دعاوی ومرافعات ـ احکام مندرجه کتاب موصوف رامعمول داشته ـ ازروایات دیگر کتب ومجموعات صرف نظر نمایند واگرحادثه قضاء واقع گردد که شخصیه حکم ان درمسائل مذکوره کتاب مزبور نباشد فیصله حکم مذکور رامعطل کرده کیفیت محضر وصورت حال انرا کاملا بحضور وزارت عدلیه برسانند وزیر عدلیه امور است که کیفیت ارسالی قضاة رابلا معطل تقدیم حضور انور پادشاهی بدارد تاباتفاق اهل محفل شورای علوم تعیین حکم غیرمذکورفرموده شده بعدازامضای پادشاه برای تکمیل مسایل کتاب داخل ان کرده شود .

((انشاءالله تعالی))

وبرای احکام تعزیرات شرعیه که حدود معینه نداشته مفوض برای امام واولوالامر است . نظامنامه های علیحده ملکی ـ نظامی احتسابی ـ تاءلیف گردیده ـ مقادیرتعزیر هرقباحت و جنحه و جنایت دران مفصل ضبط وتحریر است ـ تاقضاة دولت افغانستان

للقضا بستان د زهر حکم جزا تقلید مواد قضائیه تمسك القضاء الامانیه
وپیروزی فقرات نظامنامه های جزائیه) راد را حکام تعزیریه کرده
رای غیرشرعی وحکم نفسانی وهوائی راد رعباد و بلاد الهی جل شانـه
جاری وساری ندارنـد ـ وبالله التوفیـــق .

چـون برای تسهیل اداره امور عدلیه محاکم شرعیه بد وشعبه
حقوق وجزا تفریق کرده کتاب (تمسك القضاء الامانیه) نیزد و
حصه فرموده شد :
(۱) حصه حقوق
(۲) حصه جزا .
تا حصه حقوق اساس محاکم قضای حقوقیه ـ وحصه جزا با نظامیـه
های تعزیرات ملکی و عسکری واحتسابی دستور العمل محکمه های
شرعیه جزائیه بوده تمامی فیصله های شرعی ر طابق احکـا م
مندرجه انها جاری و معمول دارند ـ وبرای تحقیق صحت و مـو
افقت کتاب های موصوفه با مذهب حنفی بعد ازتالیف وترتیب
انها حکم فرموده شده تاعلمای علام وفضلای کرام قضاه ومفتیـا ن
محاکم تمییزیه ومرافعه ابتدائیه حقوق وجزاء مرکزی دارالسلطنـه
کلیات و جزویات احکام ومسائل انها را بنمایند حسب الامر بعد از ـ
امضای صحت اتفاقی ذوات ذیل :

قاضی القضاه قاضی عسکر قاضی محکمه مرافعه
حقوق قاضی محکمه مرافعه جزا قاضی محکمه ابتدا
ئیه حقوق قاضی محکمه ابتدائیه جزا قاضی محکمه وثیقه جات

مفتیان محاکم مو...

بامضای شاهانه ام رسیده حکم محمولی را اجرای عام فرموده شد از ملك الملك مطلق جل وعلی نیازمندی دارم که ضمین اجرای شریعت تعالی خاصیت محمدی (ص) ترقیات دینی ودنیوی نصیب دولت وملت افغانستان شود).

مهر – (الغازی امیرامان الله) – ۲۰ دی دکرن وسی – ۱۳۰۱
تمسك القضاه الامانیه – حصه دوم – جزا – در (۱۸۳) صحیفه وبصطاء یکجزا رویك صد و سیزده مواد را

را زکتب فقه اسلامی:

هدایه – قاضیخان – محیط السرخسی – محیط برهانی – الاشباه والنظائر – منح الغفار – نهایه – خزانه الروایه – تاتارخانیه – معین الحکام – السراج الوهاج – بدایع عالمگیری – مجمع البحرین – فتح القدیر – کنز – جامع الرموز خزانه المفتین – نهرفائق – عتابیه – التلبئین – تجدید بحررائق – خلاصه – الکافی – فتاوای کرخی – السراجیه – ذخیره – نهایة البیان – تمرتاشی – جواهرة النیره مبسوط – ظهیریه – سراجی – قدوری – شرح طحاوی – حمادیة الحاوی – ایضاح – درمختار – ... خانیه – مضمرات ردالمختار – خزانة الروایه – ... – المحیط الاختیار – قنیه –

استناد گرفته در حلیهٔ تألیف درآمده وبعد از غور وتدقیق علماء حضور
وباتفاق اهل محفل شورای علوم - بطبع رسیده است .

((صورت امضای قضاه محاکم وزارت جلیله عدلیـــــه))

حصه دوم تمسک القضاه الامانیه وقتی که ازتالیف در سنه ۱۳۴۰ هجری قمری مطابق ۱۳۰۰ شمسی فراغت یافت در صفحه اخیر عین این عبارات و امضاء قضات گنجانیده شد :

(چون کتاب مستطاب ((تمسک القضاة الامانیه)) ازتالیف علمای حضور برامده وامضای حضور اعلیحضرت شهریار غازی ادام اللـــه سلطنته برای اجرای این شده که بعد ازملاحظه قاضی القضـــاة وقضاة واهالی محکمه جات ابتدائیه و مرافعه حقوق و جزا ووثیقـــه جات بعمل اورده شود ، حسب الامرواجب الامتثال سراپا ملاحظـــه شد مسائل ان صحیح است .

حضرت حق سبحانه و تعالی بحرمته حضرت صاحب شریعه صلی الله علیه واله وصحبه وسلم ـ وجود مسعود این پادشاه اسـلام پناه راکه باعث اجرای عام شرع شریف میباشد بکامیابی ترقیات دین و دنیا محفوظ و ازچشم زخم اعادی دین ودولت اسلام محفوظ داراد امیـــن .

د ستخط عبد الشکورقاضی القضاه .

د ستخط سیف الرحمن قاضی عسکر .

د ستخط محمد عبد الواسع قند هاری .

د ستخط ملاعبد الحمید قاضی مرافعه حقوق .

د ستخط ملاعبد الرحمن قاضی مرافعه جزا .

د ستخط ملامحمد امین قاضی ابتدائیه حقوق .

د ستخط ملاعبد الجلیل قاضی ابتدائیه جزا .

د ستخط ملا عبدالرشید قاضی وثیقه جات .

ه ه ه

- د ریک صفحه قبل ازین صورت امضای قضاه محاکم وزارت جلیله عدلیه این عبارت نوشته است :

(المولف خادم العلماء - محمد عبد الواسع قندهاری عفی عنه سنه ۱۳٤۰ قمری) .

ه ه ه

تعداد صفحات ۱۸۳ - تعداد طبع اول دو هزار جلد -

چاپ مطبعه « سنگی » ماشینخانه کابل - سنه ۱۳۰۰ هجری قمری

(نشان دولت محراب و منبر و شعاع افتاب)
قال رسول الله صلی الله علیه واله وسلم
(ترکت فیکم ما ان تمسکم به لن تضلوا کتاب الله وسنتی)
یعنی

گذاشته در میان شما (ای امت من) چیزی راکه اگر دست به آن زنید ودستاویز خود سازید هرگز راه ترقی دو جهانی را گم نخواهید کرد قران خدا و سنت وروش من ·

٥ ٥ ٥

کتاب هدایت نصاب ((تمسك العمال الامانیه))

حصه دوم — جزا — بتوجهات دیانت سمات ترقی ایات اعلیحضرت جوانبخت سعادت تخت ((الغازی امیرامان الله خان))
پادشاه مجاهد دولت علیهٔ اسلامیهٔ مستقلهٔ افغانستان حفظها الله بالامن والامان برای دستورالعمل محاکم شرعیهٔ (ابتدائیه ومرافعه جزا) بعدازامضای ذوات محترمهٔ اعضای محفل شورای علوم منظور فرموده شده است ·
(درمطبع سنگی ماشینخانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنهٔ کابل فی سنه ١٣٠٠ هجری شمسی طبع شد) تعداد طبع اول دوهزار جلد ·

حکومت قانون

اعلیحضرت امان الله شاه در بدو جلوس سلطنت گفت: بعدازاین قانون حکومت میتواند وبس ودر فرمان نوشت: ((در افغانستان حکم غیرحدا جل علی شانهٔ نافذ وامر بجز شریعت حاکم نباشد))·
شورای علوم وشورای دولت ومحفل وضع قوانین تاسیس وبه ترتیب

وتاءلیف نظامنامه ها اقدام واحکام فرمود . بتائید این همه اقدامات
قانونی در برج حوت سال ۱۳۰۱ شمسی گفت :

((هرقدر که درجه ٔ زمامداری یک شخص بلند ترشود ، برابر بسان
تکلیفش بیشتر و بار خدمتش سنگین ترمیگردد . واین ترقی درنتیجه ـ
زحمت کشیدن و ترک اسایش وراحت راایجاب میکند چراکه هیچ امری
مشکلتر اززیاست یک امت و هیچ مشقتی جگرخراشتر اززمامداری عمومی
یک ملت نیست . زیرا همین یک شخص باید که محنت جمیع مردم
رامتحمل شود تاچندین هزار نفوس ه نفس راحت بکشند))

وثیقه خط شرعی

طبع کابل

رعهد سلطنت غازی امان الله شاه ـ ازطرف نظارت عدلیه درسال ۱۲۹۸ هجری شمسی برای تسهیل امورمحاکم ـ تلخیص عبارات و ـ تنظیم دفاترمحاکم ووثائق طبع ورق های چاپی مناسب دیده شد ۰ ـله اول ومهرهای مخصوص تهیه گردید که اینجاتشریح مـی گـردد :

دربالای کاغذ نشان دولت افغانستان (محراب ومنبر) وباطراف ان شعاع افتاب ودرتحت ان عنوان بخط جلی (وثیقه خط شرعی) ودر پایان ان (قیمت یک روپیه) ۰ بطرف راست نشان وعنوان : جدول وثائق محصول دار ـ وبطرف چپ: جدول وثائق لامحصول مندرج ـ ودرهرجدول مذکوراصناف وثیقه و مبلغ محصول ومحل نصب تکـت نشان داده شده است ۰

ونامهایی ازقسم :قباله ـ حجت ـ صورت حال ـ ابراء خط ـ التزام ـ وکالت ضمانت خط ـ وصایت ـ ابراء خط ـ مجانا ٔ نوشتـه و بطبع رسیده است ۰

محصول وثائق ازیک روپیه تا شش روپیه تعیین گردیده است ۰

برای محکمه ٔ شرعیه وثائق ومهر منظور گردید ۰

اول : مهرمربع دارای عبارت (اعضای وثیقه ٔ محکمه شرعیه مرکزکابل)

درپین مهرعبدالمحمد

دوم : مهرمدوربزرگ دارای عبارت (قاضی محکمه شرعیه مرکزکابل)

نقوش هردو مهردروثائق دیده میشـود ۰ درپین مهرغلام رسول

مواد ی از نظامنامه اساسی

در نظامنامه اساسی افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله شاه غازی (۷۳) مواد موجود است ودر اینجا (۱۳) مواد انرا باندک اختصار آنچه در تاریخ قضا ارتباط دارد درج میکنم :

(۱) — (دولت علیه افغانستان اداره امور داخله و خارجه خود رابه استقلال تامه حائز بوده همه محلات وقطعات مملکت بزیر امروارادهٔ سنیهٔ ملوکانه بصورت یک وجود واحد تشکیل می یابد وبه هیچ حیثیت در اجزاء مملکت تفریق کرده نمیشود).

(۲) — دین افغانستان دین مقدس اسلامی ومذهب رسمی و عمومی ان مذهب منیف حنفی است .).

(۳) — پایتخت مملکت افغانستان شهرکابل است و اهالی تمامی مملکت افغانستان بالمساوی بنظر حکومت هستند که هیچ امتیازی اهالی شهرکابل نسبت بدیگر شهرها و قصبات مملکت محروسه افغانستان ندارند).

(۱۳) — تبعه افغانستان مفرداً یامجتمعاً اگر خلاف شریعت غرا ویا نظارت دولت ازطرف مامورین یادیگری حرکت ورفتاری ملاحظه کنند به اداره های دولت عرض می کنند اگر در دوائر حکومتی مرجوعه اش به بازخواست واستماع عرض شان پرداخت نکنند ، علی الترتیب بمافوق شان استغاثه نمایند ، درصورتیکه هیچ کس بازخواست نکرد راساً بحضور اشرف پادشاهی عرض نموده می توانند).

(۱٦) — (کافه تبعه افغانستان بحضور شریعت غرا و نظامات

دولت در حقوق ووظائف مملکت حق مساوات دارند) ۰
(۲۱) ـ (در محاکمه عدلیه عرض وداد عمومی مطابق شریعت واصول محاکم حقوقیه وجزائیه فیصله کرده میشود) ۰
(۲٤) ـ (شکنجه ودیگرانواع زجر تماما موقوف است و خارج احکام شرع شریف و نظامات دولت که موافق احکام شرعی تنظیم یافته برای هیچکس مجازات داده نمی شود) ۰
۵۰) ـ (در محاکم عدلیه هرنوع محاکمات بطورعلنی اجرامیشود ۰ بعضی فقراتی که در نظامنامه مخصوصه محاکم نشان داده شده محاکمه انراقاضی بطورخفیه اجراکرده میتوانند) ۰
(۵۱) ـ (در حضورمحاکم هرکس برای محافظه حقوق خود همه وسائط مشروعه راپیشنهاد نموده می توانند) ۰
(۵۲) ـ (محاکم عدلیه دررویت و فیصله دعاوی که داخل وظیفه شان باشد ،تعطیل و مماطله کرده نمی توانند) ۰
(۵۳) ـ (همه محاکم ازهرگونه مداخلات ازاد هستند) ۰
(۵۵) ـ (هیچکس خارج محاکم عدلیه برای فیصله بعض فقرات مخصوصه یک محکمه فوق العاده تشکیل داده نمی توانند) ۰
(۷۲) ـ درحین تنظیم نظامات معاملات اهالی و مقتضیات زمان مخصوصا احکام شرعیه به نظردقت گرفته میشود) ۰

۰ ۰ ۰

---

(۱) بیان این جمله مقصد ازدولت افغانستان مستقل است که مرکز ان کابل و قهرمان استرداد ازادی کامل ان امان الله شاه است۰

چون سلطنت با استقلال امانیه ــ سلطنت شرعی و از طرف علماء شرعیه افغانستان بمقام پادشاهی افغانستان برگزیده شده بود و نظامات دولت را بفتوا و مشورت علماء ترتیب و تنظیم نموده بود علماء لویه جرگهٔ پغمان سال ۱۳۰۳ شمسی د روقت وداع قطعه نظمی بزبان عربی بحضور پادشاه غازی تقدیم کردند که د راین صحیفه عیناً درج میگردد :

الحمد الله العظیم الشان
ذی المجد والاحسان للانسان
یا خادم الشریعه یا حامینا
لحقیقته من قومك الافغان
وانت علینا رحمه من ربنا
لیست بقانون سوی الفرقان
فجزاك رب الخلق حسن جزائه
عنا وعن ثقلین ((الامان))

ه ه ه ه

کلیات و اصطلاحات فقهیــــــــــه

رسال دوم سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه غازی توسط مولــوی عبدالواسع قندهاری رساله یی بزبان عربی برای نصاب قضات محاکم مرافعه بنام وعنوان :

(کلیات واصطلاحات فقیه) تاءلیف شده وبتاریخ اول برج جـدی سال ۱۳۰۰ هجری شمسی ازطرف وزارت عدلیه به (۳٦) صفحـه درمطبعه حروفی ماشینخانه ٔ کابل طبع ورد رصفحه اول ان نوشتــه اســـت :

(سلسله تاءلیفات مکتب دارالقضاة الامانیه تجوزیزخادم العلماء محمد عبدالواسع قندهاری نگران مکتب موصوف) ٠

تصویب نشان ها
از طرف علماء افغانستان

در خصوص علامت ها و نشان های پرشان تاریخی افغانستان مطالبی موجود است که خلاصه آنرا می توان بیان کرد در دوره های قبل از اسلام در لیران خاک افغانستان اشکال الات حرب و صورت شیرواژدها را در نشانها و بیرق ها بکار می بردند .

علماء و قهرمانان نظامی افغانستان در عهد اسلام ـ بجای صور اشکال که در قدیم رواج داشت شکل محراب و منبر و تیغ جهاد و عبارات مقدسه دینی را مروج نمودند و بیرق های حاوی نشان ها و علامات مقدسه را ـ علم استقلال و نصرت مینامیدند . و در ارقام و نامه های جملات رایت ظفر ایت ـ رایات عالیات ـ علم ظفرتوام ـ اعلام ظفر ـ احشام مینوشتند . و در نشانها و بیرق ها و سکه ها همان عبارات و اشکال را می پسندیدند که علماء اسلام فتوا میدادند .

در شهر رجب المرجب سنه یکهزار و یک صد و شصت هجری قمری مطابق برج اسد سال ۱۱۲٦ (شمسی) در این وقتی که افغانستان مطابق لویه جرگه مزار شیرسرخ (قندهار) استقلال تاریخی خود را استرداد و دولت امپراتوری جدید تشکیل داد . در علم استقلال و نصرت افغانستان شکل محراب و منبر و ایات مقدسات قرانی مجدداً مروج گردید و خاتم دولت بصورت محراب نما منقوش ساخته شد . ـــ

در فوق نقش خاتم (بسم الله خیر الاسماء) و در حصه داخل خاتم (الملک لله) ـ و در اغاز سطر اول ارقام دولت اسلامی

(اعوذ بالله تعالی) بصورت طغرا ونشان ترمیم وتحریر می
یافت .

در سنه ۱۲۵۵ هجری قمری به اطراف خاتم دولت ایهٔ مبارکه افزوده شد . در سنه ۱۲۵۸ هجری قمری در مسکوکات دولت کلمهٔ طیبه مبارکه نقش گردید . در سنه ۱۲۷۲ هجری قمری در هرات مجدداً خاتم دولت بصورت محراب دار و با عین خصوصیات تصویب شهر رجب المرجب سنه ۱۱٦۰ قمری مروج گردید . وهمدران سنه در شهر کابل علامت محراب در خاتم دولت نقش گردید .

در سنه ۱۲۸۰ هجری قمری مسکوکات نقره یی دولت افغانستان کلمهٔ طیبه مبارکه نقش شد .

در سنه ۱۲۹۷ هجری قمری در اطراف خاتم دولت افغانستان سورهٔ اخلاص نقش گردید .

در شب پنجشنبه پنج ذیقعده الحرام سنه ۱۳۰۹ هجری قمری در نزد یک قریهٔ زرگر خمان (محل طاق ظفر حالیه) فرزندی بدنیا امد وامان الله نام گذاشته شد . وبروز چهل ولادتان فرزند بشارتمند ـ نشان محراب و منبر بصورت علیحده وجداگانه برای زیب صفحات عموم ارقام ومراسلات و کتب و مقالات رسمی افغانستان مروج گردید . در پایان شکل محراب ومنبر میل توپ بعلامت سیف ترسیم گردید . در سنه ۱۳۱۹ قمری همان نشان تائید وباطراف ان شعاع افتاب بمعنی نورعلم وعرفان افزوده شد .
در بالای نشان صورت کلاه بعلامت تاج و قدرت افغانی ترسیم گردید

وصورت کلاه افغانی را دربردارد .
درسنه ۱۳۲۲ قمری (۱۲۸۳ شمسی) در این وقتی که برای سردار امان الله خان لقب عین الدوله تصویب گردید — ان فرزند بیدار دل — نشان دفتر خصوصی خود را محراب و منبر تعیین نمود واین حسن نیت بشارت بخش استرداد استقلال افغانستان گردید . کلیشه عین الدوله در پایان نشان محراب و منبر تا شهر جمادی الاول سنه ۱۳۳۷ قمری (حمل ۱۲۹۸ شمسی) بطبع میرسید .
مصادف بایام نشر اولین اشتهار افغانستان مستقل هفته اول برج حوت سال ۱۲۹۷ شمسی درخصوص نشان های جدید دولت افغانستان مستقل بحث های علمی و تاریخی بعمل امد . وفتوای علما ودانشمندان بدان قرار گرفت که ان سرقهرمان دلیر تاج استقلال را ازیک خوشه گندم از دست ملت مسلمان افغانستان بپذیرد وهمان نشان دینی وملی ما را که محراب منبر است ، بحیث نشان پرشان این مملکت مسلمان تائیداً مروج بدارند .
واما درساختمان این نشان وسائر نشان هایی که بعد ازین بوجود می اید مطابق مشورت شورای علوم و تصویب محفل وضع قوانین عمل خواهند نمود .
واما چون خود از ساعت عصر جمعه (۲) برج حوت سال ۱۲۹۷ شمسی در اولین نطق خود درمیدان عسکری فرموده اند که : من این کلاه را مشروط بحصول استقلال از دست رفته برسرگذاشتن میخواهم . پس می باید که تاج استقلال را ازیک خوشه گندم که اصلاً نشان

رر قش این مدت باد یا نت است وازتاریخ (۲۱) شهررجب سنه ۱۱۶۰
قمری برتارك منادی بزرك استقلال جدید قبول شده است بطوردائم
برتارك خویش نصب داشته باشند .

مطابق باین مشورت و تصاویب علماء - در سال ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹
هجری شمسی نشان های جدید دولت افغانستان مستقل و بیطرف و
غیرمنسلك بوجود امد که اساس انهمه رامحراب و منبر ودسته ٔ گیاه
وخوشه ٔ گندم وشعاع افتاب و طلوع افتاب و شمشیر تشکیل داد ودر
بیرق های بزرك دولتی وملی ایات قران کریم چنانکه قبلاً ودرتمام
ادوارتمدن افغانی معمول ومروج بود تصویب گردید .

درلویه جرگه ٔ پغمان برج سرطان سال ۱۳۰۳ شمسی وکلا
ملت افغانستان حینی که سه تحفه بزرگ (نشان طلا - شمشیر
جواهرنشان لقب سیف الدوله) بحضورامان الله شاه تقدیم کردند
نپذیرفت وگفت .

(تاجی راکه شماملت ازیك خوشه ٔ گندم بماداده اید بدان افتخار
میکنیم)

درسال اغازانشااستدارالامان (۱۳۰۱ شمسی) نشان دیگر
نیزایجاد گردید که افتاب درحال طلوع وبالای ان (الله) محمد)
تحریرگردید . واین نشان جدید تابرج میزان سال ۱۳۰۸ شمسی
درجبهات صفحات نشرمیشد .

شورای دولت ازاغازسال ۱۲۹۸ شمسی بترتیب وتدوین نظامنامه های
نشان های افغانستان موظف گردید . ومتن ان درضمیمه جریده -

امان افغان در سال ۱۳۰۰ شمسی و نیز در ضمیمه ٔ اخبار آزادی ـ
شرق مورخ اول ذیقعده ٔ سنه ۱۳۴۰ قمری بمناسبت چهارمین
سال استرداد استقلال افغانستان به نشر رسید ودر جمع نشان ها
ملحوظات تاریخی اسلامی افغانی مد نظر گرفته شـــد .

در لویه جرگه برج سنبله سال ۱۳۰۷ شمسی خوشه ٔ گندم
باطراف نشان دولتی وملی افغانستان بار دیگر تائید وبتصویب رسیـــد
واما شعاع افتاب به اطراف نشان محراب و منبر بمفهوم علامت روشنــی
علم وعرفان تا سال ۱۳۱۰ شمسی مروج مانـــد .

در برج عقرب سال ۱۳۰۸ شمسی نشان محراب و منبر وخوشـــه ٔ
گندم مطابق تصویب برج سنبله سال ۱۳۰۷ شمسی مجدداً تصویب
و فقط سنه ۱۳۴۸ قمری در این باره علاوه شد .

بر علاوه انکه شورای علوم یعنی علماء حضور وهم شورای دولت و ـ
محفل وضع قوانین صورت نشانها وعبارات انرا ملاحظه می نمودند ـ
لویه جرگه ها نیز غور می کردند وبعد تصاویب علماء ووکلا در منصه نشر
واشاعت گذاشته میشد .

وتاریخ قضاد راین افتخارات بزرگ نیز اشتراك دارد در سال ۱۳۰۳
شمسی در این وقتی که دولت دارای استقلال کامل میخواست بـــرای
طیارات ابتیاعی افغانستان نشان تهیه کنـــد . مطابق پیشنهـــاد
شخص شخیص غازی امان الله شاه ـ علماء تصویب کردند که در زیر
بال هریك طیاره (الله اکبر) بخط جلی نوشته شود تا مـــردم
داخل و خارجیان مقیم کابل بدانند و بشناسند که این طیارات ـ
مملکت اسلامی افغانستان مستقل است . وتا وقتی که همان دستـــه

طیارات اولین یعنی خریداری های عهد درخشان امانی فعال بود

این نشان پرشان دینی و عسکری افغانی در زیربال طیارات یونکرس ـ

جلوه گرا نظارهم میهنان بود ـ این نشان در مکتب صنایع نفیسه

کابل تهیه شد .

اعلیحضرت امان الله شاه بعدازامضاء اخرین سند استرداد ـ

استقلال یعنی ازتاریخ (۲۸) برج اسد سال ۱۲۹۸ هجری شمسی

اراده فرمود که مهرسلطنتی خود را بحیث یك نشان دینی باین عبارت

حك ومروج نماینـــد :

درین مهر ـ طغرا ـ اسم پادشاه بعبارت (الغازی امیرامان الله

پادشاه افغانستان) ودراطراف مهر ـ ایه مبارکه (ان الله یا

مرکم ان تود والامانات الی اهلها واذا حکمتم بین الناس ان تحکمو

ابالعدل) .

شورای علماء ـ عین مفکوره « دیندارانه » اعلیحضرت پادشـــاه

غازی راتائید و تصویب نمودند واین مهرو نشان ذیشان ازتاریـــخ

اول برج حمل سال ۱۲۹۹ هجری شمسی دراسناد واحکام دولـت

مروج واین مهر جاگزین مهرهای سلطنتی دوره های مستقل قدیم

افغانستان گردیـــد .

ه ه ه

قاضی عسکر در عهد استرداد استقلال افغانستان

مولوی سیف الرحمن خان الکوزائی در اوائل عهد استرداد استقلال افغانستان بفرمان غازی امان الله شاه منصب قاضی عسکریافت وابن عالم متبحر که مراسم جلوس ان منادی نهضت و استقلال جدید افغانستان را بزبان پشتو به نظم اورده بود . بتاریخ (۳۱) برج حمل سال ۱۲۹۸ شمسی در جمله هیأت سفارت فوق العاده و ابلاغ افغانستان مستقل بدنیای خارج در تحت ریاست محمد ولی خان صندوق دار این ابوالفیض خان از کابل جانب تاشکند ومسکو عزیمت نمود . قاضی عسکر افغانی اولین شخص از علماء شرعیه افغانستان است که در برج میزان سال ۱۲۹۸ شمسی وارد مسکو شده وبهمراه لینین شامل بحث دوستانه شده است .

د د رتشکیلات ادارات قضائی افغانستان ــ باستثناء قاضی عسکری شخص دیگربعنوان خطیب عسکری نیز شرف شمولیت میداشت . در قباله شرعی مورخ یوم یکشنبه (۱۲) برج سرطان سنه ۱۳۰۰ یک هزاروسه صد و شمسی مطابق (۲٦) شهرشوال المعوکرم سنه ۱۳۳۹ قمری اینطورنوشته شده است :

(اقرار معتبرصحیح شرعی نمود عالیجاه سیادت پناه میرمحمد علیخان خطیب عسکری ولد عالیجاه سیادت پناه میرعلی جان ــ خطیب ولد مرحمت پناه میرمحبوب صاحب ساکن گذر بارانه ـ وکاله درحینیکه وکیل مطلق عامه ثابت الوکالت است ازجانب مهرجوانب اعلیحضرت کیوان رفعت سلطان المسلمین امیرروشنضمیر امیرصاحب والا مناقب امیرامان الله خان غازی پادشاه خود مختار دولت اسلامیه افغانستان ــ خلف الصدق جنت مکان خلد اشیان اعلی حضرت سراج الملته والدین امیرسعید شهید امیرحبیب الله خان خلف الصدق غفران پناه علیین ارامگاه ضیاء الملته والدین مرحوم غازی نورالله مرقد همابشهادت هریک . . . .)

. . . .

القاب قضات درعهد امانیه

القاب قضات طوریکه در وثائق قدیمه افغانستان مندرج این کتاب دیده میشود ه دارای عبارات و کلمات زیاد بود — چون القاب در اسناد واحکام یومی بطوالت می انجامید اعلیحضرت امان الله شاه بقرار تصویب شورای علماء ومحفل وضع قوانین لایحه یی دارای (۳۱) مواد ترتیب فرمود تاانکه درابتدای سال ۱۳۰۰ هجری شمسی از مطبعهٔ حروفی ماشینخانهٔ کابل طبع ونشرشد که یک جلد ازان بـــه امضاء میرزا محمد ایوب وکیل سرمنشی حضور که برای مرحوم نظام الدین خان ناظرنقلیات فرستاده است درنزد نویسندهٔ این کتاب موجــــود است . درمادهٔ اول نوشته اســـت :

(عبارات القاب عموم وزرا مامورین ملکی و صاحبمنصبان نظامی وارباب رتب ملکی افغانستان درجمیع مکاتیب به تخفیف نوشته میشود — یعنی فقط به تحریرحرف اول لقب اکتفا ورزیده میشود) .

درمادهٔ (۱۲) نوشت :

(برای قاضی القضات — جناب فضیلت ماب نوشته میشود که دربرابر ان : ج — ف — کافی است . القاب عموم قضات افغانستـــان فضیلت ماب است که فقط درمقابل ان تنها حرف ((ف)) کفایت اســـت) .

یعنی بعد ازنشر لائحه مذکور القاب قضات افغانستان تخفیـــف یافت . چنانکه برطبق حکم این لائحه القاب عموم مامورین ملکـــی و نظامی ازشخص صدراعظم ووزراء تا مدیرتولیمشر و کاتب تخفیـف

يـــــافت .

وازمتن این لائحه نیز دریافته شد که با وصف تشکیل وزارت عدلیـه
ووزیرعدلیه قاضی القضات نیزوجود داشت . چنانکه درامروزوزارت
شئوون اسلامی واوقاف وستره محکمه موجود اند . تخفیف القاب
بعدازخاتمه دوره امانیه نیزدرلوینه جرگه هاتائید گردید .

مشاهیر قضات افغانستان

در عهد دولت امان الله شاه

قضات افغانستان مصادف بدورهٔ استرداد استقلال افغانستان تعداد زیاد اند.

ازعده یی که در کتاب لویه جرگه سال ۱۳۰۹ شمسی یاد شده در این فهرست می آرم:

قاضی عبدالقیوم خان ولد محمود اخندزاده ــ ازشهرقندهار.

قاضی عبدالاحد خان ــ اناردره.

قاضی الیاس هراتی ــ اناردره.

قاضی غلام نبی ولد حاجی محمد زمان ــ محلهٔ بردرانی شهرهرات.

قاضی محمد حیدر ــ شهرهرات (درعهد سراجیه).

قاضی گلاب شاه ولد حضرت شاه ــ قریهٔ پشیلاق سمت مشرقی.

ترفیع و تقرر قضاة

بتاریخ سه شنبه (۸) برج اسد سال ۱۳۰۲ شمسی (۱۶ ذیحجه الحرام ۱۳٤۱ هجری قمری) ترفیعات ومقرری های اتی قضاه محاکم شرعیه بعمل امد :

(۱) ـ ملا محمد اسحق خان قاضی محکمه ٔ تاشقرغان بقضای محکمه ٔ ابتدائیه مرکز مزارشریف ٠

(۲) ملا محمد دین خان قاضی محکمه ٔ بهسود بقضای محکمه ٔ تاشقرغان ٠

(۳) ـ ملاعبدالله خان ـ فارغ التحصیل مکتب قضاة کابل بقضای محکمه بهسود ٠

(٤) ـ ملاعبدالقیوم فارغ التحصیل مکتب قضاة کابل ـ بقضای محکمه ابتدائیه مرکز دایزنگی٠

(۵) ملا نورالحق خان فارغ التحصیل مکتب قضاة کابل بقضای محکمه مرکز ارزگان ٠

(٦) ـ ملاعبدالغفور قاضی محکمه ٔ جرم ٠ بقضای محکمه ٔ تالقان٠

(ملاعبداللطیف قاضی سابق تالقان در اثر خلاف رفتاری تحت محاکمه گرفته شد)٠

(۷) ـ ملاعبدالکریم مفتی محکمه ٔ مرافعه ٔ سمت جنوبی ـ بقضای محکمه ٔ ارگون ٠ (۸)ـ ملا محمد سلام مفتی محکمه ٔ فراه مفتی محکمه مرافعه سمت جنوبی ٠ ازفارغ تحصیلان (دارالقضاة الامانیه) ازدوره اول سه نفرد راین فهرست دیده میشود ٠

هیاءت معلمین مکتب دارالقضاة الامانیه

ازتاءسیس دارالقضاة الامانیه درشهرآرا ء - کابل شرحی ازنظر گذشت دراین دارالقضاه مکتبی دائر وتحت اداره ء دارالقضاة طلاب افغانی راعلوم عربی تدریس می نمود • وچون علم قضا رامطابق باصول مذهب منیف حنفی (امام الاعظم ابی حنیفه کوفی رحمته الله تعالی علیه) تعلیم و تدریس می نمود مکتب دارالقضاة الامانیه می شناختند ومتصدی بزرگ امورعلمی راول دارالامان معارف وبعد نظارت معارف واخیراء وزارت معارف بود •

هیاءت تعلیمیه ازعلماء راسخ الاعتقاد وصحیح النسب افغانستان تعیین وانتخاب شده بودند •

ازجمله ء این معلمین یک تن مولوی عبدالخالق قوم موسی خیل کاکری قندهاری است • که دراین صحیفه مختصراء معرفی میشود :

عبدالخالق بن مولوی عبدالواسع بن مولوی عبدالروءف بن مولوی عبدالرحیم بن مولوی حبیب الله ((حبواخوند زاده)) قندهاری است که بنام مولوی عبدالخالق واسعی شهرت داشت موصوف بتاریخ (۲۰) شهررمضان المبارک سنه ۱۳۱۹ هجری قمری (۱ جدی ۱۲۸۱ شمسی اول جنوری ۱۹۰۳ میلادی (درکوچه بامی زائی شهرقندهار بدنیاامد - علوم متداوله ءمروجه راازپدر خود مولوی عبدالواسع اموخت و بسررسانید • ودرسال ۱۳۰۰ هجری شمسی مطابق ۱۳٤۰ هجری قمری درکابل معلم مکتب قضاة مقرر گردیدوهم

عضویت افتخاری پشتومرکه را داشت ((وهمین سال است که پد رش تاءلیف تمسك القضاة الامانیه را باشتراك مساعی علمی شورای علوم باتمام رسانید)) ـ د رسال ۱۳۰۲ شمسی د راین وقتی که د ر قند ها را نجمن ادبی ((انجمن پشتو)) تاءسیس گردید عضویت انرا نیزداشت . د رسال ۱۳۱۸ شمسی د رکابل عضو هیاءت تحریر جریده ٔ ملی انیس ود رسال ۱۳۲۰ شمسی مد یردارالترجمه شعبه پشتومربوط مدیریت اژانس باخترمقررشد ـ ود رسال ۱۳۲۲ شمسی بحیث عضوپشتو تولنه ازکابل به قند ها رعزیمت نمود ود رعین حال بحیث معاون مطبوعات قند ها ر و گاهی د رغیاب مدیربحیث کفیل مد یراجراء وظائف می نمود . د ربرج جدی سال ۱۳۳۰ شمسی نگارنده ٔ مسئوول ومد یرمجله ٔ ((وروزغ)) انتخاب شد . از سال ۱۳۳۵ شمسی عضوپشتوتولنه و بحیث مد یرلغات د را تجا ـ مصروف ود وسال بعد سناتور وعضومشرانوجرگه منتخب وتاسال ۱۳۵۱ شمسی ادامه داد . چون عالم علوم عربی وهم برلسان پشتوود ری مسلط بود دوازده اثرازتاءلیف و ترجمه مرتب کرد .

ازجمله چهارنفری که د ردوره ٔ اول انجمن ادبی کابل د رقسمت زبان پشتوخد مت کرده اند ـ یکی همین شخص عالم و ـ شاعر زبان پشتواست . مولوی واسعی ـ ازشهرت و موقعیت علمی پد روجد وخصوصاء اینکه د رروزگا ر د رخشان عهد پرافتخار اعتلای امانیه معلم مکتب قضات الامانیه بود . استفاده های شایان ادبی و ـ معنوی نموده است . مولوی عبدالخالق واسعی به اعلیحضرت امان الله شاه غازی و عبدالعزیزخان وزیرداخله ((رئیس

هیاءت تنظیمیه قندهار)) نظر با لطاف واشفاقی که در حق پدر

خود از حضور را نهاد یده بود قلباء مراتب عزت و حرمت بجا می داشت

وبرعکس از ظلم ووحشت دزدان سقوی که پدر رشواد رین جوزای

سال ۱۳۰۸ شمسی اعدام کرده بودند نهایت درجه خاطرهٔ

غم انگیز داشت.

معلمین دارالقضات الامانیه

اعلیحضرت امان الله شاه در سال ۱۲۹۸ شمسی در وقت تشکیل وتاسیس دارالامان معارف مدرسه بزرگی بنام دارالقضات الامانیه تاسیس فرمود وتحت اثر دارالامان معارف یعنی بزرگترین مرکز علمی وقت اداره میشد . برای تدریس طلاب دارالقضات الامانیه چند تن عالم بزرگ افغانستان را که اززمان ظهور وتاسیس بیت العلوم مبارکه حبیبیه سوابق علمی در علوم شرعی داشتند . برای معلمی مدرسه دارالقضات برگزید .

ازجمله معلمین موصوف یکی مولوی قیام الدین بود که در عهد امیر حبیب الله خان از اعضاء هیاءت تالیف ((سراج الاحکام)) و ممتحنین میزان التحقیقات ودر عهد غازی امان الله شاه قاضی محکمه ابتدائیه کابل و معلم دارالقضات الامانیه بود .

ملا قیام الدین بعد از ختم دوره سلطنت امان الله شاه به تدریس می پرداخت وازفیض اعتبار معلمی دارالقضات الامانیه شهرت زیاد داشت و بتاریخ شهرشوال المکرم سنه ۱۳۵۲ هجری قمری ـ برج جدی سال ۱۳۱۲ شمسی در کابل داعی حق را لبیک اجابت گفت . روحش شاد باد .

ازدارالقضات الامانیه که بعداً تحت اثر نظارت معارف قرار گرفت شاگردان زیاد در علوم شرعیه و قضائیه بجامعه افغانستان تقدیم نمود . تاریخ تالیف و طبع کتاب تمسک القضات الامانیه در کابل سنه ۱۳۰۰ هجری شمسی مطابق ۱۳٤٠ هق است

محصلین مکتب قضــــاة

د راوائل برج سرطان سال ۱۳۰۲ شمسی مطابق عشره ٔ اول ذیقعد الحرام سنه ۱۳٤۱ هجری قمری بعد ازامتحان ازطلاب مکتب قضاة کابل چند نفرکامیاب شدند وبه قضا و افتای محاکم شرعیه مقـــرر گردیدند ۰ این مکتب دارالقضاة الامانیه) که توسط علماء جید کشور تعلیم وتدریس میگردید شاگردان ممتازی بوجود اورد ۰

ترفیع وتبدیل قضـــات

د ربرج اسد سال ۱۳۰۲ هجری شمسی د روزارت عدلیه ترفیعات و تبدیلاتی بعمل امد :

۱ ــ ملا میرعطامحمد خان هراتی عضو دوم محکمه ٔ عالی تمییز بــه عضویت اول محکمه ٔ تمییز ۰

۲ ــ ملاعبدالودود خان قاضی محکمه ٔ مرافعه ٔ ترکستان ــ عضو دوم محکمه ٔ عالی تمییز ۰

۳ــ ملا هدایت الله خان قاضی محکمه ٔ ابتدائیه مرکز ترکستـــان (بلخ) قاضی محکمه ٔ مــرافعه ترکستان (ولایات شمال افغا ــ نستان) ۰

٤ ــ ملااحمد خان رئیس محکمه ٔ اصلاحیه غزنی ــ قاضی محکمــه ٔ مرافعه ٔ کابل ۰

٥ ــ ملاعبدالحکیم خان قاضی سابق حکومتی میمنه ــ قاضی محکمه ٔ

کامدیش نورستان

۶ ـ ملا محمد عارف مفتی محکمه ٔ ابتدائیه مرکزی سمت مشرقـــی قاضی محکمه ٔ د کــه .

۷ـ ملا عبدالرحمن مفتی محکمه ابتدائیه مرکزی میمنه مفتـــی محکمه مرافعه میمنه .

۸ ـ ملا عبدالحی خان قاضی محکمه ٔ دره ٔ پیچ نورستان قاضـــی محکمه ٔ حصارک غلزائی .

۹ ـ ملا عبدالغفار خان مفتی محکمه میدان ـ قاضی دره ٔ پیــچ نورستان .

(دراین وقت عبدالحمید خان وکیل وزارت عدلیه بـــود)

کتابخانهٔ دارالقضاء
درعهد غازی امان الله شاه

دارالقضا ومدرسهٔ شاهی وبیت العلوم حبیبیه ازکتابخانه شاهی که بعنوان کتابخانه مبارکه وکتابخانهٔ نائب السلطنه استفاده واستفاضه می نمودند وهم ازخود کتابخانه هایی داشتند کتاب داوکتابخانه شاهی محمد زمان خان طرزی بود که درسنه ۱۳۲۲ قمری — (۱۲۸۳ شمسی) خازن الکتب لقب یافته بود . درعهد سلطنت اعلی حضرت امان الله شاه کتابخانهٔ ملی یعنی کتابخانهٔ عام تاسیس گردید وهم فرمان صادرشد که دارالامان معارف ودارالعلوم عربی دارالقضاء الامانیه ومحفل وضع قوانین ومرکه دپشتوکتابخانه های اختصاصی ازخود داشته باشند وهم ازکتابخانه ملی استفاده نمایند . برای محمد زمان خان خازن الکتب(امرکتابخانهٔ ملی وعضو مرکه دپشتو) اجازه داده شده که سررشته جمیع کتب را نموده — مطابق به ضرورت هراداره ومدرسه ومقام علمی تهیه نموده بدسترس معلمین واعضای ادارات علمی بگذارند .

هیات تالیف کتب دینیه (محفل شورای علوم دارالعلوم عربی) ازتمام کتابخانه ها استفاده میکردند ووسیلهٔ تمام این مراجعات محمد زمان خان (برادرارند محمود طرزی) بود . خازن الکتب ان خدمتگار مقامات علمی بتاریخ سه شنبه (۱۰) برج سرطان سال ۱۳۰۹ شمسی (٤) صفر ۱۳٤۹ قمری (۳) جولای ۱۹۳۰ میلادی درکابل وفات یافت . وتاریخ قضا وظیفه خود میداند که ازان — شخص امین ومعتمد دولت واهل علوم یاد کند .

ابــــلاغ

نام اخباری است که در کابل ازتاریخ دوشنبه اول حمل سال ۱۳۰۰ شمسی مطابق (۱۰) رجب سنه ۱۳۳۹ هجری قمری مطابق (۲۱) مارچ ۱۹۲۱ میلادی به نشراغازکرده وعین وظیفهٔ جریدهٔ رسمی امروزراداشت .

ونوشته اســـــت :

(واجب والزم هرفرد اکمل ان است که ازکوائف موجوده وحالات مشنوعه ملت ودولت خویش مستحضر واگاه باشند ـ ازان است که جریده ابلاغ این عهدهٔ جلیله رامتکفل شده .... که عبارت ازبیانات قوانین نامه ها ونظامات مفیده که ازطرف دولت وضع گردیده وحوادث لازمه این خطه دل نشین هدیهٔ قارئین ذی یقین میدارد)

مقصد ازنشراخبار ابلاغ بصورت رایگان ونصب بدیوارها این بودکه اهالی ازموضوعات نظامنامه ها بیخبرو بعضا فکرمی کردند که نظامنامه ها بزبانهای پشتوودری عبارات خود ساخته محفل وضع قوانین اســـت ودراین اخبارتصریح میگردید که نظامنامه ها ترجمه کتابهای فقه اسلامی است وبتصدیق علماء شرعیه تصویب وتنفیذ می یابد واشخاص ازطرف ادارات موظف می بودند که متن اخبارابلاغ راقرائت کرده بـــه عامهٔ مردم بدانانند وبگویند که : نظامنامه ها توسط علما ازکتابهای فقه اسلامی مطابق مذهب منیف حنفی ترتیب وتنظیم میگردد . واین خدمتی بود که درعهدامانیه درعالم قضا ودرخدمت قضا بعمل مـــی امد . ابلاغ ساشتهاردینی ـ عدلی ـ قانونی ـ انقلابی ـ وحاکمیت مطلقه افغانستان مستقل درعهدامانی بـــــود .

تشکیل وزارت عدلیه
در سال ۱۳۰۰ شمسی

اعلیحضرت امان الله ازاول برج حمل سال ۱۳۰۰ شمسی نظارت عدلیه رابنام وعنوان وزارت عدلیه و تشکیل جدید انرا بدینقرار منظورنمود :

(۱) مدیریت امورحقوقیه .

(۲) مدیریت اجرائیه .

(۳) مدیریت امورتجاریه .

(٤) مدیریت مامورین .

(٥) مدیریت مکتوب نویسی .

(٦) مدیریت فروعات و صکوکات .

(۷) دفترمحاسبه ودفترداری .

ه ه ه

وزیرعدلیه محمد ابراهیم خان (ولد بابا محمد سرورخان بارکزائی) همین شخص بود که بتاریخ (۲۲) جوزا سال ۱۲۹۹ شمسی ازکابل بطرف بلخ برای وارسی امورصفحات شمال افغانستان بحیث رئیس هیات تنظیمیه عزیمت کرده ودرهفته اول برج دلو سال مذکور به کابل بازگشته بود ودرغیاب ومیرزامان الدین خان بدخشی مستشار وزارت عدلیه قائم مقام ناظر عدلیه درکابل بود . یعنی محمد ابراهیم خان مذکورتابرج حوت سال ۱۲۹۹ شمسی ناظر عدلیه عنوان داشت ودرتشکیل جدید ازاول برج حمل سال ۱۳۰۰ شمسی وزیر عدلیه

شناخته شد . کتاب تمسک القضاة الامانیه درهمین عهد نظارت اوتوسط هیات علما حضور تالیف وجزء دوم آن طبع و نشر شد که اکنون موجود است .

" " " " " " " " " " " " " " " " " " "

وزارت جلیله عدلیه

درسال ۱۲۹۸ هجری شمسی درکابل نظارت عدلیه تشکیل شد واز اول برج حمل سال ۱۳۰۰ شمسی بنام وزارت جلیله عدلیه منظور گردید . (ناظر و بعد وزیرعدلیه محمد ابراهیم خان ابن بابا محمد سرورخان بارکزائی بود . ودروقتی که ازبحیث رئیس هیات تنظیمیه عازم ولایت بلخ شد محمود خان بارکزائی یاورملکی حضوربحیث وکیل وزارت عدلیه ایفای خدمت می نمود . بعد ازانکه محمد ابراهیم خان مذکوردرسال ۱۳۰۳ شمسی نائب الحکومه هرات مقرر گردید . سردارحیات الله خان ((عضد الدوله سابق نائب الحکومه قطغن)) وزیرعدلیه مقررشد وتابرج جدی سال ۱۳۰۷ شمسی ادامه داد) .

تشکیلات وزارت عدلیه ـ درنظامنامه تشکیلات اساسیه افغانستان درعهد سلطنت غازی امان الله شاه بدینقراربیان شده است درافغانستان وظیفه اداره حکومت مفوض است به هیئت وزراوادارهٔ مستقله وزارت بروجه ذیل میباشند :

اول . وزارت حربیه .

دوم . وزارت خارجیه .

سوم ـ وزارت داخلیه .

چهارم . وزارت عدلیه .

پنجم . وزارت مالیه .

ششم . وزارت معارف .

هفتم . وزارت تجارت .

هشتم . ریاست شورای دولت .

چون وزارت عدلیه در تشکیلات اساسیه بقرار فوق بیان شد وظائف اوراکه در نظامنامه تصریح گردیده عیناً نقل ودرج این کتاب می نمایم :

وزارت عدلیه

در افغانستان برای تنظیم گردانیدن امورعدلیه وقوه انطباطیه وزارت عدلیه ماموراست .

وظائف وزیرعدلیه قرار ذیل است :

اول : نگهداشت ومحافظه وظائف مامورین محاکم عدلیه وقوه انطباطیه افغانستان تا هیچکس بکارهای موظفه شان جبراً اجرا ومداخلت کرده نتوانند .

دوم : نگرانی ایفای وظائف قضاه وعموم مامورین محاکم عدلیه وانطباطیه .

سوم : راه نیافتن خصائل قبیحه در وظائف مامورین عدلیه .

چهارم : نظارت کردن براینکه کسی که ازطرف دولت اجازه قضارا نداشته باشد باید وظیفه قضارا اجرا ننماید .

پنجم : نگرانی کردن برا ینکه هیچ دعوی د رمحکمه ها بحال تعو یق نمانـــد .

ششم : نظارت نمودن برا ینکه در هیچ یکی ازمحکمه های عدلیه لحاظ شخصیت وقومیت وجنسیت ودین ومذهب کرده نشود ودرحقـــوق بالمساوات تفیصله ٔ احکام شرعی وسیاسی و تجارتی اجراء گـردد .

هفتم : نظارت کردن به تنسیق و تنظیم غند های کوتوالی وافـراد پولیس ایالات وحسن ایفای معاملات داخلیه ٔ شان در دائره نظامات دولـــت .

در وزارت عدلیه هیئت عالیه تمییز یه وریاست کوتوالی مدیریت مامورین — سرکاتبیت محاسبه ٬ سرکاتبیت تحریرات ٬ سرکاتبیت اوراق موجود اســـت .

رئیس هیئت عالیه تمییزیه ورئیس کوتوالی و قوماندان های غند وکند ك ــ های کوتوالی وقاضی های محکمه های مرافعه براه رارســـت ازحضورقرین الشرف پادشاهی تعیین میشوند .

مدیرمامورین وزارت عدلیه وقاضی های محاکم ابتدائیه بالا نتخاب (انجمن انتخاب مامورین عدلیه) بمنظوری حضورملوکانـــه منصوب میشوند ودیگرمامورین مرکز وزارت ومفتی های محکمه های مرافعه وتولیمشر های کوتوالی وپولیس مامورین بلدیه ازطرف (انجمن انتخاب مامورین عدلیه) انتخاب و بمنظوری وزیرعدلیه تعیین میگردنـــد

مفتی های محکمه های اصلاحیه نائب الحکومه گیها وحکومتی ا های اعلی و حکومتی های کلان ودیگر حکومتی ها وحورد ضابطان ــ پولیس کوتوالی ازطرف مجلس مشوره که در تحت ریاست نائـــــب

الحکومه ها وحاکم های اعلی وکلان میباشد انتخاب میگردد فقط ورق های انتخابیه برای منظوری وزیرعدلیه به وزارت عدلیه فرستاده میشود .

انجمن انتخاب مامورین عدلیه در تحت ریاست وزیر عدلیه انعقاد می یابد . رئیس هئیت عالیه تمییزیه ورئیس کوتوالی ومدیرمامورین وسرکاتب تحریرات اعضای انجمن انتخاب مامورین عدلیه) می باشند .

ه ه ه

این بود عیناً نقل مواد نظامنامه ٔ تشکیلات اساسیه افغانستان وطوریکه در صفحات این کتاب پرداخته ایم — ملاعبدالشکور خان بارکزائی در اوائل عهد سلطنت غازی امان الله شاه قاضی القضات افغانستان مقرر ومصادف بهمین دوره نظارت عدلیه تشکیل گردید وبعداً ازان سال ۱۳۰۰ شمسی وزارت جلیله عدلیه موسوم شد — وطوریکه در تشکیل وزارت عدلیه مشروح گردید ازان تاریخ محاکم ثلاثه شرعیه در تمام ولایات افغانستان تحت اثر وزارت عدلیه تعیین وقضات مقرر گردیدند .

ملاعبدالرحمن خان قاضی مرافعه ٔ کابل تا برج سنبله سال ۱۳۰۷ شمسی بود .

محفل تمییز عدلیــــــــــــــه

درعهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه ــ در تشکیل وزارت عدلیه اداره عالیه بنام محفل تمییز عدلیه متشکل گردید . ودرین سال اول دوره امانی این اشخاص اعضاء محفل مذکوررا تشکیل مــــی دادنــــــد :

عطا محمد خان عضو اول محفل تمییز عدلیــــه .

میرزا محمد عمر خان سرکاتب محاسبه تمییز عدلیه .

میرزا نظرمحمد خان سرکاتب محکمه تمییزعدلیه .

میرزا امیراحمد خان سرکاتب مکتوب تمییز عدلیه .

میرزا عبدالغفور خان سرکاتب مامورین تمییزعدلیه .

میرزا احمد علی خان سرکاتب پ ساپ ورت تمییزعدلیه .

میرزاعبدالخالق خان سرکاتب اوراق تمییزعدلیه .

محاکم اصلاحیه

در تشکیلات اساسیه افغانستان در عهد سلطنت اعلیحضرت امان الله خان محاکم اصلاحیه تاسیس گردید که اینجا هم از نظام نامه تشکیلات اساسی نقل ودر تاریخ قضا مینمایم :

(د مرکز سلطنت ود مرکز های ولایات وحکومتی های اعلی و حکومتی های کلان ودیگر حکومتی ها یک یک محکمه اصلاحیه تشکیل گردیده روساء واعضای این محکمه ها از اشخاصیکه حرمت واعتماد عامه را دارا هستند ۱/۵ انتخاب میشوند رئیس محکمه اصلاحیه ایالت کابل وولایات وحکومتی های اعلی وحکومتی های کلان از طرف والی کابل ونائب الحکومه ها وحاکم های اعلی وحاکم های کلان انتخاب گردیده وبعد التدقیق وزیر عدلیه بحضور حضور اعلیحضرت پادشاهی مقرر می شوند .

د محکمه اصلاحیه ایالت کابل یک رئیس وچهار نفر اعضا ویک نفر اعضاوی یک نفر سرکاتب عامل میباشند ، بدیگر ولایات یک یک رئیس ود دونفر اعضا ویک یک سرکاتب اعضای محکمه هستند محکمه ها اصلاحیه کافه اختلافات حقوقیه وتجاریه راکه د رحضور شان می آیند برضای طرفین فیصله مینمایند وبعد از صلاحیه ، محاکم اصلاحیه بدیگر محکمه ها دعوا های شان شنیده نمیشود .

مراجعت دعاوی حقوقیه وتجاریه اولاً به محکمه اصلاحیه حتمی است . محاکم اصلاحیه دعوا های دعوی دارانی راکه بایشان روزمره مراجعت می کنند شنیده ود رمیان ایشان به مصالحه میپردازند اگر بمصالحه فیصله ممکن نباشد محکمه های اصلاحیه دعاوی دعوا داران

رابه محاکم ابتدائیه میرسانند) ۰

محکمه های مرافعه

در نظامنامه ٔ تشکیلات اساسیه افغانستان در عهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه در فصل سوم نوشته است :

محکمه های مرافعه در مرکز ایالت کابل و ولایات و حکومتی های اعلی و حکومتی های کلان موجود اند و این محکمه ها دعوا های حقوقیه و تجاریه و جزائیه را مطابق قواعد اتیه فیصله میدهند ۰

محکمه های مرافعه فیصله هایی را که مواد برای دعاوی جزائیه از محکمه های ابتدائیه مطابق ماده ٔ (۲۱٤) وارد گردیده باشند ویا محکوم علیه ویا یکی از طرفین با ان فیصله ها راضی نباشند دوباره ملاحظه و تحقیق می نمایند در صورت تصدیق بهمه حال در معرض اجرا گذاشته میشوند ۰

فیصله های محکمه های ابتدائیه که به محکمه های مرافعه ملاحظه میشوند اگر در محکمه های مرافعه برخلاف فیصله ها ی محاکمه های ابتدائیه حکم کنند و طرفین با ان راضی نباشند در موقع اجرا گذاشته میشود و هرگاه یکی از طرفین با ان اعتراض داشته باشند الی (۱۰) روز به محکمه مرافعه یا قوماندانی کوتوالی ویا بحکومتی عرض استدعای تمیز را نمایند ۰ بحضور هیئت عالیه تمیزیه دعوای شان تمیز میشود، والا تا موعد مذکور خواهش تمیز نکنند حکم محکمه ٔ مرافعه دربارهٔ محکوم علیه اجرا میگردد بعد از اجرای حکم تا اکمال موعد

تمییزحق تمییز را دارد تنها اگر حکم متعلق بجزای حبس دوام ویا اعدام باشد با وجودیکه محکوم علیه اعتراض نکند بهمه حال دریش روی هئیت عالیه تمییزیه حکم باید تدقیق گردد واگر بعد از تدقیق از طرف هئیت عالیه تمییزیه موافق بشریعت و نظام دیده شود از طرف وزیر عدلیه برای منظوری بحضور مبارک شاهانه عرض میشود .

در محاکم مرافعه یک یک قاضی و دو دو نفر مفتی و کاتب موجود می باشند) .

هئیت عالیه ٔ تمیزیه

د رتشکیلات اساسیه افغانستان د رعهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه د (فصل چهارم تحت عنوان هئیت عالیه تمیزیه) مطالبی د ر شش مواد نوشته است که اینك ازروی نظامنامه تشکیلات نقل وعبارات ان عیناً درج میشود :

هئیت عالیه تمیزیه به تحت ریاست رئیس هئیت مذکور منعقد میشود .
هئیت عالیه تمیزیه ازیك نفر رئیس وچهار نفراعضا مرکب است . فیصله های دعاوی حقوقیه وتجاریه وجزائیه که ازمحکمه های مرافعه وارد گردد هئیت عالیه تمیزیه اجتماع نموده تمیز می نمایند .

فیصله هایی که ازهئیت عالیه تمیزیه صادر گردند به استثنای حکم اعدام وحبس دوام که وزیر عدلیه بمنظوری حضور همایونی تقدیم میدهد دیگر همه فیصله ها بموجب حکم هئیت تمیزیه د رمعرض اجرا گذاشته میشوند .

هریك ازمحکمه های اصلاحیه ومحکمه های ابتدائیه ومرافعه و هئیت عالیه ٔ تمیزیه)وظیفه های شانرامطابق نظامنامه های مخصوص خود اجرامیدارند .

محکمه های شرعیه د رامورجزائیه موافق به نظامنامه ٔ جزای عمومی که برطبق احکام منیفه شرع شریف تنظیم گردیده جزا مقرر می نمائند ود رامورحقوقیه وجزائیه موافق به مجله شریفه (تمسك القضاة الا مانیه) که احکام ان خلاصه احکام منیفه شرعیه است اجرای فیصله میکنند .)

محکمهٔ ابتدائیه مامورین

محکمهٔ مرافعهٔ مامورین

در عهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه ـ شورای دولت تشکیل گردید . ودر تشکیل ریاست شورای دولت دو محکمه بنام های: محکمه ابتدائیه مامورین ـ محکمهٔ مرافعه مامورین ـ تاسیس شد . وبرای توضیح این قسمت اینک عین مواد نظامنامهٔ تشکیلات اساسیه افغانستان را که تحت عنوان (شورای دولت) پرداخته است نقل در کتاب تاریخ قضا می نمایم :

(شورای دولت مرکز مذاکره مصلحت های عمومیه ملکیه است. وظائف شورای دولت بدونوع منقسم است :

اول : تنظیمات ملکیه که مراد از تفسیر وتنظیم هرگونه لوائح نظامیه وعلاوه کردن وتعدیل نمودن قواعد ان است.

دوم : محاکمات مامورین ملکیه .

شورای دولت در تحت ریاست یک رئیس عمومی اداره میشود . رئیس مذکور داخل هئیت وزرا است. سه نفر معاون اول ـ ثانی ـ ثالث وچند نفر اعضاء ویک نفر منشی و یکنفر سرکاتب بقدر لزوم کاتب بشورای دولت موجود اند .

اعضای شورای دولت بنام اعضای طبیعیه واعضای منتخبه بر دو قسم منقسم میباشد . اعضای منتخبه ان عبارت است از نمایندگان اهالی که از هر ولایت وهر حکومتی اعلی از طرف خود رعایا انتخاب گردیده به شورای دولت فرستاده باشند علاوه بر مامورینی که در حین تعطیل

وسبکدوشی خدمت شان مطابق ماده (۴۷) نظامنامه اساسی د رجمله اعضای طبیعیه شورای دولت شامل میشوند د یگرنفری اعضای طبیعیه شورای دولت بقدر لزوم از حضور ملوکانه تعیین میگردند .

رئیس و معاونان شورای دولت از طرف اعضای طبیعیه واعضای منتخبه شورای دولت انتخاب وبه منظوری حضورملوکانه منصوب می شوند منشی شورای دولتبانتخاب رئیس اول ومنظوری حضورشاهانه منصوب میشود . سرکاتب وکاتب های شورای دولتبانتخاب معاونان شورا بمنظوری رئیس مقرر میشوند .

دونفراعضای شورای دولت بزیرریاست معاون سوم محکمه ابتدائیه مامورین راتشکیل میکند ــ محکمه مذکوربمحاکم هرگونه جرائم مامورین که براه راست از حضورملوکانه منصوب گردیده باشند ماموراست ونیز محاکمه مامورین دوائرمرکزیه وزارت که مرتکب جرمی ازنوع جنحه وجنایات گردیده باشند به محکمه مذکوراتصال می یابد .

چهارنفراعضای شورای دولت د رتحت ریاست معاون دوم اجتماع نموده محکمه مرافعه مامورین راتشکیل میدهند . مرافعه فیصله ها ئیکه ازمحکمه ابتدائیه مامورین وازمجالس مشوره ولایات وحکومتی های اعلی وکلان صادرشده باشند وظیفه محکمه مذکوراست .

رئیس عمومی ومعاون اول شورای دولت به معیت پنج نفراعضای شوراکه د رمحکمه ابتدائیه و محکمه مرافعه مامورین شمولیت نداشته باشند هئیت تمییزیه محاکمه مامورین راتشکیل میکنند ز وظیفه

ریاست هئیت مذکور را رئیس عمومی شورای دولت ایفا می نماید . هئیت مذکور فیصله هائی را که قاعده ازمحکمه مرافعه مامورین صادر میگردد تمییز میکند . دیگر اعضای طبیعیه و منتخبه شورای دولت بصورت دائمی درتحت ریاست رئیس عمومی ومعاون اول بتفسیر و انتظام لائحه های نظامیه ودیگر وظائف شورای دولت موظف هستند .

دراوقاتیکه محاکمه مامورین نباشد همه هئیت شورای دولت — متفقاً بدیگر وظائف شورای دولت خواهند پرداخت .

هرگاه برای یک وزارت ویا یک دائره مستقله وضع کردن یک نظامنامه لازم دیده شود لائحه همان نظامنامه ازطرف همان وزارت ویا همان دائره مستقل تنظیم یافته بشورای دولت بعد ازاجرا کردن وعلاوات و تعدیلات لازمهٔ آن لائحه نظامیه را با فیصله آراء به مجلس عالی وزرا تقدیم میدارد وبعد تصویب مجلس عالی وزرا ومنظوری حضورشاهانه نظامنامهٔ مذکور بوزارت متعلقهٔ آن سپرده شده — دستور العمل اتخاذ میشود) .

قاضی عسکر رسابق بامورقضائی عسکری وارسی می نمود — درعهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه دیوان حرب عسکری تشکیل گردید . درنظامنامه نوشته شده است . (محاکمهٔ سپاهیان و صاحب منصبان نظامی وکوتوالی و پولیس درمحاکم عسکری اجرا میشود محکمه های عسکری بنام و عنوان دیوان حرب یاد میشوند . مرجع فیصله هرگونه اختلافاتیکه دربین رعایا و نظامیان ظهور کند محاکم عدلیه شیورا ی
است) .

وتشریحات بسیاری دارد .

قاضی محکمه مامورین
د رشورای دولت

ملامحمد ابراهیم (ابن ملاعبدالحمید ابن ملا رحمت الله) د رسال ۱۲۹۹ شمسی د رېزابرحد متی که بوقت ورود مهاجرین هندی به افغانستان ه ازخود ابرازداده بود از حضوراعلیحضرت امان الله شاه غازی بلاخذ نشان صداقت نائل گردید ۰
ود ربرج حمل سال ۱۳۰۳شمسی د رجمله ٔ هیاءت اصلاحیه ازکابل به سرحد جنوبی فرستاده شده ود رلویه جرگه برج سرطان سال مذکورمنعقده په همان شامل وازطرف لویه جرگه بدارالتاءلیف ریاست شورای د ولت بجهته تاءلیف کتاب ((فتاوای امانیه)) منتخب گردیده وبعد اعهده قضای محکمه تمیزمامورین شورای د ولت نیز بد وشراوگذاشته شد ود وسال د وام داد ۰ مذکور ساکن کامه جلال اباد ولایت ننگرهار بود ۰

نمونه یی از اسناد وزارت عدلیه در ریکارد انتساب

وزارت عدلیه در ربع حوت سال ۱۲۹۷ هجری شمسی بنام وعنـوان اداره فاخره نظارت عدلیه وبعد نظارت عدلیه واز اول حمل سال ۱۳۰۰ شمسی وزارت عدلیه عنوان یافت وسائر وزارت افغانستان نیز بدینقرار طی مراحل نمود .

برای اینکه از خصوصیات نظارت عدلیه شرحی در تاریخ قضا بجا بگذاریم ملخصات یک عریضه راکه به مهر ناظر عدلیه در ربع ثور سال ۱۲۹۹ شمسی صدور یافته درج میکنم :

(بحضور جناب عالیقدر ناظر صاحب عدلیه عرض میدارم اینکه : یک ربند سرای عارضان که واقع سمت جنوبی شوربازار کابل است ... درسنه ۱۲۹۸ که برفهای زیادی شده بود بوقت برف کشی موضع مذکور .... باقی حضورصاحـب مختاراند تحریر فی یکشنبه (۱۷) ماه ثورسنه ۱۲۹۹ شمسی — عریضه عارضان) .

ه ه ه

عالیجاه ارجمند محبت بنیان شجاع الدوله خان امین العسس را حفظ الله تعالی از شرح عریضه هذا اطلاع حاصل گردید از محکمه کوتوالی عالیجاه امیرالدین خان ماموری صفایی را باعبدالعزیز خان معمار صفایی در موضع مذکور مقرربدارید که باتفاق کلانتران گذر مسجد ملا محمود وگذر حضرت صاحب علیه رحمه ....

استغاثه عارضان بحضورم نرسد .... که درفدیم بچـه قسم بوده تجویزجدید مذکوررا درتحت احکام هذا بحضورم مرقـــوم

دارنــــــد که بفلــرارلازمه احــکام فرموده شود ....

. دراجرافقره ° مذکورتاکید داند تحریرفی روز شانزده ثور ۱۲۹۹

مهر(نا ــ رعدلیه محمدابراهیم) ثبت صفحه (۱۰) کتاب دارا ـــ

لسلطانه تعلقه برلک‌عرضـ ــــ ی .

فرمان اعلیحضرت امان الله شاه

اعلیحضرت امان الله شاه غازی (۱۹) روزبعد امضاء اخرین سند استرداد استقلال افغانستان ـ ازارگ کابل فرمانی صادر نمود که اینک عیناً نقل ان درج تاریخ قضا میشود :

(صداقت واخلاص همراهان اهالی محکمهٔ شرعیه وخوانین ومعتبرین وملکان ورعایای محال پنجشیر راواضح خاطرباد .

چون غدروخیانت رغلام رسول هراتی بحضور والا رسیده است که در تحت تحقیق است بنابران نامبرده راازحکومت محال پنجشیر موقوف وعالیجاه عزت همراه صداقت بنیان محمد امان خان حاکم محال ریزه کوهستان را که شخص لائق وحد متگار صادق بود بحکومت محال ـ پنجشیر نیزمقرروسرافرازفرمودیم که کارهای حکومتی ریزه کوهستان وپنجشیررامطابق قاعده ودستورالعمل پادشاهی انجام واجرا داشته درغوررسی رعایای هردومحال ساعی وجاهد بوده پرداخت ان رابدرستی بدارد . لهذا ازمقرری مشارالیه شمارا خبرداده امر وارشاد میفرمائیم که عالیجاه مذکور راحاکم خودها دانسته عرض وداد ی که تعلق بحکومت مشارالیه داشته باشد دانستهٔ اومی کنید تا از عرض بجا غوررسی رعایا رابقرار قاعده بدارد وازحرف مشارالیه که مبنی براموراتِ پادشاهی باشد تخلف وانحراف نورزیده درعهده شناسید . درین باب تاکید تمام دانید فقط تحریریوم سه شنبه (۱٦) ماه سنبلهٔ سنه ۱۲۹۸ هجری شمسی.

(امیرامان الله)

تاءسیس مکتب حکام

درسال سوم سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه غازی ــ مکتب حکام بتاریخ سه شنبه (۷) برج سرطان سال ۱۳۰۰ هجری شمسی از طرف وزارت داخله تاءسیس وافتتاح گردید .

درمکتب حکام امانیه ــ دینیات ــ حقوق بین المللی ــ جغرافیا ــ هندسه ــ سیاق درتحت نگرانی وزیر امور داخله تدریس میگردید .

منظور دولت مستقل امانیه ازتاءسیس مکتب احکام درکابل این بود که حکام جوان بعد ازین ازعلوم دینیه و حقوق درس بیاموزند تا نظامات جدید دولت افغانستان را درتمام ولسوالی ها درست تطبیق بتوانند . یعنی ازعلم قضا مطابق اصول فقه اسلامی باخبرباشند .

وبه پیروی احکام قانون اجراات بنمایند .

وزارت عدلیه

بتوام به اعلان استرداد استقلال افغانستان ، کابینه ٔ وزراد رکابل تشکیل گردید . وزراتا مدت دو سال یعنی ختم سال ۱۲۹۹ شمسی بعنوان ناظر وازابتدا سال ۱۳۰۰ شمسی هریک ناظر - وزیر خطاب یافت .

نظامنامه ٔ تشکیلات اساسیه افغانستان که در سال ۱۳۰۱ ش از ترتیب وتسا ویبفراغت یافت وبتاریخ (۱۵) برج جوزای سال ۱۳۰۲ شمسی در مطبعه ٔ دائره تحریرات مجلس عالی وزراء طبع وبمهر غازی امان الله شاه نشرونافذ گردید ، درخصوص وزارت عدلیه ومحاکم شرعیه درمرکز وولایات افغانستان شرح مکمل میدهد ونوشته است :

در افغانستان برای منتظم گردانیدن امور عدلیه وقوه انضباطیه وزارت عدلیه ماموراست . ونوشته است کسی که ازطرف دولت اجازه قضا را نداشته باشد باید وظیفه ٔ قضا رااجرانماید .

ونوشته است : هیچ دعوی درمحکمه هابحال تعویق نماند .

ونوشته است : درهیچ یکی ازمحکمه های عدلیه لحاظ شخصیت وقومیت وجنسیت ودین ومذهب کرده نشود ودرحقوق بالمساوات فیصله احکام شرعی و سیاسی و تجارتی اجراگردد .

درباب دوم تحت عنوان ((قوه عدلیه وانضباطیه)) نوشته است :

قوه عدلیه افغانستان را هئیت عمومیه محکمه های عدلیه افغانستان بوجود می اورد .

در افغانستان محکمه ها مستقل و از هر گونه مداخلت و تجاوز مصئون اند ، کسانیکه اقتدار ماموریت خود ها را بیجا استعمال نموده و در فیصله های مذاکرات محکمه ها مداخلت ورزند ، در هر مقام و ماموریتی که باشند متعاقباً مستوجب باز خواست میگردند .

ونوشته است : در محکمه های افغانستان محاکمات علانیه اجرا میشود .

ونوشته است : محکمه های افغانستان بنام محکمه ابتدائیه ومرافعه بدو قسم تقسیم میشود علاوه بران محکمه های اصلاحیه نیز موجود هستند .

تاسیس شورای علوم

در کابل

اعلیحضرت امان الله شاه در سال ۱۲۹۸ شمسی مجلس بزرگی بعنوان شورای علوم در کابل تاسیس نمود تا بزرگترین علماء علوم شرعیه اصول مذهب حنفی کتب ورسائل دینی تالیف ونیز تمام نظام نامه های جدید را غور وملاحظه وتدقیق نمایند . واینک عین متن فرمان درج تاریخ میگردد :

بسم الله الرحمن الرحیم

دیباچهٔ کتاب محامد الهی ، توقیع رفیع کلمه طیبه لااله الاالله است . وعنوان منشور صلوات رسالت پناهی طغرای غرای محمد رسول الله . فنشهد ان لا اله الاالله و نشهد ان محمد رسول الله .

امابعد راعی عباد الله وحامی بلاده ((الغازی امیرامان الله))

پادشاه دولت مستقله اسلامیه خداداد افغانستان ، برخاطر اسلامیت ماثر جمله اشخاص امت محمدی (ص) عموماً وبرضمائر دیانت ذخائر کافه افراد ملت نجیبیه افغانستان خصوصاً واضح میدارد که : ترقیات دین ودنیای دول و ملل اسلامیه بقرار دلائل یقینیه شرع وعقل ، و تجاربصحیحهٔ تاریخ و نقل مشروط اجرای احکام محکمهٔ قرانی ، ومربوط امضای قواعد حقه اسمانی است .

بنابران برای ایفای حق حقیقی اولوالامری دینی ، وجهته ادای ـ
وظیفه فرض منصبی پادشاهی اسلامی خواستم که در ممالك محروسه
دولتخداداد مستقله افغانستان حکم غیرخدا جل علی نافذ ، و
امری بجز شریعت حاکم نباشد . و چون کتب فقهیه این زمان
دارای اقوال وروایات بعبارات عربی بوده و استخراج حکم معلوم
الصحه هرحادثه ازانها صعوبتی دارد ، که ازعموم حکام وکاردار
دولت بلکه ازخصوص سائرقضات و مفتیان امید کرده نمیشود ، امر
فرمودم تاعلماء حضورروایات صحیحه مذهب مهذب حنفی رامطابق
معمول فرصت حال اجراکرده ، وبزبان فارسی که محاوره اکثر
ممالك محروسه افغانستان است ، مدون نمایند ، حسب الحکم
کتاب :

((تمسك القضاة الامانیه)) راتدوین ساخته ، کل مسائل و ـ
روایات ان بنظردقت شاهانه ام رسیده حکم فرمودم که قضات محاکم
حقوق وجزا وحکام ادارات عدلیه مرکزی دارالسلطنه وولایات و ـ
محالات درفیصله دعاوی و مرافعات احکام مندرجه کتاب موصوف
رامعمول داشته ، ازروایات دیگرکتب و مجموعات صرف نظر
نمایند ، واگرحادثه فرضاء واقع گردد که شخصیه حکم ان در
مسائل مذکوره کتاب مذبورنباشد فیصله حکم مذکور فرموده شد ،
بعدازامضای پادشاهی برای تکمیل مسائل کتاب داخل ان کرده
شود . انشاالله تعالی وبرای احکام تعزیرات شرعیه که حدود ـ
معینه نداشته مفوض برای امام واولوالامر است ، نظامنامه هم ای

علیحده ٔ ملکی ، نظامی ، احتسابی تألیف گردیده ، مقادیر
تعزیر هر قباحت و جنحه وجنایات در آن مفصل ضبط و تحریر است ،
تا قضات دولت افغانستان در هر حکم جزا تقلید مواد قضائیه تمسک
القضاة الامانیه وپیروی فقرات نظامنامه های جزائیه را دار احکام
تعزیریه کرده رای غیرشرعی وحکم نفسانی وهوائی را در عباد و بلاد
الهی جل اعلی شانه جاری وساری ندارند ، " وبالله التوفیق "

چون برای تسهیل اداره ٔ امور عدلیه محاکم شرعیه ، بدو شعبه
حقوق و جزا تفریق گردیده . کتاب تمسک القضاة الامانیه نیز دو حصه
فرموده شد : (۱) حصه حقوق (۲) حصه ٔ جزا ـ تا حصه حقوق
اساس محاکم قضای حقوقیه و حصه ٔ جزا با نظامنامه های تعزیرات
ملکی وعسکری و احتسابی دستورالعمل محکمه های شرعیه جزا بوده
تمامی فیصله های شرعی را مطابق احکام مندرجه ٔ آنها جاری و معمول
دارند وبرای تحقیق صحت و موافقت کتابهای موصوفه با مذهب
مهذب حنفی بعد از تألیف وترتیب آنها حکم فرموده شد ، تا علمای
اعلام وفضلای کرام قضات ومفتیان محاکم تمییز و مرافعه و ابتدائیه
حقوق و جزای مرکزی دارالسلطنه کلیات وجزویات احکام و مسائل لنـ -
آنها را لفظاً و معنیاً مطالعه فرموده تصحیح و تنقیح کامل آنها
رابنمایند . حسب الامر بعد از امضای صحت اتفاقی ذوات ذیل :

قاضی القضات ـ قاضی عسکر ـ قاضی مرافعه حقوق ـ قاضی محکمه
مرافعه جزا ـ قاضی محکمه ابتدائیه حقوق ـ قاضی محکمه ـ
ابتدائیه جزا قاضی محکمه وثیقه جات ـ مفتیان محاکم موصوفه

بامضای شاهانه ام رسیده حکم معمولی واجرای عام فرموده شد
از درگاه مالك الملك مطلق جل علی نیاز مندی دارم که یمن
اجرای شریعت تعالی خاصیت محمدی ترقیات دینی و دنیوی نصیب
دولت و ملت افغانستان شود) .

(الغازی امیرامان الله)

اعضای محفل شورای علـــــوم

محفل شورای علوم که ازابتدای سال ۱۱۹۸ شمسی در کابل تأسیس شده در فرمان غازی امان الله شاه بنام علماء حضور نیزیاد شده اســـت ومقصد ازعلماء مقرب و معتمد دولت افغانستان مستقل است واعضای محفل شورای علوم عهد امانیه این ذوات محترم بوده اند :

(۱) مولوی عبدالشکورخان قاضی القضات .

(۲) مولوی سیف الرحمن قاضی عسکر .

(۳) مولوی محمد عبدالمواسع قندهاری .

(٤) مولوی عبدالحمید خان قاضی مرافعه حقوق .

(٥) مولوی عبدالرحمن قاضی مرافعه جزا .

(٦) مولوی محمدامین خان قاضی ابتدائیه حقوق .

(۷) مولوی عبدالجلیل خان قاضی ابتدائیه جزا .

(۸) مولوی عبدالرشید خان قاضی وثیقه جات .

واشخاص موصوف تألیفات علوم دینی ومذهبی راباد قت تمـــام ملاحظه کرده درصفحه اخیر کتاب دستخط می نمودند و تالیف علما حضور نامیده میشــــد .

تاسیس محفل وضع قوانین
در کابل

اعلیحضرت امان الله شاه بعد از اعلان جهاد استرداد استقلال افغانستان گفت :

باید

بعد ازین قانون در افغانستان حکومت کند وحکومت مشورتی وقانونی بعمل اید وچنانکه در اولین اشتهار سلطنت مستقل نوشت :

(وشاورهم فی الامر .... الخ) وگفت : نظامنامه ها ترتیب و تنفیذ یابد وعلماء شورای علوم نظامات را غور وملاحظه و تصویب نماید • وبرای براوردن این اهداف عالی و مقدس ریاست محفل وضع قوانین تاسیس و عمارت برج شمالی ارگ کابل را مقام ریاست موصوف قرار داد • تعداد زیادی از علماء ونویسندگان و مترجمان در این محفل عضویت داشتند •

بدری بیگ نائب رئیس وعضو این محفل تا ختم حیات در همین مقام ریاست اقامت داشت وهمیشه مصروف ترتیب و تالیف و تراجم نظامات بود •

نگارنده این کتاب ((تاریخ قضاء در افغانستان)) فهرست اسماء یک تعداد اعضا محفل وضع قوانین راکه بتاریخ (٢٤) سنبله سال ١٢٩٩ شمسی دریک تصویب امضاء نموده اند بطریق مثال نقل می کنم :

۱ـ سردار علی احمد خان (رئیس)

۲ـ نیک محمد خان .

۳ـ فتح محمد خان .

٤ـ جمعه خان .

۵ـ حبیب الله خان (مدیرعمومی پوسته) .

٦ـ عبدالغنی خان .

۷ـ نجف علی خان .

۸ـ محمد قاسم خان .

۹ـ امیرمحمد خان (برکته ملکی) .

۱۰ـ عبدالرحیم خان .

محفل وضع قوانین بعداً به ریاست شورای دولت ارتقا و اخیراً به شورای ملی تبدیل گردید .

دارالتالیف ریاست شورای دولت

در برج سرطان سال ۱۳۰۳ شمسی از طرف لویه جرگه منعقده پغمان وریاست شورای دولت ((دارالتالیف) بجهته تالیف کتاب (فتاوای امانیه) تشکیل گردید . ومولوی محمد ابراهیم (ابن ملاعبدالحمید ابن ملا رحمت الله ـ بجهته تالیف کتاب فتاوای امانیه منتخب گردید و بعد هاعهده قضای محکمه تمیزماموریین شورای دولت نیزبدوشاوگذاشته شد ودوسال دوام داد .

ه ه ه

مولوی محمد ابراهیم در شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۰۸ هجری قمری بدنیا امد مسکن اوقریه سنگرسرای کامه ولایت ننگرهار وازاخوند زاده های لنده بوچ کامه وازقوم سادات اولاده سید جلال الدین بخاری بوده است .

درسال ۱۲۹۹ شمسی دربرابر خدمتی که بوقت ورود مهاجرین هندی به افغانستان نموده ازحضوراعلیحضرت امان الله شاه غازی باخذ نشان صداقت نائل گردید ودربرج حمل سال ۱۳۲۳ شمسی درجمله هیات اصلاحیه ازکابل به سرحد جنوبی فرستاده شد . ودرلویه جرگه برج سرطان سال ۱۳۰۳ شمسی درپغمان شامل ودر همان وقت ازطرف لویه جرگه بدارالتالیف ریاست شورای دولت بجهت تالیف کتاب فتاوا نامانیه منتخب گردید . درسال ۱۳۱۰ش رکن جمعیته العلماء افغانستان مقررگردید .

موسی شفیق اخرین صدراعظم دوره شاهی پسر همین شخص است .

دارالعلوم و مکتب حفـــاظ

بتاریخ یکشنبه (٥) برج اسد سال ١٣٠٣ شمسی درلویه جرگــه منعقده پـغمان علمای شرکای لویه جرگه بدولت افغانستان درخصوص تاسیس دارالعلوم ودارالحفاظ پیشنهاد نمود ند ومتن ازاینقــــرار اســـــت :

(چون خیالات اعلیحضرت غازی ماهمیشه مصروف به ترقی امورات دینی واسلامی ومذهبی وسیاسی واقتصادی واجتماعی ماملت عاجــز بوده و هستـه لهذا برای ترقیات اعظم و تعالیات ازحد الزوم ملت غیور افغان وسکنه جسور افغانستان عطف توجهات شاهانه شانرا ماعلماء مشائخ وسادات وشرکای لویه جرگه بسوی این مسئله مهمه میداریم که یکدارالعلوم عربی جامع علوم احادیث و تفسیر و عقائد وفقه و اصول ومیراث وتاریخ وغیره درامصار معتبره افغانستان بـــه تحت ریاست علمای فاضل متدین همان محل به انصاب دارالعلــوم اسلامیه وصوابدید علمای جرگه تاسیس گردد . زیراکه اصل الاصول السنه مستعمله زبان عربی دیده میشود ....

ونیزبنا برخیالات فوق پابندی اسلامی و شریعت پروری اعلیحضـرت معارف گستر امیدواریم که شعب مکتب الحفاظ ازبرای حفظ الفاظ ـ قانون شرعی که قران عظیم الشان میباشد تاسیس شود .

اعلیحضرت امان الله شاه بجواب پیشنهاد لویه جرگه گفت :

من ازین تحریک عهده ید لاتعبالخیر شما که ازمدتی مرکوز نظــر حکومت تان بود کمال مسرت و امتنان خودم رابعرض رسانیده شمـا

را مطلع وحالی میکنیم که شما تصور نکنید که وزارت معارف افغانستان
ویا این خادم عاجز تا ن تاکنون د ربا ره تاسیس دارالعلوم اسلامیه خیا
لی نداشت وفقط ازین یاد اوری شما د رصد د ترتیب ان می برایند نی
بلکه اززمانیست که این عاجز ووزارت معارف تان د رچگونگی این دارالعلو
م — وپروگرام ونصاب تعلیم وطرز د روس وغیره لوازم ان است ۰ وگفت:
اینک بهمین نزد یکی ها به اتفاق ارا علما منتخبه تان وزارت —
معارف ما به تکمیل این تحریک سراپا تبریک می پردازد ۰ واولا با
سعاف این ماءمول مسعود تان که دارالعلوم و مکتب الحفاظیه ایالت
کابل اغازمیشود و متعاقبا برهمان اصول د رولایات و حکومتی های
اعلی افغانستان نیزاجراات بعمل می ایـــــد ۰

تشکیل جمعیة العلماء در تمام افغانستان

بتاریخ یکشنبه (۵) برج اسد سال ۱۳۰۳ شمسی در لویه جرگه پغمان به حکومت افغانستان از طرف لویه جرگه پیشنهاد گردید که برای فرق و امتیاز علمای متدین جید وخیرخواه ملت و حکومت یك تشکیل وتصویب درستی از علمای فاضل بروی کار آورده شود تا هر کس نتوانند که فقط بمحض لباس خود راعالم وفاضل وملا نشان داده کامیاب وموفق گردند ·

اعلیحضرت امان الله شاه گفت : من نیزطرفدار این مفکوره قیمت دار شماحضارم ود راتیه انشاالله برای این امتیاز علماء وفضلاد انشور خیرخواه نه تنها وزارت جلیله عدلیه و علمای تمیزبلکه علمای منتخبه لویه جرگه را نیزتوجه میدهیم تا در تمام ولایات وحکومتی های اعلی ونقاط سرحدیه اعضای جمعیة العلماء راکه بهمین صفات وخصائل اراسته وپیراسته باشند انتخاب داشته در هرجا این مجلس عالی علماء راتشکیل بدهند تا هرعالم وملا و فاضل بعد ازاعطای امتحان به نزد جمعیه العلمای محلی خویش واخذ شهادتنامه به وعظ ونصحیت وتبلیغ و تعلیم وامامت ماذون باشد و بس ·

درمرامنامه جمعیته العلمای افغانستان نوشته شد : این جمعیت که ازعلمای مشهورافغانستان متشکل ودرمرکزکابل واطراف منعقد میشود و تحت مراقبت وزارت عدلیه کارمیکند مرکب ازدوقسم اعضاء ·

اول : اعضای انتخابیه ، دوم : اعضای طبیعیه ·

اعضای انتخابیه آن عبارت است از ذوات محترمی که بشرائط ذیل انتخاب میشوند :

(۱) : از نسل وطن باشند .

(۲) : تابعیت افغانستان را داشته باشند .

(۳) : تربیه آن نزد علمای راسخ العقیده وطن بوده و یا از دیگر محیط های مشوره اسلامیه کسب علم کرده باشند .

(٤) . بمرافعه بازیها و جنجالهای مدعی و مدعی علیه بطور وساطت ووکالت تشغل ننموده باشند .

(۵) . کاملاً شخص پاك نفس وجید القریحه وذکی بوده در ولایت خود از جلیل ترین وبااخلاق ترین علماء محسوب باشند .

ودر ضمن وظائف جمعیته العلماء گفته شد : اشخاص که لیاقت ندارند خود را در جرگه علماء محسوب نکنند . وهمیشه کوشش شود که امانت تدریس وموعظه و خطابت واحتساب ، حتی فتوی وقضا به اهل آن سپرده میشود .

واشخاص فاقد علمیت ولیاقت در این موارد مقدس مداخلت نکنند

مرام تشکیل جمعیته العلماء وسرامنامه آن بتاریخ (۲٤) قوس سال ۱۳۰۸ شمسی تائید گردید واما تشکیل جمعیته العلماء در تحت یك ریاست ودر کابل پایتخت افغانستان به تصویب رسید .

محکمه پنچات

در عهد سلطنت امیرحبیب الله خان ـ در شهر کابل محکمه یی بنام وعنوان پنچات دائرشده بود وتا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی ادامه داشت . امرانرا پنچات باشی و گاهی حاکم پنچات یاد میکردند وظیفه ٔ این محکمه حل و فصل دعاوی تاجران ودکانداران ومعامله داران انها ایجاد شده ومحکمه ٔ فیصله ٔ منازعات تجارتی بود . وحقیقت چنان بود که تاجران هندی اموال رابکابل رسانیده بدکانداران بقرضه میدادند وانها به عساکر وکارمندان اداراتملکی بقرض می دادند . وازاینطریق خیلی ها نفع می بردند وبه اقتصادیات مردم افغانستان خیلی هاضرر میرسانیدند واین وضع معاملات سبب پریشانی اهالی میگردید . وشکایات زیاد به محکمه پنچات ونظارت عدلیه میرسید . اعلیحضرت غازی امان الله شاه که جداً متوجه اصلاحات اجتماعی واداری واموراقتصادی و بازرگانی بود . برای اینکه دست منفعت جویان راکوتاه و طبقه غریب وبی سرمایه راازین مشکل برهانند ـ در ۲ حوت سال ۱۲۹۹ شمسی اعلانی بمهر خود ویاورملکی حضورشایع نمود وقرض دادن و قرض گرفتن راجداً منع فرمود . چون اشتهار مذکوررابمهرپادشاه غازی و مهر یاوو ملکی حضوردردست دارم . مناسب میدانم که سراسر متن انرادر تاریخ قضابنمایم واین خدمتی است درتاریخ قضا و معلوماتی است بـرای اهل محاکم .

فان القرض مقراض المحبه
بورعایای صادقانه دولت علیه افغانستان اعلان فرموده میشود
اینکه :
هریك از افراد ملت بد رسمی میدانند که باعث فلاکت و افلاس وسبب
ذلت وپریشانی حواس انسان لاعلیها قرضداریست ـ اشخاصی که در
بلای قرض گرفتارند وازادای ان عاجزولاچار ـ روزرا بحسرت وشب
را به محنت بسر برده عاقبت الامر دربسی مصیبت ها دچار شده اند
بلکه بعضی ازناتوانی سوگند ناحق خورده خود را خسرالدنیا والاخره
نموده وبرخی خود شان فوت گردیده عیال واطفال صغیر شان به
مشالفت قرضدار وکش محصل گرفتار شده اند وهمچنان دکانداران
که فائده خود راد وچند ملاحظه کرده مال خود را بقرض میفروشند
ازحصول نفع متصوره محروم بلکه ازاستحصال قیمت اصلیه هم مایوس
میمانند به اندك زمان سرمایه خود راازدست داده دربین امثال
واقران خود خوار وبی اعتبار گردیده اند ـ ازیك جانب دربین تجار
و دکانداران بدبده مشهور میشوند ـ وازدیگر جانب بغیر ازیك
طومار فرسوده که دربین ان اسامی عمر وزید مندرج است دیگر
چیزی بدست ندارند ـ روزرا درمحکمه جات بدعوی میگذرانند وشب را
رابسودای زیان بسرمی اورند چه اگر همان مالهای خود را بنفع اندك
وقیمت مناسب به نقد فروخته وجه محصوله رابزودی دیگرمال طلبید
بهمان نفع اندك بفروش برسانند البته درعرصه یکسال چند مراتب
خرید وفروخت نموده نفع بسیار حاصل میدارند ـ فواید یکه در
فروش نقد است اگرملاحظه شود کسی درهیچ وقت بقرض اقدام نمیکند .

اول ــ شخص خریدار که وجه نقد بدست دارد اجناس خواهش طبع خود را بکمال خوشی سبب نقد ارزانتر از قرض میخرند و مالی که پسند خاطرش شود بدون مخاطره در قیمت ان جد و جهد می نمایند ــ اسباب لغو و اضافات را نمی گیرد ــ اگر کم داشته باشد یا زیاد و اگر نو داشته باشد یا کهنه بهمان لباس موجوده خود قناعت کرده گزاف خرچی نمی کند و بقدر مبلغی که دارد سودای خود را گرفته خوش و خرم به خانهٔ خود می اید ــ نه از محصل عدلیه خوف دارد و نه از دق الباب قرضدار شب و روز خود را بخاطر جمع با عائله خود میگذراند ·

دوم ــ شخص دکاندار باندک منفعت قناعت کرده انشعاعی را که از معاملهٔ نقد حصول کرده است بر سرمایهٔ تجارت و حرفت خود افزوده روزمره ازان منفعت حاصل میکند از تاجری که مالی می گیرند قیمت انرا بدرستی رسانیده اعتبار خود را زیاد مینماید ــ مالی که رواج بازار است بقیمت ارزان میگیرد فارغ البال بدکان خود نشسته بفروش مال و متاع خود مشغول بوده بعد از فراغ دکان بحساب سود و زیان خود رسیده بدون اندیشه و تشویق زیست میکند ــ

سوم ــ تجاریکه مال خود را به دکاندار داده است چون معامله دکاندار بصورت نقد است از وچیز خالی نیست یا دکاندار مال تاجر را فروخته و یا اینکه بدکان موجود است اگر فروخته باشد همان است که قیمت مال خود را بطریقیکه بهمراه تاجر قرارداد کرده نقد می گیرد یا گر بفروش نرسیده خود مال به جنس حاضر است مال تجار ضایع و تلف نگردیده معاملهٔ شان باصول درست میشود و از مبلغی

که حصول می کند روزمره د رثروت وتوانگری تاجراف زوده تاجرود کاند، براد روا رسلوك کرده معامله ٔ شان د رمحکمه ٔ پنچات ود وائر نمیرسند ـ

لهذا حضور والا یما منافع سودای نقدی وزیان فروترنسیه رامد نظر داشته ازبرای بهبود وخیر رعایای دولت واباد ی مملکت لازم دانسته بد ون ازاجناس ماکولات د رخصوص فروش و خرید مال ملبوسات ومفروشات وامثال ان حکم فرمود یم ـ که رعایای صادقانه بقرار احکام ذیل معمول دارند .

اول ـ اشخاصیکه پیشه ٔ دکانداری داشته بفروش اموال واجناس ملبوسات و مفروشات وغیره امثال ان مشغول اند شروع ازتاریخ اول ماه حمل (۱۳۰۰) قطعاً ازبرای نفری نوکر پیشه وغیره مردم رعیتی مال وجنس خود راقرض ندهند وهرقدرکه د ربین خود ها قبل ازتاریخ مذکور داد ومعامله داشته باشند الی موعد دوسال معامله خود رافیصله نموده بقرار اقساط نظارت عدلیه ومحکمه ٔ پنچات قرض خود راحصول نمایند اگربعد ازتاریخ اول حمل (۱۳۰۰) دکاندار ویاتجار بهمراه نفری نوکرپیشه وغیره رعایا بسینه ٔ قرض معامله نموده بودند ومنجربدعوی گردید عرض انها درنظارت عدلیه ومحکمه پنچات وغیره دوائرحکومتی شنیده نمی شود ونیزاگرازمردمان معتبر به لحاظ ویاپرد ستی ازدکاندار ویاتجار مال رابدون وجه نقد بمساعده خریداری کنند ـ یك چند اصل قیمت مال ویك چند بقسم جریمه گرفته میشود .

دوم ـ اگر تاجر با تجار رویاد کلاندار بصیغه بیوپاری وحجت پ نجات خرید وفروش کنند قرض خود را مثل سابق بقرار حجت پتجات بـــــه موعد یکمه قبول دار شده اند ادا نمایند . ـ درخصوص طائفه کوچی که در اطراف وسرحدات با رعایا معامله کرده مالی خود را بطریـــــق نسیه یا سلم بـــفروش برسانند بقرار سابق معامله کرده میتوانند.

حضور والا یما نتایج وحکم فوق را از برای این فرمودیم تا همه از ـ منفعت نقد ومضرت نسیه واقف بوده بقرار احکام حضور والای ما معمول دارند ـ زیاده از حد اوند عالم ترقی دارین برای عموم اهالی دولت و ملت خواهانم فقط)

دریایان استهار فوق در مهر موجود است که عین عبارات ان نقل و درج تاریخ میشـــود :

امیرامان اللـــه ـ (ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها واذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل)

نشان محراب ومنبر ـ (یاور حضور اعلیحضرت محمود ۱۲۶۹)

مرقومه ٔ وزارت عدلیه

بعنوان محاکم رعیه

نقل خط وزارت عدلیه اینکه :

قطعه خط وزیر زراعت بمدیریت مامورین وزارت عدلیه رسیده که از حضور مبارک اعلیحضرت غازی ((امان الله شاه))برای ورثه ٔ شهدا که در جهاد مبارک ((استرداد استقلال)) شربت شهادت نوشیده اند فی نفر شهید موازی سه جریب زمین مرحمت شد که برای ورثه ٔ صغیر او داده شود که از حاصل او گذران خود را بدارند ـ حال بوزارت زراعت احوال میرسد که اکثر بهجاهائیکه زمین داده شده فروخته اند چون زمین که از حضور ((امان الله شاه غازی))داده شده از سبب اسودگی صغیر نه اینکه عیال او دیگر شوهر کند یا وارث بزرگ یا سرپرست وارث زمین صغیر را فروخته بمصرف خود برسانند و صغیران دربدر و وسیله گدائی نمایند برای اهالی محکمه جات خبرداده شود که زمین ورثه ٔ شهید بفروش ویا بگرو داده نشود واز جاهائیکه نموده باشند واپس خواسته شود الی زمانیکه صغیرهای مذکور به سن بلوغ برسد بدرستی سررشته ٔ انرا بدارند ـ

فقط تحریریوم دوشنبه (٦) برج سرطان سنه ١٣٠٠).

قاضی محکمه مرافعـــــــه

حکومت کلان سمت شمالی کابـــل

اعلیحضرت امان الله شاه غازی در سال ۱۳۰۰ شمسی مطابق سنه ۱۳٤۰ هجری قمری ملاعبدالوهاب خان را قاضی محکمه مرافعه سمت شمالی کابل مقرر نمود وزیر عدلیه محمد ابراهیم خان به سلطان علی خان بارکزائی حاکم کلان سمت شمالی به مکتوب خبرداد واینك سراســـــر مطالب را از صفحات ۳۳۰ و ۳۳۱ کتاب ثبت اسناد ورقعه جات حکومت کلان ان سمت عیناً نقل گرفته ترویج تاریخ مینمایم :-

عالیجاه سلطان علی خان حاکم کلان سمت شمالی راسلمه الله تعالی فضیلت ماب اخوی ملاعبدالوهاب خان قاضی محکمه سمت مذکـــور قرار تشکیل جدید از حضور مبارك اعلیحضرت شهریار غازی بقضاء محکمه مرافعه ان سمت منظور گردیده ــ لهذا برای شما خبرداده میشود که از تقرری او بذریعه خط علیحده برای حکام واهالی محکمه متعلقه خود خبر بدهید که فضیلت ماب مذکور را قاضی مرافعه دانسته انچــه دعوی که تعلق به محکمه مرافعه داشته باشد ــ مطابق نظامنامــه عمومی موکول بدارید وازقرار نظامنامه های مذکور مخالفت نورزنـــــد فقط تحریر (۱۵) برج سنبله سنه ۱۳۰۰).

نوشته حکومتی کلان شمالـــــی

انکه عالیجاه عزت نشان اخوی محمد امان خان حاکم و فضائل همراه اهالی محکمه شرعیه ریزه کوهستان راسلمه الله تعالی ــ نقـــل مرقومه وزارت عدلیه که از تقرری عالیجاه فضیلت ماب اخوی ملاعبدالو

ـ ها ب خان قاضی مرافعه ٔ سمت شمالی میباشد ـ به ورق هذا ـ تحریراست ملاحظه کرده مستحضر شوید لهذا ازمقرری عالیجاه مذکور شما را خبرداده مرقوم میشود که انچه فقرات که بقرارقواعد نظامنامه اساسی تعلق به محکمهٔ شرعیه مرافعه داشته باشد. به حکومتی کلان شمالی روانه دارید که بمحکمه مرافعه ٔ شرعاً فیصله شود رسید کاغذ هذا را واستحضاری خود را روانه دارید فقط تحریر ۲۲ ـ میزان سنه ۱۳۰۰)

• • •

نوشته حکومتی درجه اول

(انکه مشفقی فضائل همراهان اهالی محکمه ٔ شرعیه ٔ حکومتی درجه اول سمت شمالی را سلمه الله تعالی ـ ازشرح مرقومه وزارت عدلیه و مرقومه حکومتی کلان شمالی که نقل ان بقرار فوق است ملاحظه نموده دانسته میشود بنابران عالیجاه جناب مشفقی ملاعبدالوهاب خان راقاضی مرافعه دانسته انچه فقرات که بقرارقواعد نظامنامه اساسی تعلق به محکمه ٔ شرعیه داشته باشد بحکومتی کلان سمت شمالی فرستاده که فقره ٔ مذکور شرعاً درمحکمه شرعیه مرافعه قطع وفیصله شود وازاستحضاری خود برای فدوی دولت اطلاع دهی بدارید فقط تحریر (۳) ماه عقرب سنه ۱۳۰۰).

محاکم شرعیه محال ریزه کوهستان پنجشیر نجراو

در سال های ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ شمسی

در سالیان اول سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه غازی در این وقتی که سلطان علی خان ((ولد سردار شیردل خان لویناب)) حاکم کلان سمت شمالی ومحمد امان خان ((ولد بای محمد خان فراشباشی)) حاکم کوهستان و پنجشیر و نجراو بود ــ در خصوص محاکم شرعیه محال مذکور معلوماتی بدینقرار فراهم اورده در کتاب ثبت اسناد صحیفه (۱٦۳) بجا مانده است :

محکمهٔ شرعیه محال ریزه کوهستان ــ مفتی دو نفر ــ محرر یکنفر ــ

فضائل همراه ملا عبدالحمید خان مفتی ولد قاضی ملا نظام الدین خان ساکن سید خیل مدت یازده سال بفتوای محکمهٔ موصوف مقرر بود در سنه ۱۲۹۹ از وزارت عدلیه موقوف شده بود ــ رضا نامهٔ از طرف رعایای علاقه ریزه کوهستان برده واپس از وزارت عدلیه به فتوای محکمهٔ موصوف مقرر شد .

فضائل همراه ملا نصر محمد خان مفتی ولد نور محمد خان ساکن تتمدره در سنه ۱۲۹۹ اعوض ملا غلام قادر خان مفتی به فتوی محکمه شرعیه از وزارت عدلیه مقرر شده ملا عبدالرزاق خان ولد ملا صاحبداد محرر محکمه شرعیه ساکن انچو کوهستان در سنه ۱۲۹۸ بعوض ملا غلام رسول خان محرر سابقه مقرر شده ــ

محال پنجشیر :

محکمهٔ عالیه شرعیه ــ یکنفر قاضی و یک نفر مفتی و یک نفر محرر ــ

مقرری دارند ·

فضائل همراه قاضی ملا صالح محمد خان ولد ملا میا خان ساکن دو شوانی کوهدامن قاضی محکمه موصوف از سابق است ·

مفتی ملا محمد علی خان ساکن ده دانا چهاردهی در سال ۱۲۰۸ شمسی از وزارت عدلیه مقرر شده —

ملا صاحب الدین ساکن میدان — محرر محکمه ٔ شرعیه مقرری مذکور از سابق است·

ه ه ه

محال نجراو :

قاضی یک نفر — مفتی دو نفر — محرر یکنفر ·

ملا عبد القدوس خان قاضی نجراو در سنه ۱۲۹۹ شمسی از قضای محکمه موصوف موقوف گردیده بود عوض او فضائل همراه ملا عبد الوهاب خان قاضی مقرر گردیده بود چون ملا عبد الوهاب خان بقرار استدعا ح جناب حاکم کلان ((سلطان علی خان بارکزائی)) در جبل السراج قاضی مقرر شد و محکمه ٔ نجراو تا حال (۱۲۹۹ش) قاضی ندارد مقرر نشده ، کار محکمه ٔ موصوفه را دو نفر مفتی و یکنفر محرر اجراء میدارد بقرار ذیل است :

فضائل همراه ملا گلاب خان مفتی محکمه ٔ نجراو ولد ········ ساکن لهوگرد — مقرری مذکور از سابق است ·

ملا عبد الله خان مفتی ولد ملا عبد القیوم ساکن قره باغ کوهدامن مقرری مذکور از سابق است ·

ملاعبدالقادر محرر ولد ملاگلاب الدین ساکن محمود راقی کوهستان
در سنه ۱۲۹۹ مقرر شده - تحریر (۹) ماه ثور سال ۱۳۰۰ شمسی

ه ه ه

این بود مثال های از سه محکمه شرعیه محال موصوف که در سالهای
۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ شمسی بجهته معلومات وزارت عدلیه تسوید شده
و ثبت ان موجود مانده است - وبهمین اصول در تمام حکومات محال
افغانستان - قاضی - مفتی - محرر از قدیم مقرر ود راین عهد اما نیه
برتمام محاکم شرعیه تاکید میرفت تا مطابق نظامنامه ها که از احکام ر
شرعیه ترجمه شده است رفتار نمایند و تخلف نورزند ۰

راپورت فیصله دعاوی محاکم شرعیه

ازحکومات اطراف به وزارت عدلیه

[illegible]ارت عدلیه که دربرج حمل سال ۱۲۹۸ شمسی تشکیل واز اول برج حمل سال ۱۳۰۰ شمسی وزارت عدلیه تشکیل و محمدابراهیم خان ناظرعدلیه وزیرعدلیه مقررگردید وزارت عدلیه دراین سال ۱۳۰۰ شمسی ازا تمام حکومات اطراف راپورتفیصله دعاوی راخواست - سلطان علی خان (ابن سردار رشیردل خان لویناب) که این وقت حاکم کلان سمت شمالی کابل بود - ازوی مانند هریك حاکم کلان دیگرسمت ها راپورت فیصله های دعاوی محاکم شرعیه آن سمت راخواست - که اینك برسبیل مثال شرحی راازصحیفه (۳۳۷) - کتاب ثبت رقعه جات محال ریزه کوهستان و نجراو وپنجشیر را نقل ودرج تاریخ مینمایم (۱) :

(نقل قطعه خط محکمه حکومتی کلان شمالی مطابق مرقومه وزارت عدلیه اینکه :

عالیجاه اخلاص همراه اخوی سلطان علی خان حاکم کلان شمالی را حفظه الله تعالی چون همواره منظور نظرکیمیا اثراعلیحضرت شهریارغازی براسوده حالی وارامی رعایا بوده شب وروز مصروف ومتوجه برحق گذاری و حق رسی رعایا می باشد که هیچ دعوی

---

(۱) حاکم محال مذکورد رسالهای ۱۲۹۸ - ۱۲۹۹ - ۱۳۰۰ شمسی محمدامان خان ولدبای محمد خان فراشباشی بود واین کتاب ثبت اسناد ورقعه جات عهد حکومت او تابرج حوت سال ۱۳۶۷ ش حفظ مانده است .) (عزیزالدین وکیلی فوفلزائی) .

د رمحل تعویق نیفتد ــ وزارت جلیله عدلیه نگران ایفای وظائف قضات عموم وماموریں عدلیه است که هیچ دعوی بمحل تعویق نمانده ماموراست لهذا ازوقتی که وزارت موصوف تشکیل یافته تاحال انچه دعاوی که درانجا فیصله وبه محکمه جات انجا رسیده باشد رپوت های ان بوزارت عدلیه نرسیده که داد رسی محکمه میشد ــ بنابر ان مرقوم میشود که گذشته راالی رسیدن خط هذا انچه دعاوی که فیصله وحق رسی رعایا شده ووجه محصلی سرکار گرفته شده کاملاً بقسم رپوت اطلاع دهی نمائید که علم اوری فرموده میشود ــ واینده رابعد ازتاریخ رپوت مذکوراز اول ماه الی اخیرماه بتفصیل فوق رپوت ساخته ماهوار بذریعه مدیریت حقوق به وزارت عدلیه روانه دارید که معطلی نشود اگر معطلی واقع شد البته که تنخواه همان شخص که مامور راپورت مذکور است معطل کرده خواهد شد .

مکرراینکه : قرارتشکیل جدید قاعده چنین گذاشته شده کمانچه دعوی که درمحکمه جات دولت مستقله افغانستان فیصله شود باید ثبت ان رپوت به وزارت جلیله عدلیه موجود باشد یعنی وزارت بلد باید دانسته باشد که درظرف یکسال چقدر دعاوی درمملکت فیصله شده است ــ پس باین مطلب باید رپوت مساله خود را ازابتدای سال انچه فیصله شده باشد تعلق حقوق رابه مدیریت حقوق وتعلق جزاروانه دارید اینده اورا بلا ترک ماهوار روانه داشته باشید ــ امادرترک ان فی الفور اهالی محکمه جرم می شوند فقط تحریرچهارشنبه (۲۶) میزان سنه ۱۳۰۰ ()

ه ه ه

عالیجاه عزت همراه اخوی محمد امان خان حاکم درجه اول و -
فضیلت ماب اخوی ملا صالح محمد خان قاضی محکمه شرعیه ریزه
کوهستان پنجشیر و نجراب راسلمه الله تعالی - نقل مرقومه وزارت
عدلیه که در فوق تحریر است ملاحظه کرده مستحضر میشوید
چون ازابتداء سال الی حال فیصله دعاوی که درمحکمه انجاه
شده ازطرف شما بحکومتی کلان نرسیده که استحضار رپوت
مذکور فرستاده میشد بنابران تحریر گردید که رپوت فیصله دعاوی
گذشته راازابتداء سال الی حال ساخته بزودی روانه دارید که
ازاقرار رپوت ارسالی شما به وزارت عدلیه رپوت فرستاده شود و
اینده راما هواره فیصله جات وحق رسی رعایا رابقرار خط وزارت مو
صوف تعلق جزا راعلیحده و تعلق حقوق راعلیحده رپوت ساخته
بحکومتی کلان روانه دارید تااستحضار حاصل بوده مطابق آن
بوزارت عدلیه با رپوت حکام و قضات سمت شمالی رپوت فرستاده شود
رپوت گذشته راد رحال ارسال دارید که معطلی نشود (۹) برج
عقرب سنه (۱۳۰۰) .

٥ ٥ ٥

جناب مشفقی فضائل ماب قاضی صاحب محکمه شرعیه درجه اول
شمالی راحفظه الله تعالی - ازشرح خط حکومتی کلان و حکمنامه
وزارت عدلیه که نقل آن بقرار فوق است ملاحظه نموده دانسته
میشوید - چون ازابتداء سال الی حال انچه فیصله دعاوی که
درمحکمه شرعیه شده باشد ازابتدای سال الی تحریر حال ساخته

بهزود یحکومتی کلان شمالی ترسیل نموده رسید حاصل‌دارید واینده
راقرار حکمنامه وزارت موصوف پانزده ده رپانزده روزرپوت فیصله‌جات
قرار تفریق جزائیه علیحده و متعلقه حقوق راعلیحده رپوت ساخته
بحکومتی کلان شمالی روانه بدارید و از استحضار خود بکتاب هذا
رسید بدارید تحریر ۱۴ عقرب سنه ۱۳۰۰) ۰

(صالح محمد قاضی)

شکایات قاضی مرافعه حکومت کلان سمت شمالی

در صحیفه (۷۵) کتاب ثبت اسناد حکومت کوهستان مطالبی نگاشته است که عیناً نقل و درج تاریخ قضا می گردد :

(قطعه مورخه (۱۵) دلو ۱۲۹۹ جناب صاحب محترم الاعلان مهربان ایشک اقاسی صاحب حضور مبارک انور والا و حکم رای نظارت عدلیه راحفظه الله تعالی ـ قطعه .... مورخه ماه حال از نظارت عدلیه اسمی این فدوی(۱) دولت رسیده اینکه :
(۲)
قطعه مورخه ۲۲ ماه جدی ۱۲۹۹ ارسالی عالیجاه فضائل همراه ملاعبدالوهاب خان اول قاضی محکمه سمت شمالی باداره نظارت جلیله عدلیه رسید مرقوم نموده که در ابتدای مقرری که بقضا و محکمه شرعیه محال چهاریکار از حضور سرفراز شدم بقرار خط انصاحب و خط جناب قاضی القضات صاحب برای مفتی محکمه جات ریزه کوهستان و کوهدامن ـ نجراب تحریر شده وبذریعه حاکم کلان برای انها سپرداده شده بود که موافق دستورالعمل و سررشته سابقه که منتی ها داشتند مفتی ها باید که اجراء کرده خلاف دستورالعمل اجراء نکنند ـ به محکمه کلان شمالی روانه دارند ـ همان بود
(۳)

---

(۱) این شخص محمود خان یاورملکی حضور است که دراین وقت در غیاب محمد ابراهیم خان از امور وزارت عدلیه نیز رسمی و وکالت می نمود است.

(۲) مقصد از محمد امان خان حاکم کوهستان و پنجشیر و نجراب و

(۳) قاضی القضات ملاعبدالشکورخان یارکزائی بود .

که حال بقدر طاقت بشری خود کارهای محکمه جات را بسررشته برابر
کرده که کسی مخالف قاعده کرده نتوانست کسی ازمحکمه جات مس
امداعلام شرعی هم داده میشد —
وبقرار قاعده اجراء کار رامیکردم — حال شنیدم که عالیجاه عزت
همراه محمدامان خان حاکم درجه اول کوهستان ازحضور جدید
سررشته حاصل کرده کارخود راازحکومت کلان جداساخته بلکه از
دهان مفتیان ریزه کوهستان ونجراب هم می شنویم که مطابق ان
چنان می باشم انچه می رکنم اختیار دارم بلکه اکثر به غفوی که برای
شریعت کردن در اینجا می اید یکی عقب دیگری می اید میگویند
که بیان ماازاین محکمه جداشدیم — ازسبب مذکوربرای من
پریشانی حاصل شده احوال هذا رالازم دانسته بحضور عرض
کردم اگرواقعی باشد ازحکم مبارک برای داعی احوال بدهد کلنه
انراسررشته مذکوردانسته بوده مطابق سررشته بعمل اورده —
شود —

لهذا ازشرح نوشته قاضی موصوف شما راخبرداده شد نسه
نوشته مذکوررا ملاحظه کرده کیفیت مذکور رابرایم تحریر دارید که
دانسته شوم فقط ومی باید بکار ها اتفاق کنید وبقرار سررشته اجرا
دارید انشاالله تعالی قاعده های جدید بزودی برای جمیع کار
هامیرسد ایاباعث این بی اتفاقی چه میباشد — اعلیحضرت غازی
بازخواست سخت می کنند باید حکم کلان راحکم کلان دانسته
متوجه کارباشید فقط —) .

محمدامان خان حاکم کوهستان و پنجشیر ونجراو بجواب محمود خان
ایشیک آقاسی حضور پادشاه ووکیل نظارت عدلیه اینطور نوشته
است :

معظما ازشرح عرض قاضی موصوف واحکام صاحبی دانسته گردیدم –
عرض میشود فدوی دولت بقرار قاعده ٔ پادشاهی در اجرای امورات
سرکاری متوجه بوده ساعی گردیده کوشیده ام که خلاف قاعده کار
نکرده ام چون قاضی صاحب که برمسند شریعت غرا نشسته وتحریر
نموده اند که یعنی می شنوم ودر صورتیکه بچشم خود ملاحظه
نکرده باشد ویاتحریری فدوی دولت ویامفتی های محکمه ٔ عالیه
برای شان نرسیده باشد سخن پادرهوا رزاچرا بحضورصاحب عرض
نمایند چراکه شنیدن کی بودمانند دیدن – مفتی های محکمه نجراً
وکوهستان بقرار سررشته ٔ سابقه که برای شان داده شده بهمان
قرارمعمول میدا زند خود رایی نکرده اند که کیفیت را البته برعکس
شخص دیگری برای جناب قاضی صاحب دانسته نموده اند چون
قبل ازاین درمحکمه ٔ شرعیه قاضی مقرر بود البته نامبرده ب... ب
بکدام کیفیت موقوف گردیده وعوض اوتاحال شخصی مقررنشده ودربا
کسرعمل فروش کاغذ سکوکات تعلقه ٔ فدوی دولت خط های تاکید دربن
باب ازنظارت تجارت رسیده کیفیت نبودن قاضی نجراب وفروش کاغذ
های سکوکات برای جناب ناظرصاحب تجارت نیزتحریرشده •

مهربان من فدوی دولت ممنون و مشکورم که الحمدالله این قسم
شخص باد یانت خیرخواه دولت ورعیت وبیدار مغز که جناب شما می
باشید فکرشما بهتروخوبتربااین قسم خط های عرض امیز میرسد حاجت

بعرضداشت خادم دولت ندارد والسلام)

٥ ٥ ٥

درج این عبارات طویل مفادی که در تاریخ دارد اینکه : دقت تام دولت افغانستان وحکام وقضات انراد رعهد استرداد استقلال واغاز تشکیل ونظارت عدلیه ((ثم وزارت عدلیه)) نشان میدهد . یعنی هرنفر قاضی ومفتی وحاکم ومردم رعیت می توانستند بمقام سلطنت شکایت برسانند وهدایت بگیرند . واینکه حرف ازقاعده تکرار شده مقصد او ترتیب نظامنامه ها است که همدران اوقات محفل وضع قوانین وشورای علوم ونظارت عدلیه ودارالقضا جداً مصروف ان بودند ویکایک طبع ونشر وبمهرپادشاه انفاذ یافت .

نطق قاضی عسکری د رتکیه خانه

چنداول کابـــــل

اعلیحضرت امان الله شاه در روز عاشورا (دهم محرم الحرام سنه ۱۳۴۲ هجری قمری ـ مطابق ۳۱ برج اسد سال ۱۳۰۲ هجری شمسی) در تکیه خانه چنداول کابل در محفل تعزیت حضرت سید نا الحسین ((سید الشهدا))[1] اشتراك ورزیدند ۰

ملا میرا تا خان بعد از تبلیغات دینی گفت :

(حقیقته ایتام شهداء مسلمانان افغانستان راکه در محاربه استقلال ـ به سعادت شهادت فائز گردیده اند بی پدر نمی توانم گفت ـ زیرا که ملاطفت ومراحم پادشاه ملت خواه ما دربارهٔ شان بدرجه فوق العاده مبذول است که نسبت به پدران آرامی و آسایش روحانی ـ ومادی شان بیشتر حاضر و موجود است) ۰

بعد از بیانات ملا میرا تا خان معلم ـ مولوی سیف الرحمن خان قاضی عسکری که یکی از فحول علماء اهل تسنن وشخص متبحر بود ـ بالای منبر تکیه خانه برامد ود رضمن ارشادات دینی د رتشویق وترغیب مسلمانان باتحاد واتفاق د ربین خود شان بیانات زیاد نمود ووقتی که ازمنبر فرود امد ـ اعلیحضرت امان الله شاه د رحالتی که کثرت گریه گلوگیر نمات شاهانه بود ـ چونکه فرمایش های مولوی سیف الرحمن خان بشدت تاثیر بخشیده بود ، هیچکس از مستمعین خود داری کرده نمیتوانست ، او

اغوش محبت گشوده . قاضی عسکری را در بغل کشید و امتنان نمود
و همچنان به میرا قاخان معلم معانقه نمود و محاسن اورا بوسید .
بعد از ان شیخ محمد رضا خان برفراز منبر براضد رایات ببنیات را ترجمه
وتفسیر واختتام کلام بدعای بقای سلطنت بااستقلال وطول عمر
اعلیحضرت امان الله شاه غازی و ترقی عالم اسلام نمود .
اعلیحضرت معظم غازی با شیخ محمد رضا خان نیز معانقه کرد وروی
اورا بوسید .
د راخیر میر محمد هاشم خان وزیر مالیه مقالت خود را قرائت کرد .
جنرال فخرالدین ((فخری پاشا)) سفیر دولت جمهوریه ترکیه
مقیم کابل نیز حاضر بود .
چون توجهات اعلیحضرت امان الله شاه همواره متوجه به نقطه
اتحاد عالم اسلام رافع کدورت موهومه از بین برادران اسلام بود
از بیانات قاضی عسکر روی همین دلائل نهایت خوش شد
مصاحبین حضور نیز حاضر بودند .

مشاور شرعی دارالحکومت غزنیـــــــن

درسال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ شمسی در این وقتی که محمد امان خان ولد بای محمد خان فراشباشی مرحوم ـ حاکم کلان غزنین مقرر بود ـ ملا نیاز محمد خان ساکن شهر غزنی که از علماء بزرگ آنوقت در ولایت ـ غزنی بود ـ بحیث مشاور علمی وشرعی دارالحکومت غزنین مقرر گردید ، وحاکم کلان محمد امان خان بمشورت وفتوی و استفتاء او امور حکومت را اجراء و همیشه معیت حکمران کلان غزنین را میداشت.

مولوی دین محمد هوتکی در عهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه معلم دارالعلوم عربی کابل ود رسال ۱۳۰۹ شمسی عضو جمعیت العلماء افغانستان مقرر گردید ـ بتاریخ شب یکشنبه (۱۵) برج اسد سال ۱۳۰۹ شمسی در غزنی وفات یافت .

واین اشخاص در رتبه رئیس علم قضا و مشورت در امور قضاء در عهد خود خدمت کرده انـــــــد .

حبس رئیس ثانی تمییز عدلیه

مولوی عبدالواسع قندهاری موءلف ((تمسک القضاة الامانیه)) در لویه جرگه پغمان برج سرطان واسد سال ۱۳۰۳ شمسی شامل ود راین وقت که رئیس ثانی تمییز وزارت عدلیه بود ازطرف قاضی عبدالرشید قندهاری وعده ٔ دیگرازعلماء شرعیه مورد حمله قرارگرفت واعتراض این بود که چون واقعه ملا عبدالله د رسرحد جنوبی د ر این سال ۱۳۰۳ شمسی ازباعث تمسک القضاة الامانیه که برمواد ان غور نشده است رخ داده ودیگرازمخالفین میگفت که این ملای قندهاری حکومت امانیه راد رمسائل فقهی فریب میدهد . بعداز ایام لویه جرگه ٔ پغمان مولوی عبدالواسع د روقت اداء نماز جمعه ضمن خطابه مطالبی بیان کرد ومخالفین موقع پیداکرده بروی شوریدند تاانکه بتاریخ (۳۰) برج اسد سال مذکور به محبس کابل فرستاده شد ومدت چهارده ماه رادرمحبس بسربرد د راخیر برج عقرب سال ۱۳۰٤ شمسی د راین وقتی که اعلیحضرت امان الله شاه ازسفرتفتیشات قندهاربکابل عودت نمود ازقید رها گردید .

تفتیش محاکم شرعیه قندهار

اعلیحضرت امان الله شاه بقلم خود نوشته است :

چون که از خدمت بوطن بالاتر عشقی ندارم واین مسلک را نخبه آمال خود میشمارم ـ لذا استفاده از موقع را بغرض تامین امور وطن عزیزم افغانستان وتهیه طرز بختیاری افغانیان همه وقت ملحوظ داشته خواسته ام همچونه ایزدی نهضت ومراقبت عظمت افغانیه بسرعت ممکنه بساحه وجود آید .

بناء علیه چون درین ایام خاطرم بالجمله ازمهمات امورمرکز ـ مطمئن گردید سرکشی باموریالات سایره محروسه را بالا صاله تصمیم کردم تا ببینم مامورین دولت چه گونه نظامات موضوعه راکه بمصرف نوربصر وخورد ن خون جگر ترتیب وتدوین شده بساحه اعمال واجرا گذارده ادای وجیبه ذمه نموده اند ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ اگر حکم نظامنامه ها فقط درحجاب قوه مانده بصحنه فصل درنیاید به جای نفع ضرر زاید وعوض امنیت خطر .

باین عزم اولاً تفتیش ایالت قندهار رامطمح نظر قرارداده به ساعت (٦) صبح یکشنبه هجدهم میزان هزاروسه صدوچهار (شمسی) با رفقای تفتیش خویش یعنی معین های وزارت و مصاحبان حضور رهسپار ان صوب گشتم .

بروز چهارشنبه (٢١) میزان ١٣٠٤ شمسی اهالی قندهار رابه حضور طلب داشته مامول مسافرت خود رابقندهار برایشان بیان کردم برای تفتیش شعبه عدلیه و قوماندانی ـ عبدالاحد خان معین

عدلیه وعبدالعزیزخان حاکم سابق لغمان رامقرر نمودم :
(درخصوص فیصله ها محکمه ٔ ابتدائیه و مرافعه ٔ مرکز قندهار شرحی نوشته است که خلصی ازان دراینجا اورده میشود)
محکمه مرافعه :بعد ازمیزان سنه ۱۳۱۳ شمسی که وظائف محکمه ٔ مرافعه با بتدائیه مفوض گردیده تاکنون دراین دوسال هیچ فیصله نکرده است ۰
تنها یك فقره ابتدائیه راتصدیق وامضاء کرده است ۰ پنج فقره — فیصله های جزائیه محکمه ٔ ابتدائیه مرکز دیگرحکومت های محلی که مرافعه خواسته درمحکمه ٔ مرافعه موجود و فیصله ٔ ان ناتمام است ۰۰
۰۰۰۰۰۰ پنج فقره عرایض مرافعه طلب حقوقی هم درمحکمه — مرافعه موجود است ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
(۹) قطعه عریضه دیگرهی صورت حال درمحکمه افتاده ۰۰۰۰۰۰
۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ قاضی محمد گل خان که دوماه میشود درمحکمه ٔ تمیز تبدیل شده است هنوز درشهرقندهار بود — مومی الیه راخواسته درین زمینه مستفسر گشتیم ازقواعد و نظامات بالمرعاری است بقاضی مومی الیه معلوم گشت شما چه کرده اید ؟ گفت :تحقیقات ماد رین خصوص درشرف تکمیل شدن است)۰
بهرحال خلاف ورزی وبی خبری قاضی محمد گل خان ازنظامات و قوانین دران فقره محل تردید نیست وقاضی مرافعه که درین یك سال تحقیقات و فقره رافیصله نکرده غفلت کارشمرده میشود ۰
قاضی مرافعه عبدالواحد خان که ازتقررش سه سال میشود

حقیقته د راجرای وظیفه خود غفلت نموده وازین غفلت خود عذری معقول هم ندارد بعلاوه درفقره وصی ورثه حاجی پاینده محمد نام مقتول گردیده بود وورثه مقتول بحضور خسروانه بعریضه قرطاسیه ازدستبردهای موصی الیه متشکل گردیده بودند نیز اغراض شخصی و مناقشات ذاتی قاضی معلوم میشود بعلاوه عموم اهالی از اعمال و افعال قاضی **مرافعه** شکایت زیاد داشته بافعال ناشایسته مذمومش میدانند . (۱) .

احکام حضور

برای اینکه اکثریه سبب معطلی فیصله دعاوی راقضاة ازعدم حضور مدعی و مدعی علیه میگویند وازین جهته فیصله بعضی فقرات حقوقیه جزائیه به ماهها وسالها میکشد بریاست عمومیه شورای دولت امرکردم برحسب مقررات شرع مبین برای فیصله دعاوی و احضار مدعی ومدعی علیه یک معیاد معین وضمیمه نظامنامه شود تاتعطیلاتیکه د رفیصله دعاوی ازین رهگذر رخ میدهد است مندفع گردد .

راجع بوصایت قضاة فرمودم تااین هم ضمیمه نظامنامه گردد که اینده نباید که قضاة بوصایت احدی تشبث کند هرقاضی که اراده وصایت راداشته باشد وبان اقدام کند ازقضاوت معزول شود .

" " " " " " " " " " " " " " " " "

---

(۱) ص ۱۳۳ کتاب تفتیشات قندهار ـ ۱۳۰٤ شمسی طبع ـ مطبعه شرکت رفیق ـ کابل .

شعبه ٔ محاکم عدلیه (قندهار)

نائب الحکومه نگاشته که مردم از سوء رفتار ملامحمد جان قاضی ارغستان استغاثه نموده اند حین تحقیقات بسبب نشین خرقه مبارکه گردید ملا سید جلال نام از طرف وزارت عدلیه عوض بقضای ارغستان مقرر شد . پس از ان ملا محمد جان موصی الیه ازبست برامده مفقود الاثر گردیده است .

خلاصه اینکه : قاضی مذکور تحت محاکمه گرفته نشده بلکه و ح نائب الحکومه صاحب تاکنون خبر ندارند قاضی یکجا است ملا محمد افضل مفتی محکمه ٔ ترین را گویند ازسوء رفتارش اهالی به ستوه امده عرض کرده اند لذا ملاعبدالواحد بعوضش قرار تصویب مجلس مشوره مقرر گردید حکم تحقیقات دربار ه ٔ محمد افضل برای حاکم ترین داده شده است . نائب الحکومه صاحب میگویند تاحال تحت تحقیق است حالا که عوض اورا بتاریخ (۲۳) حمل ۱۳۴۱ مقرر کرده اند شش ماه گذشته وهنوز میگویند تحت تحقیق است وقتا که درشش ماه نتیجه ٔ تحقیقات ابتدائیه اوبمرکز نرسیده ایا تحت محاکمه گرفتن و نتیجه محاکمه اش بچه مدتی طول خواهد کشید .

در شعبه محاکمات قندهار همین پنج نفر تحت محاکمه امده اند لاکن یکنفر هم ازایشان تحت محاکمه گرفته نشده و نتیجه نداده است .

شعبه محاکمه عدلیه قندهار

(۱) قاضی عبدالکریم خان ـ قاضی مرافعه ٔ پشت رود بمحکمه ٔ ارزگان و قاضی مرافعه ٔ ارزگان محمد عمر خان در پشت رود تبدیل شده .

(۲) قاضی تیرین قرار حکمنامه ٔ مورخه ده هم اسد وزارت عدلیه بمحکمه ٔ کدنی ـ قاضی محکمه کدنی ملا محمد گل که در شعبه محاکم مرکزی از مومی الیه رفته بمحکمه ٔ تیرین تبدیل شده است .

تبدیل این قاضی ها قرار درخواست خود نائب الحکومه بوده که کوائف شان حسب درخواست مزبور بحضور همایونی عرض و تبدیل شان منظور گردیده است .

(۳) یکنفر مفتی محکمه قلات برکدنی و مفتی کدنی به قلات تبدیل یافته است .

(٤) ـ ملا سید جلال عوض قاضی محمد جان قرار حکمنامه ٔ مورخه ده هم حوت وزارت عدلیه در ارغستان تقرر یافته .

این بود تقرر ـ تبدیل وعزل مامورین شعب عدلیه که در رهذالسنه (۱۳۰٤ شمسی در قندهار پیوسته است .

احکام حضور

همچو تبدیلی مامورین راکه به بهانه ٔ عدم مساعدت آب و هوا مباعد خانه های شان باشد از خواهشات مفاد شخصی و غرض ذاتی مامورتراوده بعد از این موقوف فرمودم که اینده همچه مستدعیات

منظور نشـــــــود .

محکمه شرعیه در داخل ارگ قندهار

اعلیحضرت امان الله شاه به اهالی قندهار خطاب کرده گفت :

قاضی مرافعه شما را چون در ایفای وظائف خود غفلت ودر فیصله دعاوی سستی و ومهلت نموده بود وبیك جای که خود یك شخص قاضـــی باشد نباید که وصی شود - او خود را وصی هم مقرر داشته بـــود ودر بعضی دعوی و فیصله ها برای شهدا ومدعی را هنمائی میکرد وبدا نهاد لائل را نشان میداد . وعلاوه بران نه تنها باد زد ودارو واهل فساد سروکار داشت بلکه بعض اشرار نیز باخود نگه میداشت و - یك زمین دولت را هم به غبن فاحش برای خود خریداری کرده و شش هزار روپیه حکومت را گرفته حیف ومیل نموده است - اورا موقوف کردم وزمین اورا واپس گرفتم وباقیات را ازوی بهمراه جریمه می ستانم و وصایت اورا لغو ساختم وخود اورا باخود بکابل می برم .

ملا محمد عثمان قاضی سابقه ابتدائیه شما را بسبب غفلتی کــه در کار خود کرده بود پانزده روز حبس کردم .

قاضی کدنی را هم بواسطه یك فیصله غلط او که خودم بچشم خود انرا ملاحظه کرده ام ازقضا عزل کردم .

چون محکمه شرعیه احترام بسیار دارد ویك جای باعظمـــت است جای انرا در خود ارگ قندهار معین کرده ام وامر دادم کـــه محکمه های شرعیه را در اینجا بیاورند .

چون جای قوماندانی کوتوالی شما خوب نبود، برای او مقامی را که به محکمه مشهور است دادم و بدانجا او را تبدیل کردم ۰

۵ ۵ ۵

اعلیحضرت امان الله شاه – بعد سی و پنج روز اقامت در قندهار با اهالی وداع نمود و دست بدعا برداشته گفت :
الهی افغانستان را سبب ترقی عالم اسلام و ملت عزیزم قندهار را سبب اتحاد و اتفاق و ترقی افغانستان بگردانی ۰
الهی این خادم عاجز افغانستان و تمام ملت افغان را چنان توفیق رفیق گردانی که بر عالم اسلام خصوصاً افغانستان خدمات در رستی در این دنیا انجام داده و در آن دنیا در جمله ٔ خدام نیک نام افغانستان و اسلام بشمار بروم ۰

۵ ۵ ۵

امان الله شاه در یک خطبه ٔ نماز جمعه برج عقرب ۱۳۰۴ شمسی که خود امامت آنرا داشت به اهالی قندهار گفت :

((در بین تمام اقوام و طوائف خویش چندان مراتب اتحاد و اتفاق را قائم کنید تا افغانستان مرکز اتفاق اسلام و سلسله ٔ پیوند رشته اتحاد عمومی عالم اسلام گردد)) ۰

۵ ۵ ۵

غازی امان الله شاه در نتیجه سفر سی و پنج روزه ٔ خود در قندهار بتاریخ پنجشنبه (٤) برج قوس سال ۱۳۰۴ شمسی در قصر دلکشا

کابل تعلقی نمود ودرضمن توضیحات در امور تفتیش عدلیه قندهار گفت :

درباره ٔ قاضی ابتدائیه سابق قندهار که بسیار در کار خود غفلت کرده بود امرداده که محض تنبیه پانزده روز حبس شود ۰
قاضی مرافعه یك شخص بسیار رچالاك زبان باز بد افعال مفسد بود از بی خبری نائب الحکومه یك حکمنامه از ولایت قندهار برای خود حاصل کرده بود که از روی اونگرانی وبالادستی عموم قضات مربوط ولایت قندهار را بخود محصوص نموده بود ۰ برایش گفتم : از روی کدام ماده ٔ قانونی خود را امر عمومی تمام قضات قندهار پنداشته وبرانها کار میکنی ؟ گفت : بمن چه مرا نائب الحکومه که امر مافوقم است حکمنامه داده است که بدست دارم ۰
خودش را خود وصی یك شخص صاحب ثروت و متمول مقرر داشته بود وبرخلاف رضا و خواهش ورثه ٔ او تمام مال وجایداد و هستی اورا حیف ومیل کرده است در برابر سوال گفت : شرعاً جائز است ودر نظام اساسی نصی در این مورد بنظرم نرسیده از ین روخودم را به مضمون :

(القاضی للصغیر کالاب احق) پنداشته وصی شدم ۰
خلص اینکه : اینطور یك قاضی اسباب سازفتنه انگیز کمتر دیده شده است اورا نه تنها ازقضا موقوف کردم بلکه امرداده که وصایت او فسخ شود وپول دولت ازو باجریمه گرفته شود وزمین سرکاری بهمراه محصل حاصل ومالیه ازو مسترد گردد و خودش محبوس شفاء بکابل

اوردہ شود • خوشی راکه عموم اهالی قند هار د روقت موقوفی این
قاضی اظهار کردند بیان ان د راینجاه ممکن نیست •

تاالیف فتـاواي امانيــــــــــه

لویه جرگه پغمان بتاریخ یکشنبه (۵) برج اسد سال ۱۳۰۳ ش بدولت پیشنهاد نمود واصل عبارت ازاینقرار است:

(ماعلماء وسادات و مشائخ ووکلاء وعموم اعضای لویه جرگه علمـای اعلام وفضلای کرام ذیل رااقرار امروارشاد همایونی اعلیحضـرت امان الله شاه جهته تطبیق و تحقیق وبازدید فروع و بعضـی جزئیات نظامنامه ها ازطرف خود وکلاتاً مقرر و منظور میفرمائیم تااین ذوات محترم خدای عزوجل را همه وقته حاضر وناظر پنداشتـه مزید برمزید درپای بندی وتشیید شریعتغرای احمدی و تنویر احکامات ایزدی موافق و مطابق به مذهب مهذب امام اعظم صاحـب کوفی رحمته الله علیه صرف مقدرت و مساعی ورزیده درتصفیه و فیصله همه گونه اوامر واجراآتی که بدانها محول شود علاوه بـر تاالیف فتاوای مبارکه امانیه و تطبیق وتدقیق درنظامات عصر حاضره برطبق مسائل مفتی به به روایات قوی مذهب حنفی رح فتوی دهند

۱ ــ مولوی عبدالحی پنجشیری .

۲ ــ مولوی محمدابراهیم خان .

۳ــ ملامیرعبدالباقی .

٤ــ مولوی گلدست قندهاری .

۵ ــ مولوی محمد رفیق خان سمت شمالی .

۶ ــ مولوی فضل ربی سمت مشرقی .

۷ ــ مولوی عبدالخالق سرخرودی .

علاوه برین نیز تصدیق میکنیم که اگر برای حکومت مزید برین حضرات معظم ضرورت دیگرعلمای متدین و محقق و متبحر باشد پس بایستی‌که مولانا حاجی عبدالرحیم خان ساکن گندمك ومولوی صالح محمد خان ساکن قیلغوی‌خوگیانی را نیز بخواهد منظور است .

اعلیحضرت امان الله شاه درهمان روز به لویه جرگه گفت :

من این علمای اعلام راکه شما انتخاب نمودید نه تنها منظورمینمایم بلکه محض مراعات خاطر شما واحترام شرع شریف اوشان را بعضوض هئیت عالیه ٔ تمیز سابق مقرر داشتم و بیشتر ازانها مانند شما آرزو مندم که برطبق مقررات شرعیه وروایات قویه ٔ مفتی بـه حنفیــه اجراات نموده خود ها را ازحقیقت گویی و حقائق وراست بینی ومداقت نویسی خود ها ماجورعندالله ومشکورعندالناس بفرمایند وتامس توآنند درتدقیق وتطبیق جمیع فروع و جزئیات قانونیه باشرع احمدیه بذل مساعی ورزند ودرتاءلیف (فتاوای امانیه) نیز کوتاهــی ننماینــد .

وازان تاریخ (۹) نفرعالم مذکور بفرمان اعلیحضرت امان الله شاه درمحکمه ٔ عالیه ٔ تمییز مقرر شدند ه وتاءلیف فتاوای امانیه توسط مولوی محمد ابراهیم خان اغاز گردید .

شاملین لویه جرگه بتاریخ یکشنبه (۲۹) سرطان ۱۳۰۲ به اعلیحضرت امان الله شاه گفتند : بیشترازهمه التجاداریم که نظامنامه ٔ جزای عمومی تحت تدقیق وملاحظه ٔ هئیت علمای لویه جرگه درآورده شود تابه شکل یك فتاوای اسلامیه تدوین و ترتیب

گردد ه -

بران موء لفه معظمه نام (فتاوای امانیه) گذارده شود ·
یعنی این وجه تسمیه مطابق پیشنهاد علماء لویه جرگه بوده
است ·

اعلیحضرت امان الله شاه ـ بعد سلسله ء مباحث علماء گفت :

قانون ونظام نامه که علاوه برقران پاك باشد نداریم وهرگز خواهش
مند نمی باشیم که بالای ملت اسلامیه ء افغانستان
احکامی که ماسوای قران مجید باشد نافذ و حکمفرما گردد ·

تبدیلی قضات غزنی

د رد هٔ اول برج اسد سال ۱۳۰۷ شمسی مولوی عبدالحمید
قاضی مرافعهٔ غزنی بقضای مرافعهٔ جنوبی (ولایت پکتیا) ومولوی
عبدالجلیل قاضی مرافعه سمت شمالی ـ بقضای مرافعهٔ غزنی
و مولوی احمد خان غزنوی بقضای مرافعه سمت شمالی کابل مقرر ـ
شدند .

مولوی احمد خان مذکور در سال ۱۲۹۸ شمسی بفرمان اعلیحضرت
امان الله شاه رئیس محکمهٔ اصلاحیه غزنی مقرر گردید ـ وپس از
چهار سال در برج اسد سال ۱۳۰۲ شمسی قاضی محکمهٔ مرافعه ـ
ولایت کابل ـ ودر سال ۱۳۰۹ شمسی قاضی محکمهٔ ابتدائیه ـ
ولایت کابل و چندین سال رابه شغل قضا در کابل بسربرد ـ ودر این
کتاب ازوی یاد شده است .

رئیس اول محکمه ٔ تمییـــــز

بتاریخ دوشنبه (۹) میزان سال ۱۳۰۷ شمسی مطابق (۱۶) — ربیع الاخر سنه ۱۳۴۷ هجری قمری — میرعطا محمد خان مشهـــور به قاضی هرات ٠

رئیس اول محکمه ٔ تمییز وزارت عدلیه مقررشد — فرمان مقرری اورا محمد ولی خان وکیل سلطنت دستخط کرده بـــود ٠

رئیس موقت محکمه ٔ تمییزمامورین

اعلیحضرت امان الله شاه — بتاریخ جمعه (۱۰) برج قوس سال ۱۳۰۷ شمسی مطابق (۲۳) جمادی الاخر سنه ۱۳۴۷ هجـری قمری و موافق (۸) دسمبر ۱۹۲۸ میلادی فرمانی باین عبارت صادر فرمود :

(عبدالرب خان عضو اول محکمه ٔ تمییز مامورین ! تازمان عودت میرمحمد حسین خان رئیس محکمه ٔ تمییز مامورین از هزاره جات بشما امرمیکنم که وظیفه ٔ ریاست محکمه ٔ تمییز مامورین راموقتاً اجراء داریـــد) ٠

(امان الله شاه)

مقرری ها از حضور اعلیحضرت امان الله شاه

اعلیحضرت امان الله شاه بتاریخ چهارشنبه (۸) عقرب سال ۱۳۰۷ شمسی مطابق (۱٦) جمادی الاولی ۱۳٤۷ قمری مقرری های اتی را منظور فرمود :

میرعطا محمد خان هراتی رئیس تمیز – معین وزارت عدلیه مقرر گردید .

محمد اکبر عضو تمییز عدلیه – رئیس تمیز –

میرمحمد حسین خان – رئیس محکمهٔ تمیز مامورین .

عبدالحمید خان توخی – رئیس محکمهٔ مرافعهٔ مامورین .

ه ه ه

بقرار سندی که در دست است – در سال ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ شمسی این علماء در قندهار منصب قضا وافتا داشته اند :

ملا غلام دستگیر خان هوتکی قاضی مرکز قندهار .

ملا اختر محمد خان مفتی مرکز قندهار .

ملا محمد عبدالکریم خان قاضی .

ملا جمعه خان مفتی .

ملا نظر محمد خان مفتی .

ملا احمد جان خطیب جامع شاه (قندهار) در سال ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ شمسی .

مقرری و تبدیلی قضات د رسال ۱۳۰۷ شمسی

بفرمان اعلیحضرت امان الله شاه غازی د برج اسد سال ۱۳۰۷ شمسی مطابق صفرالمظفر سنه ۱۳۴۷ هجری قمری د وزارت عدلیه مقرری ها و تبدیلی های اتی بعمل امد که اینلخینا د تاریخ قضا د افغانستان درج میگردد :

۱ــ عبدالحمید خان قاضی مرافعه غزنی بقضای مرافعه جنوبی وملاعبدالجلیل خان قاضی مرافعه سمت شمالی ــ بقضای مرافعه غزنی وملا احمد خان غزنوی بقضای مرافعه شمالی مقرر شد .

۲ــ ملا سید خان قاضی ابتدائیه کنر بقضای کامه و ملا محمد عارف خان قاضی کامه بقضای ابتدائیه کنر تبدیلاً تقرر یافتند .

۳ ــ ملا محمد صدیق خان قاضی ابتدائیه دکه بقضای ابتدائیه حصارک غلزائی و ملا سید کمال خان قاضی ابتدائیه حصارک غلزائی بقضای دکه تبدیل شد .

۴ ــ ملا عبدالمنان زمینداور بقضای ابتدائیه خان اباد وعوض ان ملا جان گل خان قاضی ابتدائیه پغمان بقضای زمینداور و ملا فضل خان قاضی ابتدائیه میدان بقضای ابتدائیه پغمان وعوض ان ملا عبدالخالق خان بقضای ابتدائیه میدان منصوب ــ قاضی ابتدائیه خان اباد نظر به غفلتی که کرده بود تحت محاکمه گرفته شد .

(۵) ملا عبدالکبیر خان قاضی ابتدائیه منگل مستنثی وعوض ان ملا عبدالمجید خان مفتی مرافعه د ایزنگی ترفیعاً مقرر شد .

احکام مجـــــــازات

د رسرح اسد سال ۱۳۰۷ شمسی مطابق صفرالمظفر سنه ۱۳۴۷ هجری قمری د رنتیجه تفتیش که د رحکومت اعلی میمنه بعمل امده بود ــ احکام مجازات و مکافات صادرگردید ــ ملا عبدالقدیر قاضی ابتدائیه مرکزمیمنه نظر بعدم دقت به صورت دعوی و غیـــــره تعزیراً به شش ماه حبس محکوم وطرد ماموریت شــد .

ملاعبدالرزاق خان قاضی مرافعه میمنه نظر بعدم ضبط فیصله ها وعدم اخذ محصول فیصله ها به شش ماه حبس وطرد ماموریت محکوم شـد .

و نیز به سایرمامورین خلاف رفتارمجازات داده شد .

تذکار یک واقعه قضائیه در سال ۱۳۰۷ شمسی

قاضی ملاعبدالرحمن ساکن بیگتوت پغمان - سابق رئیس محکمه تمیز وزارت عدلیه (ملاامام خاندان حضرات مجددی) بهمراه ملافضل حق خان سابق قاضی محکمه شرعیه پغمان (داماد ملاعبدالرحمن مذکور (بتاریخ یکشنبه (۱۵) برج میزان سال ۱۳۰۷ شمسی مطابق (۲۲) ربیع الاخر سنه ۱۳۴۷ قمری (۷) اکتوبر ۱۹۲۸ مسیحی در سیاه سنگ سمت شرق شهر کابل در اثر فیصله محکمه نظامی وزارت حربیه اعدام شدند.

تفصیل از اینقرار است که بعد از ایام لویه جرگه بیج سنبله ۱۳۰۷ شمسی منعقده پغمان از کابل به سمت جنوبی رفته اعتراضاتی به دولت امانیه نموده میخواستند اقوام ان سمت را تحریک به مخالفت نمایند. اقوام از عقل و تجربه کار گرفته گفتند: شما به خوست به قرارگاه عسکری رفته اظهار مطلب بنمائید وقتی عساکر پیش قدم شدند ما حاضریم که در این راه از پی عساکر قدم بگذاریم - حینیکه وارد قرارگاه عسکری خوست شدند صاحبمنصب انها را تحت الحفظ به وزارت حربیه فرستاد وماجرا نوشت. محکمه حربی دو نفر مذکور را محکوم باعدام نمود و محمد صادق خان مجددی در ارگ کابل - محکوم به حبس گردید.

که تفصیلات بیشتر از وظائف تاریخ سیاسی و نظامی عهد امانیه است.

اظهارات قاضی عبدالشکور خان

درعمارت سلام خانه قندهار

غازی امان الله سرقهرملن استرداد استقلال افغانستان بجهته اینکه امنیت عمومیه مملکت برهم نخورد و خونریزی شدید رخ ندهد بتاریخ شنبه (۲۴) برج جدی سال ۱۳۰۷ شمسی در کابل دست ازشغل سلطنت کشید ودولت وسلطنت رابه برادر رابزرگ خود سردار عنایت الله خان (معین السلطنه سابق) گذاشت واهالی کابل اعم ازعلماء ـ قضات ـ مامورین و اهالی کابل بوی بیعت کردند

غازی امان الله ـ عصر روزدوشنبه (۲۶) جدی سال ۱۳۰۷ شمسی وارد شهر قندهار گردید ـ وروز (۲۷) جدی قضات ـ علماء ـ سادات و خوانین و مامورین و متنفذین قندهار رادرعمارت سلامخانه احضار وازگذارش احوال بصورت مفصل خبرداد اضی عبدالشکور خان بارگزائی به پادشاهی عنایت الله شاه ـ علاقه ازخود نشان نداد.

روزشنبه (۲۹) جدی تلگراف عنایت الله خان ازپشاور به قندهار رسید و متعاقباء خودش وارد قندهار گردید ـ غازی امان الله میخواست اورامجدداء به پادشاهی افغانستان تعیین وازعلماء وقضات بیعت حاصل کند. عنایت الله خان قبول نکرد و گفت: ارزو و هوس سلطنت راندارم.

ر ملاعبدالشکور خان قاضی القضات سابق که این وقت هم منصب قضاداشت ـ ونیزعده دیگرقضات وعلماء که روز پنجشنبه (۲۷)

جدید در عمارت سلامخانه قندهار به پادشاهی عنایت‌الله خان
رای نداده گفته بودند .
غازی امان الله خود مجدداً قبول سلطنت نماید ـ همین حرف
او از طرف قضات و علماء در قندهار تائید گردید ـ غازی امان الله
که فکر استقرار امنیت ودوام استقلال کامل افغانستان را جداً بخاطر
داشت به فتوی و مشورت عموم علماء شرعیه ومتنفذین روحانی و ـ
معنوی وصوابدید بزرگان قبائل قندهار استرداد استعفا و سلطنت
مجدد با استقلال خود رااعلان واز مردم بیعت وعهد موکد به سوگند
گرفت و گفـــت :
سلطنت من همیشه سلطنت اسلامی شرعی بوده والآن بعد از این
همه همین اساس احکام دین مبین حضرت سید المرسلین (صلی
الله علیه وعلی اله واصحابه وسلم) وبرطبق مقرارات مذهـــب
منیف امام اعظم ابی حنیفه کوفی رحمته الله تعالی علیه و موافق
به مقتضیات عنعنات ورسوم صحیح بین الاقــوامی افغانی یعنی
شورائی ملتی جاری بوده و بمحضر شما قضات و علماء وســـادات
و اشراف و اعیان اقوام که وکالت طوائف خود رادارید عهد میکنـــم
که پیرو احکام دین مقدس اسلام بوده و استقلال افغانستان را تـا
دم مرگ حفظ میکنم ـ قضات و علماء وبعد از آن همه حاضرین مراسم
بیعت مجدد بحضور غازی امان الله شاه بجاآوردند قاضی عبدال
شکور خان باین لحاظ که بتائید سلطنت عنایت‌الله خان رای ـ
نداد وهم اینکه سخنانی برخلاف سقو نگفت وهم اینکه برادرش ـ

عبدالکریم خان روش محتاطانه رااختیار کرده بود ــ در برج جوزای سال ۱۳۰۸ ازمرگ نجات یافت . ودلیل کدورت قلبی ازاینکــــــه دردوسال اول سلطنت امانیه قاضی القضاه وبعد ازتشکیل وزارت عدلیه درسال ۱۳۰۰ شمسی این موقیعیت بزرگ برای وی ادامـــــه نیافت باطناً ابراز تاثیر می نمود وهمان بود که ازبرج دلو ســـال ۱۳۰۷ شمسی مولوی عبدالواسع حیثیت قاضی القضات راپیدا کرد .

وباجرئت تمام ازسلطنت امانیه مدافعه می نمود وشرح ان دراین کتاب مندرج اســت .

نطق شیخ الاسلام د رقند هار (۱)

علماء دینی قند ها ر بشمول اخوند زاده ملاعبدالشکور خان قاضی سابق قند ها رتاریخ (۵) برج دلو سال ۱۳۰۷ هجری شمسی مطابق (۱٤) شعبان المعظم سنه ۱۳٤۷ هجری قمری د رحوالی زیارتگاه مبارك و مقدس خرقه ٔ نبویه (ص) بجهته استقرار یك دولت و سلطنت دینی و مذهبی واستحکام قدرت نظامی وسیاسی افغانستان مستقل اجتماع ود رخصوص انتخاب امام بحث ها نمودند از جمله اکابرعلماء قند ها ر ـ مولوی عبدالواسع خان ابن مولوی عبدالروف خان مرحوم که اهالی حیثیت شیخ الاسلام راد را بان وقت بروی قایل بودند ـ د رمحضر جم غفیری از علماء ووکلاء قاطبه ٔ قاطنین قند ها ر نطقی نمود که د راین صحیفه تاریخ متن انرا ازنظر میگذ رانیم :

(برادران مسلمان اهالی شریف اشرف البلاد و اطراف قند ها ر ـ اعلیحضرت شریعت پرور غازی مان امیرامان الله خان پادشاه استقلال بخشای افغانستان د رد وماه گذشته د ردارالسلطنه کابل د رنطق های جامع خود د رحضورعلماء و مشائخ اهالی شهر وشش کروهی که بسیار نفراز خواص وعامة الناس حاضر و ناظر و مستمع بودند ـ چند بار کلمه ٔ طیبه ٔ مبارکه وکلمهٔ مقدسه ٔ شهادت راما نند همه وقته بتکرار به لسان حقیقت بیان خود شان جاری نموده ازحسن عقیدت پاك اسلامیت کارانه ٔ خود شان جهراً ، علناً ، بما کافه ٔ دیانت طویت مسلمین را سخین سخن راندند و

واسباب مفخرت همه ماگروه علماء راحاصل نمودند وهمه شرائطی

راکه علماء حاضر دارالسلطنه کابل بحضور عواطف ظهور شاهانه

شان عرض وپیشنهاد نمودند مانند سوابق به تمام رضاء خاطر فیض

مقاطرانهمه رابدل خلوصیت منزل جاداده باصدق وایقـــان

قبول کرده تعهدا جراء احکام عدالت اسلامی رامطابق بمهد رایات

شریعت مقدسه اسلام و موافق باصول مذهب مشرف ابوحنیفـــه

کوفی رحمته الله تعالی علیه نمودند وبقاطبه قاطنیـــن

مسلمین اوطان افغانستان زمین اطمینان دادند که الحمداللـــه

تعالی چنانکه دراین مدت ده سال هرامری رامطابق به فتـــوی

وفیصله علماء وفقها ووکلا این خطه مقدسه افغانیه انجام داده

درقید نظامات اورده تطبیق و تنفیذ انرا ذمت کرده ام ـ بازهـــم

بقرار این وعده قطعی که باشما علماء ووکلا مینمایم بتوفیق واستعانت

ازبارگاه اوتعالی جلت عظمته تمام ان احکام و نظامات را درامور

کلیه و جزئیه مویداء وعده میدهم واحکام رابروفق فیصله و تصویـــب

اراء علماء دینی درهرمرحله انجام می اورم .

اعلیحضرت امیرالمسلمین غازی که اینگونه حسن عقیدت خـــود

شان راابرازفرموده اند ز صورت تعهدات شان بصفت امام واولی الامر

---

(۱) این شخص درعهد امیر عبدالرحمن خان در سنه ۱۳۰۹ هجر

ی قمری قاضی شهرقندهار ودرد وسال اول سلطنت اعلیحضرت امان

الله شاه درکابل قاضی القضات بودنـــــد .

تحریراً و تقریراً مورد تائید و یقین است با گروه علماء اسلامی اکراوشان رامجدداً بقبول بارگران سلطنت وادار بسازیم چون صاحب علم و تجربه اند ونفع دین ووطن ازان متصور است باید دست بیعت باین اولی الامر عدالت شیم بدهیم — چون به مذهب مشرف امام ابوحنیفه ٔ کوفی رحمته الله علیه دربیعت جماعت ازاشراف واعیان کافی است — علماء ووکلا اقوام باید اولتر بیعت کنند به حیثیتی که تنفیذ احکام شرعیه ٔ امام اعظم رحمته الله علیه کنند — لهذا بنابراین تعهدات شرعی شان دلائل و فتوی — شرعیه کاملاً صدق میکند ۰ فاماه باین لحاظ که چرا خود را از — سلطنت خلع کرده اند باید مدلل ساخت ۰ که ذخیرهٔ عامه اجماع ملت رامد نظر گرفته باین منظور که خون نظامیان وبیچارگان وبیگناهان بناحق بخاك هلاك نریزد و هستی بیت المال به جنگ تباه کن داخلی بتاراج نرود ورعایا بانواع ضرر نبینند وازادامه کفاکر اهل نفاق و شقاق اعتبار استقلال مملکت درانظار اهل دنیا برهم نخورد این اولی الامر نیکو نیت دوراندیش مصلحت کیش بفتوی فکرصاحب خود نردست ازین شغل نبیل امارت سلطنت کشیده تاج وتخت مورثه ٔ افغانیه راعاجلاً به برادر اکبرخود اعنی سردار — عنایت الله خان معین السلطنه ٔ سابقه تفویض نموده رهگرای این طرف خطهٔ مقدسه ٔ قندهار گردیدند وارد شده یوم درتمامی مجامع حرف ازارامی واسودهٔ حالی واتحاد واتفاق اقوام افغانستان ونگاهداری خاك واستقلال بزبان اوردند — وقتی که ذات عدالت صفات غازی معظم که دارای صحت یدن حسن نیت وراستی عقیدت

باین درجات عالیه درطائفهٔ افغان مشخص باشند ودرمحاضرعلماء

گفته باشند : این خادم عباد الله قطعاً ازاساس دین محمدی حضرت

سید المرسلین صلی الله تعالی علیه واله واصحابه وسلم سرموی

تخلف نورزند ونمی ورزم — واما سلطنت نمی خواهم وفقط فرصت چند

مدت دراداره عدالت وامنیت برای اراضی واهالی اقوام متدین افغان

ستان عزیز میخواهم تا باشد که خدمت کاری خود را در اداء امانت

خدمت جامعهٔ افغانیه واستقلال ان ثابت کرده باشم ، لهذا

منصب وزارت حرب را برخود می پسندم .

لهذا فرد مسلمان فدائی دین ووطن که بوحدانیت حق جل

علی شانه العزیز و نبوت حضرت سید الولاک سلیم وپابندی دائمی

مذهب منیف امام اعظم ابی حنیفهٔ کوفی (رح) تا این درجات مجد

واخلاص باشد پس چگونه ناخردمندان اشتباه کرده این چنین

مومن راسخ دارای عقل سلیم را از حریم تحقیق اسلامیت برکنار

یاد کرده باشند — نعوذاً بالله منها —

چون ذات مقدس سپاه سالار معزی الیه که از روز طفولیت کمر

بعزم جهاد فی سبیل الله بسته وبعلوم اسلامیت خدمت کرده اند

باشند — می باید که از جهت خدمت بعالم افغانیت مجدداً

قبول سلطنت نماید ودر قول وفعل تابع احکام شریعت مقدسهٔ اسلامیه

باشد . بچه سقو نام دزد شریری که ناخوان مطلق وناکس وسارق و

حریف اهل فسوق وقتال وقوت دهندهٔ جهال بدافعال است

امامت واولی الامری ان رهزن مردم ازار را ودارا زانها بالقبول کرده — را

که بی علم در امور شرع وعدل وبدون استحقاق شرعی مقرر دولت وسلطنت افغانستان را غصب کرده است وما فتوی به خلع فوری ان میدهیم واز علماء تمنا میداریم که اتحاد واتفاق کرده امیرامان الله غازی پادشاه سابق را مجدداً تکلیف بقبول امامت وسلطنت با لا ـ ستقلال افغانستان بنمایند وخیر ومصلحت کافه رعایا دران است که ازبرای رفع ودفع ظلم ووحشت زودتر باین اولی الامر معظم والاشیم دست بیعت بدهند).

٥ ٥ ٥

بعد این نطق ـ علماء باتفاق کامل بیعت نمودند وگفتند .
استقلال وحریت ما را همین اولی الامر معظم کما فی السابق مطابق تمشیت ازلی که خداوند عالم ج) اسلام را حروازاد افریده بزیر چترهمایون ان محب اهل الله مؤید خواهد داشت ـ انشاءالله تعالی وگفتند : کسی که برخلاف این اولی الامر متشرع طغیان عصیان ورزد قابل توبیخ وسرزنش است .

نطق شیخ الاسلام قاضی القضاه

در قندهار

غازی امان الله شاه ـ بوصف انکه اهالی قندهار بتاریخ (۵) برج دلو سال ۱۳۰۷ شمسی مجدداً بیعت نموده بودند چون دوام ـ سلطنت خود را باعث جنگ و خونریزی احساس نمود ـ ازروی دوراندیشی وترحم بحال مردم مجدداً دست ازشغل سلطنت کشید وبتاریخ (٤) برج جوزای ۱۳۰۸ شمسی ازافغانستان خارج شد ـ برای اینکه بی نظمی دراوضاع افغانستان رخ ندهد عده کثیری ازعلماء شرعیه و شخصیت های قومی اتفاق کرده بحث و مشورت اغاز نمودند وبهمین تاریخ علی احمد خان والی سابق باعتبار اینکه خاندان لویناب ازسابق در رحمی خاندان مولوی عبدالواسع خان شفقت ومرحمت نموده بودند مولوی عبدالواسع خان بجانبداری علی احمد خان نطق های مهیجی نموده گفت: (وقتیکه غازی امان الله خان از وضع نفاق مردم دل تنگ شده ازافغانستان خارج شد ـ چون دوام ـ حکمرانی سقو باعث بربادی و تباهی افغانستان میشود ـ علی احمد خان که بقبول امر سلطنت حاضر است ما از ته دل راغب می باشیم که اورا بامارت سلطنت قبول نمائیم ـ وقتی این امیر زمام امور را بکف خود گرفت وظیفه ماعلماء همین است که بجهت حفظ رسوم شریعت غرای محمدی (ص) و مذهب مهذب امام اعظم کوفی (رح) مقتضیات خلافت اسلامی حنفی را د رهربا ب پیش نظر داشته د رهرامری ازامور

محققانه فتوی بدهیم — وچون یک دولت وحکومت مشورتی اسلامی مورد قبول علماء است ما بهمین شرط دست بیعت میدهیم و بچه سقاء دزد سفاک بی باک را هرگز قبول نداریم وکسانی که اورا خادم دیـــن خطاب داده اند خطا کرده اند . ما سقوزاده را کافر نمیگوییم چرا که مسلمان ومسلمان زاده وازاهل مملکت و حنفی مذهب است . اما باعمال دزدی وراهزنی و ظلم و شقاوت و جهالت وادم کشی اواقرار داریم — این اتهام نیست واین اعمال ازصورت احوال این پدیدار — اســـــــــت) .

عده یی ازمخالفین که دردا خل شهرقندها رسکنی داشتند سبیا نات مولوی عبدالواسع خان را ازطرف علی احمد خان ((قاضی القضات — خطاب یافته بود)) به شهرکابل پیسمع بچه سقورسانیده گفتند : علماء صاحی قندها ررا غالباء همین شخص که عزت دیده وقرب یافتـــه دربار امان الله خان است تحریک و ترغیب بقبـــول بیعت سلطنـــت مجددا او نمود وبعدا ازان بجا نبدا ری علی احمد خان عین همین مراتب مراتب صدق و اخلاص راازخود ابراز کرد وبرخلاف حکومت کابل سخنان گفت — هرگاه همین ملا رابدست اورده بمانند مرغ سرش رازیرپالش نما ئید دیگرخیروخیریت است .

صبح روز شنبه (۱۱) برج جوزای سال ۱۳۰۸ شمسی مطابق (۲۳) ذیحجـــه الحرام سنه ۱۳٤۷ هجری قمری مولوی عبدالواسع ومولوی عبدالشکور برهنمونی افراد مخالف دردا خل شهرقندهار بدست سپاهیان سقوی سپرده شدند . سقویان درصحن بازارریس مولوی —

عبد الواسع خان را پورکرد ند وبهمراه علی احمد خان بکابل فرستاد ند
(۱۳۰ بـرج جوزای ۱۳۰۸ شمسی) .

بچه سقوود را ولین برخورد به مولوی عبد الواسع خان گفت :

مرا کافرگفته یی - مولوی گفت : استغفرالله من مسلمان را کافرنمی
گویم - اما گفته ام که دزد واد مکش است . لذا بقرار حکم شریعت
باید یک پای ویک دست او قطع شود . وکسانی راکه بناحق کشته
است باید قصاص شود . وشریعت نفرموده است که سارق و قاتل نفس
وجاهل اولی الامر اسلام باشد واینقدر که گفته ام انکار نمی کنم .
بچه سقو حکم اعدام اورا صادرکرد وبهمراه علی احمد خان بساعت
(۱۱) قبل ازظهر ( ) برج جوزای سال ۱۳۰۸ شمسی
اعدام شد . وبعد بقرار مولوی موصوف بحیث قاضی القضات درمدت
سه ماه جای مناسب خود راد رتاریخ قضا اشغال نمود . وقندهار
یان بتاریخ (۱۹) سنبله سال ۱۳۰۸ شمسی با نتقام خون اند و
نفر به تعداد هشت صد و چهل نفرمرتکبین این مظالم راد رقندهار
قتل عام نمود ند وروح مولوی عبد الواسع خان قاضی القضات شیخ
الاسلام آرام گرفت .

قاضی القضات (رئیس العلماء)

جریده «اصلاح» منطبعه علی حسین حاجی — در شماره (۲۰) مصادف به روز سه شنبه (۲۸) برج اسد سال ۱۳۰۸ شمسی مطابق (۱۵) ربیع الاول سنه ۱۳٤۸ هجری قمری خبری باین عبارت نشر نموده است:

(از سرکردگان و ظالم اوران افغان — سردار حیات الله خان وزیر عدلیه — سردار محمد عثمان خان رئیس دارالعلوم دینی — قاضی القضات عبدالواسع خان رئیس العلماء — قاضی محمد اکبر خان را بچه سقو ظالم به شهادت رسانید).

از خبر جریده مذکور تائید گردید که ملا عبدالواسع خان در سال ۱۳۰۷ ویا از تاریخ (۵) برج دلو سال ۱۳۰۷ تا نیمه برج جوزای سال ۱۳۰۸ شمسی یعنی در عهد سلطنت غازی امان الله شاه و چند روز حکومت مستقل علی احمد خان در قندهار منصب قاضی القضات و منصب رئیس العلماء داشته است.

و خبر مذکور ثابت نمود که تا آخرین ایام دولت سلطنت امانیه این عناوین علمی و عدلی و قضائی در تشکیلات اساسی دولت شرعی و قانونی افغانستان مستقل وجود داشت و تاریخ قندهار شاهد این حقیقت است.

چون مولوی عبدالواسع خان — سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه غازی را سلطنت شرعی و مخالف او را باغی و ظالم و ... رئیس ... مکرر

خود ازفرزند شما را بلای کرده بود — در هفته اخیر جوزای سال —
۱۳۰۸ شمسی بعد ادای دو رکعت نماز — بهمراه علی احمد خان
در یکروزه رکابل اعدام شد . وافتخار هردو نفر همینکه تا لحظه
مرگ گفتند :

ما دین مقدس اسلام و استقلال افغانستان را فراموش نمی کنیم
واطاعت دزد و جاهل و غاصب را قبول نمی نمائیم .

ترتیب وطبع ونشر نظامنامه ها
درافغانستان درعهد امانیه

درافغانستان ـ علماء و محققین اسلامی افغانی درزمانه هایی که مطابع وجود نداشته باستناد احکام دینی ـ کتب فقهی اسلامی مطابق اصول مذهب منیف حنفی حضرت امام اعظم کوفی (رحمته الله تعالی علیه) مسائل علمی و قضائی را درمحاکم شرعیه حل وفصل وبه تاًلیفات احکام دینی اقدام واهتمام می ورزیدند .

وچنانکه بعصرهای متعدد و مترتب این کتاب تاریخ نشان میدهد ه عموم فتاوی به دارالقضاء ارجاع میگردید واعضاء دارالقضاء روی همان اساس شرعی عمل می نمودند . بعد از تاًسیس مطابع درافغانستان به نشر کتب ـ رسائل ـ لوائح ـ اقدام گردید . طبع قانون نامه ها ـ ازعهد مطبعه ٔ جدید کابل سنوات ۱۳۰۳ قمری ـ ۱۳۲۲ قمری آغاز نمود . کتاب ضیاء الاحکام که بعداً سراج الاحکام مسمی ودر مرحله اکمال رسید وسائر کتب ورسائل مسائل فقهی راتشریح و تشریح نمود . نظامنامه ٔ ذاک (پسته) و نظامنامه ٔ مالیات درعهد امیرحبیب الله خان درکابل طبع واشاعت یافت .

محفل میزان التحقیق و بیت الشوری ـ که اکثراعضاء دارالقضاء بودند تاًلیف و ترتیب ووظیفه ٔ غور و ملاحظه مؤلفات راداشتند .

توام باعلان استرداد استقلال کامل افغانستان (برج حوت سال ۱۲۹۷ هجری شمسی بفرمان اعلیحضرت امان الله شاه ـ شورای

علوم ومحفل وضع قوانین وشورای دولت تأسیس گردید تألیف
قانون نامه ها بنام نظامنامه ها روی دست گرفته شد . وازجانب
دولت بمقامات علمی و تقنینی کشورهدایت داده شد که چون عموم
اهالی عالم علوم عربی نمی باشند وبرای دریافت هریک مسئله بسه
چند کتاب فقهی مراجعه نمی توانند . لهذا تمام مسائل فقهی
توسط علماء وقضات افغانستان بزبان پشتو ودری ترجمه وترتیب
گردد . وبرای اینکه اهالی مشتبه نگردندکه نظامات دولت محض
احکام پادشاهی است . ازاین جهت درصفحه اخیرمسودات هر
یک نظامنامه باید علماء حضور یعنی شورای علماء دولت که قضات
محاکم نیزدران مجمع بزرگ علماء و فقها اشتراک دارند . مهرو
امضاء بنمایند و بعد تصویب علماء درمطبعه طبع واشاعت گذاشته
شود .

ازمهمترین خدمات علمی و قضائی دولت بااستقلال امانیه
یکی اولترتألیف وترتیب نظامنامه هااست که مفصل این جریانات
رادرتاریخ عهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه نوشته ام . ودر
ایسن کتاب ازجهت تکمیل مقتضیات تاریخ دارالقضاء درافغانستان
بمحض فهرست نظامنامه های عهدامانی اکتفامی ورزم وازینقرار است:

نظامنامه مالیه ـ اول حمل سال ۱۲۹۹
نظامنامه نشانهای ذیشان دولت علیه مستقله افغانستان ۱۲۹۹
نظامنامه اخذ رسوم گمرک ـ اول حمل سال ۱۳۰۰
نظامنامه داک خانه ـ ۹ سنبله سال ۱۳۰۰

نظامنامه اساسی پشتو ــ ۱۹ حمل سال ۱۳۰۲

نظامنامه ٔ اجراات تصفیه ٔ ماضیه ــ ۲۰ حمل سال ۱۳۰۲

نظامنامه ٔ قانون نامه ٔ حاضری ــ ۱۷ ثورسال ۱۳۰۲

نظامنامه ٔ تذکره ٔ نفوس ــ ۱۷ ثور سال ۱۳۰۲

نظامنامه رسوم گمرك ــ ٤ ثور سال ۱۳۰۲

نظامنامه فروش املاك سرکاری ــ ۱۵ جوزا ــ ۱۳۰۲

نظامنامه ٔ مهاجرین ــ ۱۸ سرطان سال ۱۳۰۲

نظامنامه ٔ ابنیه ٔ شهر دارالامان ــ ۱۹ اسد سال ۱۳۰۲

نظامنامه مکاتب خانگی ــ ۱٦ سنبله ٔ سال ۱۳۰۲

نظامنامه ناقلین سمت قطغن ــ ٤ میزان سال ۱۳۰۲

نظامنامه ٔ تفریق وظایف حکام ومامورین متعلقه ان میزان سال ۱۳۰۲

نظامنامه ٔ تفریق وظایف کاتبان داخل قطعات ود ایر لوازم فرقه وقول اردو ــ ۳۱ میزان سال ۱۳۰۲

نظامنامه ٔ قونسلگری دولت علیه ٔ افغانستان ــ اول عقرب سال ۱۳۰۲ ــ

نظامنامه ٔ مدیریت های مامورین ــ ۱۰ عقرب سال ۱۳۰۲

نظامنامه مدیریت محاسبه وزارت جلیله ٔ خارجه ــ ۱٤ عقرب سال ۱۳۰۲

نظامنامه فروش اموال تحویلخانه های سرکاری ــ ۱۵ عقرب سال ۱۳۰۲ ــ

نظامنامه وزارت جلیله حربیه ـ ۱۵ عقرب سال ۱۳۰۲
نظامنامه مدیریتهای دفترداری ـ ۱٤ قوس سال ۱۳۰۱
نظامنامه وظایف مستوفیان وسررشته داران اعلی وماموریناتحت شان (۷) جدی سال ۱۳۰۲
نظامنامه وظایف ماموریں زراعت مربوط وزارت تجارت ـ ۲۵ قوس سال ۱۳۰۲
نظامنامه وکیل التجاره ـ ۱٦ جدی سال ۱۳۰۲
نظامنامه اعلان نامه اداره لیلیه ـ ۲۱ جدی سال ۱۳۰۲
نظامنامه استعفای ماموریں ملکی ـ ۱۵ دلو سال ۱۳۰۲
نظامنامه معاملات نهررزاق سمت شمالی ـ ۲٤ دلوسال ۱۳۰۲
نظامنامه بلدیه ـ ۲۵ ـ دلو سال ۱۳۰۲
نظامنامه اصول محاکمات جزائیه ماموریں ـ ۲۰ حوت سال ۱۳۰۱
نظامنامه حاضری ماموریں ـ ۲۰ حوت سال ۱۳۰۲
نظامنامه نشانات معارف
نظامنامه تعمیرات پغمان
نظامنامه تشویقه صنایع دولتعلیه افغانستان
نظامنامه پروگرام دارالمعلمین ها ودارالمعلمات مرکز ـ ۱۳۰۲
نظامنامه جزائی عمومی ـ اول میزان سال ۱۳۰۳
سواد معاهده دولتین علیتین افغانستان وایران سال ۱۳۰۳
نظامنامه مطبوعات ـ ۱۰ جدی سال ۱۳۰۳
نظامنامه مقیاسات ـ ۲۳ حوت سال ۱۳۰٤

نظامنامه تربیه اطفال یتیم ــ ۱ اعقرب سال ۱۳۰۵

نظامنامه خدمات داخلیه عسکریه ــ سال ۱۳۰۵

نظامنامه رتبه های عسکریه ــ سال ۱۳۰۵

نظامنامه تعلیمگاه امران وضابطان ۲۹ سرطان سال ۱۳۰۵

نظامنامه اذوقه ــ ۲۲ جدی سال ۱۳۰۵

نظامنامه تربیه اطفال یتیم ــ ۲۳ جدی ۱۳۰۵

نظامنامه وزارت معارف ــ دلو سال ۱۳۰۵

نظامنامه نهر رزاق سمت شمالی ــ ۲۶ دلوسال ۱۳۰۵

نظامنامه محاکم شرعیه درباب جرایم ــ ۳۰ جوزا ــ ۱۳۰۶

نظامنامه جمعیت عیاره افغانستان ــ ۸ سنبله سال ۱۳۰۷

نظامنامه فرقه استقلال وتجدد ــ سال ۱۳۰۷

نظامنامه کلوپ سیاه ــ سرخ و سبز ــ ۲۲ سنبله سال ۱۳۰۷

ه ه ه ه

نظامنامه های دوره امانیه بدفعات تجدید نظر وهم مجدداً و مکرراً طبع ونشرشده وبعضاً بصورت خطی باقی ماند تاانکه از سال ۱۳۰۹ شمسی مجدداً تحت غور و ملاحظه قرار شد وازمواد و مولفات ان استفاده بعمل امد ودراین دوره نظامنامه ــ اصول نامه نام گذاشته شد که فهرست انهمه را درقسمت عهد سلطنت اعلیحضرت محمد نادرشاه دراین کتاب دارالقضاء ارائه خواهیم نمود .

وزارت عدلیه درمدت (۹) ماه دوره اغتشاش (۲۵) جدی

۱۳۰۷ ـ (۱۹) میزان ۱۳۰۸

هجری شمسی

ازتاریخ (۲۵) برج جدی سال ۱۳۰۷ هجری شمسی تا شام

روز (۱۹) برج میزان سال ۱۳۰۸ شمسی ـ بنام و عنوان وزیر

معارف ـ وزیرعدلیه ـ معین عدلیه ـ قاضی القضات ـ نائب

القضا ـ خانعلوم ـ رئیس تمیز ـ رئیس اصلاحیه ـ در تشکیل

حکومت خادم دین کسی شناخته نشید ـ ا تنها ملاصاحب خان

نام شخصی بعنوان مولوی جنگ و ملا حضرت مهردار و غلام ـ رسمیت

داشتند .

وظایف وزیرعدلیه ـ قاضی القضات ـ رئیس تمیز را در مدت ۹

ماه ملک محسن والی کابل و سید محمد یاور در حضور خود فیصله

میکردند .

خبر جریده اصلاح در خصوص ضایعات علمی و قضائی

جریده اصلاح منطبعه علی خیل (ولایت پکتیا) در شماره (۳) مورخ سه شنبه (۲۸) اسد سال ۱۳۰۸ شمسی (۱۵ ربیع الاول سنه ۱۳٤۸ قمری ـ ۲۲ اگست ۱۹۲۹ میلادی)ـ

تحت عنوان (قربانی وطن خواهان افغانستان) نوشته است:

(از سرکردگان و بزرگان افغان سردار حیات الله خان وزیر عدلیه سردار عبدالمجید خان ـ سردار محمد عثمان خان رئیس دار العلوم دینی ـ حبیب الله خان معین حربیه ـ قاضی القضات ملا عبدالواسع خان رئیس العلماء ـ قاضی محمد اکبر خان را که اشخاص فعال وارا کین ملت افغانستان بودند بچه سقو ظالم بشهادت رسانید

جریده اصلاح: این خبر وحشت اثر اتلاف رجال بزرگ افغان وظلم وستم وحشیانه بچه سقو را بعموم ملت افغان و علاقمندان افغانستان رسانیده اظهار تاسف می نماید و به اقوام غیور افغانستان خاطر نشان مینماید که بچه سقو ظالم مقصودش خرابی حکومت و معدوم ساختن رجال بزرگ افغانستان است که این افعال وحشیانه را ارتکاب نموده از هیچگونه ظلم و تعدی دریغ نداشته ذوات بزرگ را قتل و اهل و عیال شان را اسیر و محبوس و مال و هستی انها را چور و تاراج گردانیده ما از خدای کریم برای ذوات محترم

طلب مغفرت نموده برای بازماندگان شان از ظلم بچه سقو نجات میخواهیم ».

***

این بود خبر جریده « اصلاح » — واقعات قتل علماء و قضات مذکور در اواسط و اواخر برج جوزا و اوائل برج سرطان سال ۱۳۰۸ ش بوقوع رسیده و این خبر منتشره کاملاً حقیقت دارد ودرتاریخ فیا در افغانستان عیناً پرداخته شد .

اظهارات محمد ولی خان وکیل

در برابر سوالات دو نفر قاضی

محمد ولی خان وکیل عهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه غازی در برج دلو سال ۱۳۰۸ شمسی تحت محاکمه گرفته شد وتاریخ امضاء فرمان دولت ووقت درخصوص محاکمه مذکور ـ ۲۵ دلو سال ۱۳۰۸ مطابق (۱۵) شعبان المعظم ۱۳۴۸ هجری قمری است ·

محمد ولی خان ـ بجواب سوال هیئت تحقیقه نوشت : در ـ زمان بچه سقا و من درخانه خود محبوس بودم ـ کسی رفت وامد کرده نمیتوانستم فقط یکدفعه ازنفری معتبرین قاضی محمد اکبر خان و حاجی شهنواز خان نزد من امده بودند وقاضی محمد اکبر بمن گفت که : من اززبان بچه سقا وشنیدم که میگفت :

این تفنگ پنج تکه ـ تفنگ وکیل است · صرف یک شبهه بدل من گذشته ازشما می پرسم · من برایش جواب گفتم که شما ازنزد بچه سقاو پرسیده که تفنگ وکیل چگونه برای شما رسیده ـ بمن ـ گفت که ازنزد شداد کسی پرسیده میتوانند ·

بعد من برای اوگفتم که این تفنگ من درقلعه مراد بیک درقلعه من بود ـ دیگراسباب وسامان هم که داشتم همه ضبط کرد واین تفنگ راهم درجمله همان مالها گرفته بعد ازان روی بمن نموده ـ گفت : عفومیخواهم که فقط یک ظن بد بخاطرم خطور میشود ـ الحمدالله که رفع نمودید ویکدفعه هم قاضی عبدالجلیل و سید

عبدالقادرخان احمدزائی نزد من آمده بود وبرایم قاضی گفت که : "افواه است که شما تفنگ پنجتیر به حبیب الله داده معاونت کرده اید ." برای او هم گفتم که نعوذ بالله چطور با حبیب الله معاونت می کردم ـ غلط است من حقیقت را که بجواب قاضی محمد اکبرخان گفته بودم با وهم گفتم) .

هیئت تحقیقیه سوال نمود ـ جناب محمد ولی خان . در فقره که اسم حاجی شهنوازخان وقاضی محمد اکبرخان مرحوم و قاضی عبدالجلیل خان را تحریر نموده اید معلوم نیست که قاضی عبدالجلیل خان همان قاضی سابقه مرافعه سمت شمالی خواهد بود یا شخص دیگری است توضیح مینمائید . محمد ولی خان بجواب نوشت : بلی همان است (۱)

ه

یعنی در وقت مذکور روقت حکمرانی بچه سقو از زبان محمد ولی خان وکیل در منزل خود شان (واقع باغچه هوتل کابل حالیه) در حضور تنند مشهور ((...)) اقرار خواسته اند واو این افواه را تکذیب نموده است و در جریان همین محاکمه از قاضی عبدالقدوس خان از اهالی سمت مشرقی نیز نام برده شده که در هیئت علماء شاهدان جریان محاکمه حاضر بوده است . و این سطور محض برای تذکار اسماء سه نفر قاضی عهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه پرداخته شد و سایر مسائل در این صحائف تاریخ دارالقضاء قابل درج و بحث نمی باشد .

(عزیزالدین وکیلی فوفلزائی)

---

(۱) نقل از صفحات کتاب محاکمه محمد ولی خان ـ طبع مطبعه کابل ۱۸ حمل سال ۱۳۰۹ مطابق (۷) ذیقعده الحرام ۱۳۴۸ ـ بترتیب میرزا عطاء الله منشی ریاست دیوان عالی .

دارالقضاء افغانستان

در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد نادرشاه

۱۳۴۸ قمری — ۱۳۵۲ قمری

۱۳۰۸ شمسی — ۱۳۱۲ هجری شمسی

وزارت عدلیه

در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد نادرشاه

عصر روز جمعه (۳) عقرب سال ۱۳۰۸ شمسی مطابق (۲۲) جمادی الاولی سنه ۱۳۴۸ هجری قمری موافق (۲۷) اکتوبر ۱۹۲۹ ع

اولین هیأت حکومت نادرشاهی در شهر کابل اعلان گردید .

در این اولین اعلان فهرست اعضای حکومت :

حضرت فضل عمر (عمرشیرآقا) نورالمشائخ — وکیل وزارت عدلیه

ومیرعطا محمد خان هراتی قاضی سابق — معین وزارت عدلیه معرفی گردیدند .

از تاریخ (۸) عقرب سال مذکور تا سال ۱۳۰۹ شمسی در تشکیل کابینه وزرا — تشکیل وزارت عدلیه بدینقرار بوجود آمد :

وزیرعدلیه — حضرت فضل عمرصاحب مجددی .

معین — حضرت فضل احمد خان مجددی .

رئیس تمیزعدلیه — فضیلت پناه مولوی عبدالرب خان .

رئیس اصلاحیه — امین الله خان .

عضو اول تمیز وزارت عدلیه — عبدالله خان .

رئیس جمعیت العلماء — ملا بزرگ خان .

شعبهٔ احتساب

دراعلان مورخ یکشنبه (۵) برج عقرب سال ۱۳۰۸ هجری شمسی مطابق (۲۴) جمادی الاولی سنه ۱۳۴۸ هجری قمری (۲۶ — اکتوبر ۱۹۲۹ میلادی) دولت نادرشاهی درکابل گفته شد :

اول : حکومت موجوده موافق باحکام دین مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفی امورمملکت رااداره واجرا خواهد کرد — وبرای اینکه شریعت غرای محمدی (ص) درامورمملکتی قائم ودائم باشد ریاست شورای ملی ووزارت عدلیه مسئول می باشند — وشعبهٔ احتساب ازامورلازمی این حکومت است که بیک صورت منظم این شعبه دائرخواهد شد . موافق باحکام دین اهالی افغانستان بدون امتیازقومیت نژاد باهم برادر ودرحقوق مساوی یکدیگر شناخته میشوند .

رئیس تمیز

ملاعبدالرب خان دربها رسال ۱۳۰۹ شمسی رئیس تمییز وزارت عدلیه مقررگردید . مذکور پسر ملاحاجی عبدالرزاق بن ملاحاجی عبدالخالق بن ملاابوبکر بن ملاعبدالرحمن است .

ملاعبدالخالق مذکور بنام مولوی پالج مشهور بود و پالج نام قریه است درولایت غزنه .

محکمه ٔ مرافعه ٔ مرکزی کابـــــل
د رسنه ۱۳۰۹ شمســـی

د رقباله ٔ مورخ یوم شنبه (۱۸) برج ثور سنه ۱۳۱٦ مطابـــق (۲٦) شهرصفر سنه ۱۳۵٦ قمری مهرهایی موجود است کـــه عیناً نقل گرفته میشـــــود :

(مفتی محکمه ٔ شرعیه مرافعه ٔ مرکزی کابل ـ شرف الدین ۱۳۱۵)

(مفتی محکمه ٔ شرعیه مرافعه ٔ مرکزی کابل عبد الرحیم ـ ۱۳۱۱)

(قاضی محکمه شرعیه مرافعه مرکزی کابل صالح محمد ـ ۱۳٤)

۱۳٤۹ قمری مطابق ۱۳۰۹ هجری شمسی است .

مهرکلکی صالح محمد)

(مخصوص وثائــق)

قضات افغانستان در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد نادر شـــــــاه

فهرست قضات افغانستان بعد از سال ۱۳۰۸ هجری شمسی که تا سال ۱۳۱۳ شمسی در سالنامه کابل نشان داده شده ازاینقرار اســـت :

قاضی مرافعه کابل ـ ف ملا صالح محمد خان (جلال ابادی) .

قاضی ابتدائیه کابل ـ ف ملا احمد خان غزنوی .

ه ه ه

قاضی مرافعه قندهار ـ ف ملا اختر محمد خان .

قاضی ابتدائیه قندهار ـ ف ملا صاحب خان .

ه ه ه

قاضی مرافعه هرات ـ ف حافظ احمد علی خان .

قاضی ابتدائیه هرات ـ ف ملا عبدالباقی خان .

ه ه ه

قاضـی مرافعه مزارشریف ـ ف ملا میر محمود خان .

قاضی ابتدائیه مزارشریف ـ ف ملا محمد رجب خان .

ه ه ه

قاضی مرافعه جلال اباد ـ ف ملا فیض محمد خان .

ه ه ه

قاضی مرافعه حکومت اعلی جنوبی ـ ف ملا عبدالجلیل خان .

ه ه ه

قاضی ابتدائیه حکومت کلان شمالی ـ ف ملا عبدالجلیل خان .
قاضی ابتدائیه حکومت کلان غزنی ـ ف ملا محمد علی خان.
قاضی ابتدائیه حکومت کلان غورات ـ ف احمد جی خان .

محاکم شرعیه کابل

در سال ۱۳۱۲ شمسی

در شماره (۱٦) سال پنجم روزنامه اصلاح تحت عنوان اقرار نامه — مطالبی مندرج گردیده است که ازلحاظ ارتباط بامور محاکم شرعیه کابل جملاتی قابل اندراج تاریخ دارلقضاء مینماید:

(.......... ونظم نسبت بدان واقعه ع ه عبدالغنی خان قلعه بیگی ارک مبارکه ولدحاجی لعل گل خان ولد شلتیب علم بیک خان قرار وکالت خط نمره ... .

تاریخی ۲۴ قوس ۱۳۱۲ — از طرف حکومت وکیل اثبات جرم ومدعی علیهم فوق جمعا حاضرون محکمه عدلیه گردیده وکیل مذکور قرار ذیل اقامه دعوی واجرا حقوق عامه را بر مجرمین فوق خواستار است که من بنده عبدالغنی مدعی حسبتاء لله وکالتاء برعلیه این..... مخالفین شریعت نبوی هریک ....لذا حسب اقراری وشهادت شهود شرعی تحدید مجازات شان را از حضور محاکم سه گانه خواستارم. پس نظربا ینکه اوراق تحقیقیه نفری مذکوره کاملا ملاحظه وهرکدام شان بامضای خود بجرم صادره خود ها اقرا روشفاها در حالت صحت عقل وبدن وجواز الاقرار بحضور عالی محکمه های سه گانه باقرار اولی خود ها اقرارداد ند که اوراق مذکوره بامضای ما هسا ویرانی انقلاب وخرابی افغانستان اقدام نموده ایم..........

تحریر ۲۴ قوس ۱۳۱۲ مطابق ۲۷ شعبان ۱۳۵۲ بامضاء ومواهیرملا

احمد خان غزنوی قاضی محکمهٔ ابتدائیه وصالح محمد خان قاضی مرافعه وعبدالرب خان رئیس تمیز وعبدالحی خان عضو اول تمیز ومحمد علی خان مفتی اول ابتدائیه وخیرالله خان مفتی محکمهٔ ابتدائیه وحضرت نورخان مفتی وعبدالمجید خان مفتی مرافعه ونصرالله خان عضو دوم تمیز ومحمد عبدالکریم خان عضو تمیز) .

ه ه ه

صورت فیصلهٔ محاکم ثلاثهٔ شرعیهٔ کابل راجع به عبدالخالق ولد خداداد ولد فقیرمحمد وسه نفر دیگر (واقعه ۱٦ عقرب سال ۱۳۱۲) بوده است وانچه به تشکیل دارالقضاء انوقت کابل ارتباط داشت تا اینجا بطورخلص پرداخته شد . (وکیلی)

جمعیة العلماء افغانستان

جمعیة العلماء درتحت اثروزارت عدلیه بتاریخ (۲۵) قوس سال ۱۳۰۸ شمسی مطابق پانزده (۱۵) رجب المرجب ۱۳٤۸ هجری قمری درکابل دائرشد واولین اعضاء ان ازینها راند :

ملاعبدالحمید ازکابل ـ محمد عبدالکریم وملا محمد بهرام ازقندهار ملاعبدالباقی ازهرات ـ ملاغلام حیدر ازمزارشریف ـ ملا محمد عثمان ازمزارشریف ـ ملاعبدالواحد ازقطغن ـ ملا هاشم از قطغن ـ ملا محمد ابراهیم ازلامه ـ ملاعبدالعلی ازقیلغو ـ ملاعبیدالله وملاعبدالملک ملا سید خان ازسمت جنوبی .

مجلهٔ حی علی الفلاح

مجلهٔ ((حی علی الفلاح)) د ریږ جوزای سال ۱۳۰۹ شمسی از طرف ریاست جمعیة العلماء افغانستان ((مربوط وزارت عدلیه)) د ر تحت نگرانی ملا بزرگ تگاوی وبه سرمحرری ملا میرغلام چهرهاری د رمطبعهٔ عمومی کابل به چاپ سنگ به نشر اغاز کرد.

مرامنامه وصورتحله ویرمجلس جمعیه العلماء افغانستان

(۱۵) شهررجب المرجب سنه ۱۳۴۸ مطابق (۲۵) ــ

قـــــــــــوس ۱۳۰۸

جمعیه العلماء افغانستـــــان

این جمعیت که از علمای مشهورومتبحرافغانستان متشکل، ودر مرکزکابل منعقد میشود وتحت مراقبت وزارت عدلیه کارمیکند مرکب است ازدوقسم اعضا :

اول: اعضای انتخابیــه · دوم: اعضای طبیعیه ·

اعضای انتخابیه ان عبارت است ازذوات محترمی که بشرائط ذیـــل انتخاب میشوند :

(۱) ــ ازنسل وطن باشند ·

(۲) ــ تابعیت افغانستان راداشته باشند ·

(۳) ــ تربیه ٔ ان نزدعلمای راسخ العقیده ٔ وطن بوده ویاازدیگر محیط های مشهوراسلامیه کسب علم کرده باشند ·

(۴) ــ بمرافعه بازیها وجنجالهای مدعی ومدعی علیه بطوروساطت ووکالت شغل ننموده باشند ·

(۵) ــ کاملاً شخص پاك نفس وجیدالقریحه وذکی بوده درولایت خود ازجلیل ترین وبااخلاق ترین علماء محسوب باشند ·

تعداد مجموعی علمای منتخبه ولایات وحکومتی های اعلای افغانستان بیست نفراست باین تفصیل ؛

اعضای طبیعیه

(۱) رئیس دارالعلوم عربیه .

(۲) یکنفر نماینده از محاکم عدلیه کابل ویک نفر از ریاست عالی تمیز .

(۳) خطیب عیدین و خطبای مسجد پل خشتی ومسجد شاه دو شمشیره کابل .

وظائف جمعیه العلماء

(۱) ـ سنجیدن طرقی که بواسطه آن مسلمانان بتوانند بااعلای کلمته الله موفق شده وهمان مزایای علمی و اخلاقی خود راکه در صدر اسلام داشتند استرجاع نمایند .

(۲) کوشش ورزند که بذریعه موعظات و منشورات ـ اخلاق حمیده اسلامی در بین وطن شیوع یافته و تعدیدات وتجاوزات و مفسدات کارانه رفته رفته ازبین برود .

(۳) ـ کوشش نمودن که مردم ازعقائد اسلامی وفرائض نجگانه و سنن واداب مسلمانی مطلع شده به شعار حقیقی اسلامی پابند باشند .

(٤) ـ امرمعروف که وظیفه فردی واجتماعی افراد مسلمانها است شیوع یابد ودر اطراف موضوعاتیکه جمعیت مقرر فرماید اشخاص مناسب این کاربه همه اطراف گماشته شوند .

(٥) ـ درجات علمای حقیقی بذریعه این مجلس معلوم شود

که وزارت عدلیه وحکومت بدانند که علماء ودانشمندان مملکت کدام ذوات اند .

نکنند .
ودرعین حال اشخاصیکه لیاقت ندارند خود را در جرگه علماء محسوب

(٦) همیشه کوشش کنند که امانت تدریس و موعظه وخطابت و احتساب حتی فتوی و قضا به اهل ان سپرده شود . وناا هلان درین موارد مقدس مداخله نکنند .

(٧) ـ نشر صحائف هفته وار در اطراف مسائل دینی و اخلاقی خصوصاً بدفع رشوت ـ خیانت ـ شراب نوشی ـ دین فروشی ارتکاب سائر منهیات ـ اسراف ـ ظلم ـ جهل ـ بغاوت و غیره . وانها را به خطیب ها و امامهای مساجد روانه نمودن که در روزهای جمعه بمردم قرائت کنند والی رسیدن صحیفه دیگر همیشه ان را بمردم تلقین نمایند وبدیوارها نصب کنند .

(٨) ـ تشویق و توصیه نمودن ملاامام های مساجد را تا در اوقات بیکاری مقتدی های خود را برای یاد گرفتن الفبای عربی و فارسی تشویق نمایند ، تااگر ممکن شود اشخاص بی سواد مملکت لااقل بتوانند قران مجید را تلاوت کنند .

(٩) ـ بعض کتب دینی و اخلاقی که خیلی مفید است و هنوز فارسی نشده ، است انرا بفارسی ترجمه کنند .

(١٠) ـ برعقائد فرق مخالفه غور نموده ، وبرکتاب های انها اطلاع وعلم اوری نموده ، عقلاء واستدلالاء در رد انها بکوشند و بعض رسائل هم در این موضوع طبع نمایند .

(۱۱) ـ یک مجلهٔ دینی ماهانه در مباحث دینی ـ اخلاقی ـ ادبی نشر وتوزیع نموده به جمعیة العلماءهای دیگر مللی صدائی برسانند .

(۱۲) ـ با جمعیت العلمای مصر ـ هند ـ شام ـ باب مراسلات باز نموده همیشه باانها داخل مذاکرات ومباحثات شوند .

(۱۳) ـ بربعض کتب ومجلاتی که عصراً دربارهٔ دین نشر وتوزیع میشود اطلاع حاصل نمودن واظهار رای کردن .

(۱٤) ـ در وحدت قوم وشعب وطن که همه بیک رشتهٔ دین طبعاً شیرازه شده اند کوشیدن وبذریعهٔ مواعظ و نشریات درین باب جد یت وبزل مساعی نمودن .

(۱۵) ـ در اطراف حقوق حکومت ورعیت ـ حقوق همسایه ـ حقوق والدین حقوق بادارونوکر ـ حقوق زوجین ـ حقوق اسلامی و حقوق همجواری وحقوق وطنی ـ بذریعهٔ مواعظ و نشریات توصیه ها نمودن .

(۱٦) ـ در اطراف شجاعت ـ همت ـ صدق ـ خلوص ـ ثبات استقامت ـ خدمت خلق الله ـ رافت ـ شفقت ـ عدل ـ احسان استقلال فکری ـ مشورت ـ عزم ـ توکل ـ غیرت ـ وفا ـ انصاف ـ مقالات وبیانیه ها ترتیب نمودن .

(۱۷) ـ نسبت به دیگرمذاهب وادیانی که در افغانستان تابعیت دارند قرار توصیه دین مبین اسلام سلوک ورفتار خوب رابمردم توصیه نمودن ومردم را هم باین امر مقدس تشویق دادن .

وظائف رئیس

(۱) ـ مواد تحریریه وموضوعات را حاضر نمودن وبه مجلس برای بحث ارائه دادن .

(۲) ـ مجلس را اگر لازم ببیند فوق العاده منعقد ساختن .

(۳) براوراق فیصله شده حکم طبع راصادر نمودن .

(٤) ـ مجلهٔ ماهانه راترتیب نمودن و اعضا را برای احضار بعض مقالات حسب اطلاع و معلومات شان وادار ساختن .

(٥) ـ برمطبعه وکتب خانه نگرانی داشتن .

• • •

وظائف منشی مجلس و کتب خانه ودارالترجمه جمعیته العلماء نیز توضیح شده ونوشته است کتب وجرائدی که دراینجا لازم است عبارت است ازاسامی ذیل :

تفسیر کبیر ـ صحیح بخاری ـ احیاء العلوم ـ قاضی خان ـ عین العلم ـ رد المختار ـ شرح مواقف ـ ادب الدنیا والدین ـ ابن خلکان ـ ابن خلدون ـ ابن اثیر جوزی ـ تاریخ الخلفای سیوطی فتوحات اسلامی ـ کلیات ابوالبقا ـ قاموس اللغات ـ اخلاق جلالی مثنوی شریف ـ

جرائد هررقم که بدیانت تماس دارند

جریدهٔ ام القری ـ جریده مدینه ـ جریدهٔ الوفاق • جریده خلافت ـ جریده افغانستان ـ جریده الهلال ـ جریده معارف

جریده ٔ المقتطف ـ جریده الفتح ـ جریده ٔ الفیحا ـ ترجمان سرحد ـ مجلهٔ علمیه ٔ دمشق ـ جریده ٔ المجاهد ـ جریده مهر منیر ـ جرائد وطنیه ـ جریده ٔ مسلم اوت لك ـ جریده ٔ اهل السنه والجماعه وازچند کتاب قاموس و کتاب های تاریخی و عصری که برای مطالعه جمعیتالعلماء ضرور است نیزفهرست نموده ٠

• • •

این جمعیت دوشعبه دارد : تبلیغات داخلی ـ تبلیغات خارجی :
شعبه تبلیغات خارجی بواسطهٔ بدست نیامدن رجال ان فی الحال معطل است ، انشاءالله مبلغین اسلامی این شعبه بمانند (مبشرین و مبلغین) اروپا وامریکا برای تبلیغات اسلام درهمه اطراف و اکناف عالم منتشر خواهند شد ٠
تاریخ انفاذ این مرامنامه وحکم اجرای ان (١٤) رجب المرجب ١٣٤٨ هجری قمری مطابق (٢٤) قوس سال ١٣٠٨ شمسی است ٠

عزیمت وزیرعدلیه بریاست تنظیمیه

غزنی ، مقر ، قندهار

حضرت فضل عمر (نورالمشائخ) وزیرعدلیه دربهار سال ۱۳۰۹ شمسی ازکابل بطرف غزنی ـ مقر ـ قندهار ـ عزیمت نمود ـ وبتاریخ یکشنبه اول برج سنبله سال ۱۳۰۹ شمسی بهمراه عده یی از ـ خوانین سمت مذکور وارد کابل گردیدند .

محمدأیوب خان رساله دار پسر محمدصدیق خان فوفلزائی عضوهیاءت و سرکرده ۴ نفری نظامی والله نواز خان سدوزائی نیز عضواین هیاءت و مصروف نظم امور دیار مذکور بودند .

امورعدلیه

درسال ۱۳۱۲ شمسی تحت عنوان اجراات دوائرمملکتی نوشته شد :

برای فیصله امور درمرکز کابل سه محکمه : ابتدائیه ــ مرافعه تمیز ــ برقرار می باشد . ودرمرکز ولایات و حکومتی های اعلی دو محاکم ابتدائیه ومرافعه ودرحکومتی های کلان وعام حکومتی های درجه اول و سوم یک یک محکمه ابتدائیه وجود دارد .

کسانیکه دعوی داشته و به فیصله محکمه ابتدائیه قانع نشده طالب مرافعه میشوند ، محکمه مرافعه تمام اوراق متعلقه را غور و تحقیق نموده حکم ابتدائیه را تائید ویاتردید می نماید . وهم چنین اگر شخص محکوم به فیصله مرافعه قانع نشود مسئله به محکمه تمیز روایت داده میشود . این محکمه باتمام دقت موضوع راتحت غور ودقت گرفته فیصله اخرین راظاهرمیسازد . یعنی اگرازطرف دومحکمه اول الذکر درتحقیقات اشتباهاتی رخ داده بود انرارفع میسازد واگروارسی دومحکمه مذکوردرست و صحیح باشد محکوم راقانع مینماید .

بعلاوه محاکم مذکور یک محکمه اصلاحیه درمرکز وزارت عدلیه نیزبرقرار است ، که دعاوی حقوقیه رااصلاح می نماید .

قضات افغانستان در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی

فضل احمد خان سابق معین عدلیه بتاریخ (۳۰) عقرب سال ۱۳۱۲ شمسی وزیرعدلیه مقررگردید . قضاة محاکم شرعیهٔ اطراف افغانستان در این سال ازاینقرارا ند :

قاضی مرافعه هرات ــ ملا احمدعلی .

قاضی ابتدائیه هرات ــ ملا عبدالباقی خان .

قاضی مرافعهٔ ولایت مزارشریف ــ ملا میرمحمود خان

قاضی ابتدائیه ولایت مزارشریف ــ ملا رجب خان .

قاضی مرافعهٔ ولایت قطغن ــ ملااحمد خان .

قاضی ابتدائیه ولایت قطغن ــ ملا گلدست خان .

قاضی مرافعه بدخشان ــ ملا فیض محمد خان .

محاکـــــــم

د راصول اساسی جدید طبع سال ۱۳۱۲ شمسی د رقسمت محاکـم وتحت همین عنوان نوشته شد :

(محاکم عدلیه مرجع دعاوی عمومیه ٔ شرعیه میباشد د رمحاکم شرعیه دعاوی مرجوعه مطابق مقررات مذهب حنفی (رح) فیصله میشوند ٠ همه محاکم ازهرگونه مداخلت ازاد هستند ٠ د رمحاکم عدلیه دعاوی بصورت علنی فیصله میشود باستثنای مسائلیکه شارع فیصلـــــه انرابطریق خفیه هدایت داده است ٠

د رحضورمحاکم هرشخص برای محافظه ٔ حقوق خود همه وسائـط مشروعه راپیشنهاد نموده می تواند ٠ محاکم عدلیه د ررویت و فیصله ٔ دعاوی باستثنای امرشرعی تاخیر و مماطله کرده نمی توانند

هیچکس خارج محاکم برای فیصله بعضی فقرات مخصوص یـــک محکمه ٔ فوق العاده تشکیل داده نمی تواند ٠ سنوف ود رجات محاکم و صلاحیت شان باصولنامه ٔ تشکیلات اساسیه توضیح یافته ٠

د یوان عالی برای محاکمه ٔ وزرای د ولت عندالاقتضا موقتاً تشکیل می یابد وبعد انجام اموریکه باوسپرده میشود فسخ میگرد د ٠

محاکم شرعیه افغانستـــــــان

براساس تشکیلات اساسیه عهد امانیـــــه

تعداد محاکم عدلیه درافغانستان ازسال ۱۲۹۸ شمسی تاسال ـ ۱۳۱۵ شمسی ازاینقرار بوده است :

اول محکمهٔ تمیز درخود وزارت عدلیه .

۲ : ولایت کابل .

الف : محکمهٔ مرافعه ۱

ب : محاکم ابتدائیه ۳۰ جمله ۳۱ ـ

۳ : ولایت قندهار .

الف : محکمه مرافعه ۱

ب : محاکم ابتدائیه ۱۱۰ جمله ۲۱ ـ

٤ : ولایت هرات .

الف : محکمه مرافعه ۱

ب : محاکم ابتدائیه ۱۱ ـ جمله ۱۲ ـ

۵ : ولایت مزارشریف :

الف : محکمهٔ مرافعه ۱

ب : محاکم ابتدائیه ۱٤ ـ جمله ۱۰ ـ

٦ : ولایت قطغن وبدخشان :

الف محکمه مرافعه ۱

ب : محاکم ابتدائیه ۱۸ ـ جمله ۱۹ ـ

۷ ــ حکومتی اعلی مشرقی .

الف : محکمه مرافعه ۱

ب : محاکم ابتدائیه ۱۳ ــ جمله ۱۴ ــ

۸ ــ حکومتی اعی جنوبی :

الف : محکمه مرافعه ۱

ب : محاکم ابتدائیه ۶ ــ جمله ۷ ــ

ــ حکومتی اعلی فراه :

الف : محکمه مرافعه ۱

ب : محاکم ابتدائیه ۳ ــ جمله ۴ ــ

۱ ــ حکومتی اعلی میمنه :

الف : محکمه مرافعه ۱

ب : محاکم ابتدائیه ۶ ــ جمله ۷ .

افزودی معاش قضات

وجه معاش قضات محاکم شرعیه افغانستان از آغاز سال ۱۳۰۹ ش افزود گردید تا دست از اخذ تحفه ورشوت کوتاه دارند.

مولوی عبدالحی پنجشیری در سال ۱۳۲۳ شمسی در ریاست تعلیم وتربیه وزارت معارف حکایت نموده گفت: در مجالسی که بدین مناسبت منعقد گردید من نیز اشتراک داشتم - گفته میشد چون وجه معاش قضات بدرجه کافی نیست بنام تحفه وشیرینی که در حقیقت انهم رشوت است از مردم می گیرند واین بزرگترین گناه است که از منصب قضاء چنین استفاده ناجائز بعمل اید - و گفته شد که این از باعث فقر و تنگدستی است وباید مواجب قضات دو چند منظور گردد - وبعد ازین صحت باز خواست بعمل اید. من پیشنهاد کردم که جزای حبس و کسر معاش کفایت نمی کند وباید بعد ازین قاضی مرتکب اخذ رشوت اعدام گردد ویا از شغل قضا بکلی محروم ساخته شود.

اصولنامه های دوره سلطنت اعلیحضرت محمد نادر شـــــاه

دارالقضاء افغانستان

درعهد سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه

۱۳۱۲ ش — ۱۳۵۲ ش

وزارت عدلیه در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر

شـــاه

فضل احمد خان مجددی ـ وزیر عدلیه ۰

رئیس تمیز ـ ملا عبدالرب خان ۰

رئیس اصلاحیه ـ امین الله (بعداً معین)

کفیل ریاست جمعیت العلماء ـ ف ملا بزرگ خان ۰

مدیر تحریرات و اوراق ـ عبدالسلام خان ۰

این نام ها بهمان مراتب تا سال های ۱۳۱۳ ـ ۱۳۱۴ ـ ۱۳۱۵ در رسالنامه ها در تشکیل وزارت عدلیه دیده میشدند ۰

٥ ٥ ٥

متفرقـــات

نظامنامه تعیین میعاد و مرافعه و تمییز دعاوی حقوقیه در سال ۱۳۱۳ شمسی بنام و عنوان اصولنامه مجدداً تائید و طبع گردید ۰

٥ ٥ ٥

رئیس تمیز ریاست مجلس عالی اعیان در سال ۱۳۱۲ شمسی ـ ف ملاعبدالله خان ۰

٥ ٥ ٥

ف ملاعجب گل مفتی کارمیزی ریاست بلدیه کابل مشهور به قاضی ـ عجب گل بنابر مسئولیتی از شغل قضا و افتا و ماموریت طرد گردید ۰

اقدام طبع جدید تمسک القضـــاة

ازطرف ریاست فاکولته حقوق و علوم سیاســــی

بتاریخ سه شنبه (۱۱) برج میزان سال ۱۳۱۷ هجری شمسی مطابق (۹) شعبان المعظم سنه ۱۳۵۷ هجری قمری ـ موسسه بزرگ علمی ازطرف وزارت معارف بنام وعنوان اکادمی علوم سیاسی ـ بریاست محمد علی نواد داغم ونرمشاورقانون وزارت امور خارجه افغانستان ـ تاسیس وافتتاح گردیــد .

ودر برج دلو سال مذکور ـ فاکولته حقوق وعلوم سیاسی نام گذاشتــه شـــد .

در برج قوس سال ۱۳۱۹ شمسی ازطرف مجلس علمی وزارت معارف ـ هدایت داده شد که کتاب ((تمسك القضاة الامانیه))طبع سال ۱۳۰۰ شمسی بنام وعنوان ((حقوق جزاء اسلامی))مجدداً طبع و تدریس گردد .

چون این وقت کتب درسی فاکولته حقوق بوسیله چاپ سنك درمطبعه عمومی کابل بچاپ میرسید ـ کتاب موصوف را در زمستان سال ۱۳۱۹ شمسی باینجانب عزیزالدین وکیلی پوپلزائی ـ که از تاریخ اول برج قوس سال مذکور بخطاطی ان ریاست مقررشده بودم ـ سپردند تابخط خود برای چاپ سنك اماده سازم ـ تافصل بهار بتعداد زیاد صفحات انرا باحسن سلیقه نوشته اماده چاپ نمودم .

هیئت تعلیمه علم فقه (مولوی عبدالکریم گدا ـ مولوی روشنــد ل

ورد ل — مولوی نصرالله خان) که علم فقه رابه شاگردان فاکولته حقوق وعلوم سیاسی تدریس ودرمجلس معلمین حضور میداشتند — در مورد یکی از مواد ان بحث نموده اند .

ریاست فاکولته حقوق وعلوم سیاسی ورقه استعلامیه بعنوان — مولوی احمد خان قاضی محکمه ٔ ابتدائیه ولایت کابل نوشت — چون کتاب روی دست تحریر خودم بود — بخودم سپردند تا ازقاضی — جواب توضیحی حاصل نمایم . قاضی متحیر شده گفت : توضیحات خوا هم نوشت :

جواب ننوشت وهم کتاب رااعاده ننمود — دو روز بعد از مقام وزارت معارف ابلاغ گردید که طبع کتاب معطل باشد . چون مساعی من در تحریر این کتاب بجهد رفت — از جریان بحضور پدرم که معلومات کامل ازدوره ٔ امانیه داشت حکایت نمودم . و گفت : این کتاب ویا نظامنامه است که دو سال بعد طبع ونشر ان علما بعضی مواد انرا مورد بحث قرار داده اند تا انکه در لویه جرگه سال ۱۳۰۳ شمسی در پغمان نیزمورد بحث قرار گرفت : واقعه یی که در سال ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ شمسی در سرحدات جنوبی کشور رخ داد — مخالفین استقلال افغانستان یکی هم بعض مواد همین نظامنامه ٔ جزاء را — دلیل اورده افراد بی مطالعه راتحریک به اغتشاش می نمودند .
وبا ورمیکنم که قاضی همین جریانات رابسمع اولیاء امور معارف رسانده مانع طبع مجدد ان شده باشد . و حقیقت هم همین طور بود .

مفتی ممیزی بلدیهٔ کابل

ملاعجب‌گل در سال ۱۳۱۱ شمسی مفتی ممیزی بلدیهٔ کابل مقرر —
شد وتا سال های بعد دوام داد وبنام قاضی عجب گل مشهور بود
ازاثر خلاف ورزی واخذ پول — بحکم صدراعظم (سردار محمد هاشم
خان ازشغل مقدس قضا وعضویت ادارات و ماموریت محروم ساخته
شد . مذکور در سال ۱۳۲۱ شمسی بمقام صدارت عارض گردید مدیر
شعبهٔ اول صدارت بوی ابلاغ گرده شده گفت :
چون شما مسئول شناخته اید — صدراعظم شخص راکه یکبار مسئول
بشناسد ، قطعاً مورد عفو قرار نمی دهد وبه هیچ یک شغل رسمی
نمی پذیرد . لذا شما خود را سرگردان نسازید .

٥ ٥ ٥

مدرسهٔ علوم شرعیه

مدرسهٔ علوم شرعیه در سال ۱۳۲۲ شمسی ازطرف وزارت معارف در
پغمان تأسیس شد مطابق بهمان اساس مکتب دارالقضاة الامانیه
بود که در سال ۱۲۹۸ شمسی تأسیس یافته بود مرام وزارت معارف —
اینکه :
قضات افغانستان بعد ازاین فارغ التحصیلان همین مدرسهٔ علوم
شرعیه باشند . وتذکار این مدرسه در تاریخ قضا در افغانستان در
دورهٔ معاصر ارزش بسیار دارد . چون مدتی در پغمان مقام داشت
وزارت معارف در نظر گرفت که عمارت جدید تأسیس نماید . سنگ تهد
اب عمارت جدید مدرسهٔ علوم شرعیه در بگرامی سمت شرق شهر

کابل توسط داکترعلی احمد خان وزیرمعارف معاون دوم صدارت عظمی در سال ۱۳۴۱ شمسی گذاشته شد .

مدرسه علوم شرعیه ـ همزمان عهد پوهنحی شرعیات نام گذاشته شد .

٥ ٥ ٥

مجله ٔ پیام حق

در سال ۱۳۳۲ شمسی در دوره ٔ مدیریت عمومی تربیه [illegible] افکار ـ (مولوی شاه محمد رشاد) از طرف ریاست مستقل مطبوعات به مدیریت مسئول مطیع الله چمبیلی ننگرهاری در کابل به نشر آغاز کرد .

شهادت رئیس پوهنحی شرعیات ودارالعلوم عربیه کابل ((پغمان))

مولوی عبدالحق خان رئیس پوهنحی شرعیات ودارالعلوم عربیه کابل د رشب (۲۱) برج عقرب سال ۱۳۴۱ شمسی در پغمان بعمر (۶۲) سالگی بدست شخص جنایت کاری به شهادت رسید • جنازهٔ مرحوم ساعت (۳) بعدازظهر روز ۲۲ عقرب ازمنزل شان واقع ده افغانان شهرکابل برداشته شده نمازجنازه درمسجد جامع پل خشتی ادا ود رمدفن ابائی شان درقول اب چکان نام موضع شهرکابل دفن گردید •

مرحوم مدتی د رلیسه های غازی ــ استقلال ــ امانی ــ معلم واز سال ۱۳۳۱ شمسی امریت مدرسهٔ علوم شرعیهٔ پغمان وریاست پوهنحی شرعیات را نیز عهده دار بود وبعداً امور ریاست دارالعلوم عربیهٔ کابل نیز بوی سپرده شد • اکثریت کتب درسی دینیات فقه وقواعد عربیه مکاتب راتألیف نمود • مجلس فاتحهٔ ان مرحوم از طرف پوهنتون کابل بروز های (۲۲) و (۲۳) عقرب ازساعت (۸) تا (۱۲) د رمسجد شاه د وشمشیره (ع) صورت گرفت •

سابقهٔ خدمات علمی مرحوم چهل سال یعنی ازسال ۱۳۰۱ شمسی ازسال چهارم پادشاهی اعلیحضرت امان الله شاه د رکابل اغازشده بود • شخص تنومند ــ بلند قامت محاسن سیاه وهمیشه دستارسفید می بست • انسان متین ومتورع بود •

ستره محکمه

ستره محکمه ـ بزبان پشتو یعنی محکمه ٔ صدر، یا ریاست القضات واین عنوان پشتو بمعنی دارالقضاقبول شده است.

ستره محکمه د رسال ۱۳۴۳ هجری شمسی بعد از تصویب قانون اساسی جدید ((دوره ٔ سلطنت ظاهرشاهی)) باین نام پشتوشناخته شد. ودرقدیم هم اقوام پشتو زبان مقام صدرقضات واضی القضات رادرافغانستان باین نام وعنوان می شناختند.

مثلاً: ستر لوی تولواک ـ پشتو ستر توب.

در این دوره ٔ جدید هم عنوان های قاضی القضات وقاضی ومفتی چون شمه عربی واز آغاز دوره اسلام درافغانستان معمول است، ـ احتراماً حمایت گردید وچنانکه الان هم معمول است.

د رسال ۱۳۴۳ شمسی ـ سردار عبدالحکیم خان (ابن سردار عزیزالله خان قتیل ابن سردار نصرالله خان) ـ قاضی القضات مقرر گردید. چهار نفر قاضی معاونان قاضی القضاة (اعضاء ستره محکمه) بودند. قاضی عبدالبصیر وقاضی عبیدالله صافی و..............

قاضی محکمه ٔ مرافعـــهٔ کابـل

مولوی غلام نبی (ولد شیخ حسن) کاموی د رسال ۱۳۰۹ شمسی مطابق ۱۳۴۹ هجری قمری عضوریاست جمعیت العلماء ود رعهــد ظاهرشاهی قاضی محکمه ٔ مرافعه ٔ کابل ود را واخر عمر سناتـــور وبهروزهای اخیربرج اسد سال ۱۳۴۹ شمسی د رشفاخانه ٔ وزیــر اکبر خان کابل وفات یافت ۰

موصوف شخص عالم و ادیب وحق گوی ود ربرابر اداء حق ازرتبه ومقام کس خوف و اندیشه نمی کرد ۰ اینکه د رسال ۱۳۰۷ شمسی د ر سمت مشرقی بعضی حرف ها بجانبداری سقوگفته بود ـ علماء ازوی ابرازازردگی نمود ند ـ مدت خدمت اوچهل ود وسال ۰

نشر مجلات دینی بعد از اعلان دیموکراسی

(عهد ظاهرشاهی)

نشر مجله قضا از طرف شستره محکمه در سال ۱۳۴۶ شمسی.

نشر مجله شرعیات از طرف فاکولته شرعیات در سال ۱۳۴۹ شمسی.

نشر مجله اوقاف از طرف وزارت عدلیه در سال ۱۳۵۰ شمسی.

نشر جریده ندای حق در سال ۱۳۵۰.

نشر مجله نیاو از طرف وزارت عدلیه در سال ۱۳۴۲ شمسی. این مجله دفعه اول بنام وعنوان حی علی الفلاح از تاریخ اول برج جوزای سال ۱۳۰۹ شمسی از طرف جمعیت العلماء افغانستان تحت اثر وزارت عدلیه دارای مطالب دینی به نشر اغاز کرد.

ودفعه دوم بعنوان (نیاو) برای نشر اثار دینی ظهور نمود.

علت توقف وتاخیر نشر مجلات دینی کمبود سامان ووسائل کافی طباعتی بود واز سال ۱۳۴۴ شمسی که مطبعه جدید دولتی کابل بفعالیت اغاز نمود.

ارزوهای علمی علوم دینی براورده گردید.

اصولنامه های عهد سلطنت اعلیحضرت محمد
ظاهرشـــاه

اصولنامهٔ توقیف خانه ها ــ سال ۱۳۱۳

اصولنامهٔ کوریری ــ سال ۱۳۱۴

اصولنامه معافیت اموال بگاژ ــ سال ۱۳۱۴

اصولنامه استخدام اتباع خارجه ــ سال ۱۳۱۴

اصولنامه اداره مساکن ــ سال ۱۳۱۴

اصولنامه مسافرت واقامت اتباع خارجه ــ سال ۱۳۱۸

اصولنامه پاسپورت ــ سال ۱۳۱۸

اصولنامه اخذ محصول ذریعهٔ قونسلگری افغانی ــ سال ۱۳۱۸

اصولنامه تذکره تابعیت ــ سال ۱۳۲۶

اصولنامه تابعیت ــ سال ۱۳۳۰

اصولنامه سرمایه گذاری خارجی ــ سال ۱۳۳۲

اصولنامه فروش اموال تحویلخانه های دولتی سال ۱۳۱۳

اصولنامه تقاوی تجاریه ــ سال ۱۳۱۴

اصولنامه تورید رنگهای جوهری ــ سال ۱۳۱۴

اصولنامه استملاک سال ۱۳۱۸

اصولنامه اتاق های تجارت ــ سال ۱۳۱۸

اصولنامه سکوک وتکت های محصولی افغانستان سال ۱۳۱۸

اصولنامه فروش اراضی تحت بند و انهار ــ سال ۱۳۱۸

اصولنامه افلاس وورشکست سال ۱۳۲۱

اصولنامه تعرفهٔ گمرکات سال ۱۳۲۱

اصولنامهٔ مالیات برعایدات سال ۱۳۲٤

اصولنامه کاروکارگر سال ۱۳۲٤

اصولنامهٔ تشویق صنایع سال ۱۳۲۸

اصولنامهٔ گمرکات سال ۱۳۱۹

اصولنامه محصولات بلدیه سال ۱۳۲۱

اصولنامه خریداری غله سال ۱۳۲۱

اصولنامه تصفیهٔ ملکیت وسایل مالیه و قیمت اب و اراضی تحت بند ارغنداب و کجکی سال ۱۳٤۰

اصولنامهٔ تجارت سال ۱۳۳٤

اصولنامهٔ خزینهٔ تقاعد سال ۱۳۳٤

اصولنامه علایم تجارتی سال ۱۳۳٤

اصولنامه بودجه و محاسبه سال ۱۳۳۹

اصولنامه ثبت احصائیه املاک سال ۱۳۳۹

اصولنامه محاسبات عمومی سال ۱۳۳۹

اصولنامه پست سال ۱۳۱۵

اصولنامه تلگراف سال ۱۳۱۷

اصولنامه مدیریت های مامورین سال ۱۳۲۱

اصولنامه د افغانستان بانک سال ۱۳۲۵

اصولنامه ترافیک سال ۱۳۲۶

اصولنامه بلدیه سال ۱۳۳۰

اصولنامه استخدام ترفیع و تقاعد مامورین ملکی سال ۱۳۳۳

اصولنامه نفوس شماری عمومی سال ۱۳۲۴

اصولنامه تذکره جدید نفوس دولت شاهی افغانستان ـ سال ۱۳۲۴

اصولنامه هوانوردی ملکی ـ سال ۱۳۳۵

اصولنامه تسهیلات هوانوری ملکی افغانستان سال ۱۳۲۴

اصولنامه مجالس مشوره سال ۱۳۳۶

اصولنامه تقسیمات ملکیه افغانستان ـ سال ۱۳۳۶

اصولنامه اجیران و مستخدمین ـ سال ۱۳۳۹

اصولنامه ریاست عمومی تفتیش ـ سال ۱۳۲۵

اصولنامه محبوشین سال ۱۳۲۸

اصولنامه تعیین میعاد استماع مرافعه و تمیز ـ سال ۱۳۲۴

اصولنامه تشکیل محاکم و اصول محاکمه مامورین ملکی سال ۱۳۲۵

اصولنامه اداری محاکم عدلی ـ سال ۱۳۲۵

اصولنامه اجراات حقوقی محاکم سال ۱۳۳۶

اصولنامه مجازات و مکافات محبوسین ـ سال ۱۳۳۸

اصولنامه دواخانه ها ـ سال ۱۳۱۵

اصولنامه رادیو ـ سال ۱۳۳۷

اصولنامه مطبوعات ـ سال ۱۳۲۹

اصولنامه جزای عسکری ـ سال ۱۳۲۶

اصولنامه محاکمات عسکری سال ۱۳۳۰

اصولنامه مکلفیت عسکری ــ سال ۱۳۳۵

اصولنامه ضابطان احتیاط ــ سال ۱۳۲۳

اصولنامه بیرون در افغانستان ــ سال ۱۳۳۴

اصولنامه ترفیع و تقاعد عسکری سال ۱۳۳۵

اصولنامه خورد ضابطان قوای هوایی سال ۱۳۳۵

اصولنامه نشانها ومدال ها ــ سال ۱۳۳۹

اصولنامه مراسم نکاح وعروسی و ختنه سوری سال ۱۳۲۸

اصولنامه تعزیه داری سال ۱۳۲۵

اصولنامه منع زرع تجارت ــ خرید و فروش ورود وصدور استعمال ــ
تریاک سال ۱۳۳۵

اصولنامه جزای متخلفین ترانسپورتی سال ۱۳۳۷

اساسنامه ها و تعلیمنامه ها لوایح نیز زیاد اند وعلماء درمورد هر یک غور ودقت مزید علمی و حقوقی نموده به تصاویب رسانیده اند که فهرست آنهمه به تطویل می انجامد.

قضاد رقانون اساسی

سال ۱۳۵۵ شمسی (عهد محمد داود)

قانون اساسی که بتاریخ پنجشنبه (۵) برج حوت سال ۱۳۵۵ هجری شمسی در کابل مرکز افغانستان بامضاء محمد داود توشیح و انفاذ یافته در خصوص قضا موادی که دارد عیناً نقل گرفته میشود :

فصل نهم . قضاء

ماده نود وششم

قوه قضائیه یک رکن دولت ومرکب است ازستره محکمه و محاکم دیگریکه تعداد ان توسط قانون تعیین میگردد . هدف عمده این قوانین توحید موافق قضایی و تنظیم تشکیلات صلاحیت محاکم وطرز العمل محاکمه میباشد .

ماده نود وهفتم :

صلاحیت قضاء شامل رسیدگی به تمام دعاوی ایست که دران اشخاص حقیقی ویاحکمی بشمول دولت بصفت مدعی یا مدعی علیه قرارگرفته وبه پیشگاه ان مطابق به احکام قانون اقامه شود .

ماده نود و هشتم :

در هیچ حالت باستثنای حرب نمی توان قضیه یا ساحه راازدایره صلاحیت قوه قضائیه دولت به نحویکه دراین فصل تجدید شده خارج ساخت وبه مقام دیگری تفویض نمود . این حکم مانع تشکیل

محاکم عسکری نمی گردد ولی ساحهٔ این نوع محاکم به جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان منحصر میباشد •
تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری توسط قانون تنظیم میگردد •
ماده نود ونهم :

محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود احکام این قانون اساسی و قوانین دولت را تطبیق میکنند •

هرگاه برای قضیه ای از قضای مورد رسیدگی در قانون اساسی وقوانین دولت حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام در داخل حدود یکه این قانون اساسی وضع نموده در چنین احوال حکمی صادر میکنند که در نظر شان عدالت را به بهترین صورت ممکن تأمین نماید •

ماده صدم :

قضات به پیشنهاد قاضی القضات و منظوری رئیس جمهور تعیین میگردند •

ماده یکصد و یکم :

عزل قضات با ثر ارتکاب جرم به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور صورت میگیرد • هرگاه قاضی به ارتکاب جرم متهم شود ستره محکمه مطابق احکام قانون بحالت قاضی رسیدگی نموده از استماع دفاع او در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور قاضی از وظیفه عزل و مطابق به احکام قانون مجازات میشود •

مادهٔ یکصد ودوم :

تبدیلی ـ ترفیع ـ تقاعد ـ استعفاء ـ مواخذهٔ قضات توسط ستره محکمه مطابق با حکام قانون صورت میگیرد .

مادهٔ یکصد وسوم :

برای قضات معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد .

مادهٔ یکصد وچهارم :

به استثنای حالاتیکه درمادهٔ سی وششم این قانون اساسی تصریح گردیده اعضای ستره محکمه و قاضی القضات درمدت تصدی وظیفه هیچ معاملهٔ انتفاعی راباد ولت انجام داده نمی توانند .

مادهٔ یکصد وپنجم :

درمحاکم افغانستان محاکمه بصورت علنی اجراء میشود و هرکس حق حضوردران مطابق باحکام قانون دارد .

فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگر درحالت حکم به مرگ شخص که تعمیل حکم محکمه نهایی مشروط به توشیح رئیس جمهور میباشد .

محکمه میتواند درحالت استثنایی که درقانون تصریح گردیده باشد جلسات سری را دایرکند ولی اعلام حکم باید بهرحال علناً صورت بگیرد .

محاکم مکلف اند اسباب حکمی راکه صادر می کنند درفیصلهٔ خود ذکرنمایند .

مادهٔ یکصد وششم :

کشف جرایم از طرف پولیس ـ تحقیق ـ تعقیب و اقامهٔ دعوی از طرف څارنوال که جزء قوهٔ اجرائیه هستند مطابق به احکام قانون صورت می گیرد . کشف و تحقیق جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان توسط قانون خاص تنظیم میگردد .

مادهٔ یکصد وهفتم :

ستره محکمه مرکب است از (۹) عضو که از طرف رئیس جمهور تعیین میشوند . عضو ستره محکمه باید دارای اوصاف ذیل باشد .

۱ـ سن سی وپنج سالگی راتکمیل نموده باشد .

۲ـ اقلاده سال قبل از تاریخ تعیین تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد .

۳ـ از طرف محکمه بحرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد .

٤ ـ از اهداف ملی ، علم حقوق و نظام حقوقی افغانستان اگاهی کافی داشته باشد .

رئیس جمهور از جمله اعضای ستره محکمه راکه سن او از چهل سال کمتر نباشد به حیث قاضی القضات تعیین میتماید . رئیس جمهور می تواند برتعیین اعضای ستره محکمه و قاضی القضات بعد از مرور هر پنج سال از تاریخ تعیین شان به وظائف مذکور تجدید نظر بنماید .

بارعایت این حکم اعضای ستره محکمه وقاضی القضات بهیچ وسیله دیگر به استثنای حالت مندرج مادهٔ (۱۱۱) این

قانون اساسی ازوظایف شان برطرف نمی شوند .

مادهٔ یکصد و هشتم :

اعضای ستره محکمه و قاضی القضات قبل ازاشغال وظیفه حلف اتی را بحضوررئیس جمهور بجا می آورند .

((بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد میکنم که وظیفهٔ قضا را باکمال امانت وشرافت اجراء نموده حق و عدالت را بارعایت ساسات دین مقدس اسلام وسایراحکام وارزش های قانون اساسی و قوانین دولت جمهوری افغانستان تامین نمایم ود رهمه اجراات خود خداوند (ج) راحاضرداننسته حقوق مردم ووطن را به نفع عدالت حمایت نمایم .

مادهٔ یکصد و نهم :

به استثنای حالت مندرج مادهٔ (۱۱۱) این قانون اساسی اعضای ستره محکمه وقاضی القضات بعدازختم قانونی دورهٔ خدمت برای بقیه مدت حیات ازتمام امتیازات مالی دورهٔ خدمت شان مستفید میشوند .

اعضای ستره محکمه و قاضی القضات نمی توانند بعد ازختم دورهٔ خدمت عضوحکومت ، عضوملی جرگه ومامورین دولت باشند .

مادهٔ یکصد و دهم :

هرعضوستره محکمه و قاضی القضات میتواند طبق احکام قانون استعفا بدهد . استعفای اعضای ستره محکمه و قاضی القضات

از تاریخ منظوری آن از طرف رئیس جمهور نافذ میگردد . قاضی القضات ه ومستعفی از امتیازات مالی مندرج ماده یکصد و نهم این قانون اساسی مستفید شده نمی تواند .

قیود متذکره فقرۀ اخیر ماده یکصد و نهم بالای مستعفی وقاضی القضات قابـل تطبیق می باشـد .

ماده یکصد و یازدهم :

هرگاه یک ثلث اعضای ملی جرگه محاکمه قاضی القضات یک یا چند عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه تقاضا نمایند و ملی جرگه این تقاضا را به اکثریت دو ثلث اعضاء تصویب کنـد متهم از وظیفه سبکدوش میشـود .

ملی جرگه از بین اعضاء یکنفر را جهت اقامه ادعا وهیاتی را مرکب از هشت نفر برای اجرای محاکمه تعیین میکند . این هیات تحت ریاست رئیس ملی جرگه متهم را مطابق به طرز العمل محکمه جزایی محاکمه مینماید ودرصورتیکه جرم متهم ثابت شود اورا ازوظیفه عزل وبه جزا محکوم میسازد .

ماده یکصد ودوازدهم :

ستره محکمه تشکیلات واجراآت محاکم وامور قضایی دولت را مطابق به احکام این قانون اساسی و قوانین تنظیم مینماید . جز در مواردیکه درین قانون اساسی تصریح گردیده صلاحیت هـای قضایی واداری ستره محکمه توسط قانون تنظیم میشود .

ستره محکمه تدابیر لازم را جهت نظم امور اداری محاکم اتخاذ

میـــــــکنـــد .

بود جه قوه قضائیه ازطرف قاضی القضات به مشوره حکومت ترتیب گرد یده ، بحیث یک جزء بود جه د ولت توسط حکومت به ملی جرگـه تقد یم میشود . تطبیق بود جه قضاء ازصلاحیت ستره محکمه مـــی باشـــــــــد .

ستره محکمه میتواند د رساحه تنظیم امور قضایی قوانیـــــن راتسوید وانرا مطابق بحکم مند رج ماده شصت ود و این قانون اسا سی به ملی جرگه پیشنهاد نمایـــــــد .

ماده یکصد وسیزد هم :

د رمورد مامورین وسایرکارکنان اداری قوه قضائیه احکام قوانیـــــن مربوط به مامورین وسایرکارکنان اداری د ولت نافذ میباشد .

ولی تعیین ، ترفیع ، قبول استعفاء ، مواخذه و تقاعد شان توسط ستره محکمه بروفق قانون صورت می گیرد .

• • • •

د رماده یکصد و سی وپنجم نوشته است : مرجع باصلاحیت تفسیـــر این قانون اساسی ستره محکمه می باشـــــد .

وزارت عدلیه

در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ شمسی

وزارت عدلیه در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ هجری شمسی ـ معلومات اتی را دست نشرسپرده، که در این صحیفه عیناً نقل ودرج میگردد:

(امور عدلی و اجراات عادلانه در تحقیق و تعقیب قضایا که ارتباط ناگسستنی با قضا دارد از اساسات عالی انسانی و اهداف دیموکراسی در یک مملکت محسوب میگردد.

بهر پیمانه یی که څارنوال و یا قاضی رسالت تاریخی خود را در اجرای فیصله سالم قضایا ورسیدگی عادلانه در مورد دوسیه های متهمین بصورت کامل و درست مد نظر بگیرد بهمان اندازه احقاق حق بمیان ـ امده شکایت رفع و خاصتاً اهداف انقلاب جمهوری عملی میگردد.

با رعایت اساسات فوق سعی بعمل امده وزارت عدلیه در اجراآت ۱۳۵۵ ـ ادارات خویش مجاهداتی را از لحاظ نظم امور څارنوالی ها حل وفصل دوسیه های نسبتی اشخاص و مامورین، تدقیق و تهیه قوانین و مقررات توسعه دارالتادیب های اصلاحی، تهیه پرسونل جهت تحقیق قضایا که تحقیق قضایا بموجب ماده (۱۰۶) قانون اساسی به څارنوال سپرده شده، و یک سلسله امور اداری انکشافی و اجرائیوی دیگر بعمل اورد. که اینک بصورت جداگانه ذیلاً توضیح میگردد:

اداره عالی څارنوالی (ادارة های مدعی العموم) ازجمله

بزرگترین دستگاه های عدلی است که به منظور تأمین عدالت اجتماعی ، به تحقیق و تعقیب مجرمین پرداخته علیه متهمین در محاکم اقامه دعوی می کند وبه این ترتیب عامل موثری در تقلیل جرم و مجرم در مملکت میگردد .

بصورت فشرده ، وظائف اداره عالی څارنوالی در چهار مواد ذیل خلاصه میشود :

الف ـ تحقیق جرائم ، تفتیش و مراقبت اجراات څارنوال ها .

ب ـ تعقیب عدلی قضایای جرمی در محاکم .

ج ـ تطبیق فیصله های قطعی محاکم .

د ـ نظارت مداوم از محابس ودارالتادیب ها .

ارگانهای اداره عالی څارنوالی بامد نظر گرفتن وظائف فوق به منظور توحید و انسجام بهتر امور به لوی څارنوال ارتباط نزدیک دارد که میتوان امورمربوط به هرا ورگان راد رنکات اتی خلاصه کرد :

۱ـ لوی څارنوال :

لوی څارنوال بحیث وزیرعدلیه وعهده دار ریاست شورای عالی قضا به صفت بزرگترین څارنوال وما مورضبط قضائي مملکت در تطبیق پالیسی عدلی دولت جمهوری سهم داشته وبا نظارت ورهنمایی اداره عالی څارنوالی ودیگر مامورین ضبط قضائی در مرکزوولایات کشوردر تطبیق قانون مراقبت می نماید . لوی څارنوال درباره تعقیب عدلی قضایای عمده ، شخصاً تصمیم میگیرد . مگردرشرائط

عادی این مراقبت مستقیماً توسط مرستیال لوی څارنوال یا نائب لوی څارنوال ودیگر ماموریین ضبط قضایی ویا باستیذان لوی څارنوال عملی میگردد . برای رسیدگی به عرائض وشکایات مراجعین – مخصوصاً کسانی که شکایت شان مربوط به ادارات قضا وڅارنوالی ها باشد شخصاً لوی څارنوال تحت پروگرام و تقسیم اوقات مشخص وارسی می کنند . تاازبیروکراسی اداری جلوگیری بعمل اید .

۲ – مرستیال لوی څارنوال :

مرستیال لوی څارنوال د رنظارت عمومی اداره عالی څارنوالی د ر مرکز وهم د رولایات وهمچنان د رتطبیق پروگرام های عدلی بالوی څارنوال همکاری مینمایـــد .

مرستیال به استیذان لوی څارنوال د رتنظیم روابط اداره عالی څارنوالی بادیگرا ورگانهای مربوط حکومت مجاهد دارد وهم به مقصد رهنمونی اداره عالی څارنوالی ونمایندگی های ان د رولایات تصامیم اتخاذ میکننـــد .

۳ – نیابت تعقیب قضائی :

وظیفه عمده نیابت تعقیب امورقضائی اتخاذ تصمیم ولزوم وعدم لزوم تعقیب عدلی قضایا اقامه دعوی جزائی د رمحاکم ابتدائیه ماموریین اختصاص گدام ها وحسابی ارائه اعتراض واقامه دعوی واستیناف خواهی برحکم دیوان امنیت عامه ومحاکم ولایات د رموضوعات جزائی و تمیزخواهی برفیصله های استیناف می باشد .

د رسال ۱۳۵۵ مجموع د وسیه هایی که ازڅارنوالی های مربوط –

قضائی تحت اجراء قرار گرفته حسب اتی است :

الف : څارنوالی ابتدائیه مامورین:

دوسیه های وارده وقایع جرمی ۷۸۳ جلد اجراء شده ۷۷۱ جلد .

ب : څارنوالی استیناف مرکز :

دوسیه های وارده قضایای جزائی ۵۸۷۸ جلد اجراء شده ـ ۵۶۷۰ جلد .

ج : څارنوالی تمیز :

دوسیه های وارده قضایای جزائی ۱۲۴۱۳ جلد ـ اجراء شده ۸۸۳۵ جلد .

د . څارنوالی اختصاصی گدام ها ـ دوسیه های وارده ۱۹۴ جلد ـ اجرا شده ـ ۵۵ جلد .

غرض تکمیل فرستاده شده ـ ۱۰۳ جلد غرض استیناف خواهی فرستاده شده ۳۶ قطعه .

هـ ـ څارنوالی حسابی :

دوسیه های وارده ـ ۵۹۷ جلد . مستردی غرض اکمال ۴۷۲ جلد .

غرض استیناف خواهی فرستاده شده ـ ۳۶ جلد .

۴ ـ نیابت تدقیق و عرایض :

وظیفه اساسی این نیابت رسیدگی به شکایاتی است که از اجراآت

مامورین ضبط قضائی نشست ها نماید . این وظیفه بذات خود ـ اهمیت زیاد داشته وارتباط مستقیم با اساسات عدلی دارد. مطالعه وجستجوی طرق بهتر جهت رشد و تنظیم امور خارنوالی روش های موثر درتعقیب عدلی جرائم ورهنمایی درساحه تطبیق احکام قوانین وظیفه این نیابت است .

موافقه و تمدید توقیفی بیش از شش ماه متهمین اجراات راجع به تسلیم

تعلیق ماموری متهم واخذ منظوری رهائی مشروطه محکومین ازطر یق این نیابت صورت میگیرد .

نیابت تدقیق وعرایض علاوه بروظایف بالا اجراآتی رادرمورد دوسیه های تدقیقی بعمل آورده .

دوسیه های وارداتی ولایات جهت تدقیق ۲۶۹۳ جلد .

تدقیق واجراات لازمه بعمل امده ۲۱۲۷ جلد ـ حفظ وعدم لزوم دوران دوسیه ۵۶۶ جلد ـ عرایض اجراشده ـ ۲۳۵۶ قطعه.

۵ ـ نیابت تحقیق ومراقبت :

وظیفه این نیابت نظارت برسیر اجراات و سرعت و صحت عمل ـ ادارات خارنوالی و شعبات مربوط وزارت عدلیه است . اخذ تصمیم نهایی راجع به دوسیه های غیرقابل دوران و قناعت شده برفیصله های محاکم بدست آوردن راپور واقعات جرمی وجزائی و اطمینان از تطبیق فیصله های قطعی محاکم اززمره مکلفیت های این اداره می باشد .

نیابت تحقیق و مراقبت اجراات راتوسط دو اداره مربوط خود

که مدیریت عمومی مراقبت و تفتیش میباشد بعمل اورده :

۱ـ مدیریت عمومی مراقبت :

ثبت واقعات ولایتی ۴۳۰۶ واقعه .

مکاتب صادره در مورد تطبیق فیصله های محاکم ۹۶۲۵ قطعه .

تهیه فورمه شخصیت خارنوالان ۹۵۰ قطعه .

دوسیه قناعت در فیصله های محاکم ۲۶۰۰ جلد .

تعقیب قضایای قاچاقی مواد مخدره و ترافیکی ۸۲ قضیه .

۲ ـ مدیریت عمومی تفتیش :

تدقیق دوسیه های وزارت خانه ها توسط نمایندگان تفتیش ۲۲۷ فقره . جزائی تحقیق و تفتیش در داخل اداره ۲۷ فقره .

۶ ـ نیابت محکمه عالی قضات :

وظیفه اساسی این نیابت تدقیق دوسیه های نسبتی قضات و محاکم است بعد از وارسی به انها نظریات خود را برتعقیب عدلی ویاعدم ان به لوی خارنوال ویامرستیال لوی خارنوال ارائه مینماید . اقامهٔ دعوی علیه قضات محترم در محکمه عالی قضات ومراقبت تطبیق فیصله های صادره ان محکمه که شکل قطعیت رابه خود بگیرد از وظایف عمده این نیابت محسوب میگردد . ازجمله (۲۱) جلد دوسیه جزائی (۱۴) جلد ان بعد اقامه دعوی به محکمه عالی قضات ارجاع شده که هفت جلد ان به فیصله رسیده وبقیه ان تحت اجراء است .

۷ ـ نیابت تعقیب جرائم پولیس :

تدقیق بر دوسیه های مربوط پولیس وصاحب منصبان ان اخذ تصمیم برلزوم ویاعدم لزوم عدلی دوسیه های مذکور حصول استیذان محاکمه واقامه دعوی در پیشگاه محکمهٔ ابتدائیه پولیس و محکمهٔ نهایی ان وبالاخره حصول اطمینان در تطبیق فیصله های قطعی ونهایی محاکم پولیس ازوظائف این نیابت محسوب میشود.

اجراات نیابت تعقیب جرائم پولیس حسب اتی است :

الف ـ خارنوالی ابتدائیه پولیس :

تعداد وارده دوسیه های جرمی ۸۲۲ جلد.

به محکمه حواله گردیده ـ ۶۳۳ جلد.

دوسیهای فیصله شده ـ ۳۰۱ جلد.

قرار قضائی صادر شده ـ ۲۵۸ جلد. تحت اجراء ۱۸۹جلد.

تمیزخواهی بعمل امده ـ ۱۲۵ جلد.

ب ـ خارنوالی نهایی پولیس :

دوسیه های وارده ـ ۱۳۲ جلد.

به محکمه فرستاده شده ـ ۱۳۲ جلد. فیصله شده ـ ۱۲۱جلد.

تشکیل ادارهٔ خارنوالی در ولایات :

در حالیکه هرولایت دارای یک ادارهٔ خارنوالی بوده واین خارنوالی متشکل ازخارنوال مساعدین وپرسونل اداری میباشد در بعض ولسوالی ها نیزاداره خارنوالی ابتدائیه باتشکیل محدودی موجود است.

بعضی ازولسوالی ها نسبت عدم موجودیت بود جه کانی و پرسونل ما هرفاقد حارنوالی بودند . در اخیر ۱۳۵۵ مخصوصاً بعدازانفاذ اولین قانون اساسی دولت جمهوری که ماده (۱۰٦) ان علاوه برتعقیب قضایا تحقیق وقایع را نیز به حارنوال سپرده وزارت عدلیه مکلف شده تادرکلیه ولسوالی های مملکت حارنوالی های ابتدائیه رانا سیس و فعال بسازد علاوتاً بغرض سهولت درکار وپیشرفت عملیات سالم تحقیقات قضایای جرمی بصورت عموم درتشکیل ادارات حارنوالی هاتجدید نظربعمل امده مطابق احتیاج وضرورت مناطق گروپ های حارنوالی تحقیقاتی علاوه براعضای مسلکی که وظیفه تعقیب عدلی جرایم رادرمحل کمدارند . تعیین گردید . همچنان به شکل حارنوالی ها استیناف مطابق تشکیل حوزه های استینافی اقدام شده که بزودی شعبات مذکورفعال میگردد .

ریاست امورتقنین :

اداره امورتقنین که اجرای وظائف اوراقانون فتوی تقنین تنظیم می نماید . یک سلسله فعالیت های جدید رادرساحه تهیه و تسوید توانین مقررات اساسنامه های ادارات دولت ، تهیه مسوده های حقوقی و قانونی رابه ادارات مذکوراعزام نماینده ها و مشاورین حقوقی در جلسات و کمیته های موظف وزارت ها بعمل اورده است .

مهمترین قسمت کاراین اداره راتهیه واکمال تسوید ونشرقانون جزاء وقانون مدنی احتوامیکند که در سال ۱۳۵۵ بعداز مطالعه و تصویب مجلس های وزراء و منظوری حضوررئیس جمهوردرمملکت

نافذ گردید . قانون جزاء در ۲۳۱ ماده و قانون مدنی در
چهار جلد مشتمل بر ۲۴۱۶ ماده یکی است که از کارهای ارزنده
است که میتوان انرا از فعالیت های حقوقی و قانونی وزارت عدلیه
دانست .
نفاذ قانون جزا و قانون مدنی در یک مملکت نه تنها در ساحه حقوق
اشخاص نارسائی ها و خالیگاه را از بین برد ، بلکه مکلفیتهای
قضات و محاکم را در ساحه یک قضاوت سالم و عادلانه نیز تعیین
نمود . در سال ۱۳۵۵ ریاست تقنین موفق شد یک سلسله قوانین
مقررات و اساسنامه های دیگری را نیز تدقیق و تهیه نماید که
قسمتی ازان به تصویب مجلس عالی وزراء و منظوری حضور رئیس جمهور
نافذ و در جریده رسمی نشر گردیده که اینک توضیح میگردد :
قانون دستگاه بی سیم . اساسنامه انستیتوت ملی مجادله ملاریا
قانون موسسات ساختمانی خصوصی . اساسنامه حجاری او ترکانی
موسسه .
اساسنامه ٔ دبلی داوبد لو موسسه .
اساسنامه بیمه ٔ صحی مامورین .
قانون مالیه مترقی . اساسنامه ابن سینا د رملحی موسسه .
مقررات تنظیم امور اسکان و باشندگان ، اساسنامه کلوپ اطلاعات
و کلتور .
تعداد مشوره های حقوقی که ریاست تقنین به ادارات دولتی
صادر نموده (۳۷۰۰) وهم مکاتیب صادره ان که صدور اکثر

مکاتبات به شکل و نظر حقوقی بعمل امده (۲۰۰۰) تعدیل قانون اجراات جزائی وقانون سارنوالی که باا هداف وهنایات احکام قانون اساسی د ولت جمهوری تطابق نماید.

تحت مطالعه کمیسیون حقوقی ریاست تقنین است. وهم ارزیابی سایر قوانین نافذه د رسایه احکام وروشنی قانون اساسی د ولت جمهوری تحت تدقیق و کار اعضای حقوقی این ریاست می باشد.

ریاست قضایای حکومت :

ریاست قضایای حکومت که باساس قانون شماره (۱) قوس ۱۳۴۲ د ر وکالت وزارت عدلیه تاسیس شده بحیث مدعی العموم حقوقی د ولت علیه اشخاص که د ر برابر ادارات و تصدی های د ولت اقامه دعوی مینمایند د ر محاکم مربوط د نبال می نماید.

د ر جریان سال ۱۳۵۵ جمعاً د ر ریاست قضایا (۱۷۰) د وسیه شامل موضوعات املاکی حقوقی و تجارتی مواصلت نموده که منجمله د وسیه های واصله به تعداد (۲۸) جلدان تحت بررسی محاکم ثلاثه بوده و متباقی (۹۸) جلدان د ر جریان محاکم غرض فراهم اوری اسناد ود لائل مبنی برتثبیت حقوق د ولت قرار د اشته وهم به تعداد (۳۴) جلد د وسیه ازفیصله محاکم ثلاثه املاء به نفع د ولت خاتمه یافته که مدعابهای ذیل به نفع د ولت بمراجع مربوط تسلیم داده شده است :

زمین ۸/۱۲/ ۶۴ ۱۵ـ ۱ یله د رست.

زمین یك فرد اب واراضی ویله اندازه زمین وتفس.

زمین سه قطعه مازاد و ... ارد رنند حویلی •

۴۳ قلبه زمین و (۲) حجرا سیاب •

زمین ۴۰ من تخم ریز و ۱۹ د رنند د کان •

زمین ۶ قنات و ۳۱ ، ۸ ۰ ۶ ۸ ۲ ۰ ۸ ـ افغانی نقد •

وهم یک تعداد دوسیه های حقوقی و تجارتی که بحساب ۲۱ فیصد وغیره اندازه حقیقی مبلغ ان تثبیت شده نمی تواند • وهمچنین به تعداد ۱۲۱ دوسیه های املاکی در ولایات تحت دوران بوده که هنوزفیصله محاکم نسبت عدم تکمیل مراحل مقدماتی ان اخذ نشده است ، که بجمله شامل ۱۱ ـ ۸ ـ ۴۶۰۰۳ جریب زمین برده وازان جمله ... ـ ۱۴ ـ ۲۰۶۲ جریب ان به نفع دولت فیصله و متباقی ان بزودی بعد از طی مراحل قانونی فیصله میگردد

ریاست دارالتادیب :

مهمترین مرکز اصلاحی نورد سالان منحرف که در سال ۱۳۶۶ از ریاست وزارت عدلیه تاسیس شده اداره دارالتادیب است این موسسه در اغاز تاسیس صرف به پسران مجرم بوده اما در عصر جمهوری به منظور تحکیم عدالت اجتماعی و احیای حقوق انسانی دارالتادیب دختران نیزدر وکالت ریاست دارالتادیب تاسیس گردید •

در سالهای اخیر نسبت کثرت نفوس و توسعه شهر ها ... نفوس در مراکز شهری ، ... نامیلی ... نووارد به محیط شهری ومشکلات اقتصادی ایشان ، الخصوص ... و نورد سالان متناسباً بیشتر

گردیده که در نتیجه یك مشكل بزرگ برای پولیس ، ثارنوالی ومحاکم بار آورده است .

بناءً جهت اصلاح پسران ودختران منحرف واینکه آنها به تربیه اعضای مفید جامعه تربیه شوند موسسه دارالتادیب بمیان آمد .

یکی از مراکز مسئولیت اشخاص سن قانونی است . اطفالیکه سن شان کمتر از هفت سال باشند عموماً فاقد قدرت شعور وتمیز بوده از مجازات قانوناً معاف می باشند .

اطفالیکه سن شان از هفت سال بالاتر والی ۱۳ سال عمر داشته باشند قانوناً درساحه تعقیب عامه قرار نمیگیرند ، آنهائیکه از ۱۳ سال الی ۱۸ سال عمر دارند اعمال جرمی شان قابل اندیشه واهمیت است . بناءً برای انکه جلو جرمی صغار وخوردسالان منحرف گرفته شود وبه منظور اینکه ایشان به شکل مجرمین خطرناك ظهور ننمایند . تدابیر خاص ومجازات خفیف در قانون برای آنها پیشبینی گردیده است . روی این اساس خوردسالان منحرف در اداره ها تحت پروگرام های مشخص گرفته شده وبه اصلاح وتربیت شان اقدام میشود که از این زمره ادارات مذکور یکی دارالتادیب است .

ریاست دارالتادیب سرپرستی مراقبت وحمایت شخصیت ایـــــن اشخاص رابه عهده داشته وبه رفع روانی شان پرداخته وبه افکار واحساسات اطفال و نوجوانان مجرم و منحرف رابه جانبی شوق دهد که رهبر و حامی شان در امور حیاتی اینده انها گردد • ریاســـت دارالتادیب پروگرام های شان را اصلاحی دارد که این پروگرام ها به اثر همکاری با مستقیم وزارت های تعلیم و تربیه تحت عامه داخله وریاست د میرمنوتولنه تعمیل میگردد •

ریاست دارالتادیب نه تنها اطفال و نوجوانان مجرم راتربیــه و نظارت مینماید بلکه انها راعلاوه برتدریس سواد نظر به علاقه خود شان به اموختن بعضی حرفه های اموزشی ازقبیل خیاطی نجاری بوت دوزی که دستگاه حرفه های مذکور درداخل موسسه تهیه گردید تحت نظر استادان ورزیده تشویق وسوق میدهد • بعدازانکه اطفال به رشته های فوق دسترسی پیداکردند وقرارنظریه و ملاحظه هئیت تربیتی اصلاح احوال نمودند راپوراصلاحی انهابه محکمه اختصاصی اطفال که دوسیه جرمی انها ازطرف شعبات جنائی غرض انفصال و اصدارحکم ارسال میگردد رجعت داده میشود تاباد رنظرداشت راپوراصلاحی این موسسه محکمه در قسمت رهائی اطفال مذکــور تصمیم اتخاذ نمایـــــد •

اطفال مذکوربعد از رهائی به بعضی فابریکات خصوصی مثل بــوت اتو ، بوت عقاب نجاری جهان و فابریکه افغان موبل معرفـــی میگردنـــــــد •

ریاست دارالتادیب نظارت و تماس خود را با اطفال رها شده تا زمانی ادامه میدهد که ایشان بتوانند بخود متکی شده آثار جرمی شان رفع شده باشد واگر به والدین شان سپرده شوند رفتار فوقتاً ازرویه واخلاق انها بااعضای فامیل شان توسط همکاران خدمات اجتماعی موسسه ویاازخود والدین شان راپور اخذ می گردد.

برای اطفال متذکره علاوه از دوسیه جرمی انها که از طرف پولیس خارنوال و محکمه ترتیب میگردد دوسیه جداگانه از طرف این اداره به کمک پرسونلی که متشکل ازمتخصصین مربوط است ترتیب گردیده و همکاران این اداره فامیل اطفال مجرم راملاقات نموده معلومات های مفید درباره انگیزه جرمی ـ عوامل اقتصادی محیطی کشیدگی های فامیلی ازدیادتولدات بدست می اورند که همه این معلومات به دوسیه مذرجه انها درج میگردد.

اطفال و نوجوانان که جهت اصلاح و تربیه از اریق شعبات جنائی به استیذان ریاست محکمه اجتماعی اطفال به این موسسه اعزام میگردند به جرایم سرقت کیسه بری ـ جرائم اخلاقی ـ جرح وند رتا به جرم قتل متهم میباشند.

احصائیه ذیل تعداد اطفال منحرف راکه درسال ۱۳۵۰ غرض اصلاح به این موسسه فرستاده شده اند وپس ازاطمینان اصلاحی مرخص شده اند نشان میدهد:

اطفال و نوجوانان مجرم ۱۱۳ نفر ۰

بعد اصلاح رها شده ـ ۷۸ نفر۰

مجرمین تکراری دربین اطفال فوق ۲۵ نفر ۰

درسال ۱۳۵۵ که به اثر اقدام نیک دولت جمهوری دریه پهلـوی دارالتادیب ذکور ـ دارالتادیب اناث نیز در وکالت این موسسـه تاسیس گردید ۰

یک تعداد دختران راکه به اثر عوامل مختلف مجرم بارامده انـد تربیه و نظارت نموده است به قبلاً همچو دختران ودرمجالـس عمومی اناث شامل میشدند که شمولیت ومجالست دختران خـورد سال با زنان مجـرم تاثیرمنفی شدید در اخلاق و مفکوره های انها بمیان می اورد ۰ لذا پس ازتاسیس دارالتادیب اناث چهل دختر ازمحبس نسوان ولایت کابل و شعبات جنائی غرض تربیـه بـه این موسسه اعزام و ازجمله ۱۷ نفران بعد اصلاح احـوال رهـا گردیده انـد ۰

این دختران مرتکب جرایم اخلاقی ، اختلاس ، سرقت وند رتساء قتل می باشند .

برای اصلاح احوال شاملین دارالتادیب ائاث پروگرام های مشخص ووسیع روید ست است که وقتاً فوقتاً عملی میگردد .

ریاست دارالتادیب پروگرام تاسیس ، ها ر دارالتادیب ذکور وانات رادر مناطق پرنفوس مملکت در پلان هفت ساله افغانستان کشور پیشنهاد نموده که باتطبیق ان جلو انحراقات اطفال و نوجوانان گرفته شده تعداد اطفال مجرم کاسته خواهد شد .

مدیریت عمومی حقوق :

اداره عمومی حقوق وزارت عدلیه موفق به حل و فصل یک سلسله عرائض و ادعای حقوقی گردید که در نتیجه درعوائد فیصدی حقوق نسبت به سال ۱۳۵۴ پنج فیصد تزئید بعمل امده است و مجموع عوائد فیصدی حقوق در سال ۱۳۵۵ بالغ بر ۴۵۰۰/۰۰۰/ — افغانی میشود .

مجموع دوسیه های حقوقی و مکاتیب مربوط به ان که تحت اجراء امده حسب اتی است :

۱ / دوسیه های حقوقی ۳۱۲۲ جلد .

۲ /مکاتیب اجرا شده — ۱۷۳۱ قطعه .

۳ / عرائض به مراجع محول شده — ۲۰۵۱ قطعه .

مدیریت ارتباط خارجه .

وزارت عدلیه که احتیاج بیشتر به پرسونل علمی و حقوقی دارد ـ توانست (٦) نفر از مامورین خود را جهت تحصیل در رشته های حقوقی ویا برای تزئید معلومات تحت سکالرشیپ ها و بورس ها ممالک متحابه به خارج اعزام دارد .

علاوتاً به تعداد (٩) نفر مامورین در رشته های فوق کاندید شده که اعزام انها د راینده قریب صورت می گیرد .

ریاست عالی اوقاف :

الف ـ فعالیت اوقاف در داخل مملکت :

١ / گذاشتن صندوق اعانه در مزارات مرکز که عوائد ان بالغ بر ٠٢٢٧٢١٣ افغانی میشود واین پول قبلاً از طرف اشخاص حیف و میل میشد .

٢ / اجاره دکاکین در مزارات که عوائد کرایه ان بالغ به ١٤٢٢١ ـ افغانی است .

٣ / ترمیم بعضی مزارات معتبر که توسط اداره اوقاف ویا به اثر تشویق این اداره توسط اشخاص خیرخواه .

ب / تنظیم امور حج و فراهم نمودن تسهیلات در سفر حج برای حجاج .

ترتیب پاسپورت های حجاج و اخذ ویزه در سفارت خانه های مربوط تنظیم کاروان های حجاج به ادای مناسک حج ـ اعزام هیئت های اداری وصحی با کاروانهای فضائی ، زمینی حجاج واسترداد پول و اموال متروکه حاجی متوفی که در اثنای زیارت فوت می نماید . در سال ١٣٥٥ به تعداد ٢٠٠٠ نفر حاجی ازراه خشکه

و ۳۰۰۰۰ نفر ازطریق فضا غرض ادای مناسك حج به عربستان سعودی اعزام شده که ازاین مدرك مبلغ ۱۰۸٤٦۸۲٥ ـ افغانـــــی به بودجه اداره عالی اوقاف کمك گردیده است.

ج ـ تثبیت وکشف جایداد های وقفی وعواید ازان .

اول ـ جایداد های ثابت که تحت تصرف اوقاف امـــده .

۱/ زمین زراعتی ۱۹۵۰۲ جریب.

۲/ اشجار مثمروغیرمثمر ٤۰۵۰۰ ـ اصله .

۳/ اتاق نشیمن ۷۹ باب.

٤/ دکان ۱۲۹ باب .

۵/ غرفه ۲ باب.

٦/ اسیاب ٤ حجـر.

۷/ سرای (۱) باب .

۸/ قنات چهارو نیم حوض د [illegible] عوائد سالانه بالغ بر ـ ۳۲۵٦۱ افغانی میشـــود .

دوم جایداد های وقفی درخارج مملکت :

۱/ رباط افغانی واقع مکه معظمه .

۲/حصول اسناد ملکیت رباط احمد شاهی درمکه معظمه و موافقـــه مقامات ذیصلاح سعودی درمورد ملکیت رباط مذکور به اوقاف افغا ن ستان .

۳/ تثبیت ملکیت ایلمراد بای واقع شهر مکه معظمه .

فعالیت اوقاف درسفر حجاج به خارج مملکت .

۱ / وارسی حجاج افغانی در طول راه خشکه الی عربستان سعودی .
۲ / رهنمونی حجاج در میدان جده .
۳ / مراقبت احوال حجاج در مکه معظمه - مدینه منوره - منا و عرفات .
٤ / تداوی حجاج مریض توسط هیئت های صحی افغانی .
۵ / گرفتن منازل کرائی برای حجاج افغانی در مکه معظمه ومدینه منوره قبل ازفرا رسیدن حج .
٦ / تنظیم رباط افغانی در مکه معظمه .
فعالیت های تبلیغی اوقاف .
به منظور حفظ وانکشاف شعائر وسنن اسلامی مطابق روحیه اساسنامه این اداره اوقاف چه ازطریق نشر مجله اوقاف رساله های مربوط به فرائض واجابت وسنن دینی مخصوصاً در مناسک حج وچه ازراه تبلیغ مبلیغین اقداماتی راانجام داده است .
تاسیس کتابخانه وجمع اوری یک سلسله کتب نیز ازاقدامات موثر این اداره است .
اهمیت حفظ اموال وجایداد های وقفی :
جایداد های وقفی قبل ازتاسیس اداره عالی اوقاف در ساحه های شهری ازطرف شاروالی ها اداره میشد ودر محلات ولسوالان اداره می نمود .
چون شاروالان - ولسوالان اشخاص مسلکی نبودند اکثرجایداد ها یاخلاف احکام شرعی بفروش میرسید ویاتوسط اشخاص دعوا جلاب

باتقدیم دعاوی غیرقانونی بدون ارائه سند شرعی ملکیت های وقفـــی ازدست میرفـــت .

چون موسسات وادارات اوقاف خیریه وعام المنفعه بـــوده جایداد های وقفی جوازندارد وزعم جایداد وقفی به میراث برده نمی شـــوده لذااداره عالی اوقاف درراه بدست آوردن جایدادهای وقفی از اغاز تاسیس تاکنون مساعی زیاد بخرج داده است . اگرحکم ماده (۱۲٤) اساسنامه باین اداره سپرده نشود امیداست حسب هدایات سودمند مقام ریاست جمهوری دراین ساحه نیز به پیشرفت هایی قابل ائیم .

ه ه ه

اداره عالی قضـــــاء

امریت عمومی اداری قضاء این اجراات راتحت رهبری شورای عالـــی قضاء ازطریق ادارات ذیل انجام داده است .

ریاست دارالانشاء شورای عالـــی قضاء :

شورای عالی قضاء باستناد حکم مندرج فقره ماده (۲۲) قانـــون صلاحیت وتشکیلات قضایی برموضوعات تبدیلی محکمه درفقرات جزائی و مدنی غوروطی صدورتصاویب درمورد قضایای مورد بحث به مراجـــع مربوط هدایت صادرنموده که مجموعاً (۱۷۷) تصویب رااحتوا مـــی نمایـــــد .

مشوره های قانونی که دربرابر استهدااات محاکم بعمل امده منجمله موضوعات ایجاب تصمیم رامی نموده متحدالمالاء ازین طریق بـــــه

محاکم ومراجع مربوط اطلاع گردیده جمعاً به (۲۲) تصویب بالغ میـــــگردد ۰

موضوعاتیکه ازحیث تنازع صلاحیت محلی و موضوعی مورد غورقـــرار گرفته وبعداز تعیین محاکم ذیصلاح غرض اجراء به محاکم احالـــــه گردیده محتوی پانزده تصویب ۰

صدورحکم تادیبی استینافی مطابق ماده (٤٠) قانون اتنظیم امور وکلای مدافع علیه وکیل مدافع ، یك تصویب ۰

تعدیل ماده (١٠) مقررات مربوط به ستاژ محررین ، یـــك تصویــــــب ۰

موضوعات اداری متفرقه و قضایایکه طی صدور تصویب شورای عالی قضایــه کمیته های معینه غرض ابراز نظر تفویض گردیده اســـت (١٨) تصویـــب ۰

ریاست تدقیق و مطالعات :

اجراات ریاست تدقیق و مطالعات راساحات ذیل تشکیل میدهــد :

د رساحه ٔ تدقیق دوسیه های محاکماتی و تادیبی :

منظورازتدقیق دراین ساحه عمل متهم تفتیش شامل غور کنترول کلـی اوراق و نتایج نظریات تفتیش قضایی جهت تثبیت مسئولیت یا برائـت تفتیش شدگان ، کذا تفکیك مسئولیت انظباطی تادیبی ازمسئولیـت محاکماتی مشمولین دوسیه و همچنان ترديد دوسیه به منظور تکمیل خلا های تدقیق و عندالزوم تکمیل خلا های تفتیش برطبق احکـــام قوانین میباشــــــد ۰

ریاست تدقیق و مطالعات د رقسمت (۷۱) د وسیه قضات وماموریـن رسید گی تدقیق بعمل اورده وبا رعایت اهداف فوق نتایج تکمیلـیه را به مرجع مربوط تسلیم داده است .

د رساحه رسید گی بااستهداات ورهنمائی محاکم :

د رین قسمت مشکلاتیکه محاکم د ربرابرقانون و اجراات شان دارنـد مورد رسید گی قرارگرفته ونظریات مشورتی ابرازمیگرد د . این نظریات الزوم اورنبوده ، محاکم د رصورتیکه انراقانونی و معقول بدانند مـی توانندانرا به منصه تطبیق قرار د هنـد .

د رجریان سال ۱۳۵۵ شمسی به تعداد (۶۲) فقره استهداا از ریاست های محاکم و سایرادارات مربوط مواصلت کرده که جواب و نظریات مشورتی ابراز گرد یده است .

تنظیم فعالیت های ستاژعملی ونظری قضات :

این اداره به تربیه پرسونل قضائی واداری کادر قضاء و محررین پرداخته مطابق به نیازمندی های متحول د ستگاه قضاء ازطریـق طرح پروگرام های عملی و علمی قضات و ماموریـنی راکه د رمسلـک قضاء وساحه اداره منسلك میشوند ، بمنظورامادگی قبلـی بایفای وظائفی که بعد ازاختتام دوره معینه به انها تحمیل مـی گردد وظائف ذیل را اجراء نموده است :

تربیه (۲۹) نفرقاضی و (۱۴) نفرمحرر د رظرف یکسال مطابق بـه شرائط شمول د رکادرقضاو محرری تادرجه لیسانس ازپوهنحی های حقوق و شرعیات وفارغان مدارس رسمی دینی کشور.

شاملین مرکز ستاژ به تاسی مصوبات کمیته نصاب تعلیمی وموضوعاتی
راکه محتوای مطالب فقهی وقانونی بوده ومحل تطبیقی آن درمحاکم
بیشتر محسوس است ، توسط استادانیکه وظائف اصلی آن ها راقضاء
تشکیل داده وازنگاه تجارب صاحب فهم و خبرت میباشد ، تدریس
ویا توضیح و تحلیل وارزیابی موضوعات در انکشاف ذهنیت و ملکـــه
قضائی ، ستاژیران مساعد ت مزیدی صورت گرفته هکذا غرض توسعه
معلومات ستاژیران کنفرانس ها ی مبنی برموضوعات طب عدلی قاچاق
کریمنال تخنیک ، روان شناسی ترافیک جاده ، پولیس جنائی ،
تشریح وظائف خارنوالی ها ، وظائف وکلای مدافع تجارت بیـــن
المللی ، توضیح سیمینار های منعقده ممالک متحابه ، راجـع
به جلوگیری ازجرائم ، تدابیروقایوی ، معالجوی و تربیوی مجر
مین ــ تعلیق مجازات وغیره توسط استادان پوهنتون ، منسوبیـــن
وزارتهای داخله ، عدلیه ، تجارت ، ریاست ترافیک کابل و
یک تن ازوکلای مدافع وطن برگزارشده که مطالب آن درساحه انکشاف
ذهنی وحقوقی ستاژیران اثرارزنده رابجا گذاشته ودرروشنـــی
موضوعاتیکه جنبه تدریس و معلومات افاقی راااحتوا میکند ستاژیران
حینیکه وظائف اساسی رااجرامیدارند ازنگاه کسب معلومات علمی و
عملی به سمت قضات ورزیده ، بتوانند درتعمیم عدالت سعی و اهتمام
زایدالوصفی رابخرچ دهند ،
روی هم رفته دوره ا ستاژ قضات جوان درعصرفرخنده جمهوری

همردیف ممالک مترقی وانکشاف یافته بوده و همسان بان در تربیه وپرورش نسل جوان که سکان عدالت قضائی رابدست می گیرند از هرگونه سعی و کوشش مضایقه نشده ولزوماً از اصول قبول شده جهانی که با شرائط عینی و ذهنی حاکم برجامعه ما سازگاری دارد در راه تربیه پرسونل قضائی واداری پیروی شده وبه طور مستدام کوشان است تابه اسلوب وشیوه های مطلوب که موافق با شرائط عصر وزمان بوده جوانان راتربیه نماید .

امورپلان واحصائیـــــه :

خلاصه اجراات درین ساحه قرار ذیل است : جمع آوری معلومات کامل ومنظم درباره کیفیت و کمیت کار و فعالیت های محاکم در ظرف ماه وسال .

اطلاع ازچگونگی جریان کارمحاکم وطرق جستجوی راه های مناسب متکی به ارزش های ملی وبنیادی کشور در اجراات قضائی واداری .

کنترول اجراات محاکم به غرض باز یابی علل و موجبات تسویق و التوای قضایا گرد آوری معلومات درباره تعداد متهمین تحت توقیف و محبوسین که انتظار حکم محکمه را دارند . به منظور وارسی بهتر احوال محبوسین از طریق تعیین سرنوشت قضائی شان .

جمع آوری معلومات درباره عوائد قطعی محاکم و فراهم ساختن زمینه برای پلان گذاری های علمی وروی کار آوردن اصلاحات در تنظیم و پیشبرد امور محاکم .

توحید راپورهای ماهوار امریت های ثبت اسناد ووثائق تمام کشور

جمع اوری معلومات ومدارک برای طرح و تطبیق پروژه های جدید وتوسعه تشکیلات محاکم وادارات مربوط در حدود امکانات مالی دولت

تنظیم راپور های قضائی (رویه قضائی) :

اداره راپورهای قضائی که طرح ان در سال ۱۳۵۴ ریخته شده بود در سال ۱۳۵۵ در چوکات ریاست تدقیق و مطالعات قضائی عملاً فعال و بکار انداخته شد که در نتیجه اولین رساله راپورهای قضائی به غرض تقویه وانکشاف حقوقی کشور به منظور توسعه معلومات وتنظیم رویه قضائی از طریق فعالیت اداره مذکور طبع گردیده است.

تاسیس وفعال ساختن اداره راپورهای قضائی یک قدم جدید وموثر در راه انکشاف حقوقی کشور وتنظیم رویه های قضائی بوده این اداره برای پیشبرد اهداف اتی اجراات خود را ادامه میدهد :

تنظیم لائحه نشر راپورهای قضائی که مسوده ان ترتیب یافته وبرای طی مراحل قانونی در جریان است. کار تدقیق جلد دوم وسوم راپورهای قضائی در مرحله اختتام است.

جمع اوری مواد تقنینی ـ انسجام ـ تهیه اندکس ودایجست ـ فهرست های موضوعی وتاریخوار) وارائه ان به کتابخانه قضا جهت استفاده متتبعین حقوق به منظور اکمال تاریخ حقوق کشور مطالعه و غور برپروژه تاسیس یک مطبعه کوچک اقتصادی برای رفع نیازمندی های عاجل اداره قضائی ومرکز ستاژ و مطالعات قضائی.

روابط فرهنگی و کلتوری :

غرض توسعه معلومات علمی و عملی پرسونل قضائی واداری در ـ

چوکات ریاست تدقیق ومطالعات به تعداد سیزده نفرمامورین به خارج اعزام گردیده ودرنظراست بیست ویک نفردیگرنیزبغرض تحصیلات عالی بخارج اعزام گردند . ضمناً باید متذکرشد که (۱۴) نفر بعد ازختم تحصیل دوباره به وطن مراجعت نموده اند .

فعالیت های نشراتی :

فعالیت نشراتی اداره عالی قضاء بادرنظرداشت گرفتن پرسونل موجوده احتیاجات اداره قضاء رامرفوع نکرده لذابرای اینکه فعالیتهای مذکور به نحومطلوب توسعه پیداکند در تشکیل اداره نشرات تجدید نظربعمل امده تاد راتیه بتوانند با نجا ن انچه مطلوب است بیش ازپیش موفق گردد .

مجله قضاء مجله اختصاصی ومسلکی بوده ومطالب سودمند قضائی وحقوقی رابرای خوانندگان بالاخص قضات ، څارنوالی ها ، استادا ومحصلین وسائرعلاقمندان حقوق به نشرمیرسانند .

کتابخانه :

کتابخانه قضاء که مجهز باکتب ووسائل علمی بوده وفعلاً کتب علمی دررشته حقوق بزبانهای پشتو ، عربی ، انگلیسی ، المانی بوفرت درکتابخانه مذکورموجود بوده وبرای مطالعه وانکشاف معلومات راکین قضائی واداری قضاء اماده خدمت است .

اجمال اجراات اداره کتابخانه برای تنظیم بهترکتابخانه وجهت نیل به اهدافی که درنظراست ذیلاً گذارش داده میشود :
توزیع کتب فقهی و حقوقی برای استفاده ورفع ضرورت روزانه قضات

وماموریین مرکزی د رداخل اوقات رسمی .

تنظیم وطبقه بندی (۳۲۸) جلد کتاب به لسانهای خارجی که ازطرف موسسات فرهنگی ویااشخاص به کتابخانه اداره عالی قضاء اهداگردیده ، به کتاب اساس کتابخانه باتثبیت مشخصات ونوعیت هرکتاب به ترتیب نمرات مسلسل .

توزیع کتب و مجلات وروزنامه ها ورهنمائی مراجعین کتابخانه همه روزه د رداخل اوقات رسمی د راتاق مطالعه .

توزیع کارت های حق العضویت به اشخاصیکه حایز شرایط ماده (۱) مقررات استفاده ازکتابخانه قضاء میباشند برای (۲۰) نفر.

ترتیب و تنظیم کارت های (۲۹۸) جلد کتاب به لسان د ری که به کتابخانه قضاء اهداء ویاتهیه گردیده است .

ترتیب لست (۳۰۰) جلد کتاب فقهی وحقوقی به لسان عربی که ازطرف موسساتفرهنگی طورامداد به کتابخانه ٔ قضاء خریداری می شود .

ترتیب و تنظیم وتهیه روزنامه ها ، جرائد ، مجلات کشور وکلکسیون مکمل جریده رسمی ومجله قضاء برای استفاده کنندگان .

توزیع (۱۹۷) جلد کتاب به اشخاصیکه حق العضویت کتابخانه راد ارند ، د رمیعاد معینه خارج ازکتابخانه .

ریاست تفتیش قضائی د رامور مربوط به تنظیم تفتیش و تحقیق جرائم و تخلفات قضات .

منظورازتفتیش د راین راپور عبارت ازمشاهده ، بررسی وتحقیق اجراآت

قضائی واداری محاکم افغانستان است . که اجراات خود را به صورت عادی واقتصادی طبق ایجابات قانونی انجام میدهد .

باین منظور ریاست تفتیش به فعالیت های خویش ادامه داده وحلاً اجراات ان قرار ذیل است :

ترتیب وتکمیل دوسیه های قضات وما مورین اداری مربوط به قضا در تفتیش وتحقیق مفتشین قضائی (٦٥) فقره .

دوسیه های که طی این سال بدوران برده و فیصله محکمه عالی قضات راد ربرگرفته (٢١) فقره .

دوسیه های ما مورین اداری مربوط به قضاء که طی دوران برده وفیصله راجع بان صادر شده (٢١) فقره .

دوسیه های قضات وما مورین اداری قضاء که خارج ازریاست تفتیش تکمیل وتحت بررسی قانونی درین اداره قرارداده شده ١٩ دوسیـــــــه .

دوسیه های قضات وما مورین اداری قضاء که تحت دوران داشته وهنوز مراحل ان تکمیل نگردیده (٢٨) فقره .

وثائق مشبوهی و جعلی که تحت تعقیب و تحقیق ریاست تفتیش قرار دارد (٣٦) وثیقه .

موضوعات مربوط به جعلیت ومشبوهیت وثائق که بعد ازطی دوران اصلی خاتمه پذیرفته (١١) وثیقه .

تطبیق احکام نهایی درمورد دوسیه های قضات و ما مورین اداری قضاء که محکوم به کسر معاش وجریمه نقدی گردیده اند وانتقال عواید

این ناحیه به بودجه د ولت (۵۰) فقره ۰

د وسیه های قضات وماموریین اداری قضاء که بعد ازطی دوران — اصولی غرض حفظ به مدیریت ارشیف قضاء ارسال شده (۷۳) فقره ۰

فقرات قضات و ماموریین اداری که بعد ازطی دوران قانونی غـرض تطبیق حکم تحت تعقیب میباشد (۲۹) فقره ۰

فقرات قضات وماموریین اداری مربوط به قضا که غرض فیصله به مراجع مربوط ارسال ولی تا حال فیصله دران باره صادرنشده ۴۱ فقره ۰

ریاست وثائق و ثبت اسناد :

تنظیم امورو ثائق و ثبت اسناد به اساس یک ریفورم خاص د رسیستم وثائق و ثبت اسناد به نحوی صورت گرفت که علاوه ازتشکیلات قبلی اد ارمذ کورتأسیس وفعال ساختن اداراتوثائق ولسوالی های شکر دره — کوهستان پلخمری و اند خوی بغرض پیشبرد امورورفع سرگردانی های مردم د رنظرگرفته شده و فعالیت ان ادامه دارد ۰

اجراات عمده این ریاست به نکات اتی خلاصه میشود ؛

مطالعه استهدا ات راجع به محصول ومصارف واجراات مربوط به امور توثیق وارائه جواب به مراجع مربوط ۰

اخذ ومطالعه راپور های سالتمام وثائق عموم محاکم وادارات مربوط به ان رسید گی به عرائض عامه به ثبت وثیقه ازدواج ، طلاق ودیگر اسناد مربوط به اشخاص حقیقی و حکمی مطابق احکام قانون و — مقررات موضوعه ٔ د ولت ۰

مطالعه مقدماتی و تعقیب پروژه ٔاعمار تحویل خانه های مجهز و —

مدیرت در ولایات ، ولوی ولسوالیها برای حفظ اسناد و همچنـــان ایجاد تحویلخانه مرکزی اسناد که یک کاپی اسناد دران حفظ گردد ، بخاطر توسعه وانکشاف امور وثائق وثبت اسناد .

ریاست تحریرات ومراقبت قضاء :

هدف اساسی تشکیل این ریاست داشتن اگاهی کامل ازوضع و پرسونل قضائی کشور دربرابر مراجعین و اصحاب دعوی است زیرا انگونـــه تخلفاتیکه از طرف کارمندان قضائی وادارات نشات کند ، بلاتقدیم ورقه عرض واطلاع ازطریق دوائر مربوط ریاست مذکور مورد بازرسی قرار گرفته .علل اهمال و تخلف جستجو میگردد .

دربرخی حالات محاکم ودوائر مربوط رهنمونی ودربعضی موارد بـــه موضوع خاتمه داده به عرائض وشکایات حسب مقررات رسیدگی مـــی گـــردد .

بادرنظرداشت مراتب فوق وظیفه ادارات مربوط ریاست تحریرات ومراقبت اموراتی تشکیل میدهد :

الف ـ فعالیت اداره عارضین مشتمل براستفاء ورسیدگی انگونه عرائض است که ناشی ازدعاوی جزائی ـ حقوقی ـ عادی ـ حقوق تجارت ـ حقوق فامیلی ـ حقوق میراثی ـ وغیره دعاویکه در ـ پیشگاه محاکم اقامه شده بتواند ، میباشد .

ب ـ مدیریت مراقبت وظیفه دارد که تمام اطلاعات وراپـــور های واصله راضبط وبعدازعلم اوری دقیق احوال مظنون رابامحیـــط ماحول ان مورد مطالعه قرار داد .

راپورها را باساس مشاهدات عینی موظفین مربوط تحکیم تائید ویاترد ید نماید. البته قسمتی ازاین اجراات در دوسیه مراقبتی مامور گردیده در تعیین سرنوشت آن رول ارزنده رابازی می کنند .

خلاصهٔ اجراات ریاست تحریرات ومراقبت قرار ذیل است :

۱ــ رسیدگی به عرائض ده هزار موضوع .

۲ ــ رسیدگی به موضوعات مراقبتی (٤٠٥٤) موضوع .

۳ــ رسیدگی به امورمتفرقه (۳۸۸۱) فقره .

٤ــ رسیدگی بامور تحریر (٤٦٦) فقره .

ریاست اداری قضاء :

ادارهٔ عالی قضاء ازطریق ریاست اداری خویش امورذیل را انجام نموده است:

تطبیق بودجه عادی انکشافی سال ۱۳۵۵ ــ ترتیب بودجه عادی وانکشافی سال ۱۳۵٦ ابرطبق نیازمندی واقعی ودرنظرداشت صرفه جویی تعیین کمیته بمنظوراتخاذ تدابیر جهت تطبیق پلان هفت ساله امورقضاء باساس راپور ورونظریات تدقیق ومطالعات وارسال آن به وزارتهای پلان ومالیه ، اخذ راپورهای مصرف ازریاست های محاکم وتطبیق آن باسرجمع بودجه مجرائی بافیات و ترتیب لست باقیها وارسال آن به ادارات مربوط جهت حصول آن تکمیل کارساختمان چهارباب تعمیرهایی وچهارباب تعمیر دفتر ریاست محکمه برای بعضی ولایات وولسوالی ها وانجام (۲۰) فیصد کارساختمانی تعمیرات باقیماندهٔ رهایش ودفاتر محاکم ، وهمچنین امورترفیع

وتقاعد ٬ رسیدگی به عرائض قضات ومامورین قضاء راجع به تبدیلی شان وترتیب دفاتر اند راج طبق میتود های جدید برای عموم مستخدمین ـ اداره عالی قضاء وتجدید بیش از چهارصد فورمه ثبت دارائی قضات و مامورین ، ازجمله کارهائی است که توسط ریاست ذاتیه قضاء درظرف سالیکه گذشت انجام شده است) .
(۱) .

د راین وقت نشرمضمون مذکور ـ پوهاند وفی الله سمیعی وزیر عدلیه بود ..

---

(۱) ماخذ : سالنامه سال ۵۵ ـ ۱۳۶۵ ش ـ طبع مطبعه دولتی کابل .

بخش چهارم

دارالقضاء درافغانستان

درعهد جمهوریت

۱۳۵۷ ــ ۱۳۶۶

د رطرح قانون اساسی جمهوریت افغانستان که د رلویه جرگه برج قوس سال ۱۳٦٦ شمسی به تصویب رسید ـــد رماده دوم نوشتـــه شد :

(دین افغانستان دین مقدس اسلام است ، د رجمهوری افغانستان هیچ قانون نمی تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام ودیگرارزشهای مندرج این قانون اساسی باشـــد) .

د رماده یازدهم نوشته شـــد :

(پایتخت جمهوری افغانستان شهرکابل است) .

فصل هشتم قضـــــاء

ماده یکصد وششم :

قضا یک رکن مستقل د ولت میباشد .

ماده یکصد وهفتم :

قضاوت د رجمهوری افغانستان صرف توسط محکمه مطابق احکام قانون صورت می گیـــــرد .

محاکم د رجمهوری افغانستان عبارت انداز :

ستره محکمه ، محاکم ولایات ، لوی ولسوالی ها ، ولسوالی ها علاقه داری ها ، شهرها ونواحی ومحاکم قوای مسلح .

د ولت میتواند د رسیستم واحد قضایی محاکم اختصاصی ایجاد نماید .

مادهٔ یکصد وهشتم :

ستره محکمه بحیث عالی ترین ارگان قضائی در راس سیستم واحد قضائی کشور قرار داشته مرکب است از قاضی القضات ـ معاونان قاضی القضات و اعضاء .

ستره محکمه برطبق احکام قانون فعالیت های محاکم را تامین میکند .

مادهٔ یکصد ونهم :

قاضی القضات ، معاونان و اعضاء ستره محکمه برای مدت شش سال توسط رئیس جمهور مسئول ومکلف به ارائه گذارش می باشد .

مادهٔ یکصد ودهم :

محاکم در قضاوت خود مستقل بوده صرف تابع قانون میباشند رسیدگی وصدور حکم توسط محاکم بر اساس اصل تساوی طرفین در برابر قانون ومحکمه صورت میگیرد .

مادهٔ یکصد ویازدهم :

قضات حین بررسی قضایاء احکام قانون اساسی وقوانین جمهوری افغانستان را تطبیق مینمایند . درحالاتیکه قانون صراحت نه داشته باشد ، محکمه قضایا را طبق احکام شریعت اسلام به نحوی حل و فصل مینماید که عدالت را به بهترین وجه ممکن تامین نماید .

مادهٔ یکصد ودوازدهم :

در محاکم جمهوری افغانستان محاکمه بصورت علنی اجرا میشود .

حالاتیکه قضایا درجلسات سری رسیدگی میشود ، توسط قانـــون تعیین میگـــردد .
ابلاغ حکم محکمه درهمه حالات علنی است .
ماده یکصد وسیزدهم :
رسیدگی وحل وفصل قضایا درمحاکم به لسانهای پشتو ودری ویا به لسان اکثریت ساکنین محل صورت می گیرد . اگرطرف دعوی لسانـــی راکه محاکمه توسط آن صورت میگیرد نداند بحـــق اشنائی بامواد واسناد قضیه توسط ترجمان وحق صحبت درمحکمه بزبان مادری برایش تضمین میگردد .
ماده یکصد وچهاردهم :
فیصله های محاکم باید مدلل باشد واسباب حکم دران ذکرگردد .
فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است به استثناء حکم باعدام که بعد ازمنظوری رئیس جمهور تعمیل میگردد .
ماده یکصد وپانزدهم :
تشکیل ، ترکیب ، صلاحیت وطرز فعالیت محاکم توسط قانـــون تنظیم میشـــــود .

٥ ٥ ٥

این بود عیناً متن قانون اساسی ـ برج قوس سال ۱۳٦٦ شمسی درسال ۱۳٦۷ هجری شمسی ـ نظام الدین تهذیب قاضـــی القضات مقررگردیـــــــد .

تعیین قاضی القضـــــات

و

اعضاء ستره محکمـــــــــــه

نظام الدین تهذیب در سال ۱۳۶۷ شمسی مطابق حکم قانون ـ اساسی جدید وبروفق فرمان داکتر نجیب الله رئیس جمهور افغانستان قاضی القضات وبتاریخ شنبه (۲۰) برج قوس سال ۱۳۶۷ شمسی مطابق (۲) جمادی الاولی ۱۴۰۹ قمری وموافق (۱۰) دسمبـــر ۱۹۸۸ میلادی معاون واعضاء ستره محکمه تعیین واعـــــلان گردیـــــــــــد .

ACKU

توضیح و حواشی کتاب

تاریخ تحدار القضاء در افغانستان

از اوائل عهد اسلام تا سال ۱۳۵۶ هـ ش

ابطال عقائد وهابیه

افغانستان این مملکت اسلامی که استقلال ملی و مملکتی خود را بدفعات اعلان و استرداد کرده و در راه مدافعه این حق بزرگ در هر زمان و در هر ولایت از ولایات افغانستان جان سپاری نموده است . در دفعه اخیر بتاریخ (۵) برج اسد سال ۱۱۲٦ شمسی مطابق ۱۱ رجب المرجب سنه (۱۱٦۰) هجری قمری استقلال کامل این کشور اسلامی افغانی را باتمام معانی مجدداً و بسویه امپراتوری اسلامی افغانی اعلان نمود .

و در قانون اساسی این دوره درخشان امپراتوری افغانی مجدداً گفته شده که :

دین افغانستان دین مقدس اسلام و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب منیف حنفی (امام الاعظم امام ابوحنیفه کوفی رحمة الله تعالی علیه) و دیگران مذاهب اسلامی هم با اصول خود مجاز و مختار اند ولی بشرطیکه بدیگران مذاهب اخلال نورزند .

و چنانکه این رسوم قدیم دوره های تمدن افغانی در قانون اساسی سال اخیر نیز تصریح میگردید . علماء مذهبی حنفی آن وعظ و تبلیغ علماء مذهبی تعمیم نموده اند که البته قانون و مقررات دولت در هر وقت این را تائید و تقدیم کرده و اسناد آن در دست است

اما دولت و حکومت و ملت دیانت پرست افغانستان در هیچ وقت اجازه نداده است که طریقه وهابیه در یکی از گوشه های ولایات افغانستان شیوع و ظهور یابد . و در جاهایی و در ایامی که

اندک احساس شده است دررد وابطال ان جداً قیام ورزیده است
چون دستگاه طبع ونشر دفعهٔ اول درسنه ۱۲۸۷ هجری قمری
درکابل به فعالیت اغاز کرده است . دولت افغانستان وان جمع
علماء حضور مصمم شدند که دراین عهد مطبوعات از خطب ومقالات
وموعظات سنوات گذشته استفاده کرده نخست رساله یی هم درین
مورد ترتیب داده بوسیله اولین مطبعه دولتی کابل بچاپ رسانده
دُردسترس علماء دینیه بسپارند وملا امام مسجد وعلماء مدرس
واعضاء دارالقضا بسمع اهالی طبقات جامعه افغانیه برسانند .
برطبق این منظور – ملاعبدالرحمن خان (ابن ملامحمد سعید
خان قاضی القضاة) رساله یی تاًلیف نمود واین رساله درمطبعه
مصطفائی کابل دردوصد وچهل صحیفه درسنه (۱۲۸۸) هجری
قمری بطبع رسید درامورعقائد اسلام ومذهب حنفی سخن میرانند
تمام مباحث علمی با ستناد ایات قران کریم واحادیث حضرت رسول –
اکرم (ص) درروایات صحابهٔ کرام و کتب معتبر فقهی اسلامی استکه
دراینجاعین عبارت پشتی انرا برای اگاهی هموطنان عزیز نقـــــل
می گیـــــرم ؟

. . .

(الحمد الله که رساله هذا موسوم به حجـةً قویه درابطال عقائد
وهابیه غویهٔ ازتالیفات علامهٔ زمان وفهامهٔ دوران ملاعبدالرحمن
الشهیر به خان ملا خان حسب الامرِبندگان سکندر شان امیـــر
کبیرامیرشیرعلی خان دردران والی مملکت افغانستان حفظهما الله

من حواد ث الله وران بحرمت النبی اخرزمان ـ د ردا رلسلطنهٔ کابل د رمطبع مصطفاوی با هتمام میرزا محمد نادر حلیهٔ طبع پوشید سنه ۱۲۸۸ هجری)

۵

سنه مذکور مطابق سال ۱۲۴۹ شمسی و ۱۸۷۰ میلادی است بعد از خاتمهٔ دورهٔ امارت سلطنت اعلیحضرت امیر شیرعلی خان و خروج سردار محمد ایوب خان از افغانستان ـ اعتقاد وهابیه بار دیگر در گوشه های قلمرو افغانستان ظهور نمود ٠

امیر عبدالرحمن خان علماء دینیه را مکلف موظف نمود که تألیفاتی د راین موضوع بنمایند وبعد ملاحظهٔ علماء حضور رساله یی بعنوانی که سیاه ت علماء تعیین نمایند بطبع برسانند ٠ این تألیف د رسنه (۱۳۰۳) هجری قمری (مطابق ۱۲۶۴ شمسی ۱۸۸ میلادی) بطبع رسید که عنوان و بعض قسمت های متن انرا د راین مقالت نقل می گیرم :

(نتائج نامچه فارسی ـ فقرات روز شنبه (۱۷) ذیقعدة الحرام سنه (۱۳۰۲) هجری قمری ـ پیشین گویی امیر عبدالرحمن خان در بارمغان پغمان) ٠

د رین رساله از استقلال افغانستان وجهاد د ربرابر متجاوزان حرف زده شده است ٠

د یگررساله ایست بعنوان (کلمات امیر البلاد ـ فی ترغیب الی الجهاد) د رچهل صحیفه د رسنه (۱۳۰۴) هجری قمری د رمطبع

کابل طبع شده ولتن اتماماً مطابق بعنوان ومستند بآیات فرانی
واحادیث شریف نبوی باترجمه زبان دری بعد حمد ونعت نوشته
است :

(میگوید امیدوار حفظ و نصرت حضرت کردگار جهان امیرممالک
افغانستان امیرعبدالرحمن خان که این موعظتی است عامه و
نصیحتی است کامله وتامه برای مرحمت ودلسوزی اصناف اهالی
کشوردیانت مظهر افغانستان
افسران افواج وسائر سپاه نصرت پناه وسادات عظام وعلماء اعلام
وسکنه مساکن ازنامه رعایا مشتمل بربیان مصلحت کلیه دین
وملت و تقویت اصلیه ملک ودولت مستشهد بآیات فرقانی واحادیث
واضحات نبی عدنانی ....
برذمه جمله مسلمانان به تخصیص اهالی افغانستان بسبب ارادهٔ
کفار استیلای نوبت ثالثه رابر دیار ایشان فرض لازم الادا ودین
راجب القضاست که تغلب و تصلب جنود عنود کفره راد رغرب و شرق
ملت ودولت اسلام اندیشیده غیرت ایمانی و حمیت اسلامی را کار
فرمایند ....)

وبعد شرح مکمل د رخصوص تاریخ اسلام وتوصیف مرتبه جهاد ومجاهد
ین بیقین نوشته است :) منظورازین راجی عنایت رحمانی و حامی
دین وملت نبی عدنانی ان است تاگروه دیانت پژوه افغانستان
دیده عبرت و غیرت را بازگوش دل وجان رااز استماع خطرات —
شیطانی وهفوات نفسانی فرازداشته مضامین مفصله راکاربندند

وبرای غزوجهاد برحسب استصواب این حامی البلاد والعباد ازعزم قوی وجزم عاد قیاربند ند ، که غرض ازوعظ وپند کاربستن وعمل نمودن است ، نه گفتن وشنودن) ،

امیرعبدالرحمن خان دستخط کردم) — تاریخ طبع ۲۵ رجب سنه ۱۳۰٤ هجری قمری مطبع همایون دارالسلطنه کابل — مهتمم:

منشی عبدالرزاق ،

متعاقب رساله مذکور — رساله دیگر درسنه ۱۳۱۰ هجری قمری تالیف وبتاریخ ۱۷ صفرالمظفر سنه (۱۳۱۱) قمری بطبع رسید و ((وعظ نامه)) نام گذاشته شد ،

تفصیل ازاینقرار است که :

امیرعبدالرحمن خان روز جمعه (۲۲) ذیقعدة الحرام سنه ۱۳۰٤ هجری قمری علماء علوم دینیه را در پغمان بجهته ملاحظه تالیفات انها که در خصوص ترغیب جهاد وصیانت عقائد عامه مسلمانان ازخلط امیزش اعتقادات طوائف گمراه مانند وهابیه وغیره نموده بودند احضار و تالیفات انها خرفاء خوانده شد وتهذیب وترتیب ان برحسب استصواب رای دولت اسلامی افغانستان بعمل امد وبعد ازطرح زوائد وشرح فوائد وحك واصلاح ازطرف جرگه علماء — تالیف جدید ان منظور واملاء طبع گردید ،

این روزجرگه علماء در پغمان مطابق (۲۲) برج اسد سال ۱۲٦٥ شمسی است ،

تا٘لیف کتاب ضیاء الاحکام تا سنه ۱۳۱۸ هجری قمری (۱۲۷۶ش باتمام نرسید ود رسنه (۱۳۲۰) قمری تکمیل واین وقت سراج الاحکام فی معاملات الاسلام نام گذاشته شد. ده نفر عالم بزرگ افغانستان تصدیق صحت انرا نموده اند.

وبعد ازان کتاب سراج الارکان درسنه (۱۳۳۴ هجری قمری ۱۲۹۵ شمسی درکابل طبع ونشر شد تاافراد ملت مسلمان افغانستان ازمسائل ارکان خمسه اسلام بسهولت وبدون زحمت باخبر ومستحضرگردند.

محفل میزان تحقیقات شرعیه وظائف تا٘لیف، تصحیح، ترجمه وتحقیق راداشتند. واداره بزرگ ((بیت العلوم)) درراس انهمه محافل علمی وتحقیقی قرارداشت وهم رساله هایی درعلم عقائد اسلامی برای جلوگیری ازاعتقادات طوائف گمراه مانند وهابیه و غیره انتشارمی یافت. اقضی القضات و دارالعلوم وشورای علوم مصروف امور بودند. درعهد سلطنت امان الله شاه وزارت عدلیه ریاست عالی تمیز، وشورای علماء و محفل وضع قوانین ودارالامان معارف وانجمن معارف وجرگه های علماء جداء مسئول امور بودند تاانکه تمسک القضات الامانیه وفتاوای امانیه تا٘لیف گردید و نظامنامه اساسی و نظامنامه تشکیلات اساسی همه مسائل راجداء واکیداء مد نظر گرفت. درین سلسله درخصوص دونفر وهابی باید سخن گفت:

دراوائل سلطنت امیرحبیب الله خان (۱۲۸۰ش ۱۳۱۶ قمری.

شخصی بنام صاحبزاده عبداللطیف از راه سرحد جنوبی وارد خاک
افغانستان شد و به تبلیغ اعتقادات وهابیه برافراد بی علم می نمود .
اهالی نیک عقیدت سمت جنوبی او را دستگیر کرده بمحکمهٔ شرعیه
کابل فرستادند . قاضی این وقت محکمه شرعیه کابل ـ ملا بابا مراد
خان موصوف بهمراه هیأت علماء شرعیه کابل بسیار زحمت کشید
تا آن گمراه را براه راست عقیدت اسلامی از عقیده اش باز گرداند .
قطعاً ممکن نشد تا آنکه آن گمراه محکوم به رجم گردید .
بعد از استرداد استقلال افغانستان شخص دیگری بنام ملا نعمت الله
وخود را یکی از اقوام داخلی افغانستان منسوب میکرد . وارد کابل
تمام مساعی علمی علماء افغانستان در اصلاح حال آن بدبخت بد
عقیدت تأثیر ننمود تا آنکه در حصه شفاخانهٔ وزیر محمد اکبرخان حالیه
سنگباران ورجم گردید وآن سخت جان بدسرانجام تا لحظهٔ آخر
یعنی که جان سپرد همان حرفهای خود را تکرار و کلمات دور از
عقیدت اسلامی می گفت . وبعد قتل آن بدبخت واقعهٔ چنین در
افغانستان رخ نداد . چون تجارب علمی موجود بود در رهنامه
وصورت تدویر مجلس جمعیة العلماء افغانستان (١٤ رجب المرجب
سنه ١٣٤٨ هجری ٢٠ قوس سال ١٣٠٨ شمسی) نوشته است:

(در باب علماء حقیقی بذریعهٔ این مجلس معلوم بود که وزارت
عدلیه و حکومت بدانند که علماء ودانشمندان مملکت کدام ذوات اند
ورسمی حال اشخاصی که لیاقت ندارند خود را در جرگه علماء محسوب
نکنند . امانت تدریس وموعظه وخطابت واحتساب حتی فتوی وقضا

به اهل ان سپرده نموده ولااهلان درین امور مقدس مداخلـــه نکننـــــد .

برعقائد فرق مخالفه غور نموده برکتابهای انها اطلاع وعلم اوری نموده علماء راستدلالاء دررد انهابکوشند و بعض رسائل هم در درین موضوع طبع نمایند) .

این اشارات کلام مرام نامهٔ جمعیته العلماء خیلی حاوی و طالب وعلماء درهرخصوص تحقیقات فراوان می نمودند و سوانح مفصل از هر فرد عالم و خطیب را اعطا میخواستند .

قانـــــــــــــــــون

لغتطرومی است مستعمل درعربی ــ مقنن ــ قانون برازنده وقانون شناس وقانون گذار را اسم فاعل ازتقنین که مصدر جعلی است ماخوذ ازقانون .

کلمه قانون دراسناد ومتون تاریخ افغانستان ازقدیم معمول بوده واما همه قوانین دولت وحکومت اسلامی افغانستان تابع وپیروهمان احکام دین مقدس اسلام و مطابق اصول مذهب منیف حنفی (رح) بوده اســـت :

درونتی که نظامنامه های دولت افغانستان به ترتیب و طبــع ونشرآغازکرد چون هرکس علمیت به زبان عربی نمی داشت ، محفل وضع قوانین موظف شد که ازکتب فقهی اسلامی تمام مواد و مطالــب رابزبان پشتو ودری ترجمه نماید وبرای اینکه موردقبول عموم واقع گردد محفل شورای علوم موظف شد که تراجم را بااصل عبارات عربی کتب فقه اسلامی تطبیق وغور مزید نموده مهرودستخط نمایند . و چنانکه جریان مباحث لویه جرگه ها وبعض اختلافات علماء علوم ــ دینیه دراین مجموعه تاریخیه ((تاریخ قضاد رافغانستان)) درج شده اســــت .

مرقع تصاویرکه نقاش برای اظهار کمال خود تیار سازد .
وبمعنی جنگ نامه وکتاب تواریخ وکتاب قوانین ریاست وعدالـــت
که انراکتاب ائین ودستور العمل نیز گوینــــــد .

در ادارات قضائی قدیم افغانستان معمول بود که کتاب ثبت فیصله خط ها وقباله ها واحکام شرعیه مرتب باشد وکارنامه قضات دارالقضاء بنظر ملاحظه شیخ الاسلام واقضی القضات میرسید .
دیوان اعلی یعنی مرکز عموم ادارات افغانستان نیز امور سالانــــه اجراات قضات محاکم شرعیه راکه کتاب کارنامه مرتب میداشتند .
بادقت ملاحظه می نمود متصدی بزرگ دیوان اعلی ـ امپراتور وقت ووکیل سلطنت ان می بود . درکتاب ثبت وثائق هرگاه اختصار و یاتفاوتی بهم میرسید . مورد بازخواست واقع می گردید . قبل از ایجاد مطابع تمام اسناد ووثائق وثبت ان بقلم محررین محاکم شرعیه نوشته میشد . وبعد ازظهورمطابع انتظام جدید یافت که اکنون مروج اســـــــت .

رئیس محفل میزان تحقیقـــات

امیرحبیب الله خان از اوائل عــهد دولت امارت خود اداره بزرگ علمی بعنوان محفل میزان تحقیقات تاسیس نمود . رئیس انرا بنام حاکم میزان تحقیقات تعیین و چند نفر عالم بزرگ را اعضاء ان محفل مقرر و باین محفل بزرگ صلاحیت داد که کتب و مقالات تالیف و ترتیب نمایند ... واین اداره حکم محکمه مرافعه عمومی را داشت .

مولوی الحاج عبدالرازق که پر سالهای اخیر دوره امیرعبدالرحمن خان مدرس مدرسه شاهی و در دوره امیرحبیب الله خان ملای حضور مقرر وطلبه را نیزدرس میداد . ودرتالیف کتاب سراج الاحکام دخیل بود بالاخره بفرمان ان پادشاه رئیس محفل میزان تحقیقات مقرر گردید . عالم مذکور ربهادراسترداد استقلال سهم داشت و همدرین عهد درفرمان پادشاه بالقاب : ((مولوی الحاج المبا... عبدالرازق)) نوشته میشد . و همدرین عهد بنابر کبرسن وظائف رسمی را ترک گفت وبتاریخ جمعه (۲۱) برج حمل سال ۱۳۰۴ هجری شمسی بساعت (۲) بعداز ظهر در کابل فوت ود رغزنـــی دفن شـــد .

مولوی الحاج عبدالرازق به تواریخ از دانشمندان علم بود . علـــوم مروجه اسلامی وشرقی را به تمامی تحصیل کرده تقریباً از چهـــل سال تا اخر حیات مشغول درس همه انواع علوم بوده طالبان علوم دینیه از ایشان استفاده نموده اند . واگر ... در ... رشته

های علوم مروجه استاد و طلبه را تدریس می نمود. ولی در ریاضی و هیأت وحدیث متخصص بود. واز تاریخ اسلامی وجغرافیا اطلاق واقفیت تامه داشت.

وبهمین لیاقت سالیانی مدرس مدرسهٔ شاهی وملای حضور مقرر ود رتالیفات ان عهد امضاء او دیده میشود. مولوی عبدالرب ومولوی عبدالرحیم پسران ان عالم وشخص اول در سالیان بعد از دوره اما نیه رئیس تمیز وزارت عدلیه مقرر بود.

ود رقلعه بابرخان چهاردهی کابل سکونت داشته بود.

دارالعلوم رفیع الاسلام

درعهد دولت امپراتوری درانی یکی ازمراکز بزرگ علمی ـ بنام وعنوان ((دارالعلوم رفیع الاسلام)) درپشاور ـ بجهته تعلیم و تدریس طلاب افغانی تاسیس یافته وتاصد سال بعد خاتمه دولت شجاع الملک شاه برقرار بود وعلم قضا مطابق باصول اهل سنت و جماعت ومذهب منیف حنفی امام اعظم کوفی رحمته الله تعالی علیه دران تدریس میشد ۰

وچنانکه اکبرنامه تصنیف حمید کشمیری بامر مهتمم دارالعلوم رفیع الاسلام ((پشاور وبقلم محمدایوب شاه مدرس اول دارالعلوم مذکور بتاریخ (۲۷) جمادی الاخر سنه ۱۳۵۷ هجری قمری مجدداً تحریر ودرمتن گنجانیده شده است ۰ واین یادداشت تصریح بر حقیقت موجودیت مدرسه مذکور مینماید وامثال اینگونه مدارس علمی وقضائی در بلاد شامل قلمرو درانی زیاد است که در این کتاب بتاریخ قضا درافغانستان جسته جسته در محل خودش یاد میشود ۰

قلعه قاضی کابـــــل

د ردامنهٔ کوه قرق (قورغ) سمت جنوب غرب چهاردهی کابـــل قریه بزرگی ازقدیم بنام قلعه قاضی مشهوراست . وقدیمترین بنای عمرانی که ازقضات محکمه شرعیه کابل تااکنون حفظ مانده همیـــن قریه وقدیمترین قلعه یعنی قلعهٔ بناکرده خود قاضی درکنار یک کاریز واقع ودرختان کهن سال ومسجدان درکنار حوض نمایان است . و نگارندهٔ این تاریخ درسال ۱۳۲۰ شمسی اززبان موسپیدان -. قلعه قاضی اطلاع یافتم و اگفتند قدیمترین قلعه همین بنا متصل کا ریزاست . یکی ازموسپیدان گفت که بانی این قلعه قاضی سلم است وبریکی ازکتاب های نقه شرحی هم نوشته است . ایــــن اشارت دلالت برحقیقت نمود واما مفصل ومشرح نبود . وتخمین نزد یک بیقین همین مینماید که قاضی محمداسلم است که مدت ها بقضای - کابل مقرربوده وازاعانت دولت اسلامی وقت متمول هم بوده است .

شرحی راکه مؤلف سکینته الفضلاء باستناد وماخذ بزرگ نگاشته لزوماً درا ینجا بااندک اختصار نقل می گیرم :

ملامحمداسلم درشهر هرات متولد گردیده ودرمرکز کابل توطــن برگزیده ودرعهد جهانگیر به منصب قضای کابل سرافرازی یافت . - چون قاضی محمداسلم مدت ها بقضای کابل پرداخت ، جهانگیــر پادشاه اورا بامرتاضی عسکری موظف ساخت .

چون نوبت دولت به شاه رجهان رسید قاضی محمداسلم رابران - عهده بحال داشت .

قاضی مدت سی سال قضای عسکررا با کمال دیانت ادا کرد ود رسنه ۱۰۵۲ هجری قمری پادشاه اورابزرر کشید وشش هزار و پانصد روپیه هم سنگ تسلیم شد . (۱)

د رسنه ۱۰۶۰ قمری د راثر صدمه یی که بوجود وی ازاسپ سوار ان رسید مدت چهار ماه مریض ورخصت کابل نمود . سیورغال کابل وجزء ان که زیاده برده هزار روپیه بطریق انعام علاوه منصب با و مقرربود بدستور سابق مسلم ماند .

ود راغازسنه ۱۰۶۱ هجری قمری وفات یافت .

پسرقاضی محمداسلم (مشهور به قاضی سلم) میرمحمد زاهد نام داشت وبتاریخ شهررمضان المبارك سنه ۱۰۶۴ قمری د رعهد شاه جهان بخدمت واقعه نویسی کابل مامور شد ود رسال هشتم جلوس اورنگ زیب به منصب احتساب ارد و معزز گردید وبعد ازچندی صدارت کابل تفویض یافت . د رترویج علم میکوشید وکتب غرا بسفه خامه وقت طراز به تحریرا ورد مثل : حاشیه شرح مواقف ـ حاشیه شرح تهذیب علامه دوانی حاشیه تصوروتصدیق ملاقطب الدین رازی

---

(۱) د رکتاب مزارات کابل سهوی بعمل امده وبانی قلعه قاضی قاضی فیض الله خان دانسته شده است. مذکور بانی گذر قاضی ومسجد قاضی وباغ قاضی شهرکابل وهم کاریزقاضی بنام اود روشائی دیده شده است واماقلعه بانی قلعه قاضی نمی باشد .

(وکیلی پوپلزائی)

حاشیه شرح دنیا کل —

ازمحمد اسلم خان فرزند زاده میرمحمد زاهد استفسار رفت که سال وفات میر چیست ؟ گفت : سنه یکهزار و یکصد ویازده مرقد بدار السلطنت کابل است .

* * *

مطابق باین شرح باید قاضی محمد اسلم مذکور بانی قلعه قاضی کابل شناخته شود .

اینکه قاضی محمد اسلم مذکور را بعضاً باسم سلم می شناسند باید توضیح نمود که :

سلم — بفتح اول وسکون لام نام پسر فریدون — وبفتحتین درعربی نام درختیست . بکسر اول وسکون لام بمعنی صلح و آشتی و شاید این اسم نیز درست باشد .

راینکه اورا بحضر شاه جهان و اورنگ زیب دانسته اند بعید — نمی نماید وا ینجا باید تصریح کرد که : در همین عهد حیات خان تیرین قندهاری ملقب به شمشیر خان حکمران غزنی وکابل بود وهمین شخص در سنه ۱۰۵۳ قمری بلخ را بکابل پیوستگی داد وتحت یک

---

(۱) اسم سنگ ممکن اشاره به سنگ محک باشد که نقود طلا ونقره اصل رابدان می ازمایند وانرا زرکامل عیار مینامند وسنگ امتحان نیزمیگویند . (وکیلی پوپلزائی)

(۲) مقصد ازصدر الصدور است که در این کتاب تشریح شده و منصب بزرگ قضا است .

اداره اورد . فرمانروای ملک هند در این وقت شاه جهان بود
که قبل ازجلوس سلطان خرم نام داشت وبعد ازوی در سنه ۱۰۵۷
هجری قمری محمد اورنگ زیب پسرش جلوس نمود .
و (۵۱) سال سلطنت کرد وعالمگیرخطاب داشت .

٥ ٥

این کتاب که متضمن فوائد بسیار در احوال قضات ودارالقضات دوره
های گذشته وامروزافغانستان است بهمین قدر اشارت اکتفا نمود
وممکن دراینده پس ازدریافت وثائق وماخذ علمی درعلم قضا این
حقائق ازروی نقوش مهرها و نقل الواح قبوردرست معلوم شود .
ولی این مطلقاً ثابت است که قاضی سلم ویاقاسی محمداسلم سنی
مذهب و پیرو طریقه امام اعظم کوفی (رح) بوده است زیرا که
اکثریت مطلقه ملت افغانستان طرفدار قضات حنفی مذهب
بودند وهستند . وکورگانیان نیز ازین اساس بزرگ جداً پیروی
ومتابعت می کردند . وبعضی ازعلماء که غلو درانحراف ازمذهب
حنفی میداشتند - اهالی ازوی ترک عقیدت میکردند .
قلعه قاضی به سمت جنوب غرب چهاردهی کابل ، درد امان
کوه قورق ، قریه یی ازقدیم بنام قلعه قاضی مشهور واراضی زراعت
زراعتی ان ازاب چشمه چونغر وبعض چشمه های دره های کوه
قورق مشروب می گردد . محل مصفا وخوش هوائی است .
علماء قریه مذکورمیگویند که بانی قلعه قاضی - قاضی سلیم
نام داشت وشرحی دریکی ازکتب فقه نوشته است .
مولوی عبدالقدیربن عبدالسلام بن ملا مسعود نوشته است

که (مذکورقاضی القضات کابل وسلسله اجداداو به حضرت خلیفه اول ابی بکرالصدیق (رض) منتهی میشود ۰ ازطرف فرمانروای وقت سالانه یک لک روپیه وجه معاش برایش مقررو قاضی القضات مخال مافوق — پشاور ه ازمحالات طوائف مهمند وخلیل الی دروازه مشرقی شهرکابل امتیاز یافته صد سوار خدمتی و قلعه قاضی جهادی کابل وقریه زمه کوهدامان کابل بطورجاگیر برایشان مقرر بود ۰ واولاده قاضی القضات مذکوراز طرف دولت افغانستان القاب علمی داشتند) ۰ چون اسم قاضی القضات مذکور دراسناد دیده نشده است بیشتر نمی توان توضیح کرد ۰

" " " " " " " " " " " " " "

ده قاضی:

درسمت شرق مرکزچهاردیکار سمت شمالی کابل — قریه یی بنام ده قاضی مشهوراست تاحال معلوم راقم نگردیده است که اسم قاضی چه بوده وتاریخ بنای قریه ازکدام زمان اغاز یافته است ولی این قدر بخوبی معلوم میشود که این عالم درمرکزسمت شمال کابل منصب قضا داشته ودرهمانجا مسکن گزیده است ۰ ازاولاده خواجه خسرو وخواجه اسحق یک نفر شیخ بنام خواجه جان صاحبزاده بدر عهد امیرعبدالرحمن خان وامیرحبیب الله خان درهمان قریه میزیست صاحبزاده عطاء الحق وصاحبزاده محمدصدیق وشیرجان خان و ومحمد کریم خان پسران او معاصر بدوره سراجیه وامانیه می باشند صاحبزاده عطاالحق خان بتاریخ سه شنبه (۲۳) قوس سال ۱۳۵۰ شمسی درشهر کابل وفات یافت ودرهمانقریه ده —

قاضی بخاک سپرده شــــد .

ده قاضی ـ توام باسماء این اشخاص ضمن واقعات سال ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ شمسی بسیارتر شهرت یافت .

بانی ده قاضی شناخته شد واما اینکه قریه (مسکن علماء و سادات) ازقدیم شهرت دارد معلوم میگردد که زمانی قاضی مرکز آن سمت ومرد صاحب تمول مادی و معنوی و سنی حنفی المذهب بوده اســــت .

قلعچــه قاضــی

در نزد یک قلعه جواد بیگ چهاردهی کابل (بالاتر از سیلوی حالیه) قلعچه یی بنام قاضی موجود وعوام قلعه قاضی گگ یاد می کردند واصلاً قلعچه و یاقلعه گگ قاضی بوده است . نامش شناخته نشد .

قاضی ملا محمد صدیق هروی

اخوندزاده ملا محمد صدیق (متولد سنه ۱۲۸۶ هجری قمری) ازعلماء وفضلاء هرات ودرعهد امیرحبیب الله خان در کابل وازعلما دربار سردار نصرالله خان نائب السلطنه واکثرحصص عمر خود را درکابل گذرانید ووقتی منصب قضا ، ریکی ازمرا کودا شت . درسال ۱۳۱۱ شمسی (۱۳۵۱ هجری قمری) رئیس انجمن ادبی هرات مقرروازخوشنویسی و شاعری نیزبهره داشت .

وفیات علماء و قضـــــــات

از وفیات چند نفر عالم وقاضی این عصر جدید آنچه درصفحات اخبار یاد شده در این صفحات اخیر قسم یادداشت علاوه می کنم :

مولوی محمد نعمان پسر مولوی عبدالواسع خان قندهاری ـ در اوائل برج اسد سال ۱۳۲۲ شمسی در قندهار وفات یافت . عبدالخالق واسعی براد راوست .

ه ه ه

مولوی حبیب الرحمن کاموی در برج سرطان سال ۱۳۳۲ شمسی ـ وفات یافت مذکور برادر مولوی محمد ابراهیم کاموی است .

ه ه ه

مولوی محمد بشیر چمرکندی ننگرهاری در اوائل شهر رمضان سنـــه ۱۳۵۳ قمری مطابق اواسط برج قوس سال ۱۳۱۳ شمسی ازدست شخصی به شهادت رسید .

ه ه ه

قاضی عبدالله خان رئیس شعبه ٔ تمیز مجلس عالی اعیان روز یکشنبه (۲۱) جدی سال ۱۳۱٤ شمسی مطابق (۱٦) شوال المکرم ـ سنه ۱۳٥٤ قمری (۱۲ جنوری ۱۹۳٦ میلادی) وفات یافت . مذکور ازعهد امیرحبیب الله خان تااین وقت معروف خدمات علمی وقضائی بـــود .

ه ه ه

سردار مهردل خان (ولد سردار پاینده خان بارکزائی) در شهر محرم الحرام سنه ۱۲۱۲ هجری قمری در عهد امپراتور زمانشاه در قندهار بدنیا امد .

چون مادرش از قوم سهاک غلجی بود (مشرقی) بخود تخلص گرفت و این سردار شاعر و ادیب روزگاری در قندهار حکمران بود و بار علم پرور داشت علماء وشعراء بدربار او قرب وعزت داشتند . سردار مهردل خان روز جمعه (۲۷) جمادی الاخری سنه ۱۲۷۱ هجری قمری بعمر شصت سالگی در قندهار وفات یافت .

ود راحاطه مقبره حضرت جی که (مدفن برادران وخاندان اوست بخاک سپرده شد .

میرزا احمد خان شاعر معاصرش تاریخ فوت او را بدینقرار یافته بحساب جمل استخراج کرده است .

احمد از هرکس تفحص می نمود   سال فوت ان شه اقلیم جود
هاتفی پ نهاد سر بر پا شر گفت   ((منزل او باد جنات الخلود))

۱۲۶۶
۵
______
۱۲۷۱ قمری

مولوی حبیب الله — کتاب نقد الثقات فی تزئیف الموضوعات را در تخریج احادیث موضوعه بفارسی در (۲۹) باب بخواهش و فرمایش ان سردار تالیف کرد که متن مقدمه ٔ ان از نظر گذشت . سردار مهردل خان بتخلص مشرقی که همواره مشوق علماء وشعراء بود این عالم قندهاری حق حرمت او را اداء کرده است .

ملاحبیب الله مشهور به حبواجوند زاده متولد سنه ١١٤٤ هجری قمری در قندهار را ز نزد ملااحمداخوند زاده الکوزائی در قندهار تحصیل علم نموده ویکی از تاٴلیفات او کتاب عین الایمان است در سنه ١١٩٤ هجری قمری در عهد امپراتور تیمورشاه باتمام رسانده و در وصف مزارات هرات پس ازبازگشت سفر ایران در سنه ١٢٠١ هجری قمری (مصادف به سال لشکرکشی تیمورشاهی) که بان سمت رفته بود بزبان عربی در رسالک نظم اورده و در سنه ١٢٢٥ هجری قمری — مصادف بدوره سلطنت اول شجاع الملک شاه) کتاب منهاج العابدین رابزبان پشتو منظوم نموده واین بیت رادروصف ان کتاب گفته است :

یوعجب کتاب دی پسن دی چه منهاج العابدین دی

دیگرهمین رساله (نقد الثقات فی تزئیف الروایات) است که در عهد حکومت مهردل خان بارکزائی در سنه ١٢٤٦ قمری — تاٴلیف نموده است .

حبواخوند زاده بعمر (٩٢) سالگی در سنه ١٢٥٦ هجری قمری مطابق به سال جلوس ثانی شجاع الملک شاه در قندهار وفات — یافت ودر مدفن عمومی اشرف البلاد احمد شاهی بخاک سپرده شد مذکوراین ملافیض الله ابن ملابابزمدرس است که در این کتاب ازوی یاد شده است. ازین خانواده کسی به خطاب اقضی القضات و خانعلوم وقاضی نگذشته واما در مرور دو صد سال طوریکه مطالعه نموده ام ه. یکایک افراد این خانواده در علوم شرعیه واد بیه حدمات زیاد نموده اند . ودر این کتاب تاریخ قضاد رچند جا ازگذشتگان

این افراد یادآور شده ام .

""""""""""""""""""

قاضی بابا مراد خـــــان

ملا بابامراد خان اندخودی ((متخلص حزین)) در سنه (۱۳۱٦)
هجری قمری مطابق ۱۲۷۷ شمسی بفرمان اعلیحضرت ضیاء الملتـــه
والدین امیرعبدالرحمن خان قاضی دارالقضای کابل مقررگردید . ودر
مهرخود این عبارت رانقش نمـــود :

(یاالله بابامراد قاضی دارالقضاء کابل ـ سنه ۱۳۱٦) .

ملاعبدالستارخان ـ ملا شمس الدین خان ـ ملا سیداحمد خـــان
مفتی های محکمه کابل درعهدقضای اومقرربود نـــد .

چون ملا بابامراد خان یکی ازقضات مشهور افغانستان درعهـد
ضیائیه وسراجیه وامانیه است ، خلص سوانح مرحوم راازنظرمی
گذرانیـــم :

قاضی بابامراد خان فرزند ملاعوض بای ولداد ینه مراد قوم کارگـــر
متولد شهرصیام المبارك سنه (۱۲۷۷) هجری قمری مطابق ۱۲۳۸
شمسی ـ درگذرکارگرخانه ٔ اندخود دریك خانواده ٔ بافضل و تجارت
پیشه بدنیا امـــــــد .

تحصیلات ابتدائی را درمدرسه ٔ بابا ولی اندخود ومدرسه ٔ ملا
اکه شبرغانی نزداساتیذوقت (داملاقاسم ژنده ودا ملا الله قل)
بپایان رسانیـــد .

به معیت پدر جهت تحصیلات درسنه (۱۲۹٤ هجری قمری مطابق

۱۲۵٤ شمسی د ربخارا رفت ود رنه مدارس انجا ازمحضر د املا ابو ا
لفضل بلخی اعلم بخارا ـ ایشان محمد اختیار خواجه اخونـــد
بخارا ـ مولوی عبدالکریم ـ دامــلا حامد عوب و قاضی عبدالشکو ر
خان این قاضی کلان بخارا ودیگر علماء و فقها ٔ ان سرزمین معرفت
پرورتحصیل علوم نمود ازجمله د رتفسیر ـ حدیث ـ منطــــق
حکمت ـ عقائد ـ تهذیب ـ فقه ـ اصول فقه ـ بدیع ـ بیان ـــ
معانی تبحرعالی یافته وتلامیذ زیاد ی بیاد گارگذاشت ٠ بعدا
از پایان تحصیل بوطن مالوف خود مراجعت نمود ٠

بعد ازچند ی بفرمان اعلیحضرت امیرعبدالرحمن خان قاضی امحکمه ٔ
شرعیه شهرمیمنه مقررشد ٠ و ضمناً وظیفه مقدس خطابت مسجد جامع
شهر میمنه نیز باوشان تفویض گردید ٠

بعدازواقعه سردارمحمداسحق خان بکابل احضار وچند وقتی تحت
نظارت قرارداشت ٠

ومفتی دارالقضای کابل مقررگردید ٠ ود رسنه (۱۳۱٦) هجـری
قمری مطابق ۱۲۷۷ شمسی ـ بفرمان ضیاءالملته والدین امــیر
عبدالرحمن خان ـ قاضی دارالقضای کابل مقررگردید و بعبارتی که
قبلاً مذکور شد د روثائق شرعیه مهر میکرد ٠ افزون بران عضویت ودر
شورای خاص (مشاوریت شرعی د ربار) را نیز حائز شد ٠ بعـد از
وفات امیرعبدالرحمن خان (پنجشنبه ۱۰ میزان سال ۱۲۸۰ ش
۱۹ جماد ی الاخری سنــه ۱۳۱۹ هجری قمری بفرمان امیرحبیب
الله خان نیزبقضای کابل دوام داد ٠
ود رسنه ۱۳۲۱ قمری ۱۲۸۳ شمسی د رهیاءت تحت ریاست سردار

عنایت الله خان معین السلطنه از کابل به هندوستان اعزام گردید ۰
پس از بازگشت در سنه ۱۳۲۲ قمری ۱۲۸٤ شمسی بقضای محکمه
ولایت بلخ (مرکز ولایات شمال افغانستان) مقرر شد ودر آن —
وقت محاکم ولایات سمنگان — جوزجان — فاریاب — نیز تحت نظر
قاضی بابامراد خان بود ۰

موصوف بفرمان امیرحبیب الله خان در سنه ۱۳۳۱ هجری قمری —
مطابق ۱۲۹۲ شمسی بکابل احضار وقاضی عسکری مقرر شد وعلاوه
برقضای نظامی — عضویت بیت الشورا — هیأ مشاورین علمی (ووظیفه
سرپرستی خطبای شهرکابل نیز باو تفویض گردید ۰

هنگامیکه امیرحبیب الله خان به سفر سه ماهه هندوستان ازکابل —
تشریف فرمای سمت مشرقی افغانستان میگردید ۰ این عالم متبحر
معیت شان راد رهیأت علماء حضور میداشت زیراکه امورمحاکم آن
ولایات راعلماء حضور وارسی کرده قضایای لاینحل راحل می نمودند

در سنه ۱۳۳۷ هجری قمری ۱۲۹۸ شمسی بفرمان اعلیحضرت
امان الله شاه بقضای اند خود که زادگاه عالم موصوف بود مقرر
گردید ۰ برامور مقدس قضا و تدریس علوم منقول و معقول درمدرسه
بابا ولی آنجا پرداخت ۰

چون درعهد امانیه ضعف پیری بروی غلبه آورده بود در سنه
۱۳٤٤ هجری قمری مطابق ۱۳۰۵ شمسی ازقضای اندخود مستعفی
گردید وباکیرشن درمدرسه بابا ولی بتدریس پرداخت ۰

شب دوشنبه ۱۳ محرم الحرام سنه ۱۳٤۹ هجری قمری مطابق
(۲) برج سرطان سال ۱۳۰۹ شمسی بعمر (۷۲) سالگی وفات

کـــرد ود رجوار تربت بابا ولی د رصحن مد رسه ٔ بابا ولی اند خود

مدفون گردیـــد ٠ به لسان عربی ــ پشتوــ د ری ــ ترکـــی

استلایی کامل داشت ٠ قران کریم را بعمر (٥١) سالگی حفـــظ

نمود ٠

صاحبزاده عبداللطیف نام شخصی که ازسرحد جنوبی وارد ــ

افغانستان شده تبلیغ وهابی می نمود ــ قاضی بابا مراد خـان

د رعهد قضای خود بدا رالقضای کابل اورا تحت محاکمه گرفـــــت

تاانکه محکوم به رجم نـــمود ٠

فرار قاضی عبدالسلام خان

ازافغانستان به بغداد

اضی عبدالسلام خان (ولد قاضی محمد سعید خان بارکزائی
بعد خاتمه امارت سلطنت اعلیحضرت امیرشیرعلی خان وامیر محمد
یعقوب خان ازافغانستان به بغداد عزیمت نمود وتادیروقت دران
مرکزاسلامی درجوارزیارت حضرت فخرالاولیاء شیخ عبدالقادر جیلا
نی ـ (غوث شریف) اقامت داشت •
چون بنت محترمهٔ اونامزد عبدالغفورخان پسراول میرزا حبیب‌الله
خان وردک مستوفی سابق بود • میرزا حبیب‌الله خان از ـ
راولپندی پسر خود راباچند نفر روانشناسان به بغداد فرستاد
که درانجاعقد نکاح صورت گرفته عبدالغفورخان بعد مراسم متذکره‌شان
نکاح باهمسر خود به راولپندی معاودت نمود •

مولوی عبدالرزاق

بتاریخ جمعه (۱٦) رمضان المبارک سنه ۱۳٤۳ هجری قمری مطابق (۲۲) برج حمل سال ۱۳۰٤ هجری شمسی بعمر (٦۳) سالگی د رکابل وفات یافت ود رقریه جان اباد غزنی بخاک سپرده شد موصوف ازعلماء بزرگ د رعهد خود واین عالم پسرحاجی عبدالخالق مشهور به ملا صاحب الخ ابن ملا ابوبکر ابن ملاعبدالرحمن اندری (۱) ولایت غزنی است ۰

مولوی عبدالرزاق د رسال ۱۲۹۸ شمسی ۱۹۱۹ میلادی د روقت جهاد استرداد استقلال افغانستان مصدر خدمات قابل قدرگردید وفرمانهای د ستخطی اعلیحضرت امان الله شاه غازی شاهد احوال اوست ۰

حضرت فضل محمد (شمس المشائخ) و حضرت فضل عمر (نور المشائخ) وقاضی ملاعبدالرحمن رئیس محکمهٔ تمیز عدلیه د رعهد امانیه شاگردان حاجی مولوی عبدالرزاق موحوم اند ۰ مولوی عبدالرب رئیس تمیز و عبدالرحیم سابق معین وزارت فوائد عامه پسران مولوی عبدالرزاق مرحوم اند ۰

مولوی عبدالرب سابق رئیس تمیز د رزمستان سال ۱۳۶۱ شمسی
د رکابل وفات یافت •
مذکور د رقلعه • جبار خان چهارد هی سکونت داشت•

---

(۱) پالج نام قریه است د رولایت غزنی و یکنفر عالم بزرگ بنام
مولوی عبدالخالق د رعهد امیرعبدالرحمن خان د رمد رسه • شاهی
مسجد جامع چوب فروشی شهرکابل بهمراه د یگرعلماء مصروف تد ریس
طلاب علوم د ینیه گویند وبهمین اسم شهرت داشت•

قاضی عبدالرحمن رئیس تمیـــــز

حاجی ملاعبدالرحمن ملاامام خاندان حضرات مجددی ـ رئیس تمیز د وزارت عدلیه دراواخر برج سنبله سال ۱۳۰۷ شمسی ازکابـــل جانب خوست حرکت نموده واثر این حرکت که میخواست اقوام آن سمت را برخلاف سلطنت امانیه ترغیب به جنگ نماید وهم عساکــر مقیم خوست را ازادای همکاری اقوام نماید • به تفصیلی که درصفحات مطبوعات آنوقت مندرج است ـ بتاریخ (۱۶) برج میزان سال ـ ۱۳۰۷ شمسی چشم ازجهان پوشیده ودرد امنه تپه سیاه سنگ بخاک سپرده شد موطن ابایی اوتاسن غزنی ودریکتوت ولسوالی پغمان مسکن داشت •

"""""""""""""""""""

قاضی عبدالرحمن داودزائـــــی

قاضی عبدالرحمن داودزائی چون طرفداری اعلیحضرت امان اللــــه شاه وبرضد دزدان در سال ۱۳۰۷ شمسی مردم وعساکرحرف های عالمانه مطابق به حکم شریعت ابلاغ کرده بود ـ ملک محســـن کلکانی والی کابل درعهد سقوی اورا بدست آورده درمیدانی بازار چوک کابل سمت جنوب مسجد جامع پل خشتی بندبند وجود او را ـ بهمراه کارد توسط قصاب گاوکش قطع وپارچه پارچه نمود •

یعنی طرفداری جدی که بدولت قانونی وشرعی امان الله شاه ـ ومخالفت شدیدی که بادزدان عامل اغتشاش سال ۱۳۰۷ شمسی ابرازکرده بود • باین مظلومیت رسید •

مولوی دین محمد هوتکی

د رسال ۱۳۰۹ شمسی عضو جمعیته العلماء افغانستان

مقرر شد ــ مذکور د رعهد امانیه معلم دارالعلوم عربی کابل بود ۰

د رشب پنجشنبه (۱۵) برج اسد سال ۱۳۰۹ شمسی مطابق ۱۲

ربیع الاول سنه ۱۳۴۹ هجری قمری د رغزنی فوت شد ۰

مولوی عبدالقدیـــــر

ساکن چهاریاغ ولایت لغمان در سنه ۱۲۷۸ هجری قمری پا بعرصه وجود گذاشت .

پدراو ملاعبدالسلام ابن ملامسعود بــود .

مولوی عبدالقدیردرزمان امیرعبدالرحمن خان سالانه چهارصد و هشتاد روپیه نقد و هشت خروار گندم ودو خروار جوار استحقاق مصارف مدرسه داشت .

درجهاداسترداداستقلال افغانستان (بهار سال ۱۲۹۸ ش) بهمراه سید حسین خان کنری وپنجاه نفرمجاهدین حاضرجها د گردیدند ودرهزارنااقامت داشتند .

دراوائل سال ۱۳۰۳ شمسی بامراعلیحضرت امان الله شاه درجمله هیأت اصلاحیه ازکابل به سمت جنوبی فرستاده شد . ودرلویه جرگه های عصرامانیه اشتراك داشت .

ودرجمله ٔ اراکین جمعیت العلماءافغانستان شامل واین فرزنـــد خانواده ٔ علمی خودرااسلاله های قاضی القضات بانی قلعــه قاضی کابل میدانست و میگفت که جدمن درعهداورنگ زیب ازبخارا واردافغانستان شده است .

قاضی ابتدائیه ٔ محکمه کابـــــل

ملااحمدخان غزنوی درسنه ۱۳۲۹ هجری قمری مطابق ۱۲۹۰ هجری شمسی قاضی ابتدائیه محکمه کابل مقررگردید ومدت چهـــل سال این شرف افتخار علمی وقضائی رادرکابل داشت وبنام ملااحمد غزنوی معروف بـــود .

موصوف یکی ازمخلصین ملاغلام نبی ازخلفا ومریدان جناب میــــا عبدالکریم کابلی بود .

ملااحمد غزنوی درسال ۱۳۲۹ شمسی مطابق ۱۳۶۹ هجری قمری وفات یافت .

دربرج قوس سال ۱۳۱۲ شمسی ازگذارش محفل محاکمه عبدالخالق ولد مولاداد دیده شدکه مولوی صالح محمدقاضی محکمه مرافعه ٔ کابل ومولوی احمد خان غزنوی قاضی محکمه ابتدائیـــــه کابل بودنـــــــد .

قاضی ملاحفیظ الله سرخرودی

ملاحفیظ الله خان سرخرودی ـ تعلیم یافته مکتب دارالقضاة الامانیه ودرعهد سلطنت اعلیحضرت امان الله شاه ـ عضو ریاست تمیز وزارت عدلیه وچند وقت سرمعلم مکتب مشرقی و بعداً مفتی محکمه مرافعه کابل و بعدازان قاضی شهر دهکوندامان مقرر گردید در موقع اغتشاش سوم سمت شمالی در برج سرطان سال ۱۳۰۹ ش برای صلح واشتی و امنیت سمت مذکور بهمراه عبدالوکیل خان نورستانی فعالیت نمود . وبتاریخ یکشنبه (٤) برج اسد ۱۳۰۹ ش مطابق اول ربیع الاول سنه ۱۳٤۹ هجری قمری در ساحه باغ عارب بهمراه عبدالوکیل خان نورستانی ازدست اشرار بشهادت رسید وجنازه مرد وشهید بوقت عصر روز پنجم برج اسد به شهر کابل نقل ودرتپه مرنجان بخاک سپرده شد . قاضی ملاحفیظ الله فارغ التحصیلان مکتب دارالقضاة الامانیه و شخص بااخلاق شاعرونویسنده وفرزند خانواده منور ودرلوح مرقد شراین عبارت نوشته است :

(فضائل مآب ملاحفیظ الله قاضی کوهدامن پسر ملاعبدالله خان سرخرودی رئیس تمیز اعیان که بتاریخ یازده شهر ربیع الاول ۱۳۲۱ هجری قمری متولد وبه (٤) اسد ۱۳۰۹ هجری شمسی در باغ عارب کوهدامن در اثنا خدمت ازدست اشرار بشهادت رسیده است بنابرتقدیر فداکاری مشارالیه بامر پادشاه خادم روراعلیحضرت محمد نادرشاه غازی درمقبره خاندان شاهی مدفون گردید .

استاد صوفی عبدالحق بیتاب این ابیات را در تاریخ شهادت او گفته است :

مپرس از انقلاب دور گردون

که پایانی ندارد ماجرایش

خصوصاً با گروه خاکساران

بود هر لحظه دگرگون هوایش

از و نوشیده جام نامرادی

حفیظ الله که امرزد خدایش

جوانی بود دارای فضائل

درایت از غلامان ذکایش

به شش ده بود هنگامی که قاضی

فشاری برسر آمد از قضایش

چه از دل برخلاف باغیان شد

شهادت شد بجنت رهنمایش

فداکاری نموده در ره حق

دهد اجری خداوند از برایش

زمایوسی کنون صد داغ دارد

دل قوم عزیز و اقربایش

فزوده تاج کرمنا به او گفت

(۲۰)

بهشت جلوه ران گردیده جایش

((۱۳۴۹ قمری))

ازمرحوم قاضی ملاحفیظ الله ـ فرزندان نامور و منور بجامانده ـ اند .

قاضی حمدالله ((پشتی)) .

مولوی حمدالله پشتی از خاندان قاضیان ((پشت)) ولایت کنرافغانستان در عهد نادرشاه افغان قاضی ولایت بلخ بود .
مذکور پسر مولوی نقیب الله پشتی قوم یوسف زائی ـ واین شخص ازچند پشت عالم وبنام قاضیان پشت (منسوب به قریه یی ازولایت کنر) شهرت داشتند .

ملاعصمت الله روحانی پسر مولوی حمدالله قاضی در سنه ۱۳۲۶ شمسی به مدرسهٔ ابوحنیفه (رض) کابل شامل ودرسال ۱۳۳۱ شمسی فارغ ودرسال ۱۳۳۰ شمسی ازفاکولتهٔ شرعیات کابل باخذ دیپلوم نائل گردید .

درسال ۱۳۳۶ شمسی عضو مدیریت عمومی قوانین وزارت عدلیه وبعداً قاضی محکمه گذرهٔ هرات ودرسال ۱۳۴۵ شمسی عضو مسلکی ریاست پشتو تولینه مقرر گردید . شاعر و نویسنده بزبان ـ پشتو واثار نثر و نظم دارد .

قاضی علی احمد

ساکن باغوانی سرخرود ولایت ننگرهار ــ عالم صرف ــ نحو ــ فقه منطق ــ در عهد امانیه و نادریه منصب قضا داشت •

قاضی محمد حسین

مولوی محمد حسن قاضی در عهد امانیه و شمس منجم وتا سال ۱۳۱۲ شمسی در قید حیات بود •

قاضی عبدالناصر ((سامی))

عالم علم قضا و هیئت ــ از سکنه پغمان وسالیانی در معارف افغانستان به غرض معلم نیز خدمت کرده است• سامی تخلص داشت •

صحاح ستـــه

احادیث حضرت محمد رسول اللـــــه

صلی الله علیـــه وسلـم

در افغانستان از اوائل عصر اسلام ــ در دارالقضا برای اینکه عدالـت اسلامی کاملاً بعمل بیاید ــ صحاح سته مورد استفاده و استفاده قضات ومفتیان محاکم شرعیه بلاد افغانی قرار یافت • در تعریف علم حدیث بحث های خیلی مهمی موجود است وصحاح سته در علـم حدیث خیلی مشهور ومعروف است•

در سنه (۹۹) هجری قمری وقتی که حضرت عمربن عبدالعزیـز (رض) خلیفه گردید به عنوان ابوبکربن حزم که استاد علماء وقـت بود نوشـــت :

(احادیث حضرت رسول خدا راتحت نظر خود قرار داده وانرا در قید نوشتن در آورد) ابوبکر بن حزم باتفاق محمد بن مسلم بن شهاب زهری به هدایت خلیفه • وقت به جمع احادیث نبوی پرداخـت وافتخار سبقت در تدوین احادیث نبوی نائل شد ند •

بعد از ان علماء دین در نشر ان در دامنه • وسیعتری کمرهمت بسته کردنــد وبغرض جلوگیری ازشیوع اکاذیب واحادیث موضوعی بجمع و تدوین احادیث صحیح داخل اقدامات عملی شد ند که ازجمله مدونین درجه اول ذوات اتی اند :

۱ــ مالك بن انس (رض) در مدینه •

٢ـ عبدالملک بن عبدالعزیز بن در مکه.

٣ـ سفیان ثوری در کوفه.

٤ـ حماد بن سلمه وسعید بن ابی عروه در بصره

٦ـ عبدالرحمن اوزاعی در شام.

٧ـ محمد بن راشد در یمن.

٨ـ عبدالله بن مبارک در خراسان.

٩ـ جریر بن عبدالحمید در ری.

اشخاص موصوف در یک عصر میزیستند واکثر از شاگردان ابن حزم وابن شهاب زهری بودند. وهمهٔ شان احادیث نبوی را با اقوال صحابه کرام واکابر تابعین یکجا جمع کرده واحکام را از آن استنباط کردند وکتاب های شان از اقوال وافعال پیغمبر واصحاب وتابعین ممزوج بود. در اخیر قرن دوم طبقهٔ دیگری از محدثین روی کار شده وخواستند احادیث نبوی را از اقوال اصحاب وتابعین جدا ومنفک سازند ــ تألیفات اینان به مسانید معروف است:

١ـ مسند عبیدالله بن موسی عیسی کوفی.

٢ـ مسند مسدد بن مسرهد بصری.

٣ـ مسند اسد بن موسی مصری.

٤ـ مسند نعیم بن حماد خزاعی.

٥ـ مسند اسحق بن راهویه.

٦ـ مسند عثمان بن ابی شیبه.

٧ـ مسند امام احمد حنبل.

خصوصیت محدثین این دوره این بود که تدوین احادیث را به ترتیب مراتب صحابه کرام انجام میدادند وبران نام مسند مسمی گذاشتند ازاین جمله مسند امام احمد حنبل تاکنون موجود ومدار اعتبار محدثین و فقها است . ازان وقت به بعد یعنی دراوائل قرن سوم هجری طبقه دیگری ازمحدثین بوجود آمدند این طبقه ازین ذخائر استفاده های شایانی کردند وکتاب های ضخیمی تألیف نمودند .

ازجمله دوشیخ بزرگ (حدیث) ابوعبدالله محمد بن اسمعیل بخاری. متولد ماه شوال سنه (١٩٤) هجری قمری و متوفی شب عید فطر سنه (٢٥٦) هجری قمری و مسلم بن حجاج نیشاپوری متولد سنه ٢٠٤ هجری قمری و متوفی ماه رجب للسنه ٢٦١ هـ ق پیشقدمان اصحاب حدیث اند . اینها صحیحین خود را پس ازتحقیق و تدقیق زیاد تدوین کردند ودرباره راویان احادیث شرائط خاصی راقائل شدند .

ولذا کتاب های این دوشیخ دربین سائر کتب احادیث مزیت و اعتبار خاصی دارد .

همچنان ابوداود سلیمان بن اشعث ازدی سجستانی متولد سنه ٢٠٢ هجری قمری و متوفی ماه شوال سنه ٢٧٥ هجری قمری وابوعیسی محمد بن عیسی ترمذی متولد سنه (٢٠٩) هجری قمری ومتوفی ماه رجب سنه ٢٧٩ هجری قمری وابوعبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی متولد سنه ٢١٥ هجری قمری و متوفی ماه رمضان

سنه ۲۷۳ هجری قمری این روش را تعقیب کردند کتاب های شان نزد محدثین بنام صحاح سته شهرت دارد واز کتب معتبر حدیث شناخته میشود و مخصوصاً صحیح البخاری و صحیح مسلم .

جامع البخاری محتوی ۷۲۷۵ حدیث است اگر مکررات آن حذف شود فقط چهار هزار حدیث باقی خواهد ماند .

امام بخاری این احادیث را از جمله ۶ صد لک حدیث انتخاب کرده و پس از آنکه اطمینان خود را اورد آنها را در کتاب خود درج کرد .

در ادوار مابعد محدثین تنها بذکر متن حدیث و راوی اول آن اکتفاء می کردند و بیکی از صحاح سته و یا مسانید دیگر حواله میدادند که تا امروز به همین وتیره جریان دارد و مفتیان عصر و علماء زمان به حدیث یکی از همین محدثین موثوق استناد می کنند ونیازی بذکر سند حدیث ندارند نام راوی آنرا نشان نمیدهند . مثلاً میگویند امام بخاری در کتاب صلواة چنین حدیث آورده است . درباره حدیث موضوعی هم کتاب های ضخیم تدوین وتالیف شده که علماء عصر را مستغنی ساخته است (۱) .

در دارالقضاء افغانستان وتمام محافل علمی مرکز واطراف محاکم شرعیه صحاح سته بصوری که مذکور شد مطلقاً مدار اعتبار تمام واشخاصی که در علم تفسیر وحدیث وفقه اسلامی علمیت و لیاقت کامل میداشتند به منصب قضا مقرر میشدند . چنانکه تا امروز ... مان ا... ول علوم دینی

---

(۱) احادیث حضرت محمد رسول الله (ص) قسمت اول ... کابل سال ۱۳٤٦ شمسی ۱۳۸۷ قمری .

جاری است . دروقت تالیف وترتیب نامنامه های افغانستان
هیات علماء دینیه موفق شدند کتمام احکام قانون را به تابعیت
احکام قران کریم واحادیث حضرت محمد رسول الله (ص) و کتب
معتبر فقه اسلامی مطابق اصول مذهب حنفی (امام الاعظم) ترتیب
و تنظیم نموده امضاء نمایند . وازمرور (۱۲) قرن هجری قمری ـ ا
صحاح سته درعلم حدیث درافغانستان اساس محاکم شرعیه قرار
داده شده و جمعیت علماء دینی درافغانستان جداء پیرو
و متعقد کامل ان میباشد .
کتب و مقالات و مولفات قدیم و جدید و معاصر افغانستان
عموماً متکی و مستند به علم حدیث و تابع صحاح سته می
باشند .

معرفت

از خاندان قاضی القضات شیخ الاسلام مولوی عبدالرسول خان

فوفلزائی شخصی بنام نورمحمد خان تا سال ۱۳۵۱ هجری شمسی

در قندهار و کابل معرفت و معروفیت داشت.

موصوف سابق وکیل ولسی جرگه ونسب خود را بدینقرار بیان می نمود.

نورمحمد خان ابن قاضی نظرمحمد خان ابن شیخ الاسلام مولوی محمد یوسف خان ابن قاضی خیرالله خان ابن قاضی رحمت الله خان — ابن شیخ الاسلام مولوی عبدالرسول خان —

اسناد مربوط به خاندان موصوف را در سال مذکور به انجمن تاریخ داده بود ران وقتی که اینجانب عزیزالدین وکیلی عضو انجمن موصوف بودم برای نشرحاضرا ورده.

که بدینوسیله بعلاوه ، خدمت بخاندان علمی خود — بعالم تاریخ وداب و مخصوصاً تاریخ قضاء در افغانستان نیز خدمت بشزائی نمود واین خانواده از قبیله اسمعیل زائی طائفه درانی فوفلزائی می باشد — مولوی کرم خان ازعلماء همعصر حکمران مستقل بدالی هرات و پسرش مولوی عبدالرسول خان در عهد امپراتور اعلیحضرت احمد شاه غازی منصب قاضی القضات شیخ الاسلام در قندهار یافت ووثائق درج این کتاب حاوی هرگونه معلومات در خصوص ان خاندان علمی و قضائی میباشد.

(عزیزالدین وکیلی پوپلزائی)

ملحقـــــــــــات

تاریخ دارالقضاء افغانستـــــــــــــان

چون درج ونقل بعض وثائق وارقام واسماء در بخش های متعدد کتاب تاریخ دارالقضاء درافغانستان نسبت تراکم مضامین علمی و تاریخی امکان پذیر نگردیده است - وجز اینکه متون ارقام ووثائق معتبر تاحد مطلوب در پیرایه این تألیف سراپا مستند حفظ بمانــــد مناسب مینماید که تحت عنوان ملحقات تاریخ دارالقضاء درافغانستان اندراج یابد واین است که چند مطلب مهم وچند سند و وثیقه معتبر در صفحات اخیر درج و نقل می گردد .

امر احتساب در کابل

د رعهد د رانی د رهر یک مرکز مملکت افغانستان د ر نفر عالم علوم
شرعیه بقرار فرمان دولت با مر احتساب مقرر می بودند وبالقاب فضیلت
پناه خطاب میشدند • ومواجب یعنی وجه معاش خود را از جمع
وظائف علماء که از طرف دولت مقرر می بودند باز یافت می نمودند
د رعهد سلطنت امپراتوری اعلیحضرت تیمورشاه د رانی د رشهر کابل
پایتخت ان سلطنت بزرگ افغانی — ملا صاحبداد خان و ملا عاقبت
محمود خان با مر احتساب عساکر و اهالی مقرر بود ند •
و این د وسجع مهر هرد و عالم موصوف نیز شاهد این حقیقت است :
زلطف شاه وفضل خداداد

• مامور احتساب شد صاحب داد

۱۱۹۳

٥

٥ ٥ ٥

احتساب دین زفیض پیرو معبود شد

• خادم شرع محمد عاقبت محمود شد

۱۱۹۳

قاضی همایون

ازعلماء وقضات افغانستان که مسکن در ولایت ننگرهار منصب قضا داشته است؛

اعلیحضرت شجاع الملک شاه درانی در فرمان مورخ (٤) صفرالمظفر سنه (١٢٥٦) هجری قمری ازعالم موصوف بالقاب (فضیلت پناه قاضی همایون) یاد نموده ودر فرمان مورخ مذکور ازشخصیت های بزرگ قومی وملی اند یار بالقاب عمدة الاعیان ارسلا خان عمدة الاعیان محمد شریف خان عالیجاه نواب خان یاد شده اند.

ودر فرمان (٥) صفر سنه (١٢٥٦) قمری گل محمد خان جبارخیل شیرگل خان ابابکر خیل وآغر خان سهاک یاد شده اند.

ودر شخصیت سرشناسان اقوام آن سمت تنها ازقاضی همایون یاد نموده وبه یقین که قاضی جلال آباد ویا پشاور بوده است.

اقرارنامچهٔ شرعی

دارالقضاء دارالسلطنه کابل

در عهد امارت امیر دوست محمد خان

نائب خان علوم قاضی شرع نبی است — خادم شرع محمدی
از کرم فضل حق حاجی محمد علی است — محمد علی
۱۲۳۳

حاضر امد در محکمه عالیه جمعه میرزا ولد جمعه عبدالله ساکن گلبهار برنکه در باب جوی ملا ورزده نه خان بیگ — از وزیرشاه ولی خان جنت مکان می باشد ازحد بده نه خان بیگ ۰۰۰۰۰ املاک زمین وغیره حاجی جان محمد خان ولد ولی نعمت خان تعلق که در املاک مذکور قلعه ودرخت توت وانگور باغ وبید ودیگر اشیاء که اباد ی — پدرم قرار مناصفه تقسیم در بین مایان باشد حدودات قطعات مذکور بدین حد ودارمه شرقاً بد رباب پنجشیر غرباً بد رباب — نجراب و زمین چارک شاه ولدان محمد خیرشاه قوم بدخشی شمالاً بجوی ملک ود ه نه خان بیگ وبرخی بزمین بای سنگی محمد خیل وراه عام جنوباً بد رباب مذکور هرزمانیکه قلعه وباغ توت وانگور ودیگر اشیا اباد شود همراه ورثهٔ مرحومی وزیرشاه ولی خان اداء مینمایم در اقرار خود هاصادق می باشم . وهرگاه چشم پوشی در املاک وزیرخیل کنم هم ملامت خانه سرکار والا بوده باشم — هذا اقرار نامچه را — تحریر نموده ام که فردا سند شرعی بوده باشد — واگر ازحرف خود

ثانی تجاوز نموده هم ملامت خدا ورسول میباشم ازاقرار نفرمذکور

(پنج مهرکوچک شاهدان درختم وثیقه موجوداست) .

ه ه ه

تاریخ مقرری ملا محمدعلی به منصب قضاء سنه ۱۲۳۳ قمری وتحریر
این وثیقه مصادف است بعهدامارت امیردوست محمد خان .

ابراء خط شرعـــــــــی

در سنـــه (۱۲٦۸) هجری قمری

شد زلطف قادر بیچون وحی ذوالمنـــــــن
مفتی شرع شریف مصطفی سید حســـــــن

میرخان ازفضل احمد چون زدین اگاه شد
مفتی شرع شریف ابن فیض الله شـــــــد

ولطف صاحب شرع رسول الله شـــــــد
امین محکمه سید هدایت الله شـــــــد
۱۲۳۱

زکلک خامه تقدیر برنگین قضـــــــا
نوشته اینکه محمد سعید مرد وســـــــرا
۱۲٦۸

حاضر امد درمحکمه عالیه چهار یکار دریک جمعه شاه ولد جمعه —
بیداله ولد بادله ولد خان کلان ساکنان قریه ... چنین اظهار نمود نــد
که موازی یک قلبه زمین ازجان محمد خان ورثه وزیر شاه ولــد
خان می باشد ۰۰۰۰۰ اربعه شرقاً بدریاب پنجشیر وباغ ولد ... ر
شیرین خان غرباً یکه درخت نواب خان شمالاً وخانه ... غرب
اد ... و ... نار زیارت چهل تن وجویبار عام درمابین — جنوباً بباغ
میرزا احمد شاه وقلعه بدخشی وباغ رکی ولد باد الله یک قلبــــه

زمین مذکور بدین حدود تعیین ....

رزیر شاه ولی خان دارد ولارکنان سرکار والا بدون ازحق املاک هذا

راد ر .... بد فترا رباب به غیرازحق بالائی مایان ...

...... میدارند ازاملاک مذکور .... بازخواست

کرده شود وکیل از طرف خود ابراء عام وتبراء تام نمودیم تحریر یوم

۱۵ جمادی الثانی سنه ۱۲۶۸ ـ

محمد سعید

۱۲۵۸

تاریخ مقررن قضات موصوف ازعهد دولت محمود شاه و شجاع الملک

شاه وتحریر وثیقهٔ مذکور مصادف بسال دهم امارت امیردوست

محمد خان است .

احکام دار الحکومت قندهار

درخصوص حفظ احقاق علماء ومدارس دینیه

در بلاد و قصبات افغانستان – خانگاه های بزرگ علمی علوم دینیه ومدارس علوم شرعیه در هروقت بکثرت وجود داشته ودارد واز طرف دولت وحکام محل در هریك ولایت افغانستان – برای علماء مدرس و محقق وظائف واحقاق معینه مقرر می بود . چون اکثر اسناد و احکام اکنون در دسترس ما قرار ندارد – لهذا بطریق نمونه و مثال متن دو سند یکی به مهر شاهزاده کامران ودیگری بمهر سردار رحمدل امین خان راکه ازمرکز قندهار در سنوات ۱۲۳٤ قمری و ۱۲۷٦ قمری صادر نموده اند برای ثبوت مطالب تاریخ بدینطرین استناد می گیریم زیراکه طلاب علوم شرعیه و قضائیه درمدارس علمی و خانگاه های موثر علماء بزرگ کشور تدریس واین مدارس از طرف دولت تقویت و تمویل و احقاق صاحبان تدریس مادتاً و معناً رعایت می گردید :

یا هـــو

زفضل حق خطابم کامران اســـت

۱۲۲۴

معلوم حکام وعمال حال و استقبال اشرف البلاد احمد شاهی بوده ــ
باشد که درین وقت بنابرتحصیل دعای خیر ازابتداء هذا لسنه ـــ
توشقان ئیل مبلغ بیست تومان برات نقد عوض وظیفه همه سالـــه
فضیلت پناهان ملاسیف الله و ملاحزب الله بامیزیی نواده مرحوم
مغفور ملازلی شفقت و عنایت فرمودیم ازقرار تفصیل ذیل بدین موجب
ملاسیف الله ده تومان ملاحزب الله ده تومـــان
که همه ساله ازبابت وجوه چهل یک اشرف البلاد احمد شاهـــی
بازیافت نموده صرف لمایحتاج خودها نماید و مرقه الحال بدعاگویی
دوام دولت ابد مدت قیام واقدام داشته وحکام وعمال حال و استقبا
ل ــ اشرف البلاد مذکور مبلغ مذکور را همه ساله ازبابت وجوه مذکور
دروجه انها رسانیده ازاقرار دستخط مبارك بخرج خود مجری و
محسوب نمایند ــ درعهده شناسند ــ

درشهررجب المرجب سنه ۱۲۳۴

شاهزاده کامران درسنه ۱۲۴۵ قمری درهرات به سلطنت رسیـــد
ودرسنه ۱۲۵۶ قمری ازدست دشمنان استقلال وطن درهرات جام
شهادت نوشید . مرقدش درگذره هرات .

هـــــو

حکم اشرف عالی شد ـ انکه پلتنی ها وساربانان وسواری های سرکاری وشمواره زهروان راه قریه ٔ مرحوم ملازلی اخوند بتوجهات خاطرعاطرعالی امیدوار ومهربانی بوده بدانید که درخصوص نواسه ٔ مرحوم مذکور به هیچ باب ازکاه وجوود یگر زور وظلم غرض نه نمائید هرگاه ازدست جورشمایان یکی ازایشان بداد وعرض رسید گوشمالی واجبی داده خواهد شد ٠ درباب تمام تاکید دانید تخلف ومغایرت ندارید ـ فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۷۶

نوشته است کلک قضا برنگیـــــن
که شد دردعالم محمدامیـــــن

سردار محمدامین خان برادرسکه ٔ اعلیحضرت امیرشیرعلی خان به تاریخ سه شنبه (۱۱) محرم الحرام سنه ۱۲۸۲ هجری قمـــری درجنگ اجلاد وترنک درجنگ بدرجه شهادت رسید ودرصحن مقابل ایوان خرقه ٔ شریفه درقندهار بخاک سپرده شد ٠ موصوف حکمران قندهار وفکراستقلال داشت ٠

دارالقضاء کابـــل

درسال اول امارت سلطنت امیرعبدالرحمن خان

ازوثائق شرعی مربوط ورثه ٔ اشرف الوزراء سردارشاه ولی خان مرحو

یکی وثیقه ایست که در خصوص اراضی قلعه ٔ احمد خان سمت ـــ

شرق شهرکابل نوشته شده وازطرف مرحوم محمد سرورخان سلاله ٔ

اشرف الوزراء بنظر ملاحظه اینجانب عزیزالدین وکیلی پوپلزائی ــ

رسیده مهرها وعبارات آن دراین کتاب نقل ودرج میشود :

ه ه ه

بسم الله الرحمن الرحیـــــم

المتوکل علی الله الصمـــــد

خادم شرع نبی امیرمحمـــــد

۱۲۸

شد زالطاف خداوند کریـــم

مفتی شرع محمد عظیـــــم

۱۲۶۱

شد زفیروزی رسول امیـــــن

مفتی عبدالصمد بشرع مبیـــن

۱۲۹۰

مفتی شرع نبی وفایار

میرنظام الدین غلام چاریار

خوشم به خدمت دین نبی نه مغموم
امین الشرع مسمی بمیر معصوم

۱۲۷۱

شد زحکم لم یزل منظور در ارض وسما
عبد الرحمن قاضی القضات شرع مجتبی

۱۲۷۶

ذکر حدود جمگی وتمامی موازی چهارده قطعه زمین صالح الزراعه که مشتمل اند بر .... دو جریب تخمیناً که واقع اند در موضع قلعه ٔ احمد خان ومحدود اند باین حدود :

قطعه اول شرقاً متصل است بجوی عام مشهور بجوی رود آب غرباً متصل است بجوی ابخوره زمین مذکور .... بجوی دامنه شمالاً متصل است بزمین حاجی جان محمد خان بن مرحوم ـ والی نعمت خان بن مغفور حاجی میراحمد خان جنوباً نیز بزمین حاجی جان محمد خان مذکور.

قطعه دوم ـ شرقاً متصل است به چمن سلطانی وغرباً متصل استبجوی دامنه مذکور شمالاً وجنوباً بزمین حاجی جان محمد خان مذکور.

قطعه سوم ـ شرقاً متصل است به چمن سلطانی وغرباً متصل است بجوی دامنه ٔ مذکور ـ شمالاً وجنوباً متصل است به زمین حاجی ـ جان محمد خان مذکور ـ

قطعه پنجم ـ شرقاً متصل است به چمن سلطانی غرباً متصل استبجوی دامنه مذکور ـ شمالاً وجنوباً متصل است به زمین

حاجی جان محمد خان مذکور ٠

قطعه ششم ــ شرقاً متصل است بزمین حاجی جان محمد خان مذکور ــ غرباً متصل است براه عام ــ شمالاً متصل است بجوی دامنه مذکور جنوباً به چمن سلطانی ٠

قطعه هفتم ــ شرقاً متصل است براه عام ــ غرباً متصل است بجوی دامنه مذکور ــ شمالاً متصل است بزمین حاجی جان محمد خان ــ مذکور جنوباً متصل است بجوی دامنه مذکور ٠

قطعه هشتم ــ شرقاً متصل است براه عام غرباً متصل است به جوی دامنه مذکور ــ شمالاً متصل است براه عام جنوباً متصل است بزمین حاجی خان مذکور ــ

قطعه نهم ــ شرقاً متصل است براه عام ــ غرباً متصل است به جوی دامنه مذکور ــ شمالاً متصل است براه عام ــ جنوباً متصل است بزمین حاجی خان مذکور ٠

قطعه دهم ــ شرقاً متصل است بزاکش ــ غرباً متصل است بجوی دامنه مذکور شمالاً وجنوباً بزمین حاجی جان محمد خان مذکور ٠

قطعه یازدهم ــ شرقاً متصل است بزمین حاجی جان محمد خان و بعضی چمن شمالاً وغرباً متصل است بزمین حاجی جان محمد خان مذکور ــ شمالاً بد نددهٔ خداداد ــ جنوباً بجوی دامنه مذکور ٠

قطعه دوازدهم ــ شرقاً وغرباً متصل است بزمین حاجی جان ــ محمد خان مذکور شمالاً بد نددهٔ خداداد ــ جنوباً به جوی دامنه مذکور ٠

قطعه ٔ سیزدهم ــ شرقاً وغرباً متصل است بزمین حاجی جان محمد خان مذکور شمالاً متصل است بده ده خداداد ــ جنوباً متصل است بجوی دامنه ٔ مذکور.

قطعه چهاردهم ــ شرقاً متصل است بزمین حاجی جان محمد خان مذکور غرباً متصل است به اراضی ده خداداد ــ شمالاً متصل است بده ده خداداد ــ جنوباً متصل است بجوی دامنه مذکور.

د رتاریخ بیست دوم ربیع الثانی سنه ۱۲۹۸ یکهزارودوصدونود هشت بود که حاضر امد بدارالقضاء حضور لامع النور دارالسلطنه کابل.

نزد این خادم شریعه

عبدالحکیم خان بن محمد عثمان خان مرحوم بن عبدالحمید خان مغفور مدعی خود را حاضر اورد حاجی جان محمد خان بن مرحوم ولی نعمت الخلق بن مغفور حاجی میراحمد خان مدعی علیه را وبا وی چنین دعوا نمود که محدودات مذکورات فوق مورثی پدر برای من به ترکه فارغه گذاشته مدعی علیه مذکور بغیر حق قابض و متصرف شده الحال میخواهد که حصه ٔ شرعی مذکوره ٔ من را ازاقرار ترکه فرائض الله تسلیم من نماید نمی نماید ــ

ازمدعی علیه مذکوربعد ازاثبات دلیل رسیده ابراء عام مدعی مذکور انکار مطلق نمود ازمدعی مذکور مثال اوبینه ٔ عادله طلب نموده شد قبل ازحضورشاهدان مدعی مذکور درمجلس ثانی حاضر شده و ...

.... دعوی شراء نمود ازاقرار روایات خزانه المفتین وفصول ــ

عادی له و .... مابین دعوی

اول ودعوی ثانی مدعی تناقض نمود وتوفیق بالفعل مدعی مذکور نکرد

ازاقرا رروایه کتاب کافی که .... به مدعی مذکور

جواب داده شد که دعوی توشرها مسموع نمی باشد . د رمجلس ثالث

ثالث بعد ازمدت سه چهار یوم مدعی مذکورحاضرشده ....

مناقض رفع میشود به سه چیزازق را ربه .... ترک نموده

دعوی ثانی رامی نمایم چونکه مدعی مذکور توفیق بالفعل مابین

دعویین نموده نه نمود بموجب روایت بحررائق که حاشیه وصور حال

مذکورنوشته شده هرگاه متناقض ازطرف مدعی باشد بکرتوفیق بالفعل مابین

بالفعل مابین دعویین گفته ود رشروح جامع کبیر ....

مختار رجندی نیز .... قبول است لهذا حکم نموده شد

بعد سماع دعوی مدعی مذکور وگفته شد مدعی مذکور که .....

.... که موافق قیاس که امکان توفیق را ....

توفیق بالفعل راشرط نکرده حاضرکنانی که ازجح ازاستحسان باشد

انچه حکم شرع انور بوده باشد بعمل اورده خواهد شد وهرگاه

روایت ارجح حاضر نه نمود من بعد دعوی محدودات مذکورات .

.... دخل وغرض نداشته باشد .

((عبدالرحمن))

شد زلطف احمد وسعد زهیر

خادم شرع نبی مفتی غدیر خوشم به حد متدین نبی نه مغموم

امین الشرع مسمی بمیرمعصوم

۱۲۷۱

مفتی شرع نبی وفایار
میرنظام الدین غلام چاریار

مفتی قیام الدین

المتوکل علی الله الصمد
خادم شرع نبی میرمحمد
۱۲۸۹

شد زالطاف خداوند کریم
مفتی شرع محمد عظیم
۱۲۹۱

درخاتمه این وثیقه شرعیه ازطرف دارالقضاء دارالسلطنه کابل عبارات مقدسه کتب فقه شریف نوشته شده که ازنظر طوالت کلام احتراماً حذف گردید . درمتن عبارات مقدسه عربی درین ورد اخل شش یک مهرایات مبارکه قرانی نقش وزینت بخش اشکال مهرهای قضات محترم دیده میشود . ازروی سنوات مهرها معلوم میشود که اززمان امارت امیردوست محمد خان به شغل مقدس قضا وافتا شرف شمولیت داشته اند واما این وثیقه مربوط به سال اول تشکیل دارالقضاء دراوائل عهد امارت امیرعبدالرحمن خان است .

قلعه احمد خان سیک دربند وباطراف ان یازده ونیم قلبه زمین چهار پانزده خرواری رگنده مبذر ــ املاک زرخرید مرحوم وزیر شاه ولیخان که بقرارتقسیم شرعی به نعمتخان رسیده است .

واین سند ازطرف مرحوم محمد سرور خان نواده ولی نعمت خان به مؤلف این کتاب درسال ۱۳۳٤ شمسی ارائه گردید .

دارالقضاء دارالسلطنه کابـــــل

د رسنه (۱۳۱۷ هجری تمـــــــری

از اسناد شرعی مربوط خاندان اشرف الوزراء ســـردار شاه ولی خان مرحوم قباله د رنزد ورثه ءاو باقی مانده که د راین صفحات کتـــاب تاریخ دارالقضاء د رافغانستان باانداک اختصار نقل ودرج مـــــی گـــــــــــــردد :

شمس الدین مفتی شرع نبی
محکمــه کابل
۱۳۱۷

عبدالستار مفتی شرع نبـــــی
محکمه کابل

شاملوک مفتی شرع نبی
محکمه ء کابل

یاالـلـــــه

بابامراد قاضی دارالقضاء کابـــــــــل
سنه ۱۳۱۷

ذکر حدود همگی وتمامی شانزده قطعه زمین صالح الزراعت که عبارت ازشش خروارتخم ریزواقع اند د رموضع گلبهار کوهستان ومحدود انــد باین حدودار بعه :

قطعه ء اول : شرقاء وشمالاء پیوسته است براه عام غرباء متصـــل است بزمین ملک نوابخان ولد ملک خانجی خان ـ جنوباء ملحـــق است بزمین ملا شیرمحمد ولد مُلا یوسف +ـ

قطعه ٔ دوم ــ شرقاً و غرباً پیوسته است براه عام ــ شمالاً متصل است بزمین متروکه ٔ خواجه یحیی ولد طوره خان ــ جنوباً متصل است به جوی عام ــ

قطعه ٔ سوم ــ شرقاً و جنوباً پیوسته است بجوی عام ــ غرباً متصل است به قلعه ٔ متروکه علی خان ولد ملک محمد خان شمالاً متصل است به قلعه متروکه خان شیرین ولد ملک خان ــ

قطعه ٔ چهارم ــ شرقاً وغرباً ملحق است بزمین خان شیرین مذکور شمالاً وجنوباً متصل است براه عام ٠

قطعه ٔ پنجم شرقاً وشمالاً و جنوباً پیوسته است به جوی عام غرباً متصل است بزمین فیض طلب خان ولد ملک نواب خان وبرخی بزمین اقا میر ولد عزت میر٠

قطعه ٔ ششم ــ شرقاً وشمالاً پیوسته است بجوی عام غرباً پیوسته است براه عام ــ جنوباً متصل است بزمین شیر محمد ولد میران جی خان٠

قطعه ٔ هفتم ــ شرقاً و غرباً و جنوباً پیوسته است براه عام شمالاً عاید است بجوی عام ٠

قطعه ٔ هشتم ــ شرقاً ملحق است بزمین ملا غلام حضرت ولد صاحب زاده غرباً متصل است بزمین و قلعه ٔ متروکه میرسید شاه ولد میرماد شاه جنوباً ملحق است بجوی عام ــ

قطعه ٔ نهم ــ شرقاً پیوسته است بجوی عام ــ غرباً متصل است به پشته خرابه ــ شمالاً عاید است بزمین فیض محمد ولد اسلام جنوباً متصل است بجوی عام ٠

قطعه دهم ــ شرقاً وغرباً و جنوباً ملحق است به باغ علی خان ولد محمد رضا ــ شمالاً عاید است به جوی عام .

قطعهٔ یازدهم ــ شرقاً وشمالاً وجنوباً بزمین متروکه خان کلان ولد خواجه عباد الله .

قطعه دوازدهم وسیزدهم ــ متصل است به یکدیگر ــ شرقاً وغرباً پیوسته است بجوی عام ــ شمالاً وجنوباً بزمین خان کلان مذکور .

قطعه چهاردهم ــ شرقاً پیوسته است بره عام ....

....

یوم دوشنبه ۱۴ شعبان المعظم سال ۱۳۱۷ هجری بود که حاضر آمد بدارالقضاء دارالسلطنه کابل عالیجاه حاجی الحرمین شریفین حاجی جان محمد خان ولد ولی نعمت خان ولد غفران جاحاجی میر احمد خان اظهار نمود که محدودات مذکورات فوق الذکر جمع حقوق ومرافقهم ملك واشجار موروثی پدر وپدر کلان تملیکی من مظهر مذکور می باشد که والد من املاك موروثی والد خود را مابین چهار پسر والد خود تقسیم نموده ومحدودات مذکور سهم معینه بحصه والد من مظهر رسیده بود ووالد من درحالیه حیات خود محدودات مذکور رابرای من تملیك نموده بود حق وملك خود من میباشد ازمحدودات مذکورات فوق الذکر خود را برضاء ورغبت خود برای ولدان خود هریك محمد صدیق ومحمد سرور ــ مسمات تاجور سلطان ولدان حاجی جان محمد خان وغلام محمد وغلام حیدر ولدان محمد یعقوب خان ولد حاجی جان محمد خان مذکور تملیك وسپرده مذکوران کردم شش شهیدان

به لغف لمشهد ادای شهادت نمودند ازقریه گلبهار محدود شده
فوق الذکر حق وملك واشجار متفرقه حاجی جان محمد خان مذکور
که ازپدر واجداد برای مذکورمانده بود قرار خط هذا برای ولدان
مذکورحق وملك اشجارمتفرقه خود راتملیك شرعی نموده صحیح
می باشد .

وولدان مذکور حق وملك متصرفه فوق الذکر خود را قبض شرعی نمودند
فقط

نشان محراب ومنبر
عمل دفترمکولات دولت افغانستان
۱۳۱۳

ذَالِكَ فضلُ اللهِ يُوتِيه مَنْ يشاءُ وَاللهُ ذوالفَضْلِ العظيم

تحفهٔ دارالقضاء

درافغانستان این کشور تمدن پرور اسلامی ـ در ازمنهٔ قدیمایـن رسوم معمول ومروج بود که در روز جلوس پادشاه برمسند سینهٔ اسلامی ـ شیخ الاسلام عصر از طرف دارالقضاء و کافهٔ علماء علام شرعیه بفرد منتخب جالس سریرسلطنت اسلامیهٔ افغانیه ((قبا)) وعمامه تحفه مینمود و لنگوته برد ور کمر صاحب مسند می بست وادعیهٔ خالصانه برای دوام عدالت وحفظ امنیت عامهٔ مملکت وصلح واتحاد و اتفاق اهالی مسلمین وجهان بشریت برزبان صدق بیان ساداء می نمود . ومراسم مسند نشینی خاقان وقت را بتائید رسوم خواقیـن مسلمین بنام ((قباپوشی ودستاربندی)) بجامی آورد . وبعـد طی این مراسم پادشاه برسم خلعت سلطنت یک یک ((قبا)) بـه جلیل ترین افراد علماء شرعیهٔ دینیه بالخصوص اهالی شریف انـور که در ایفاء مراسم جلوس شرعی اشتراک میداشتند ـ اعطاء و مراتب احترام بمقام علم وعلماء دینیه ازخود ابراز میکرد .

دارالقضاء قندهار که بعنوان دارالقضاء حضور لامع النور احمد شاهی واقع دراشرف البلاد ـ مشهورومعروف جهان اسلام بود در خصوص حفظ مراسم تحت نشینی سلطنت شرعی و قانونی اعلیحضرت تیمورشاه وارث بالاستحقاق اولی الامری افغانی ـ لایحهٔ حاوی عبارات مقدسهٔ عربی و نثر و نظم دری بقرار روایات معتبر کتب فقه

اسلامی مطابق بمقررات مذهب منیف امام الاعظم کوفی رحمته الله تعا
لی علیه ترتیب داده تقدیم نمود . که دارای شرح و تفصیل علمی
نهایت زیاد بوده و خلاصه ٔ مفاد آن همه عبارات ونکات را ازجانب
خود این کمترین :

عزیزالدین وکیلی فوفلزائی درانی باین نظم ساده و حلی برگردانیده
در این قسمت ملحقات تاریخ دارالقضاء درافغانستان می افزایم زیرا
که ترجمه واختصاری از آن مطالب جرگه ٔ علماء است که بحیث یکی
از روشنترین وثائق تذکار شرعی حسن دیانت پرستی واستقلال
دوستی ملت افغانستان درجوف اسناد ویادداشت های دارالقضا
درد وقرن اخیرباقی مانده واستخراج چهارده مواد تاریخ بقرار
اصول جمل که خود دریافت کرده ام ودراین نظم گنجانیده ام
موٴید آن اقوال می باشد وازنکاه مفاهیم ازاصل متن مغایرت ندارد
وعباره ٔ آن است .

فهـــو هـــــــذا

شمس تیمور شه چو طالع شد به شهر قند هار

مژده امد اعتلای شرع برشهر و دیـــار

سال تاریخ جلوسش جامه ٔ دارالقضا)

۱۱۸۶ ق

زینت مه یافت از (یک موقنت) برسپرتـــار

۱۱۸۶ ق

از شکوه فضل واحسان هم زامرا احتساب

(عاقد اعظم) بعالم (مولد ثروت) شعـــار

۱۱۸۶ ق ۱۱۸۶ ق

قاضی دوران عدلش نخبه دردنیای شرع

مفتی ارکان شرعش پیرو هرجا ریـــار

کام بخش عدل عالم سبع این (اصدق نظام)

۱۱۸۶ ق

برتمام نسل آدم تابقای روزگـــار

تحفه ٔ دارالقضا ٔشد نصرت ملك دعـــا

بربقای شاه اسلام ازنیات عـــدل وکار

ازبرای عدل عالم نی زروی مدح وو صفـــت

مشورت درامر گفتست حکم اقدس کردگـــار

(اشرفقا مین عدل) است این سعادت دزوطن

۱۱۸۶ ق

ازضیاء شمس تابان آن عدالت دوستـــدار

فکرتقوای شهی اند رامور (ورود وعـــظ)

۱۱۸۶ ق

قطره ٔ باران رحمت برحیات گل و خـــار

زورو بازوی جهاد ازقوت اسلامی است

بیرق نصرت چودارد شان وغیرت همقطار

صفحه دارالقضاء است فیض (توثیق قلم)

۱۱۸۶ ق

بروثوق عدل محکم منجلی هم مهردار

می پسند دعدل راا هل قضا برداهیان

همچوتیمورشه که خواهد عدل را برجود وتار

کوثواب معدلت اوهست از (شرع شریف)

۱۱۶۰ ق

نصب اندر (شهرخرقه) مملکت را بخت یار

فردا رشد شد زغیرت در وطن صاحب فره

اعتصام حق بجا ازملك دولت در حصار

وسعت اقلیم شاهش ساحت هفتاد شهر

از (وثیق شرع) دارد جمله کشوراستوار

۱۱۸۶ ق

سلطنت شد شرعی ازعدل (شاه ذی یقین)

۱۱۸۶ ق

صلح خواه است بسکه اعلی حضرت حشمت مدار

برگروه علم داد ست ازکف خود در جلوس

ازفیوض عدل بهتر (خلعت مولی) تیار

۱۱۸۶ ق

خصلت اعلی بد نیا مشورت هم همت است

فرض در دولت همیش هرچند عمراست مستعار

ا این بود باقی بعالم دولت عدل آفرین

سکه برزرتا قیامت ازشه دوران عیار

روح خاقان کبیر ازجسم شه تیمور خوش است

برثغور کل خراسان تا به کاشمرکشت وار

ازدوام اقتداء بر (حالت مذهب) قوام

۱۱۸۶ق

بربقای اهل دوران ازعدالت برقرار

تا بماند فخرکشور نقش هستی اش مدام

مملکت خواهد که باشد شرح ازوی افتخار

شرح تذکار مبارک هفت قلم پوپل زئی

چید این تاریخ ها را ازکتاب عهد پار

بهر ناموس وطن این سرزمین مستقل

بهر حفظ کل امانت چند بیت اختصار

ست از (نیت خلوص) تکرار این طرز ادب

۱۱۸۶ق

پس خجسته هم مبارک همچو شمس اند رنهار

""""""""""""""""""""""""

توضیح

سنه (۱۱۶۰) هجری قمری سال جلوس اعلیحضرت احمد شاه درانی وسال ولادت فرزند شهزاده تیمورشاه درانی است ۰ واین تاریخ را بقرار اصول جمل ازعبارات مقدس (شرع شریف) استخراج کرده ام وحسن تصادف است ۰

سنه فوت اعلیحضرت احمد شاه درانی و جلوس اعلیحضرت تیمورشاه درانی درشهر قندهار (۱۱۸۶) هجری قمری است که درنظم فوق چهارده بار بطور تعمیه آورده این امانات تاریخ را اداء نموده ام ۰ وفات اعلیحضرت احمد شاه غازی کبیر درولسوالی مرغه قندهار — وقت چاشت روز پنجشنبه (۲) ربیع الاول سنه (۱۱۸۶) هجری قمری مطابق (۱۲) جوزای سال (۱۱۵۰) لوی ئیل شمسی موافق (۲) جون (۱۷۷۲) میلادی ۰ دفن در روضه ٔ باغ شهر قندهار جمعه سه ربیع الاول ۰

جلوس اعلیحضرت تیمورشاه درانی درشهر قندهار پنجشنبه (۱۹) جمادی الاولی سنه (۱۱۸۶) هجری قمری مطابق (۲۷) برج — اسد سال (۱۱۵۰) لوی ئیل شمسی (سال نهنگ) موافق (۱۸) اگست (۱۷۷۲) میلادی ۰

قبلاً درمدت دوماه و پنج روز شاهزاده سلیمان درمرکز قندهار فرمانروا بود تاآنکه درلویه جرگه علماء ووکلاء افغانستان تیمورشاه سراول اعلیحضرت احمد شاه درانی مستحق مسند سلطنت امپراتوری افغانستان شناخته شد ۰ واین حقیقت درامروز درکتاب تاریخ

دارالقضاء در افغانستان نیز اداء میشود زیراکه در حفظ و حمایت استقلال کامل افغانستان این کشور تاریخی اسلامی از لحاظ تاثیرات بزرگ بدرجه اول دارد .

(ومن الله التوفیـــــق)

عزیزالدین وکیلی فوفلزائی درانی .

خاتمهٔ طبع

در سنه (۱٤۱۱) هجری قمری کتاب تاریخ دارالقضاء در افغانستان ((تألیف خودم)) از طرف مرکز تحقیقات علوم اسلامی از مطبعه دولتی کابل فراغت طبع حاصل نمود.

واین رباعی را در خاتمهٔ صفحات مطبوع آن اثر مؤلفه خود باین معنی که یک اثر دینی و تاریخی است افزودم وسنهٔ خاتمه طبع را به حساب قمری از اصول جمل از عبارت (موجد نخبه اثر) دریافته استخراج نمودم:

ازبحور علم آمد این یکی عمده گهـــــــر
درکف دار عدالت صفحهٔ زبده ثمـــــــر
سال طبع شرح احوال قضاء اندر علــــــوم
قاضی عقلم بگفتا : (مُوجد نخبه اثـــر)
۱٤۱۱ ق

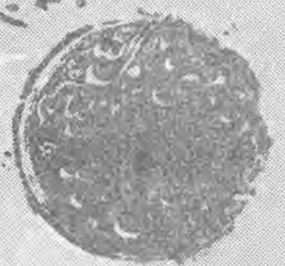
اول محرم الحرام سنه (۱٤۱۱) هجری قمری مطابق اول بـــرج اسد ((یونت ئیل)) سال اسپ (۱۳٦۹) هجری شمسی و موافق (۲۳) جولای ۱۹۹۰ میلادی عیسوی است.

(عزیزالدین ابن الحاج نظام الدین وکیلــــی









در تاریخ بیست ششم شهر صفر المظفر ۱۲۵۰ یکهزار

و اطراف ... بمهر ... و نیب ... خوش ... حاجی خان

ولدان حاجی محمد مرحوم و نور شاه و عبد الحمید و محمد شاه و ولدان حبیب مرحوم و دیگر

دیگر هوش و ناصر ولدان حسن مرحوم و لعل محمد ولد شاه قلندر و حمید و وزیر

دستگیر و دلبر ولدان مراد بخت مرحوم بهاء الدین و سیف الدین

ولدان عزیز مرحوم و زبیر و هارون ولدان خدیداد مرحوم

نهر ... سالخ ... توابع ... جبرکار ... که ...

ثبات دو قطعه زمین طالیج زراعت ساخته ... ملک قطعه اول

که حالا است ... بمنع جواز البیع که محدود است بدین حدود

ابو قطعه اول شرقا متصل است بجر ... ...

في تفسيقه فكان موضع [illegible] من [illegible] ومن سهوه [illegible]

[illegible]

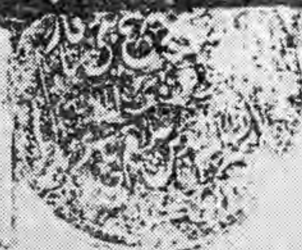
الطاهر بعد الا مكان وجوده ووقوعه والظاهر [illegible] لا [illegible] والملغ عليه [illegible]

[illegible] و [illegible] در [illegible] قلعه معموره مشتمل بر [illegible] و [illegible] مثمره و غیر مثمره [illegible] باغ مشتمل بر اشجار مثمره [illegible] و [illegible] ده [illegible]

[illegible] که داخل است [illegible] تحت [illegible] مشتمل [illegible] واقع اند در موضع [illegible] جمیع [illegible]

[illegible] و [illegible] عام [illegible] قلعه مشهور [illegible]









در تاریخ ۲۲ شهر جمادی الثانی سنه ... اقرار معتبر شرعی نمودند عالیجاهان ...

میر مصطفی خان و میر سید گل خان و میر محمد صدیق و میر کریم ...

مرحوم سکنه موضع ... للنذر ... بر اعلام تام صحیح ...

زر ... در حضور ... امیر خان ... حضرت آقا محمد ...

دختر ... عبد الله خان مرحوم ... می گردند ...

... از ... که از ... باشند ...

و مانند ... مذکورین ... مذکوران ...

... مذکوران ...

... اقرار ... مذکورین ...

که ... میر ... نقی خان مرحوم ...

... میر ... خان ... مذکوران ... نماید ...

قبض دلو قبول نمود سید میرزا امیر کابلی [illegible] آنکه

مبلغ یک لک [illegible] که عبارت [illegible]

سالیانه تمام که عبارت دوازده ماه [illegible]

سال همین از عالیجاه رفیع جایگاه [illegible]

علم خان وکیل الدوله بتمام و کمال [illegible]

واصل و عاید شده مهر گردید و در [illegible]

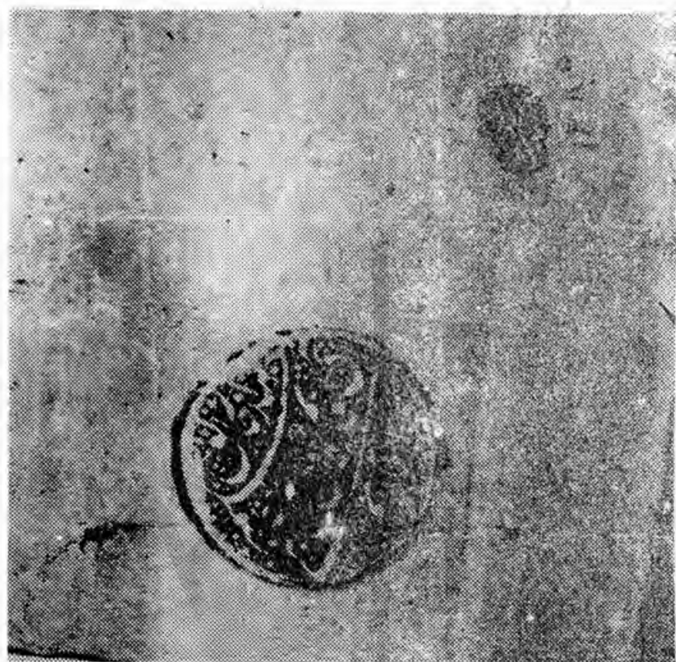
عالیجاه [illegible] غره شهر محرم الحرام سنه ۱۲۱۵

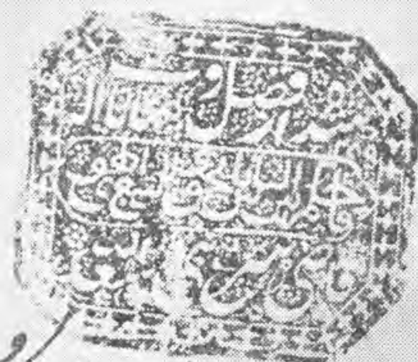
ضمیمه کتاب تاریخ دارالقضاء درافغانستان














در تاریخ پنجم ماه جمادی الاول سنه ۱۲۶۱ [illegible]

[illegible] اقرار [illegible] اسلام [illegible] خان [illegible]

[illegible] از [illegible] در تحقیق [illegible] شاه [illegible]

[illegible] از [illegible] شاه [illegible]

[illegible]

[illegible] خان [illegible] خان [illegible] خان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] خان [illegible]

[illegible] خان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ومن یتوکل علی الله فهو حسبه

الحمد لله که رساله هذا موسوم بحجة قویه در ابطال عقاید وهابیه نوشته

از تالیفات علامه زمان و فهامه دوران مولانا عبد الرحمن

الشهیر بخان ملا خان حسب الامر بندگان حکمت شان امیر

کبیر امیر شیر علیخان والی ممالک افغانستان

حفظهما الله الملک المنان من حوادث الدوران

بحضرت الجبر اعز الزمان در دار السلطنه کابل

در مطبع مصطفائی باهتمام ... میرزا محمد صادق ... ۱۲۹۰

وهو حسبی و نعم الوکیل

و وی بسنده است مرا و نیک کار گذار است

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

امیر عبد الرحمن دستخط کردم

الحمد لله که در این زمان سعادت توامان این کتاب مستطاب المسمی
به کلمات امیر البلاد فی الترغیب الی الجهاد امتثالاً للامر الاشرف
الاعلی که اسم اشرفش از آیهٔ الملک یومئذ الحق للرحمن
وکان یوماً علی الکافرین عسیراً پیدا و هویدا به اهتمام العبد الجانی الخادم الحاج
میر باقر در مطبع همایون دار السلطنه کابل بتاریخ ۲۵ شهر رجب المرجب
زیبا لباس طبع پوشید
سنه ۱۳۰۴

ذٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ

المنة لله که بفرمان همایون کار فلک اقتدار این کتاب فوز و فلاح بنیاد المسمی

کلمات امیر البلاد فی الترغیب الی الجهاد

١٣٠٤

باهتمام نیک انجام سیادت پناه نجابت دستگاه میر محمد عظیم خان سارجن دام مجده

بدار السلطنة کابل طبع گردید













جدول وثایق لا محصول	
[illegible]	محل نصب تکت
اقرار خط	
التزام	
وکالت	
ضمانت خط	
وصایت	
ابراء خط [illegible]	

جدول وثایق محصول دار		
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible] ۱۰۰ [illegible]	(۱) روپیه
[illegible]	〃 〃 〃	〃
صورت حال	〃 〃 〃	〃
ابراء خط	〃 〃 〃	〃 〃
[illegible]	〃 〃 〃	〃
[illegible]	〃 〃 〃	〃
[illegible]	〃 〃 〃	(۲) روپیه
[illegible]	〃 〃 〃	〃
فیصله	〃 〃 〃	(٦) روپیه

وثیقه خط شرعی

[illegible] خط شرعی ۲۴





بدار السلطنة کابل چهاپ شد
حجت

ضمیمه کتاب تاریخ دارا لقضاء درافغانستان

ذکر حدود [illegible] جوی [illegible]

و واقع اند در موضع یوسف‌آباد [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲۱۳ [illegible]

[illegible] خواجه [illegible] محمد قاسم [illegible]

وکیل [illegible] از قبل امیرخان [illegible] عبدالله خان [illegible]

[illegible] خان [illegible] عبدالرحمن [illegible]

و محمد علی [illegible] علیهم [illegible]

[illegible] که از ایام خاقان جنت مکان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]









در تاریخ ۹ شهر صفر المظفر سنه ۱۱۹۸ هزار یکصد نود هشت بحضور که اقرار معتبر شرعی نموده عالیجاه رفعت



و نجابت پناه میرزا صادق محمد خان ابن مرحوم شیرزه خان قلعه‌دار سابق قلعه نجیبه دارالسلطنه کابل



بر [illegible] محمد جوان مذکوران [illegible] عالیجاه رفیع جایگاه امیر الامراء العظام



اسوة الکبراء الفخام مقرب الخاقان عبدالله خان وکیل الدوله سرکار خاصه شریفه بمبلغ بیست

تومان رایج [illegible] عبارت از چهار صد [illegible] است به بیع بات بتات قطعی

فروخته بود و مبلغ مذکور ثمن محمد جوان مذکوران را تمام و کمال از تسلیم عالیجاه مذکور اخذ و قبض

شرعی نموده بود [illegible] باقی نمانده و قباله محمد جوان مذکوران را [illegible]

[illegible] بالفعل [illegible] مذکور [illegible] متصل است [illegible]

[illegible]

[illegible]

مشتری مذکور می نماید که قباله مذکوره سابق [illegible] هذا وثیقه [illegible]

که عند الحاجت حجت و سند باشد [illegible] محمد جوان مذکوران [illegible]

[illegible]

[illegible]

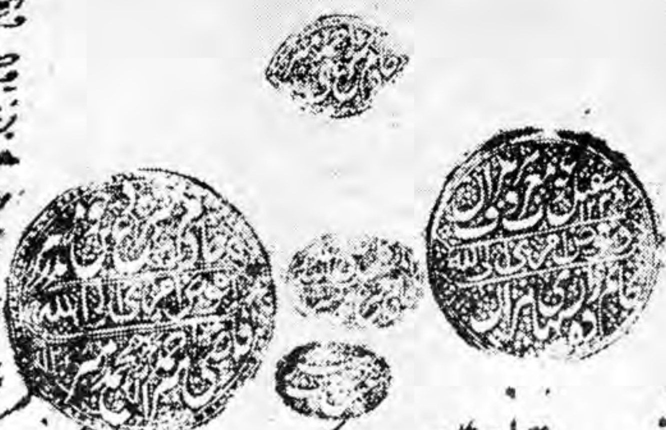
[illegible]

[illegible]

[illegible]

ضمیمه کتاب تاریخ دارالقضاء در افغانستان

ضمیمه کتاب تاریخ دارالقضاء درافغانستان



در تاریخ هفتم شهر جمادی الثانی سنه [illegible] [illegible] اقرار معتبر شرعی [illegible]

[illegible]

[illegible] اقرار [illegible] شرعی [illegible] بیع [illegible] قطعه [illegible] سردار [illegible]

جناب عالی متعالی سردار محمد اکرم خان [illegible] جناب اشرف [illegible] امیر المؤمنین دوست محمد خان همگی و تمامی [illegible]

[illegible] قطعه زمین [illegible] واقع است [illegible] مذکور [illegible] محدود

[illegible] قطعه اول شرقاً و جنوباً متصل [illegible] زمین حاجی [illegible] محمد غرباً و شمالاً متصل [illegible] بجوی عامه قطعه دوم

شرقاً متصل [illegible] زمین حاجی مذکور غرباً و جنوباً متصل [illegible]

شمالاً متصل [illegible] بجوی عام قطعه سیم شرقاً [illegible] جوی عام غرباً و جنوباً [illegible]

قطعه چهارم شرقاً و غرباً و جنوباً متصل [illegible] زمین [illegible] شمالاً متصل [illegible]

قطعه پنجم شرقاً متصل [illegible] غرباً متصل [illegible]

بجوی عام و قطعه [illegible]

[illegible]







در تاریخ هفتم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۵۳ [illegible] اقرار معتبر صحیح شرعی [illegible]

[illegible] صورت [illegible] [illegible]

[illegible] اقرار [illegible] شرعا [illegible] بیع [illegible] قطع بدست سردار

جناب عالی متعالی سردار محمد اکرم خان [illegible] ابن جناب اشرف [illegible] دوست محمد خان همگی و تمامی موازی

[illegible] قطعه زمین [illegible] که واقع است در موضع مذکور و محدود

[illegible] حدود [illegible] قطعه اول شرقا و جنوبا متصل [illegible] زمین حاجی [illegible] محمد غربا و شمالا متصل [illegible] بجوی عامه قطعه دوم

شرقاً متصل است [illegible] زمین حاجی مذکور غرباً و جنوباً متصل [illegible]

شمالاً متصل است بجوی عام قطعه سیم شرقاً [illegible] جوی عام غرباً و جنوباً [illegible]

قطعه چهارم شرقاً و غرباً و جنوباً متصل است [illegible] شمالاً متصل

قطعه پنجم شرقاً متصل [illegible] غرباً متصل [illegible]

بجوی عام و قطعه [illegible]

[illegible]

۱۲۶۸

در تاریخ بیست و هفتم شهر رجب المرجب سنه هزار

و دو صد و شصت و هشت بود که از [illegible] معتبر صحیح شرعیه

عالیجاه امیر محمد خان ابن مرحوم کریمداد خان ابن مرحوم

[illegible]

[illegible] ابن احمد شاه [illegible] وکالت [illegible] ثابت

الوکالت [illegible] حیات [illegible]

بنت مرحوم امیر خان زوجه [illegible] کریمداد خان

[illegible] عالیجاه محمد خان

ابن مرحوم [illegible] خان ابن مرحوم سعید محمد خان و شهباز

ابن مرحوم ملا لطیف ابن [illegible]

[illegible] شرعی [illegible] تسلیم عالیجاه [illegible]

[illegible] احمد خان و [illegible] خان [illegible]

مرحوم [illegible] خان مبلغ یکصد و هشتاد و دو روپیه

ذکر حدود [illegible] و تمامی شانزده قطعه زمین صالح الزراعت که عبارت است از [illegible] در موضع [illegible] محدود [illegible]

[illegible] شرقا و شمالا [illegible] غربا متصل است بزمین ملک [illegible]





یعنی

نشسته ام در میان شما [illegible] اگر چنگ [illegible] دست [illegible] خود ساز

هرگز راه ترقی و جهانی را گم نخواهید کرد، قرآن [illegible] و سنت [illegible] روشن کن.

کتاب

هدایت نصاب



قسم دوم

این کتاب با هدایت نصاب

جزا

(به توجهات [illegible] مهمات ترقی آیات اعلیحضرت جوانبخت سعادت تخت (الغازی امیر امان الله خان)
[illegible] مجاهد دولت علیه اسلامیه مستقله افغانستان حفظها الله بالامن والامان برای دستور العمل
[illegible] بعد از [illegible] ذوات محترمه اعضای محفل شورای علوم
منظور [illegible] شده است.

([illegible] مطبعه [illegible] کابل [illegible] ۱۳۰۰ هجری [illegible] طبع شد)

(دو هزار) جلد

(صورت امضای قضاة محاکم وزارة جلیلهٔ عدلیه)

چون کتاب مستطاب (تمسّك القضاة الامانیة) از تألیف علمای حضور برآمده وامضای حضور اعلیحضرت شهریار غازی ادام الله سلطنته براجرای آن شده که بعد از ملاحظهٔ قاضی القضاة وقضاة واهالی محکمه جات ابتدائیه ومرافعهٔ حقوق وجزا ووثیقه جات بعمل آورده شود حسب الامر واجب الامتثال سراپا ملاحظه شد مسائل آن صحیح است .

حضرت حق سبحانه وتعالی بحرمة حضرت صاحب شریعه صلّی الله علیه وآله وصحبه وسلّم ، وجود مسعود این پادشاه اسلام پناه راکه باعث اجرای عام شرع شریف میباشند بکامیابی ترقیات دین ودنیا محظوظ وازچشم زخم اعادی دین ودولت اسلام محفوظ داراد آمین .

دستخط عبد الشکور قاضی القضاة	دستخط سیف الرحمن قاضی عسکر
دستخط محمد عبد الواسع قندهاری	دستخط ملا عبد الحمید قاضی مرافعهٔ حقوق
دستخط ملا عبد الرحمن قاضی مرافعهٔ جزا	دستخط ملا محمد امین قاضی ابتدائیهٔ حقوق
دستخط ملا عبد الجلیل قاضی ابتدائیهٔ جزا	دستخط ملا عبد الرشید قاضی وثیقه جات

چې عمل یې دیني وي میړه هغه

(لوی اعلیحضرت احمد شاه بابا)

راقمه عزیز الدین بن المرحوم حاجي نظام الدین وکیلي

۱۳۶۹

در ربع اسد سال ۱۳۶۹ هجری شمسی در لندن وقتی که کتاب مستطاب تاریخ دار القضاء در افغانستان

سال طبع شرح احوال قضات اندر علوم

قاضی عقل تکفار موجد نکته ات (۱۴۱۱ ق)

عزیز الدین وکیلی پوپلزائی

نویسنده و مولف کتاب تاریخ دار القضاء در افغانستان

۱۳۶۹

سال طبع

از نجوم علم آمد این یکی عمده گهر

در کف دارا عدالت صفحه زیبنده ام

تالیف نمودم که از طرف مرکز تحقیقات علوم اسلامی از مطبعه ... فراغت طبع حاصل نمود این رباعی را ... از خود گفته در پایه آخرین صفحات آن افزودم عزیز الدین



عزیز الدین وکیلی فوفلزائی

«خطاط هفت قلمی» کارمند شایستهٔ فرهنگ

از حسن نظر و مزید علاقهٔ محترم شمس الحق فضلی عضو دیپارتمنت تاریخ و سرپرست نشرات مرکز تحقیقات علوم اسلامی
که در قسمت طبع کتاب تاریخ دار القضاء، دار افغانستان و دیگر مؤلفات علمی و ذهنی اینجانب ابراز نموده‌اند امتنان می‌نمایم.

«عزیز الدین وکیلی فوفلزائی»

دولت علیه‌نك مطبعه‌سی

١٢٦٩

یادداشت

بخش اول تاریخ دارا لقضاء در افغانستان ـ تا لیف ونگار ش‌عزیز الدین وکیلی پو پلزا ئی ـ با ضمیمه‌اسناد دراین‌جلد اول با نجام رسید بخش دوم ـ تالیف و نگار ش محمدعثمان ژوبل که ا زبرج ثور سال ۱۳۵۷ شمسی تابر ج میزان سال ۱۳۶۹شمسی را احتوا نموده درجلد علیحده انطباع یا فته واین سلسله تاریخ را در دوره‌انقلاب ثور ـ تکمیل کرده وعلا قمندان محترم از مو جودیت‌هردو بخش مطلع با شند.

(ومن الله التو فیق)

تاریخ دارا لقضاء در افغانستان‌طبع سال ۱۳۶۹ ش .

مطبعه دولتی ـ کابل



یؤتی الحکمة من یشاء ومن یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا

علوم اسلامی و مرکز تحقیقات فقهی افغانستان

۱۳۶۹ P٣٦١

الراقم عزیز الدین وکیلی فوفلزائی

مؤلف تاریخ دار القضاء افغانستان

مطبعه دولتی

کابل افغانستان



(۴۱۱)